



مرکز تحقیقات اسلامی

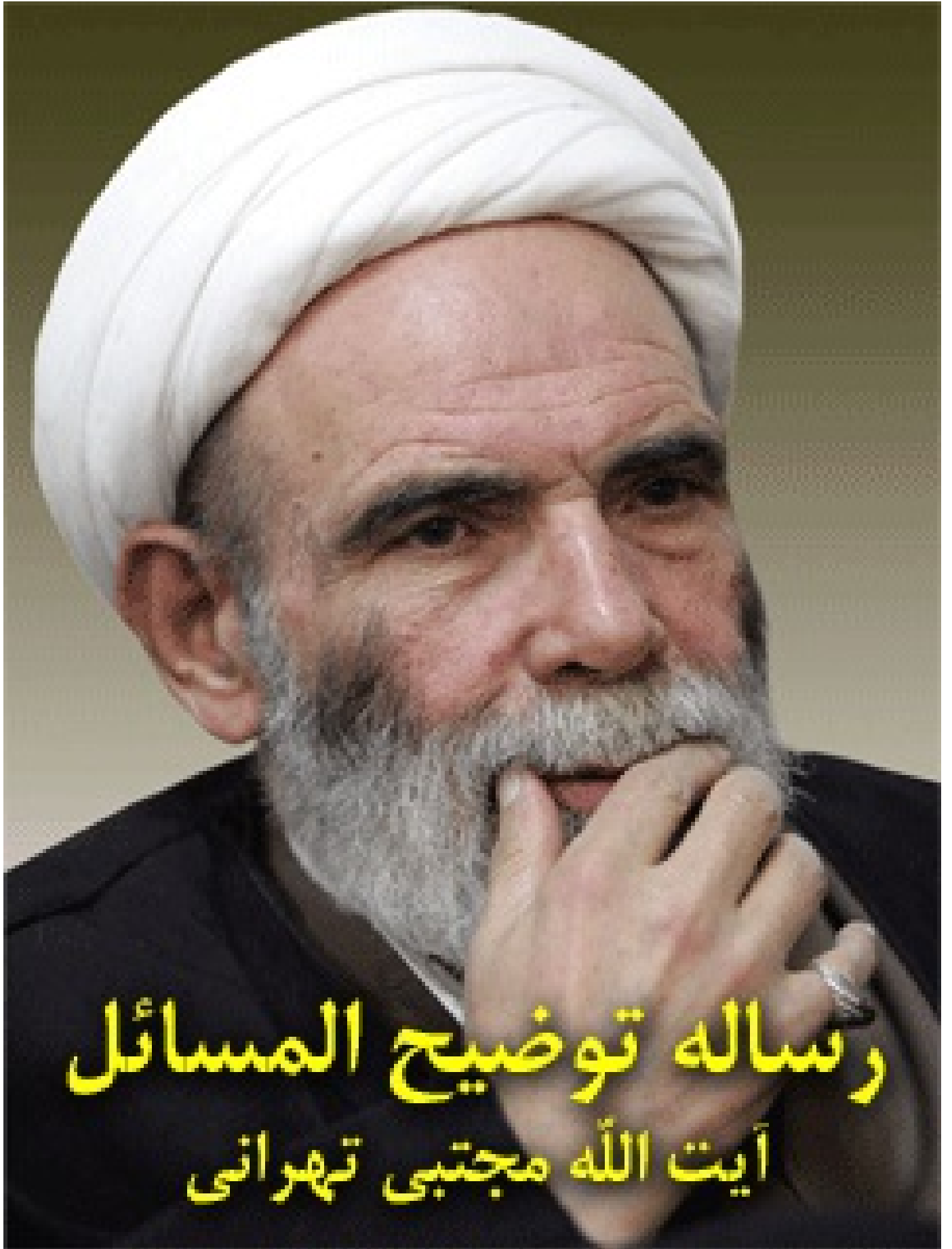
اصفهان

گامی



عمران  
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



رساله توضيح المسائل  
آيت الله مجتبي تهراني

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# رساله توضیح المسائل آیت الله مجتبی تهرانى

نویسنده:

آیت الله مجتبی تهرانى (دام ظلّه)

ناشر چاپی:

پیام آزادی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۴۵	رساله توضیح المسائل آیت الله مجتبی تهرانى
۱۴۵	مشخصات کتاب
۱۴۵	احکام تقلید
۱۴۵	مسأله ۱
۱۴۵	مسأله ۲
۱۴۶	مسأله ۳
۱۴۶	مسأله ۴
۱۴۶	مسأله ۵
۱۴۶	مسأله ۶
۱۴۷	مسأله ۷
۱۴۷	مسأله ۸
۱۴۷	مسأله ۹
۱۴۷	مسأله ۱۰
۱۴۷	مسأله ۱۱
۱۴۸	مسأله ۱۲
۱۴۸	مسأله ۱۳
۱۴۸	مسأله ۱۴
۱۴۸	مسأله ۱۵
۱۴۸	احکام طهارت
۱۴۸	آب مطلق و مضاف
۱۴۸	۱ - آب کر
۱۴۸	مسأله ۱۶

۱۴۸	مسأله ۱۷
۱۴۹	مسأله ۱۸
۱۴۹	مسأله ۱۹
۱۴۹	مسأله ۲۰
۱۴۹	مسأله ۲۱
۱۴۹	مسأله ۲۲
۱۴۹	مسأله ۲۳
۱۴۹	مسأله ۲۴
۱۵۰	۲ - آب قلیل
۱۵۰	مسأله ۲۵
۱۵۰	مسأله ۲۶
۱۵۰	مسأله ۲۷
۱۵۰	۳ - آب جاری
۱۵۰	مسأله ۲۸
۱۵۰	مسأله ۲۹
۱۵۰	مسأله ۳۰
۱۵۱	مسأله ۳۱
۱۵۱	مسأله ۳۲
۱۵۱	مسأله ۳۳
۱۵۱	مسأله ۳۴
۱۵۱	مسأله ۳۵
۱۵۱	مسأله ۳۶
۱۵۱	۴ - آب باران
۱۵۱	مسأله ۳۷

۱۵۱	مسأله ۳۸
۱۵۲	مسأله ۳۹
۱۵۲	مسأله ۴۰
۱۵۲	مسأله ۴۱
۱۵۲	مسأله ۴۲
۱۵۲	مسأله ۴۳
۱۵۲	۵ - آب چاه
۱۵۲	مسأله ۴۴
۱۵۲	مسأله ۴۵
۱۵۲	مسأله ۴۶
۱۵۳	احکام آبها
۱۵۳	مسأله ۴۷
۱۵۳	مسأله ۴۸
۱۵۳	مسأله ۴۹
۱۵۳	مسأله ۵۰
۱۵۳	مسأله ۵۱
۱۵۳	مسأله ۵۲
۱۵۳	مسأله ۵۳
۱۵۴	مسأله ۵۴
۱۵۴	مسأله ۵۵
۱۵۴	مسأله ۵۶
۱۵۴	احکام تَخْلِي (بول و غائط کردن)
۱۵۴	مسأله ۵۷
۱۵۴	مسأله ۵۸

۱۵۴	مسأله ۵۹
۱۵۴	مسأله ۶۰
۱۵۴	مسأله ۶۱
۱۵۵	مسأله ۶۲
۱۵۵	مسأله ۶۳
۱۵۵	مسأله ۶۴
۱۵۵	مسأله ۶۵
۱۵۵	مسأله ۶۶
۱۵۵	مسأله ۶۷
۱۵۵	مسأله ۶۸
۱۵۶	مسأله ۶۹
۱۵۶	مسأله ۷۰
۱۵۶	مسأله ۷۱
۱۵۶	استبیرا
۱۵۶	مسأله ۷۲
۱۵۶	مسأله ۷۳
۱۵۶	مسأله ۷۴
۱۵۷	مسأله ۷۵
۱۵۷	مسأله ۷۶
۱۵۷	مسأله ۷۷
۱۵۷	مستحبات و مکروهات تخلی
۱۵۷	مسأله ۷۸
۱۵۷	مسأله ۷۹
۱۵۷	مسأله ۸۰



۱۵۷	مسأله ۸۱
۱۵۷	مسأله ۸۲
۱۵۷	[انجاسات]
۱۵۸	اشاره
۱۵۸	مسأله ۸۳
۱۵۸	۱ - و ۲ - بول و غائط
۱۵۸	مسأله ۸۴
۱۵۸	مسأله ۸۵
۱۵۸	مسأله ۸۶
۱۵۸	۳ - منی
۱۵۸	مسأله ۸۷
۱۵۸	۴ - مردار
۱۵۸	مسأله ۸۸
۱۵۸	مسأله ۸۹
۱۵۹	مسأله ۹۰
۱۵۹	مسأله ۹۱
۱۵۹	مسأله ۹۲
۱۵۹	مسأله ۹۳
۱۵۹	مسأله ۹۴
۱۵۹	مسأله ۹۵
۱۵۹	۵ - خون
۱۵۹	مسأله ۹۶
۱۶۰	مسأله ۹۷
۱۶۰	مسأله ۹۸

- مسأله ۹۹ ..... ۱۶۰
- مسأله ۱۰۰ ..... ۱۶۰
- مسأله ۱۰۱ ..... ۱۶۰
- مسأله ۱۰۲ ..... ۱۶۰
- مسأله ۱۰۳ ..... ۱۶۰
- مسأله ۱۰۴ ..... ۱۶۱
- ۶- و ۷- سگ و خوک ..... ۱۶۱
- مسأله ۱۰۵ ..... ۱۶۱
- ۸- کافر ..... ۱۶۱
- مسأله ۱۰۶ ..... ۱۶۱
- مسأله ۱۰۷ ..... ۱۶۱
- مسأله ۱۰۸ ..... ۱۶۱
- مسأله ۱۰۹ ..... ۱۶۱
- مسأله ۱۱۰ ..... ۱۶۱
- ۹- شراب ..... ۱۶۲
- مسأله ۱۱۱ ..... ۱۶۲
- مسأله ۱۱۲ ..... ۱۶۲
- مسأله ۱۱۳ ..... ۱۶۲
- مسأله ۱۱۴ ..... ۱۶۲
- ۱۰- ففعا ..... ۱۶۲
- مسأله ۱۱۵ ..... ۱۶۲
- عرق جنب از حرام ..... ۱۶۲
- مسأله ۱۱۶ ..... ۱۶۲
- مسأله ۱۱۷ ..... ۱۶۲

- مسأله ۱۱۸ ..... ۱۶۳
- مسأله ۱۱۹ ..... ۱۶۳
- ۱۱ - عرق شتر نجاست خوار ..... ۱۶۳
- مسأله ۱۲۰ ..... ۱۶۳
- راه ثابت شدن نجاست ..... ۱۶۳
- مسأله ۱۲۱ ..... ۱۶۳
- مسأله ۱۲۲ ..... ۱۶۳
- مسأله ۱۲۳ ..... ۱۶۴
- مسأله ۱۲۴ ..... ۱۶۴
- راه نجس شدن چیزهای پاک ..... ۱۶۴
- مسأله ۱۲۵ ..... ۱۶۴
- مسأله ۱۲۶ ..... ۱۶۴
- مسأله ۱۲۷ ..... ۱۶۴
- مسأله ۱۲۸ ..... ۱۶۴
- مسأله ۱۲۹ ..... ۱۶۴
- مسأله ۱۳۰ ..... ۱۶۴
- مسأله ۱۳۱ ..... ۱۶۵
- مسأله ۱۳۲ ..... ۱۶۵
- مسأله ۱۳۳ ..... ۱۶۵
- مسأله ۱۳۴ ..... ۱۶۵
- احکام نجاسات ..... ۱۶۵
- مسأله ۱۳۵ ..... ۱۶۵
- مسأله ۱۳۶ ..... ۱۶۵
- مسأله ۱۳۷ ..... ۱۶۵

۱۶۵	مسأله ۱۳۸
۱۶۶	مسأله ۱۳۹
۱۶۶	مسأله ۱۴۰
۱۶۶	مسأله ۱۴۱
۱۶۶	مسأله ۱۴۲
۱۶۶	مسأله ۱۴۳
۱۶۶	مسأله ۱۴۴
۱۶۶	مسأله ۱۴۵
۱۶۷	مسأله ۱۴۶
۱۶۷	مسأله ۱۴۷
۱۶۷	مطهرات
۱۶۷	اشاره
۱۶۷	مسأله ۱۴۸
۱۶۸	۱ - آب
۱۶۸	مسأله ۱۴۹
۱۶۸	مسأله ۱۵۰
۱۶۸	مسأله ۱۵۱
۱۶۸	مسأله ۱۵۲
۱۶۸	مسأله ۱۵۳
۱۶۹	مسأله ۱۵۴
۱۶۹	مسأله ۱۵۵
۱۶۹	مسأله ۱۵۶
۱۶۹	مسأله ۱۵۷
۱۶۹	مسأله ۱۵۸

۱۶۹	مسأله ۱۵۹
۱۶۹	مسأله ۱۶۰
۱۷۰	مسأله ۱۶۱
۱۷۰	مسأله ۱۶۲
۱۷۰	مسأله ۱۶۳
۱۷۰	مسأله ۱۶۴
۱۷۰	مسأله ۱۶۵
۱۷۰	مسأله ۱۶۶
۱۷۰	مسأله ۱۶۷
۱۷۱	مسأله ۱۶۸
۱۷۱	مسأله ۱۶۹
۱۷۱	مسأله ۱۷۰
۱۷۱	مسأله ۱۷۱
۱۷۱	مسأله ۱۷۲
۱۷۱	مسأله ۱۷۳
۱۷۱	مسأله ۱۷۴
۱۷۱	مسأله ۱۷۵
۱۷۲	مسأله ۱۷۶
۱۷۲	مسأله ۱۷۷
۱۷۲	مسأله ۱۷۸
۱۷۲	مسأله ۱۷۹
۱۷۲	مسأله ۱۸۰
۱۷۲	مسأله ۱۸۱
۱۷۳	مسأله ۱۸۲

۱۷۳	.....	۲ - زمین
۱۷۳	.....	مسأله ۱۸۳
۱۷۳	.....	مسأله ۱۸۴
۱۷۳	.....	مسأله ۱۸۵
۱۷۳	.....	مسأله ۱۸۶
۱۷۳	.....	مسأله ۱۸۷
۱۷۳	.....	مسأله ۱۸۸
۱۷۴	.....	مسأله ۱۸۹
۱۷۴	.....	مسأله ۱۹۰
۱۷۴	.....	۳ - آفتاب
۱۷۴	.....	مسأله ۱۹۱
۱۷۴	.....	مسأله ۱۹۲
۱۷۴	.....	مسأله ۱۹۳
۱۷۵	.....	مسأله ۱۹۴
۱۷۵	.....	۴ - اِسْتِحَالَه
۱۷۵	.....	مسأله ۱۹۵
۱۷۵	.....	مسأله ۱۹۶
۱۷۵	.....	مسأله ۱۹۷
۱۷۵	.....	مسأله ۱۹۸
۱۷۵	.....	مسأله ۱۹۹
۱۷۵	.....	مسأله ۲۰۰
۱۷۵	.....	مسأله ۲۰۱
۱۷۵	.....	کم شدن دو سوم آب انگور
۱۷۵	.....	مسأله ۲۰۲

۱۷۶	.....	مسأله ۲۰۳
۱۷۶	.....	مسأله ۲۰۴
۱۷۶	.....	۵ - انتقال
۱۷۶	.....	مسأله ۲۰۵
۱۷۶	.....	مسأله ۲۰۶
۱۷۶	.....	۶ - اسلام
۱۷۶	.....	مسأله ۲۰۷
۱۷۶	.....	مسأله ۲۰۸
۱۷۷	.....	مسأله ۲۰۹
۱۷۷	.....	۷ - تبعیت
۱۷۷	.....	مسأله ۲۱۰
۱۷۷	.....	مسأله ۲۱۱
۱۷۷	.....	مسأله ۲۱۲
۱۷۷	.....	مسأله ۲۱۳
۱۷۷	.....	مسأله ۲۱۴
۱۷۷	.....	مسأله ۲۱۵
۱۷۷	.....	۸ - بر طرف شدن عین نجاست
۱۷۸	.....	مسأله ۲۱۶
۱۷۸	.....	مسأله ۲۱۷
۱۷۸	.....	مسأله ۲۱۸
۱۷۸	.....	مسأله ۲۱۹
۱۷۸	.....	۹ - استبرای حیوان نجاست خوار
۱۷۸	.....	مسأله ۲۲۰
۱۷۸	.....	۱۰ - غایب شدن مسلمان

۱۷۸	مسأله ۲۲۱
۱۷۸	مسأله ۲۲۲
۱۷۹	مسأله ۲۲۳
۱۷۹	مسأله ۲۲۴
۱۷۹	احکام ظرفها
۱۷۹	مسأله ۲۲۵
۱۷۹	مسأله ۲۲۶
۱۷۹	مسأله ۲۲۷
۱۷۹	مسأله ۲۲۸
۱۷۹	مسأله ۲۲۹
۱۷۹	مسأله ۲۳۰
۱۸۰	مسأله ۲۳۱
۱۸۰	مسأله ۲۳۲
۱۸۰	مسأله ۲۳۳
۱۸۰	مسأله ۲۳۴
۱۸۰	مسأله ۲۳۵
۱۸۰	وضو
۱۸۰	وضو
۱۸۰	مسأله ۲۳۶
۱۸۰	مسأله ۲۳۷
۱۸۱	مسأله ۲۳۸
۱۸۱	مسأله ۲۳۹
۱۸۱	مسأله ۲۴۰
۱۸۱	مسأله ۲۴۱



۱۸۱	مسأله ۲۴۲
۱۸۱	مسأله ۲۴۳
۱۸۱	مسأله ۲۴۴
۱۸۱	مسأله ۲۴۵
۱۸۱	مسأله ۲۴۶
۱۸۲	مسأله ۲۴۷
۱۸۲	مسأله ۲۴۸
۱۸۲	مسأله ۲۴۹
۱۸۲	مسأله ۲۵۰
۱۸۲	مسأله ۲۵۱
۱۸۲	مسأله ۲۵۲
۱۸۲	مسأله ۲۵۳
۱۸۳	مسأله ۲۵۴
۱۸۳	مسأله ۲۵۵
۱۸۳	مسأله ۲۵۶
۱۸۳	مسأله ۲۵۷
۱۸۳	مسأله ۲۵۸
۱۸۳	مسأله ۲۵۹
۱۸۳	مسأله ۲۶۰
۱۸۳	وضوی ارتماسی
۱۸۳	مسأله ۲۶۱
۱۸۴	مسأله ۲۶۲
۱۸۴	مسأله ۲۶۳
۱۸۴	دعاهایی که موقع وضو گرفتن مستحب است

- مسأله ۲۶۴ ..... ۱۸۴
- شرایط وضو ..... ۱۸۴
- اشاره ..... ۱۸۴
- شرط اول - آن که آب وضو پاک باشد. .... ۱۸۴
- شرط دوم - آن که مطلق باشد. .... ۱۸۴
- مسأله ۲۶۵ ..... ۱۸۴
- مسأله ۲۶۶ ..... ۱۸۵
- شرط سوم - آن که آب وضو مباح باشد. .... ۱۸۵
- مسأله ۲۶۷ ..... ۱۸۵
- مسأله ۲۶۸ ..... ۱۸۵
- مسأله ۲۶۹ ..... ۱۸۵
- مسأله ۲۷۰ ..... ۱۸۵
- مسأله ۲۷۱ ..... ۱۸۵
- مسأله ۲۷۲ ..... ۱۸۵
- شرط چهارم - آن که ظرف آب وضو مباح باشد. .... ۱۸۶
- شرط پنجم - آن که ظرف آب وضو طلا و نقره نباشد. .... ۱۸۶
- مسأله ۲۷۳ ..... ۱۸۶
- مسأله ۲۷۴ ..... ۱۸۶
- مسأله ۲۷۵ ..... ۱۸۶
- شرط ششم - آن که اعضای وضو موقع شستن و مسح کردن پاک باشد. .... ۱۸۶
- مسأله ۲۷۶ ..... ۱۸۶
- مسأله ۲۷۷ ..... ۱۸۶
- مسأله ۲۷۸ ..... ۱۸۶
- مسأله ۲۷۹ ..... ۱۸۷

- شرط هفتم - آن که وقت برای وضو و نماز کافی باشد. ----- ۱۸۷
- مسئله ۲۸۰ ----- ۱۸۷
- مسئله ۲۸۱ ----- ۱۸۷
- شرط هشتم - آن که به قصد قربت یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم وضو بگیرد و اگر برای خنک شدن یا به قصد دیگری وضو بگیرد، باطل است. ----- ۱۸۷
- شرط نهم - آن که وضو را به ترتیبی که گفته شد، به جا آورد؛ یعنی اول صورت و بعد دست راست و بعد دست چپ را بشوید و بعد از آن سر و بعد
- شرط دهم - آن که کارهای وضو را پشت سر هم انجام دهد. ----- ۱۸۷
- مسئله ۲۸۳ ----- ۱۸۷
- مسئله ۲۸۴ ----- ۱۸۷
- مسئله ۲۸۵ ----- ۱۸۸
- شرط یازدهم - آن که شستن صورت و دستها و مسح سر و پاها را خود انسان انجام دهد و اگر دیگری او را وضو دهد، یا در رساندن آب به صورت
- مسئله ۲۸۶ ----- ۱۸۸
- مسئله ۲۸۷ ----- ۱۸۸
- شرط دوازدهم - آن که استعمال آب برای او مانعی نداشته باشد. ----- ۱۸۸
- مسئله ۲۸۸ ----- ۱۸۸
- مسئله ۲۸۹ ----- ۱۸۸
- شرط سیزدهم - آن که در اعضای وضو مانعی از رسیدن آب نباشد. ----- ۱۸۸
- مسئله ۲۹۰ ----- ۱۸۸
- مسئله ۲۹۱ ----- ۱۸۹
- مسئله ۲۹۲ ----- ۱۸۹
- مسئله ۲۹۳ ----- ۱۸۹
- مسئله ۲۹۴ ----- ۱۸۹
- مسئله ۲۹۵ ----- ۱۸۹
- مسئله ۲۹۶ ----- ۱۸۹

۱۹۰	مسئله ۲۹۷
۱۹۰	مسئله ۲۹۸
۱۹۰	احکام وضو
۱۹۰	مسئله ۲۹۹
۱۹۰	مسئله ۳۰۰
۱۹۰	مسئله ۳۰۱
۱۹۰	مسئله ۳۰۲
۱۹۰	مسئله ۳۰۳
۱۹۰	مسئله ۳۰۴
۱۹۰	مسئله ۳۰۵
۱۹۱	مسئله ۳۰۶
۱۹۱	مسئله ۳۰۷
۱۹۱	مسئله ۳۰۸
۱۹۱	مسئله ۳۰۹
۱۹۱	مسئله ۳۱۰
۱۹۱	مسئله ۳۱۱
۱۹۱	مسئله ۳۱۲
۱۹۲	مسئله ۳۱۳
۱۹۲	مسئله ۳۱۴
۱۹۲	مسئله ۳۱۵
۱۹۲	چیزهایی که باید برای آنها وضو گرفت
۱۹۲	مسئله ۳۱۶
۱۹۲	مسئله ۳۱۷
۱۹۳	مسئله ۳۱۸

۱۹۳	.....	مسأله ۳۱۹
۱۹۳	.....	مسأله ۳۲۰
۱۹۳	.....	مسأله ۳۲۱
۱۹۳	.....	مسأله ۳۲۲
۱۹۳	.....	چیزهایی که وضو را باطل می‌کند
۱۹۳	.....	مسأله ۳۲۳
۱۹۴	.....	احکام وضوی جبیره
۱۹۴	.....	[جبیره]
۱۹۴	.....	مسأله ۳۲۴
۱۹۴	.....	مسأله ۳۲۵
۱۹۴	.....	مسأله ۳۲۶
۱۹۴	.....	مسأله ۳۲۷
۱۹۴	.....	مسأله ۳۲۸
۱۹۴	.....	مسأله ۳۲۹
۱۹۵	.....	مسأله ۳۳۰
۱۹۵	.....	مسأله ۳۳۱
۱۹۵	.....	مسأله ۳۳۲
۱۹۵	.....	مسأله ۳۳۳
۱۹۵	.....	مسأله ۳۳۴
۱۹۵	.....	مسأله ۳۳۵
۱۹۵	.....	مسأله ۳۳۶
۱۹۶	.....	مسأله ۳۳۷
۱۹۶	.....	مسأله ۳۳۸
۱۹۶	.....	مسأله ۳۳۹

۱۹۶	مسأله ۳۴۰
۱۹۶	مسأله ۳۴۱
۱۹۶	مسأله ۳۴۲
۱۹۶	مسأله ۳۴۳
۱۹۶	مسأله ۳۴۴
۱۹۷	غسل‌های واجب
۱۹۷	[غسل جنابت]
۱۹۷	احکام جنابت
۱۹۷	مسأله ۳۴۵
۱۹۷	مسأله ۳۴۶
۱۹۷	مسأله ۳۴۷
۱۹۷	مسأله ۳۴۸
۱۹۷	مسأله ۳۴۹
۱۹۸	مسأله ۳۵۰
۱۹۸	مسأله ۳۵۱
۱۹۸	مسأله ۳۵۲
۱۹۸	مسأله ۳۵۳
۱۹۸	مسأله ۳۵۴
۱۹۸	چیزهایی که بر جنب حرام است
۱۹۸	مسأله ۳۵۵
۱۹۹	چیزهایی که بر جنب مکروه است
۱۹۹	مسأله ۳۵۶
۱۹۹	غسل جنابت
۱۹۹	مسأله ۳۵۷

۱۹۹	مسأله ۳۵۸
۲۰۰	مسأله ۳۵۹
۲۰۰	مسأله ۳۶۰
۲۰۰	غسل ترتیبی
۲۰۰	مسأله ۳۶۱
۲۰۰	مسأله ۳۶۲
۲۰۰	مسأله ۳۶۳
۲۰۰	مسأله ۳۶۴
۲۰۱	مسأله ۳۶۵
۲۰۱	مسأله ۳۶۶
۲۰۱	غسل ارتماسی
۲۰۱	مسأله ۳۶۷
۲۰۱	مسأله ۳۶۸
۲۰۱	مسأله ۳۶۹
۲۰۱	مسأله ۳۷۰
۲۰۱	مسأله ۳۷۱
۲۰۲	احکام غسل کردن
۲۰۲	مسأله ۳۷۲
۲۰۲	مسأله ۳۷۳
۲۰۲	مسأله ۳۷۴
۲۰۲	مسأله ۳۷۵
۲۰۲	مسأله ۳۷۶
۲۰۲	مسأله ۳۷۷
۲۰۳	مسأله ۳۷۸

۲۰۳	مسأله ۳۷۹
۲۰۳	مسأله ۳۸۰
۲۰۳	مسأله ۳۸۱
۲۰۳	مسأله ۳۸۲
۲۰۳	مسأله ۳۸۳
۲۰۳	مسأله ۳۸۴
۲۰۴	مسأله ۳۸۵
۲۰۴	مسأله ۳۸۶
۲۰۴	مسأله ۳۸۷
۲۰۴	مسأله ۳۸۸
۲۰۴	مسأله ۳۸۹
۲۰۴	مسأله ۳۹۰
۲۰۴	مسأله ۳۹۱
۲۰۵	استحاضه
۲۰۵	اشاره
۲۰۵	مسأله ۳۹۲
۲۰۵	مسأله ۳۹۳
۲۰۵	احکام استحاضه
۲۰۵	مسأله ۳۹۴
۲۰۵	مسأله ۳۹۵
۲۰۵	مسأله ۳۹۶
۲۰۶	مسأله ۳۹۷
۲۰۶	مسأله ۳۹۸
۲۰۶	مسأله ۳۹۹



۲۰۶	مسأله ۴۰۰
۲۰۶	مسأله ۴۰۱
۲۰۶	مسأله ۴۰۲
۲۰۶	مسأله ۴۰۳
۲۰۷	مسأله ۴۰۴
۲۰۷	مسأله ۴۰۵
۲۰۷	مسأله ۴۰۶
۲۰۷	مسأله ۴۰۷
۲۰۷	مسأله ۴۰۸
۲۰۷	مسأله ۴۰۹
۲۰۷	مسأله ۴۱۰
۲۰۸	مسأله ۴۱۱
۲۰۸	مسأله ۴۱۲
۲۰۸	مسأله ۴۱۳
۲۰۸	مسأله ۴۱۴
۲۰۸	مسأله ۴۱۵
۲۰۸	مسأله ۴۱۶
۲۰۸	مسأله ۴۱۷
۲۰۹	مسأله ۴۱۸
۲۰۹	مسأله ۴۱۹
۲۰۹	مسأله ۴۲۰
۲۰۹	مسأله ۴۲۱
۲۰۹	مسأله ۴۲۲
۲۰۹	مسأله ۴۲۳

۲۱۰	.....	مسأله ۴۲۴
۲۱۰	.....	مسأله ۴۲۵
۲۱۰	.....	مسأله ۴۲۶
۲۱۰	.....	مسأله ۴۲۷
۲۱۰	.....	مسأله ۴۲۸
۲۱۰	.....	مسأله ۴۲۹
۲۱۰	.....	مسأله ۴۳۰
۲۱۰	.....	مسأله ۴۳۱
۲۱۱	.....	مسأله ۴۳۲
۲۱۱	.....	مسأله ۴۳۳
۲۱۱	.....	حیض
۲۱۱	.....	حیض
۲۱۱	.....	مسأله ۴۳۴
۲۱۱	.....	مسأله ۴۳۵
۲۱۱	.....	مسأله ۴۳۶
۲۱۱	.....	مسأله ۴۳۷
۲۱۱	.....	مسأله ۴۳۸
۲۱۲	.....	مسأله ۴۳۹
۲۱۲	.....	مسأله ۴۴۰
۲۱۲	.....	مسأله ۴۴۱
۲۱۲	.....	مسأله ۴۴۲
۲۱۲	.....	مسأله ۴۴۳
۲۱۲	.....	مسأله ۴۴۴
۲۱۲	.....	مسأله ۴۴۵

۲۱۳	مسأله ۴۴۶
۲۱۳	مسأله ۴۴۷
۲۱۳	مسأله ۴۴۸
۲۱۳	مسأله ۴۴۹
۲۱۳	احکام حافظ
۲۱۳	مسأله ۴۵۰
۲۱۳	مسأله ۴۵۱
۲۱۳	مسأله ۴۵۲
۲۱۴	مسأله ۴۵۳
۲۱۴	مسأله ۴۵۴
۲۱۴	مسأله ۴۵۵
۲۱۴	مسأله ۴۵۶
۲۱۴	مسأله ۴۵۷
۲۱۴	مسأله ۴۵۸
۲۱۴	مسأله ۴۵۹
۲۱۴	مسأله ۴۶۰
۲۱۴	مسأله ۴۶۱
۲۱۵	مسأله ۴۶۲
۲۱۵	مسأله ۴۶۳
۲۱۵	مسأله ۴۶۴
۲۱۵	مسأله ۴۶۵
۲۱۵	مسأله ۴۶۶
۲۱۵	مسأله ۴۶۷
۲۱۵	مسأله ۴۶۸

۲۱۵	مسأله ۴۶۹
۲۱۶	مسأله ۴۷۰
۲۱۶	مسأله ۴۷۱
۲۱۶	مسأله ۴۷۲
۲۱۶	مسأله ۴۷۳
۲۱۶	مسأله ۴۷۴
۲۱۶	مسأله ۴۷۵
۲۱۶	مسأله ۴۷۶
۲۱۷	مسأله ۴۷۷
۲۱۷	اقسام زنجهای حائض
۲۱۷	اشاره
۲۱۷	مسأله ۴۷۸
۲۱۷	۱ - صاحب عادت وقتیه و عددیه
۲۱۷	مسأله ۴۷۹
۲۱۸	مسأله ۴۸۰
۲۱۸	مسأله ۴۸۱
۲۱۸	مسأله ۴۸۲
۲۱۸	مسأله ۴۸۳
۲۱۹	مسأله ۴۸۴
۲۱۹	مسأله ۴۸۵
۲۱۹	مسأله ۴۸۶
۲۱۹	۲ - صاحب عادت وقتیه
۲۱۹	مسأله ۴۸۷
۲۲۰	مسأله ۴۸۸

۲۲۰	مسأله ۴۸۹
۲۲۰	مسأله ۴۹۰
۲۲۰	مسأله ۴۹۱
۲۲۱	۳ - صاحب عادت عددیه
۲۲۱	مسأله ۴۹۲
۲۲۱	مسأله ۴۹۳
۲۲۱	۴ - مضطربه
۲۲۱	مسأله ۴۹۴
۲۲۲	مسأله ۴۹۵
۲۲۲	۵ - مبتدئه
۲۲۲	مسأله ۴۹۶
۲۲۲	مسأله ۴۹۷
۲۲۲	مسأله ۴۹۸
۲۲۲	۶ - ناسیه
۲۲۳	مسأله ۴۹۹
۲۲۳	مسائل متفرقه حیض
۲۲۳	مسأله ۵۰۰
۲۲۳	مسأله ۵۰۱
۲۲۳	مسأله ۵۰۲
۲۲۳	مسأله ۵۰۳
۲۲۳	مسأله ۵۰۴
۲۲۳	مسأله ۵۰۵
۲۲۴	مسأله ۵۰۶
۲۲۴	مسأله ۵۰۷

۲۲۴	نفاس
۲۲۴	مسأله ۵۰۸
۲۲۴	مسأله ۵۰۹
۲۲۴	مسأله ۵۱۰
۲۲۴	مسأله ۵۱۱
۲۲۵	مسأله ۵۱۲
۲۲۵	مسأله ۵۱۳
۲۲۵	مسأله ۵۱۴
۲۲۵	مسأله ۵۱۵
۲۲۵	مسأله ۵۱۶
۲۲۵	مسأله ۵۱۷
۲۲۵	مسأله ۵۱۸
۲۲۶	مسأله ۵۱۹
۲۲۶	مسأله ۵۲۰
۲۲۶	[احکام میت]
۲۲۶	غسل مس میت
۲۲۶	مسأله ۵۲۱
۲۲۶	مسأله ۵۲۲
۲۲۶	مسأله ۵۲۳
۲۲۶	مسأله ۵۲۴
۲۲۷	مسأله ۵۲۵
۲۲۷	مسأله ۵۲۶
۲۲۷	مسأله ۵۲۷
۲۲۷	مسأله ۵۲۸

۲۲۷	.....	مسأله ۵۲۹
۲۲۷	.....	مسأله ۵۳۰
۲۲۷	.....	مسأله ۵۳۱
۲۲۷	.....	احکام محتضر
۲۲۷	.....	مسأله ۵۳۲
۲۲۸	.....	مسأله ۵۳۳
۲۲۸	.....	مسأله ۵۳۴
۲۲۸	.....	مسأله ۵۳۵
۲۲۸	.....	مسأله ۵۳۶
۲۲۸	.....	مسأله ۵۳۷
۲۲۸	.....	مسأله ۵۳۸
۲۲۸	.....	مسأله ۸۳۹
۲۲۸	.....	مسأله ۵۴۰
۲۲۹	.....	احکام بعد از مرگ
۲۲۹	.....	مسأله ۵۴۱
۲۲۹	.....	احکام غسل و کفن و نماز و دفن میت
۲۲۹	.....	مسأله ۵۴۲
۲۲۹	.....	مسأله ۵۴۳
۲۲۹	.....	مسأله ۵۴۴
۲۲۹	.....	مسأله ۵۴۵
۲۲۹	.....	مسأله ۵۴۶
۲۲۹	.....	مسأله ۵۴۷
۲۳۰	.....	مسأله ۵۴۸
۲۳۰	.....	مسأله ۵۴۹

۲۳۰	احکام غسل میت
۲۳۰	مسأله ۵۵۰
۲۳۰	مسأله ۵۵۱
۲۳۰	مسأله ۵۵۲
۲۳۰	مسأله ۵۵۳
۲۳۰	مسأله ۵۵۴
۲۳۰	مسأله ۵۵۵
۲۳۱	مسأله ۵۵۶
۲۳۱	مسأله ۵۵۷
۲۳۱	مسأله ۵۵۸
۲۳۱	مسأله ۵۵۹
۲۳۱	مسأله ۵۶۰
۲۳۱	مسأله ۵۶۱
۲۳۱	مسأله ۵۶۲
۲۳۲	مسأله ۵۶۳
۲۳۲	مسأله ۵۶۴
۲۳۲	مسأله ۵۶۵
۲۳۲	مسأله ۵۶۶
۲۳۲	مسأله ۵۶۷
۲۳۲	مسأله ۵۶۸
۲۳۲	مسأله ۵۶۹
۲۳۲	احکام کفن میت
۲۳۲	مسأله ۵۷۰
۲۳۲	مسأله ۵۷۱



۲۳۳	مسأله ۵۷۲
۲۳۳	مسأله ۵۷۳
۲۳۳	مسأله ۵۷۴
۲۳۳	مسأله ۵۷۵
۲۳۳	مسأله ۵۷۶
۲۳۳	مسأله ۵۷۷
۲۳۳	مسأله ۵۷۸
۲۳۳	مسأله ۵۷۹
۲۳۴	مسأله ۵۸۰
۲۳۴	مسأله ۵۸۱
۲۳۴	مسأله ۵۸۲
۲۳۴	مسأله ۵۸۳
۲۳۴	مسأله ۵۸۴
۲۳۴	احکام حنوط
۲۳۴	مسأله ۵۸۵
۲۳۴	مسأله ۵۸۶
۲۳۵	مسأله ۵۸۷
۲۳۵	مسأله ۵۸۸
۲۳۵	مسأله ۵۸۹
۲۳۵	مسأله ۵۹۰
۲۳۵	مسأله ۵۹۱
۲۳۵	مسأله ۵۹۲
۲۳۵	مسأله ۵۹۳
۲۳۵	احکام نماز میت

۲۳۵	.....	مسأله ۵۹۴
۲۳۵	.....	مسأله ۵۹۵
۲۳۶	.....	مسأله ۵۹۶
۲۳۶	.....	مسأله ۵۹۷
۲۳۶	.....	مسأله ۵۹۸
۲۳۶	.....	مسأله ۵۹۹
۲۳۶	.....	مسأله ۶۰۰
۲۳۶	.....	مسأله ۶۰۱
۲۳۶	.....	مسأله ۶۰۲
۲۳۶	.....	مسأله ۶۰۳
۲۳۷	.....	مسأله ۶۰۴
۲۳۷	.....	مسأله ۶۰۵
۲۳۷	.....	مسأله ۶۰۶
۲۳۷	.....	مسأله ۶۰۷
۲۳۷	.....	دستور نماز میت
۲۳۷	.....	مسأله ۶۰۸
۲۳۸	.....	مسأله ۶۰۹
۲۳۸	.....	مسأله ۶۱۰
۲۳۸	.....	مستحبات نماز میت
۲۳۸	.....	مسأله ۶۱۱
۲۳۹	.....	مسأله ۶۱۲
۲۳۹	.....	احکام دفن
۲۳۹	.....	مسأله ۶۱۳
۲۳۹	.....	مسأله ۶۱۴

۲۳۹	مسأله ۶۱۵
۲۳۹	مسأله ۶۱۶
۲۳۹	مسأله ۶۱۷
۲۳۹	مسأله ۶۱۸
۲۳۹	مسأله ۶۱۹
۲۴۰	مسأله ۶۲۰
۲۴۰	مسأله ۶۲۱
۲۴۰	مسأله ۶۲۲
۲۴۰	مسأله ۶۲۳
۲۴۰	مسأله ۶۲۴
۲۴۰	مسأله ۶۲۵
۲۴۰	مسأله ۶۲۶
۲۴۰	مسأله ۶۲۷
۲۴۱	مستحبات دفن
۲۴۱	مسأله ۶۲۸
۲۴۲	مسأله ۶۲۹
۲۴۲	مسأله ۶۳۰
۲۴۲	مسأله ۶۳۱
۲۴۲	مسأله ۶۳۲
۲۴۲	مسأله ۶۳۳
۲۴۳	مسأله ۶۳۴
۲۴۳	مسأله ۶۳۵
۲۴۳	مسأله ۶۳۶
۲۴۳	مسأله ۶۳۷

۲۴۳	نماز وحشت
۲۴۳	مسأله ۶۳۸
۲۴۳	مسأله ۶۳۹
۲۴۳	مسأله ۶۴۰
۲۴۳	نبش قبر
۲۴۳	مسأله ۶۴۱
۲۴۴	مسأله ۶۴۲
۲۴۴	مسأله ۶۴۳
۲۴۴	غسل‌های مستحب
۲۴۴	مسأله ۶۴۴
۲۴۵	مسأله ۶۴۵
۲۴۵	مسأله ۶۴۶
۲۴۶	مسأله ۶۴۷
۲۴۶	تیمم
۲۴۶	اول از موارد تیمم
۲۴۶	اشاره
۲۴۶	مسأله ۶۴۸
۲۴۶	مسأله ۶۴۹
۲۴۶	مسأله ۶۵۰
۲۴۶	مسأله ۶۵۱
۲۴۶	مسأله ۶۵۲
۲۴۷	مسأله ۶۵۳
۲۴۷	مسأله ۶۵۴
۲۴۷	مسأله ۶۵۵

۲۴۷	مسأله ۶۵۶
۲۴۷	مسأله ۶۵۷
۲۴۷	مسأله ۶۵۸
۲۴۷	مسأله ۶۵۹
۲۴۷	مسأله ۶۶۰
۲۴۸	مسأله ۶۶۱
۲۴۸	مسأله ۶۶۲
۲۴۸	مسأله ۶۶۳
۲۴۸	دوم از موارد تیمم
۲۴۸	مسأله ۶۶۴
۲۴۸	مسأله ۶۶۵
۲۴۸	مسأله ۶۶۶
۲۴۸	مسأله ۶۶۷
۲۴۹	مسأله ۶۶۸
۲۴۹	سوم از موارد تیمم
۲۴۹	مسأله ۶۶۹
۲۴۹	مسأله ۶۷۰
۲۴۹	مسأله ۶۷۱
۲۴۹	مسأله ۶۷۲
۲۴۹	مسأله ۶۷۳
۲۴۹	چهارم از موارد تیمم
۲۴۹	مسأله ۶۷۴
۲۵۰	مسأله ۶۷۵
۲۵۰	پنجم از موارد تیمم

۲۵۰	.....	مسأله ۶۷۶
۲۵۰	.....	ششم از موارد تیمم
۲۵۰	.....	مسأله ۶۷۷
۲۵۰	.....	هفتم از موارد تیمم
۲۵۰	.....	مسأله ۶۷۸
۲۵۰	.....	مسأله ۶۷۹
۲۵۰	.....	مسأله ۶۸۰
۲۵۱	.....	مسأله ۶۸۱
۲۵۱	.....	مسأله ۶۸۲
۲۵۱	.....	مسأله ۶۸۳
۲۵۱	.....	چیزهایی که تیمم به آنها صحیح است
۲۵۱	.....	مسأله ۶۸۴
۲۵۱	.....	مسأله ۶۸۵
۲۵۱	.....	مسأله ۶۸۶
۲۵۱	.....	مسأله ۶۸۷
۲۵۲	.....	مسأله ۶۸۸
۲۵۲	.....	مسأله ۶۸۹
۲۵۲	.....	مسأله ۶۹۰
۲۵۲	.....	مسأله ۶۹۱
۲۵۲	.....	مسأله ۶۹۲
۲۵۲	.....	مسأله ۶۹۳
۲۵۲	.....	مسأله ۶۹۴
۲۵۲	.....	مسأله ۶۹۵
۲۵۲	.....	مسأله ۶۹۶

۲۵۳	مسأله ۶۹۷
۲۵۳	مسأله ۶۹۸
۲۵۳	مسأله ۶۹۹
۲۵۳	دستور تیمم
۲۵۳	مسأله ۷۰۰
۲۵۳	مسأله ۷۰۱
۲۵۳	احکام تیمم
۲۵۳	مسأله ۷۰۲
۲۵۳	مسأله ۷۰۳
۲۵۴	مسأله ۷۰۴
۲۵۴	مسأله ۷۰۵
۲۵۴	مسأله ۷۰۶
۲۵۴	مسأله ۷۰۷
۲۵۴	مسأله ۷۰۸
۲۵۴	مسأله ۷۰۹
۲۵۴	مسأله ۷۱۰
۲۵۵	مسأله ۷۱۱
۲۵۵	مسأله ۷۱۲
۲۵۵	مسأله ۷۱۳
۲۵۵	مسأله ۷۱۴
۲۵۵	مسأله ۷۱۵
۲۵۵	مسأله ۷۱۶
۲۵۵	مسأله ۷۱۷
۲۵۵	مسأله ۷۱۸

۲۵۶	.....	مسأله ۷۱۹
۲۵۶	.....	مسأله ۷۲۰
۲۵۶	.....	مسأله ۷۲۱
۲۵۶	.....	مسأله ۷۲۲
۲۵۶	.....	مسأله ۷۲۳
۲۵۶	.....	مسأله ۷۲۴
۲۵۶	.....	مسأله ۷۲۵
۲۵۶	.....	مسأله ۷۲۶
۲۵۶	.....	مسأله ۷۲۷
۲۵۷	.....	[نماز]
۲۵۷	.....	نمازهای واجب
۲۵۷	.....	نمازهای واجب یومیه
۲۵۷	.....	اشاره
۲۵۷	.....	مسأله ۷۲۸
۲۵۷	.....	وقت نماز ظهر و عصر
۲۵۷	.....	مسأله ۷۲۹
۲۵۷	.....	مسأله ۷۳۰
۲۵۷	.....	مسأله ۷۳۱
۲۵۸	.....	مسأله ۷۳۲
۲۵۸	.....	مسأله ۷۳۳
۲۵۸	.....	مسأله ۷۳۴
۲۵۸	.....	وقت نماز مغرب و عشا
۲۵۸	.....	مسأله ۷۳۵
۲۵۸	.....	مسأله ۷۳۶



۲۵۹	مسئله ۷۳۷
۲۵۹	مسئله ۷۳۸
۲۵۹	مسئله ۷۳۹
۲۵۹	مسئله ۷۴۰
۲۵۹	وقت نماز صبح
۲۵۹	مسئله ۷۴۱
۲۶۰	احکام وقت نماز
۲۶۰	مسئله ۷۴۲
۲۶۰	مسئله ۷۴۳
۲۶۰	مسئله ۷۴۴
۲۶۰	مسئله ۷۴۵
۲۶۰	مسئله ۷۴۶
۲۶۰	مسئله ۷۴۷
۲۶۱	مسئله ۷۴۸
۲۶۱	مسئله ۷۴۹
۲۶۱	مسئله ۷۵۰
۲۶۱	مسئله ۷۵۱
۲۶۱	مسئله ۷۵۲
۲۶۱	مسئله ۷۵۳
۲۶۲	مسئله ۷۵۴
۲۶۲	نمازهایی که باید به ترتیب خوانده شود
۲۶۲	مسئله ۷۵۵
۲۶۲	مسئله ۷۵۶
۲۶۲	مسئله ۷۵۷

۲۶۲	مسأله ۷۵۸
۲۶۲	مسأله ۷۵۹
۲۶۳	مسأله ۷۶۰
۲۶۳	مسأله ۷۶۱
۲۶۳	مسأله ۷۶۲
۲۶۳	مسأله ۷۶۳
۲۶۳	نمازهای مستحب
۲۶۳	مسأله ۷۶۴
۲۶۳	مسأله ۷۶۵
۲۶۳	مسأله ۷۶۶
۲۶۴	مسأله ۷۶۷
۲۶۴	وقت نافله‌های یومیه
۲۶۴	مسأله ۷۶۸
۲۶۴	مسأله ۷۶۹
۲۶۴	مسأله ۷۷۰
۲۶۴	مسأله ۷۷۱
۲۶۴	مسأله ۷۷۲
۲۶۴	مسأله ۷۷۳
۲۶۵	مسأله ۷۷۴
۲۶۵	نماز غفیله
۲۶۵	مسأله ۷۷۵
۲۶۵	احکام قبله
۲۶۵	مسأله ۷۷۶
۲۶۵	مسأله ۷۷۷

۲۶۵	مسئله ۷۷۸
۲۶۶	مسئله ۷۷۹
۲۶۶	مسئله ۷۸۰
۲۶۶	مسئله ۷۸۱
۲۶۶	مسئله ۷۸۲
۲۶۶	مسئله ۷۸۳
۲۶۶	مسئله ۷۸۴
۲۶۷	مسئله ۷۸۵
۲۶۷	مسئله ۷۸۶
۲۶۷	مسئله ۷۸۷
۲۶۷	[احکام نماز]
۲۶۷	پوشانیدن بدن در نماز
۲۶۷	مسئله ۷۸۸
۲۶۷	مسئله ۷۸۹
۲۶۷	مسئله ۷۹۰
۲۶۷	مسئله ۷۹۱
۲۶۸	مسئله ۷۹۲
۲۶۸	مسئله ۷۹۳
۲۶۸	مسئله ۷۹۴
۲۶۸	مسئله ۷۹۵
۲۶۸	مسئله ۷۹۶
۲۶۸	مسئله ۷۹۷
۲۶۸	لباس نماز گزار
۲۶۸	[شرایط لباس نماز گزار]

۲۶۸	مسئله ۷۹۸
۲۶۹	شرط اول
۲۶۹	مسئله ۷۹۹
۲۶۹	مسئله ۸۰۰
۲۶۹	مسئله ۸۰۱
۲۶۹	مسئله ۸۰۲
۲۶۹	مسئله ۸۰۳
۲۶۹	مسئله ۸۰۴
۲۷۰	مسئله ۸۰۵
۲۷۰	مسئله ۸۰۶
۲۷۰	مسئله ۸۰۷
۲۷۰	مسئله ۸۰۸
۲۷۱	مسئله ۸۰۹
۲۷۱	مسئله ۸۱۰
۲۷۱	مسئله ۸۱۱
۲۷۱	مسئله ۸۱۲
۲۷۱	مسئله ۸۱۳
۲۷۲	مسئله ۸۱۴
۲۷۲	شرط دوم
۲۷۲	مسئله ۸۱۵
۲۷۲	مسئله ۸۱۶
۲۷۲	مسئله ۸۱۷
۲۷۲	مسئله ۸۱۸
۲۷۳	مسئله ۸۱۹

۲۷۳	مسئله ۸۲۰
۲۷۳	شرط سوم
۲۷۳	مسئله ۸۲۱
۲۷۳	مسئله ۸۲۲
۲۷۳	مسئله ۸۲۳
۲۷۳	شرط چهارم
۲۷۳	مسئله ۸۲۴
۲۷۳	مسئله ۸۲۵
۲۷۴	مسئله ۸۲۶
۲۷۴	مسئله ۸۲۷
۲۷۴	مسئله ۸۲۸
۲۷۴	مسئله ۸۲۹
۲۷۴	مسئله ۸۳۰
۲۷۴	شرط پنجم
۲۷۴	مسئله ۸۳۱
۲۷۵	مسئله ۸۳۲
۲۷۵	مسئله ۸۳۳
۲۷۵	مسئله ۸۳۴
۲۷۵	مسئله ۸۳۵
۲۷۵	مسئله ۸۳۶
۲۷۵	مسئله ۸۳۷
۲۷۵	مسئله ۸۳۸
۲۷۶	مسئله ۸۳۹
۲۷۶	مسئله ۸۴۰

مسئله ۸۴۱ ..... ۲۷۶

مسئله ۸۴۲ ..... ۲۷۶

مسئله ۸۴۳ ..... ۲۷۶

مسئله ۸۴۴ ..... ۲۷۶

مسئله ۸۴۵ ..... ۲۷۷

مسئله ۸۴۶ ..... ۲۷۷

مسئله ۸۴۷ ..... ۲۷۷

مواردی که لازم نیست بدن و لباس نمازگزار پاک باشد ..... ۲۷۷

مسئله ۸۴۸ ..... ۲۷۷

مسئله ۸۴۹ ..... ۲۷۷

مسئله ۸۵۰ ..... ۲۷۸

مسئله ۸۵۱ ..... ۲۷۸

مسئله ۸۵۲ ..... ۲۷۸

مسئله ۸۵۳ ..... ۲۷۸

مسئله ۸۵۴ ..... ۲۷۸

مسئله ۸۵۵ ..... ۲۷۸

مسئله ۸۵۶ ..... ۲۷۹

مسئله ۸۵۷ ..... ۲۷۹

مسئله ۸۵۸ ..... ۲۷۹

مسئله ۸۵۹ ..... ۲۷۹

مسئله ۸۶۰ ..... ۲۷۹

مسئله ۸۶۱ ..... ۲۷۹

مسئله ۸۶۲ ..... ۲۸۰

مسئله ۸۶۳ ..... ۲۸۰

- چیزهایی که در لباس نمازگزار مستحب است ..... ۲۸۰
- مسئله ۸۶۴ ..... ۲۸۰
- چیزهایی که در لباس نمازگزار مکروه است ..... ۲۸۰
- مسئله ۸۶۵ ..... ۲۸۰
- [مکان نمازگزار] ..... ۲۸۰
- شرط اول آن که مباح باشد ..... ۲۸۰
- مسئله ۸۶۶ ..... ۲۸۱
- مسئله ۸۶۷ ..... ۲۸۱
- مسئله ۸۶۸ ..... ۲۸۱
- مسئله ۸۶۹ ..... ۲۸۱
- مسئله ۸۷۰ ..... ۲۸۱
- مسئله ۸۷۱ ..... ۲۸۱
- مسئله ۸۷۲ ..... ۲۸۱
- مسئله ۸۷۳ ..... ۲۸۱
- مسئله ۸۷۴ ..... ۲۸۲
- مسئله ۸۷۵ ..... ۲۸۲
- مسئله ۸۷۶ ..... ۲۸۲
- مسئله ۸۷۷ ..... ۲۸۲
- مسئله ۸۷۸ ..... ۲۸۲
- مسئله ۸۷۹ ..... ۲۸۲
- شرط دوم ..... ۲۸۲
- مسئله ۸۸۰ ..... ۲۸۳
- مسئله ۸۸۱ ..... ۲۸۳
- مسئله ۸۸۲ ..... ۲۸۳

۲۸۳	.....	مسأله ۸۸۳
۲۸۳	.....	شرط سوم
۲۸۳	.....	اشاره
۲۸۳	.....	مسأله ۸۸۴
۲۸۳	.....	مسأله ۸۸۵
۲۸۴	.....	شرط چهارم
۲۸۴	.....	اشاره
۲۸۴	.....	مسأله ۸۸۶
۲۸۴	.....	مسأله ۸۸۷
۲۸۴	.....	مسأله ۸۸۸
۲۸۴	.....	شرط پنجم
۲۸۴	.....	اشاره
۲۸۴	.....	مسأله ۸۸۹
۲۸۴	.....	مسأله ۸۹۰
۲۸۴	.....	مسأله ۸۹۱
۲۸۵	.....	مسأله ۸۹۲
۲۸۵	.....	جاهایی که نماز خواندن در آنها مستحب است
۲۸۵	.....	مسأله ۸۹۳
۲۸۵	.....	مسأله ۸۹۴
۲۸۵	.....	مسأله ۸۹۵
۲۸۵	.....	مسأله ۸۹۶
۲۸۵	.....	مسأله ۸۹۷
۲۸۵	.....	جاهایی که نماز خواندن در آنها مکروه است
۲۸۵	.....	مسأله ۸۹۸



۲۸۶	.....	مسئله ۸۹۹
۲۸۶	.....	احکام مسجد
۲۸۶	.....	مسئله ۹۰۰
۲۸۶	.....	مسئله ۹۰۱
۲۸۶	.....	مسئله ۹۰۲
۲۸۶	.....	مسئله ۹۰۳
۲۸۶	.....	مسئله ۹۰۴
۲۸۷	.....	مسئله ۹۰۵
۲۸۷	.....	مسئله ۹۰۶
۲۸۷	.....	مسئله ۹۰۷
۲۸۷	.....	مسئله ۹۰۸
۲۸۷	.....	مسئله ۹۰۹
۲۸۷	.....	مسئله ۹۱۰
۲۸۷	.....	مسئله ۹۱۱
۲۸۷	.....	مسئله ۹۱۲
۲۸۸	.....	مسئله ۹۱۳
۲۸۸	.....	مسئله ۹۱۴
۲۸۸	.....	مسئله ۹۱۵
۲۸۸	.....	اذان و اقامه
۲۸۸	.....	مسئله ۹۱۶
۲۸۸	.....	مسئله ۹۱۷
۲۸۸	.....	مسئله ۹۱۸
۲۸۹	.....	مسئله ۹۱۹
۲۸۹	.....	مسئله ۹۲۰

۲۸۹	مسأله ۹۲۱
۲۸۹	مسأله ۹۲۲
۲۸۹	مسأله ۹۲۳
۲۹۰	مسأله ۹۲۴
۲۹۰	مسأله ۹۲۵
۲۹۰	مسأله ۹۲۶
۲۹۰	مسأله ۹۲۷
۲۹۰	مسأله ۹۲۸
۲۹۰	مسأله ۹۲۹
۲۹۰	مسأله ۹۳۰
۲۹۱	مسأله ۹۳۱
۲۹۱	مسأله ۹۳۲
۲۹۱	مسأله ۹۳۳
۲۹۱	مسأله ۹۳۴
۲۹۱	مسأله ۹۳۵
۲۹۱	مسأله ۹۳۶
۲۹۱	مسأله ۹۳۷
۲۹۱	مسأله ۹۳۸
۲۹۲	مسأله ۹۳۹
۲۹۲	مسأله ۹۴۰
۲۹۲	مسأله ۹۴۱
۲۹۲	مسأله ۹۴۲
۲۹۲	نیت
۲۹۲	مسأله ۹۴۳

۲۹۲	مسأله ۹۴۴
۲۹۲	مسأله ۹۴۵
۲۹۳	مسأله ۹۴۶
۲۹۳	مسأله ۹۴۷
۲۹۳	تکبیرة الاحرام
۲۹۳	مسأله ۹۴۸
۲۹۳	مسأله ۹۴۹
۲۹۳	مسأله ۹۵۰
۲۹۳	مسأله ۹۵۱
۲۹۳	مسأله ۹۵۲
۲۹۴	مسأله ۹۵۳
۲۹۴	مسأله ۹۵۴
۲۹۴	مسأله ۹۵۵
۲۹۴	مسأله ۹۵۶
۲۹۴	مسأله ۹۵۷
۲۹۴	واجبات نماز
۲۹۴	قیام (ایستادن)
۲۹۴	مسأله ۹۵۸
۲۹۵	مسأله ۹۵۹
۲۹۵	مسأله ۹۶۰
۲۹۵	مسأله ۹۶۱
۲۹۵	مسأله ۹۶۲
۲۹۵	مسأله ۹۶۳
۲۹۵	مسأله ۹۶۴

۲۹۵	مسأله ۹۶۵
۲۹۶	مسأله ۹۶۶
۲۹۶	مسأله ۹۶۷
۲۹۶	مسأله ۹۶۸
۲۹۶	مسأله ۹۶۹
۲۹۶	مسأله ۹۷۰
۲۹۶	مسأله ۹۷۱
۲۹۶	مسأله ۹۷۲
۲۹۷	مسأله ۹۷۳
۲۹۷	مسأله ۹۷۴
۲۹۷	مسأله ۹۷۵
۲۹۷	مسأله ۹۷۶
۲۹۷	مسأله ۹۷۷
۲۹۷	قرائت
۲۹۷	مسأله ۹۷۸
۲۹۷	مسأله ۹۷۹
۲۹۸	مسأله ۹۸۰
۲۹۸	مسأله ۹۸۱
۲۹۸	مسأله ۹۸۲
۲۹۸	مسأله ۹۸۳
۲۹۸	مسأله ۹۸۴
۲۹۸	مسأله ۹۸۵
۲۹۸	مسأله ۹۸۶
۲۹۸	مسأله ۹۸۷

۲۹۹	مسأله ۹۸۸
۲۹۹	مسأله ۹۸۹
۲۹۹	مسأله ۹۹۰
۲۹۹	مسأله ۹۹۱
۲۹۹	مسأله ۹۹۲
۲۹۹	مسأله ۹۹۳
۲۹۹	مسأله ۹۹۴
۳۰۰	مسأله ۹۹۵
۳۰۰	مسأله ۹۹۶
۳۰۰	مسأله ۹۹۷
۳۰۰	مسأله ۹۹۸
۳۰۰	مسأله ۹۹۹
۳۰۰	مسأله ۱۰۰۰
۳۰۰	مسأله ۱۰۰۱
۳۰۰	مسأله ۱۰۰۲
۳۰۱	مسأله ۱۰۰۳
۳۰۱	مسأله ۱۰۰۴
۳۰۱	مسأله ۱۰۰۵
۳۰۱	مسأله ۱۰۰۶
۳۰۱	مسأله ۱۰۰۷
۳۰۱	مسأله ۱۰۰۸
۳۰۲	مسأله ۱۰۰۹
۳۰۲	مسأله ۱۰۱۰
۳۰۲	مسأله ۱۰۱۱

۳۰۲	مسئله ۱۰۱۲
۳۰۲	مسئله ۱۰۱۳
۳۰۲	مسئله ۱۰۱۴
۳۰۲	مسئله ۱۰۱۵
۳۰۳	مسئله ۱۰۱۶
۳۰۳	مسئله ۱۰۱۷
۳۰۳	مسئله ۱۰۱۸
۳۰۳	مسئله ۱۰۱۹
۳۰۳	مسئله ۱۰۲۰
۳۰۳	مسئله ۱۰۲۱
۳۰۴	رکوع
۳۰۴	مسئله ۱۰۲۲
۳۰۴	مسئله ۱۰۲۳
۳۰۴	مسئله ۱۰۲۴
۳۰۴	مسئله ۱۰۲۵
۳۰۴	مسئله ۱۰۲۶
۳۰۴	مسئله ۱۰۲۷
۳۰۴	مسئله ۱۰۲۸
۳۰۴	مسئله ۱۰۲۹
۳۰۴	مسئله ۱۰۳۰
۳۰۵	مسئله ۱۰۳۱
۳۰۵	مسئله ۱۰۳۲
۳۰۵	مسئله ۱۰۳۳
۳۰۵	مسئله ۱۰۳۴

۳۰۵	مسئله ۱۰۳۵
۳۰۵	مسئله ۱۰۳۶
۳۰۵	مسئله ۱۰۳۷
۳۰۶	مسئله ۱۰۳۸
۳۰۶	مسئله ۱۰۳۹
۳۰۶	مسئله ۱۰۴۰
۳۰۶	مسئله ۱۰۴۱
۳۰۶	مسئله ۱۰۴۲
۳۰۶	مسئله ۱۰۴۳
۳۰۷	مسئله ۱۰۴۴
۳۰۷	سجود
۳۰۷	مسئله ۱۰۴۵
۳۰۷	مسئله ۱۰۴۶
۳۰۷	مسئله ۱۰۴۷
۳۰۷	مسئله ۱۰۴۸
۳۰۷	مسئله ۱۰۴۹
۳۰۷	مسئله ۱۰۵۰
۳۰۷	مسئله ۱۰۵۱
۳۰۸	مسئله ۱۰۵۲
۳۰۸	مسئله ۱۰۵۳
۳۰۸	مسئله ۱۰۵۴
۳۰۸	مسئله ۱۰۵۵
۳۰۸	مسئله ۱۰۵۶
۳۰۸	مسئله ۱۰۵۷

۳۰۸	مسئله ۱۰۵۸
۳۰۸	مسئله ۱۰۵۹
۳۰۹	مسئله ۱۰۶۰
۳۰۹	مسئله ۱۰۶۱
۳۰۹	مسئله ۱۰۶۲
۳۰۹	مسئله ۱۰۶۳
۳۰۹	مسئله ۱۰۶۴
۳۰۹	مسئله ۱۰۶۵
۳۱۰	مسئله ۱۰۶۶
۳۱۰	مسئله ۱۰۶۷
۳۱۰	مسئله ۱۰۶۸
۳۱۰	مسئله ۱۰۶۹
۳۱۰	مسئله ۱۰۷۰
۳۱۰	مسئله ۱۰۷۱
۳۱۰	مسئله ۱۰۷۲
۳۱۱	مسئله ۱۰۷۳
۳۱۱	مسئله ۱۰۷۴
۳۱۱	مسئله ۱۰۷۵
۳۱۱	چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است
۳۱۱	مسئله ۱۰۷۶
۳۱۱	مسئله ۱۰۷۷
۳۱۱	مسئله ۱۰۷۸
۳۱۱	مسئله ۱۰۷۹
۳۱۲	مسئله ۱۰۸۰



۳۱۲	مسئله ۱۰۸۱
۳۱۲	مسئله ۱۰۸۲
۳۱۲	مسئله ۱۰۸۳
۳۱۲	مسئله ۱۰۸۴
۳۱۲	مسئله ۱۰۸۵
۳۱۲	مسئله ۱۰۸۶
۳۱۲	مسئله ۱۰۸۷
۳۱۳	مسئله ۱۰۸۸
۳۱۳	مسئله ۱۰۸۹
۳۱۳	مسئله ۱۰۹۰
۳۱۳	مسئله ۱۰۹۱
۳۱۴	مسئله ۱۰۹۲
۳۱۴	سجده واجب قرآن
۳۱۴	مسئله ۱۰۹۳
۳۱۴	مسئله ۱۰۹۴
۳۱۴	مسئله ۱۰۹۵
۳۱۴	مسئله ۱۰۹۶
۳۱۴	مسئله ۱۰۹۷
۳۱۴	مسئله ۱۰۹۸
۳۱۵	مسئله ۱۰۹۹
۳۱۵	تشهد
۳۱۵	مسئله ۱۱۰۰
۳۱۵	مسئله ۱۱۰۱
۳۱۵	مسئله ۱۱۰۲

۳۱۵	.....	مسأله ۱۱۰۳
۳۱۵	.....	مسأله ۱۱۰۴
۳۱۵	.....	سلام نماز
۳۱۶	.....	مسأله ۱۱۰۵
۳۱۶	.....	مسأله ۱۱۰۶
۳۱۶	.....	مسأله ۱۱۰۷
۳۱۶	.....	ترتیب
۳۱۶	.....	مسأله ۱۱۰۸
۳۱۶	.....	مسأله ۱۱۰۹
۳۱۶	.....	مسأله ۱۱۱۰
۳۱۶	.....	مسأله ۱۱۱۱
۳۱۷	.....	مسأله ۱۱۱۲
۳۱۷	.....	مسأله ۱۱۱۳
۳۱۷	.....	موالات
۳۱۷	.....	مسأله ۱۱۱۴
۳۱۷	.....	مسأله ۱۱۱۵
۳۱۷	.....	مسأله ۱۱۱۶
۳۱۷	.....	قنوت
۳۱۷	.....	مسأله ۱۱۱۷
۳۱۸	.....	مسأله ۱۱۱۸
۳۱۸	.....	مسأله ۱۱۱۹
۳۱۸	.....	مسأله ۱۱۲۰
۳۱۸	.....	مسأله ۱۱۲۱
۳۱۸	.....	مستحبات و مکروهات سجده

۳۱۸	ترجمه اذکار نماز
۳۱۸	۱ - ترجمه سوره حمد
۳۱۹	۲ - ترجمه سوره قل هو الله احد
۳۱۹	۳ - ترجمه ذکر رکوع و سجود و ذکرهایی که بعد از آنها مستحب است
۳۱۹	۴ - ترجمه قنوت
۳۱۹	۵ - ترجمه تسبیحات اربعه
۳۱۹	۶ - ترجمه تشهد و سلام
۳۲۰	تعقیب نماز
۳۲۰	مسأله ۱۱۲۲
۳۲۰	مسأله ۱۱۲۳
۳۲۰	صلوات بر پیغمبر
۳۲۰	مسأله ۱۱۲۴
۳۲۰	مسأله ۱۱۲۵
۳۲۰	میطلات نماز
۳۲۰	مسأله ۱۱۲۶
۳۲۱	مسأله ۱۱۲۷
۳۲۱	مسأله ۱۱۲۸
۳۲۱	مسأله ۱۱۲۹
۳۲۱	مسأله ۱۱۳۰
۳۲۱	مسأله ۱۱۳۱
۳۲۲	مسأله ۱۱۳۲
۳۲۲	مسأله ۱۱۳۳
۳۲۲	مسأله ۱۱۳۴
۳۲۲	مسأله ۱۱۳۵

۳۲۲	مسأله ۱۱۳۶
۳۲۲	مسأله ۱۱۳۷
۳۲۲	مسأله ۱۱۳۸
۳۲۲	مسأله ۱۱۳۹
۳۲۳	مسأله ۱۱۴۰
۳۲۳	مسأله ۱۱۴۱
۳۲۳	مسأله ۱۱۴۲
۳۲۳	مسأله ۱۱۴۳
۳۲۳	مسأله ۱۱۴۴
۳۲۳	مسأله ۱۱۴۵
۳۲۳	مسأله ۱۱۴۶
۳۲۳	مسأله ۱۱۴۷
۳۲۴	مسأله ۱۱۴۸
۳۲۴	مسأله ۱۱۴۹
۳۲۴	مسأله ۱۱۵۰
۳۲۴	مسأله ۱۱۵۱
۳۲۴	مسأله ۱۱۵۲
۳۲۴	مسأله ۱۱۵۳
۳۲۴	مسأله ۱۱۵۴
۳۲۵	مسأله ۱۱۵۵
۳۲۵	مسأله ۱۱۵۶
۳۲۵	چیزهایی که در نماز مکروه است
۳۲۵	مسأله ۱۱۵۷
۳۲۵	مسأله ۱۱۵۸

۳۲۵	مواردی که می‌شود نماز واجب را شکست
۳۲۵	مسئله ۱۱۵۹
۳۲۵	مسئله ۱۱۶۰
۳۲۵	مسئله ۱۱۶۱
۳۲۶	مسئله ۱۱۶۲
۳۲۶	مسئله ۱۱۶۳
۳۲۶	مسئله ۱۱۶۴
۳۲۶	شکایات
۳۲۶	شک‌های مبطل
۳۲۶	مسئله ۱۱۶۵
۳۲۶	مسئله ۱۱۶۶
۳۲۷	شک‌هایی که نباید به آنها اعتنا کرد
۳۲۷	اشاره
۳۲۷	مسئله ۱۱۶۷
۳۲۷	۱ - شک در چیزی که محل آن گذشته‌ست
۳۲۷	مسئله ۱۱۶۸
۳۲۷	مسئله ۱۱۶۹
۳۲۷	مسئله ۱۱۷۰
۳۲۸	مسئله ۱۱۷۱
۳۲۸	مسئله ۱۱۷۲
۳۲۸	مسئله ۱۱۷۳
۳۲۸	مسئله ۱۱۷۴
۳۲۸	مسئله ۱۱۷۵
۳۲۸	مسئله ۱۱۷۶

- ۳۲۸ ..... ۱۱۷۷ مسأله
- ۳۲۹ ..... ۱۱۷۸ مسأله
- ۳۲۹ ..... ۲ - شک بعد از سلام
- ۳۲۹ ..... ۱۱۷۹ مسأله
- ۳۲۹ ..... ۳ - شک بعد از وقت
- ۳۲۹ ..... ۱۱۸۰ مسأله
- ۳۲۹ ..... ۱۱۸۱ مسأله
- ۳۲۹ ..... ۱۱۸۲ مسأله
- ۳۳۰ ..... ۱۱۸۳ مسأله
- ۳۳۰ ..... ۴ - کثیر الشک (کسی که زیاد شک می‌کند)
- ۳۳۰ ..... ۱۱۸۴ مسأله
- ۳۳۰ ..... ۱۱۸۵ مسأله
- ۳۳۰ ..... ۱۱۸۶ مسأله
- ۳۳۰ ..... ۱۱۸۷ مسأله
- ۳۳۰ ..... ۱۱۸۸ مسأله
- ۳۳۰ ..... ۱۱۸۹ مسأله
- ۳۳۱ ..... ۱۱۹۰ مسأله
- ۳۳۱ ..... ۱۱۹۱ مسأله
- ۳۳۱ ..... ۵ - شک امام و مأموم
- ۳۳۱ ..... ۱۱۹۲ مسأله
- ۳۳۱ ..... ۶ - شک در نماز مستحبی
- ۳۳۱ ..... ۱۱۹۳ مسأله
- ۳۳۱ ..... ۱۱۹۴ مسأله
- ۳۳۲ ..... ۱۱۹۵ مسأله

۳۳۲	.....	مسأله ۱۱۹۶
۳۳۲	.....	مسأله ۱۱۹۷
۳۳۲	.....	مسأله ۱۱۹۸
۳۳۲	.....	شک‌های صحیح
۳۳۲	.....	مسأله ۱۱۹۹
۳۳۳	.....	مسأله ۱۲۰۰
۳۳۳	.....	مسأله ۱۲۰۱
۳۳۳	.....	مسأله ۱۲۰۲
۳۳۴	.....	مسأله ۱۲۰۳
۳۳۴	.....	مسأله ۱۲۰۴
۳۳۴	.....	مسأله ۱۲۰۵
۳۳۴	.....	مسأله ۱۲۰۶
۳۳۴	.....	مسأله ۱۲۰۷
۳۳۴	.....	مسأله ۱۲۰۸
۳۳۴	.....	مسأله ۱۲۰۹
۳۳۵	.....	مسأله ۱۲۱۰
۳۳۵	.....	مسأله ۱۲۱۱
۳۳۵	.....	مسأله ۱۲۱۲
۳۳۵	.....	مسأله ۱۲۱۳
۳۳۵	.....	مسأله ۱۲۱۴
۳۳۵	.....	مسأله ۱۲۱۵
۳۳۵	.....	نماز احتیاط
۳۳۵	.....	مسأله ۱۲۱۶
۳۳۶	.....	مسأله ۱۲۱۷

۳۳۶	مسأله ۱۲۱۸
۳۳۶	مسأله ۱۲۱۹
۳۳۶	مسأله ۱۲۲۰
۳۳۶	مسأله ۱۲۲۱
۳۳۶	مسأله ۱۲۲۲
۳۳۷	مسأله ۱۲۲۳
۳۳۷	مسأله ۱۲۲۴
۳۳۷	مسأله ۱۲۲۵
۳۳۷	مسأله ۱۲۲۶
۳۳۷	مسأله ۱۲۲۷
۳۳۷	مسأله ۱۲۲۸
۳۳۷	مسأله ۱۲۲۹
۳۳۸	مسأله ۱۲۳۰
۳۳۸	مسأله ۱۲۳۱
۳۳۸	مسأله ۱۲۳۲
۳۳۸	مسأله ۱۲۳۳
۳۳۸	مسأله ۱۲۳۴
۳۳۸	مسأله ۱۲۳۵
۳۳۸	مسأله ۱۲۳۶
۳۳۸	سجده سهو
۳۳۸	مسأله ۱۲۳۷
۳۳۹	مسأله ۱۲۳۸
۳۳۹	مسأله ۱۲۳۹
۳۳۹	مسأله ۱۲۴۰



۳۳۹	مسأله ۱۲۴۱
۳۳۹	مسأله ۱۲۴۲
۳۳۹	مسأله ۱۲۴۳
۳۳۹	مسأله ۱۲۴۴
۳۴۰	مسأله ۱۲۴۵
۳۴۰	مسأله ۱۲۴۶
۳۴۰	مسأله ۱۲۴۷
۳۴۰	مسأله ۱۲۴۸
۳۴۰	مسأله ۱۲۴۹
۳۴۰	مسأله ۱۲۵۰
۳۴۰	دستور سجده سهو
۳۴۰	مسأله ۱۲۵۱ [۱]
۳۴۰	قضای سجده و تشهد فراموش شده
۳۴۰	مسأله ۱۲۵۱ [۲]
۳۴۱	مسأله ۱۲۵۲
۳۴۱	مسأله ۱۲۵۳
۳۴۱	مسأله ۱۲۵۴
۳۴۱	مسأله ۱۲۵۵
۳۴۱	مسأله ۱۲۵۶
۳۴۱	مسأله ۱۲۵۷
۳۴۲	مسأله ۱۲۵۸
۳۴۲	مسأله ۱۲۵۹
۳۴۲	مسأله ۱۲۶۰
۳۴۲	مسأله ۱۲۶۱

- ۳۴۲ ..... مسأله ۱۲۶۲
- ۳۴۲ ..... کم و زیاد کردن اجزا و شرایط نماز
- ۳۴۲ ..... مسأله ۱۲۶۳
- ۳۴۲ ..... مسأله ۱۲۶۴
- ۳۴۲ ..... مسأله ۱۲۶۵
- ۳۴۳ ..... مسأله ۱۲۶۶
- ۳۴۳ ..... مسأله ۱۲۶۷
- ۳۴۳ ..... مسأله ۱۲۶۸
- ۳۴۳ ..... مسأله ۱۲۶۹
- ۳۴۳ ..... مسأله ۱۲۷۰
- ۳۴۳ ..... مسأله ۱۲۷۱
- ۳۴۳ ..... نماز مسافر
- ۳۴۳ ..... اشاره
- ۳۴۴ ..... مسأله ۱۲۷۲
- ۳۴۴ ..... مسأله ۱۲۷۳
- ۳۴۴ ..... مسأله ۱۲۷۴
- ۳۴۴ ..... مسأله ۱۲۷۵
- ۳۴۴ ..... مسأله ۱۲۷۶
- ۳۴۴ ..... مسأله ۱۲۷۷
- ۳۴۴ ..... مسأله ۱۲۷۸
- ۳۴۴ ..... مسأله ۱۲۷۹
- ۳۴۵ ..... مسأله ۱۲۸۰
- ۳۴۵ ..... مسأله ۱۲۸۱
- ۳۴۵ ..... مسأله ۱۲۸۲

۳۴۵	مسأله ۱۲۸۳
۳۴۵	مسأله ۱۲۸۴
۳۴۵	مسأله ۱۲۸۵
۳۴۶	مسأله ۱۲۸۶
۳۴۶	مسأله ۱۲۸۷
۳۴۶	مسأله ۱۲۸۸
۳۴۶	مسأله ۱۲۸۹
۳۴۶	مسأله ۱۲۹۰
۳۴۶	مسأله ۱۲۹۱
۳۴۶	مسأله ۱۲۹۲
۳۴۷	مسأله ۱۲۹۳
۳۴۷	مسأله ۱۲۹۴
۳۴۷	مسأله ۱۲۹۵
۳۴۷	مسأله ۱۲۹۶
۳۴۷	مسأله ۱۲۹۷
۳۴۷	مسأله ۱۲۹۸
۳۴۷	مسأله ۱۲۹۹
۳۴۸	مسأله ۱۳۰۰
۳۴۸	مسأله ۱۳۰۱
۳۴۸	مسأله ۱۳۰۲
۳۴۸	مسأله ۱۳۰۳
۳۴۸	مسأله ۱۳۰۴
۳۴۸	مسأله ۱۳۰۵
۳۴۸	مسأله ۱۳۰۶

۳۴۹	مسأله ۱۳۰۷
۳۴۹	مسأله ۱۳۰۸
۳۴۹	مسأله ۱۳۰۹
۳۴۹	مسأله ۱۳۱۰
۳۴۹	مسأله ۱۳۱۱
۳۴۹	مسأله ۱۳۱۲
۳۴۹	مسأله ۱۳۱۳
۳۴۹	مسأله ۱۳۱۴
۳۵۰	مسأله ۱۳۱۵
۳۵۰	مسأله ۱۳۱۶
۳۵۰	مسأله ۱۳۱۷
۳۵۰	مسأله ۱۳۱۸
۳۵۰	مسأله ۱۳۱۹
۳۵۰	مسأله ۱۳۲۰
۳۵۰	مسأله ۱۳۲۱
۳۵۱	مسأله ۱۳۲۲
۳۵۱	مسأله ۱۳۲۳
۳۵۱	مسأله ۱۳۲۴
۳۵۱	مسأله ۱۳۲۵
۳۵۱	مسأله ۱۳۲۶
۳۵۱	مسأله ۱۳۲۷
۳۵۱	مسأله ۱۳۲۸
۳۵۲	مسأله ۱۳۲۹
۳۵۲	مسأله ۱۳۳۰

۳۵۲	مسأله ۱۳۳۱
۳۵۲	مسأله ۱۳۳۲
۳۵۲	مسأله ۱۳۳۳
۳۵۲	مسأله ۱۳۳۴
۳۵۲	مسأله ۱۳۳۵
۳۵۲	مسأله ۱۳۳۶
۳۵۳	مسأله ۱۳۳۷
۳۵۳	مسأله ۱۳۳۸
۳۵۳	مسأله ۱۳۳۹
۳۵۳	مسأله ۱۳۴۰
۳۵۳	مسأله ۱۳۴۱
۳۵۳	مسأله ۱۳۴۲
۳۵۳	مسأله ۱۳۴۳
۳۵۴	مسأله ۱۳۴۴
۳۵۴	مسأله ۱۳۴۵
۳۵۴	مسأله ۱۳۴۶
۳۵۴	مسأله ۱۳۴۷
۳۵۴	مسأله ۱۳۴۸
۳۵۴	مسأله ۱۳۴۹
۳۵۴	مسأله ۱۳۵۰
۳۵۵	مسأله ۱۳۵۱
۳۵۵	مسأله ۱۳۵۲
۳۵۵	مسأله ۱۳۵۳
۳۵۵	مسأله ۱۳۵۴

۳۵۵	مسئله ۱۳۵۵
۳۵۵	مسائل متفرقه
۳۵۵	مسئله ۱۳۵۶
۳۵۶	مسئله ۱۳۵۷
۳۵۶	مسئله ۱۳۵۸
۳۵۶	مسئله ۱۳۵۹
۳۵۶	مسئله ۱۳۶۰
۳۵۶	مسئله ۱۳۶۱
۳۵۶	مسئله ۱۳۶۲
۳۵۷	مسئله ۱۳۶۳
۳۵۷	مسئله ۱۳۶۴
۳۵۷	مسئله ۱۳۶۵
۳۵۷	مسئله ۱۳۶۶
۳۵۷	مسئله ۱۳۶۷
۳۵۷	مسئله ۱۳۶۸
۳۵۷	مسئله ۱۳۶۹
۳۵۸	نماز جمعه
۳۵۸	نماز قضا
۳۵۸	مسئله ۱۳۷۰
۳۵۸	مسئله ۱۳۷۱
۳۵۸	مسئله ۱۳۷۲
۳۵۸	مسئله ۱۳۷۳
۳۵۸	مسئله ۱۳۷۴
۳۵۸	مسئله ۱۳۷۵

۳۵۸	مسأله ۱۳۷۶
۳۵۸	مسأله ۱۳۷۷
۳۵۹	مسأله ۱۳۷۸
۳۵۹	مسأله ۱۳۷۹
۳۵۹	مسأله ۱۳۸۰
۳۵۹	مسأله ۱۳۸۱
۳۵۹	مسأله ۱۳۸۲
۳۵۹	مسأله ۱۳۸۳
۳۵۹	مسأله ۱۳۸۴
۳۵۹	مسأله ۱۳۸۵
۳۶۰	مسأله ۱۳۸۶
۳۶۰	مسأله ۱۳۸۷
۳۶۰	مسأله ۱۳۸۸
۳۶۰	مسأله ۱۳۸۹
۳۶۰	نماز قضای پدر که بر پسر بزرگتر واجب است
۳۶۰	مسأله ۱۳۹۰
۳۶۰	مسأله ۱۳۹۱
۳۶۰	مسأله ۱۳۹۲
۳۶۱	مسأله ۱۳۹۳
۳۶۱	مسأله ۱۳۹۴
۳۶۱	مسأله ۱۳۹۵
۳۶۱	مسأله ۱۳۹۶
۳۶۱	مسأله ۱۳۹۷
۳۶۱	مسأله ۱۳۹۸

۳۶۱	..... نماز جماعت
۳۶۱	..... مسأله ۱۳۹۹
۳۶۲	..... مسأله ۱۴۰۰
۳۶۲	..... مسأله ۱۴۰۱
۳۶۲	..... مسأله ۱۴۰۲
۳۶۲	..... مسأله ۱۴۰۳
۳۶۲	..... مسأله ۱۴۰۴
۳۶۲	..... مسأله ۱۴۰۵
۳۶۲	..... مسأله ۱۴۰۶
۳۶۲	..... مسأله ۱۴۰۷
۳۶۳	..... مسأله ۱۴۰۸
۳۶۳	..... مسأله ۱۴۰۹
۳۶۳	..... مسأله ۱۴۱۰
۳۶۳	..... مسأله ۱۴۱۱
۳۶۳	..... مسأله ۱۴۱۲
۳۶۳	..... مسأله ۱۴۱۳
۳۶۳	..... مسأله ۱۴۱۴
۳۶۳	..... مسأله ۱۴۱۵
۳۶۴	..... مسأله ۱۴۱۶
۳۶۴	..... مسأله ۱۴۱۷
۳۶۴	..... مسأله ۱۴۱۸
۳۶۴	..... مسأله ۱۴۱۹
۳۶۴	..... مسأله ۱۴۲۰
۳۶۴	..... مسأله ۱۴۲۱



۳۶۴	مسأله ۱۴۲۲
۳۶۴	مسأله ۱۴۲۳
۳۶۵	مسأله ۱۴۲۴
۳۶۵	مسأله ۱۴۲۵
۳۶۵	مسأله ۱۴۲۶
۳۶۵	مسأله ۱۴۲۷
۳۶۵	مسأله ۱۴۲۸
۳۶۵	مسأله ۱۴۲۹
۳۶۵	مسأله ۱۴۳۰
۳۶۵	مسأله ۱۴۳۱
۳۶۶	مسأله ۱۴۳۲
۳۶۶	مسأله ۱۴۳۳
۳۶۶	مسأله ۱۴۳۴
۳۶۶	مسأله ۱۴۳۵
۳۶۶	مسأله ۱۴۳۶
۳۶۶	مسأله ۱۴۳۷
۳۶۶	مسأله ۱۴۳۸
۳۶۷	مسأله ۱۴۳۹
۳۶۷	مسأله ۱۴۴۰
۳۶۷	مسأله ۱۴۴۱
۳۶۷	مسأله ۱۴۴۲
۳۶۷	مسأله ۱۴۴۳
۳۶۷	مسأله ۱۴۴۴
۳۶۷	مسأله ۱۴۴۵

۳۶۷	مسأله ۱۴۴۶
۳۶۸	مسأله ۱۴۴۷
۳۶۸	مسأله ۱۴۴۸
۳۶۸	مسأله ۱۴۴۹
۳۶۸	مسأله ۱۴۵۰
۳۶۸	مسأله ۱۴۵۱
۳۶۸	مسأله ۱۴۵۲
۳۶۸	شرایط امام جماعت
۳۶۸	شرایط امام جماعت
۳۶۸	مسأله ۱۴۵۳
۳۶۹	مسأله ۱۴۵۴
۳۶۹	مسأله ۱۴۵۵
۳۶۹	مسأله ۱۴۵۶
۳۶۹	مسأله ۱۴۵۷
۳۶۹	مسأله ۱۴۵۸
۳۶۹	مسأله ۱۴۵۹
۳۶۹	نماز جماعت
۳۶۹	احکام جماعت
۳۶۹	مسأله ۱۴۶۰
۳۷۰	مسأله ۱۴۶۱
۳۷۰	مسأله ۱۴۶۲
۳۷۰	مسأله ۱۴۶۳
۳۷۰	مسأله ۱۴۶۴
۳۷۰	مسأله ۱۴۶۵

۳۷۰	.....	مسأله ۱۴۶۶
۳۷۰	.....	مسأله ۱۴۶۷
۳۷۰	.....	مسأله ۱۴۶۸
۳۷۱	.....	مسأله ۱۴۶۹
۳۷۱	.....	مسأله ۱۴۷۰
۳۷۱	.....	مسأله ۱۴۷۱
۳۷۱	.....	مسأله ۱۴۷۲
۳۷۱	.....	مسأله ۱۴۷۳
۳۷۱	.....	مسأله ۱۴۷۵
۳۷۲	.....	مسأله ۱۴۷۴
۳۷۲	.....	مسأله ۱۴۷۶
۳۷۲	.....	مسأله ۱۴۷۷
۳۷۲	.....	مسأله ۱۴۷۸
۳۷۲	.....	مسأله ۱۴۷۹
۳۷۲	.....	چیزهایی که در نماز جماعت مستحب است
۳۷۲	.....	مسأله ۱۴۸۰
۳۷۲	.....	مسأله ۱۴۸۱
۳۷۳	.....	مسأله ۱۴۸۲
۳۷۳	.....	مسأله ۱۴۸۳
۳۷۳	.....	مسأله ۱۴۸۴
۳۷۳	.....	مسأله ۱۴۸۵
۳۷۳	.....	مسأله ۱۴۸۶
۳۷۳	.....	مسأله ۱۴۸۷
۳۷۳	.....	چیزهایی که در نماز جماعت مکروه است

۳۷۳	مسأله ۱۴۸۸
۳۷۳	مسأله ۱۴۸۹
۳۷۳	مسأله ۱۴۹۰
۳۷۴	نماز جمعه
۳۷۴	مسأله ۱۴۹۱
۳۷۴	مسأله ۱۴۹۲
۳۷۴	احکام نماز جمعه
۳۷۴	مسأله ۱۴۹۳
۳۷۴	مسأله ۱۴۹۴
۳۷۴	مسأله ۱۴۹۵
۳۷۴	مسأله ۱۴۹۶
۳۷۴	مسأله ۱۴۹۷
۳۷۵	مسأله ۱۴۹۸
۳۷۵	مسأله ۱۴۹۹
۳۷۵	مسأله ۱۵۰۰
۳۷۵	مسأله ۱۵۰۱
۳۷۵	مسأله ۱۵۰۲
۳۷۵	مسأله ۱۵۰۳
۳۷۶	مسأله ۱۵۰۴
۳۷۶	مسأله ۱۵۰۵
۳۷۶	مسأله ۱۵۰۶
۳۷۶	مسأله ۱۵۰۷
۳۷۶	مسأله ۱۵۰۸
۳۷۶	مسأله ۱۵۰۹

۳۷۶	مسأله ۱۵۱۰
۳۷۶	مسأله ۱۵۱۱
۳۷۷	مسأله ۱۵۱۲
۳۷۷	کیفیت نماز جمعه
۳۷۷	مسأله ۱۵۱۳
۳۷۷	مسأله ۱۵۱۴
۳۷۷	مسأله ۱۵۱۵
۳۷۷	مسأله ۱۵۱۶
۳۷۷	مسأله ۱۵۱۷
۳۷۸	مسأله ۱۵۱۸
۳۷۸	مسأله ۱۵۱۹
۳۷۸	مسأله ۱۵۲۰
۳۷۸	مسأله ۱۵۲۱
۳۷۹	مسأله ۱۵۲۲
۳۷۹	مسأله ۱۵۲۳
۳۷۹	مسأله ۱۵۲۴
۳۷۹	مسأله ۱۵۲۵
۳۷۹	مسأله ۱۵۲۶
۳۷۹	مسأله ۱۵۲۷
۳۷۹	مسأله ۱۵۲۸
۳۸۰	مسأله ۱۵۲۹
۳۸۰	مسأله ۱۵۳۰
۳۸۰	وقت نماز جمعه
۳۸۰	مسأله ۱۵۳۱

۳۸۰	مسأله ۱۵۳۲
۳۸۰	مسأله ۱۵۳۳
۳۸۱	مسأله ۱۵۳۴
۳۸۱	مسأله ۱۵۳۵
۳۸۱	مسأله ۱۵۳۶
۳۸۱	مسأله ۱۵۳۷
۳۸۱	مسأله ۱۵۳۸
۳۸۱	مسأله ۱۵۳۹
۳۸۲	مسأله ۱۵۴۰
۳۸۲	مسأله ۱۵۴۱
۳۸۲	مسأله ۱۵۴۲
۳۸۲	مسأله ۱۵۴۳
۳۸۲	مسأله ۱۵۴۴
۳۸۳	مسأله ۱۵۴۵
۳۸۳	مسأله ۱۵۴۶
۳۸۳	نماز آیات
۳۸۳	مسأله ۱۵۴۷
۳۸۳	مسأله ۱۵۴۸
۳۸۳	مسأله ۱۵۴۹
۳۸۴	مسأله ۱۵۵۰
۳۸۴	مسأله ۱۵۵۱
۳۸۴	مسأله ۱۵۵۲
۳۸۴	مسأله ۱۵۵۳
۳۸۴	مسأله ۱۵۵۴

۳۸۴	مسأله ۱۵۵۵
۳۸۴	مسأله ۱۵۵۶
۳۸۴	مسأله ۱۵۵۷
۳۸۵	مسأله ۱۵۵۸
۳۸۵	مسأله ۱۵۵۹
۳۸۵	مسأله ۱۵۶۰
۳۸۵	مسأله ۱۵۶۱
۳۸۵	مسأله ۱۵۶۲
۳۸۵	دستور نماز آیات
۳۸۵	مسأله ۱۵۶۳
۳۸۶	مسأله ۱۵۶۴
۳۸۶	مسأله ۱۵۶۵
۳۸۶	مسأله ۱۵۶۶
۳۸۶	مسأله ۱۵۶۷
۳۸۶	مسأله ۱۵۶۸
۳۸۶	مسأله ۱۵۶۹
۳۸۶	مسأله ۱۵۷۰
۳۸۷	مسأله ۱۵۷۱
۳۸۷	نماز عید فطر و قربان
۳۸۷	مسأله ۱۵۷۲
۳۸۷	مسأله ۱۵۷۳
۳۸۷	مسأله ۱۵۷۴
۳۸۷	مسأله ۱۵۷۵
۳۸۷	مسأله ۱۵۷۶

۳۸۸	مسئله ۱۵۷۷
۳۸۸	مسئله ۱۵۷۸
۳۸۸	مسئله ۱۵۷۹
۳۸۸	مسئله ۱۵۸۰
۳۸۸	مسئله ۱۵۸۱
۳۸۸	مسئله ۱۵۸۲
۳۸۸	مسئله ۱۵۸۳
۳۸۸	مسئله ۱۵۸۴
۳۸۸	مسئله ۱۵۸۵
۳۸۹	مسئله ۱۵۸۶
۳۸۹	مسئله ۱۵۸۷
۳۸۹	مسئله ۱۵۸۸
۳۸۹	احکام نماز
۳۸۹	اجیر گرفتن برای نماز
۳۸۹	مسئله ۱۵۸۹
۳۸۹	مسئله ۱۵۹۰
۳۸۹	مسئله ۱۵۹۱
۳۸۹	مسئله ۱۵۹۲
۳۹۰	مسئله ۱۵۹۳
۳۹۰	مسئله ۱۵۹۴
۳۹۰	مسئله ۱۵۹۵
۳۹۰	مسئله ۱۵۹۶
۳۹۰	مسئله ۱۵۹۷
۳۹۰	مسئله ۱۵۹۸



۳۹۰	مسأله ۱۵۹۹
۳۹۰	مسأله ۱۶۰۰
۳۹۱	مسأله ۱۶۰۱
۳۹۱	مسأله ۱۶۰۲
۳۹۱	مسأله ۱۶۰۳
۳۹۱	مسأله ۱۶۰۴
۳۹۱	مسأله ۱۶۰۵
۳۹۱	احکام روزه
۳۹۲	نیت
۳۹۲	مسأله ۱۶۰۶
۳۹۲	مسأله ۱۶۰۷
۳۹۲	مسأله ۱۶۰۸
۳۹۲	مسأله ۱۶۰۹
۳۹۲	مسأله ۱۶۱۰
۳۹۲	مسأله ۱۶۱۱
۳۹۲	مسأله ۱۶۱۲
۳۹۲	مسأله ۱۶۱۳
۳۹۳	مسأله ۱۶۱۴
۳۹۳	مسأله ۱۶۱۵
۳۹۳	مسأله ۱۶۱۶
۳۹۳	مسأله ۱۶۱۷
۳۹۳	مسأله ۱۶۱۸
۳۹۳	مسأله ۱۶۱۹
۳۹۳	مسأله ۱۶۲۰

۳۹۳	مسأله ۱۶۲۱
۳۹۴	مسأله ۱۶۲۲
۳۹۴	مسأله ۱۶۲۳
۳۹۴	مسأله ۱۶۲۴
۳۹۴	مسأله ۱۶۲۵
۳۹۴	مسأله ۱۶۲۶
۳۹۴	مسأله ۱۶۲۷
۳۹۴	چیزهایی که روزه را باطل می‌کند
۳۹۴	اشاره
۳۹۴	مسأله ۱۶۲۸
۳۹۵	۱ - خوردن و آشامیدن
۳۹۵	مسأله ۱۶۲۹
۳۹۵	مسأله ۱۶۳۰
۳۹۵	مسأله ۱۶۳۱
۳۹۵	مسأله ۱۶۳۲
۳۹۶	مسأله ۱۶۳۳
۳۹۶	مسأله ۱۶۳۴
۳۹۶	مسأله ۱۶۳۵
۳۹۶	مسأله ۱۶۳۶
۳۹۶	مسأله ۱۶۳۷
۳۹۶	مسأله ۱۶۳۸
۳۹۶	مسأله ۱۶۳۹
۳۹۶	۲ - جماع
۳۹۶	مسأله ۱۶۴۰

۳۹۷	.....	مسأله ۱۶۴۱
۳۹۷	.....	مسأله ۱۶۴۲
۳۹۷	.....	مسأله ۱۶۴۳
۳۹۷	.....	۳ - استمناء
۳۹۷	.....	مسأله ۱۶۴۴
۳۹۷	.....	مسأله ۱۶۴۵
۳۹۷	.....	مسأله ۱۶۴۶
۳۹۷	.....	مسأله ۱۶۴۷
۳۹۸	.....	مسأله ۱۶۴۸
۳۹۸	.....	مسأله ۱۶۴۹
۳۹۸	.....	مسأله ۱۶۵۰
۳۹۸	.....	مسأله ۱۶۵۱
۳۹۸	.....	۴ - دروغ بستن به خدا و پیغمبر
۳۹۸	.....	مسأله ۱۶۵۲
۳۹۸	.....	مسأله ۱۶۵۳
۳۹۸	.....	مسأله ۱۶۵۴
۳۹۹	.....	مسأله ۱۶۵۵
۳۹۹	.....	مسأله ۱۶۵۶
۳۹۹	.....	مسأله ۱۶۵۷
۳۹۹	.....	مسأله ۱۶۵۸
۳۹۹	.....	۵ - رساندن غبار غلیظ به حلق
۳۹۹	.....	مسأله ۱۶۵۹
۳۹۹	.....	مسأله ۱۶۶۰
۳۹۹	.....	مسأله ۱۶۶۱

- مسأله ۱۶۶۲ ..... ۳۹۹
- مسأله ۱۶۶۳ ..... ۴۰۰
- ۶- فرو بردن سر در آب ..... ۴۰۰
- مسأله ۱۶۶۴ ..... ۴۰۰
- مسأله ۱۶۶۵ ..... ۴۰۰
- مسأله ۱۶۶۶ ..... ۴۰۰
- مسأله ۱۶۶۷ ..... ۴۰۰
- مسأله ۱۶۶۸ ..... ۴۰۰
- مسأله ۱۶۶۹ ..... ۴۰۰
- مسأله ۱۶۷۰ ..... ۴۰۱
- مسأله ۱۶۷۱ ..... ۴۰۱
- مسأله ۱۶۷۲ ..... ۴۰۱
- مسأله ۱۶۷۳ ..... ۴۰۱
- مسأله ۱۶۷۴ ..... ۴۰۱
- ۷- باقی ماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح ..... ۴۰۱
- مسأله ۱۶۷۵ ..... ۴۰۱
- مسأله ۱۶۷۶ ..... ۴۰۱
- مسأله ۱۶۷۷ ..... ۴۰۱
- مسأله ۱۶۷۸ ..... ۴۰۲
- مسأله ۱۶۷۹ ..... ۴۰۲
- مسأله ۱۶۸۰ ..... ۴۰۲
- مسأله ۱۶۸۱ ..... ۴۰۲
- مسأله ۱۶۸۲ ..... ۴۰۲
- مسأله ۱۶۸۳ ..... ۴۰۲

۴۰۲	مسئله ۱۶۸۴
۴۰۳	مسئله ۱۶۸۵
۴۰۳	مسئله ۱۶۸۶
۴۰۳	مسئله ۱۶۸۷
۴۰۳	مسئله ۱۶۸۸
۴۰۳	مسئله ۱۶۸۹
۴۰۳	مسئله ۱۶۹۰
۴۰۳	مسئله ۱۶۹۱
۴۰۴	مسئله ۱۶۹۲
۴۰۴	مسئله ۱۶۹۳
۴۰۴	مسئله ۱۶۹۴
۴۰۴	مسئله ۱۶۹۵
۴۰۴	مسئله ۱۶۹۶
۴۰۴	مسئله ۱۶۹۷
۴۰۴	مسئله ۱۶۹۸
۴۰۴	مسئله ۱۶۹۹
۴۰۵	مسئله ۱۷۰۰
۴۰۵	۸ - اماله کردن
۴۰۵	مسئله ۱۷۰۱
۴۰۵	۹ - قی کردن
۴۰۵	مسئله ۱۷۰۲
۴۰۵	مسئله ۱۷۰۳
۴۰۵	مسئله ۱۷۰۴
۴۰۵	مسئله ۱۷۰۵

- مسئله ۱۷۰۶ ..... ۴۰۶
- مسئله ۱۷۰۷ ..... ۴۰۶
- مسئله ۱۷۰۸ ..... ۴۰۶
- احکام چیزهایی که روزه را باطل می‌کند ..... ۴۰۶
- مسئله ۱۷۰۹ ..... ۴۰۶
- مسئله ۱۷۱۰ ..... ۴۰۶
- مسئله ۱۷۱۱ ..... ۴۰۶
- مسئله ۱۷۱۲ ..... ۴۰۶
- آنچه برای روزه‌دار مکروه است ..... ۴۰۷
- مسئله ۱۷۱۳ ..... ۴۰۷
- جاهایی که قضا و کفاره واجب است ..... ۴۰۷
- مسئله ۱۷۱۴ ..... ۴۰۷
- مسئله ۱۷۱۵ ..... ۴۰۷
- کفاره روزه ..... ۴۰۷
- مسئله ۱۷۱۶ ..... ۴۰۷
- مسئله ۱۷۱۷ ..... ۴۰۷
- مسئله ۱۷۱۸ ..... ۴۰۸
- مسئله ۱۷۱۹ ..... ۴۰۸
- مسئله ۱۷۲۰ ..... ۴۰۸
- مسئله ۱۷۲۱ ..... ۴۰۸
- مسئله ۱۷۲۲ ..... ۴۰۸
- مسئله ۱۷۲۳ ..... ۴۰۸
- مسئله ۱۷۲۴ ..... ۴۰۸
- مسئله ۱۷۲۵ ..... ۴۰۹

مسأله ۱۷۲۶	.....	۴۰۹
مسأله ۱۷۲۷	.....	۴۰۹
مسأله ۱۷۲۸	.....	۴۰۹
مسأله ۱۷۲۹	.....	۴۰۹
مسأله ۱۷۳۰	.....	۴۰۹
مسأله ۱۷۳۱	.....	۴۰۹
مسأله ۱۷۳۲	.....	۴۱۰
مسأله ۱۷۳۳	.....	۴۱۰
مسأله ۱۷۳۴	.....	۴۱۰
مسأله ۱۷۳۵	.....	۴۱۰
مسأله ۱۷۳۶	.....	۴۱۰
مسأله ۱۷۳۷	.....	۴۱۰
مسأله ۱۷۳۸	.....	۴۱۰
مسأله ۱۷۳۹	.....	۴۱۰
مسأله ۱۷۴۰	.....	۴۱۱
مسأله ۱۷۴۱	.....	۴۱۱
مسأله ۱۷۴۲	.....	۴۱۱
مسأله ۱۷۴۳	.....	۴۱۱
جاهایی که فقط قضای روزه واجب است	.....	۴۱۱
مسأله ۱۷۴۴	.....	۴۱۱
مسأله ۱۷۴۵	.....	۴۱۲
مسأله ۱۷۴۶	.....	۴۱۲
مسأله ۱۷۴۷	.....	۴۱۲
مسأله ۱۷۴۸	.....	۴۱۲

۴۱۲	مسئله ۱۷۴۹
۴۱۲	احکام روزه قضا
۴۱۲	مسئله ۱۷۵۰
۴۱۳	مسئله ۱۷۵۱
۴۱۳	مسئله ۱۷۵۲
۴۱۳	مسئله ۱۷۵۳
۴۱۳	مسئله ۱۷۵۴
۴۱۳	مسئله ۱۷۵۵
۴۱۳	مسئله ۱۷۵۶
۴۱۳	مسئله ۱۷۵۷
۴۱۴	مسئله ۱۷۵۸
۴۱۴	مسئله ۱۷۵۹
۴۱۴	مسئله ۱۷۶۰
۴۱۴	مسئله ۱۷۶۱
۴۱۴	مسئله ۱۷۶۲
۴۱۴	مسئله ۱۷۶۳
۴۱۵	مسئله ۱۷۶۴
۴۱۵	مسئله ۱۷۶۵
۴۱۵	مسئله ۱۷۶۶
۴۱۵	مسئله ۱۷۶۷
۴۱۵	مسئله ۱۷۶۸
۴۱۵	مسئله ۱۷۶۹
۴۱۵	احکام روزه مسافر
۴۱۵	مسئله ۱۷۷۰



- مسأله ۱۷۷۱ ..... ۴۱۵
- مسأله ۱۷۷۲ ..... ۴۱۶
- مسأله ۱۷۷۳ ..... ۴۱۶
- مسأله ۱۷۷۴ ..... ۴۱۶
- مسأله ۱۷۷۵ ..... ۴۱۶
- مسأله ۱۷۷۶ ..... ۴۱۶
- مسأله ۱۷۷۷ ..... ۴۱۶
- مسأله ۱۷۷۸ ..... ۴۱۶
- مسأله ۱۷۷۹ ..... ۴۱۷
- مسأله ۱۷۸۰ ..... ۴۱۷
- کسانی که روزه بر آنها واجب نیست ..... ۴۱۷
- مسأله ۱۷۸۱ ..... ۴۱۷
- مسأله ۱۷۸۲ ..... ۴۱۷
- مسأله ۱۷۸۳ ..... ۴۱۷
- مسأله ۱۷۸۴ ..... ۴۱۷
- مسأله ۱۷۸۵ ..... ۴۱۷
- راه ثابت شدن اول ماه ..... ۴۱۸
- مسأله ۱۷۸۶ ..... ۴۱۸
- مسأله ۱۷۸۷ ..... ۴۱۸
- مسأله ۱۷۸۸ ..... ۴۱۹
- مسأله ۱۷۸۹ ..... ۴۱۹
- مسأله ۱۷۹۰ ..... ۴۱۹
- مسأله ۱۷۹۱ ..... ۴۱۹
- مسأله ۱۷۹۲ ..... ۴۱۹

۴۱۹	مسأله ۱۷۹۳
۴۱۹	مسأله ۱۷۹۴
۴۲۰	روزه‌های حرام و مکروه
۴۲۰	مسأله ۱۷۹۵
۴۲۰	مسأله ۱۷۹۶
۴۲۰	مسأله ۱۷۹۷
۴۲۰	مسأله ۱۷۹۸
۴۲۰	مسأله ۱۷۹۹
۴۲۰	مسأله ۱۸۰۰
۴۲۰	مسأله ۱۸۰۱
۴۲۰	مسأله ۱۸۰۲
۴۲۱	مسأله ۱۸۰۳
۴۲۱	روزه‌های مستحب
۴۲۱	مسأله ۱۸۰۴
۴۲۱	مواردی که مستحب است انسان از کارهایی که روزه را باطل می‌کند خودداری نماید
۴۲۱	مسأله ۱۸۰۵
۴۲۱	مسأله ۱۸۰۶
۴۲۲	اعتکاف
۴۲۲	[اعتکاف]
۴۲۲	مسأله ۱۸۰۷
۴۲۲	شرایط اعتکاف
۴۲۲	اشاره
۴۲۳	مسأله ۱۸۰۸
۴۲۳	مسأله ۱۸۰۹

۴۲۳	مسأله ۱۸۱۰
۴۲۳	مسأله ۱۸۱۱
۴۲۴	مسأله ۱۸۱۲
۴۲۴	مسأله ۱۸۱۳
۴۲۴	مسأله ۱۸۱۴
۴۲۴	مسأله ۱۸۱۵
۴۲۴	مسأله ۱۸۱۶
۴۲۴	مسأله ۱۸۱۷
۴۲۵	مسأله ۱۸۱۸
۴۲۵	مسأله ۱۸۱۹
۴۲۵	مسأله ۱۸۲۰
۴۲۵	اموری که بر معتکف حرام است
۴۲۵	اشاره
۴۲۶	مسأله ۱۸۲۱
۴۲۶	مسأله ۱۸۲۲
۴۲۶	مسأله ۱۸۲۳
۴۲۶	مسأله ۱۸۲۴
۴۲۶	مسأله ۱۸۲۵
۴۲۶	مسأله ۱۸۲۶
۴۲۶	مسأله ۱۸۲۷
۴۲۷	احکام خمس
۴۲۷	اشاره
۴۲۷	مسأله ۱۸۲۸
۴۲۷	۱ - منفعت کسب

۴۲۷	مسأله ۱۸۲۹
۴۲۷	مسأله ۱۸۳۰
۴۲۷	مسأله ۱۸۳۱
۴۲۷	مسأله ۱۸۳۲
۴۲۸	مسأله ۱۸۳۳
۴۲۸	مسأله ۱۸۳۴
۴۲۸	مسأله ۱۸۳۵
۴۲۸	مسأله ۱۸۳۶
۴۲۸	مسأله ۱۸۳۷
۴۲۸	مسأله ۱۸۳۸
۴۲۹	مسأله ۱۸۳۹
۴۲۹	مسأله ۱۸۴۰
۴۲۹	مسأله ۱۸۴۱
۴۲۹	مسأله ۱۸۴۲
۴۲۹	مسأله ۱۸۴۳
۴۲۹	مسأله ۱۸۴۴
۴۲۹	مسأله ۱۸۴۵
۴۲۹	مسأله ۱۸۴۶
۴۳۰	مسأله ۱۸۴۷
۴۳۰	مسأله ۱۸۴۸
۴۳۰	مسأله ۱۸۴۹
۴۳۰	مسأله ۱۸۵۰
۴۳۰	مسأله ۱۸۵۱
۴۳۰	مسأله ۱۸۵۲

۴۳۰	مسأله ۱۸۵۳
۴۳۱	مسأله ۱۸۵۴
۴۳۱	مسأله ۱۸۵۵
۴۳۱	مسأله ۱۸۵۶
۴۳۱	مسأله ۱۸۵۷
۴۳۱	مسأله ۱۸۵۸
۴۳۱	مسأله ۱۸۵۹
۴۳۱	مسأله ۱۸۶۰
۴۳۲	مسأله ۱۸۶۱
۴۳۲	مسأله ۱۸۶۲
۴۳۲	مسأله ۱۸۶۳
۴۳۲	مسأله ۱۸۶۴
۴۳۲	مسأله ۱۸۶۵
۴۳۲	مسأله ۱۸۶۶
۴۳۲	مسأله ۱۸۶۷
۴۳۲	مسأله ۱۸۶۸
۴۳۳	مسأله ۱۸۶۹
۴۳۳	مسأله ۱۸۷۰
۴۳۳	مسأله ۱۸۷۱
۴۳۳	مسأله ۱۸۷۲
۴۳۳	مسأله ۱۸۷۳
۴۳۳	مسأله ۱۸۷۴
۴۳۴	۲ - معدن
۴۳۴	مسأله ۱۸۷۵

- ۴۳۴ ..... ۱۸۷۶ - مسأله
- ۴۳۴ ..... ۱۸۷۷ - مسأله
- ۴۳۴ ..... ۱۸۷۸ - مسأله
- ۴۳۴ ..... ۱۸۷۹ - مسأله
- ۴۳۴ ..... ۱۸۸۰ - مسأله
- ۴۳۴ ..... ۱۸۸۱ - مسأله
- ۴۳۴ ..... ۱۸۸۲ - مسأله
- ۴۳۵ ..... ۳ - گنج
- ۴۳۵ ..... ۱۸۸۳ - مسأله
- ۴۳۵ ..... ۱۸۸۴ - مسأله
- ۴۳۵ ..... ۱۸۸۵ - مسأله
- ۴۳۵ ..... ۱۸۸۶ - مسأله
- ۴۳۵ ..... ۱۸۸۷ - مسأله
- ۴۳۵ ..... ۱۸۸۸ - مسأله
- ۴۳۵ ..... ۱۸۸۹ - مسأله
- ۴۳۶ ..... ۴ - مال حلال مخلوط به حرام
- ۴۳۶ ..... ۱۸۹۰ - مسأله
- ۴۳۶ ..... ۱۸۹۱ - مسأله
- ۴۳۶ ..... ۱۸۹۲ - مسأله
- ۴۳۶ ..... ۱۸۹۳ - مسأله
- ۴۳۶ ..... ۱۸۹۴ - مسأله
- ۴۳۶ ..... ۱۸۹۵ - مسأله
- ۴۳۶ ..... ۵ - جواهری که به واسطه فرو رفتن در دریا به دست می‌آید
- ۴۳۶ ..... ۱۸۹۶ - مسأله

۴۳۷	مسأله ۱۸۹۷
۴۳۷	مسأله ۱۸۹۸
۴۳۷	مسأله ۱۸۹۹
۴۳۷	مسأله ۱۹۰۰
۴۳۷	مسأله ۱۹۰۱
۴۳۷	مسأله ۱۹۰۲
۴۳۸	مسأله ۱۹۰۳
۴۳۸	مسأله ۱۹۰۴
۴۳۸	۶ - غنیمت
۴۳۸	مسأله ۱۹۰۵
۴۳۸	۷ - زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد
۴۳۸	مسأله ۱۹۰۶
۴۳۸	مسأله ۱۹۰۷
۴۳۸	مسأله ۱۹۰۸
۴۳۸	مسأله ۱۹۰۹
۴۳۹	مسأله ۱۹۱۰
۴۳۹	مصرف خمس
۴۳۹	مسأله ۱۹۱۱
۴۳۹	مسأله ۱۹۱۲
۴۳۹	مسأله ۱۹۱۳
۴۳۹	مسأله ۱۹۱۴
۴۳۹	مسأله ۱۹۱۵
۴۳۹	مسأله ۱۹۱۶
۴۳۹	مسأله ۱۹۱۷

۴۴۰	مسأله ۱۹۱۸
۴۴۰	مسأله ۱۹۱۹
۴۴۰	مسأله ۱۹۲۰
۴۴۰	مسأله ۱۹۲۱
۴۴۰	مسأله ۱۹۲۲
۴۴۰	مسأله ۱۹۲۳
۴۴۰	مسأله ۱۹۲۴
۴۴۱	مسأله ۱۹۲۵
۴۴۱	مسأله ۱۹۲۶
۴۴۱	مسأله ۱۹۲۷
۴۴۱	مسأله ۱۹۲۸
۴۴۱	مسأله ۱۹۲۹
۴۴۱	احکام زکاة
۴۴۱	مسأله ۱۹۳۰
۴۴۲	مسأله ۱۹۳۱
۴۴۲	شرایط واجب شدن زکاة
۴۴۲	مسأله ۱۹۳۲
۴۴۲	مسأله ۱۹۳۳
۴۴۲	مسأله ۱۹۳۴
۴۴۲	مسأله ۱۹۳۵
۴۴۲	مسأله ۱۹۳۶
۴۴۲	مسأله ۱۹۳۷
۴۴۳	مسأله ۱۹۳۸
۴۴۳	مسأله ۱۹۳۹



- مسأله ۱۹۴۰ ----- ۴۴۳
- زکات گندم و جو و خرما و کشمش ----- ۴۴۳
- مسأله ۱۹۴۱ ----- ۴۴۳
- مسأله ۱۹۴۲ ----- ۴۴۳
- مسأله ۱۹۴۳ ----- ۴۴۳
- مسأله ۱۹۴۴ ----- ۴۴۳
- مسأله ۱۹۴۵ ----- ۴۴۴
- مسأله ۱۹۴۶ ----- ۴۴۴
- مسأله ۱۹۴۷ ----- ۴۴۴
- مسأله ۱۹۴۸ ----- ۴۴۴
- مسأله ۱۹۴۹ ----- ۴۴۴
- مسأله ۱۹۵۰ ----- ۴۴۴
- مسأله ۱۹۵۱ ----- ۴۴۴
- مسأله ۱۹۵۲ ----- ۴۴۴
- مسأله ۱۹۵۳ ----- ۴۴۵
- مسأله ۱۹۵۴ ----- ۴۴۵
- مسأله ۱۹۵۵ ----- ۴۴۵
- مسأله ۱۹۵۶ ----- ۴۴۵
- مسأله ۱۹۵۷ ----- ۴۴۵
- مسأله ۱۹۵۸ ----- ۴۴۵
- مسأله ۱۹۵۹ ----- ۴۴۵
- مسأله ۱۹۶۰ ----- ۴۴۶
- مسأله ۱۹۶۱ ----- ۴۴۶
- مسأله ۱۹۶۲ ----- ۴۴۶

۴۴۶	مسأله ۱۹۶۳
۴۴۶	مسأله ۱۹۶۴
۴۴۶	مسأله ۱۹۶۵
۴۴۶	مسأله ۱۹۶۶
۴۴۷	مسأله ۱۹۶۷
۴۴۷	مسأله ۱۹۶۸
۴۴۷	مسأله ۱۹۶۹
۴۴۷	مسأله ۱۹۷۰
۴۴۷	مسأله ۱۹۷۱
۴۴۷	مسأله ۱۹۷۲
۴۴۸	نصاب طلا
۴۴۸	مسأله ۱۹۷۳
۴۴۸	نصاب نقره
۴۴۸	مسأله ۱۹۷۴
۴۴۸	مسأله ۱۹۷۵
۴۴۸	مسأله ۱۹۷۶
۴۴۸	مسأله ۱۹۷۷
۴۴۹	مسأله ۱۹۷۸
۴۴۹	مسأله ۱۹۷۹
۴۴۹	مسأله ۱۹۸۰
۴۴۹	مسأله ۱۹۸۱
۴۴۹	مسأله ۱۹۸۲
۴۴۹	مسأله ۱۹۸۳
۴۴۹	مسأله ۱۹۸۴

۴۴۹	زکات شتر و گاو و گوسفند
۴۴۹	مسأله ۱۹۸۵
۴۵۰	مسأله ۱۹۸۶
۴۵۰	نصاب شتر
۴۵۰	مسأله ۱۹۸۷
۴۵۰	مسأله ۱۹۸۸
۴۵۱	نصاب گاو
۴۵۱	مسأله ۱۹۸۹
۴۵۱	نصاب گوسفند
۴۵۱	مسأله ۱۹۹۰
۴۵۱	مسأله ۱۹۹۱
۴۵۱	مسأله ۱۹۹۲
۴۵۱	مسأله ۱۹۹۳
۴۵۲	مسأله ۱۹۹۴
۴۵۲	مسأله ۱۹۹۵
۴۵۲	مسأله ۱۹۹۶
۴۵۲	مسأله ۱۹۹۷
۴۵۲	مسأله ۱۹۹۸
۴۵۲	مسأله ۱۹۹۹
۴۵۲	مسأله ۲۰۰۰
۴۵۲	مسأله ۲۰۰۱
۴۵۳	مصرف زکات
۴۵۳	مسأله ۲۰۰۲
۴۵۳	مسأله ۲۰۰۳

۴۵۳	مسأله ۲۰۰۴
۴۵۳	مسأله ۲۰۰۵
۴۵۳	مسأله ۲۰۰۶
۴۵۴	مسأله ۲۰۰۷
۴۵۴	مسأله ۲۰۰۸
۴۵۴	مسأله ۲۰۰۹
۴۵۴	مسأله ۲۰۱۰
۴۵۴	مسأله ۲۰۱۱
۴۵۴	مسأله ۲۰۱۲
۴۵۴	مسأله ۲۰۱۳
۴۵۵	مسأله ۲۰۱۴
۴۵۵	مسأله ۲۰۱۵
۴۵۵	مسأله ۲۰۱۶
۴۵۵	مسأله ۲۰۱۷
۴۵۵	مسأله ۲۰۱۸
۴۵۵	شرایط کسانی که مستحق زکاتند
۴۵۵	مسأله ۲۰۱۹
۴۵۵	مسأله ۲۰۲۰
۴۵۶	مسأله ۲۰۲۱
۴۵۶	مسأله ۲۰۲۲
۴۵۶	مسأله ۲۰۲۳
۴۵۶	مسأله ۲۰۲۴
۴۵۶	مسأله ۲۰۲۵
۴۵۶	مسأله ۲۰۲۶

۴۵۶	مسأله ۲۰۲۷
۴۵۶	مسأله ۲۰۲۸
۴۵۶	مسأله ۲۰۲۹
۴۵۷	مسأله ۲۰۳۰
۴۵۷	مسأله ۲۰۳۱
۴۵۷	مسأله ۲۰۳۲
۴۵۷	مسأله ۲۰۳۳
۴۵۷	نیت زکات
۴۵۷	مسأله ۲۰۳۴
۴۵۷	مسأله ۲۰۳۵
۴۵۷	مسأله ۲۰۳۶
۴۵۸	مسأله ۲۰۳۷
۴۵۸	مسائل متفرقه زکات
۴۵۸	مسأله ۲۰۳۸
۴۵۸	مسأله ۲۰۳۹
۴۵۸	مسأله ۲۰۴۰
۴۵۸	مسأله ۲۰۴۱
۴۵۸	مسأله ۲۰۴۲
۴۵۸	مسأله ۲۰۴۳
۴۵۸	مسأله ۲۰۴۴
۴۵۹	مسأله ۲۰۴۵
۴۵۹	مسأله ۲۰۴۶
۴۵۹	مسأله ۲۰۴۷
۴۵۹	مسأله ۲۰۴۸

۴۵۹	مسأله ۲۰۴۹
۴۵۹	مسأله ۲۰۵۰
۴۵۹	مسأله ۲۰۵۱
۴۵۹	مسأله ۲۱۵۲
۴۶۰	مسأله ۲۰۵۳
۴۶۰	مسأله ۲۰۵۴
۴۶۰	مسأله ۲۰۵۵
۴۶۰	مسأله ۲۰۵۶
۴۶۰	مسأله ۲۰۵۷
۴۶۰	مسأله ۲۰۵۸
۴۶۰	مسأله ۲۰۵۹
۴۶۰	مسأله ۲۰۶۰
۴۶۱	مسأله ۲۰۶۱
۴۶۱	مسأله ۲۰۶۲
۴۶۱	مسأله ۲۰۶۳
۴۶۱	مسأله ۲۰۶۴
۴۶۱	مسأله ۲۰۶۵
۴۶۱	مسأله ۲۰۶۶
۴۶۲	مسأله ۲۰۶۷
۴۶۲	زکات فطره
۴۶۲	مسأله ۲۰۶۸
۴۶۲	مسأله ۲۰۶۹
۴۶۲	مسأله ۲۰۷۰
۴۶۲	مسأله ۲۰۷۱

۴۶۲	مسأله ۲۰۷۲
۴۶۲	مسأله ۲۰۷۳
۴۶۲	مسأله ۲۰۷۴
۴۶۳	مسأله ۲۰۷۵
۴۶۳	مسأله ۲۰۷۶
۴۶۳	مسأله ۲۰۷۷
۴۶۳	مسأله ۲۰۷۸
۴۶۳	مسأله ۲۰۷۹
۴۶۳	مسأله ۲۰۸۰
۴۶۳	مسأله ۲۰۸۱
۴۶۳	مسأله ۲۰۸۲
۴۶۴	مسأله ۲۰۸۳
۴۶۴	مسأله ۲۰۸۴
۴۶۴	مسأله ۲۰۸۵
۴۶۴	مسأله ۲۰۸۶
۴۶۴	مسأله ۲۰۸۷
۴۶۴	مسأله ۲۰۸۸
۴۶۴	مسأله ۲۰۸۹
۴۶۴	مسأله ۲۰۹۰
۴۶۴	مصرف زکات فطره
۴۶۵	مسأله ۲۰۹۱
۴۶۵	مسأله ۲۰۹۲
۴۶۵	مسأله ۲۰۹۳
۴۶۵	مسأله ۲۰۹۴

۴۶۵	مسئله ۲۰۹۵
۴۶۵	مسئله ۲۰۹۶
۴۶۵	مسئله ۲۰۹۷
۴۶۵	مسئله ۲۰۹۸
۴۶۵	مسئله ۲۰۹۹
۴۶۶	مسئله ۲۱۰۰
۴۶۶	مسائل متفرقه زکات فطره
۴۶۶	مسئله ۲۱۰۱
۴۶۶	مسئله ۲۱۰۲
۴۶۶	مسئله ۲۱۰۳
۴۶۶	مسئله ۲۱۰۴
۴۶۶	مسئله ۲۱۰۵
۴۶۶	مسئله ۲۱۰۶
۴۶۷	مسئله ۲۱۰۷
۴۶۷	مسئله ۲۱۰۸
۴۶۷	مسئله ۲۱۰۹
۴۶۷	مسئله ۲۱۱۰
۴۶۷	مسئله ۲۱۱۱
۴۶۷	مسئله ۲۱۱۲
۴۶۷	احکام حج
۴۶۷	مسئله ۲۱۱۳
۴۶۸	مسئله ۱۲۱۴
۴۶۸	مسئله ۲۱۱۵
۴۶۸	مسئله ۲۱۱۶



۴۶۸	مسأله ۲۱۱۷
۴۶۸	مسأله ۲۱۱۸
۴۶۹	مسأله ۲۱۱۹
۴۶۹	مسأله ۲۱۲۰
۴۶۹	مسأله ۲۱۲۱
۴۶۹	مسأله ۲۱۲۲
۴۶۹	مسأله ۲۱۲۳
۴۶۹	مسأله ۲۱۲۴
۴۶۹	مسأله ۲۱۲۵
۴۷۰	مسأله ۲۱۲۶
۴۷۰	مسأله ۲۱۲۷
۴۷۰	احکام خرید و فروش
۴۷۰	چیزهایی که در خرید و فروش مستحب است
۴۷۰	مسأله ۲۱۲۸
۴۷۰	مسأله ۲۱۲۹
۴۷۰	مسأله ۲۱۳۰
۴۷۰	شرایط معامله سلف
۴۷۰	معاملات مکروه
۴۷۰	مسأله ۲۱۳۱
۴۷۱	معاملات باطل
۴۷۱	مسأله ۲۱۳۲
۴۷۱	مسأله ۲۱۳۳
۴۷۱	مسأله ۲۱۳۴
۴۷۱	مسأله ۲۱۳۵

۴۷۲	مسأله ۲۱۳۶
۴۷۲	مسأله ۲۱۳۷
۴۷۲	مسأله ۲۱۳۸
۴۷۲	مسأله ۲۱۳۹
۴۷۲	مسأله ۲۱۴۰
۴۷۲	مسأله ۲۱۴۱
۴۷۲	مسأله ۲۱۴۲
۴۷۲	مسأله ۲۱۴۳
۴۷۳	مسأله ۲۱۴۴
۴۷۳	مسأله ۲۱۴۵
۴۷۳	مسأله ۲۱۴۶
۴۷۳	مسأله ۲۱۴۷
۴۷۳	مسأله ۲۱۴۸
۴۷۳	مسأله ۲۱۴۹
۴۷۳	مسأله ۲۱۵۰
۴۷۴	مسأله ۲۱۵۱
۴۷۴	مسأله ۲۱۵۲
۴۷۴	مسأله ۲۱۵۳
۴۷۴	مسأله ۲۱۵۴
۴۷۴	مسأله ۲۱۵۵
۴۷۴	مسأله ۲۱۵۶
۴۷۴	مسأله ۲۱۵۷
۴۷۵	مسأله ۲۱۵۸
۴۷۵	مسأله ۲۱۵۹

- مسأله ۲۱۶۰ ..... ۴۷۵
- شرایط فروشنده و خریدار ..... ۴۷۵
- مسأله ۲۱۶۱ ..... ۴۷۵
- مسأله ۲۱۶۲ ..... ۴۷۵
- مسأله ۲۱۶۳ ..... ۴۷۶
- مسأله ۲۱۶۴ ..... ۴۷۶
- مسأله ۲۱۶۵ ..... ۴۷۶
- مسأله ۲۱۶۶ ..... ۴۷۶
- مسأله ۲۱۶۷ ..... ۴۷۶
- مسأله ۲۱۶۸ ..... ۴۷۶
- مسأله ۲۱۶۹ ..... ۴۷۶
- شرایط جنس و عوض آن ..... ۴۷۷
- مسأله ۲۱۷۰ ..... ۴۷۷
- مسأله ۲۱۷۱ ..... ۴۷۷
- مسأله ۲۱۷۲ ..... ۴۷۷
- مسأله ۲۱۷۳ ..... ۴۷۷
- مسأله ۲۱۷۴ ..... ۴۷۷
- مسأله ۲۱۷۵ ..... ۴۷۸
- مسأله ۲۱۷۶ ..... ۴۷۸
- صیغه خرید و فروش ..... ۴۷۸
- مسأله ۲۱۷۷ ..... ۴۷۸
- مسأله ۲۱۷۸ ..... ۴۷۸
- خرید و فروش میوه‌ها ..... ۴۷۸
- مسأله ۲۱۷۹ ..... ۴۷۸

۴۷۸	مسئله ۲۱۸۰
۴۷۸	مسئله ۲۱۸۱
۴۷۹	مسئله ۲۱۸۲
۴۷۹	مسئله ۲۱۸۳
۴۷۹	نقد و نسیه
۴۷۹	مسئله ۲۱۸۴
۴۷۹	مسئله ۲۱۸۵
۴۷۹	مسئله ۲۱۸۶
۴۷۹	مسئله ۲۱۸۷
۴۷۹	مسئله ۲۱۸۸
۴۸۰	مسئله ۲۱۸۹
۴۸۰	معامله سلف
۴۸۰	مسئله ۲۱۹۰
۴۸۰	مسئله ۲۱۹۱
۴۸۰	شرایط معامله سلف
۴۸۰	مسئله ۲۱۹۲
۴۸۱	احکام معامله سلف
۴۸۱	مسئله ۲۱۹۳
۴۸۱	مسئله ۲۱۹۴
۴۸۱	مسئله ۲۱۹۵
۴۸۱	مسئله ۲۱۹۶
۴۸۱	مسئله ۲۱۹۷
۴۸۱	مسئله ۲۱۹۸
۴۸۱	فروش طلا و نقره، به طلا و نقره

۴۸۱	مسأله ۲۱۹۹
۴۸۲	مسأله ۲۲۰۰
۴۸۲	مسأله ۲۲۰۱
۴۸۲	مسأله ۲۲۰۲
۴۸۲	مسأله ۲۲۰۳
۴۸۲	مواردی که انسان می‌تواند معامله را به هم بزند
۴۸۲	مسأله ۲۲۰۴
۴۸۳	مسأله ۲۲۰۵
۴۸۳	مسأله ۲۲۰۶
۴۸۴	مسأله ۲۲۰۷
۴۸۴	مسأله ۲۲۰۸
۴۸۴	مسأله ۲۲۰۹
۴۸۴	مسأله ۲۲۱۰
۴۸۴	مسأله ۲۲۱۱
۴۸۴	مسأله ۲۲۱۲
۴۸۴	مسأله ۲۲۱۳
۴۸۴	مسأله ۲۲۱۴
۴۸۵	مسأله ۲۲۱۵
۴۸۵	مسأله ۲۲۱۶
۴۸۵	مسائل متفرقه
۴۸۵	مسأله ۲۲۱۷
۴۸۵	مسأله ۲۲۱۸
۴۸۶	مسأله ۲۲۱۹
۴۸۶	مسأله ۲۲۲۰

۴۸۶	مسأله ۲۲۲۱
۴۸۶	احکام شرکت
۴۸۶	مسأله ۲۲۲۲
۴۸۶	مسأله ۲۲۲۳
۴۸۶	مسأله ۲۲۲۴
۴۸۶	مسأله ۲۲۲۵
۴۸۷	مسأله ۲۲۲۶
۴۸۷	مسأله ۲۲۲۷
۴۸۷	مسأله ۲۲۲۸
۴۸۷	مسأله ۲۲۲۹
۴۸۷	مسأله ۲۲۳۰
۴۸۷	مسأله ۲۲۳۱
۴۸۷	مسأله ۲۲۳۲
۴۸۸	مسأله ۲۲۳۳
۴۸۸	مسأله ۲۲۳۴
۴۸۸	مسأله ۲۲۳۵
۴۸۸	مسأله ۲۲۳۶
۴۸۸	مسأله ۲۲۳۷
۴۸۸	مسأله ۲۲۳۸
۴۸۸	مسأله ۲۲۳۹
۴۸۹	احکام مضاربه
۴۸۹	مسأله ۲۲۴۰
۴۸۹	در مضاربه چند چیز معتبر است
۴۸۹	اشاره

۴۹۰	مسأله ۲۲۴۱
۴۹۰	مسأله ۲۲۴۲
۴۹۰	مسأله ۲۲۴۳
۴۹۰	مسأله ۲۲۴۴
۴۹۰	مسأله ۲۲۴۵
۴۹۰	مسأله ۲۲۴۶
۴۹۱	مسأله ۲۲۴۷
۴۹۱	مسأله ۲۲۴۸
۴۹۱	مسأله ۲۲۴۹
۴۹۱	مسأله ۲۲۵۰
۴۹۱	مسأله ۲۲۵۱
۴۹۱	مسأله ۲۲۵۲
۴۹۱	مسأله ۲۲۵۳
۴۹۱	مسأله ۲۲۵۴
۴۹۲	مسأله ۲۲۵۵
۴۹۲	مسأله ۲۲۵۶
۴۹۲	مسأله ۲۲۵۷
۴۹۲	مسأله ۲۲۵۸
۴۹۲	مسأله ۲۲۵۹
۴۹۲	مسأله ۲۲۶۰
۴۹۲	مسأله ۲۲۶۱
۴۹۳	مسأله ۲۲۶۲
۴۹۳	مسأله ۲۲۶۳
۴۹۳	مسأله ۲۲۶۴

۴۹۳	مسأله ۲۲۶۵
۴۹۳	مسأله ۲۲۶۶
۴۹۴	مسأله ۲۲۶۷
۴۹۴	مسأله ۲۲۶۸
۴۹۴	مسأله ۲۲۶۹
۴۹۴	مسأله ۲۲۷۰
۴۹۴	احکام صلح
۴۹۴	مسأله ۲۲۷۱
۴۹۴	مسأله ۲۲۷۲
۴۹۵	مسأله ۲۲۷۳
۴۹۵	مسأله ۲۲۷۴
۴۹۵	مسأله ۲۲۷۵
۴۹۵	مسأله ۲۲۷۶
۴۹۵	مسأله ۲۲۷۷
۴۹۵	مسأله ۲۲۷۸
۴۹۵	مسأله ۲۲۷۹
۴۹۶	مسأله ۲۲۸۰
۴۹۶	مسأله ۲۲۸۱
۴۹۶	مسأله ۲۲۸۲
۴۹۶	مسأله ۲۲۸۳
۴۹۶	احکام اجاره
۴۹۶	مسأله ۲۲۸۴
۴۹۶	مسأله ۲۲۸۵
۴۹۶	مسأله ۲۲۸۶



۴۹۷	مسأله ۲۲۸۷
۴۹۷	مسأله ۲۲۸۸
۴۹۷	مسأله ۲۲۸۹
۴۹۷	مسأله ۲۲۹۰
۴۹۷	مسأله ۲۲۹۱
۴۹۷	مسأله ۲۲۹۲
۴۹۷	مسأله ۲۲۹۳
۴۹۸	مسأله ۲۲۹۴
۴۹۸	شرایط مالی که آن را اجاره می‌دهند
۴۹۸	مسأله ۲۲۹۵
۴۹۸	مسأله ۲۲۹۶
۴۹۸	مسأله ۲۲۹۷
۴۹۸	شرایط استفاده‌ای که مال را برای آن اجاره می‌دهند
۴۹۸	مسأله ۲۲۹۸
۴۹۹	مسأله ۲۲۹۹
۴۹۹	مسأله ۲۳۰۰
۴۹۹	مسأله ۲۳۰۱
۴۹۹	مسأله ۲۳۰۲
۴۹۹	مسأله ۲۳۰۳
۴۹۹	مسائل متفرقه اجاره
۴۹۹	مسأله ۲۳۰۴
۵۰۰	مسأله ۲۳۰۵
۵۰۰	مسأله ۲۳۰۶
۵۰۰	مسأله ۲۳۰۷

۵۰۰	مسأله ۲۳۰۸
۵۰۰	مسأله ۲۳۰۹
۵۰۰	مسأله ۲۳۱۰
۵۰۰	مسأله ۲۳۱۱
۵۰۱	مسأله ۲۳۱۲
۵۰۱	مسأله ۲۳۱۳
۵۰۱	مسأله ۲۳۱۴
۵۰۱	مسأله ۲۳۱۵
۵۰۱	مسأله ۲۳۱۶
۵۰۱	مسأله ۲۳۱۷
۵۰۱	مسأله ۲۳۱۸
۵۰۱	مسأله ۲۳۱۹
۵۰۲	مسأله ۲۳۲۰
۵۰۲	مسأله ۲۳۲۱
۵۰۲	مسأله ۲۳۲۲
۵۰۲	مسأله ۲۳۲۳
۵۰۲	مسأله ۲۳۲۴
۵۰۲	مسأله ۲۳۲۵
۵۰۳	مسأله ۲۳۲۶
۵۰۳	مسأله ۲۳۲۷
۵۰۳	مسأله ۲۳۲۸
۵۰۳	احکام جعاله
۵۰۳	مسأله ۲۳۲۹
۵۰۳	مسأله ۲۳۳۰

۵۰۳	مسأله ۲۳۳۱
۵۰۴	مسأله ۲۳۳۲
۵۰۴	مسأله ۲۳۳۳
۵۰۴	مسأله ۲۳۳۴
۵۰۴	مسأله ۲۳۳۵
۵۰۴	مسأله ۲۳۳۶
۵۰۴	مسأله ۲۳۳۷
۵۰۴	مسأله ۲۳۳۸
۵۰۵	احکام مزارعه
۵۰۵	مسأله ۲۳۳۹
۵۰۵	مسأله ۲۳۴۰
۵۰۵	مسأله ۲۳۴۱
۵۰۵	مسأله ۲۳۴۲
۵۰۶	مسأله ۲۳۴۳
۵۰۶	مسأله ۲۳۴۴
۵۰۶	مسأله ۲۳۴۵
۵۰۶	مسأله ۲۳۴۶
۵۰۶	مسأله ۲۳۴۷
۵۰۷	مسأله ۲۳۴۸
۵۰۷	احکام مسابقات
۵۰۷	مسأله ۲۳۴۹
۵۰۷	مسأله ۲۳۵۰
۵۰۷	مسأله ۲۳۵۱
۵۰۷	مسأله ۲۳۵۲

۵۰۷	.....	مسأله ۲۳۵۳
۵۰۷	.....	مسأله ۲۳۵۴
۵۰۸	.....	مسأله ۲۳۵۵
۵۰۸	.....	مسأله ۲۳۵۶
۵۰۸	.....	مسأله ۲۳۵۷
۵۰۸	.....	مسأله ۲۳۵۸
۵۰۸	.....	مسأله ۲۳۵۹
۵۰۸	.....	مسأله ۲۳۶۰
۵۰۸	.....	مسأله ۲۳۶۱
۵۰۹	.....	مسأله ۲۳۶۲
۵۰۹	.....	کسانی که نمی‌توانند در مال خود تصرف کنند
۵۰۹	.....	مسأله ۲۳۶۳
۵۰۹	.....	مسأله ۲۳۶۴
۵۰۹	.....	مسأله ۲۳۶۵
۵۰۹	.....	مسأله ۲۳۶۶
۵۰۹	.....	مسأله ۲۳۶۷
۵۱۰	.....	احکام وکالت
۵۱۰	.....	اشاره
۵۱۰	.....	مسأله ۲۳۶۸
۵۱۰	.....	مسأله ۲۳۶۹
۵۱۰	.....	مسأله ۲۳۷۰
۵۱۰	.....	مسأله ۲۳۷۱
۵۱۰	.....	مسأله ۲۳۷۲
۵۱۰	.....	مسأله ۲۳۷۳

۵۱۱	.....	مسأله ۲۳۷۴
۵۱۱	.....	مسأله ۲۳۷۵
۵۱۱	.....	مسأله ۲۳۷۶
۵۱۱	.....	مسأله ۲۳۷۷
۵۱۱	.....	مسأله ۲۳۷۸
۵۱۱	.....	مسأله ۲۳۷۹
۵۱۱	.....	مسأله ۲۳۸۰
۵۱۲	.....	مسأله ۲۳۸۱
۵۱۲	.....	مسأله ۲۳۸۲
۵۱۲	.....	مسأله ۲۳۸۳
۵۱۲	.....	احکام قرض
۵۱۲	.....	اشاره
۵۱۲	.....	مسأله ۲۳۸۴
۵۱۲	.....	مسأله ۲۳۸۵
۵۱۲	.....	مسأله ۲۳۸۶
۵۱۳	.....	مسأله ۲۳۸۷
۵۱۳	.....	مسأله ۲۳۸۸
۵۱۳	.....	مسأله ۲۳۸۹
۵۱۳	.....	مسأله ۲۳۹۰
۵۱۳	.....	مسأله ۲۳۹۱
۵۱۳	.....	مسأله ۲۳۹۲
۵۱۳	.....	مسأله ۲۳۹۳
۵۱۳	.....	مسأله ۲۳۹۴
۵۱۴	.....	مسأله ۲۳۹۵

۵۱۴	.....	مسأله ۲۳۹۶
۵۱۴	.....	مسأله ۲۳۹۷
۵۱۴	.....	مسأله ۲۳۹۸
۵۱۴	.....	مسأله ۲۳۹۹
۵۱۴	.....	احکام حواله دادن
۵۱۴	.....	مسأله ۲۴۰۰
۵۱۴	.....	مسأله ۲۴۰۱
۵۱۵	.....	مسأله ۲۴۰۲
۵۱۵	.....	مسأله ۲۴۰۳
۵۱۵	.....	مسأله ۲۴۰۴
۵۱۵	.....	مسأله ۲۴۰۵
۵۱۵	.....	مسأله ۲۴۰۶
۵۱۵	.....	مسأله ۲۴۰۷
۵۱۵	.....	مسأله ۲۴۰۸
۵۱۶	.....	مسأله ۲۴۰۹
۵۱۶	.....	مسأله ۲۴۱۰
۵۱۶	.....	احکام رهن
۵۱۶	.....	مسأله ۲۴۱۱
۵۱۶	.....	مسأله ۲۴۱۲
۵۱۶	.....	مسأله ۲۴۱۳
۵۱۶	.....	مسأله ۲۴۱۴
۵۱۷	.....	مسأله ۲۴۱۵
۵۱۷	.....	مسأله ۲۴۱۶
۵۱۷	.....	مسأله ۲۴۱۷

۵۱۷	مسأله ۲۴۱۸
۵۱۷	مسأله ۲۴۱۹
۵۱۷	مسأله ۲۴۲۰
۵۱۷	احکام ضامن شدن
۵۱۷	مسأله ۲۴۲۱
۵۱۷	مسأله ۲۴۲۲
۵۱۸	مسأله ۲۴۲۳
۵۱۸	مسأله ۲۴۲۴
۵۱۸	مسأله ۲۴۲۵
۵۱۸	مسأله ۲۴۲۶
۵۱۸	مسأله ۲۴۲۷
۵۱۸	مسأله ۲۴۲۸
۵۱۸	مسأله ۲۴۲۹
۵۱۹	مسأله ۲۴۳۰
۵۱۹	مسأله ۲۴۳۱
۵۱۹	مسأله ۲۴۳۲
۵۱۹	احکام کفالت
۵۱۹	مسأله ۲۴۳۳
۵۱۹	مسأله ۲۴۳۴
۵۱۹	مسأله ۲۴۳۵
۵۱۹	مسأله ۲۴۳۶
۵۲۰	مسأله ۲۴۳۷
۵۲۰	احکام ودیعه (امانت)
۵۲۰	مسأله ۲۴۳۸

۵۲۰	مسأله ۲۴۳۹
۵۲۰	مسأله ۲۴۴۰
۵۲۰	مسأله ۲۴۴۱
۵۲۰	مسأله ۲۴۴۲
۵۲۱	مسأله ۲۴۴۳
۵۲۱	مسأله ۲۴۴۴
۵۲۱	مسأله ۲۴۴۵
۵۲۱	مسأله ۲۴۴۶
۵۲۱	مسأله ۲۴۴۷
۵۲۱	مسأله ۲۴۴۸
۵۲۲	مسأله ۲۴۴۹
۵۲۲	مسأله ۲۴۵۰
۵۲۲	مسأله ۲۴۵۱
۵۲۲	مسأله ۲۴۵۲
۵۲۲	مسأله ۲۴۵۳
۵۲۲	مسأله ۲۴۵۴
۵۲۳	احکام عاریه
۵۲۳	مسأله ۲۴۵۵
۵۲۳	مسأله ۲۴۵۶
۵۲۳	مسأله ۲۴۵۷
۵۲۳	مسأله ۲۴۵۸
۵۲۳	مسأله ۲۴۵۹
۵۲۳	مسأله ۲۴۶۰
۵۲۳	مسأله ۲۴۶۱



۵۲۳	مسأله ۲۴۶۲
۵۲۳	مسأله ۲۴۶۳
۵۲۴	مسأله ۲۴۶۴
۵۲۴	مسأله ۲۴۶۵
۵۲۴	مسأله ۲۴۶۶
۵۲۴	مسأله ۲۴۶۷
۵۲۴	مسأله ۲۴۶۸
۵۲۴	مسأله ۲۴۶۹
۵۲۴	مسأله ۲۴۷۰
۵۲۴	مسأله ۲۴۷۱
۵۲۴	مسأله ۲۴۷۲
۵۲۵	مسأله ۲۴۷۳
۵۲۵	[عقد و ازدواج]
۵۲۵	اشاره
۵۲۵	احکام عقد
۵۲۵	مسأله ۲۴۷۴
۵۲۵	مسأله ۲۴۷۵
۵۲۵	مسأله ۲۴۷۶
۵۲۵	مسأله ۲۴۷۷
۵۲۶	مسأله ۲۴۷۸
۵۲۶	احکام نکاح یا ازدواج
۵۲۶	احکام عقد
۵۲۶	دستور خواندن عقد دائم
۵۲۶	مسأله ۲۴۷۹

۵۲۶	.....	دستور خواندن عقد غیر دائم
۵۲۶	.....	مسأله ۲۴۸۰
۵۲۶	.....	شرایط عقد
۵۲۶	.....	مسأله ۲۴۸۱
۵۲۷	.....	مسأله ۲۴۸۲
۵۲۷	.....	مسأله ۲۴۸۳
۵۲۷	.....	مسأله ۲۴۸۴
۵۲۷	.....	مسأله ۲۴۸۵
۵۲۷	.....	مسأله ۲۴۸۶
۵۲۸	.....	مسأله ۲۴۸۷
۵۲۸	.....	مسأله ۲۴۸۸
۵۲۸	.....	مسأله ۲۴۸۹
۵۲۸	.....	مسأله ۲۴۹۰
۵۲۸	.....	عیب‌هایی که به واسطه آنها می‌شود عقد را به هم زد
۵۲۸	.....	مسأله ۲۴۹۱
۵۲۹	.....	مسأله ۲۴۹۲
۵۲۹	.....	مسأله ۲۴۹۳
۵۲۹	.....	مسأله ۲۴۹۴
۵۲۹	.....	عده‌ای از زن‌ها که ازدواج با آنان حرام است
۵۲۹	.....	مسأله ۲۴۹۵
۵۲۹	.....	مسأله ۲۴۹۶
۵۳۰	.....	مسأله ۲۴۹۷
۵۳۰	.....	مسأله ۲۴۹۸
۵۳۰	.....	مسأله ۲۴۹۹

۵۳۰	مسئله ۲۵۰۰
۵۳۰	مسئله ۲۵۰۱
۵۳۰	مسئله ۲۵۰۲
۵۳۰	مسئله ۲۵۰۳
۵۳۰	مسئله ۲۵۰۴
۵۳۱	مسئله ۲۵۰۵
۵۳۱	مسئله ۲۵۰۶
۵۳۱	مسئله ۲۵۰۷
۵۳۱	مسئله ۲۵۰۸
۵۳۱	مسئله ۲۵۰۹
۵۳۱	مسئله ۲۵۱۰
۵۳۲	مسئله ۲۵۱۱
۵۳۲	مسئله ۲۵۱۲
۵۳۲	مسئله ۲۵۱۳
۵۳۲	مسئله ۲۵۱۴
۵۳۲	مسئله ۲۵۱۵
۵۳۲	مسئله ۲۵۱۶
۵۳۲	مسئله ۲۵۱۷
۵۳۳	مسئله ۲۵۱۸
۵۳۳	مسئله ۲۵۱۹
۵۳۳	مسئله ۲۵۲۰
۵۳۳	مسئله ۲۵۲۱
۵۳۳	مسئله ۲۵۲۲
۵۳۳	احکام عقد دائم

۵۳۳	مسأله ۲۵۲۳
۵۳۴	مسأله ۲۵۲۴
۵۳۴	مسأله ۲۵۲۵
۵۳۴	مسأله ۲۵۲۶
۵۳۴	مسأله ۲۵۲۷
۵۳۴	مسأله ۲۵۲۸
۵۳۴	مسأله ۲۵۲۹
۵۳۴	مسأله ۲۵۳۰
۵۳۵	مسأله ۲۵۳۱
۵۳۵	متعده یا صیغه
۵۳۵	مسأله ۲۵۳۲
۵۳۵	مسأله ۲۵۳۳
۵۳۵	مسأله ۲۵۳۴
۵۳۵	مسأله ۲۵۳۵
۵۳۵	مسأله ۲۵۳۶
۵۳۶	مسأله ۲۵۳۷
۵۳۶	مسأله ۲۵۳۸
۵۳۶	مسأله ۲۵۳۹
۵۳۶	مسأله ۲۵۴۰
۵۳۶	مسأله ۲۵۴۱
۵۳۶	مسأله ۲۵۴۲
۵۳۶	مسأله ۲۵۴۳
۵۳۷	احکام نگاه کردن
۵۳۷	مسأله ۲۵۴۴

مسأله ۲۵۴۵ ----- ۵۳۷

مسأله ۲۵۴۶ ----- ۵۳۷

مسأله ۲۵۴۷ ----- ۵۳۷

مسأله ۲۵۴۸ ----- ۵۳۷

مسأله ۲۵۴۹ ----- ۵۳۷

مسأله ۲۵۵۰ ----- ۵۳۸

مسأله ۲۵۵۱ ----- ۵۳۸

مسأله ۲۵۵۲ ----- ۵۳۸

مسأله ۲۵۵۳ ----- ۵۳۸

مسائل متفرقه زناشویی ----- ۵۳۸

مسأله ۲۵۵۴ ----- ۵۳۸

مسأله ۲۵۵۵ ----- ۵۳۸

مسأله ۲۵۵۶ ----- ۵۳۹

مسأله ۲۵۵۷ ----- ۵۳۹

مسأله ۲۵۵۸ ----- ۵۳۹

مسأله ۲۵۵۹ ----- ۵۳۹

مسأله ۲۵۶۰ ----- ۵۳۹

مسأله ۲۵۶۱ ----- ۵۳۹

مسأله ۲۵۶۲ ----- ۵۴۰

مسأله ۲۵۶۳ ----- ۵۴۰

مسأله ۲۵۶۴ ----- ۵۴۰

مسأله ۲۵۶۵ ----- ۵۴۰

مسأله ۲۵۶۶ ----- ۵۴۰

مسأله ۲۵۶۷ ----- ۵۴۰

- مسأله ۲۵۶۸ ..... ۵۴۰
- مسأله ۲۵۶۹ ..... ۵۴۱
- مسأله ۲۵۷۰ ..... ۵۴۱
- مسأله ۲۵۷۱ ..... ۵۴۱
- مسأله ۲۵۷۲ ..... ۵۴۱
- مسأله ۲۵۷۳ ..... ۵۴۱
- مسأله ۲۵۷۴ ..... ۵۴۱
- احکام شیر دادن ..... ۵۴۱
- مسأله ۲۵۷۵ ..... ۵۴۱
- مسأله ۲۵۷۶ ..... ۵۴۲
- مسأله ۲۵۷۷ ..... ۵۴۲
- مسأله ۲۵۷۸ ..... ۵۴۲
- مسأله ۲۵۷۹ ..... ۵۴۲
- مسأله ۲۵۸۰ ..... ۵۴۳
- مسأله ۲۵۸۱ ..... ۵۴۳
- مسأله ۲۵۸۲ ..... ۵۴۳
- مسأله ۲۵۸۳ ..... ۵۴۳
- مسأله ۲۵۸۴ ..... ۵۴۳
- مسأله ۲۵۸۵ ..... ۵۴۳
- شرایط شیر دادنی که علت محرم شدن است ..... ۵۴۳
- مسأله ۲۵۸۶ ..... ۵۴۳
- مسأله ۲۵۸۷ ..... ۵۴۴
- مسأله ۲۵۸۸ ..... ۵۴۴
- مسأله ۲۵۸۹ ..... ۵۴۴

۵۴۴	مسأله ۲۵۹۰
۵۴۴	مسأله ۲۵۹۱
۵۴۵	مسأله ۲۵۹۲
۵۴۵	مسأله ۲۵۹۳
۵۴۵	مسأله ۲۵۹۴
۵۴۵	مسأله ۲۵۹۵
۵۴۵	مسأله ۲۵۹۶
۵۴۵	مسأله ۲۵۹۷
۵۴۶	مسأله ۲۵۹۸
۵۴۶	آداب شیر دادن
۵۴۶	مسأله ۲۵۹۹
۵۴۶	مسأله ۲۶۰۰
۵۴۶	مسائل متفرقه شیر دادن
۵۴۶	مسأله ۲۶۰۱
۵۴۶	مسأله ۲۶۰۲
۵۴۶	مسأله ۲۶۰۳
۵۴۶	مسأله ۲۶۰۴
۵۴۷	مسأله ۲۶۰۵
۵۴۷	مسأله ۲۶۰۶
۵۴۷	مسأله ۲۶۰۷
۵۴۷	مسأله ۲۶۰۸
۵۴۷	مسأله ۲۶۰۹
۵۴۷	احکام طلاق
۵۴۷	مسأله ۲۶۱۰

۵۴۸	مسئله ۲۶۱۱
۵۴۸	مسئله ۲۶۱۲
۵۴۸	مسئله ۲۶۱۳
۵۴۸	مسئله ۲۶۱۴
۵۴۸	مسئله ۲۶۱۵
۵۴۸	مسئله ۲۶۱۶
۵۴۸	مسئله ۲۶۱۷
۵۴۹	مسئله ۲۶۱۸
۵۴۹	مسئله ۲۶۱۹
۵۴۹	مسئله ۲۶۲۰
۵۴۹	مسئله ۲۶۲۱
۵۴۹	عده طلاق
۵۴۹	مسئله ۲۶۲۲
۵۴۹	مسئله ۲۶۲۳
۵۴۹	مسئله ۲۶۲۴
۵۵۰	مسئله ۲۶۲۵
۵۵۰	مسئله ۲۶۲۶
۵۵۰	مسئله ۲۶۲۷
۵۵۰	مسئله ۲۶۲۸
۵۵۰	عده زنی که شوهرش مرده
۵۵۰	مسئله ۲۶۲۹
۵۵۰	مسئله ۲۶۳۰
۵۵۱	مسئله ۲۶۳۱
۵۵۱	مسئله ۲۶۳۲



۵۵۱	مسأله ۲۶۳۳
۵۵۱	طلاق بائن و طلاق رجعی
۵۵۱	مسأله ۲۶۳۴
۵۵۱	مسأله ۲۶۳۵
۵۵۱	احکام رجوع کردن
۵۵۱	مسأله ۲۶۳۶
۵۵۲	مسأله ۲۶۳۷
۵۵۲	مسأله ۲۶۳۸
۵۵۲	مسأله ۲۶۳۹
۵۵۲	طلاق خلع
۵۵۲	مسأله ۲۶۴۰
۵۵۲	مسأله ۲۶۴۱
۵۵۲	مسأله ۲۶۴۲
۵۵۳	طلاق مبارات
۵۵۳	مسأله ۲۶۴۳
۵۵۳	مسأله ۲۶۴۴
۵۵۳	مسأله ۲۶۴۵
۵۵۳	مسأله ۲۶۴۶
۵۵۳	مسأله ۲۶۴۷
۵۵۳	احکام متفرقه طلاق
۵۵۳	مسأله ۲۶۴۸
۵۵۴	مسأله ۲۶۴۹
۵۵۴	مسأله ۲۶۵۰
۵۵۴	مسأله ۲۶۵۱

۵۵۴	مسأله ۲۶۵۲
۵۵۴	مسأله ۲۶۵۳
۵۵۴	مسأله ۲۶۵۴
۵۵۴	مسأله ۲۶۵۵
۵۵۴	مسأله ۲۶۵۶
۵۵۵	احکام غضب
۵۵۵	اشاره
۵۵۵	مسأله ۲۶۵۷
۵۵۵	مسأله ۲۶۵۸
۵۵۵	مسأله ۲۶۵۹
۵۵۵	مسأله ۲۶۶۰
۵۵۵	مسأله ۲۶۶۱
۵۵۵	مسأله ۲۶۶۲
۵۵۵	مسأله ۲۶۶۳
۵۵۶	مسأله ۲۶۶۴
۵۵۶	مسأله ۲۶۶۵
۵۵۶	مسأله ۲۶۶۶
۵۵۶	مسأله ۲۶۶۷
۵۵۶	مسأله ۲۶۶۸
۵۵۶	مسأله ۲۶۶۹
۵۵۷	مسأله ۲۶۷۰
۵۵۷	مسأله ۲۶۷۱
۵۵۷	مسأله ۲۶۷۲
۵۵۷	مسأله ۲۶۷۳

- مسأله ۲۶۷۴ ..... ۵۵۷
- مسأله ۲۶۷۵ ..... ۵۵۷
- احکام مالی که انسان آن را پیدا می‌کند ..... ۵۵۷
- مسأله ۲۶۷۶ ..... ۵۵۸
- مسأله ۲۶۷۷ ..... ۵۵۸
- مسأله ۲۶۷۸ ..... ۵۵۸
- مسأله ۲۶۷۹ ..... ۵۵۸
- مسأله ۲۶۸۰ ..... ۵۵۸
- مسأله ۲۶۸۱ ..... ۵۵۸
- مسأله ۲۶۸۲ ..... ۵۵۸
- مسأله ۲۶۸۳ ..... ۵۵۹
- مسأله ۲۶۸۴ ..... ۵۵۹
- مسأله ۲۶۸۵ ..... ۵۵۹
- مسأله ۲۶۸۶ ..... ۵۵۹
- مسأله ۲۶۸۷ ..... ۵۵۹
- مسأله ۲۶۸۸ ..... ۵۵۹
- مسأله ۲۶۸۹ ..... ۵۵۹
- مسأله ۲۶۹۰ ..... ۵۵۹
- مسأله ۲۶۹۱ ..... ۵۵۹
- مسأله ۲۶۹۲ ..... ۵۶۰
- مسأله ۲۶۹۳ ..... ۵۶۰
- مسأله ۲۶۹۴ ..... ۵۶۰
- احکام سر بریدن و شکار کردن حیوانات ..... ۵۶۰
- مسأله ۲۶۹۵ ..... ۵۶۰

۵۶۰	مسئله ۲۶۹۶
۵۶۱	مسئله ۲۶۹۷
۵۶۱	مسئله ۲۶۹۸
۵۶۱	مسئله ۲۶۹۹
۵۶۱	مسئله ۲۷۰۰
۵۶۱	مسئله ۲۷۰۱
۵۶۱	مسئله ۲۷۰۲
۵۶۱	دستور سر بریدن حیوانات
۵۶۱	مسئله ۲۷۰۳
۵۶۱	مسئله ۲۷۰۴
۵۶۲	مسئله ۲۷۰۵
۵۶۲	مسئله ۲۷۰۶
۵۶۲	مسئله ۲۷۰۷
۵۶۲	شرایط سر بریدن حیوان
۵۶۲	مسئله ۲۷۰۸
۵۶۳	دستور کشتن شتر
۵۶۳	مسئله ۲۷۰۹
۵۶۳	مسئله ۲۷۱۰
۵۶۳	مسئله ۲۷۱۱
۵۶۳	مسئله ۲۷۱۲
۵۶۳	چیزهایی که موقع سر بریدن حیوانات مستحب است
۵۶۳	مسئله ۲۷۱۳
۵۶۴	چیزهایی که در کشتن حیوانات مکروه است
۵۶۴	مسئله ۲۷۱۴

۵۶۴	احکام شکار کردن با اسلحه
۵۶۴	مسئله ۲۷۱۵
۵۶۴	مسئله ۲۷۱۶
۵۶۵	مسئله ۲۷۱۷
۵۶۵	مسئله ۲۷۱۸
۵۶۵	مسئله ۲۷۱۹
۵۶۵	مسئله ۲۷۲۰
۵۶۵	مسئله ۲۷۲۱
۵۶۵	مسئله ۲۷۲۲
۵۶۵	شکار کردن با سگ شکاری
۵۶۵	مسئله ۲۷۲۳
۵۶۶	مسئله ۲۷۲۴
۵۶۶	مسئله ۲۷۲۵
۵۶۶	مسئله ۲۷۲۶
۵۶۷	مسئله ۲۷۲۷
۵۶۷	مسئله ۲۷۲۸
۵۶۷	صید ماهی
۵۶۷	مسئله ۲۷۲۹
۵۶۷	مسئله ۲۷۳۰
۵۶۷	مسئله ۲۷۳۱
۵۶۷	مسئله ۲۷۳۲
۵۶۷	مسئله ۲۷۳۳
۵۶۷	مسئله ۲۷۳۴
۵۶۸	مسئله ۲۷۳۵

- صید ملخ ..... ۵۶۸
- مسئله ۲۷۳۶ ..... ۵۶۸
- مسئله ۲۷۳۷ ..... ۵۶۸
- احکام خوردنیها و آشامیدنیها ..... ۵۶۸
- مسئله ۲۷۳۸ ..... ۵۶۸
- مسئله ۲۷۳۹ ..... ۵۶۸
- مسئله ۲۷۴۰ ..... ۵۶۸
- مسئله ۲۷۴۱ ..... ۵۶۹
- مسئله ۲۷۴۲ ..... ۵۶۹
- مسئله ۲۷۴۳ ..... ۵۶۹
- مسئله ۲۷۴۴ ..... ۵۶۹
- مسئله ۲۷۴۵ ..... ۵۶۹
- مسئله ۲۷۴۶ ..... ۵۶۹
- مسئله ۲۷۴۷ ..... ۵۶۹
- مسئله ۲۷۴۸ ..... ۵۷۰
- مسئله ۲۷۴۹ ..... ۵۷۰
- چیزهایی که موقع غذا خوردن مستحب است ..... ۵۷۰
- مسئله ۲۷۵۰ ..... ۵۷۰
- چیزهایی که در غذا خوردن مکروه است ..... ۵۷۱
- مسئله ۲۷۵۱ ..... ۵۷۱
- مستحبات آب آشامیدن ..... ۵۷۱
- مسئله ۲۷۵۲ ..... ۵۷۱
- مکروهات آب آشامیدن ..... ۵۷۲
- مسئله ۲۷۵۳ ..... ۵۷۲

۵۷۲	احکام نذر و عهد
۵۷۲	مسأله ۲۷۵۴
۵۷۲	مسأله ۲۷۵۵
۵۷۲	مسأله ۲۷۵۶
۵۷۲	مسأله ۲۷۵۷
۵۷۲	مسأله ۲۷۵۸
۵۷۲	مسأله ۲۷۵۹
۵۷۲	مسأله ۲۷۶۰
۵۷۳	مسأله ۲۷۶۱
۵۷۳	مسأله ۲۷۶۲
۵۷۳	مسأله ۲۷۶۳
۵۷۳	مسأله ۲۷۶۴
۵۷۳	مسأله ۲۷۶۵
۵۷۳	مسأله ۲۷۶۶
۵۷۳	مسأله ۲۷۶۷
۵۷۴	مسأله ۲۷۶۸
۵۷۴	مسأله ۲۷۶۹
۵۷۴	مسأله ۲۷۷۰
۵۷۴	مسأله ۲۷۷۱
۵۷۴	مسأله ۲۷۷۲
۵۷۴	مسأله ۲۷۷۳
۵۷۴	مسأله ۲۷۷۴
۵۷۴	مسأله ۲۷۷۵
۵۷۵	مسأله ۲۷۷۶

۵۷۵	مسأله ۲۷۷۷
۵۷۵	مسأله ۲۷۷۸
۵۷۵	مسأله ۲۷۷۹
۵۷۵	مسأله ۲۷۸۰
۵۷۵	مسأله ۲۷۸۱
۵۷۵	مسأله ۲۷۸۲
۵۷۵	مسأله ۲۷۸۳
۵۷۶	احکام قسم خوردن
۵۷۶	مسأله ۲۷۸۴
۵۷۶	مسأله ۲۷۸۵
۵۷۶	مسأله ۲۷۸۶
۵۷۶	مسأله ۲۷۸۷
۵۷۶	مسأله ۲۷۸۸
۵۷۷	مسأله ۲۷۸۹
۵۷۷	احکام وقف
۵۷۷	مسأله ۲۷۹۰
۵۷۷	مسأله ۲۷۹۱
۵۷۷	مسأله ۲۷۹۲
۵۷۷	مسأله ۲۷۹۳
۵۷۷	مسأله ۲۷۹۴
۵۷۷	مسأله ۲۷۹۵
۵۷۷	مسأله ۲۷۹۶
۵۷۸	مسأله ۲۷۹۷
۵۷۸	مسأله ۲۷۹۸



۵۷۸	مسئله ۲۷۹۹
۵۷۸	مسئله ۲۸۰۰
۵۷۸	مسئله ۲۸۰۱
۵۷۸	مسئله ۲۸۰۲
۵۷۸	مسئله ۲۸۰۳
۵۷۹	مسئله ۲۸۰۴
۵۷۹	مسئله ۲۸۰۵
۵۷۹	مسئله ۲۸۰۶
۵۷۹	مسئله ۲۸۰۷
۵۷۹	احکام وصیت
۵۷۹	مسئله ۲۸۰۸
۵۷۹	مسئله ۲۸۰۹
۵۸۰	مسئله ۲۸۱۰
۵۸۰	مسئله ۲۸۱۱
۵۸۰	مسئله ۲۸۱۲
۵۸۰	مسئله ۲۸۱۳
۵۸۰	مسئله ۲۸۱۴
۵۸۰	مسئله ۲۸۱۵
۵۸۰	مسئله ۲۸۱۶
۵۸۱	مسئله ۲۸۱۷
۵۸۱	مسئله ۲۸۱۸
۵۸۱	مسئله ۲۸۱۹
۵۸۱	مسئله ۲۸۲۰
۵۸۱	مسئله ۲۸۲۱

۵۸۱	مسأله ۲۸۲۲
۵۸۱	مسأله ۲۸۲۳
۵۸۲	مسأله ۲۸۲۴
۵۸۲	مسأله ۲۸۲۵
۵۸۲	مسأله ۲۸۲۶
۵۸۲	مسأله ۲۸۲۷
۵۸۲	مسأله ۲۸۲۸
۵۸۲	مسأله ۲۸۲۹
۵۸۳	مسأله ۲۸۳۰
۵۸۳	مسأله ۲۸۳۱
۵۸۳	مسأله ۲۸۳۲
۵۸۳	مسأله ۲۸۳۳
۵۸۳	مسأله ۲۸۳۴
۵۸۳	مسأله ۲۸۳۵
۵۸۳	مسأله ۲۸۳۶
۵۸۳	مسأله ۲۸۳۷
۵۸۴	مسأله ۲۸۳۸
۵۸۴	مسأله ۲۸۳۹
۵۸۴	مسأله ۲۸۴۰
۵۸۴	مسأله ۲۸۴۱
۵۸۵	احکام ارث
۵۸۵	مسأله ۲۸۴۲
۵۸۵	مسأله ۲۸۴۳
۵۸۵	مسأله ۲۸۴۴

۵۸۵	ارث دسته اول
۵۸۵	مسأله ۲۸۴۵
۵۸۵	مسأله ۲۸۴۶
۵۸۶	مسأله ۲۸۴۷
۵۸۶	مسأله ۲۸۴۸
۵۸۶	مسأله ۲۸۴۹
۵۸۶	مسأله ۲۸۵۰
۵۸۶	مسأله ۲۸۵۱
۵۸۶	مسأله ۲۸۵۲
۵۸۶	مسأله ۲۸۵۳
۵۸۷	ارث دسته دوم
۵۸۷	مسأله ۲۸۵۴
۵۸۷	مسأله ۲۸۵۵
۵۸۷	مسأله ۲۸۵۶
۵۸۷	مسأله ۲۸۵۷
۵۸۷	مسأله ۲۸۵۸
۵۸۷	مسأله ۲۸۵۹
۵۸۷	مسأله ۲۸۶۰
۵۸۸	مسأله ۲۸۶۱
۵۸۸	مسأله ۲۸۶۲
۵۸۸	مسأله ۲۸۶۳
۵۸۸	مسأله ۲۸۶۴
۵۸۸	مسأله ۲۸۶۵
۵۸۸	مسأله ۲۸۶۶

۵۸۹	مسأله ۲۸۶۷
۵۸۹	مسأله ۲۸۶۸
۵۸۹	ارث دسته سوم
۵۸۹	مسأله ۲۸۶۹
۵۸۹	مسأله ۲۸۷۰
۵۸۹	مسأله ۲۸۷۱
۵۸۹	مسأله ۲۸۷۲
۵۹۰	مسأله ۲۸۷۳
۵۹۰	مسأله ۲۸۷۴
۵۹۰	مسأله ۲۸۷۵
۵۹۰	مسأله ۲۸۷۶
۵۹۰	مسأله ۲۸۷۷
۵۹۰	مسأله ۲۸۷۸
۵۹۰	مسأله ۲۸۷۹
۵۹۱	مسأله ۲۸۸۰
۵۹۱	مسأله ۲۸۸۱
۵۹۱	مسأله ۲۸۸۲
۵۹۱	مسأله ۲۸۸۳
۵۹۱	ارث زن و شوهر
۵۹۱	مسأله ۲۸۸۴
۵۹۲	مسأله ۲۸۸۵
۵۹۲	مسأله ۲۸۸۶
۵۹۲	مسأله ۲۸۸۷
۵۹۲	مسأله ۲۸۸۸

۵۹۲	مسأله ۲۸۸۹
۵۹۲	مسأله ۲۸۹۰
۵۹۲	مسأله ۲۸۹۱
۵۹۳	مسأله ۲۸۹۲
۵۹۳	مسأله ۲۸۹۳
۵۹۳	مسائل متفرقه ارث
۵۹۳	مسأله ۲۸۹۴
۵۹۳	مسأله ۲۸۹۵
۵۹۳	مسأله ۲۸۹۶
۵۹۳	مسأله ۲۸۹۷
۵۹۳	مسأله ۲۸۹۸
۵۹۴	مسأله ۲۸۹۹
۵۹۴	ملحقات توضیح المسائل
۵۹۴	کتاب امر به معروف و نهی از منکر
۵۹۴	مسأله ۲۹۰۰
۵۹۴	مسأله ۲۹۰۱
۵۹۴	مسأله ۲۹۰۲
۵۹۴	مسأله ۲۹۰۳
۵۹۴	مسأله ۲۹۰۴
۵۹۴	شرایط امر به معروف و نهی از منکر
۵۹۴	مسأله ۲۹۰۵
۵۹۵	مسأله ۲۹۰۶
۵۹۵	مسأله ۲۹۰۷
۵۹۵	مسأله ۲۹۰۸

۵۹۵	مسأله ۲۹۰۹
۵۹۶	مراتب امر به معروف و نهی از منکر
۵۹۶	مسأله ۲۹۱۰
۵۹۶	مسأله ۲۹۱۱
۵۹۶	مسأله ۲۹۱۲
۵۹۶	مسأله ۲۹۱۳
۵۹۶	مسأله ۲۹۱۴
۵۹۶	مسأله ۲۹۱۵
۵۹۶	مسأله ۲۹۱۶
۵۹۷	مسأله ۲۹۱۷
۵۹۷	مسأله ۲۹۱۸
۵۹۷	مسأله ۲۹۱۹
۵۹۷	مسأله ۲۹۲۰
۵۹۷	مسأله ۲۹۲۱
۵۹۷	مسأله ۲۹۲۲
۵۹۷	مسأله ۲۹۲۳
۵۹۷	مسأله ۲۹۲۴
۵۹۸	مسأله ۲۹۲۵
۵۹۸	مسأله ۲۹۲۶
۵۹۸	مسأله ۲۹۲۷
۵۹۸	مسائل دفاع
۵۹۸	مسأله ۲۹۲۸
۵۹۸	مسأله ۲۹۲۹
۵۹۸	مسأله ۲۹۳۰

۵۹۹	.....	مسأله ۲۹۳۱
۵۹۹	.....	مسأله ۲۹۳۲
۵۹۹	.....	مسأله ۲۹۳۳
۵۹۹	.....	مسأله ۲۹۳۴
۵۹۹	.....	مسأله ۲۹۳۵
۵۹۹	.....	مسأله ۲۹۳۶
۶۰۰	.....	مسائل متفرقه
۶۰۰	.....	سفته
۶۰۰	.....	مسأله ۲۹۳۷
۶۰۰	.....	مسأله ۲۹۳۸
۶۰۰	.....	مسأله ۲۹۳۹
۶۰۰	.....	مسأله ۲۹۴۰
۶۰۰	.....	مسأله ۲۹۴۱
۶۰۰	.....	مسأله ۲۹۴۲
۶۰۰	.....	مسأله ۲۹۴۳
۶۰۱	.....	سرقفلی
۶۰۱	.....	مسأله ۲۹۴۴
۶۰۱	.....	مسأله ۲۹۴۵
۶۰۱	.....	مسأله ۲۹۴۶
۶۰۱	.....	مسأله ۲۹۴۷
۶۰۱	.....	مسأله ۲۹۴۸
۶۰۲	.....	مسأله ۲۹۴۹
۶۰۲	.....	مسأله ۲۹۵۰
۶۰۲	.....	معاملات بانکی

۶۰۲	مسأله ۲۹۵۱
۶۰۲	مسأله ۲۹۵۲
۶۰۲	مسأله ۲۹۵۳
۶۰۲	مسأله ۲۹۵۴
۶۰۳	مسأله ۲۹۵۵
۶۰۳	مسأله ۲۹۵۶
۶۰۳	مسأله ۲۹۵۷
۶۰۳	مسأله ۲۹۵۸
۶۰۳	مسأله ۲۹۵۹
۶۰۳	مسأله ۲۹۶۰
۶۰۴	مسأله ۲۹۶۱
۶۰۴	بیمه
۶۰۴	مسأله ۲۹۶۲
۶۰۴	مسأله ۲۹۶۳
۶۰۴	مسأله ۲۹۶۴
۶۰۴	مسأله ۲۹۶۵
۶۰۵	مسأله ۲۹۶۶
۶۰۵	احکام رادیو و تلویزیون
۶۰۵	مسأله ۲۹۶۷
۶۰۵	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان



## رساله توضیح المسائل آیت الله مجتبی تهران

### مشخصات کتاب

سرشناسه: تهرانی مجتبی ۱۳۰۵ -

عنوان و نام پدیدآور: رساله توضیح المسائل مناسک حج مطابق با فتاوی مرجع عالیقدر شیعه حضرت آیه الله العظمی حاج شیخ مجتبی تهرانی.

مشخصات نشر: تهران: پیام آزادی ۱۳۸۷ ۱۴۲۹.

مشخصات ظاهری: ۲۲۸ ص.

شابک: ۲۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۳۰۲ - ۸۴۱ - ۱

وضعیت فهرست نویسی: فاپا (برونسپاری)

یادداشت: عنوان دیگر: رساله‌ی مناسک حج مطابق با فتاوی حضرت آیه الله العظمی آقای حاج شیخ مجتبی تهرانی.

عنوان دیگر: رساله‌ی مناسک حج مطابق با فتاوی حضرت آیه الله العظمی آقای حاج شیخ مجتبی تهرانی.

موضوع: حج - فتواها

موضوع: فتواهای شیعه - قرن ۱۴

رده بندی کنگره: ۸ / BP188 / ت ۵۹۶۵ ر ۱۳۸۷

رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۳۵۷

شماره کتابشناسی ملی: ۱۳۰۷۲۸۳

### احکام تقلید

#### مسئله ۱

مسلمان باید به اصول دین یقین داشته باشد و در احکام غیر ضروری دین باید یا مجتهد باشد که بتواند احکام را از روی دلیل به دست آورد، یا از مجتهد تقلید کند؛ یعنی به دستور او رفتار نماید، یا از راه احتیاط طوری به وظیفه خود عمل نماید که یقین کند تکلیف خود را انجام داده است. مثلاً اگر عده‌ای از مجتهدین عملی را حرام می‌دانند و عده‌ای دیگر می‌گویند حرام نیست، آن عمل را انجام ندهد و اگر عملی را بعضی واجب و بعضی مستحب می‌دانند، آن را به جا آورد. پس کسانی که مجتهد نیستند و نمی‌توانند به احتیاط عمل کنند واجب است از مجتهد تقلید نمایند.

رجوع عامی به مجتهد در احکام شرعی تقلیدی نیست و تقلید در آن معنا ندارد؛ بلکه اشکال عقلی دارد و مقلد گذشته از آن که به حکم فطرت و استناد و اتکای عقلی خود برای به دست آوردن احکام شرعی به مجتهد مراجعه می‌کند - همان گونه که افراد بی اطلاع نسبت به هر فنی به اهل فن و مطلع از آن مراجعه می‌کند. - با مقدماتی اجمالاً به این نتیجه می‌رسد که باید تقلید کند. به بیان دیگر، اصل در به دست آوردن احکام شرعی، اجتهاد است و مقلد با اجتهاد شخصی خود به مجتهد مراجعه می‌کند.

#### مسئله ۲

تقلید در احکام عمل کردن به دستور مجتهد است و از مجتهدی که باید به دستور او عمل کرد، باید مرد، بالغ، عاقل، شیعه دوازده

امامی، حلال زاده، زنده و عادل و بنا بر اقوی، اعلم و بنا بر احتیاط واجب حریص به دنیا نباشد.

### مسئله ۳

مجتهدی که باید از او تقلید کرد از دو راه شناسایی می‌شود:

اول:

اینکه خود انسان اطمینان پیدا کند به اجتهاد و علمیت او و این در صورتیست که انسان خودش اهل علم باشد و بتواند مجتهد اعلم را تشخیص دهد و یا آن که از گفته عده‌ای از اهل علم که اهل تشخیص هستند اطمینان حاصل کند

دوم:

آن که دو نفر عالم عادل که اهل تشخیص هستند، گواهی به اجتهاد و علمیت او بدهند، در صورتی که دو نفر عالم عادل دیگر با گواهی آنان مخالفت نکنند.

### مسئله ۴

اگر شناختن اعلم مشکل باشد بنا بر احتیاط واجب باید از کسی تقلید کند که گمان به علمیت او دارد و اگر احتمال ضعیفی هم بدهد که کسی اعلم است و بداند دیگری از او اعلم نیست، بنا بر احتیاط واجب باید از او تقلید کند و در صورت تساوی شرایط بین چند مجتهد، تقلید از هر کدام آنها جائز است. تبعیض در تقلید احکام در صورت تساوی شرایط بین چند مجتهد جایز است؛ یعنی مقلد می‌تواند در بعضی از احکام از یک مجتهد و در بعضی احکام از مجتهد دیگر تقلید کند، در صورتی که از آن مخالفت قطعیه عملیه لازم نیاید.

### مسئله ۵

به دست آوردن فتوی یعنی دستور مجتهد چهار راه دارد؛

اول:

شنیدن از خود مجتهد.

دوم:

شنیدن از دو نفر عادل که فتوای مجتهد را نقل کنند، سوم شنیدن از کسی که مورد اطمینان و راستگوست. در صورتی که از گفته او اطمینان حاصل شود.

چهارم:

دیدن در رساله مجتهد در صورتی که انسان به درستی آن رساله اطمینان داشته باشد.

### مسئله ۶

تا انسان یقین نکند که فتوای مجتهد عوض شده است و یا آن که دو نفر مسأله دان عادل گواهی به عوض شدن فتوا نداده باشند، می‌تواند به آنچه در رساله آن مجتهد نوشته شده است - و صحت آن رساله را احراز کرده - عمل نماید و اگر احتمال بدهد که فتوای مجتهد عوض شده جست و جواز آن لازم نیست.

**مسئله ۷**

اگر مجتهد اعلم در مسأله‌ای فتوی دهد مقلد آن مجتهد یعنی کسی که از او تقلید می‌کند نمی‌تواند در آن مسأله به فتوای مجتهد دیگر عمل کند، ولی اگر فتوی ندهد و بفرماید احتیاط آن است که فلان طور عمل شود، مثلاً بفرماید احتیاط آن است که در رکعت سوم و چهارم نماز سه مرتبه تسبیحات اربعه یعنی «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» بگویند، مقلد باید یا به این احتیاط که احتیاط واجبش می‌گویند عمل کند؛ و سه مرتبه بگوید، یا به فتوای مجتهد دیگری عمل کند و بنا بر احتیاط واجب به فتوای مجتهدی که علم او از مجتهد اعلم کمتر و از مجتهدهای دیگر بیشتر است عمل نماید. پس اگر او یک مرتبه گفتن را کافی بداند می‌تواند یک مرتبه بگوید و همچنین است اگر مجتهد اعلم بفرماید مسأله محل تأمل یا محل اشکال است.

**مسئله ۸**

اگر مجتهد اعلم بعد از آن که در مسأله‌ای فتوی داده احتیاط کند، - مثلاً بفرماید ظرف نجس را که یک مرتبه در آب کر بشویند پاک می‌شود، اگر چه احتیاط آن است که سه مرتبه بشویند. - مقلد او نمی‌تواند در آن مسأله به فتوای مجتهد دیگر رفتار کند، بلکه باید یا به فتوی عمل کند، یا به احتیاط بعد از فتوی که آن را احتیاط مستحب می‌گویند عمل نماید و اگر فتوای آن مجتهد نزدیکتر به احتیاط باشد، جایز است به فتوای او عمل کند.

**مسئله ۹**

تقلید از مجتهد میت ابتداءً جایز نیست، ولی بقای بر تقلید مجتهدی که اعلم از مجتهد زنده بوده، بنا بر اقوی لازم است و فرقی نیست بین مسائلی که در زمان زنده بودن اعلم به آن عمل کرده و مسائلی که به آن عمل نکرده باشد و اگر کسی که در بعضی از مسائل به فتوای مجتهدی عمل کرده و بعد از مردن آن مجتهد، به مجتهد زنده مراجعه کرده، در صورت تساوی مجتهد مرده و زنده، می‌تواند در همه مسایل از مجتهد میت تقلید کند، ولی اگر مجتهد میت اعلم از مجتهد زنده باشد بنا بر اقوی باید بر تقلید از مجتهد میت باقی بماند و اگر مجتهد دوم از دنیا برود و رجوع کند به مجتهد سوم و اگر مجتهد اول از مجتهد دوم و سوم اعلم باشد، بنا بر اقوی باید بر تقلید از مجتهد اول باقی بماند.

**مسئله ۱۰**

اگر در مسأله‌ای به فتوای مجتهدی عمل کند و بعد از مردن او در همان مسأله به فتوای مجتهد زنده رفتار نماید، در صورت تساوی بین مجتهد میتی که در زمان حیاتش از او تقلید کرده است و مجتهد زنده، در مسائلی که به دستور مجتهد زنده عمل کرده است نمی‌تواند به مجتهد میت رجوع کند. ولی اگر مجتهد زنده در مسأله‌ای فتوی ندهد و احتیاط نماید و مقلد مدتی به آن احتیاط عمل کند، دوباره می‌تواند به فتوی مجتهدی که از دنیا رفته عمل نماید مثلاً اگر مجتهدی گفتن یک مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» را در رکعت سوم و چهارم نماز کافی بداند و مقلد مدتی به این دستور عمل نماید و یک مرتبه بگوید، چنانچه آن مجتهد از دنیا برود و مجتهد زنده احتیاط واجب را در سه مرتبه گفتن بداند و مقلد مدتی به این احتیاط عمل کند و سه مرتبه بگوید دوباره می‌تواند به فتوای مجتهدی که از دنیا رفته برگردد و یک مرتبه بگوید.

**مسئله ۱۱**

مسائلی را که انسان غالباً به آنها احتیاج دارد، واجب است یاد بگیرد.

### مسئله ۱۲

اگر برای انسان مسأله‌ای پیش آید که حکم آن را نمی‌داند، می‌تواند صبر کند تا فتوای مجتهد اعلم را به دست آورد. یا اگر احتیاط ممکن است به احتیاط عمل نماید. بلکه اگر احتیاط ممکن نباشد، چنانچه از انجام عمل محذوری لازم نیاید بنا بر یک طرف بگذارد تا استعلام نماید؛ پس اگر معلوم شد که مخالف واقع یا گفتار مجتهد بوده دوباره باید انجام دهد و اگر مسأله مورد ابتلا او است و نمی‌تواند صبر کند به احتیاط عمل کند و اگر از عمل به احتیاط محذوری لازم می‌آید با رعایت اعلم فالاعلم از مجتهد غیر اعلم تقلید کند.

### مسئله ۱۳

اگر کسی فتوای مجتهدی را به دیگری بگوید، چنانچه فتوای آن مجتهد عوض شود لازم نیست به او خبر دهد که فتوی عوض شده؛ ولی اگر بعد از گفتن فتوی بفهمد اشتباه کرده، در صورتی که ممکن باشد باید اشتباه را بر طرف کند.

### مسئله ۱۴

اگر مکلف مدتی اعمال خود را بدون تقلید انجام دهد، در صورتی اعمال او صحیح است که بفهمد به وظیفه واقعی خود رفتار کرده است، یا عمل او با فتوای مجتهدی که در هنگام عمل وظیفه‌اش تقلید از او بوده و یا با فتوای مجتهدی که فعلاً وظیفه دارد از او تقلید کند، مطابقت داشته است.

### مسئله ۱۵

----

## احکام طهارت

### آب مطلق و مضاف

#### ۱- آب کر

### مسئله ۱۶

آب کر مقدار آبیست که اگر در ظرفی که درازا و پهنا و گودی آن هر یک سه وجب و نیم است بریزند، آن ظرف را پر کنند و وزن آن از صد و بیست و هشت من تبریز، بیست مثقال کمترست، که  $۳۸۳ / ۹۰۶$  کیلوگرم می‌شود، بنا بر احتیاط، ولکن اقرب این است که کر  $۳۷۷ / ۴۱۹$  کیلوگرم است.

### مسئله ۱۷

اگر عین نجس مانند بول و خون به آب کر برسد، چنانچه به واسطه آن بو یا رنگ یا مزه آب تغییر کند آب نجس می‌شود و اگر

تغییر نکند نجس نمی شود.

### مسئله ۱۸

اگر بوی آب کر به واسطه غیر نجاست تغییر کند، نجس نمی شود.

### مسئله ۱۹

اگر عین نجس مانند خون به آبی که بیشتر از کر است برسد و بو یا رنگ یا مزه قسمتی از آن را تغییر دهد، چنانچه مقداری که تغییر نکرده کمتر از کر باشد تمام آب نجس می شود و اگر به اندازه کر یا بیشتر باشد فقط مقداری که بو یا رنگ یا مزه آن تغییر کرده نجس است.

### مسئله ۲۰

آب فواره اگر متصل به کر باشد آب نجس را پاک می کند، در صورتی که مخلوط به آن بشود. ولی اگر قطره قطره روی آب نجس بریزد آن را پاک نمی کند، مگر آن که چیزی روی فواره بگیرند تا آب قبل از قطره قطره شدن به آب نجس متصل شود و با آن مخلوط گردد.

### مسئله ۲۱

اگر چیز نجس را زیر شیری که متصل به کر است بشویند، آبی که از آن چیز می ریزد اگر متصل به کر باشد و به واسطه نجاست بو یا رنگ یا مزه آن تغییر نکرده باشد پاک است.

### مسئله ۲۲

اگر مقداری از آب یخ ببندد و باقی آن به قدر کر نباشد، چنانچه نجاست به آن برسد نجس می شود و هر قدر از یخ هم آب شود نجس است.

### مسئله ۲۳

آبی که به اندازه کر بوده، اگر انسان شک کند که از کر کمتر شده یا نه مثل آب کر است، یعنی چیز نجس شده را پاک می کند و اگر نجاستی هم به آن برسد نجس نمی شود و آبی که کمتر از کر بوده و انسان شک دارد به مقدار کر شده یا نه حکم آب کر ندارد.

### مسئله ۲۴

کر بودن آب به دو راه ثابت می شود:  
اول آن که خود انسان تشخیص دهد و به کر بودن آن اطمینان پیدا کند و اطمینان هم به حسب متعارف است و با اخبار ذوالیید و یک فرد عادل ثابت نمی شود.  
دوم آن که دو مرد عادل خبر دهند.

**۲- آب قلیل****مسئله ۲۵**

آب قلیل، آبیست که از زمین بجوشد و از کر کمتر باشد.

**مسئله ۲۶**

اگر آب قلیل روی چیز نجس بریزد یا چیز نجس به آن برسد نجس می‌شود؛ ولی اگر از بالا با فشار روی چیز نجس بریزد مقداری که به آن چیز می‌رسد نجس و هر چه بالا-تر از آن است پاک می‌باشد و نیز اگر مثل فواره با فشار از پایین به بالا رود، در صورتی که نجاست به بالا برسد پایین نجس نمی‌شود و اگر نجاست به پایین برسد، بالا نجس می‌شود.

**مسئله ۲۷**

آب قلیلی که برای بر طرف کردن عین نجاست روی چیز نجس ریخته شود و از آن جدا گردد نجس است و باید از آب قلیلی هم که بعد از بر طرف شدن عین نجاست برای آب کشیدن چیز نجس روی آن می‌ریزند و از آن جدا می‌شود اجتناب کنند. ولی آبی که با آن مخرج بول و غایط را می‌شویند با پنج شرط پاک است. اول آن که بو یا رنگ یا مزه آب به واسطه نجاست تغییر نکرده باشد.

دوم نجاستی از خارج به آن نرسیده باشد.

سوم نجاست دیگری مثل خون با بول یا غائط بیرون نیامده باشد.

چهارم ذره‌های غائط در آب پیدا نباشد.

پنجم بیشتر از مقدار معمول نجاست به اطراف مخرج نرسیده باشد.

**۳- آب جاری****مسئله ۲۸**

آب جاری آبیست که از زمین بجوشد و جریان داشته باشد مانند آب چشمه و قنات.

**مسئله ۲۹**

آب جاری اگر چه کمتر از کر باشد، چنانچه نجاست به آن برسد تا وقتی بو یا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاست تغییر نکرده پاک است.

**مسئله ۳۰**

اگر نجاستی به آب جاری برسد، مقداری از آن که بو یا رنگ یا مزه‌اش به واسطه نجاست تغییر کرده نجس است و طرفی که متصل به چشمه است اگر چه کمتر از کر باشد پاک است و آب‌های دیگر نهر اگر به اندازه کر باشد یا به واسطه آبی که تغییر نکرده به آب طرف چشمه متصل باشد، پاک و گرنه نجس است.

**مسئله ۳۱**

آب چشمه‌ای که جاری نیست، ولی طوریست که اگر از آن بردارند باز می‌جوشد، حکم آب جاری دارد؛ یعنی اگر نجاست به آن برسد، تا وقتی بو یا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاست تغییر نکرده پاک است.

**مسئله ۳۲**

آبی که کنار نهر ایستاده و متصل به آب جاری است، حکم آب جاری دارد.

**مسئله ۳۳**

چشمه‌ای که مثلاً در زمستان می‌جوشد و در تابستان از جوشش می‌افتد، فقط وقتی که می‌جوشد حکم آب جاری دارد.

**مسئله ۳۴**

آب حوض حمام اگر چه کمتر از کر باشد، مثل آب جاری است. اگر متصل به خزینه‌ای باشد که آب او به اندازه کر است.

**مسئله ۳۵**

آب لوله‌های حمام که از شیرها و دوش‌ها می‌ریزد اگر متصل به کر باشد، در حکم آب جاریست و آب لوله‌های ساختمان‌ها اگر متصل به منبعی باشد که در ساختمان تعبیه شده است و آب منبع کر باشد، در حکم آب کر است. ولی آب لوله‌های ساختمان‌هایی که مستقیماً متصل به آب لوله شهر است و آب لوله شهر هم متصل است به منبع‌هایی که در شهر تعبیه شده است و آب منبع‌های شهر هم متصل است به آب‌های رودخانه‌ها و جوی‌ها - چنانکه در این زمان معمول است - در حکم آب جاری است.

**مسئله ۳۶**

آبی که روی زمین جریان دارد؛ ولی از زمین نمی‌جوشد، چنانچه کمتر از کر باشد و نجاست به آن برسد نجس می‌شود. اما اگر از بالا با فشار به پایین بریزد، چنانچه نجاست به پایین آن برسد بالای آن نجس نمی‌شود.

**۴- آب باران****مسئله ۳۷**

اگر به چیز نجسی که عین نجاست در آن نیست یک مرتبه باران ببارد جایی که باران به آن برسد پاک می‌شود و در فرش و لباس و مانند اینها فشار لازم نیست. ولی باریدن دو سه قطره فایده ندارد، بلکه باید طوری باشد که بگویند باران می‌آید.

**مسئله ۳۸**

اگر باران به عین نجس ببارد و به جای دیگر ترشح کند، چنانچه عین نجاست همراه آن نباشد و بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته باشد پاک است. پس اگر باران بر خون ببارد و ترشح کند، چنانچه ذره‌ای خون در آن باشد، یا آن که بو یا رنگ یا مزه خون

گرفته باشد نجس می‌باشد.

### مسئله ۳۹

اگر بر سقف ساختمان یا روی بام آن عین نجاست باشد، تا وقتی باران به بام می‌بارد آبی که به چیز نجس رسیده و از سقف یا ناودان می‌ریزد پاک است و بعد از قطع شدن باران اگر معلوم باشد آبی که می‌ریزد به چیز نجس رسیده است نجس می‌باشد.

### مسئله ۴۰

زمین نجسی که باران بر آن ببارد پاک می‌شود و اگر باران بر زمین جاری شود و به جای نجسی که زیر سقف است برسد، آن را نیز پاک می‌کند.

### مسئله ۴۱

خاک نجسی که به واسطه باران، گل شود و آب آن را فرا گیرد پاک است، اما اگر فقط رطوبت به آن برسد پاک نمی‌شود.

### مسئله ۴۲

هر گاه آب باران در جایی جمع شود، اگر چه کمتر از کر باشد چنانچه موقعی که باران می‌آید، چیز نجسی را در آن بشویند و آب بو یا رنگ یا مزه نجاست نگیرد، آن چیز نجس پاک می‌شود.

### مسئله ۴۳

اگر بر فرش پاکی که روی زمین نجس است باران ببارد و بر زمین نجس جاری شود، فرش نجس نمی‌شود و زمین هم پاک می‌گردد.

## ۵- آب چاه

### مسئله ۴۴

آب چاهی که از زمین می‌جوشد، اگر چه کمتر از کر باشد چنانچه نجاست به آن برسد، تا وقتی بو یا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاست تغییر نکرده پاک است، ولی مستحب است پس از رسیدن بعضی از نجاست‌ها مقداری که در کتاب‌های مفصل گفته شده از آب آن بکشند.

### مسئله ۴۵

اگر نجاستی در چاه بریزد و بو یا رنگ یا مزه آب آن را تغییر دهد، چنانچه تغییر آب چاه از بین برود، موقعی پاک می‌شود که با آبی که از چاه می‌جوشد مخلوط گردد.

### مسئله ۴۶



اگر آب باران یا آب دیگر در گودالی جمع شود و کمتر از کر باشد، چنانچه بعد از قطع شدن باران نجاست به آن برسد نجس می‌شود.

## احکام آبها

### مسئله ۴۷

آب مضاف که معنی آن گفته شد، چیز نجس را پاک نمی‌کند، وضو و غسل هم با آن باطل است.

### مسئله ۴۸

اگر ذره‌ای نجاست به آب مضاف برسد نجس می‌شود، ولی چنانچه از بالا با فشار روی چیز نجس بریزد، مقداری که به چیز نجس رسیده نجس و مقداری که بالاتر از آن است پاک می‌باشد. مثلاً اگر گلاب را از گلابدان روی دست نجس بریزند، آنچه به دست رسیده نجس و آنچه به دست نرسیده پاک است و نیز اگر مثل فواره با فشار از پایین به بالا برود اگر نجاست به بالا برسد پایین نجس نمی‌شود.

### مسئله ۴۹

اگر آب مضاف نجس طوری با آب کر یا جاری مخلوط شود که دیگر آب مضاف به آن نگویند پاک می‌شود.

### مسئله ۵۰

آبی که مطلق بوده و معلوم نیست مضاف شده یا نه مثل آب مطلق است، یعنی چیز نجس را پاک می‌کند، وضو و غسل هم با آن صحیح است و آبی که مضاف بوده و معلوم نیست مطلق شده یا نه مثل آب مضاف است، یعنی چیز نجس را پاک نمی‌کند، وضو و غسل هم با آن باطل است.

### مسئله ۵۱

آبی که معلوم نیست مطلق است یا مضاف و معلوم نیست که قبلاً مطلق یا مضاف بوده نجاست را پاک نمی‌کند، وضو و غسل هم با آن باطل است. ولی اگر به اندازه کر یا بیشتر باشد و نجاست به آن برسد حکم به نجس بودن آن نمی‌شود.

### مسئله ۵۲

آبی که عین نجاست مثل خون و بول به آن برسد و بو یا رنگ یا مزه آن را تغییر دهد اگر چه کر یا جاری باشد نجس می‌شود. ولی اگر بو یا رنگ یا مزه آب به واسطه نجاستی که بیرون آن است عوض شود، مثلاً مرداری که پهلوی آب است بوی آن را تغییر دهد نجس نمی‌شود.

### مسئله ۵۳

آبی که عین نجاست مثل خون و بول در آن ریخته و بو یا رنگ یا مزه آن را تغییر داده، چنانکه به کر یا جاری متصل شود، یا باران

بر آن بیارد یا باد باران را در آن بریزد، یا آب باران در موقع باریدن از ناودان در آن جاری شود و تغییر آن از بین برود پاک می‌شود. ولی باید آب باران یا کر یا جاری با آن مخلوط گردد.

#### مسئله ۵۴

آب قلیلی که برای پاک کردن شیء نجس شده استعمال می‌شود و آن را غسله می‌نامند، به احتیاط واجب باید از آن اجتناب کرد و اگر در آب کر یا جاری آن چیز نجس را آب بکشند و آب در آن نفوذ کرده باشد، غسله آن پاک است.

#### مسئله ۵۵

آبی که پاک بوده و معلوم نیست نجس شده یا نه پاک است و آبی که نجس بوده و معلوم نیست پاک شده یا نه نجس است.

#### مسئله ۵۶

نیم خورده سگ و خوک و کافر، نجس و خوردن آن حرام است و نیم خورده حیوانات حرام گوشت پاک و خوردن آن مکروه می‌باشد.

### احکام تَخْلِي (بول و غائط کردن)

#### مسئله ۵۷

واجب است انسان وقت تخی و مواقع دیگر عورت خود را از کسانی که مکلفند، اگر چه مثل خواهر و مادر با او محرم باشند و همچنین از دیوانه ممیز و بچه های ممیز که خوب و بد را می‌فهمند، بپوشاند. ولی زن و شوهر لازم نیست عورت خود را از یک دیگر بپوشانند.

#### مسئله ۵۸

لازم نیست با چیز مخصوصی عورت خود را بپوشاند و اگر مثلاً با دست هم آن را بپوشاند کافی است.

#### مسئله ۵۹

موقع تخی باید طرف جلوی بدن یعنی شکم و سینه رو به قبله و پشت به قبله نباشد.

#### مسئله ۶۰

اگر موقع تخی طرف جلوی بدن کسی رو به قبله یا پشت به قبله باشد و عورت را از قبله بگرداند کفایت نمی‌کند و اگر جلوی بدن او رو به قبله یا پشت به قبله نباشد، احتیاط واجب آن است که عورت را رو به قبله یا پشت به قبله ننماید.

#### مسئله ۶۱

در موقع تطهیر مخرج بول و غائط رو به قبله و پشت به قبله بودن اشکالی ندارد. ولی اگر در موقع استبراء، بول از مخرج بیرون آید،

احتیاطاً رو به قبله و پشت به قبله نباشد.

### مسئله ۶۲

اگر برای آن که نامحرم او را نیند مجبور شود رو به قبل یا پشت به قبله بنشیند، باید رو به قبله یا پشت به قبله بنشیند و نیز اگر از راه دیگر ناچار باشد که رو به قبله یا پشت به قبله بنشیند مانعی ندارد.

### مسئله ۶۳

احتیاط واجب آن است که بچه را در وقت تخلی رو به قبله یا پشت به قبله نشانند، ولی اگر خود بچه بنشیند، جلوگیری از او واجب نیست.

### مسئله ۶۴

در چهار جا تخلی حرام است:  
اول در کوچه های بن بست در صورتی که صاحبانش اجازه نداده باشند.  
دوم در ملک کسی که اجازه تخلی نداده است.  
سوم در جایی که برای عده مخصوصی وقف شده است مثل بعضی از مدرسه‌ها.  
چهارم روی قبر مؤمنین در صورتی که بی‌احترامی به آنان باشد.

### مسئله ۶۵

در سه صورت مخرج غائط فقط با آب پاک می‌شود:  
اول آن که با غائط، نجاست دیگری مثل خون بیرون آمده باشد.  
دوم آن که نجاستی از خارج به مخرج غائط رسیده باشد.  
سوم آن که اطراف مخرج بیشتر از مقدار معمول آلوده شده باشد و در غیر این سه صورت می‌شود مخرج را با آب شست و یا به دستوری که بعداً گفته می‌شود با پارچه و سنگ و مانند اینها پاک کرد، اگر چه شستن با آب بهتر است.

### مسئله ۶۶

مخرج بول با غیر آب پاک نمی‌شود، اگر بعد از بر طرف شدن بول یک مرتبه بشویند کافی است، ولی کسانی که بولشان از غیر مجرای طبیعی می‌آید، احتیاط واجب آن است که دو مرتبه بشویند و نیز زن حکم مرد را دارد.

### مسئله ۶۷

اگر مخرج غائط را با آب بشویند، باید چیزی از غائط در آن نماند، ولی باقی ماندن رنگ و بوی آن مانعی ندارد و اگر در دفعه اول طوری شسته شود که ذره‌ای از غائط در آن نماند، دوباره شستن لازم نیست.

### مسئله ۶۸

هر گاه با سنگ و کلوخ و مانند اینها غائط را از مخرج بر طرف کنند، اگر چه پاک شدنش محل تأمل است، ولی نماز خواندن مانعی ندارد و چنانچه چیزی هم به آن برسد نجس نمی‌شود و ذره‌های کوچک و لزوجت محل اشکال ندارد.

### مسئله ۶۹

لازم نیست با سه سنگ یا سه پارچه مخرج را پاک کنند؛ بلکه با اطراف یک سنگ یا یک پارچه هم کافی است، بلکه اگر با یک مرتبه هم غائط بر طرف شد کفایت می‌کند، ولی با استخوان و سرگین و یا چیزهایی که احترام آنها لازم است، مانند کاغذی که اسم خدا بر آن نوشته، اگر محل را پاک کند بنا به احتیاط واجب، نماز نمی‌تواند بخواند.

### مسئله ۷۰

اگر شک کند که مخرج را تطهیر کرده یا نه، اگر چه همیشه بعد از بول یا غائط فوراً تطهیر می‌کرده، باید خود را تطهیر نماید.

### مسئله ۷۱

اگر بعد از نماز شک کند که قبل از نماز مخرج را تطهیر کرده یا نه، نمازی که خوانده صحیح است، ولی برای نمازهای بعد باید تطهیر کند.

### استبرا

### مسئله ۷۲

استبرا عمل مستحبیست که مردها بعد از بیرون آمدن بول انجام می‌دهند و آن دارای اقسامیست و بهترین آنها این است که بعد از قطع شدن بول اگر مخرج غائط نجس شده، اول آن را تطهیر کنند، بعد سه دفعه با انگشت میانه دست چپ از مخرج غائط تا بیخ آلت بکشند و بعد شست را روی آلت و انگشت پهلوی شست را زیر آن بگذارند و سه مرتبه تا ختنه گاه بکشند و پس از آن سه مرتبه سر آلت را فشار دهند.

### مسئله ۷۳

آبی که گاهی بعد از ملاعبه و بازی کردن از انسان خارج می‌شود و به آن مزی می‌گویند پاک است و نیز آبی که گاهی بعد از منی بیرون می‌آید و به آن وزی گفته می‌شود و آبی که گاهی بعد از بول بیرون می‌آید و به آن ودی می‌گویند؛ اگر بول به آن نرسیده باشد پاک است و چنانچه بعد از بول استبرا کند و بعد آبی از او خارج شود و شک کند که بول است یا یکی از اینها پاک می‌باشد.

### مسئله ۷۴

اگر انسان شک کند استبرا کرده یا نه و رطوبتی از او بیرون آید که نداند پاک است یا نه، نجس می‌باشد و چنانچه وضو گرفته باشد باطل می‌شود. ولی اگر شک کند استبرایی که کرده درست بوده یا نه و رطوبتی از او بیرون آید که نداند پاک است یا نه پاک می‌باشد، وضو را هم باطل نمی‌کند.

**مسئله ۷۵**

کسی که استبرا نکرده، اگر به واسطه آن که مدتی از بول کردن او گذشته یقین کند بول در مجری نمانده است و رطوبتی ببیند و شک کند پاک است یا نه، آن رطوبت پاک می‌باشد، وضو را هم باطل نمی‌کند.

**مسئله ۷۶**

اگر انسان بعد از بول استبرا کند و وضو بگیرد، چنانچه بعد از وضو رطوبتی ببیند که بداند بول است یا منی، واجب است احتیاطاً غسل کند، وضو هم بگیرد. ولی اگر وضو نگرفته باشد فقط گرفتن وضو کافی است.

**مسئله ۷۷**

برای زن، استبرا از بول نیست و اگر رطوبتی ببیند و شک کند پاک است یا نه پاک می‌باشد، وضو و غسل او را هم باطل نمی‌کند.

**مستحبات و مکروهات تخلی****مسئله ۷۸**

مستحب است در موقع تخلی جایی بنشیند که کسی او را نبیند و موقع وارد شدن به مکان تخلی اول پای چپ و موقع بیرون آمدن اول پای راست را بگذارد و همچنین مستحب است در حال تخلی سر را به پوشاند و سنگینی بدن را بر پای چپ بیندازد.

**مسئله ۷۹**

نشستن روبروی خورشید و ماه در موقع تخلی مکروه است، ولی اگر عورت خود را به وسیله‌ای پوشاند مکروه نیست و نیز در موقع تخلی، نشستن روبروی باد و در جاده و خیابان و کوچه و در خانه و زیر درختی که میوه می‌دهد و چیز خوردن و توقف زیاد و تطهیر کردن با دست راست مکروه می‌باشد و هم چنین است حرف زدن در حالی تخلی، ولی اگر ناچار باشد یا ذکر خدا بگوید، اشکال ندارد.

**مسئله ۸۰**

ایستاده بول کردن و بول کردن در زمین سخت و سوراخ جانوران و در آب خصوصاً آب ایستاده مکروه است.

**مسئله ۸۱**

خودداری کردن از بول و غائط مکروه است و اگر ضرر برساند، باید خودداری نکند.

**مسئله ۸۲**

پیش از نماز و پیش از خواب و پیش از جماع و بعد از بیرون آمدن منی بول کند.

**[نجاسات]**

## اشاره

## مسئله ۸۳

نجاسات یازده چیز است:

اول بول، دوم غائط، سوم منی، چهارم مردار، پنجم خون، ششم و هفتم سگ و خوک، هشتم کافر، نهم شراب، دهم فحاشی، یازدهم عرق شتر نجاست خوار.

## ۱- و ۲- بول و غائط

## مسئله ۸۴

بول و غائط انسان و هر حیوان حرام گوشتی که خون جهنده دارد که اگر رگ آن را ببرند خون از آن جستن می‌کند نجس است، ولی فضله حیوانات کوچک مثل پشه و مگس که گوشت ندارد، پاک است.

## مسئله ۸۵

احتیاط آن است که از فضله پرندگان حرام گوشت، اجتناب شود.

## مسئله ۸۶

بول و غائط حیوان نجاست خوار نجس است و همچنین است بول و غائط حیوانی که انسان آن را وطی کرده یعنی با آن نزدیکی نموده و گوسفندی که گوشت آن از خوردن شیر خوک محکم شده است.

## ۳- منی

## مسئله ۸۷

منی حیوانی که خون جهنده دارد نجس است.

## ۴- مردار

## مسئله ۸۸

مردار حیوانی که خون جهنده دارد نجس است، چه خودش مرده باشد یا به غیر دستوری که در شرع معین شده آن را کشته باشند و ماهی چون خون جهنده ندارد، اگر چه در آب بمیرد پاک است.

## مسئله ۸۹

چیزهایی از مردار که مثل پشم و مو و کرک و استخوان و دندان روح نداشته، اگر از غیر حیوانی باشد که مثل سگ نجس است، پاک می‌باشد.

#### مسئله ۹۰

اگر از بدن انسان یا حیوانی که خون جهنده دارد در حالی که زنده است، گوشت یا چیز دیگری را که روح دارد جدا کنند نجس است.

#### مسئله ۹۱

پوست‌های مختصر لب و جاهای دیگر بدن که موقع افتادنشان رسیده اگر چه آنها را بکنند پاک است، ولی بنا بر احتیاط واجب باید از پوستی که موقع افتادنش نرسیده و آن را کنده‌اند اجتناب نمایند.

#### مسئله ۹۲

تخم مرغی که از شکم مرغ مرده بیرون می‌آید اگر پوست روی آن مانع از سرایت نجاست به داخل تخم مرغ باشد، پاک است، ولی ظاهراً آن را باید آب کشید.

#### مسئله ۹۳

اگر بره و بزغاله پیش از آن که علف‌خوار شوند بمیرند، پنیر مایه‌ای که در شیردان آنها می‌باشد پاک است، ولی ظاهر آن را باید آب کشید.

#### مسئله ۹۴

دوایجات روان و عطر و روغن و واکس و صابون که از خارجه می‌آورند، اگر انسان یقین به نجاست آنها نداشته باشد پاک است.

#### مسئله ۹۵

گوشت و پیه و چرمی که در بازار مسلمانان فروخته شود پاک است و همچنین است اگر یکی از اینها در دست مسلمان باشد و بدانند آن مسلمان از کافر گرفته و احتمال بدهند آن مسلمان رسیدگی کرده که از حیوانی است که به دستور شرع کشته شده یا نه و نیز بنا بر احتیاط واجب بدانند مسلمان با آن معامله پاکی نموده پاک است. ولی اگر بدانند رسیدگی نکرده نجس می‌باشد.

#### ۵ - خون

#### مسئله ۹۶

خون انسان و خون هر حیوانی که خون جهنده دارد - یعنی اگر رگ آن را ببرند خون از آن جستن می‌کند - نجس است. ولی

خون حیوانی مانند ماهی و شپش و کک که خون جهنده ندارد پاک است اما خون پشه در آن تفصیلیست که در ذیل مسأله (۲۰۶) می‌آید.

### مسأله ۹۷

اگر حیوان حلال گوشت را به دستوری که در شرع معین شده بکشند و خون آن به مقدار معمول بیرون آید خونی که در بدنش می‌ماند پاک است، ولی اگر به علت نفس کشیدن یا به واسطه این که سر حیوان در جای بلندی بوده، خون به بدن حیوان برگردد آن خون نجس است.

### مسأله ۹۸

خونی که در تخم مرغ می‌باشد نجس نیست، ولی خوردن آن حرام است و اگر خون را با زرده تخم مرغ به هم بزنند که از بین برود، خوردن زرده هم مانعی ندارد.

### مسأله ۹۹

خونی که گاهی موقع دوشیدن شیر دیده می‌شود نجس است و شیر را نجس می‌کند.

### مسأله ۱۰۰

خونی که از لای دندان‌ها می‌آید، نجس و خوردن آن حرام است ولی اگر به واسطه مخلوط شدن با آب دهان از بین برود پاک است و فرو بردن آب دهان در این صورت اشکال ندارد.

### مسأله ۱۰۱

خونی که به واسطه کوبیده شدن زیر ناخن یا زیر پوست می‌میرد، اگر طوری شود که دیگر به آن خون نگویند پاک است و اگر به آن خون بگویند در صورتی که ناخن یا پوست سوراخ شود، اگر مشقت ندارد باید برای وضو و غسل خون را بیرون آورند و اگر مشقت دارد باید اطراف آن را به طوری که نجاست زیاد نشود بشویند و پارچه یا چیزی مثل پارچه بر آن بگذارند و روی پارچه دست تر بکشند و تیمم هم بکنند.

### مسأله ۱۰۲

اگر انسان نداند که خون زیر پوست مرده یا گوشت به واسطه کوبیده شدن به آن حالت در آمده پاک است.

### مسأله ۱۰۳

اگر موقع جوشیدن غذا ذره‌ای خون در آن بیفتد، تمام غذا و ظرف آن نجس می‌شود و جوشیدن و حرارت و آتش پاک کننده



نیست.

### مسئله ۱۰۴

زردابه ای که در حال بهبودی زخم در اطراف آن پیدا می‌شود، اگر معلوم نباشد که با خون مخلوط است پاک می‌باشد.

### ۶- و ۷- سگ و خوک

### مسئله ۱۰۵

سگ و خوک که در خشکی زندگی می‌کنند، حتی مو و استخوان و پنجه و ناخن و رطوبت‌های آنها نجس است، ولی سگ و خوک دریایی پاک است.

### ۸- کافر

### مسئله ۱۰۶

کافر، یعنی کسی که منکر خدا است، یا برای خدا شریک قرار می‌دهد، یا پیامبری حضرت خاتم الانبیاء محمد بن عبدالله صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را قبول ندارد، نجس است و همچنین اگر در یکی از این دو شک داشته باشد، نجس است و نیز کسی که از نواصب باشد، یعنی دشمنی با ائمه علیهم‌السلام را از دین بداند و همچنین کسی که حکمی از احکام ضروری دین را یعنی حکمی مثل وجوب نماز و روزه را که مسلمانان جزء دین اسلام می‌دانند - منکر شود، چنانچه بداند آن چیز ضروری دین است و انکار آن حکم به انکار خدا یا توحید یا نبوت برمی‌گردد، نجس می‌باشد و اگر نداند احتیاطاً باید از او اجتناب کرد.

### مسئله ۱۰۷

تمام بدن کافر حتی مو و ناخن و رطوبت‌های او نجس است.

### مسئله ۱۰۸

اگر پدر و مادر و جد و جده بچه نا بالغ کافر باشند، آن بچه هم نجس است و اگر یکی از اینها مسلمان باشد، بچه پاک است.

### مسئله ۱۰۹

کسی که معلوم نیست مسلمان است یا نه پاک می‌باشد. ولی احکام دیگر مسلمانان را ندارد، مثلاً نمی‌تواند زن مسلمان بگیرد و نباید در قبرستان مسلمانان دفن شود.

### مسئله ۱۱۰

اگر مسلمانی به یکی از دوازده امام دشنام دهد، یا با آنان دشمنی داشته باشد، نجس است و فرقی نیست بین مرتد ملی و فطری، که

هر دو نجس می‌باشند.

## ۹- شراب

### مسئله ۱۱۱

شراب و هر چیزی که انسان را مست می‌کند، چنانچه به خودی خود روان باشد نجس است و اگر مثل بنگ و حشیش روان نباشد اگر چه چیزی در آن بریزند که روان شود پاک است.

### مسئله ۱۱۲

الکل صنعتی را اگر انسان نداند از چیزی که مست کننده و روان است درست کرده‌اند پاک است، ولی اگر بداند، نجس است.

### مسئله ۱۱۳

اگر انگور و آب انگور به خودی خود جوش بیاید و یا آن که آن را بجوشانند، حرام ولی نجس نیست، مگر آن که معلوم شود که مست کننده است.

### مسئله ۱۱۴

خرما و مویز و کشمش و آب آنها اگر جوش بیایند، پاک و خوردن آنها حلال است، اگر چه احتیاط مستحب آن است که از آنها اجتناب کنند.

## ۱۰- فقاع

### مسئله ۱۱۵

فقاع که از جو گرفته می‌شود و به آن آبجو می‌گویند نجس است، ولی آبی که به دستور طبیب از جو می‌گیرند و به آن ماء الشعیر می‌گویند پاک می‌باشد.

## عرق جنب از حرام

### مسئله ۱۱۶

عرق جنب از حرام نجس نیست، ولی احتیاط واجب آن است که با بدن یا لباسی که به آن آلوده شده نماز نخوانند.

### مسئله ۱۱۷

اگر انسان در موقعی که نزدیکی با زن حرام است - مثلاً در روزه ماه رمضان - با زن خود نزدیکی کند، بنا بر احتیاط واجب باید از

عرق خود در نماز اجتناب نماید.

### مسئله ۱۱۸

اگر شخص جنب از حرام به واسطه تنگی وقت به جای غسل تیمم نماید و بعد از تیمم و خواندن نماز عرق کند، بنا بر احتیاط واجب باید از عرق خود در نماز اجتناب نماید، ولی اگر به واسطه عذر دیگر مثل اینکه استعمال آب برای او ضرر داشته باشد، تیمم کند، تا موقعی که عذر او باقیست اجتناب از آن در نماز لازم نیست و هرگاه عذر او بر طرف شود بنا بر احتیاط واجب باید از عرق خود در نماز اجتناب نماید.

### مسئله ۱۱۹

اگر کسی از حرام جنب شود و بعد با حلال خود نزدیکی کند بنا بر احتیاط واجب باید از عرق خود در نماز اجتناب کند، ولی اگر اول با حلال خود نزدیکی کند و بعد با حرام نزدیکی و عرق کند می‌تواند با آن نماز بخواند.

### ۱۱ - عرق شتر نجاست خوار

### مسئله ۱۲۰

عرق شتر نجاست خوار نجس است، ولی اگر حیوانات دیگر نجاست خوار شوند از عرق آنجا اجتناب لازم نیست.

### راه ثابت شدن نجاست

### مسئله ۱۲۱

نجاست هر چیز از سه راه ثابت می‌شود:

اول آن که خود انسان یقین کند و یا اطمینان عرفی پیدا کند، چیزی نجس است و اگر گمان داشته باشد چیزی نجس است، لازم نیست از آن اجتناب نماید. بنا بر این غذا خوردن در قهوه‌خانه و مهمان‌خانه‌هایی که مردمان لایبالی و کسانی که پاکی و نجسی را مراعات نمی‌کنند در آنها غذا می‌خورند، اگر انسان یقین نداشته باشد غذایی را که برای او آورده‌اند نجس است اشکال ندارد. دوم آن که کسی که چیزی در اختیار او است بگوید آن چیز نجس است، مثلاً همسر انسان یا نوکر یا کلفت بگوید ظرف یا چیز دیگری که در اختیار او است نجس می‌باشد.

سوم آن که دو مرد عادل بگویند چیزی نجس است و نیز اگر یک نفر عادل هم بگوید چیزی نجس است، بنا بر احتیاط واجب باید از آن چیز اجتناب کرد.

### مسئله ۱۲۲

اگر به واسطه ندانستن مسئله، نجس بودن و پاک بودن چیزی را نداند، مثلاً نداند عرق جنب از حرام پاک است یا نه، باید مسئله را پرسد، ولی اگر با این که مسئله را می‌داند، چیزی را شک کند پاک است یا نه، مثلاً شک کند آن چیز خون است یا نه یا نداند که خون پشه است یا خون انسان پاک می‌باشد.

**مسئله ۱۲۳**

چیز نجسی که انسان شک دارد پاک شده یا نه نجس است و چیز پاک را اگر شک کند نجس شده یا نه، پاک است و اگر هم بتواند نجس بودن یا پاک بودن آن را بفهمد لازم نیست واری کند.

**مسئله ۱۲۴**

اگر بداند یکی از دو ظرف یا دو لباسی که از هر دوی آنها استفاده می‌کند نجس شده و نداند کدام است باید از هر دو اجتناب کند، ولی اگر مثلاً نمی‌داند لباس خودش نجس شده یا لباس مال دیگری است، اجتناب کردن از آن لازم نیست.

**راه نجس شدن چیزهای پاک****مسئله ۱۲۵**

اگر چیز پاک به چیز نجس برسد و هر دو یا یکی از آنها به طوری تر باشد که تری یکی به دیگری برسد، چیز پاک نجس می‌شود و اگر تری به قدری کم باشد که به دیگری نرسد، چیزی که پاک بوده نجس نمی‌شود.

**مسئله ۱۲۶**

اگر چیز پاکی به چیز نجس برسد و انسان شک کند که هر دو یا یکی از آنها تر بوده یا نه، آن چیز پاک نجس نمی‌شود.

**مسئله ۱۲۷**

دو چیزی که انسان نمی‌داند کدام پاک و کدام نجس است اگر چیز پاکی با رطوبت به یکی از آنها برسد نجس نمی‌شود، ولی اگر یکی از آنها قبلاً نجس بوده و انسان نداند پاک شده یا نه، چنانچه چیز پاکی به آن برسد نجس می‌شود.

**مسئله ۱۲۸**

زمین و پارچه و مانند اینها اگر رطوبت داشته باشد، هر قسمتی که نجاست به آن برسد نجس می‌شود و جاهای دیگر آن پاک است و همچنین است خیار و خربزه و مانند اینها.

**مسئله ۱۲۹**

هر گاه شیره و روغن روان باشد، همین که یک نقطه از آن نجس شد تمام آن نجس می‌شود. ولی اگر روان نباشد فقط جایی که نجاست به آن رسیده نجس می‌شود.

**مسئله ۱۳۰**

اگر مگس یا حیوانی مانند آن روی چیز نجسی که تر است بنشیند و بعد روی چیز پاکی که آن هم تر است بنشیند، چنانچه انسان بداند عین نجاست همراه آن حیوان بوده است آن چیز پاک، نجس می‌شود و اگر نداند پاک است.

**مسئله ۱۳۱**

اگر جایی از بدن که عرق دارد نجس شود و عرق از آنجا به جای دیگر برود، هر جا که عرق به آن برسد نجس می‌شود و اگر عرق به جای دیگر نرود، جاهای دیگر بدن پاک است.

**مسئله ۱۳۲**

اخلاطی که از بینی یا گلو می‌آید، اگر خون داشته باشد، جایی که خون دارد نجس و بقیه آن پاک است، پس اگر به بیرون دهان یا بینی برسد، مقداری را که انسان یقین دارد جای نجس اخلاط به آن رسیده نجس است و محلی را که شک دارد جای نجس به آن رسیده یا نه پاک می‌باشد.

**مسئله ۱۳۳**

اگر آفتابه ای را که ته آن سوراخ است روی زمین نجس بگذارند، چنانچه آب طوری زیر آن جمع گردد که با آب آفتابه یکی حساب شود، آب آفتابه نجس می‌شود، بلکه اگر آب بر زمین جاری شود یا فرو رود، در صورتی که سوراخ آفتابه به زمین نجس متصل باشد، باز هم بنا بر احتیاط واجب باید از آب آفتابه اجتناب کرد، ولی اگر سوراخ آن به زمین نجس متصل نباشد و آب زیر آفتابه هم با آب داخل آن یکی حساب نشود، آب آفتاب نجس نمی‌شود.

**مسئله ۱۳۴**

اگر چیزی داخل بدن شود و به نجاست برسد، در صورتی که بعد از بیرون آمدن آلوده به نجاست نباشد پاک است، پس اگر اسباب اماله یا آب آن در مخرج غائط وارد شود، یا سوزن و چاقو و مانند اینها در بدن فرو رود و بعد از بیرون آمدن، به نجاست آلوده نباشد نجس نیست و همچنین است آب دهان و بینی اگر در داخل به خون برسد و بعد از بیرون آمدن به خون آلوده نباشد.

**احکام نجاسات****مسئله ۱۳۵**

نجس کردن خط و ورق قرآن حرام است و اگر نجس شود، باید فوراً آن را آب بکشند.

**مسئله ۱۳۶**

اگر جلد قرآن نجس شود در صورتی که بی‌احترامی به قرآن نباشد، باید آن را آب بکشند.

**مسئله ۱۳۷**

گذاشتن قرآن روی عین نجس مانند خون و مردار اگر چه آن عین نجس خشک باشد حرام است و برداشتن قرآن از روی آن واجب می‌باشد.

**مسئله ۱۳۸**

نوشتن قرآن با مرکب نجس اگر چه یک حرف آن باشد حرام است و اگر نوشته شود باید آن را آب بکشند، یا به واسطه تراشیدن و مانند آن کاری کنند که از بین برود.

#### مسئله ۱۳۹

دادن قرآن به کافر، در صورتی که هتک حرمت قرآن باشد، جایز نیست و گرفتن قرآن از دست او واجب است، مگر آن که مقصود از دادن قرآن و یا داشتن قرآن تحقیق و مطالعه در دین باشد که در این صورت هتک محسوب نمی‌شود و نیز انسان بداند که کافر با دست تر قرآن را لمس نمی‌کند، اشکالی ندارد.

#### مسئله ۱۴۰

اگر ورق قرآن یا چیزی که احترام آن لازم است - مثل کاغذی که اسم خدا یا پیغمبر یا امام بر آن نوشته شده - در مستراح بیفتد، بیرون آوردن و آب کشیدن آن اگر چه خرج داشته باشد واجب است و اگر بیرون آوردن آن ممکن نباشد، باید به آن مستراح نرود تا یقین کند آن ورق پوسیده است و نیز اگر تربت امام حسین علیه‌السلام در مستراح بیفتد و بیرون آوردن آن ممکن نباشد باید تا وقتی که یقین نکرده است به کلی از بین رفته است، به آن مستراح نرود و لازم نیست آن شخصی که می‌داند به دیگران اعلام نماید.

#### مسئله ۱۴۱

خوردن و آشامیدن چیز نجس حرام است و نیز خوراندن عین نجس به اطفال در صورتی که ضرر داشته باشد حرام می‌باشد، بلکه اگر ضرر هم نداشته باشد باید از آن خودداری کنند، ولی خوراندن غذاهایی که نجس شده است به اطفال حرام نیست.

#### مسئله ۱۴۲

فروختن و عاریه دادن چیز نجسی که می‌شود آن را آب کشید اگر نجس بودن آن را به طرف نگویند اشکال ندارد، ولی چنانچه انسان بداند که عاریه گیرنده و خریدار آن را در خوردن و آشامیدن و یا در عملی که مشروط به طهارت است، استعمال می‌کند، باید نجاستش را به او بگویند.

#### مسئله ۱۴۳

اگر انسان ببیند کسی چیز نجسی را می‌خورد یا با لباس نجس نماز می‌خواند لازم نیست به او بگوید.

#### مسئله ۱۴۴

اگر جایی از خانه یا فرش و یا ظروف و امثال آنها که در اختیار کسیست نجس باشد و ببیند لباس یا چیز دیگر کسانی که وارد خانه او می‌شوند رطوبت داشته و به آن چیز نجس رسیده است لازم نیست به آنها بگوید. ولی اگر بدن و یا چیزهای دیگری که آنها را در عملی که مشروط به طهارت است مصرف می‌کند به آن نجس رسیده است، بنا بر احتیاط واجب باید به آنان بگوید.

#### مسئله ۱۴۵

اگر صاحب خانه در بین غذا خوردن بفهمد غذا نجس است، باید به مهمان‌ها بگوید، اما اگر یکی از مهمان‌ها بفهمد، لازم نیست به دیگران خبر دهد، ولی چنانچه طوری با آنان معاشرت دارد که می‌داند که به واسطه نگفتن خود او هم نجس می‌شود، باید بعد از غذا به آنان بگوید.

#### مسئله ۱۴۶

اگر چیزی را که عاریه کرده نجس شود، اگر بداند که صاحبش آن چیز را در خوردن و آشامیدن استعمال می‌کند، واجب است به او بگوید.

#### مسئله ۱۴۷

بچه ممیزی (یعنی بچه ای که خوب و بد را می‌فهمد) و صبی مراهق (یعنی بچه ای که نزدیک به سن بلوغ است) اگر از نجاست چیزی که در دست اوست خیر دهد، بنا بر احتیاط واجب باید از آن چیز اجتناب کرد و اگر از طهارت چیزی که در دست اوست، خیر دهد، اگر از گفتار او اطمینان حاصل شود آن چیز پاک است.

#### مطهرات

#### اشاره

#### مسئله ۱۴۸

ده چیز نجاست را پاک می‌کند و آنها را مطهرات گویند:

اول:

آب،

دوم:

زمین،

سوم:

آفتاب،

چهارم:

استحاله،

پنجم:

انتقال،

ششم:

اسلام،

هفتم:

تبعیت،

هشتم:

بر طرف شدن عین نجاست،

نهم:

استبرا حیوان نجاست خوار،

دهم:

غایب شدن مسلمان و احکام اینها به طور تفصیل در مسائل آینده گفته می‌شود.

## ۱- آب

### مسئله ۱۴۹

آب با چهار شرط چیز نجس را پاک می‌کند:

اول آن که مطلق باشد. پس آب مضاف مانند گلاب و عرق بید چیز نجس را پاک نمی‌کند.

دوم آن که پاک باشد.

سوم آن که وقتی چیز نجس را می‌شویند آب مضاف نشود و بو یا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاست تغییر نکند.

چهارم آن که بعد از آب کشیدن چیز نجس عین نجاست در آن نباشد و پاک شدن چیز نجس با آب قلیل یعنی آب کمتر از کر، شرط‌های دیگری هم دارد که بعداً گفته می‌شود.

### مسئله ۱۵۰

ظرف نجس را با آب قلیل باید سه مرتبه بشویند و با آب کر و جاری شستن یک مرتبه کافیت و ظرفی را که سگ لیسیده یا از آن ظرف، آب یا چیز روان دیگر خورده، باید اول با خاک پاک، خاک مال کرد و بعد بنا بر احتیاط واجب دو بار با آب قلیل شست، اما با آب کر یا جاری، این احتیاط لازم نیست. هم چنین ظرفی را که آب دهان سگ در آن ریخته بنا بر احتیاط واجب باید پیش از شستن خاک مال کرد.

### مسئله ۱۵۱

اگر دهانه ظرفی که سگ دهن زده تنگ باشد و نشود آن را خاک مال کرد، چنانچه ممکن است باید کهنه به چوبی بیچند و توسط آن خاک را به آن ظرف بمالند و در غیر این صورت پاک شدن ظرف اشکال دارد.

### مسئله ۱۵۲

ظرفی که خوک از آن آب یا چیز روان دیگری بخورد، با آب قلیل هفت مرتبه باید شست و در کر و جاری نیز بنا بر احتیاط واجب، هفت مرتبه شسته شود و لازم نیست خاک مال شود و حکم لیسیدن خوک - بنا بر احتیاط واجب - مانند حکم آب خوردن آن است.

### مسئله ۱۵۳

اگر بخواهند ظرفی را که به شراب نجس شده با آب قلیل آب بکشند باید سه مرتبه بشویند و بهتر است هفت مرتبه شسته شود.



**مسئله ۱۵۴**

کوزه‌ای که از گل نجس ساخته شده و یا آب نجس در آن فرو رفته، اگر در آب کر یا جاری بگذارند، به هر جای آن که آب برسد پاک می‌شود و اگر بخواهند باطن آن هم پاک شود، باید به قدری در آب کر یا جاری بماند که آب به تمام آن فرو رود و فرو رفتن رطوبت کافی نیست.

**مسئله ۱۵۵**

ظرف نجس را با آب قلیل دو جور می‌شود آب کشید:  
یکی آن که سه مرتبه پر کنند و خالی کنند. دیگر آن که سه دفعه قدری آب در آن بریزند و در هر دفعه آب را طوری در آن بگردانند که به جاهای نجس آن برسد و بیرون بریزند.

**مسئله ۱۵۶**

اگر ظرف بزرگی مثل پاتیل و خمره نجس شود، چنانچه سه مرتبه آن را از آب پر کنند و خالی کنند پاک می‌شود و هم چنین است اگر سه مرتبه از بالا- آب در آن بریزند، به طوری که تمام اطراف آن را بگیرد و در هر دفعه آبی که ته آن جمع می‌شود بیرون آورند و احتیاط واجب آن است که در هر دفعه ظرفی را که با آن آب‌ها را بیرون می‌آورند آب بکشند.

**مسئله ۱۵۷**

اگر مس نجس و مانند آن را آب کنند و آب بکشند، ظاهرش پاک می‌شود.

**مسئله ۱۵۸**

تنوری که به واسطه بول نجس شده است، اگر دو مرتبه از بالا- آب قلیل در آن بریزند به طوری که تمام اطراف آن را آب پاک بگیرد پاک می‌شود و در نجاسات دیگر غیر از بول، اگر بعد از بر طرف شدن نجاست یک مرتبه بنا به دستوری که گفته شد آب قلیل در آن بریزند پاک می‌شود و برای خارج کردن غسله آن بهتر است گودالی در انتهای تنور حفر کنند تا غسله در آن جمع شود و بیرون بیاورند و بعد آن گودال را با خاک پاک پر کنند، ولی اگر با آب متصل به کر و یا آب جاری بخواهند تطهیر کنند همین یک مرتبه آب به آن بگیرند کافیست و خارج کردن غسله از تنور هم لازم نیست و باید دانست که در تمام صور مسئله، تنور در صورتی پاک می‌شود که نجاست به تنور نفوذ نکرده باشد، ولی اگر نجاست به تنور نفوذ کرده باشد، تطهیر آن مشکل است و باید مقداری را که نجاست در آن نفوذ کرده از تنور جدا کرده و خارج نمایند.

**مسئله ۱۵۹**

اگر چیز نجس را بعد از بر طرف کردن عین نجاست، یک مرتبه در آب کر یا جاری فرو برند که آب به تمام جاهای نجس آن برسد پاک می‌شود و احتیاط واجب آن است که فرش و لباس و مانند اینها را طوری فشار یا حرکت دهند که آب داخل آن خارج شود.

**مسئله ۱۶۰**

اگر بخواهند چیزی را که به بول نجس شده با آب قلیل آب بکشند، چنانچه یک مرتبه آب روی آن بریزند و از آن جدا شود در صورتی که بول در آن چیز نمانده باشد، یک مرتبه دیگر که آب روی آن بریزند پاک می‌شود، ولی در لباس و فرش و مانند اینها باید بعد از هر دفعه فشار دهند تا غسل آن بیرون آید (و غسله آبیست که معمولاً در وقت شستن و بعد از آن از چیزی که شسته می‌شود خود به خود یا به وسیله فشار می‌ریزد).

### مسئله ۱۶۱

اگر چیزی به بول پسر شیرخواری که دو سال او تمام نشده و غذا خور نشده و شیر خوک نخورده نجس شود، چنانچه یک مرتبه آب روی آن بریزند که به تمام جاهای نجس آن برسد پاک می‌شود ولی احتیاط مستحب آن است که یک مرتبه دیگر هم آب روی آن بریزند و در لباس و فرش و مانند اینها فشار لازم نیست.

### مسئله ۱۶۲

اگر چیزی به غیر بول نجس شود، چنانچه بعد از بر طرف کردن نجاست یک مرتبه آب روی آن بریزند و از آن جدا شود پاک می‌گردد و نیز اگر در دفعه اولی که آب روی آن می‌ریزند نجاست آن بر طرف شود و بعد از بر طرف شدن نجاست هم آب روی آن بیاید پاک می‌شود. ولی در هر صورت لباس و مانند آن را باید فشار دهند تا غسل آن بیرون آید.

### مسئله ۱۶۳

اگر حصیر نجس را که با نخ بافته شده در آب کر یا جاری فرو برند، بعد از بر طرف شدن عین نجاست پاک می‌شود.

### مسئله ۱۶۴

اگر ظاهر گندم و برنج و صابون و مانند اینها نجس شود به فرو بردن در کر و جاری پاک می‌گردد و اگر باطن آنها نجس شود پاک نمی‌گردد.

### مسئله ۱۶۵

اگر انسان شک کند که آب نجس به باطن صابون رسیده یا نه باطن آن پاک است.

### مسئله ۱۶۶

اگر ظاهر برنج و گوشت یا چیزی مانند اینها نجس شده باشد، چنانچه آن را در ظرفی بگذارند و سه مرتبه آب روی آن بریزند و خالی کنند پاک می‌شود و ظرف آن هم پاک می‌گردد. ولی اگر بخواهند لباس یا چیزی را که فشار لازم دارد در ظرفی بگذارند و آب بکشند باید در هر مرتبه که آب روی آن می‌ریزند آن را فشار دهند و ظرف را کج کنند، تا غسله‌ای که در آن جمع شده بیرون بریزد.

### مسئله ۱۶۷

لباس نجسی را که به نیل و مانند آن رنگ شده اگر در آب کر یا جاری فرو برند و آب پیش از آن که به واسطه رنگ پارچه مضاف شود به تمام آن برسد آن لباس پاک می‌شود. اگر چه موقع فشار دادن آب مضاف یا رنگین از آن بیرون آید.

#### مسئله ۱۶۸

اگر لباسی را در آب کر یا جاری آب بکشند و بعد مثلاً لجن آب در آن ببینند، چنانچه احتمال ندهند که جلوگیری از رسیدن آب کرده آن لباس پاک است.

#### مسئله ۱۶۹

اگر بعد از آب کشیدن لباس و مانند آن خورده گل یا اشنان در آن دیده شود پاک است. ولی اگر آب نجس به باطن گل یا اشنان رسیده باشد، ظاهر گل و اشنان پاک و باطن آنها نجس است.

#### مسئله ۱۷۰

هر چیز نجس تا عین نجاست را از آن بر طرف نکنند، پاک نمی‌شود. ولی اگر بو یا رنگ نجاست در آن مانده باشد اشکال ندارد. پس اگر خون را از لباس بر طرف کنند و لباس را آب بکشند و رنگ خون در آن بماند پاک می‌باشد، اما چنانچه به واسطه بو یا رنگ یقین کنند یا احتمال دهند که ذره‌های نجاست در آن چیز مانده نجس است.

#### مسئله ۱۷۱

اگر نجاست بدن را در آب کر یا جاری بر طرف کنند، بدن پاک می‌شود و بیرون آمدن و دوباره در آب رفتن لازم نیست.

#### مسئله ۱۷۲

غذای نجسی که بین دندان‌ها مانده، اگر آب را در دهان بگردانند و به تمام غذای نجس برسد دهان پاک می‌شود.

#### مسئله ۱۷۳

اگر موی سر و صورت را که زیاد است با آب قلیل آب بکشند، باید فشار دهند که غسل آن جدا شود.

#### مسئله ۱۷۴

اگر جایی از بدن یا لباس را با آب قلیل آب بکشند، اطراف آنجا که متصل به آن است و معمولاً موقع آب کشیدن آنجا نجس می‌شود در صورتی که آبی که برای پاک شدن محل نجس می‌ریزند به آن اطراف جاری شود با پاک شدن جای نجس پاک می‌شود. وهم چنین است اگر چیز پاکی را پهلوی چیز نجس بگذارند و روی هر دو آب بریزند. پس اگر برای آب کشیدن یک انگشت نجس روی همه انگشت‌ها آب بریزند و آب نجس به همه آنها برسد، بعد از پاک شدن انگشت نجس تمام انگشت‌ها پاک می‌شود.

#### مسئله ۱۷۵

گوشت و دنبه ای که نجس شده مثل چیزهای دیگر آب کشیده می‌شود و همچنین است اگر بدن یا لباس چربی کمی داشته باشد که از رسیدن آب به آنها جلوگیری نکند پاک می‌شود.

### مسئله ۱۷۶

اگر ظرف یا بدن نجس باشد و بعد به طوری چرب شود که از رسیدن آب به آن جلوگیری کند، یعنی به طوری که لایه‌ای از چربی مانع رسیدن آب به ظرف و یا بدن شود، چنانچه بخواهند ظرف و یا بدن را آب بکشند، باید چربی را بر طرف کنند تا آب به آنها برسد.

### مسئله ۱۷۷

چیز نجسی که عین نجاست در آن نیست، اگر زیر شیری که متصل به کراست یک دفعه بشویند پاک می‌شود و نیز اگر عین نجاست در آن باشد، چنانچه عین نجاست آن، زیر شیر یا به وسیله دیگر بر طرف شود و آبی که از آن چیز می‌ریزد بو یا رنگ یا مزه دیگری به واسطه نجاست به خود نگرفته باشد با آب شیر پاک می‌گردد. اما اگر آبی که از آن می‌ریزد بو یا رنگ یا مزه دیگری به واسطه نجاست به خود گرفته باشد، باید به قدری آب شیر روی آن بریزند تا در آبی که از آن جدا می‌شود بو یا رنگ یا مزه دیگری به واسطه نجاست نباشد.

### مسئله ۱۷۸

اگر انسان چیزی را آب بکشد و یقین کند پاک شده و بعد شک کند که عین نجاست را از آن بر طرف کرده یا نه، چنانچه موقع آب کشیدن متوجه بر طرف کردن عین نجاست بوده آن چیز پاک است و اگر هم نداند که متوجه عین نجاست بوده یا نبوده آن چیز پاک است، ولی اگر بداند که متوجه بر طرف کردن عین نجاست نبوده، بنا بر احتیاط واجب باید آن را آب بکشد.

### مسئله ۱۷۹

زمینی که آب روی آن جاری نمی‌شود اگر نجس شود، با آب قلیل پاک نمی‌گردد. ولی زمینی که روی آن شن یا ریگ باشد - چون آبی که روی آن می‌ریزند از آن جدا شده و در شن و ریگ فرو می‌رود - با آب قلیل پاک می‌شود، اما زیر ریگ‌ها نجس می‌ماند.

### مسئله ۱۸۰

زمین سنگ فرش و آجر فرش و زمین سختی که آب در آن فرو نمی‌رود اگر نجس شود با آب قلیل پاک می‌گردد، ولی باید به قدری آب روی آن بریزند که جاری شود و چنانچه آبی که روی آن ریخته‌اند از سوراخی بیرون رود، همه زمین پاک می‌شود و اگر بیرون نرود جایی که آب‌ها جمع می‌شود نجس می‌ماند. برای پاک شدن آنجا باید گودالی بکنند که آب در آن جمع شود، بعد آب را بیرون بیاورند و گودال را با خاک پاک پر کنند.

### مسئله ۱۸۱

اگر ظاهر نمک سنگ و مانند آن نجس شود، با آب کمتر از کر ظاهر آن پاک می‌شود و اگر نجاست به درون آن نفوذ کرده باشد، با پاک شدن ظاهر، باطن آن پاک نمی‌شود.

### مسئله ۱۸۲

اگر شکر آب شده نجس را قند بسازند و در آب کر یا جاری بگذارند پاک نمی‌شود.

### ۲- زمین

### مسئله ۱۸۳

زمین با سه شرط، کف پا و ته کفش نجس را پاک می‌کند. اول آن که زمین پاک باشد. دوم آن که خشک باشد.

سوم آن که اگر عین نجس مثل خون و بول، یا متنجس مثل گلی که نجس شده در کف پا و ته کفش باشد، به واسطه راه رفتن یا مالیدن پا به زمین بر طرف شود و نیز زمین باید خاک یا سنگ یا آجر فرش و مانند اینها باشد و با راه رفتن روی فرش و حصیر و سبزه، کف پا و ته کفش نجس پاک نمی‌شود و اگر به واسطه غیر راه رفتن نجس شده باشد پاک شدنش به واسطه راه رفتن اشکال دارد.

### مسئله ۱۸۴

پاک شدن کف پا و ته کفش نجس به واسطه راه رفتن روی آسفالت و روی زمینی که با چوب فرش شده محل اشکال است.

### مسئله ۱۸۵

برای پاک شدن کف پا و ته کفش بهتر است پانزده قدم یا بیشتر راه بروند، اگر چه به کمتر از پانزده قدم یا مالیدن پا به زمین، نجاست بر طرف شود.

### مسئله ۱۸۶

لازم نیست کف پا و ته کفش نجس، تر باشد بلکه اگر خشک هم باشد به راه رفتن پاک می‌شود.

### مسئله ۱۸۷

بعد از آن که کف پا یا ته کفش نجس به راه رفتن پاک شد، مقداری از اطراف آن هم که معمولاً به گل آلوده می‌شود، اگر زمین یا خاک به آن اطراف برسد پاک می‌گردد.

### مسئله ۱۸۸

کسی که با دست و زانو راه می‌رود، اگر کف دست یا زانوی او نجس شود پاک شدن دست و زانوی او به وسیله راه رفتن محل اشکال است و هم چنین است ته عصا و ته پای مصنوعی و نعل چهار پایان و چرخ اتومبیل و درشکه و مانند اینها.

**مسئله ۱۸۹**

اگر بعد از راه رفتن ذره‌های کوچکی از نجاست که دیده نمی‌شود، در کف پا یا ته کفش بماند، باید آن ذره‌ها را هم به ترتیبی که ذکر شد بر طرف کرد ولی باقی بودن بو و رنگ اشکال ندارد.

**مسئله ۱۹۰**

داخل کفش و مقداری از کف پا که به زمین نمی‌رسد به واسطه راه رفتن پاک نمی‌شود و پاک شدن کف جوراب به واسطه راه رفتن، محل اشکال است؛ ولی اگر کف جوراب از پوست باشد و به جای کفش از آن استفاده شود به وسیله راه رفتن پاک می‌شود.

**۳- آفتاب****مسئله ۱۹۱**

آفتاب، زمین و ساختمان و چیزهایی که مانند در و پنجره در ساختمان به کار برده شده و هم چنین میخ را که به دیوار کوبیده‌اند و جزء ساختمان حساب می‌شود با شش شرط پاک می‌کند:

اول آن که چیز نجس به طوری تر باشد که اگر چیز دیگری به آن برسد تر شود، پس اگر خشک باشد، باید به وسیله‌ای آن را تر کنند تا آفتاب خشک کند.

دوم آن که اگر عین نجاست در آن چیز باشد پیش از تابیدن آفتاب آن را بر طرف کنند.

سوم آن که چیزی از تابیدن آفتاب جلوگیری نکند، پس اگر آفتاب از پشت پرده یا ابر و مانند اینها بتابد و چیز نجس را خشک کند، آن چیز پاک نمی‌شود، ولی اگر ابر به قدری نازک باشد که از تابیدن آفتاب جلوگیری نکند اشکال ندارد.

چهارم آن که آفتاب به تنهایی چیز نجس را خشک کند پس اگر مثلاً چیز نجس به واسطه باد و آفتاب خشک شود پاک نمی‌گردد، ولی اگر باد به قدری کم باشد که نگویند به خشک شدن چیز نجس کمک کرده اشکال ندارد.

پنجم آن که آفتاب مقداری از بنا و ساختمان را که نجاست به آن فرو رفته یک مرتبه خشک کند، پس اگر یک مرتبه بر زمین و ساختمان نجس بتابد و روی آن را خشک کند و دفعه دیگر زیر آن را خشک نماید، فقط روی آن پاک می‌شود و زیر آن نجس می‌ماند.

ششم آن که ما بین روی زمین یا ساختمان که آفتاب به آن می‌تابد با داخل آن هوا یا جسم پاک دیگری فاصله نباشد.

**مسئله ۱۹۲**

آفتاب، حصیر نجس را پاک می‌کند و همچنین درخت و گیاه به واسطه آفتاب پاک می‌شود.

**مسئله ۱۹۳**

اگر آفتاب به زمین نجس بتابد، بعد انسان شک کند که زمین موقع تابیدن آفتاب تر بوده یا نه، یا تری آن به واسطه آفتاب خشک شده یا نه، آن زمین نجس است و همچنین است اگر شک کند که پیش از تابش آفتاب عین نجاست از آن بر طرف شده یا نه، یا شک کند که چیزی مانع تابش آفتاب بوده یا نه.

**مسئله ۱۹۴**

اگر آفتاب به یک طرف دیوار نجس بتابد، طرفی که آفتاب به آن نتابیده پاک نمی‌شود، ولی اگر دیوار به قدری نازک باشد که به واسطه تابش به یک طرف، طرف دیگرش هم خشک شود پاک می‌گردد.

**۴ - استحاله****مسئله ۱۹۵**

اگر جنس چیز نجس به طوری عوض شود که به صورت چیز پاکی در آید، پاک می‌شود و می‌گویند استحاله شده است. مثل آن که چوب نجس بسوزد و خاکستر گردد. یا سنگ در نم‌زار فرو رود و نمک شود، ولی اگر جنس آن عوض نشود، مثل آن که گندم نجس را آرد کنند یا نان بپزند پاک نمی‌شود.

**مسئله ۱۹۶**

کوزه گلی و مانند آن که از گل نجس ساخته شده نجس است و باید از ذغالی که از چوب نجس درست شده اجتناب نمایند.

**مسئله ۱۹۷**

چیز نجسی که معلوم نیست استحاله شده یا نه، نجس است.

**مسئله ۱۹۸**

اگر شراب به خودی خود یا به واسطه آن که چیزی مثل سرکه و نمک در آن ریخته‌اند سرکه شود، پاک می‌گردد.

**مسئله ۱۹۹**

شرابی که از انگور نجس درست کنند به سرکه شدن پاک نمی‌شود، بلکه اگر نجاستی هم از خارج به شراب برسد، احتیاط واجب آن است که بعد از سرکه شدن از آن اجتناب نمایند.

**مسئله ۲۰۰**

سرکه‌ای که از انگور و کشمش و خرما نجس درست کنند، نجس است.

**مسئله ۲۰۱**

اگر پوشال ریز انگور یا خرما داخل آنها باشد و سرکه بریزند ضرر ندارد و نیز اگر پیش از آن که خرما و کشمش و انگور سرکه شود، خیار و بادنجان و مانند اینها در آن بریزند اشکال ندارد.

**کم شدن دو سوم آب انگور****مسئله ۲۰۲**

کم شدن دو سوم آب انگور از مطهرات نیست، بلکه از محللات است، بنا براین آب انگوری که جوش آمده پیش از آن که «ثُلثان» شود، یعنی دو قسمت آن کم شود و یک قسمت آن بماند نجس نیست، ولی خوردن آن حرام است و پس از آن که دو سوم آن کم شود، خوردن آن هم جایز است. ولی اگر ثابت شود که قسمت باقیمانده مست کننده است، حرام و نجس می‌باشد و فقط با استحاله یعنی با تبدیل شدن به سرکه پاک و حلال می‌شود.

### مسئله ۲۰۳

اگر مثلاً در یک خوشه غوره یک دانه یا دو دانه انگور باشد چنانچه به آبی که از آن خوشه گرفته می‌شود آبغوره بگویند و اثری از شیرینی در آن نباشد و بجوشد پاک و خوردن آن حلال است.

### مسئله ۲۰۴

چیزی که معلوم نیست غوره است یا انگور، اگر جوش بیاید نجس نمی‌شود.

## ۵ - انتقال

### مسئله ۲۰۵

اگر خون بدن انسان یا خون حیوانی که خون جهنده دارد، یعنی حیوانی که وقتی رگ آن را ببرند خون از آن جستن می‌کند، به بدن حیوانی که خون جهنده ندارد برود و خون آن حیوان حساب شود پاک می‌گردد و این را انتقال گویند. پس خونی که زالو از انسان می‌مکد، چون خون زالو به آن گفته نمی‌شود و می‌گویند خون انسان است نجس می‌باشد.

### مسئله ۲۰۶

اگر کسی پشه‌ای را که به بدنش نشسته بکشد و نداند خونی که از پشه بیرون آمده از او مکیده یا از خود پشه می‌باشد، پاک است. همچنین است اگر بدانند از او مکیده، ولی جزو بدن پشه حساب شود. اما اگر فاصله بین مکیدن خون و کشتن پشه به قدری کم باشد که بگویند خون انسان است، یا معلوم نباشد که می‌گویند خون پشه است یا خون انسان نجس می‌باشد.

## ۶ - اسلام

### مسئله ۲۰۷

اگر کافر شهادتین بگوید؛ یعنی بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ مُسْلِمَانٌ مَعَهُ» و بعد از مسلمان شدن، بدن و آب دهان و بینی و عرق او پاک است. ولی اگر موقع مسلمان شدن عین نجاست به بدن او بوده، باید بر طرف کند و جای آن را بکشد، ولی اگر پیش از مسلمان شدن عین نجاست بر طرف شده باشد، احتیاط واجب آن است که جای آن را آب بکشد.

### مسئله ۲۰۸



اگر موقعی که کافر بوده، لباس او با رطوبت به بدنش رسیده باشد و آن لباس در موقع مسلمان شدن در بدن او نباشد نجس است، بلکه اگر در بدن او هم باشد، بنا بر احتیاط واجب باید از آن اجتناب کند.

### مسئله ۲۰۹

اگر کافر شهادتین بگوید و انسان نداند قلباً مسلمان شده یا نه پاک است، ولی اگر بداند قلباً مسلمان نشده، بنا بر احتیاط واجب باید از او اجتناب کرد.

### ۷- تبعیت

### مسئله ۲۱۰

تبعیت آن است که چیز نجسی به واسطه پاک شدن چیز دیگر پاک شود.

### مسئله ۲۱۱

اگر شراب سرکه شود، ظرف آن هم تا جایی که شراب موقع جوش آمدن به آنجا رسیده پاک می‌شود و کهنه و چیزی هم که معمولاً روی آن می‌گذارند، اگر به آن رطوبت نجس شود پاک می‌گردد. بلکه اگر موقع جوشیدن سر برود و پشت ظرف به آن آلوده شود، بعد از سرکه شدن پشت ظرف هم پاک می‌شود.

### مسئله ۲۱۲

تخته یا سنگی که روی آن میت را غسل می‌دهند و پارچه‌ای که با آن عورت میت را می‌پوشانند و دست کسی که او را غسل می‌دهد و همین طور کیسه و صابونی که با آن شسته می‌شود، بعد از تمام شدن غسل پاک می‌شود.

### مسئله ۲۱۳

کسی که چیزی را با دست خود آب می‌کشد اگر دست و آن چیز با هم آب کشیده شود، بعد از پاک شدن آن چیز دست او هم پاک می‌شود.

### مسئله ۲۱۴

اگر لباس و مانند آن را با آب قلیل آب بکشند و به اندازه معمول فشار دهند تا آبی که روی آن ریخته‌اند جدا شود، آبی که در آن می‌ماند پاک است.

### مسئله ۲۱۵

ظرف نجس را که با آب قلیل آب می‌کشند، بعد از جدا شدن آبی که برای پاک شدن روی آن ریخته‌اند، قطره‌های آبی که در آن می‌ماند پاک است.

### ۸- بر طرف شدن عین نجاست

**مسئله ۲۱۶**

اگر بدن حیوان به عین نجس مثل خون، یا متنجس مثل آب نجس آلوده شود، چنانچه آنها بر طرف شود، بدن آن حیوان پاک می‌شود و هم چنین است باطن بدن انسان مثل توی دهان و بینی. مثلاً اگر خونی از لای دندان بیرون آید و در آب دهان از بین برود، آب کشیدن توی دهان لازم نیست. ولی اگر دندان عاریه در دهان نجس شود، به احتیاط واجب باید آن را آب بکشند.

**مسئله ۲۱۷**

اگر غذای دندان مانده باشد و داخل دهان خون بیاید، چنانچه انسان نداند که خون به غذا رسیده آن غذا پاک است و اگر خون به آن برسد، بنا بر احتیاط واجب نجس می‌شود.

**مسئله ۲۱۸**

جایی را که انسان نمی‌داند از ظاهر بدن است یا باطن آن، اگر نجاست به آن برسد لازم نیست آب بکشد، اگر چه احتیاط مستحب آب کشیدن است.

**مسئله ۲۱۹**

اگر گرد و خاک نجس به لباس و فرش و مانند اینها بنشیند، چنانچه هر دو خشک باشد نجس نمی‌شود و اگر گرد و خاک یا لباس و مانند اینها تر باشد باید محل نشستن گرد و خاک را آب بکشند.

**۹- استبرای حیوان نجاست خوار****مسئله ۲۲۰**

بول و غائط حیوانی که به خوردن نجاست انسان عادت کرده، نجس است و اگر بخواهند پاک شود باید آن را استبرا کنند، یعنی تا مدتی که بعد از آن مدت دیگر نجاست خوار به آن نگویند، نگذارند نجاست بخورد و غذای پاک به آن بدهند و باید شتر نجاست خوار را چهل روز و گاو را بیست روز و گوسفند را ده روز و مرغابی را پنج روز و مرغ خانگی را سه روز از خوردن نجاست جلوگیری کنند و غذای پاک به آنها بدهند.

**۱۰- غایب شدن مسلمان****مسئله ۲۲۱**

اگر بدن یا لباس مسلمان یا چیزی دیگری که مانند ظرف و فرش در اختیار او است نجس شود و آن مسلمان غایب گردد، اگر انسان احتمال بدهد که آن چیز را آب کشیده است اجتناب از آن لازم نیست و همچنین است اگر مشاهده کرد که آن مسلمان با آن ظرف یا فرش عمل طاهر انجام می‌دهد، ولی اگر بداند که آب کشیده نشده، نجس است.

**مسئله ۲۲۲**

اگر خود انسان یقین کند که چیزی که نجس بوده پاک شده است، یا دو عادل به پاک شدن آن خبر دهند، آن چیز پاک است و همچنین است اگر کسی که چیز نجس در اختیار او است بگوید آن چیز پاک شده، یا مسلمانی چیز نجس را آب کشیده باشد، اگر چه معلوم نباشد درست آب کشیده یا نه آن چیز پاک است.

### مسئله ۲۲۳

کسی که وکیل شده است لباس انسان را آب بکشد و لباس هم در تصرف او باشد اگر بگوید آب کشیدم، آن لباس پاک است.

### مسئله ۲۲۴

اگر انسان حالی دارد که در آب کشیدن چیز نجس یقین پیدا نمی‌کند، یقین پیدا کردن برای او لازم نیست، بلکه همانند عرف رفتار کند.

## احکام ظرفها

### مسئله ۲۲۵

ظرفی که از پوست سگ یا خوک یا مردار ساخته شده، خوردن و آشامیدن از آن ظرف حرام است و نباید آن ظرف را در وضو و غسل و کارهایی که باید با چیز پاک انجام داد استعمال کنند. بلکه احتیاط واجب آن است که چرم سگ و خوک و مردار را اگر چه ظرف هم نباشد استعمال نکنند.

### مسئله ۲۲۶

خوردن و آشامیدن از ظرف طلا و نقره و استعمال آنها حرام است، ولی استعمال آنها در زینت اتاق حرام نیست و نگاه داشتن نیز حرام نمی‌باشد.

### مسئله ۲۲۷

ساختن ظرف طلا و نقره و مزدی که برای آن می‌گیرند، حرام نیست.

### مسئله ۲۲۸

خرید و فروش ظرف طلا و نقره و پول عوضی هم که فروشنده می‌گیرد، حرام نیست.

### مسئله ۲۲۹

گیره استکان که از طلا یا نقره می‌سازند، اگر بعد از برداشتن استکان ظرف به آن گفته شود، استعمال آن، چه به تنهایی و چه با استکان حرام است و اگر ظرف به آن گفته نشود استعمال آن مانعی ندارد.

### مسئله ۲۳۰

استعمال ظرفی که روی آن را آب طلا یا آب نقره داده‌اند، اشکال ندارد.

### مسئله ۲۳۱

اگر فلزی را با طلا یا نقره مخلوط کنند و ظرف بسازند، چنانچه مقدار آن فلز به قدری زیاد باشد که ظرف طلا یا نقره به آن ظرف نگویند، استعمال آن مانعی ندارد.

### مسئله ۲۳۲

اگر انسان غذایی را که در ظرف طلا یا نقره است در ظرف دیگر بریزد، این استعمال جایز است؛ ولی اگر بخواهد از ظرف دوم غذا بخورد و خالی کردن ظرف برای آن نباشد که غذا خوردن از ظرف طلا یا نقره جایز نیست، این استعمال حرام می‌باشد؛ و در هر صورت غذا خوردن از ظرف دوم اشکال ندارد.

### مسئله ۲۳۳

استعمال بادگیر قلیان و غلاف شمشیر و کارد و قاب قرآن اگر از طلا یا نقره باشد، اشکال ندارد و همچنین عطردان و سرمه‌دان و مثل اینها.

### مسئله ۲۳۴

استعمال ظرف طلا یا نقره در حال ناچاری اشکال ندارد، ولی برای وضو و غسل در حال ناچاری اشکال دارد و برای وضو و غسل در حال تقیه می‌شود ظرف طلا و نقره را استعمال کرد، بلکه گاهی واجب است.

### مسئله ۲۳۵

استعمال ظرفی که معلوم نیست از طلا یا نقره است یا از چیز دیگر اشکال ندارد.

## وضو

## وضو

### مسئله ۲۳۶

در وضو، واجب است صورت و دستها را بشویند و جلوی سر و روی پاها را مسح کنند.

### مسئله ۲۳۷

درازای صورت را باید از بالای پیشانی جایی که موی سر بیرون می‌آید تا آخر چانه شست و پهنای آن به مقداری که بین انگشت وسط و شست قرار می‌گیرد، باید شسته شود و اگر مختصری از این مقدار را نشوید وضو باطل است و برای آن که یقین کند این مقدار کاملاً شسته شده، باید کمی اطراف آن را هم بشوید.

**مسئله ۲۳۸**

اگر صورت یا دست کسی کوچکتر یا بزرگتر از معمول مردم باشد، باید ملاحظه کند که مردمان معمولی تا کجای صورت خود را می‌شویند، او هم تا همانجا را بشوید و اگر دست و صورتش هر دو برخلاف معمول باشد ولی با هم متناسب باشند، لازم نیست ملاحظه معمول را بکند بلکه به دستوری که در مسئله پیش گفته شد وضو بگیرد و نیز اگر در پیشانی او مو رویده یا جلوی سرش مو ندارد، باید به اندازه معمول پیشانی را بشوید.

**مسئله ۲۳۹**

اگر احتمال دهد چرک یا چیز دیگری در ابروها و گوشه‌های چشم و لب او هست که نمی‌گذارد آب به آنها برسد، چنانچه احتمال او در نظر مردم به جا باشد، باید پیش از وضو واریسی کند که اگر هست، بر طرف نماید.

**مسئله ۲۴۰**

اگر پوست صورت از لای مو پیدا باشد، باید آب را به پوست برساند و اگر پیدا نباشد، شستن مو کفایت و رساندن آب به زیر آن لازم نیست.

**مسئله ۲۴۱**

اگر شک کند که پوست صورت از لای مو پیدا است یا نه، بنا بر احتیاط واجب باید مو را بشوید و آب را به پوست هم برساند.

**مسئله ۲۴۲**

شستن توی بینی و مقداری از لب و چشم که در وقت بستن دیده نمی‌شود واجب نیست، ولی برای آن که یقین کند از جاهایی که باید شسته شود چیزی باقی نمانده، واجب است مقداری از آنها را هم بشوید و کسی که نمی‌دانسته باید این مقدار را بشوید اگر نداند در وضوهایی که گرفته این مقدار را شسته یا نه، نمازهایی که خوانده صحیح است.

**مسئله ۲۴۳**

باید صورت را از رستگاه مو و دستها را از آرنج به پایین شست و اگر از پایین به بالا بشوید، وضو باطل است.

**مسئله ۲۴۴**

اگر دست را تر کند و به صورت و دستها بکشد، چنانچه تری دست به قدری باشد که به واسطه کشیدن دست، آب کمی بر آنها جاری شود کافی است.

**مسئله ۲۴۵**

بعد از شستن صورت باید دست راست و بعد از آن دست چپ را از آرنج تا سر انگشتها بشوید.

**مسئله ۲۴۶**

برای آن که یقین کند آرنج را کاملاً شسته، باید مقداری بالاتر از آرنج را هم بشوید.

#### مسئله ۲۴۷

کسی که پیش از شستن صورت، دستهای خود را تا مچ شسته و در موقع وضو باید تا سر انگشتان را بشوید و اگر فقط تا مچ را بشوید، وضوی او باطل است.

#### مسئله ۲۴۸

در وضو، شستن صورت و دستها مرتبه اول واجب و مرتبه دوم جایز و مرتبه سوم و بیشتر از آن حرام می‌باشد و اگر با یک مشت آب، تمام عضو شسته شود و به قصد وضو بریزد، یک مرتبه حساب می‌شود چه قصد بکند یک مرتبه را یا قصد نکند.

#### مسئله ۲۴۹

بعد از شستن هر دو دست، باید جلوی سر را با تری آب وضو که در دست مانده مسح کند و لازم نیست با دست راست باشد یا از بالا به پایین مسح نماید.

#### مسئله ۲۵۰

یک قسمت از چهار قسمت سر که مقابل پیشانی است، جای مسح می‌باشد و هر جای این قسمت را به هر اندازه مسح کند کافی است، اگر چه احتیاط مستحب آن است که از درازا به اندازه درازای یک انگشت و از پهنا به اندازه پهنای سه انگشت بسته مسح نماید.

#### مسئله ۲۵۱

لازم نیست مسح سر بر پوست آن باشد، بلکه بر موی جلوی سر هم صحیح است. ولی کسی که موی جلوی سر او به اندازه‌ای بلند است که اگر مثلاً شانه کند به صورتش می‌ریزد، یا به جاهای دیگر سر می‌رسد، باید بیخ موها را مسح کند، یا فرق سر را باز کرده پوست سر را مسح نماید و اگر موهایی را که به صورت می‌ریزد یا به جاهای دیگر سر می‌رسد جلوی سر جمع کند و بر آنها مسح نماید، یا بر موی جاهای دیگر سر، که جلوی آن آمده مسح کند، باطل است.

#### مسئله ۲۵۲

بعد از مسح سر باید با تری آب وضو که در دست مانده روی پاها را از سر یکی از انگشتها تا برآمدگی روی پا مسح کند.

#### مسئله ۲۵۳

پهنای مسح پا به هر اندازه باشد کافی است، ولی بهتر آن است که به اندازه پهنای سه انگشت بسته مسح نماید و بهتر از آن مسح تمام روی پا است.

**مسئله ۲۵۴**

در مسح پا، اگر همه دست را روی پا بگذارد و به تدریج مسح کند، اشکال ندارد.

**مسئله ۲۵۵**

در مسح سر و روی پا باید دست را روی آنها بکشد و اگر دست را نگه دارد و سر یا پا را به آن بکشد وضو باطل است، ولی اگر موقعی که دست را می‌کشد سر یا پا مختصری حرکت کند، اشکال ندارد.

**مسئله ۲۵۶**

جای مسح باید خشک باشد و اگر به قدری تر باشد که رطوبت کف دست به آن اثر نکند مسح باطل است. ولی اگر تری آن به قدری کم باشد که رطوبتی که بعد از مسح در آن دیده می‌شود، بگویند فقط از تری کف دست است، اشکال ندارد.

**مسئله ۲۵۷**

اگر برای مسح رطوبتی در کف دست نمانده باشد، نمی‌تواند دست را با آب خارج تر کند، بلکه باید از اعضای دیگر وضو رطوبت بگیرد و با آن مسح نماید.

**مسئله ۲۵۸**

اگر رطوبت کف دست فقط به اندازه مسح سر باشد، می‌تواند سر را با همان رطوبت مسح کند و برای مسح پاها از اعضای دیگر وضو رطوبت بگیرد.

**مسئله ۲۵۹**

مسح کردن از روی جوراب و کفش باطل است، ولی اگر به واسطه سرمای شدید یا ترس از دزد و درنده و مانند اینها نتواند کفش یا جوراب را بیرون آورد، مسح کردن بر آنها اشکال ندارد و اگر روی کفش نجس باشد، باید چیز پاکی بر آن بیندازد و بر آن چیز مسح کند.

**مسئله ۲۶۰**

اگر روی پا نجس باشد و نتواند برای مسح، آن را آب بکشد، باید تیمم نماید.

**وضوی ارتماسی****مسئله ۲۶۱**

وضوی ارتماسی، آن است که انسان صورت و دستها را به قصد وضو در آب فرو برد، به قصد وضو بیرون آورد. یا آنها را در آب فرو برد و به قصد وضو بیرون آورد و نیز اگر موقع بیرون آوردن از آن قصد وضو کند و تا وقتی که ریزش آب تمام می‌شود به قصد وضو باشد، وضوی او صحیح است.

## مسئله ۲۶۲

در وضوی ارتماسی هم باید صورت و دستها از بالا به پایین شسته شود؛ پس اگر وقتی که صورت و دستها را در آب فرو می‌برد قصد وضو کند، باید صورت را از طرف پیشانی و دستها را از طرف آرنج در آب فرو برد و اگر موقع بیرون آوردن از آب قصد وضو کند، باید صورت را از طرف پیشانی و دستها را از طرف آرنج بیرون آورد.

## مسئله ۲۶۳

اگر وضوی بعضی از اعضا را ارتماسی و بعضی را غیر ارتماسی انجام دهد اشکال ندارد، ولی در مورد دستها قصد وضو، باید تا موقع خروج دستها از آب ادامه داشته باشد.

## دعاهایی که موقع وضو گرفتن مستحب است

## مسئله ۲۶۴

کسی که وضو می‌گیرد، مستحب است موقعی که نگاهش به آب می‌افتد بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا وَ لَمْ يَجْعَلْهُ نَجَسًا» و موقعی که پیش از وضو دست خود را می‌شوید بگوید:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ» و در وقت مضمضه کردن یعنی آب در دهان گردانیدن بگوید:

«اللَّهُمَّ لَقْنِي حُجَّتِي يَوْمَ الْقَاكِ وَ أَطْلُقْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ» و در وقت استنشاق یعنی آب در بینی کردن بگوید:

«اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْ عَلَيَّ رِيحَ الْجَنَّةِ وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يَشُمُّ رِيحَهَا وَ رَوْحَهَا وَ طَيْبَهَا» و موقع شستن رو بگوید:

«اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهِي يَوْمَ تَسْوَدُ فِيهِ الْوُجُوهُ وَ لَا تُسَوِّدْ وَجْهِي يَوْمَ تَبْيَضُ فِيهِ الْوُجُوهُ» و در وقت شستن دست راست بخواند:

«اللَّهُمَّ اعْطِنِي كِتَابِي يَمِينِي وَ الْخُلْدَ فِي الْجَنَانِ بَيْسَارِي وَ حَاسِبِي حِسَابًا يَسِيرًا» و موقع شستن دست چپ بگوید:

«اللَّهُمَّ لَا تُعْطِنِي كِتَابِي بَشِمَالِي وَ لَا مِنْ وَرَاءِ ظَهْرِي وَ لَا تَجْعَلْهَا مَغْلُولَةً إِلَى عُنُقِي وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ مُقَطَّعَاتِ النَّيِّرَانِ» و موقعی که سر را

مسح می‌کند بگوید:

«اللَّهُمَّ غَشِّنِي بِرَحْمَتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ عَفْوِكَ» و در وقت مسح پا بخواند:

«اللَّهُمَّ ثَبِّتْنِي عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزَلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ وَ اجْعَلْ سَعْيِي فِي مَا يُرْضِيكَ عَنِّي يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ».

## شرایط وضو

## اشاره

شرایط صحیح بودن وضو سیزده چیز است:

**شرط اول – آن که آب وضو پاک باشد.**

**شرط دوم – آن که مطلق باشد.**

## مسئله ۲۶۵



وضو با آب نجس و آب مضاف باطل است، اگر چه انسان نجس بودن یا مضاف بودن آن را نداند یا فراموش کرده باشد و اگر با آن وضو نمازی هم خوانده باشد، باید آن نماز را دوباره با وضوی صحیح بخواند.

#### مسئله ۲۶۶

اگر غیر از آب گل آلود و مضاف، آب دیگری برای وضو ندارد، چنانچه وقت نماز تنگ است باید تیمم کند و اگر وقت دارد، باید صبر کند تا آب صاف شود وضو بگیرد.

**شرط سوم - آن که آب وضو مباح باشد.**

#### مسئله ۲۶۷

وضو با آب غصبی و با آبی که معلوم نیست صاحب آن راضیست یا نه حرام و باطل است، ولی اگر سابقاً راضی بوده و انسان نمی‌داند که از رضایتش برگشته یا نه وضو صحیح است و نیز اگر آب وضو از صورت و دستها در جای غصبی بریزد، وضوی او صحیح است.

#### مسئله ۲۶۸

وضو گرفتن از حوض مدرسه‌ای که انسان نمی‌داند آن حوض را برای همه مردم وقف کرده‌اند یا برای محصلین همان مدرسه، در صورتی که معمولاً افراد متدین از آب آن وضو بگیرند اشکال ندارد.

#### مسئله ۲۶۹

کسی که نمی‌خواهد در مسجدی نماز بخواند، اگر نداند حوض آن را برای همه مردم وقف کرده‌اند یا برای کسانی که در آنجا نماز می‌خوانند، نمی‌تواند از حوض آن وضو بگیرد، ولی اگر معمولاً افراد متدین هم که نمی‌خواهند در آنجا نماز بخوانند از حوض آن وضو می‌گیرند، می‌تواند از حوض آن وضو بگیرد.

#### مسئله ۲۷۰

وضو گرفتن از حوض تیمچه‌ها و مسافرخانه‌ها و مانند اینها برای کسانی که ساکن آنجاها نیستند، در صورتی صحیح است که معمولاً افراد متدین هم که ساکن آنجاها نیستند با آب آنها وضو بگیرند.

#### مسئله ۲۷۱

وضو گرفتن در نهرهای بزرگ، اگر چه انسان نداند که صاحب آنها راضی است، اشکال ندارد. ولی اگر صاحب آنها از وضو گرفتن نهی کند، احتیاط واجب آن است که با آب آنها وضو نگیرند.

#### مسئله ۲۷۲

اگر فراموش کند آب غصبی است، و با آن وضو بگیرد صحیح است، اگر چه خودش آب را غصب کرده باشد.

**شرط چهارم - آن که ظرف آب وضو مباح باشد.**

**شرط پنجم - آن که ظرف آب وضو طلا و نقره نباشد.**

### مسئله ۲۷۳

اگر آب وضو در ظرف غصبی یا طلا یا نقره باشد و غیر از آن آب دیگری نداشته باشد، باید تیمم کند و اگر وضو بگیرد در ظرف غصبی باطل است و در ظرف طلا- یا نقره بنا بر احتیاط واجب باید تیمم کند و در صورتی که با مشت یا چیز دیگر آب را از آنها بردارد و به صورت و دستها بریزد، وضوی او صحیح است. اگر چه آن استعمال حرام است.

### مسئله ۲۷۴

اگر در حوضی که مثلاً یک آجر یا یک سنگ آن غصبیست وضو بگیرد صحیح است، ولی اگر وضوی او تصرف در غصب حساب شود گناهکار است.

### مسئله ۲۷۵

اگر در صحن یکی از امامان یا امامزادگان که سابقاً قبرستان بوده حوض یا نهری بسازند، چنانچه انسان نداند که زمین صحن را برای قبرستان وقف کرده‌اند، وضو گرفتن در آن حوض و نهر اشکال ندارد.

**شرط ششم - آن که اعضای وضو موقع شستن و مسح کردن پاک باشد.**

### مسئله ۲۷۶

اگر پیش از تمام شدن وضو، جایی را که شسته یا مسح کرده نجس شود، وضو صحیح است.

### مسئله ۲۷۷

اگر غیر از اعضای وضو جایی از بدن نجس باشد، وضو صحیح است. ولی اگر مخرج را از بول یا غایط تطهیر نکرده باشد، احتیاط مستحب آن است که اول آن را تطهیر کند بعد وضو بگیرد.

### مسئله ۲۷۸

اگر یکی از اعضای وضو نجس باشد و بعد از وضو شک کند که پیش از وضو آنجا را آب کشیده یا نه، چنانچه در موقع وضو ملتفت پاک بودن و نجس بودن آنجا نبوده وضو باطل است و اگر می‌داند ملتفت بوده، یا شک دارد که ملتفت بوده یا نه وضو صحیح است و در هر صورت جایی را که نجس بوده، باید آب بکشد.

**مسئله ۲۷۹**

اگر در صورت یا دستها بریدگی یا زخمیست که خون آن بند نمی‌آید و آب برای آن ضرر ندارد، باید در آب کر یا جاری فرو برد و قدری فشار دهد که خون بند بیاید، بعد به دستوری که گفته شد، وضوی ارتماسی بگیرد.

**شرط هفتم – آن که وقت برای وضو و نماز کافی باشد.**

**مسئله ۲۸۰**

هر گاه وقت به قدری تنگ باشد که اگر وضو بگیرد، تمام نماز یا مقداری از آن بعد از وقت خوانده می‌شود، باید تیمم کند، ولی اگر برای وضو و تیمم یک اندازه وقت لازم باشد، باید وضو بگیرد.

**مسئله ۲۸۱**

کسی که در تنگی وقت نماز باید تیمم کند، اگر وضو بگیرد صحیح است؛ چه برای آن نماز وضو بگیرد یا برای کار دیگر.

**شرط هشتم – آن که به قصد قربت یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم وضو بگیرد و اگر برای خنک شدن یا به قصد دیگری وضو بگیرد، باطل است.**

**مسئله ۲۸۲**

لازم نیست نیت وضو را به زبان بگویند یا از قلب خود بگذرانند؛ ولی باید در تمام وضو متوجه باشد که وضو می‌گیرد. به طوری که اگر از او پرسند چه می‌کنی، بگویند وضو می‌گیرم.

**شرط نهم – آن که وضو را به ترتیبی که گفته شد، به جا آورد؛ یعنی اول صورت و بعد دست راست و بعد دست چپ را بشوید و بعد از آن سر و بعد پاها را مسح نماید و پای راست را به احتیاط واجب پیش از پای چپ مسح کند و اگر به این ترتیب وضو نگیرد، باطل است.**

**شرط دهم – آن که کارهای وضو را پشت سر هم انجام دهد.**

**مسئله ۲۸۳**

اگر بین کارهای وضو به قدری فاصله شود که وقتی می‌خواهد جایی را بشوید یا مسح کند رطوبت جاهایی که پیش از آن شسته یا مسح کرده خشک شده باشد، وضو باطل است و اگر فقط رطوبت جایی که جلوتر از محل نیست که می‌خواهد بشوید یا مسح کند خشک شده باشد، مثلاً موقعی که می‌خواهد دست چپ را بشوید رطوبت دست راست خشک شده باشد و صورت تر باشد، وضو صحیح است.

**مسئله ۲۸۴**

اگر کارهای وضو را پشت سر هم به جا آورد ولی به واسطه گرمای هوا یا حرارت زیاد بدن و مانند اینها رطوبت خشک شود،

وضوی او صحیح است.

### مسئله ۲۸۵

راه رفتن در بین وضو اشکال ندارد، پس اگر بعد از شستن صورت و دستها چند قدم راه برود و بعد سر و پا را مسح کند، وضوی او صحیح است.

**شرط یازدهم – آن که شستن صورت و دستها و مسح سر و پاها را خود انسان انجام دهد و اگر دیگری او را وضو دهد، یا در رساندن آب به صورت و دستها و مسح سر و پاها به او کمک نماید، وضو باطل است.**

### مسئله ۲۸۶

کسی که نمی‌تواند وضو بگیرد، باید نایب بگیرد که او را وضو دهد و چنانچه مزد هم بخواهد، در صورتی که بتواند باید بدهد. ولی باید خود او نیت وضو کند و احتیاطاً نایب او هم نیت کند و با دست خود مسح نماید و اگر نمی‌تواند باید نایبش دست او را بگیرد و به جای مسح او بکشد و اگر این هم ممکن نیست، باید از دست او رطوبت بگیرند و با آن رطوبت، سر و پای او را مسح کنند.

### مسئله ۲۸۷

هر کدام از کارهای وضو را که می‌تواند به تنهایی انجام دهد، نباید در آن کمک بگیرد.

**شرط دوازدهم – آن که استعمال آب برای او مانعی نداشته باشد.**

### مسئله ۲۸۸

کسی که می‌ترسد که اگر وضو بگیرد، مریض شود یا اگر آب را به مصرف وضو برساند تشنه بماند، نباید وضو بگیرد. بلکه اگر نداند که آب برای او ضرر دارد و وضو بگیرد و بعد بفهمد ضرر داشته، احتیاط واجب آن است که تیمم کند و با آن وضو نماز نخواند و اگر با آن وضو نمازی به جا آورده، دوباره آن را انجام دهد.

### مسئله ۲۸۹

اگر رساندن آب به صورت و دستها به مقدار کمی که وضو با آن صحیح است ضرر نداشته باشد و بیشتر از آن ضرر داشته باشد، باید با همان مقدار وضو بگیرد.

**شرط سیزدهم – آن که در اعضای وضو مانعی از رسیدن آب نباشد.**

### مسئله ۲۹۰

اگر می‌داند چیزی به اعضای وضو چسبیده ولی شک دارد که از رسیدن آب جلوگیری می‌کند یا نه، باید آن را بر طرف کند یا

آب را به زیر آن برساند.

### مسئله ۲۹۱

اگر زیر ناخن چرک باشد، وضو اشکال ندارد، ولی اگر ناخن را بگیرند، باید برای وضو آن چرک را بر طرف کنند و نیز اگر ناخن بیشتر از معمول بلند باشد و چرک زیر آن از ظاهر به حساب بیاید، باید چرک زیر مقداری را که از معمول بلندتر است بر طرف نمایند.

### مسئله ۲۹۲

اگر در صورت و دستها و جلوی سر و روی پاها به واسطه سوختن یا چیز دیگر برآمدگی پیدا شود، شستن و مسح روی آن کافیهست و چنانچه سوراخ شود، رساندن آب، به زیر پوست لازم نیست، بلکه اگر پوست یک قسمت آن کنده شود، لازم نیست آب را به زیر قسمتی که کنده نشده برساند. ولی چنانچه پوستی که کنده شده، گاهی به بدن می‌چسبد و گاهی بلند می‌شود، اگر قطع کردن آن ضرر ندارد، باید آن را قطع کند یا آب را به زیر آن برساند.

### مسئله ۲۹۳

اگر انسان شک کند که به اعضای وضوی او چیزی چسبیده یا نه چنانچه احتمال او در نظر مردم به جا باشد مثل آن که بعد از گل کاری شک کند گل به دست او چسبیده یا نه، باید واریسی کند یا به قدری دست بمالد که اطمینان پیدا کند که اگر بوده بر طرف شده یا آب به زیر آن رسیده است.

### مسئله ۲۹۴

جایی را که باید شست و مسح کرد، هر قدر چرک باشد اگر چرک آن مانع از رسیدن آب به بدن نباشد اشکال ندارد و همچنین است اگر بعد از گچ کاری و مانند آن چیز سفیدی که جلوگیری از رسیدن آب به پوست نمی‌نماید بر دست بماند، ولی اگر شک کند که با بودن آنها آب به بدن می‌رسد یا نه، باید آنها را بر طرف کند.

### مسئله ۲۹۵

اگر پیش از وضو بداند که در بعضی از اعضای وضو مانعی از رسیدن آب هست و بعد از وضو شک کند که در موقع وضو آب را به آنجا رسانده یا نه، وضوی او صحیح است، ولی اگر بداند که موقع وضو ملتفت آن مانع نبوده، باید دوباره وضو بگیرد.

### مسئله ۲۹۶

اگر در بعضی از اعضای وضو مانعی باشد که گاهی آب به خودی خود زیر آن می‌رسد و گاهی نمی‌رسد و انسان بعد از وضو شک کند که آب زیر آن رسیده یا نه، چنانچه بداند موقع وضو ملتفت رسیدن آب به زیر آن نبوده، واجب است دوباره وضو بگیرد.

**مسئله ۲۹۷**

اگر بعد از وضو چیزی که مانع از رسیدن آب است در اعضای وضو ببیند و نداند موقع وضو بوده یا بعد پیدا شده، وضوی او صحیح است. ولی اگر بداند که در وقت وضو ملتفت آن مانع نبوده، احتیاط واجب آن است که دوباره وضو بگیرد.

**مسئله ۲۹۸**

اگر بعد از وضو شک کند چیزی که مانع رسیدن آب است در اعضا وضو بوده یا نه، وضو صحیح است.

**احکام وضو****مسئله ۲۹۹**

کسی که در کارهای وضو و شرایط آن مثل پاک بودن آب و غصبی نبودن آن خیلی شک می‌کند باید به شک خود اعتنا نکند.

**مسئله ۳۰۰**

اگر شک کند که وضوی او باطل شده یا نه بنا می‌گذارد که وضوی او باقیست ولی اگر بعد از بول استبراء نکرده و وضو گرفته باشد و بعد از وضو رطوبتی از او بیرون آید که نداند بول است یا چیز دیگری وضوی او باطل است.

**مسئله ۳۰۱**

کسی که شک دارد وضو گرفته یا نه باید وضو بگیرد.

**مسئله ۳۰۲**

کسی که می‌داند وضو گرفته و حدثی هم از او سرزده، مثلاً بول کرده، اگر نداند کدام جلوتر بوده، چنانچه پیش از نماز است باید وضو بگیرد و اگر در بین نماز است باید نماز را بشکند و وضو بگیرد و اگر بعد از نماز است باید وضو بگیرد و بنا بر احتیاط واجب نمازی را که خوانده دوباره بخواند.

**مسئله ۳۰۳**

اگر بعد از نماز شک کند که وضو گرفته یا نه نماز او صحیح است، ولی باید برای نمازهای بعد وضو بگیرد.

**مسئله ۳۰۴**

اگر در بین نماز شک کند که وضو گرفته یا نه، نماز او باطل است و باید وضو بگیرد و نماز را بخواند.

**مسئله ۳۰۵**

اگر بعد از نماز شک کند، که قبل از نماز وضوی او باطل شده یا بعد از نماز نمازی که خوانده صحیح است.

### مسئله ۳۰۶

اگر انسان مرضی دارد که بول او قطره قطره می‌ریزد یا نمی‌تواند از بیرون آمدن غائط خودداری کند چنانچه یقین دارد که از اول وقت نماز تا آخر آن به مقدار وضو گرفتن و نماز خواندن مهلت پیدا می‌کند باید نماز را در وقتی که مهلت پیدا می‌کند بخواند و اگر مهلت او به مقدار کارهای واجب نماز است، باید در وقتی که مهلت دارد فقط کارهای واجب نماز را به جا آورد و کارهای مستحب آن مانند اذان و اقامه و قنوت را ترک نماید.

### مسئله ۳۰۷

اگر به مقدار وضو و نماز مهلت پیدا نمی‌کند و در بین نماز چند دفعه بول از او خارج می‌شود، وضوی اول کافیت ولی چنانچه مرضی دارد که در بین نماز چند مرتبه غائط از او خارج می‌شود که اگر بخواهد بعد از هر دفعه وضو بگیرد سخت نیست، باید ظرف آبی پهلوی خود بگذارد و هر وقت غائط از او خارج شد وضو بگیرد و بقیه نماز را بخواند.

### مسئله ۳۰۸

کسی که غائط طوری پی در پی از او خارج می‌شود که وضو گرفتن بعد از هر دفعه برای او سخت است، اگر بتواند مقداری از نماز را با وضو بخواند، باید برای هر نماز یک وضو بگیرد.

### مسئله ۳۰۹

کسی که بول پی در پی از او خارج می‌شود اگر بین دو نماز قطره بولی از او خارج نشود می‌تواند با یک وضو هر دو نماز را بخواند و قطره‌هایی که بین نماز خارج می‌شود اشکال ندارد.

### مسئله ۳۱۰

کسی که بول یا غائط پی در پی از او خارج می‌شود اگر نتواند هیچ مقدار از نماز را با وضو بخواند، می‌تواند چند نماز را با یک وضو بخواند، مگر اختیاریاً بول یا غائط کند یا چیز دیگری که وضو را باطل می‌کند پیش آید.

### مسئله ۳۱۱

اگر مرضی دارد که نمی‌تواند از خارج شدن باد جلوگیری کند، باید به وظیفه کسانی که نمی‌توانند از بیرون آمدن غائط خودداری کنند عمل نماید.

### مسئله ۳۱۲

کسی که غائط پی در پی از او خارج می‌شود، باید برای هر نمازی وضو بگیرد و فوراً مشغول نماز شود، ولی برای به جا آوردن سجده و تشهد فراموش شده و نماز احتیاط که باید بعد از نماز انجام داد در صورتی که آنها را بعد از نماز فوراً به جا بیاورد وضو گرفتن لازم نیست.

**مسئله ۳۱۳**

کسی که بول او قطره قطره می‌ریزد باید برای نماز به وسیله کیسه‌ای که در آن، پنبه یا چیز دیگریست که از رسیدن بول به جاهای دیگر جلوگیری می‌کند، خود را حفظ نماید و احتیاط واجب آن است که پیش از هر نماز مخرج بول را که نجس شده آب بکشد و نیز کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن غائط خودداری کند، چنانچه ممکن باشد باید به مقدار نماز از رسیدن غائط به جاهای دیگر جلوگیری نماید و احتیاط واجب آن است که اگر مشقت ندارد، برای هر نماز مخرج غائط را آب بکشد.

**مسئله ۳۱۴**

کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن بول و غائط خودداری کند در صورتی که ممکن باشد و مشقت و زحمت و خوف ضرر نداشته باشد باید به مقدار نماز از خارج شدن بول و غائط جلوگیری نماید. اگر چه خرج داشته باشد. بلکه اگر مرض او به آسانی معالجه شود، احتیاط واجب آن است که خود را معالجه نماید.

**مسئله ۳۱۵**

کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن بول و غائط خودداری کند، بعد از آن که مرض او خوب شد، لازم نیست نمازهایی را که در وقت مرض مطابق وظیفه‌اش خوانده قضا نماید. ولی اگر در بین وقت نماز مرض او خوب شود، باید نمازی را که در آن وقت خوانده دوباره بخواند.

**چیزهایی که باید برای آنها وضو گرفت****مسئله ۳۱۶**

برای شش چیز باید وضو گرفت:

اول برای نمازهای واجب غیر از نماز میت و شرط صحت نمازهای مستحب آن است که طهارت از حدث داشته باشد.

دوم برای سجده و تشهد فراموش شده، اگر بین آنها و نماز حدثی از او سر زده مثلاً بول کرده باشد.

سوم برای طواف واجب خانه کعبه.

چهارم اگر نذر یا عهد کرده یا قسم خورده باشد که وضو بگیرد.

پنجم اگر نذر کرده باشد که جایی از بدن خود را به خط قرآن برساند.

ششم برای آب کشیدن قرآنی که نجس شده یا بیرون آوردن آن از مستراح و مانند آن، در صورتی که مجبور باشد دست یا جای دیگر بدن خود را به خط قرآن برساند، ولی چنانچه معطل شدن به مقدار وضو بی‌احترامی به قرآن باشد باید بدون این که وضو بگیرد، قرآن را از مستراح و مانند آن بیرون آورد، یا اگر نجس شده آب بکشد و تا ممکن است از دست گذاشتن به خط قرآن خودداری کند.

**مسئله ۳۱۷**

مس نمودن خط قرآن، یعنی رساندن جایی از بدن به خط قرآن برای کسی که وضو ندارد حرام است. ولی اگر قرآن را به زبان



فارسی یا به زبان دیگر ترجمه کنند مس آن اشکال ندارد.

### مسئله ۳۱۸

جلوگیری بچه و دیوانه از مس خط قرآن واجب نیست، ولی اگر مس نمودن آنان بی احترامی به قرآن باشد، باید از مس کردن آنان جلوگیری کنند.

### مسئله ۳۱۹

کسی که وضو ندارد، حرام است اسم خداوند متعال را که به هر زبانی نوشته شده باشد مس نماید. یعنی جایی از بدن خود را به آن برساند و همچنین - بنا بر احتیاط واجب - مس اسم مبارک پیامبر اکرم و ائمه معصومین و حضرت زهرا علیهم السلام حرام است.

### مسئله ۳۲۰

اگر پیش از وقت نماز به قصد این که با طهارت باشد وضو بگیرد یا غسل کند صحیح است و نزدیک وقت نماز هم اگر به قصد مهیا بودن برای نماز وضو بگیرد اشکال ندارد.

### مسئله ۳۲۱

کسی که یقین دارد وقت داخل شده اگر نیت وضوی واجب کند و بعد از وضو بفهمد وقت داخل نشده، وضوی او صحیح است.

### مسئله ۳۲۲

مستحب است انسان برای نماز میت و زیارت اهل قبور و رفتن به مسجد و حرم امامان علیهم السلام وضو بگیرد و هم چنین برای همراه داشتن قرآن و خواندن و نوشتن آن و نیز برای مس حاشیه قرآن و برای خوابیدن وضو گرفتن مستحب است و نیز مستحب است کسی که وضو دارد دوباره وضو بگیرد و اگر برای یکی از این کارها وضو بگیرد هر کاری را که باید با وضو انجام داد، می تواند به جا آورد مثلاً می تواند با آن وضو نماز بخواند.

## چیزهایی که وضو را باطل می کند

### مسئله ۳۲۳

هفت چیز وضو را باطل می کند:

اول بول.

دوم غائط.

سوم باد معده و روده که از مخرج غائط خارج می شود.

چهارم خوابی که به واسطه آن چشم نبیند و گوش نشنود، ولی اگر چشم نبیند و گوش بشنود وضو باطل نمی شود.

پنجم چیزهایی که عقل را از بین می برد. مانند دیوانگی و مستی و بیهوشی.

ششم استحاضه زنان که بعداً گفته می شود.

هفتم کاری که برای آن باید غسل کرد مانند جنابت.

## احکام وضوی جبیره

### [جبیره]

چیزی که با آن زخم و شکسته را می‌بندند و دوایی که روی زخم و مانند آن می‌گذارند جبیره نامیده می‌شود.

### مسئله ۳۲۴

اگر در یکی از جاهای وضو زخم یا دمل یا شکستگی باشد، چنانچه روی آن باز است و آب برای آن ضرر ندارد، باید به طور معمول وضو گرفت.

### مسئله ۳۲۵

اگر زخم یا دمل یا شکستگی در صورت و دستها باشد و روی آن باز باشد و آب ریختن روی آن ضرر داشته باشد، اگر اطراف آن را بشوید کافیست ولی چنانچه کشیدن دست تر بر آن ضرر ندارد، احتیاط آن است که دست تر بر آن بکشد و بعد پارچه پاکی روی آن بگذارد و دست تر را روی پارچه هم بکشد و اگر این مقدار هم ضرر دارد یا زخم نجس است و نمی‌شود آب کشید، باید اطراف زخم را به طوری که در وضو گفته شد، از بالا- به پایین بشوید و بنا بر احتیاط پارچه پاکی روی زخم بگذارد و دست تر روی آن بکشد و اگر گذاشتن پارچه ممکن نیست شستن اطراف زخم کافیست و بنا بر احتیاط در فرض اخیر تیمم هم بکند.

### مسئله ۳۲۶

اگر زخم یا دمل یا شکستگی در جلوی سر یا روی پاها باشد و روی آن باز باشد، چنانچه نتواند آن را مسح کند، باید پارچه پاکی روی آن بگذارد و روی پارچه را با تری آب وضو که در دست مانده مسح کند و بنا بر احتیاط تیمم هم بنماید و اگر گذاشتن پارچه ممکن نباشد، باید وضوی بدون مسح بگیرد و تیمم هم بنماید.

### مسئله ۳۲۷

اگر روی دمل یا زخم یا شکستگی بسته باشد، چنانچه باز کردن آن ممکن است و زحمت و مشقت هم ندارد و آب هم برای آن ضرر ندارد، باید روی آن را باز کند و وضو بگیرد، چه زخم و مانند آن در صورت و دستها باشد، یا جلوی سر و روی پاها.

### مسئله ۳۲۸

اگر زخم یا دمل یا شکستگی در صورت یا دستها باشد و بشود روی آن را باز کرد، چنانچه ریختن آب روی آن ضرر دارد و کشیدن دست تر ضرر ندارد، واجب است دست تر روی آن بکشد.

### مسئله ۳۲۹

اگر نمی‌شود روی زخم را باز کرد ولی زخم و چیزی که روی آن گذاشته پاک است و رسانیدن آب به زخم ممکن است و ضرر و

زحمت و مشقت هم ندارد، باید آب را به روی زخم برساند و اگر زخم یا چیزی که روی آن گذاشته نجس است، چنانچه آب کشیدن آن و رساندن آب به روی زخم بدون زحمت و مشقت ممکن باشد، باید آن را آب بکشد و موقع وضو آب را به زخم برساند و در صورتی که آب برای زخم ضرر دارد، یا آن که رساندن آب به روی زخم ممکن نیست، یا زخم نجس است و نمی‌شود آن را آب کشید، باید اطراف زخم را بشوید و اگر جیره پاک است روی آن را مسح کند و اگر جیره نجس است یا نمی‌شود روی آن را دست تر کشید، مثلاً- دوا بیست که به دست می‌چسبد، پارچه پاکی را به طوری که جزء جیره حساب شود، روی آن بگذارد و دست تر روی آن بکشد و اگر این هم ممکن نیست احتیاط واجب آن است که وضو بگیرد و تیمم هم بنماید.

### مسئله ۳۳۰

اگر جیره تمام صورت یا تمام یکی از دستها یا تمام هر دو دست را گرفته باشد، باید وضوی جیره‌ای بگیرد و بنا بر احتیاط واجب تیمم هم بنماید.

### مسئله ۳۳۱

اگر جیره تمام اعضاء وضو را گرفته باشد باید تیمم بنماید و اگر بیشتر اعضاء وضو را گرفته باشد باید تیمم کند و احتیاطاً وضوی جیره بگیرد.

### مسئله ۳۳۲

کسی که در کف دست و انگشتها جیره دارد و در موقع وضو دست تر روی آن کشیده است، می‌تواند سر و پا را با همان رطوبت مسح کند یا از جاهای دیگر وضو رطوبت بگیرد.

### مسئله ۳۳۳

اگر جیره تمام پهنای روی پا را گرفته ولی مقداری از طرف انگشتان و مقداری از طرف بالای پا باز است، باید جاهایی که باز است روی پا را و جایی که جیره است روی جیره را مسح کند.

### مسئله ۳۳۴

اگر در صورت یا دستها چند جیره باشد، باید بین آنها را بشوید و اگر جیره‌ها در سر یا روی پاها باشد، باید بین آنها را مسح کند و در جاهایی که جیره است باید به دستور جیره عمل نماید.

### مسئله ۳۳۵

اگر جیره بیشتر از معمول اطراف زخم را گرفته و برداشتن آن ممکن نیست، باید به دستور جیره عمل کند و بنا بر احتیاط واجب تیمم هم بنماید و اگر برداشتن جیره ممکن است باید جیره را بردارد، پس اگر زخم در صورت و دستهاست اطراف آن را بشوید و اگر در سر یا روی پاهاست اطراف آن را مسح کند و برای جای زخم به دستور جیره عمل نماید.

### مسئله ۳۳۶

اگر در جای وضو زخم و جراحت و شکستگی نیست، ولی به جهت دیگری آب برای تمام دست و صورت ضرر دارد، باید تیمم کند و احتیاط آن است که وضوی جبیره‌ای هم بگیرد، ولی اگر برای مقداری از دست و صورت ضرر دارد چنانچه اطراف آن را بشوید کافی بودن بعید نیست، ولی احتیاط به تیمم ترک نشود.

### مسئله ۳۳۷

اگر جایی از اعضاء وضو را رگ زده است و نمی‌تواند آن را آب بکشد یا آب برای آن ضرر دارد اگر روی آن بسته است، باید به دستور جبیره عمل کند و اگر معمولاً باز است اطراف آن را بشوید و بنا بر احتیاط پارچه پاکی را روی آن بگذارد و دست تر روی آن بکشد.

### مسئله ۳۳۸

اگر در جای وضو یا غسل چیزی چسبیده است که برداشتن آن ممکن نیست، یا به قدری مشقت دارد که نمی‌شود تحمل کرد، باید به دستور جبیره عمل کند.

### مسئله ۳۳۹

غسل جبیره‌ای مثل وضوی جبیره‌ای است، اما احوط آن است که آن را ترتیبی انجام دهند و اگر ارتماسی انجام دهند باطل است.

### مسئله ۳۴۰

کسی که وظیفه او تیمم است اگر در بعضی از جاهای تیمم او زخم یا دمل یا شکستگی باشد باید، به دستور وضوی جبیره‌ای تیمم جبیره‌ای نماید.

### مسئله ۳۴۱

کسی که باید با وضو یا غسل جبیره‌ای نماز بخواند، چنانچه بداند که تا آخر وقت عذر او بر طرف نمی‌شود، می‌تواند در اول وقت نماز بخواند، ولی اگر امید دارد که تا آخر وقت عذر او بر طرف شود، احتیاط واجب آن است که صبر کند و اگر عذر او بر طرف نشد در آخر وقت نماز را با وضو یا غسل جبیره‌ای به جا آورد.

### مسئله ۳۴۲

اگر انسان برای مرضی که در چشم او است، موی چشم خود را بچسباند، باید وضو و غسل را جبیره‌ای انجام دهد و احتیاط آن است که تیمم هم بنماید.

### مسئله ۳۴۳

کسی که نمی‌داند وظیفه‌اش تیمم است یا وضوی جبیره‌ای، بنا بر احتیاط واجب باید هر دو را به جا آورد.

### مسئله ۳۴۴

نمازهایی را که انسان با وضوی جبیره‌ای خوانده و تا آخر وقت عذر مستمر بوده صحیح است و بعد از آن که عذرش بر طرف شد، برای نمازهای بعد هم نباید وضو بگیرد، ولی اگر برای آن که نمی‌دانسته تکلیفش جبیره است یا تیمم هر دو را انجام داده باشد باید برای نمازهای بعد وضو بگیرد.

## غسل‌های واجب

### [غسل جنابت]

#### احکام جنابت

#### مسئله ۳۴۵

به دو چیز انسان جنب می‌شود:

اول جماع.

دوم بیرون آمدن منی، چه در خواب باشد یا بیداری، کم باشد یا زیاد با شهوت باشد یا بی‌شهوت، با اختیار باشد یا بی‌اختیار.

#### مسئله ۳۴۶

اگر رطوبتی از مرد خارج شود و نداند منی است یا بول یا غیر اینها، چنانچه با شهوت و جستن بیرون آمده و بعد از بیرون آمدن آن بدن سست شده، آن رطوبت حکم منی دارد و اگر هیچ‌یک از این سه نشانه یا بعضی از اینها را نداشته باشد، حکم منی ندارد. ولی در زن و مریض لازم نیست آن آب با جستن بیرون آمده باشد، بلکه اگر با شهوت بیرون آمده باشد در حکم منی است و لازم نیست بدن او سست شود.

#### مسئله ۳۴۷

اگر از مردی که مریض نیست آبی بیرون آید که یکی از سه نشانه‌ای را که در مسئله پیش گفته شد داشته باشد و نداند نشانه‌های دیگری را داشته یا نه، چنانچه پیش از بیرون آمدن آن آب وضو نداشته، باید وضو بگیرد.

#### مسئله ۳۴۸

مستحب است انسان بعد از بیرون آمدن منی بول کند و اگر بول نکند و بعد از غسل رطوبتی از او بیرون آید، که نداند منی است یا رطوبت دیگر، حکم منی دارد.

#### مسئله ۳۴۹

اگر انسان جماع کند و به اندازه ختنه‌گاه یا بیشتر داخل شود، در زن باشد یا در مرد، در قبل باشد یا در دبر، بالغ باشند یا نا بالغ اگر چه منی بیرون نیاید، هر دو جنب می‌شوند.

**مسئله ۳۵۰**

اگر شك کند که به مقدار ختنه گاه داخل شده یا نه غسل بر او واجب نیست.

**مسئله ۳۵۱**

اگر نعوذ بالله حیوانی را وطی کند؛ یعنی با او نزدیکی نماید و منی از او بیرون آید غسل تنها کافیهست و اگر منی بیرون نیاید، چنانچه پیش از وطی وضو داشته باز هم غسل تنها کافیهست و اگر وضو نداشته، احتیاط واجب آن است که غسل کند، وضو هم بگیرد.

**مسئله ۳۵۲**

اگر منی از جای خود حرکت کند و بیرون نیاید، یا انسان شك کند که منی از او بیرون آمده یا نه، غسل بر او واجب نیست.

**مسئله ۳۵۳**

کسی که نمی‌تواند غسل کند ولی تیمم برایش ممکن است، اگر بعد از داخل شدن وقت نماز بدون جهت با عیال خود نزدیکی کند، اشکال دارد. ولی اگر برای لذت بردن یا ترس از برای خودش باشد اشکال ندارد.

**مسئله ۳۵۴**

اگر در لباس خود منی ببیند و بداند که از خود او است و برای آن غسل نکرده، باید غسل کند و نمازهایی را که یقین دارد، بعد از بیرون آمدن منی خوانده قضا کند، ولی نمازهایی را که احتمال می‌دهد بعد از بیرون آمدن آن منی خوانده، لازم نیست قضا نماید.

**چیزهایی که بر جنب حرام است****مسئله ۳۵۵**

پنج چیز بر جنب حرام است:

اول رساندن جایی از بدن به خط قرآن یا به اسم خدا و هم چنین بنا بر احتیاط واجب اسم پیغمبران و امامان علیهم‌السلام به طوری که در وضو گفته شد. دوم، رفتن در مسجد الحرام و مسجد پیغمبر صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، اگر چه از یک در داخل و از در دیگر خارج شود. سوم، توقف در مساجد دیگر، ولی اگر از یک در داخل و از دیگر خارج شود، یا برای برداشتن چیزی برود مانعی ندارد و احتیاط واجب آن است که در حرم امامان هم توقف نکند. چهارم، گذاشتن چیزی در مسجد. پنجم، خواندن سوره‌ای که سجده واجب دارد و آن چهار سوره است:

اول:

سوره سی و دوم قرآن (الم تنزیل).

دوم:

سوره چهل و یکم (حم سجده).

سوم:

سوره پنجاه و سوم (والنجم).

چهارم:

سوره نود و ششم (اقرء)

و اگر یک کلمه از این آیات را هم بخواند، حرام است و خواندن بقیه آیات این چهار سوره بنا بر احتیاط واجب حرام است.

### چیزهایی که بر جنب مکروه است

#### مسئله ۳۵۶

نه چیز بر جنب مکروه است:

اول و دوم:

خوردن و آشامیدن، ولی اگر وضو بگیرد مکروه نیست.

سوم خواندن بیشتر از هفت آیه از سوره‌هایی که سجده واجب ندارد،

چهارم:

رساندن جایی از بدن به جلد و حاشیه و بین خط‌های قرآن.

پنجم:

همراه داشتن قرآن.

ششم:

خوابیدن، ولی اگر وضو بگیرد یا به واسطه نداشتن آب، بدل از غسل تیمم کند، مکروه نیست.

هفتم:

خضاب کردن به حنا و مانند آن.

هشتم:

مالیدن روغن به بدن.

نهم جماع کردن بعد از آن که محتمل شده، یعنی در خواب منی از او بیرون آمده است.

### غسل جنابت

#### مسئله ۳۵۷

غسل جنابت به خودی خود مستحب است و برای خواندن نماز واجب و مانند آن واجب می‌شود. ولی برای نماز میت و سجده شکر

و سجده‌های واجب قرآن غسل جنابت لازم نیست.

#### مسئله ۳۵۸

لازم نیست در وقت غسل نیت کند که غسل واجب یا مستحب می‌کنم و اگر فقط به قصد قربت یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم غسل کند، کافی است.

### مسئله ۳۵۹

اگر یقین کند وقت نماز شده و نیت غسل واجب کند، بعد معلوم شود که پیش از وقت غسل کرده، غسل او صحیح است.

### مسئله ۳۶۰

غسل را چه واجب باشد و چه مستحب، به دو قسم می‌شود انجام داد ترتیبی و ارتماسی

### غسل ترتیبی

### مسئله ۳۶۱

در غسل ترتیبی، باید به نیت غسل، اول سر و گردن، بعد طرف راست و بعد طرف چپ بدن را بشوید و اگر عمداً یا از روی فراموشی یا به واسطه ندانستن مسأله به این ترتیب عمل نکند و غسل را انجام بدهد فقط شستشوی سر و گردن اگر به قصد قربت انجام داده است صحیح است و فقط طرف راست و چپ را باید دوباره به ترتیبی که گفته شد انجام دهد. اگر چه از نظر زمانی بین شستشوها فاصله افتاده باشد و اگر چه در بین این فاصله‌ها حدث اصغر هم از او سر زده باشد و در صورتی که در این فاصله حدث اصغر از او سر زده باشد باید از اتمام غسل، برای عملی که مشروط به طهارت است وضو بگیرد.

### مسئله ۳۶۲

نصف ناف و نصف عورت را باید با طرف راست بدن و نصف دیگر را باید با طرف چپ بشوید، بلکه بهتر است تمام ناف و عورت با هر دو طرف شسته شود.

### مسئله ۳۶۳

برای آن که یقین کند هر سه قسمت یعنی سر و گردن و طرف راست و طرف چپ را کاملاً غسل داده، باید هر قسمتی را که می‌شوید مقداری از قسمت‌های دیگر را هم با آن قسمت بشوید. بلکه احتیاط مستحب آن است که تمام طرف راست گردن را با طرف راست بدن و تمام طرف چپ گردن را با طرف چپ بدن بشوید.

### مسئله ۳۶۴

اگر بعد از غسل بفهمد جایی از بدن را نشسته و نداند کجای بدن است، باید دوباره غسل کند.



**مسئله ۳۶۵**

اگر بعد از غسل بفهمد مقداری از بدن را نشسته، چنانچه از طرف چپ باشد شستن همان مقدار کافیست و اگر از طرف راست باشد، باید بعد از شستن آن مقدار دوباره طرف چپ را بشوید و اگر از سر و گردن باشد، باید بعد از شستن آن مقدار، دوباره طرف راست و بعد طرف چپ را بشوید.

**مسئله ۳۶۶**

اگر پیش از تمام شدن غسل، در شستن مقداری از طرف چپ شك کند، شستن همان مقدار کافی است. ولی اگر بعد از اشتغال به شستن طرف چپ، در شستن طرف راست یا مقداری از آن شك کند یا بعد از اشتغال به شستن طرف راست در شستن سر و گردن یا مقداری از آن شك نماید، نباید اعتنا کند.

**غسل ارتماسی****مسئله ۳۶۷**

غسل ارتماسی آن است که در یک دفعه آب تمام بدن را فراگیرد، حال در یک دفعه باشد یا تدریجاً در آب فرو رود و اگر پایش روی زمین است، پا را از روی زمین بلند کند.

**مسئله ۳۶۸**

در غسل ارتماسی اگر همه بدن زیر آب باشد و بعد از نیت غسل، بدن را حرکت دهد، غسل او صحیح است.

**مسئله ۳۶۹**

اگر بعد از غسل ارتماسی بفهمد به مقداری از بدن آب نرسیده، چه جای آن را بداند یا نداند، باید دوباره غسل کند.

**مسئله ۳۷۰**

اگر برای غسل ترتیبی وقت ندارد و برای ارتماسی وقت دارد، باید غسل ارتماسی کند.

**مسئله ۳۷۱**

کسی که روزه واجب گرفته یا برای حج یا عمره احرام بسته، نمی‌تواند غسل ارتماسی کند ولی اگر از روی فراموشی غسل ارتماسی کند، صحیح است.

### احکام غسل کردن

#### مسئله ۳۷۲

در غسل ارتماسی باید تمام بدن پاک باشد ولی در غسل ترتیبی پاک بودن تمام بدن لازم نیست و اگر تمام بدن نجس باشد و هر قسمتی را پیش از غسل دادن آن قسمت آب بکشد، کافی است.

#### مسئله ۳۷۳

عرق جنب از حرام نجس نیست و کسی که از حرام جنب شده اگر با آب گرم هم غسل کند صحیح است.

#### مسئله ۳۷۴

اگر در غسل به اندازه سر مویی از بدن نشسته بماند، غسل باطل است، ولی شستن جاهایی از بدن که دیده نمی‌شود، مثل توی گوش و بینی واجب نیست.

#### مسئله ۳۷۵

جایی را که شک دارد از ظاهر بدن است یا از باطن آن، احتیاط در شستن آن است.

#### مسئله ۳۷۶

اگر سوراخ جای گوشواره و مانند آن به قدری گشاد باشد که داخل آن دیده شود، باید آن را شست و اگر دیده نشود، شستن داخل آن لازم نیست.

#### مسئله ۳۷۷

چیزی را که مانع رسیدن آب به بدن است، باید بر طرف کند و اگر پیش از آن که یقین کند بر طرف شده غسل نماید، غسل او باطل است.

**مسئله ۳۷۸**

اگر موقع غسل شک کند، چیزی که مانع از رسیدن آب باشد در بدن او هست یا نه، چنانچه احتمال او در نظر مردم به جا باشد، باید واریسی کند تا مطمئن شود که مانعی نیست.

**مسئله ۳۷۹**

در غسل باید موهای کوتاهی را که جزء بدن حساب می‌شود، بشوید و بنا بر احتیاط شستن موهای بلند هم لازم می‌باشد.

**مسئله ۳۸۰**

تمام شرطهایی که برای صحیح بودن وضو گفته شد، مثل پاک بودن آب و غصبی نبودن آن، در صحیح بودن غسل هم شرط است؛ ولی در غسل لازم نیست بدن را از بالا به پایین بشوید و نیز در غسل ترتیبی لازم نیست بعد از شستن هر قسمت، فوراً قسمت دیگر را بشوید، بلکه اگر بعد از شستن سر و گردن مقداری صبر کند و بعد طرف راست را بشوید و بعد از مدتی طرف چپ را بشوید اشکال ندارد. ولی کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن بول و غائط خودداری کند، اگر به اندازه‌ای که غسل کند و نماز بخواند، بول و غائط از او بیرون نمی‌آید چنانچه وقت تنگ باشد، باید هر قسمت را فوراً بعد از قسمت دیگر غسل دهد و بعد از غسل هم فوراً نماز بخواند. همچنین است حکم زن مستحاضه که بعداً گفته می‌شود.

**مسئله ۳۸۱**

کسی که قصد دارد پول حمامی را ندهد یا بدون این که بداند حمامی راضی است، بخواهد نسیه بگذارد، اگر چه بعد حمامی را راضی کند، غسل او باطل است.

**مسئله ۳۸۲**

اگر حمامی راضی باشد که پول حمام نسیه بماند ولی کسی که غسل می‌کند قصدش این باشد که طلب او را ندهد، یا از مال حرام بدهد، غسل او اشکال دارد.

**مسئله ۳۸۳**

اگر بخواهد پول حرام یا پولی که خمس آن را نداده به حمامی بدهد، غسل او باطل است.

**مسئله ۳۸۴**

اگر مخرج غائط را در آب خزینه تطهیر کند و پیش از غسل شک کند که چون در خزینه تطهیر کرده، حمامی به غسل کردن او راضیست یا نه، غسل او باطل است، مگر این که پیش از غسل حمامی را راضی کند.

### مسئله ۳۸۵

اگر شک کند که غسل کرده یا نه، باید غسل کند؛ ولی اگر بعد از غسل شک کند که غسل او درست بوده یا نه، لازم نیست دوباره غسل نماید.

### مسئله ۳۸۶

اگر در بین غسل حدث اصغر از او سرزند مثلاً بول کند، غسل باطل نمی‌شود ولی بعد از غسل برای نماز وضو بگیرد.

### مسئله ۳۸۷

هر گاه به خیال این که به اندازه غسل و نماز وقت دارد برای نماز غسل کند، اگر چه بعد از غسل بفهمد که به اندازه غسل وقت نداشته غسل او صحیح است.

### مسئله ۳۸۸

کسی که جنب شده اگر شک کند غسل کرده یا نه نمازهایی را که خوانده صحیح است، ولی برای نمازهای بعد باید غسل کند.

### مسئله ۳۸۹

کسی که چند غسل بر او واجب است، می‌تواند به نیت همه آنها یک غسل به جا آورد، یا آنها را جدا جدا انجام دهد.

### مسئله ۳۹۰

کسی که جنب است اگر بر جایی از بدن او آیه قرآن یا اسم خداوند متعال نوشته شده باشد، حرام است دست به آن نوشته بگذارد و اگر بخواهد غسل کند باید آب را طوری به بدن برساند که دست او به نوشته نرسد.

### مسئله ۳۹۱

کسی که غسل جنابت کرده، نباید برای نماز و تمام اعمالی که مشروط به طهارت است، وضو بگیرد، ولی با غسل‌های دیگر نمی‌شود نماز خواند و باید وضو هم گرفت.

## استحاضه

### اشاره

یکی از خون‌هایی که از زن خارج می‌شود خون استحاضه است و زن را در موقع دیدن خون استحاضه، مستحاضه می‌گویند.

### مسئله ۳۹۲

خون استحاضه در بیشتر اوقات زرد رنگ و سرد است و بدون فشار و سوزش بیرون می‌آید و غلیظ هم نیست؛ ولی ممکن است گاهی سیاه یا سرخ و گرم و غلیظ باشد و با فشار و سوزش بیرون آید.

### مسئله ۳۹۳

استحاضه سه قسم است:

قلیله، متوسطه و کثیره. استحاضه قلیله آن است که خون در پنبه ای که زن داخل فرج می‌نماید، فرو نرود و از طرف دیگر ظاهر نشود. استحاضه متوسطه آن است که خون در پنبه فرو رود و از طرف دیگر ظاهر شود؛ ولی به دستمالی که معمولاً زن‌ها برای جلوگیری از خون می‌بندند، نرسد. استحاضه کثیره آن است که خون از پنبه به دستمال برسد.

## احکام استحاضه

### مسئله ۳۹۴

در استحاضه قلیله باید زن برای هر نماز یک وضو بگیرد و پنبه را عوض کند یا آب بکشد و ظاهر فرج را هم اگر خون به آن رسیده آب بکشد.

### مسئله ۳۹۵

در استحاضه متوسطه باید زن برای نماز صبح غسل کند و تا صبح دیگر برای نمازهای خود کارهای استحاضه قلیله را که در مسئله پیش گفته شد انجام دهد و این در صورتیست که استحاضه متوسطه پیش از نماز صبح یا در بین آن پیدا شود؛ ولی اگر بعد از نماز صبح تا پیش از نماز ظهر یا بین آن حاصل شود، باید برای نماز ظهر غسل کند. همین طور پیش از هر نماز یا بین هر نمازی که استحاضه متوسطه شده باید برای آن غسل کند و اگر عمداً یا از روی فراموشی برای نماز صبح غسل نکند باید برای نماز ظهر و عصر غسل کند و اگر برای نماز ظهر و عصر غسل نکند باید پیش از نماز مغرب و عشاء غسل نماید چه آن که خون بیاید یا قطع شده باشد.

### مسئله ۳۹۶

در استحاضه کثیره علاوه بر کارهای استحاضه متوسطه که در مسأله پیش گفته شد، باید برای هر نماز دستمال را عوض کند، یا آب بکشد و یک غسل برای نماز ظهر و عصر و یکی برای نماز مغرب و عشا به جا آورد و بین نماز ظهر و عصر فاصله نیندازد و اگر فاصله بیندازد، باید برای نماز عصر دوباره غسل کند و نیز اگر بین نماز مغرب و عشا فاصله بیندازد، باید برای نماز عشا دوباره غسل نماید.

#### مسأله ۳۹۷

اگر خون استحاضه پیش از وقت نماز هم بیاید اگر چه زن برای آن خون، وضو و غسل را انجام داده باشد، بنا بر احتیاط واجب، باید در موقع نماز وضو و غسل را به جا آورد.

#### مسأله ۳۹۸

مستحاضه متوسطه و کثیره که باید وضو بگیرد و غسل کند، هر کدام را اول به جا آورد صحیح است، ولی بهتر آن است که اول وضو بگیرد.

#### مسأله ۳۹۹

اگر استحاضه قلیله زن بعد از نماز صبح متوسطه شود، باید برای نماز ظهر و عصر غسل کند و اگر بعد از نماز ظهر و عصر متوسطه شود، باید برای نماز مغرب و عشاء غسل نماید.

#### مسأله ۴۰۰

اگر استحاضه قلیله یا متوسطه زن بعد از نماز صبح کثیره شود، باید برای نماز ظهر و عصر یک غسل و برای نماز مغرب و عشا غسل دیگری به جا آورد و اگر بعد از نماز ظهر و عصر کثیره شود، باید برای نماز مغرب و عشا غسل نماید.

#### مسأله ۴۰۱

مستحاضه کثیره یا متوسطه اگر پیش از داخل شدن وقت نماز برای نماز غسل کند، غسل او باطل است بلکه اگر نزدیک اذان صبح برای نماز شب غسل کند و نماز شب را بخواند، احتیاط واجب آن است که بعد از داخل شدن صبح دوباره غسل و وضو را به جا آورد.

#### مسأله ۴۰۲

زن مستحاضه برای هر نمازی چه واجب باشد و چه مستحب، باید وضو بگیرد و نیز اگر بخواهد نمازی را که خوانده احتیاطاً دوباره بخواند، یا بخواهد نمازی را که تنها خوانده است دوباره با جماعت بخواند، باید تمام کارهایی را که برای استحاضه گفته شد انجام دهد؛ ولی برای خواندن نماز احتیاط و سجده فراموش شده و تشهد فراموش شده و سجده سهو، اگر آنها را بعد از نماز فوراً به جا آورد لازم نیست کارهای استحاضه را انجام دهد.

#### مسأله ۴۰۳

زن مستحاضه بعد از آن که خونش قطع شد، فقط برای نماز اولی که می‌خواند، باید کارهای استحاضه را انجام دهد و برای نمازهای بعد لازم نیست.

#### مسئله ۴۰۴

اگر زن نداند استحاضه او چه قسم است، موقعی که می‌خواهد نماز بخواند، بنا بر احتیاط واجب مقداری پنبه داخل فرج نماید و کمی صبر کند و بیرون آورد و بعد از آن که فهمید استحاضه او کدام یک از آن سه قسم است کارهایی را که برای آن قسم دستور داده شده انجام دهد؛ ولی اگر بداند تا وقتی که می‌خواهد نماز بخواند استحاضه او تغییر نمی‌کند، پیش از داخل شدن وقت هم می‌تواند خود را واریسی نماید.

#### مسئله ۴۰۵

زن مستحاضه اگر پیش از آن که خود را واریسی کند، مشغول نماز شود، چنانچه قصد قربت داشته و به وظیفه خود عمل کرده مثلاً استحاضه‌اش قلیله بوده و به وظیفه استحاضه قلیله عمل نموده، نماز او صحیح است و اگر قصد قربت نداشته یا عمل او مطابق وظیفه‌اش نبوده مثل آن که استحاضه او متوسطه بوده و به وظیفه قلیله رفتار کرده، نماز او باطل است.

#### مسئله ۴۰۶

زن مستحاضه اگر نتواند خود را واریسی نماید، باید به آنچه مسلماً وظیفه او است عمل کند مثلاً اگر نمی‌داند استحاضه او قلیله است یا متوسطه، باید کارهای استحاضه قلیله را انجام دهد و اگر نمی‌داند متوسطه است یا کثیره، باید کارهای استحاضه متوسطه را انجام دهد، ولی اگر بداند سابقاً کدام یک از آن سه قسم بوده، باید به وظیفه همان قسم رفتار نماید.

#### مسئله ۴۰۷

اگر خون استحاضه در باطن باشد و بیرون نیاید، وضو و غسل باطل نمی‌شود و اگر بیرون بیاید، هر چند کم باشد وضو و غسل را به تفصیلی که گذشت باطل می‌کند.

#### مسئله ۴۰۸

زن مستحاضه اگر بعد از نماز خود را واریسی کند و خون نبیند اگر چه بداند دوباره خون می‌آید، با وضویی که دارد می‌تواند نماز بخواند.

#### مسئله ۴۰۹

زن مستحاضه اگر بداند از وقتی که مشغول وضو یا غسل شده خونی از او بیرون نیامده و تا بعد از نماز هم خون در داخل فرج نیست و بیرون نمی‌آید، می‌تواند خواندن نماز را تأخیر بیندازد.

#### مسئله ۴۱۰

اگر مستحاضه بداند که پیش از گذشتن وقت نماز به کلی پاک می‌شود، یا به اندازه خواندن نماز خون بند می‌آید، باید صبر کند و نماز را در وقتی که پاک است بخواند.

#### مسئله ۴۱۱

اگر بعد از وضو و غسل، خون در ظاهر قطع شود و مستحاضه بداند که اگر نماز را تأخیر بیندازد، به مقداری که وضو و غسل و نماز را به جا آورد، به کلی پاک می‌شود، باید نماز را تأخیر بیندازد و موقعی که به کلی پاک شد، دوباره وضو و غسل را به جا آورد و نماز را بخواند و اگر وقت نماز تنگ شد، لازم نیست وضو و غسل را دوباره به جا آورد، بلکه با وضو و غسلی که دارد می‌تواند نماز بخواند.

#### مسئله ۴۱۲

مستحاضه کثیره و متوسطه وقتی به کلی از خون پاک شد باید غسل کند، ولی اگر بداند از وقتی که برای نماز قبل غسل کرده، دیگر خون نیامده، لازم نیست دوباره غسل نماید.

#### مسئله ۴۱۳

مستحاضه قلیله بعد از وضو و مستحاضه کثیره و متوسطه بعد از غسل و وضو باید فوراً مشغول نماز شود، ولی گفتن اذان و اقامه و خواندن دعاهای قبل از نماز اشکال ندارد و در نماز هم می‌تواند کارهای مستحب مثل قنوت و غیر آن را به جا آورد.

#### مسئله ۴۱۴

زن مستحاضه اگر بین غسل و نماز فاصله بیندازد، باید دوباره غسل کند و بلافاصله مشغول نماز شود، ولی اگر خون در داخل فضای فرج نیاید، غسل لازم نیست.

#### مسئله ۴۱۵

اگر خون استحاضه زن جریان داشته باشد و قطع نشود، چنانچه برای او ضرر نداشته باشد، باید پیش از غسل و بعد از آن بوسیله پنبه از بیرون آمدن خون جلوگیری کند، ولی اگر همیشه جریان نداشته باشد، فقط باید بعد از وضو و غسل از بیرون آمدن خون جلوگیری نماید و چنانچه کوتاهی کند و خون بیرون آید، باید دوباره غسل کند و وضو هم بگیرد و اگر نماز هم خوانده باید دوباره بخواند.

#### مسئله ۴۱۶

اگر در موقع غسل، خون قطع نشود، غسل صحیح است، ولی اگر در بین غسل استحاضه متوسطه کثیره شود، واجب است غسل را دوباره انجام دهد.

#### مسئله ۴۱۷

احتیاط آن است که زن مستحاضه در تمام روزی که روزه است به مقداری که می‌تواند از بیرون آمدن خون جلوگیری کند.



**مسئله ۴۱۸**

روزه زن مستحاضه‌ای که غسل بر او واجب می‌باشد در صورتی صحیح است که غسل‌هایی را که برای نمازهای روزش واجب است، انجام دهد و نیز بنا بر احتیاط واجب غسل نماز مغرب و عشاء شبی را که می‌خواهد فردای آن را روزه بگیرد، به جا آورد و نیز در روز غسل‌هایی را که برای نمازهای روزش واجب است، انجام دهد. ولی اگر برای نماز مغرب و عشاء غسل نکند و برای خواندن نماز شب پیش از اذان صبح غسل نماید و در روز هم غسل‌هایی را که برای نمازهای روزش واجب است به جا آورد، روزه او صحیح است.

**مسئله ۴۱۹**

اگر بعد از نماز عصر، مستحاضه شود و تا غروب غسل نکند، روزه او صحیح است.

**مسئله ۴۲۰**

اگر استحاضه قلیله زن پیش از نماز، متوسطه یا کثیره شود، باید کارهای متوسطه یا کثیره را که گفته شد انجام دهد و اگر استحاضه متوسطه کثیره شود، باید کارهای استحاضه کثیره را انجام دهد و چنانچه برای استحاضه متوسطه غسل کرده باشد، فایده ندارد و باید دوباره برای کثیره غسل کند.

**مسئله ۴۲۱**

اگر در بین نماز، استحاضه متوسطه زن کثیره شود، باید نماز را بشکند و برای استحاضه کثیره غسل کند و وضو بگیرد و کارهای دیگر آن را انجام دهد و همان نماز را بخواند. اگر برای هیچ کدام از غسل و وضو وقت ندارد. باید دو تیمم کند، یکی بدل از غسل و دیگری بدل از وضو. اگر برای یکی از آنها وقت ندارد باید عوض آن تیمم کند و دیگری را به جا آورد، ولی اگر برای تیمم هم وقت ندارد، نمی‌تواند نماز را بشکند و باید نماز را تمام کند و بنا بر احتیاط واجب قضا نماید و همچنین است اگر در بین نماز استحاضه قلیله او متوسطه یا کثیره شود.

**مسئله ۴۲۲**

اگر در بین نماز خون بند بیاید و مستحاضه نداند که در باطن هم قطع شده یا نه، چنانچه بعد از نماز بفهمد قطع شده بوده، باید وضو و غسل و نماز را احتیاطاً دوباره به جا آورد.

**مسئله ۴۲۳**

اگر استحاضه کثیره زن متوسطه شود، باید برای نماز اول عمل کثیره و برای نمازهای بعد عمل متوسطه را به جا آورد. مثلاً اگر پیش از نماز ظهر استحاضه کثیره، متوسطه شود، باید برای نماز ظهر غسل کند و برای نماز عصر و مغرب و عشاء فقط وضو بگیرد؛ ولی اگر برای نماز ظهر غسل نکند و فقط به مقدار نماز عصر وقت داشته باشد، باید برای نماز عصر غسل نماید و اگر برای نماز عصر هم غسل نکند باید برای نماز مغرب غسل کند و اگر برای آن هم غسل نکند و فقط به مقدار نماز عشاء وقت داشته باشد باید برای نماز عشاء غسل نماید.

**مسئله ۴۲۴**

اگر پیش از هر نماز خون مستحاضه کثیره قطع شود و دوباره بیاید، برای هر نماز باید یک غسل به جا آورد، ولی اگر بعد از غسل و پیش از نماز قطع شود، چنانچه وقت تنگ باشد که نتواند غسل کند و نماز را در وقت بخواند، با همان غسل می‌تواند نماز را بخواند و همینطور است حکم وضو.

**مسئله ۴۲۵**

اگر استحاضه کثیره قلیله شود، باید برای نماز اول عمل کثیره و برای نمازهای بعد عمل قلیله را انجام دهد و نیز اگر استحاضه متوسطه قلیله شود، باید برای نماز اول، عمل متوسطه و برای نمازهای بعد عمل قلیله را به جا آورد.

**مسئله ۴۲۶**

اگر مستحاضه یکی از کارهایی را که بر او واجب می‌باشد حتی عوض کردن پنبه را ترک کند، نمازش باطل است.

**مسئله ۴۲۷**

مستحاضه قلیله اگر بخواهد غیر از نماز کاری انجام دهد که شرط آن وضو داشتن است، مثلاً بخواهد جایی از بدن خود را به خط قرآن برساند، باید وضو بگیرد و وضویی که قبلاً برای نماز گرفته، بنا بر احتیاط واجب کافی نیست.

**مسئله ۴۲۸**

رفتن در مسجد مکه و مدینه و توقف در سایر مساجد و خواندن سوره‌ای که سجده واجب دارد، برای زن مستحاضه در صورتی که عمل به وظیفه غسل‌های واجب خود کرده باشد، اشکال ندارد، ولی نزدیکی شوهر با او در صورتی حلال می‌شود که غسل کند اگر چه کارهای دیگری را که برای نماز واجب است، مثل وضو و عوض کردن پنبه و دستمال انجام نداده باشد.

**مسئله ۴۲۹**

اگر زن در استحاضه کثیره یا متوسطه بخواهد پیش از وقت نماز جایی از بدن خود را به خط قرآن برساند، باید غسل کند و وضو هم بگیرد.

**مسئله ۴۳۰**

نماز آیات بر مستحاضه واجب است و باید برای نماز آیات هم کارهایی را که برای نماز یومیه گفته شد انجام دهد.

**مسئله ۴۳۱**

هرگاه در وقت نماز یومیه نماز آیات بر مستحاضه واجب شود، اگر چه بخواهد هر دو را پشت سر هم به جا آورد، باید برای نماز آیات هم تمام کارهایی را که برای نماز یومیه او واجب است انجام دهد و احتیاط واجب آن است که هر دو را با یک غسل و وضو

به جا نیاورد.

#### مسئله ۴۳۲

اگر زن مستحاضه بخواند نماز قضا بخواند، باید برای هر نماز کارهایی را که بر نماز ادا بر او واجب است، به جا آورد و بنا بر احتیاط واجب هر دو را با یک غسل و وضو به جا نیاورد.

#### مسئله ۴۳۳

اگر زن بداند خونی که از او خارج می‌شود خون زخم نیست و شرعاً حکم حیض و نفاس را ندارد، بنا بر احتیاط واجب، باید به دستور استحاضه عمل کند؛ بلکه اگر شک داشته باشد که خون استحاضه است یا خون‌های دیگر، چنانچه نشانه آنها را نداشته باشد، بنا بر احتیاط واجب باید کارهای استحاضه را انجام دهد.

#### حیض

#### حیض

حیض، خونی است که غالباً در هر ماه چند روزی از رحم زن‌ها خارج می‌شود و زن را در موقع دیدن خون حیض، حائض می‌گویند.

#### مسئله ۴۳۴

خون حیض در بیشتر اوقات، غلیظ و گرم و رنگ آن سرخ تیره مایل به سیاهی یا سرخ است و با فشار و کمی سوزش بیرون می‌آید.

#### مسئله ۴۳۵

زن‌های سیده بعد از تمام شدن شصت سال قمری یائسه می‌شوند، یعنی خون حیض نمی‌بینند و زن‌هایی که سیده نیستند، بعد از تمام شدن پنجاه سال قمری یائسه می‌شوند.

#### مسئله ۴۳۶

خونی که دختر پیش از تمام شدن نه سال قمری و زن بعد از یائسه شدن می‌بیند حیض نیست.

#### مسئله ۴۳۷

زن حامله و زنی که بچه شیر می‌دهد، ممکن است حیض ببیند.

#### مسئله ۴۳۸

دختری که نمی‌داند نه سال قمری اش تمام شده یا نه، اگر خونی ببیند که نشانه‌های حیض را نداشته باشد حیض نیست و اگر نشانه‌های حیض را داشته باشد و اطمینان به حیض بودنش پیدا کند، حیض است و معلوم می‌شود نه سال قمری او تمام شده است.

**مسئله ۴۳۹**

زنی که شک دارد یائسه شده یا نه، اگر خونی ببیند و نداند حیض است یا نه باید بنا بگذارد که یائسه نشده است.

**مسئله ۴۴۰**

مدت حیض به طور طبیعی و معمول کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نمی‌شود و اگر صاحب عادت وقتی در ایام حیض ماهانه با استعمال دارو کاری کند که در مدت کمتر از سه روز رحم سریع خونریزی کند و تمام خون‌هایی که در ایام حیض معمولاً می‌دید خارج شود و یقین کند که این خون‌ها خون حیض ماهانه است و غیر از توالی سه روز نشانه‌های دیگر حیض در آن باشد آن خون، خون حیض به شمار می‌آید و احکام حیض بر آن مترتب می‌شود.

**مسئله ۴۴۱**

در صورتی که دارو برای تسریع قذف دم رحم، (سریع‌تر خارج شدن خون از رحم) استفاده نکرده باشد باید سه روز اول حیض پشت سرهم باشد.

**مسئله ۴۴۲**

لازم نیست در تمام سه روز خون بیرون بیاید، بلکه اگر در فرج خون باشد کفایت و چنانچه در بین سه روز مختصری پاک شود و مدت پاک شدن به قدری کم باشد که بگویند در تمام سه روز در فرج خون بوده، باز هم حیض است.

**مسئله ۴۴۳**

لازم نیست شب اول و شب چهارم را خون ببیند، ولی باید در شب دوم و سوم خون قطع نشود، پس اگر از اذان صبح روز اول تا غروب روز سوم پشت سرهم خون بیاید، یا در وسط‌های روز اول شرع شود و در همان موقع از روز چهارم قطع شود و در شب دوم و سوم هم هیچ خون قطع نشود، حیض است.

**مسئله ۴۴۴**

اگر سه روز پشت سرهم خون ببیند و پاک شود، چنانچه دوباره خون ببیند و روزهایی که خون دیده و در وسط پاک بوده روی هم از ده روز بیشتر نشود روزهایی هم که در وسط پاک بوده حیض است.

**مسئله ۴۴۵**

اگر خونی ببیند که از سه روز بیشتر و از ده روز کمتر باشد و نداند خون دمل است یا خون حیض چنانچه نداند دمل در طرف چپ است یا طرف راست در صورتی که ممکن باشد مقداری پنبه داخل کند و بیرون آورد پس اگر خون از طرف چپ بیرون آید، خون حیض است و اگر از طرف راست بیرون آید خون دمل است و اگر ممکن نباشد که واریسی کند در صورتی که می‌داند خون سابق حیض بوده حیض قرار دهد و اگر دمل بوده خون دمل قرار دهد و اگر نمی‌داند خون حیض بوده یا دمل باید همه چیزهایی را که بر حائض حرام است ترک کند و همه عبادت‌هایی را که زن غیر حائض انجام می‌دهد به جا آورد.

**مسئله ۴۴۶**

اگر خونی ببیند که از سه روز بیشتر و از ده روز کمتر باشد و نداند خون حیض است یا زخم، اگر قبلاً حیض بوده حیض و اگر پاک بوده پاک قرار دهد و چنانچه نمی‌داند پاک بوده یا حیض همه چیزهایی را که بر حائض حرام است ترک کند و همه عبادت‌هایی که زن غیر حائض انجام می‌دهد به جا آورد.

**مسئله ۴۴۷**

اگر خونی ببیند و شک کند که خون حیض است یا نفاس، چنانچه شرایط حیض را داشته باشد، باید حیض قرار دهد.

**مسئله ۴۴۸**

اگر خونی ببیند که نداند خون حیض است یا بکارت، باید خود را واریسی کند، یعنی مقداری پنبه داخل فرج نماید و کمی صبر کند، بعد بیرون آورد. پس اگر اطراف آن آلوده باشد، خون بکارت است و اگر به همه آن رسیده، حیض می‌باشد.

**مسئله ۴۴۹**

اگر کمتر از سه روز خون ببیند و پاک شود و بعد از سه روز خون ببیند، اگر خون دوم دارای شرایط حیض باشد، حیض است و خون اول اگر چه در روزهای عادتش باشد، حیض نیست.

**احکام حائض****مسئله ۴۵۰**

چند چیز بر حائض حرام است:

اول عبادت‌هایی که مانند نماز باید با وضو یا غسل یا تیمم به جا آورده شود، ولی به جا آوردن عبادت‌هایی که وضو و غسل و تیمم برای آنها لازم نیست، مانند نماز میت، مانعی ندارد.

دوم تمام چیزهایی که بر جنب حرام است و در احکام جنابت گفته شد.

سوم جماع کردن در فرج، که هم برای مرد حرام است و هم برای زن، اگر چه فقط به مقدار ختنه گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید، احتیاط واجب آن است که مقدار کمتر از ختنه گاه را هم داخل نکنند و هم چنین - بنا بر احتیاط واجب - وطی در دُبُر زن حائض حرام است.

**مسئله ۴۵۱**

جماع کردن در روزهایی هم که حیض زن قطعی نیست ولی شرعاً باید برای خود حیض قرار دهد حرام است، پس زنی که بیشتر از ده روز خون می‌بیند و باید به دستوری که بعداً گفته می‌شود روزهای عادت خویشان خود را حیض قرار دهد، شوهرش نمی‌تواند در آن روزها با او نزدیکی نماید.

**مسئله ۴۵۲**

اگر شماره روزهای حیض زن به سه قسمت تقسیم شود و مرد در قسمت اول آن با زن خود در قبل جماع کند، بنا بر احتیاط واجب باید هیجده نخود کفاره به فقیر بدهد و اگر در قسمت دوم جماع کند، نه نخود و اگر در قسمت سوم جماع کند، باید چهار نخود و نیم بدهد. مثلاً زنی که شش روز خون حیض می‌بیند، اگر شوهرش در شب یا روز اول و دوم با او جماع کند، باید هیجده نخود طلا بدهد و در شب یا روز سوم و چهارم نه نخود و در شب یا روز پنجم و ششم، باید چهار نخود و نیم بدهد.

#### مسئله ۴۵۳

وطی در دبر زن حائض به احتیاط واجب کفاره دارد.

#### مسئله ۴۵۴

لازم نیست کفاره را از طلای سکه‌دار بدهد، ولی اگر بخواهد قیمت آن را بدهد، باید قیمت سکه‌دار بدهد.

#### مسئله ۴۵۵

اگر قیمت طلا در وقتی که جماع کرده با وقتی که می‌خواهد به فقیر بدهد فرق کرده باشد، باید قیمت وقتی را که می‌خواهد به فقیر بدهد حساب کند.

#### مسئله ۴۵۶

اگر کسی هم در قسمت اول و هم در قسمت دوم و هم در قسمت سوم حیض با زن خود جماع کند، باید هر سه کفاره را که روی هم سی و یک نخود و نیم می‌شود بدهد.

#### مسئله ۴۵۷

اگر انسان بعد از آن که در حال حیض جماع کرده و کفاره آن را داده دوباره جماع کند واجب است باز هم کفاره بدهد.

#### مسئله ۴۵۸

اگر با زن حائض چند مرتبه جماع کند و در بین آن کفاره ندهد، احتیاط واجب آن است که برای هر جماع یک کفاره بدهد.

#### مسئله ۴۵۹

اگر مرد در حال جماع بفهمد زن حائض شده، باید فوراً از او جدا شود و اگر جدا نشود، بنا بر احتیاط واجب باید کفاره بدهد.

#### مسئله ۴۶۰

اگر مرد با زن حائض زنا کند یا با زن حائض نامحرمی به گمان این که عیال خود او است جماع نماید، باید کفاره بدهد.

#### مسئله ۴۶۱

کسی که نمی‌تواند کفاره بدهد، بنا بر احتیاط یک فقیر را اطعام کند و اگر نمی‌تواند، بنا بر احتیاط واجب باید استغفار کند و هر وقت توانست باید کفاره را بدهد.

#### مسئله ۴۶۲

طلاق دادن زن در حال حیض، به طوری که در کتاب طلاق گفته می‌شود باطل است.

#### مسئله ۴۶۳

اگر زن بگوید:

حائضم، یا از حیض پاک شده‌ام، باید حرف او را قبول کرد.

#### مسئله ۴۶۴

اگر زن در بین نماز حائض شود، نماز او باطل است.

#### مسئله ۴۶۵

اگر زن در بین نماز شک کند که حائض شده یا نه، نماز او صحیح است ولی اگر بعد از نماز بفهمد که در بین نماز حائض شده نمازی که خوانده باطل است.

#### مسئله ۴۶۶

بعد از آن که زن از خون حیض پاک شد، واجب است برای نماز و عبادت‌های دیگری که باید با وضو یا غسل یا تیمم به جا آورده شود، غسل کند. دستور آن مثل غسل جنابت است، ولی برای نماز باید پیش از غسل یا بعد از آن وضو هم بگیرد و اگر پیش از غسل وضو بگیرد، بهتر است.

#### مسئله ۴۶۷

بعد از آن که زن از خون حیض پاک شد، اگر چه غسل نکرده باشد، طلاق او صحیح است و شوهرش هم می‌تواند با او جماع کند، ولی احتیاط مستحب آن است که پیش از غسل از جماع با او خودداری نماید. اما کارهای دیگری که در وقت حیض بر او حرام بوده مانند توقف در مسجد و مس خط قرآن، تا غسل نکنند بر او حلال نمی‌شود.

#### مسئله ۴۶۸

اگر آب برای وضو و غسل کافی نباشد، بلکه اگر فقط برای غسل کافی باشد، باید غسل کند و بدل از وضو تیمم کند، اگر آب فقط برای وضو کافی باشد و به اندازه غسل نباشد، باید وضو بگیرد و عوض از غسل تیمم نماید و اگر برای هیچ یک از آنها آب ندارد، باید دو تیمم کند، یکی بدل از غسل و یکی بدل از وضو.

#### مسئله ۴۶۹

نمازهای یومیهای که زن در حال حیض نخوانده، قضا ندارد، ولی روزه‌های واجب را باید قضا نماید.

#### مسئله ۴۷۰

هر گاه وقت نماز داخل شود و بداند که اگر نماز را تأخیر بیندازد حائض می‌شود، باید فوراً نماز بخواند.

#### مسئله ۴۷۱

اگر زن نماز را تأخیر بیندازد و از اول وقت به اندازه انجام واجبات یک نماز بگذرد و حائض شود، قضای آن نماز بر او واجب است، ولی در تند خواندن و کند خواندن و چیزهای دیگر باید ملاحظه حال خود را بکند، مثلاً زنی که مسافر نیست، اگر در اول ظهر نماز نخواند، قضای آن در صورتی واجب می‌شود که به مقدار خواندن چهار رکعت نماز به دستوری که گفته شد از اول ظهر بگذرد و حائض شود، برای کسی که مسافر است، گذشتن وقت به مقدار خواندن دو رکعت کفایت و نیز باید ملاحظه تهیه شرایطی را که دارا نیست بنماید، پس اگر به مقدار فراهم آوردن آن مقدمات و خواندن یک نماز بگذرد و حائض شود قضا واجب است و گرنه واجب نیست.

#### مسئله ۴۷۲

اگر زن در آخر وقت نماز از خون پاک شود و به اندازه غسل و وضو و مقدمات دیگر نماز مانند تهیه کردن لباس یا آب کشیدن آن و خواندن یک رکعت نماز یا بیشتر از یک رکعت وقت داشته باشد، باید نماز را بخواند و اگر نخواند، باید قضای آن را به جا آورد.

#### مسئله ۴۷۳

اگر زن حائض به اندازه غسل و وضو وقت ندارد، ولی می‌تواند با تیمم نماز را در وقت بخواند، آن نماز بر او واجب نیست، اما اگر گذشته از تنگی وقت تکلیفش تیمم است، مثل آن که آب برایش ضرر دارد، باید تیمم کند و آن نماز را بخواند.

#### مسئله ۴۷۴

اگر زن حائض بعد از پاک شدن شک کند که برای نماز وقت دارد یا نه باید نمازش را بخواند.

#### مسئله ۴۷۵

اگر به خیال این که به اندازه تهیه مقدمات نماز و خواندن یک رکعت وقت ندارد نماز نخواند و بعد بفهمد وقت داشته، باید قضای آن نماز را به جا آورد.

#### مسئله ۴۷۶

مستحب است زن حائض در وقت نماز، خود را از خون پاک نماید و پنبه و دستمال را عوض کند و وضو بگیرد و اگر نمی‌تواند وضو بگیرد، تیمم نماید و در جای نماز رو به قبله بنشیند و مشغول ذکر و دعا و صلوات شود.



## مسئله ۴۷۷

خواندن و همراه داشتن قرآن و رساندن جایی از بدن به حاشیه و مابین خط‌های قرآن و نیز خضاب کردن به حنا و مانند آن برای حائض مکروه است.

## اقسام زنهاى حائض

## اشاره

## مسئله ۴۷۸

زن‌های حائض بر شش قسمند:

اول صاحب عادت وقتی و عددیه و آن زنی است که دو ماه پشت سرهم در وقت معین خون حیض ببیند و شماره روزهای حیض او هم در هر دو ماه یک اندازه باشد، مثل آن که دو ماه پشت سرهم از اول ماه تا هفتم خون ببیند.

دوم صاحب عادت وقتی و آن زنی است که دو ماه پشت سرهم در وقت معین خون حیض ببیند ولی شماره روزهای حیض او در هر دو ماه یک اندازه نباشد، مثلاً دو ماه پشت سرهم از روز اول ماه خون ببیند ولی ماه اول روز هفتم و ماه دوم روز هشتم از خون پاک شود.

سوم صاحب عادت عددیه و آن زنی است که شماره روزهای حیض او در دو ماه پشت سرهم به یک اندازه باشد، ولی وقت دیدن آن دو خون یکی نباشد، مثل آن که ماه اول از پنجم تا دهم و ماه دوم از دوازدهم تا هفدهم خون ببیند، چهارم مضطربه و آن زنی است که چند ماه خون دیده، ولی عادت معینی پیدا نکرده یا عادتش به هم خورده و عادت تازه‌ای پیدا نکرده است. پنجم مبتدئه و آن زنی است که دفعه اول خون دیدن او است.

ششم ناسیه و آن زنی است که عادت خود را فراموش کرده است و هر کدام اینها احکامی دارند که در مسائل آینده گفته می‌شود.

## ۱ - صاحب عادت وقتی و عددیه

## مسئله ۴۷۹

زن‌هایی که عادت وقتی و عددیه دارند سه دسته‌اند:

اول زنی که دو ماه پشت سرهم در وقت معین خون حیض ببیند و در وقت معین هم پاک شود، مثلاً دو ماه پشت سرهم از روز اول ماه خون ببیند و روز هفتم پاک شود که عادت حیض این زن از اول ماه تا هفتم است.

دوم زنی که از خون پاک نمی‌شود، ولی دو ماه پشت سرهم چند روز معین مثلاً از اول ماه تا هشتم خونی که می‌بیند نشانه‌های حیض را دارد، یعنی غلیظ و سیاه و گرم است و با فشار و سوزش بیرون می‌آید و بقیه خون‌های او نشانه‌های استحاضه را دارد که عادت او از اول ماه تا هشتم می‌شود.

سوم زنی که دو ماه پشت سرهم در وقت معین خون حیض ببیند و بعد از آن که سه روز یا بیشتر خون دید، یک روز یا بیشتر پاک شود و دوباره خون ببیند و تمام روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده، از ده روز بیشتر نشود و در هر دو ماه همه روزهایی که خون دیده و در وسط پاک بوده روی هم یک اندازه باشد که عادت او به اندازه تمام روزهایست که خون دیده

و در وسط پاک بوده است و لازم نیست روزهایی که در وسط پاک بوده در هر دو ماه به یک اندازه باشد، مثلاً اگر در ماه اول از روز اول ماه تا سوم خون ببیند و سه روز پاک شود و دوباره سه روز خون ببیند و در ماه دوم بعد از آن که سه روز خون دید، سه روز یا کمتر یا بیشتر پاک شود و دوباره خون ببیند و روی هم از نه روز بیشتر نشود. همه حیض است و عادت این زن نه روز می‌شود.

#### مسئله ۴۸۰

زنی که عادت وقتی و عددیه دارد، اگر در وقت عادت یا دو سه روز جلوتر یا دو سه روز عقب‌تر خون ببیند، به طوری که بگویند حیض را جلو یا عقب انداخته، اگر چه آن خون، نشانه‌های حیض را نداشته باشد، باید به احکامی که برای زن حائض گفته شد عمل کند و چنانچه بعد بفهمد حیض نبوده مثل این که پیش از سه روز پاک شود، باید عبادت‌هایی را که به جا نیاورده قضا نماید.

#### مسئله ۴۸۱

زنی که عادت وقتی و عددیه دارد، اگر چند روز پیش از عادت و همه روزهای عادت و چند روز بعد از عادت خون ببیند و روی هم از ده روز بیشتر نشود، همه حیض است و اگر از ده روز بیشتر شود، فقط خونی را که در روزهای عادت خود دیده، حیض است و خونی که پیش از آن و بعد از آن دیده استحاضه می‌باشد، باید عبادت‌هایی را که در روزهای پیش از عادت و بعد از عادت به جا نیاورده قضا نماید. اگر همه روزهای عادت را با چند روز پیش از عادت خون ببیند و روی هم از ده روز بیشتر نشود همه حیض است و اگر از ده روز بیشتر شود، فقط روزهای عادت او حیض است و خونی که جلوتر از آن دیده استحاضه می‌باشد. چنانچه در آن روزها عبادت نکرده، باید قضا نماید. اگر همه روزهای عادت را با چند روز بعد از عادت خون ببیند و روی هم از ده روز بیشتر نشود، همه حیض است، اگر بیشتر شود فقط روزهای عادت حیض و باقی استحاضه است.

#### مسئله ۴۸۲

زنی که عادت وقتی و عددیه دارد، اگر مقداری از روزهای عادت را با چند روز پیش از عادت خون ببیند و روی هم از ده روز بیشتر نشود همه حیض است. اگر از ده روز بیشتر شود، روزهایی که در عادت، خون دیده با چند روز پیش از آن که روی هم به مقدار عادت او شود حیض و روزهای اول را استحاضه قرار می‌دهد. اگر مقداری از روزهای عادت را با چند روز بعد از عادت خون ببیند و روی هم از ده روز بیشتر نشود، همه حیض است و اگر بیشتر شود، باید روزهایی که در عادت خون دیده با چند روز بعد از آن که روی هم به مقدار عادت او شود، حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

#### مسئله ۴۸۳

زنی که عادت دارد، اگر بعد از آن که سه روز یا بیشتر خون دید پاک شود و دوباره خون ببیند و فاصله بین دو خون کمتر از ده روز باشد و همه روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز بیشتر باشد. مثل آن که پنج روز خون ببیند و پنج روز پاک شود و دوباره پنج روز خون ببیند، چند صورت دارد:

۱ - آن که تمام خونی که دفعه اول دیده، یا مقداری از آن، در روزهای عادت باشد و خون دوم که بعد از پاک شدن می‌بیند در روزهای عادت نباشد، که باید همه خون اول را حیض و خون دوم را استحاضه قرار دهد.

۲ - آن که خون اول در روزهای عادت نباشد و تمام خون دوم یا مقداری از آن در روزهای عادت باشد که باید همه خون دوم را حیض و خون اول را استحاضه قرار دهد.

۳ - آن که مقداری از خون اول و دوم در روزهای عادت باشد و خون اولی که در روزهای عادت بوده از سه روز کمتر نباشد که در این صورت همه آنها حیض است و مقداری از خون اول که پیش از روزهای عادت بوده و مقداری از خون دوم که بعد از روزهای عادت بوده استحاضه است، مثلاً اگر عادتش از سوم ماه تا دهم بوده، در صورتی که یک ماه از اول تا ششم خون ببیند و دو روز پاک شود و بعد تا پانزدهم خون ببیند، از سوم تا دهم حیض است و از اول تا سوم و همچنین از دهم تا پانزدهم استحاضه می‌باشد.

۴ - آن که مقداری از خون اول و دوم در روزهای عادت باشد ولی خون اولی که در روزهای عادت بوده، از سه روز کمتر باشد، که باید در تمام دو خون و پاکی وسط کارهایی را که بر حائض حرام است و سابقاً گفته شد، ترک کند و کارهای استحاضه را به جا آورد، یعنی به دستوری که برای زن مستحاضه گفته شد عبادت‌های خود را انجام دهد.

#### مسئله ۴۸۴

زنی که عادت وقتی و عددی دارد، اگر در وقت عادت خون نبیند و در غیر آن وقت به شماره روزهای حیضش خون ببیند، باید همان را حیض قرار دهد، چه پیش از وقت عادت دیده باشد چه بعد از آن.

#### مسئله ۴۸۵

زنی که عادت وقتی و عددی دارد، اگر در وقت عادت خود خون ببیند، ولی شماره روزهای آن کمتر یا بیشتر از روزهای عادت او باشد و بعد از پاک شدن، دوباره به شماره روزهای عادت که داشته خون ببیند، باید در هر دو خون کارهایی را که بر حائض حرام است ترک کند و کارهای استحاضه را به جا آورد.

#### مسئله ۴۸۶

زنی که عادت وقتی و عددی دارد، اگر بیشتر از ده روز خون ببیند، خونی که در روزهای عادت دیده اگر چه نشانه‌های حیض را نداشته باشد، حیض است و خونی که بعد از روزهای عادت دیده اگر چه نشانه‌های حیض را داشته باشد، استحاضه است. مثلاً زنی که عادت حیض او از اول ماه تا هفتم است، اگر از اول تا دوازدهم خون ببیند، هفت روز اول آن حیض و پنج روز بعد استحاضه می‌باشد.

#### ۲ - صاحب عادت وقتی

#### مسئله ۴۸۷

زنهایی که عادت وقتی دارند، سه دسته‌اند:

اول زنی که دو ماه پشت سر هم در وقت معین خون حیض ببیند و بعد از چند روز پاک شود ولی شماره روزهای آن در هر دو ماه یک اندازه نباشد، مثلاً دو ماه پشت سر هم روز اول ماه خون ببیند ولی ماه اول روز هفتم و ماه دوم، روز هشتم از خون پاک شود،

که این زن باید روز اول ماه را عادت حیض خود قرار دهد.

دوم زنی که از خون پاک نمی‌شود، ولی دو ماه پشت سر هم در وقت معین خون او نشانه‌های حیض را دارد؛ یعنی غلیظ و سیاه و گرم است و با فشار و سوزش بیرون می‌آید و بقیه خون‌های او نشانه استحاضه را دارد و شماره روزهایی که خون او نشانه حیض دارد، در هر دو ماه یک اندازه نیست. مثلاً در ماه اول از اول ماه تا هفتم و در ماه دوم از اول ماه تا هشتم خون او نشانه‌های حیض و بقیه نشانه استحاضه را داشته باشد، که این زن هم باید روز اول ماه را روز اول عادت حیض خود قرار دهد. سوم، زنی که دو ماه پشت سر هم در وقت معین سه روز یا بیشتر خون حیض ببیند و بعد پاک شود و دو مرتبه خون ببیند و تمام روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز بیشتر نشود ولی ماه دوم کمتر یا بیشتر از ماه اول باشد، مثلاً در ماه اول هشت روز و در ماه دوم نه روز باشد که این زن هم باید روز اول ماه را روز اول عادت حیض خود قرار دهد.

#### مسئله ۴۸۸

زنی که عادت وقتیه دارد، اگر در وقت عادت خود یا دو سه روز پیش از عادت یا دو سه روز بعد از عادت خون ببیند به طوری که بگویند حیض را جلو یا عقب انداخته، اگر چه آن خون نشانه‌های حیض را نداشته باشد، باید به احکامی که برای زن‌های حائض گفته شود رفتار نماید و اگر بعد بفهمد حیض نبوده، مثل آن که پیش از سه روز پاک شود، باید عبادت‌هایی را که به جا نیاورده قضا نماید.

#### مسئله ۴۸۹

زنی که عادت وقتیه دارد، اگر بیشتر از ده روز خون ببیند و نتواند حیض را به واسطه نشانه‌های آن تشخیص دهد، باید شماره عادت خویشان خود را حیض قرار دهد، چه پدری باشند چه مادری، زنده باشند یا مرده. ولی در صورتی می‌تواند عادت آنان را حیض خود قرار دهد که شماره روزهای حیض همه آنان یک اندازه باشد و اگر شماره روزهای حیض آنان یک اندازه نباشد، مثلاً عادت بعضی پنج روز و عادت بعضی دیگر هفت روز باشد، نمی‌تواند عادت آنان را حیض خود قرار دهد، مگر کسانی که عادتشان با دیگران فرق دارد به قدری کم باشند که در مقابل آنان هیچ حساب شوند که در این صورت باید عادت بیشتر آنان را حیض خود قرار دهد.

#### مسئله ۴۹۰

زنی که عادت وقتیه دارد و شماره عادت خویشان خود را حیض قرار می‌دهد، باید روزی را که در هر ماه اول عادت او بوده، اول حیض خود قرار دهد، مثلاً زنی که هر ماه، روز اول ماه خون می‌دید و گاهی روز هفتم و گاهی روز هشتم پاک می‌شده، چنانچه یک ماه دوازده روز خون ببیند و عادت خویشانش هفت روز باشد، باید هفت روز اول ماه را حیض و باقی را استحاضه قرار دهد.

#### مسئله ۴۹۱

زنی که عادت وقتیه دارد و باید شماره عادت خویشان خود را حیض قرار دهد، چنانچه خویش نداشته باشد، یا شماره عادت آنان مثل هم نباشد، باید در هر ماه از روزی که خون می‌بیند تا هفت روز را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

## ۳ - صاحب عادت عددیه

## مسئله ۴۹۲

زن‌هایی که عادت عددیه دارند، سه دسته‌اند:

اول زنی که شماره روزهای حیض او در دو ماه پشت سر هم یک اندازه باشد، ولی وقت خون دیدن او یکی نباشد که در این صورت هر چند روزی که خون دیده عادت او می‌شود. مثلاً اگر ماه اول از روز اول تا پنجم و ماه دوم از یازدهم تا پانزدهم خون ببیند، عادت او پنج روز می‌شود.

دوم زنی که از خون پاک نمی‌شود ولی دو ماه پشت سر هم چند روز از خونی که می‌بیند نشانه حیض و بقیه نشانه استحاضه را دارد و شماره روزهایی که خون نشانه حیض دارد، در هر دو ماه یک اندازه است، اما وقت آن یکی نیست، که در این صورت هر چند روزی که خون او نشانه حیض را دارد، عادت او می‌شود. مثلاً اگر یک ماه از اول ماه تا پنجم و ماه بعد از یازدهم تا پانزدهم خون او نشانه حیض و بقیه نشانه استحاضه را داشته باشد، شماره روزهای عادت او پنج روز می‌شود.

سوم زنی که دو ماه پشت سر هم سه روز یا بیشتر خون ببیند و یک روز یا بیشتر پاک شود و دو مرتبه خون ببیند و وقت دیدن خون در ماه اول با ماه دوم فرق داشته باشد، که اگر تمام روزهایی که خون دیده و روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز بیشتر نشود و شماره روزهای آن هم به یک اندازه باشد، تمام روزهایی که خون دیده با روزهای وسط که پاک بوده عادت حیض او می‌شود و لازم نیست روزهایی که در وسط پاک بوده در هر دو ماه به یک اندازه باشد. مثلاً اگر ماه اول از روز اول ماه تا سوم خون ببیند و دو روز پاک شود و دوباره سه روز خون ببیند و ماه دوم از یازدهم تا سیزدهم خون ببیند و دو روز یا بیشتر یا کمتر پاک شود و دوباره خون ببیند و روی هم از هشت روز بیشتر نشود، عادت او هشت روز می‌شود.

## مسئله ۴۹۳

زنی که عادت عددیه دارد، اگر بیشتر از شماره عادت خود خون ببیند و از ده روز بیشتر شود، چنانچه همه خون‌هایی که دیده یک جور باشد، باید از موقع دیدن خون به شماره روزهای عادتش حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد و اگر همه خون‌هایی که دیده یک جور نباشد، بلکه چند روز از آن، نشانه حیض و چند روز دیگر نشانه استحاضه را داشته باشد، اگر روزهایی که خون، نشانه حیض را دارد با شماره روزهای عادت او یک اندازه است، باید همان روزها را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد و اگر روزهایی که خون نشانه حیض دارد، از روزهای عادت او بیشتر است، فقط به اندازه روزهای عادت او حیض و بقیه استحاضه است و اگر روزهایی که خون نشانه حیض دارد از روزهای عادت او کمتر است، باید آن روزها را با چند روز دیگر که روی هم به اندازه روزهای عادتش شود، حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

## ۴ - مضطربه

## مسئله ۴۹۴

مضطربه؛ یعنی زنی که چند ماه خون دیده ولی عادت معینی پیدا نکرده است، اگر بیشتر از ده روز خون ببیند و همه خون‌هایی که دیده یک جور باشد، چنانچه عادت خویشان او هفت روز است، باید هفت روز را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد و اگر کمتر است مثلاً پنج روز است، باید همان را حیض قرار دهد و بنا بر احتیاط واجب، در تفاوت بین شماره عادت آنان و هفت روز که دو

روز است کارهایی را که بر حائض حرام است ترک نماید و کارهای استحاضه را به جا آورد، یعنی به دستوری که برای زن مستحاضه گفته شد، عبادت‌های خود را انجام دهد و اگر عادت خویشانش بیشتر از هفت روز مثلاً نه روز است، باید هفت روز را حیض قرار دهد و بنا بر احتیاط واجب در تفاوت بین هفت روز و عادت آنان که دو روز است، کارهای استحاضه را به جا آورد و کارهایی را که بر حائض حرام است، ترک نماید.

#### مسئله ۴۹۵

مضطربه، اگر بیشتر از ده روز خونی ببیند که چند روز آن نشانه حیض و چند روز دیگر نشانه استحاضه دارد، چنانچه خونی که نشانه حیض دارد کمتر از سه روز یا بیشتر از ده روز نباشد، همه آن حیض است و اگر خونی که نشانه حیض را دارد کمتر از سه روز باشد، باید همان را حیض قرار دهد و تا به هفت روز برسد، همان را حیض قرار بدهد و بقیه آن را که تا هفت روز برسد به دستوری که در مسئله قبل گفته شد رفتار نماید و همچنین است اگر پیش از گذشتن ده روز از خونی که نشانه حیض دارد دوباره خونی ببیند که آن هم نشانه حیض را داشته باشد، مثل آن که پنج روز خون سیاه و نه روز خون زرد و دوباره پنج روز خون سیاه ببیند، باید خون اول را حیض قرار دهد و بقیه آن را که تا هفت روز برسد به دستوری که در مسئله قبل گفته شد، رفتار نماید.

#### ۵ - مبتدئه

#### مسئله ۴۹۶

مبتدئه، یعنی زنی که دفعه اول خون دیدن او است، اگر بیشتر از ده روز خون ببیند و همه خون‌هایی که دیده یک جور باشد، باید عادت خویشانش خود را به طوری که در وقتیه گفته شد، حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

#### مسئله ۴۹۷

مبتدئه اگر بیشتر از ده روز خونی ببیند که چند روز آن نشانه حیض و چند روز دیگر نشانه استحاضه را داشته باشد، چنانچه خونی که نشانه حیض دارد کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نباشد، همه آن حیض است، ولی اگر پیش از گذشتن ده روز از خونی که نشانه حیض دارد دوباره خونی ببیند که آن هم نشانه خون حیض را داشته باشد، مثل آن که پنج روز خون سیاه و نه روز خون زرد و دوباره پنج روز خون سیاه ببیند، باید از اول خون اول که نشانه حیض دارد، حیض قرار دهد و در عدد رجوع به خویشاوندان خود کند و بقیه را استحاضه قرار دهد.

#### مسئله ۴۹۸

مبتدئه، اگر بیشتر از ده روز خونی ببیند که چند روز آن نشانه حیض و چند روز دیگر آن نشانه استحاضه داشته باشد، چنانچه خونی که نشانه حیض دارد از سه روز کمتر یا از ده روز بیشتر باشد، باید از اولی که خون نشانه حیض دارد، حیض قرار دهد و در عدد به خویشاوندان خود رجوع کند و بقیه را استحاضه قرار دهد.

#### ۶ - ناسیه

**مسئله ۴۹۹**

ناسیه، یعنی زنی که عادت خود را فراموش کرده است، اگر بیشتر از ده روز خون ببیند، باید روزهایی که خون او نشانه حیض را دارد تا ده روز، حیض قرار دهد و بقیه را استحاضه قرار دهد و اگر نتواند حیض را به واسطه نشانه‌های آن تشخیص دهد، بنا بر احتیاط واجب باید هفت روز اول را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

**مسائل متفرقه حیض****مسئله ۵۰۰**

مبتدئه و مضطربه و ناسیه و زنی که عادت عددیه دارد، اگر خونی ببیند که نشانه‌های حیض را داشته باشد، یا یقین کنند که سه روز طول می‌کشد، باید عبادت را ترک کنند و چنانچه بعد بفهمند حیض نبوده، باید عبادت‌هایی را که به جا نیاورده‌اند، قضا نمایند، ولی اگر یقین نکنند که تا سه روز طول می‌کشد و نشانه‌های حیض را هم نداشته باشد، بنا بر احتیاط واجب باید تا سه روز کارهای استحاضه را به جا آورند و کارهایی را که بر حائض حرام است ترک نمایند و چنانچه پیش از سه روز پاک نشدند، باید آن را حیض قرار دهند.

**مسئله ۵۰۱**

زنی که در حیض عادت دارد، چه در وقت حیض عادت داشته باشد چه در عدد حیض یا هم در وقت و هم در عدد آن، اگر دو ماه پشت سرهم برخلاف عادت خود خونی ببیند که وقت آن یا شماره روزهای آن یا هم وقت و هم شماره روزهای آن یکی باشد، عادتش بر می‌گردد به آنچه در این دو ماه دیده است، مثلاً اگر از روز اول ماه تا هفتم خون می‌دیده و پاک می‌شده، چنانچه دو ماه از دهم تا هفدهم ماه خون ببیند و پاک شود، از دهم تا هفدهم عادت او می‌شود.

**مسئله ۵۰۲**

مقصود از یک ماه، از ابتدای خون دیدن است تا سی روز، نه از روز اول ماه تا آخر ماه.

**مسئله ۵۰۳**

زنی که معمولاً ماهی یک مرتبه خون می‌بیند، اگر در یک ماه دو مرتبه خون ببیند و آن خون نشانه‌های حیض را داشته باشد، چنانچه روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز کمتر نباشد، باید هر دو را حیض قرار دهد.

**مسئله ۵۰۴**

اگر سه روز یا بیشتر خونی ببیند که نشانه حیض را دارد، بعد ده روز یا بیشتر خونی ببیند که نشانه استحاضه را دارد و دوباره سه روز خونی به نشانه‌های حیض ببیند، باید خون اول و خون آخر را که نشانه‌های حیض داشته، حیض قرار دهد.

**مسئله ۵۰۵**

اگر زن پیش از ده روز پاک شود و بداند که در باطن خون نیست، باید برای عبادت‌های خود غسل کند، اگر چه گمان داشته باشد که پیش از تمام شدن ده روز دوباره خون می‌بیند، ولی اگر یقین داشته باشد که پیش از تمام شدن ده روز دوباره خون می‌بیند، نباید غسل کند و نمی‌تواند نماز بخواند و باید به احکام حائض رفتار نماید.

### مسئله ۵۰۶

اگر زن پیش از ده روز پاک شود و احتمال دهد که در باطن خون هست، باید قدری پنبه داخل فرج نماید و کمی صبر کند و بیرون آورد. پس اگر پاک بود، غسل کند و عبادت‌های خود را به جا آورد و اگر پاک نبود، اگر چه به آب زرد رنگی هم آلوده باشد، چنانچه در حیض عادت ندارد یا عادت او ده روز است، باید صبر کند که اگر پیش از ده روز پاک شود، غسل کند و اگر سر ده روز پاک شود، یا خون او از ده گذشته سر ده روز غسل نماید و اگر عادتش کمتر از ده روز است، در صورتی که بداند پیش از تمام شدن ده روز یا سر ده روز پاک می‌شود، نباید غسل کند و اگر احتمال دهد خون او از ده روز می‌گذرد، احتیاط واجب آن است که تا یک روز عبادت را ترک کند و بعد از آن تا ده روز می‌تواند عبادت را ترک نماید؛ ولی بهتر است که تا ده روز کارهایی را که بر حائض حرام است ترک کند و کارهای استحاضه را انجام دهد. پس اگر پیش از تمام شدن ده روز یا سر ده روز از خون پاک شد، تمامش حیض است و اگر از ده روز گذشته باید عادت خود را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد و عبادت‌هایی را که بعد از روزهای عادت به جا نیاورده قضا نماید.

### مسئله ۵۰۷

اگر چند روز را حیض قرار دهد و عبادت نکند، بعد بفهمد حیض نبوده است، باید نماز و روزه‌ای را که در آن روزها به جا نیاورده قضا نماید. اگر چند روز را بگمان این که حیض نیست عبادت کند، بعد بفهمد حیض بوده، چنانچه آن روزها را روزه گرفته باید قضا نماید.

### نفاس

### مسئله ۵۰۸

از وقتی که اولین جزء بیجه از شکم مادر بیرون می‌آید، هر خونی که زن می‌بیند، اگر پیش از ده روز یا سر ده روز قطع شود خون نفاس است و زن را در حال نفاس، نفساء می‌گویند.

### مسئله ۵۰۹

خونی که زن پیش از بیرون آمدن اولین جزء بیجه می‌بیند، نفاس نیست.

### مسئله ۵۱۰

لازم نیست که خلقت بیجه تمام باشد، بلکه اگر خون بسته‌ای هم از رحم زن خارج شود و خود زن بداند، یا چهار نفر قابله بگویند که اگر در رحم می‌ماند انسان می‌شد، خونی که تا ده روز ببیند، خون نفاس است.

### مسئله ۵۱۱



ممکن است خون نفاس یک آن بیشتر نیاید، ولی بیشتر از ده روز نمی‌شود.

### مسئله ۵۱۲

هر گاه شک کند که چیزی سقط شده یا نه، یا چیزی که سقط شده اگر می‌ماند انسان می‌شد یا نه لازم نیست واریسی کند و خونی که از او خارج می‌شود، شرعاً خون نفاس نیست.

### مسئله ۵۱۳

توقف در مساجد و ورود به مسجد الحرام و مسجد النبی و رساندن جایی از بدن به قرآن و کارهای دیگری که بر حائض حرام است، بر نفساء هم حرام است و آنچه بر حائض واجب و مستحب و مکروه است، بر نفساء هم واجب و مستحب و مکروه می‌باشد.

### مسئله ۵۱۴

طلاق دادن زنی که در حال نفاس می‌باشد، باطل است و نزدیکی کردن با او حرام می‌باشد و اگر شوهرش با او نزدیکی کند، احتیاط واجب آن است به دستوری که در احکام حیض گفته شد کفاره بدهد.

### مسئله ۵۱۵

وقتی زن از خون نفاس پاک شد، باید غسل کند و عبادت‌های خود را به جا آورد و اگر دوباره خون ببیند، چنانچه روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده، روی هم ده روز یا کمتر از ده روز باشد، تمام آن نفاس است و اگر روزهایی که پاک بوده روزه گرفته باشد، باید قضا نماید.

### مسئله ۵۱۶

اگر زن از خون نفاس پاک شود و احتمال دهد که در باطن خون هست، باید مقداری پنبه داخل فرج نماید و کمی صبر کند که اگر پاک است، برای عبادت‌های خود غسل کند.

### مسئله ۵۱۷

اگر خون نفاس زن از ده روز بگذرد، چنانچه در حیض عادت دارد به اندازه روزهای عادت او نفاس و بقیه استحاضه است و اگر عادت ندارد تا ده روز نفاس و بقیه استحاضه می‌باشد و احتیاط مستحب آن است کسی که عادت دارد از روز بعد از عادت و کسی که عادت ندارد بعد از روز دهم تا روز هیجدهم زایمان، کارهای استحاضه را به جا آورد و کارهایی را که بر نفساء حرام است، ترک کند.

### مسئله ۵۱۸

زنی که عادت حیضش کمتر از ده روز است، اگر بیشتر از روزهای عادتش خون نفاس ببیند، باید به اندازه روزهای عادت خود نفاس قرار دهد و بعد از آن تا دو روز احتیاط عبادت را ترک کند، پس اگر از ده روز بگذرد، به اندازه روزهای عادتش نفاس و

بقیه استحاضه است و عبادت‌هایی را که در آن دو روز ترک کرده باید قضا کند.

### مسئله ۵۱۹

زنی که در حیض عادت دارد، اگر بعد از زاییدن تا یک ماه یا بیشتر از یک ماه پی در پی خون ببیند، به اندازه روزهای عادت او نفاس است و ده روز از خونی که بعد از نفاس می‌بیند اگر چه در روزهای عادت ماهانه‌اش باشد، استحاضه است، مثلاً زنی که عادت حیض او از بیستم هر ماه تا بیست و هفتم آن است، اگر روز دهم ماه زایید و تا یک ماه یا بیشتر پی در پی خون دید، تا روز هفدهم نفاس و از روز هفدهم تا ده روز حتی خونی که در روزهای عادت خود که از بیستم تا بیست و هفتم است می‌بیند، استحاضه می‌باشد و بعد از گذشتن ده روز، اگر خونی را که می‌بیند در روزهای عادتش باشد، حیض است، چه نشانه‌های حیض را داشته باشد یا نداشته باشد و اگر در روزهای عادتش نباشد، اگر چه نشانه‌های حیض را داشته باشد، باید آن را استحاضه قرار دهد.

### مسئله ۵۲۰

زنی که در حیض عادت ندارد، اگر بعد از زایمان تا یک ماه یا بیشتر از یک ماه خون ببیند، ده روز اول آن نفاس و ده روز دوم آن استحاضه است و خونی که بعد از آن می‌بیند، اگر نشانه حیض را داشته باشد حیض، و گرنه آن هم استحاضه می‌باشد.

### [احکام میت]

#### غسل مس میت

### مسئله ۵۲۱

اگر کسی بدن انسان مرده‌ای را که سرد شده و غسلش نداده‌اند مس کند، یعنی جایی از بدن خود را به آن برساند، باید غسل مس میت نماید، چه در خواب مس کند، چه در بیداری، با اختیار مس کند، یا بی‌اختیار، حتی اگر ناخن و استخوان او به ناخن و استخوان میت برسد باید غسل کند، ولی اگر حیوان مرده‌ای را مس کند، غسل بر او واجب نیست.

### مسئله ۵۲۲

برای مس مرده‌ای که تمام بدن او سرد نشده، غسل واجب نیست، اگر چه جایی را که سرد شده مس نماید.

### مسئله ۵۲۳

اگر موی خود را به بدن میت برساند یا بدن خود را به موی میت یا موی خود را به موی میت برساند، اگر عرفاً صدق مس میت نکند غسل واجب نیست.

### مسئله ۵۲۴

برای مس بچه مرده، حتی بچه سقط شده‌ای که چهار ماه او تمام شده غسل مس میت واجب است، بلکه بهتر است برای مس بچه سقط شده‌ای که از چهار ماه کمتر دارد غسل کرد، بنا بر این اگر بچه چهار ماهه‌ای مرده به دنیا بیاید، مادر او باید غسل مس میت کند، بلکه اگر از چهار ماه کمتر هم داشته باشد، بهتر است مادر او غسل نماید.

**مسئله ۵۲۵**

اگر دیوانه یا بچه نابالغی میت را مس کند، بعد از آن که آن دیوانه عاقل یا بچه بالغ شد، باید غسل مس میت نماید.

**مسئله ۵۲۶**

اگر انسان، میتی را که سه غسل او کاملاً تمام شده مس نماید، غسل بر او واجب نمی‌شود، ولی اگر پیش از آن که غسل سوم تمام شود، جایی از بدن او را مس کند، اگر چه غسل سوم آنجا تمام شده باشد، باید غسل مس میت نماید.

**مسئله ۵۲۷**

اگر از بدن زنده یا مرده‌ای که غسلش نداده‌اند، قسمتی که دارای استخوان است جدا شود و پیش از آن که قسمت جدا شده را غسل دهند، انسان آن را مس نماید، باید غسل مس میت کند. ولی اگر قسمتی که جدا شده، استخوان نداشته باشد، برای مس آن غسل واجب نیست.

**مسئله ۵۲۸**

برای مس استخوان و دندان و هر چیزی که از مرده جدا شده و آن را غسل نداده‌اند به جز مو باید غسل کرد، ولی برای مس استخوان و دندانی که از زنده جدا شده و گوشت ندارد، غسل واجب نیست.

**مسئله ۵۲۹**

غسل مس میت را باید مثل غسل جنابت انجام دهند، ولی کسی که غسل مس میت کرده، اگر بخواهد نماز بخواند، باید وضو هم بگیرد.

**مسئله ۵۳۰**

اگر چند میت را مس کند، یا یک میت را چند بار مس نماید، یک غسل کافی است.

**مسئله ۵۳۱**

برای کسی که بعد از مس میت غسل نکرده است، توقف در مسجد و جماع و خواندن سوره‌هایی که سجده واجب دارد، مانعی ندارد، ولی برای نماز و مانند آن باید غسل کند و وضو بگیرد.

**احکام مختصر****مسئله ۵۳۲**

مسلمانی را که محتضر است؛ یعنی در حال جان دادن می‌باشد، مرد باشد یا زن، بزرگ باشد یا کوچک، باید به پشت بخواباند به طوری که کف پاهایش به طرف قبله باشد و اگر خواباندن او کاملاً به این طور ممکن نیست، بنا بر احتیاط واجب تا اندازه‌ای که

ممکن است باید احتیاطاً به این دستور عمل کنند و چنانچه خواباندن او به هیچ قسم ممکن نباشد به قصد احتیاط او را رو به قبله نشانند و اگر آن هم نشود، باز به قصد احتیاط او را به پهلو راست یا به پهلو چپ رو به قبله بخوابانند.

### مسئله ۵۳۳

احتیاط واجب آن است که تا وقتی غسل میت تمام نشده او را رو به قبله بخوابانند، ولی بعد از آن که غسلش تمام شد، بهتر است او را مثل حالتی که بر او نماز می‌خوانند بخوابانند.

### مسئله ۵۳۴

----

### مسئله ۵۳۵

رو به قبله کردن محتضر بر هر مسلمان واجب است و اجازه گرفتن از ولی او لازم نیست.

### مسئله ۵۳۶

مستحب است شهادتین و اقرار به دوازده امام علیهم‌السلام و سایر عقاید حقه را به کسی که در حال جان دادن است طوری تلقین کنند که بفهمد و نیز مستحب است چیزهایی را که گفته شد، تا وقت مرگ تکرار کنند.

### مسئله ۵۳۷

مستحب است این دعاها را به محتضر تلقین کنند:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الْكَثِيرَ مِنْ مَعَاصِيكَ وَأَقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ مِنْ طَاعَتِكَ يَا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسِيرَ  
وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ أَقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ وَاعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَفُورُ الْغَفُورُ اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي فَإِنَّكَ رَحِيمٌ.

### مسئله ۵۳۸

مستحب است کسی را که سخت جان می‌دهد، اگر ناراحت نمی‌شود به جایی که نماز می‌خوانده ببرند.

### مسئله ۸۳۹

مستحب است برای راحت شدن محتضر بر بالین او، سوره مبارکه یس و الصافات و احزاب و آیه الکرسی و آیه پنجاه و چهارم از سوره اعراف و سه آیه آخر سوره بقره بلکه هر چه از قرآن ممکن است بخوانند.

### مسئله ۵۴۰

تنها گذاشتن محتضر و گذاشتن چیز سنگین روی شکم او و بودن جنب و حائض نزد او و همچنین حرف زدن زیاد و گریه کردن و تنها گذاشتن زن‌ها نزد او مکروه است.

**احکام بعد از مرگ****مسئله ۵۴۱**

بعد از مرگ، مستحب است دهان میت را، هم بگذارند که باز نماند و چشم‌ها و چانه میت را ببندند و دست و پای او را درازا کنند و پارچه ای روی او بیندازند و اگر شب مرده است، در جایی که مرده، چراغ روشن کنند و برای تشییع جنازه او مؤمنین را خبر کنند و در دفن او عجله نمایند، ولی اگر یقین به مردن او ندارند، باید صبر کنند تا معلوم شود و نیز اگر میت حامله باشد و بیچه در شکم او زنده باشد، باید به قدری دفن را عقب بیندازند، که پهلو چپ او را بشکافند و طفل را بیرون آورند و پهلو را بدوزند.

**احکام غسل و کفن و نماز و دفن میت****مسئله ۵۴۲**

غسل و کفن و نماز و دفن مسلمان دوازده امامی بر هر مسلمان مکلفی واجب است و اگر بعضی انجام دهند، از دیگران ساقط می‌شود و چنانچه هیچ کس انجام ندهد همه معصیت کرده‌اند و بنا بر احتیاط واجب حکم مسلمانی هم که دوازده امامی نیست همینطور است.

**مسئله ۵۴۳**

اگر کسی مشغول کارهای میت شود بر دیگران واجب نیست اقدام نمایند، ولی اگر او عمل را نیمه کاره بگذارد، باید دیگران تمام کنند.

**مسئله ۵۴۴**

اگر انسان یقین کند که دیگری مشغول کارهای میت شده، واجب نیست به کارهای میت اقدام کند، ولی اگر شک یا گمان دارد، باید اقدام نماید.

**مسئله ۵۴۵**

اگر کسی بداند غسل یا کفن یا نماز یا دفن میت را باطل انجام داده‌اند، باید دوباره انجام دهد ولی اگر گمان دارد که باطل بوده یا شک دارد که درست بوده یا نه، لازم نیست اقدام نماید.

**مسئله ۵۴۶**

برای غسل و کفن و نماز و دفن میت، باید از ولی او اجازه بگیرد.

**مسئله ۵۴۷**

ولی زن که در غسل و کفن و دفن او دخالت می‌کند، شوهر او است و بعد از او، مردهایی که از میت ارث می‌برند مقدم بر زن‌های ایشانند و هر کدام که در ارث بردن مقدم هستند، در این امر نیز مقدمند.

**مسئله ۵۴۸**

اگر کسی بگوید من وصی یا ولی میت یا ولی میت به من اجازه داده که غسل و کفن و دفن میت را انجام دهم، چنانچه دیگری نمی گوید من ولی یا وصی میت یا ولی میت به من اجازه داده است، انجام کارهای میت با او است.

**مسئله ۵۴۹**

اگر میت برای غسل و کفن و دفن و نماز خود غیر از ولی کس دیگری را معین کند، احتیاط واجب آن است که ولی و آن کس هر دو اجازه بدهند و لازم نیست کسی که میت، او را برای انجام این کارها معین کرده، این وصیت را قبول کند ولی اگر قبول کرد، باید به آن عمل نماید.

**احکام غسل میت****مسئله ۵۵۰**

واجب است میت را سه غسل بدهند، اول به آبی که با سدر مخلوط باشد دوم به آبی که با کافور مخلوط باشد. سوم با آب خالص.

**مسئله ۵۵۱**

سدر و کافور باید به اندازه‌ای زیاد نباشد که آب را مضاف کند و به اندازه‌ای هم کم نباشد، که نگویند سدر و کافور با آب مخلوط شده است.

**مسئله ۵۵۲**

اگر سدر و کافور به اندازه‌ای که لازم است پیدا نشود، بنا بر احتیاط واجب باید مقداری که به آن دسترسی دارند در آب بریزند.

**مسئله ۵۵۳**

کسی که برای حج یا عمره احرام بسته است، اگر پیش از تمام کردن سعی بین صفا و مروه بمیرد، نباید او را با آب کافور غسل دهند و به جای آن باید با آب خالص غسلش بدهند و همچنین اگر در احرام عمره پیش از تقصیر بمیرد.

**مسئله ۵۵۴**

اگر سدر و کافور یا یکی از اینها پیدا نشود یا استعمال آن جایز نباشد، مثل آن که غصبی باشد، باید به جای هر کدام که ممکن نیست میت را با آب خالص غسل بدهند.

**مسئله ۵۵۵**

کسی که میت را غسل می‌دهد، در حال اختیار باید مسلمان دوازده امامی و نیز عاقل و مسائل غسل را بداند و بنا بر احتیاط واجب

بالغ هم باشد.

### مسئله ۵۵۶

کسی که میت را غسل می‌دهد، باید قصد قربت داشته باشد، یعنی غسل را برای انجام فرمان خداوند عالم به جا آورد و اگر به همین نیت تا آخر غسل سوم باقی باشد، کافیت و تجدید لازم نیست.

### مسئله ۵۵۷

غسل بچه مسلمان اگر چه از زنا باشد، واجب است. غسل و کفن و دفن کافر و اولاد او جایز نیست. کسی که از بچگی دیوانه بوده و بحال دیوانگی بالغ شده، چنانچه پدر و مادر او یا یکی از آنان مسلمان باشند، باید او را غسل داد و اگر هیچ کدام آنان مسلمان نباشند، غسل دادن او جایز نیست.

### مسئله ۵۵۸

بچه سقط شده را اگر چهار ماه یا بیشتر دارد، باید غسل بدهند و اگر چهار ماه ندارد، باید در پارچه ای بپیچند و بدون غسل دفن کنند.

### مسئله ۵۵۹

اگر مرد، زن را و زن، مرد را غسل بدهد باطل است، ولی زن می‌تواند شوهر خود را غسل دهد و شوهر هم می‌تواند زن خود را غسل دهد، اگر چه احتیاط مستحب آن است که زن، شوهر خود و شوهر، زن خود را غسل ندهد.

### مسئله ۵۶۰

مرد می‌تواند دختر بچه ای را که سن او از سه سال بیشتر نیست، غسل دهد. زن هم می‌تواند پسر بچه ای را که سه سال بیشتر ندارد، غسل دهد.

### مسئله ۵۶۱

اگر برای غسل دادن میتی که مرد است مرد پیدا نشود زنانی که با او نسبت دارند و محرمند مثل مادر و خواهر و عمه و خاله، یا به واسطه شیر خوردن با او محرم شده‌اند با رعایت ستر عورت می‌توانند غسلش بدهند و نیز اگر برای غسل میت زن، زن دیگری نباشد، مردهایی که با او نسبت دارند و محرمند، یا به واسطه شیر خوردن با او محرم شده‌اند، با رعایت ستر عورت می‌توانند او را غسل دهند.

### مسئله ۵۶۲

اگر میت و کسی که او را غسل می‌دهد هر دو مرد یا هر دو زن باشند، جائز است که غیر از عورت، جاهای دیگر میت برهنه باشد و همین طور اگر محرم باشند.

**مسئله ۵۶۳**

نگاه کردن به عورت میت حرام است و کسی که او را غسل می‌دهد اگر نگاه کند معصیت کرده، ولی غسل باطل نمی‌شود.

**مسئله ۵۶۴**

اگر جایی از بدن میت نجس باشد، باید پیش از آن که آنجا را غسل بدهند، آب بکشند و احتیاط مستحب آن است که تمام بدن میت، پیش از شروع به غسل پاک باشد.

**مسئله ۵۶۵**

غسل میت مثل غسل جنابت است و احتیاط واجب آن است که تا غسل ترتیبی ممکن است، میت را غسل ارتماسی ندهند و احتیاط مستحب آن است که در غسل ترتیبی هر یک از سه قسمت بدن را در آب فرو نبرند، بلکه آب را روی آن بریزند.

**مسئله ۵۶۶**

کسی را که در حال حیض یا در حال جنابت مرده، لازم نیست غسل حیض یا غسل جنابت بدهند، بلکه همان غسل میت برای او کافی است.

**مسئله ۵۶۷**

واجب آن است که برای غسل دادن میت مزد نگردد، ولی مزد گرفتن برای کارهای مقدماتی غسل حرام نیست.

**مسئله ۵۶۸**

اگر آب پیدا نشود یا استعمال آن مانعی داشته باشد، باید عوض هر غسل، میت را یک تیمم بدهند.

**مسئله ۵۶۹**

کسی که میت را تیمم می‌دهد، باید دست میت را به زمین بزند و به صورت و پشت دستهایش بکشد و اگر به این صورت ممکن باشد، احتیاطاً با دست خودش هم تیمم بدهد.

**احکام کفن میت****مسئله ۵۷۰**

میت مسلمان را باید با سه پارچه که آنها را لنگ و پیراهن و سرتاسری می‌گویند، کفن نمایند.

**مسئله ۵۷۱**

لنگ باید از ناف تا زانو، اطراف بدن را پوشاند و بهتر آن است که از سینه تا روی پا برسد و بنا بر احتیاط واجب پیراهن باید از سر



شانه تا نصف ساق پا، تمام بدن را بپوشاند و درازای سرتاسری باید بیشتر از طول جسد باشد که بستن دو سر آن ممکن باشد و پهنای آن باید به اندازه‌ای باشد که یک طرف آن روی طرف دیگر بیاید.

#### مسئله ۵۷۲

مقداری از لنگ، که از ناف تا زانو را می‌پوشاند و مقداری از پیراهن که از شانه تا نصف ساق را می‌پوشاند، مقدار واجب کفن است و آنچه بیشتر از این مقدار در مسئله قبل گفته شد، مقدار مستحب کفن می‌باشد.

#### مسئله ۵۷۳

اگر ورثه بالغ باشند و اجازه دهند که بیشتر از مقدار واجب کفن را که در مسئله قبل گفته شد از سهم آنان بردارند، اشکال ندارد و احتیاط واجب آن است که بیشتر از مقدار واجب کفن و همچنین مقداری که احتیاطاً لازم است، از سهم وارثی که بالغ نشده بر ندارند.

#### مسئله ۵۷۴

اگر کسی وصیت کرده باشد که مقدار مستحب کفن را که در دو مسئله قبل گفته شد، از ثلث مال او بردارند، یا وصیت کرده باشد، ثلث مال را به مصرف خود او برسانند ولی مصرف آن را معین نکرده باشد، یا فقط مصرف مقداری از آن را معین کرده باشد، می‌تواند مقدار مستحب کفن را از ثلث مال او بردارند.

#### مسئله ۵۷۵

اگر میت وصیت نکرده باشد که کفن را از ثلث مال او بردارند، می‌توانند به طور متعارف که لایق شأن میت باشد کفن و چیزهای دیگری را که از واجبات دفن است، از اصل مال بردارند.

#### مسئله ۵۷۶

کفن زن بر شوهر است، اگر چه زن از خود مال داشته باشد و هم چنین اگر زن را به شرحی که در کتاب طلاق گفته می‌شود، طلاق رجعی بدهند و پیش از تمام شدن عتده بمیرد، شوهرش باید کفن او را بدهد و چنانچه شوهر بالغ نباشد یا دیوانه باشد ولی شوهر باید از مال شوهر کفن زن را بدهد.

#### مسئله ۵۷۷

کفن میت بر خویشان او واجب نیست، اگر چه مخارج او در حال زندگی بر آنان واجب باشد.

#### مسئله ۵۷۸

احتیاط واجب آن است که هر یک از سه پارچه کفن به قدری نازک نباشد که بدن میت از زیر آن پیدا باشد.

#### مسئله ۵۷۹

کفن کردن با چیز غضبی، اگر چیز دیگری هم پیدا نشود جایز نیست و چنانچه کفن میت غضبی باشد و صاحب آن راضی نباشد باید از تنش بیرون آورند، اگر چه او را دفن کرده باشند و واجب آن است که در حال اختیار با پوست مردار هم او را کفن نکنند.

#### مسئله ۵۸۰

کفن کردن میت با چیز نجس و با پارچه ابریشمی خالص، جایز نیست، ولی در حال ناچاری اشکال ندارد و احتیاط واجب آن است که با پارچه طلا باف هم میت را کفن نکنند مگر در حال ناچاری.

#### مسئله ۵۸۱

کفن کردن با پارچه ای که از پشم یا موی حیوان حرام گوشت تهیه شده، در حال اختیار جایز نیست، ولی اگر پوست حیوان حلال گوشت را طوری درست کنند که به آن جامه گفته شود، می شود با آن میت را کفن کنند. هم چنین اگر کفن از مو و پشم حیوان حلال گوشت باشد اشکال ندارد، اگر چه احتیاط مستحب آن است که با این دو هم کفن نمایند.

#### مسئله ۵۸۲

اگر کفن میت به نجاست خود او، یا به نجاست دیگری نجس شود، چنانچه کفن ضایع نمی شود، باید مقدار نجس را بشویند یا ببرند؛ ولی اگر در قبر گذاشته باشند بهتر است که ببرند بلکه اگر بیرون آوردن میت توهین به او باشد بریدن واجب می شود و اگر شستن یا بریدن آن ممکن نیست، در صورتی که عوض کردن آن ممکن باشد، باید عوض نمایند.

#### مسئله ۵۸۳

کسی که برای حج یا عمره احرام بسته اگر بمیرد، باید مثل دیگران کفن شود و پوشاندن سر و صورتش اشکال ندارد.

#### مسئله ۵۸۴

مستحب است انسان در حال سلامتی، کفن و سدر و کافور خود را تهیه کند.

### احکام حنوط

#### مسئله ۵۸۵

بعد از غسل واجب است میت را حنوط کنند، یعنی به پیشانی و کف دستها و سر زانوها و سر دو انگشت بزرگ پایهای او کافور بمالند. مستحب است به سر بینی میت هم کافور بمالند و باید کافور ساییده و تازه باشد و اگر به واسطه کهنه بودن، عطر او از بین رفته باشد کافی نیست.

#### مسئله ۵۸۶

مستحب آن است که اول، کافور را به پیشانی میت بمالند و در جاهای دیگر هم ترتیب لازم نیست.

**مسئله ۵۸۷**

بهرتر آن است که میت را پیش از کفن کردن، حنوط نمایند، اگر چه در بین کفن کردن و بعد از آن هم مانعی ندارد.

**مسئله ۵۸۸**

کسی که برای حج یا عمره احرام بسته است، اگر پیش از تمام کردن سعی بین صفا و مروه بمیرد، حنوط کردن او جایز نیست و نیز اگر در احرام عمره پیش از آن که تقصیر کند بمیرد، نباید او را حنوط کنند.

**مسئله ۵۸۹**

زنی که شوهر او مرده و هنوز عده‌اش تمام نشده، اگر چه حرام است خود را خوشبو کند، ولی چنانچه بمیرد، حنوط او واجب است.

**مسئله ۵۹۰**

مکروه است میت را با مشک و عنبر و عطرهاى دیگر خوشبو کنند یا برای حنوط اینها را با کافور مخلوط نمایند.

**مسئله ۵۹۱**

مستحب است، قدری تربت حضرت سید الشهداء علیه السلام با کافور مخلوط کنند، ولی باید از آن کافور به جاهایی که بی احترامی می شود نرسانند و نیز باید تربت به قدری زیاد نباشد، که وقتی با کافور مخلوط شد، آن را کافور نگویند.

**مسئله ۵۹۲**

اگر کافور به اندازه غسل و حنوط نباشد، بنا بر احتیاط واجب غسل را مقدم دارند و اگر برای هفت عضو نرسد، بنا به احتیاط واجب پیشانی را مقدم دارند.

**مسئله ۵۹۳**

مستحب است دو چوب تر و تازه در قبر همراه میت بگذارند.

**احکام نماز میت****مسئله ۵۹۴**

نماز خواندن بر میت مسلمان، اگر چه بچه باشد واجب است، ولی باید پدر و مادر آن بچه یا یکی از آنان مسلمان باشند و شش سال بچه تمام شده باشد.

**مسئله ۵۹۵**

نماز میت باید بعد از غسل و حنوط و کفن کردن او خوانده شود و اگر پیش از اینها، یا در بین اینها بخوانند، اگر چه از روی

فراموشی یا ندانستن مسأله باشد، کافی نیست.

### مسأله ۵۹۶

کسی که می‌خواهد نماز میت بخواند، لازم نیست با وضو یا غسل یا تیمم باشد و بدن و لباسش پاک باشد و اگر لباس او غصبی هم باشد اشکال ندارد، اگر چه احتیاط مستحب آن است که تمام چیزهایی را که در نمازهای دیگر لازم است رعایت کند.

### مسأله ۵۹۷

کسی که به میت نماز می‌خواند، باید رو به قبله باشد و نیز واجب است میت را مقابل او به پشت بخوابانند، به طوری که سر او به طرف راست نماز گزار و پای او به طرف چپ نماز گزار باشد.

### مسأله ۵۹۸

مکان نماز گزار باید از جای میت پست تر یا بلندتر نباشد؛ ولی پستی و بلندی مختصر اشکال ندارد.

### مسأله ۵۹۹

نماز گزار باید از میت دور نباشد، ولی کسی که نماز میت را به جماعت می‌خواند اگر از میت دور باشد، چنانچه صف‌ها به یکدیگر متصل باشد، اشکال ندارد.

### مسأله ۶۰۰

نماز گزار باید مقابل میت بایستد، ولی اگر نماز به جماعت خواند شود و صف جماعت از دو طرف میت بگذرد، نماز کسانی که مقابل میت نیستند، اشکال ندارد.

### مسأله ۶۰۱

بین میت و نماز گزار، باید پرده و دیوار یا چیزی مانند اینها نباشد؛ ولی اگر میت در تابوت و مانند آن باشد در صورتی که عرفاً صدق کند که به میت نماز می‌خوانند اشکال ندارد.

### مسأله ۶۰۲

در وقت خواندن نماز، باید عورت میت پوشیده باشد و اگر کفن کردن او ممکن نیست، باید عورتش را اگر چه با تخته و آجر و مانند اینها باشد، پوشانند.

### مسأله ۶۰۳

نماز میت را باید ایستاده و با قصد قربت بخواند و در موقع نیت، میت را معین کند، مثلاً نیت کند نماز می‌خوانم بر این میت قربه‌الی الله

**مسأله ۶۰۴**

اگر کسی نباشد که بتواند نماز میت را ایستاده بخواند، می‌شود نشسته بر او نماز خواند.

**مسأله ۶۰۵**

اگر میت وصیت کرده باشد که شخص معینی بر او نماز بخواند، احتیاط واجب آن است که آن شخص از ولی میت اجازه بگیرد و به احتیاط واجب ولی میت هم به او اجازه بدهد.

**مسأله ۶۰۶**

مکروه است بر میت چند مرتبه نماز بخوانند، ولی اگر میت اهل علم و تقوی باشد، مکروه نیست.

**مسأله ۶۰۷**

اگر میت را عمدا یا از روی فراموشی یا به جهت عذری بدون نماز دفن کنند، یا بعد از دفن معلوم شود، نمازی که بر او خوانده شده باطل بوده است تا وقتی جسد او از هم نپاشیده، واجب است با شرطهایی که برای نماز میت گفته شد، به قبرش نماز بخوانند.

**دستور نماز میت****مسأله ۶۰۸**

نماز میت پنج تکبیر دارد و اگر نماز گزار پنج تکبیر به این ترتیب بگوید کافی است:

بعد از نیت و گفتن تکبیر اول بگوید:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ». بعد از تکبیر دوم بگوید:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ». بعد از تکبیر سوم بگوید:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ». بعد از تکبیر چهارم اگر میت مرد است بگوید:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِهَذَا الْمَيِّتِ». اگر زن است بگوید:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِهَذِهِ الْمَيِّتِ». بعد از تکبیر پنجم را بگوید و بهتر است بعد از تکبیر اول بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ أَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ». بعد از تکبیر دوم بگوید:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْحَمْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَ صَلِّ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ جَمِيعِ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ».

و بعد از تکبیر سوم بگوید:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ الْأَمْوَاتِ تَابِعْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ إِنَّكَ مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ

إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

بعد از تکبیر چهارم، اگر میت مرد است بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ وَ ابْنُ امْتِكَ، نَزَلَ بِكَ وَ أَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ

اللَّهُمَّ إِنَّا لَا نَعْلَمُ إِلَّا خَيْرًا وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنَّا اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ مُحْسِنًا فَزِدْ فِي إِحْسَانِهِ وَإِنْ كَانَ مُسِيئًا فَتَجَاوَزْ عَنْهُ وَاعْفُ لَهُ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِنْدَكَ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ وَاخْلُفْ عَلَى أَهْلِهِ فِي الْغَابِرِينَ وَارْحَمْهُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

بعد تکبیر پنجم را بگوید، ولی اگر میت زن است بعد از تکبیر چهارم بگوید:

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكَ وَابْنَةُ عَبْدِكَ وَابْنَةُ أُمَّتِكَ، نَزَلَتْ بِكَ وَأَنْتَ خَيْرٌ مَنزُولٍ بِهِ اللَّهُمَّ إِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهَا إِلَّا خَيْرًا وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِهَا مِنَّا اللَّهُمَّ إِنْ كَانَتْ مُحْسِنَةً فَزِدْ فِي إِحْسَانِهَا وَإِنْ كَانَتْ مُسِيئَةً فَتَجَاوَزْ عَنْهَا وَاعْفُ لَهَا، اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا عِنْدَكَ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ وَاخْلُفْ عَلَى أَهْلِهَا فِي الْغَابِرِينَ وَارْحَمْهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

### مسئله ۶۰۹

باید تکبیرها و دعاها را طوری پشت سرهم بخواند که نماز از صورت خود خارج نشود.

### مسئله ۶۱۰

کسی که نماز میت را به جماعت می‌خواند باید تکبیرها و دعاها را هم بخواند.

### مستحبات نماز میت

### مسئله ۶۱۱

چند چیز در نماز میت مستحب است:

اول کسی که نماز میت می‌خواند با وضو یا غسل یا تیمم باشد و احتیاط مستحب آن است در صورتی تیمم کند که وضو و غسل ممکن نباشد، یا بترسد که اگر وضو بگیرد یا غسل کند به نماز میت نرسد.

دوم اگر میت مرد است، امام جماعت یا کسی که فرادی به او نماز می‌خواند، مقابل وسط قامت او بایستد و اگر میت زن است مقابل سینه‌اش بایستد

سوم پا برهنه نماز بخواند

چهارم در هر تکبیر دستها را بلند کند.

پنجم فاصله او با میت به قدری کم باشد که اگر لباسش را حرکت دهد، به جنازه برسد.

ششم نماز میت را به جماعت بخواند.

هفتم امام جماعت تکبیر و دعاها را بلند بخواند و کسانی که با او نماز می‌خوانند، آهسته بخوانند،

هشتم در جماعت اگر چه مأموم یک نفر باشد، عقب امام بایستد.

نهم نماز گزار به میت و مؤمنین زیاد دعا کند.

دهم، پیش از نماز سه مرتبه بگوید:

«الصَّلَاةُ».

یازدهم نماز را در جایی بخواند که مردم برای نماز میت بیشتر به آنجا می‌روند.

دوازدهم زن حائض اگر نماز میت را به جماعت می‌خواند، در صفی تنها بایستد.

**مسئله ۶۱۲**

خواندن نماز میت در مساجد مکروه است، ولی در مسجد الحرام مکروه نیست.

**احکام دفن****مسئله ۶۱۳**

احتیاط واجب آن است که میت را طوری در زمین دفن کنند، که بوی او بیرون نیاید و درندگان هم نتوانند بدنش را بیرون آورند و اگر ترس آن باشد که جانور بدن او را بیرون آورد، باید قبر را با آجر و مانند آن محکم کنند.

**مسئله ۶۱۴**

اگر دفن میت در زمین ممکن نباشد، می‌تواند به جای دفن، او را در بنا یا تابوت بگذارند.

**مسئله ۶۱۵**

میت را باید در قبر به پهلو راست طوری بخوابانند که جلوی بدن او رو به قبله باشد.

**مسئله ۶۱۶**

اگر کسی در کشتی بمیرد، چنانچه جسد او فاسد نمی‌شود و بودن او در کشتی مانعی ندارد، باید صبر کنند تا به خشکی برسند و او در زمین دفن کنند، و گرنه، باید در کشتی غسلش بدهند و حنوط و کفن کنند و پس از خواندن نماز میت چیز سنگینی به پایش ببندند و به دریا بیندازند یا او را در خمره بگذارند و درش را ببندند و به دریا بیندازند و اگر ممکن است باید او را در جایی بیندازند که فوراً طعمه حیوانات نشود.

**مسئله ۶۱۷**

اگر بترسند که دشمن قبر میت را بشکافد و بدن او را بیرون آورد و گوش یا بینی یا اعضای دیگر او را ببرد، چنانچه ممکن باشد باید به طوری که در مسئله پیش گفته شد، او را به دریا بیندازند.

**مسئله ۶۱۸**

مخارج انداختن در دریا و مخارج محکم کردن قبر میت را در صورتی که لازم باشد، باید از اصل مال میت بردارند.

**مسئله ۶۱۹**

اگر زن کافره بمیرد و بچه در شکم او مرده باشد، چنانچه پدر بچه مسلمان باشد، باید زن را در قبر به پهلو چپ، پشت به قبله بخوابانند که روی بچه به طرف قبله باشد؛ بلکه اگر هنوز روح هم به بدن او داخل نشده باشد، بنا بر احتیاط واجب باید به همین دستور عمل کنند.

**مسئله ۶۲۰**

دفن مسلمان، در قبرستان کفار و دفن کافر، در قبرستان مسلمانان جایز نیست.

**مسئله ۶۲۱**

دفن مسلمان در جایی که بی‌احترامی به او باشد، مانند جایی که خاکروبه و کثافت می‌ریزند، جایز نیست.

**مسئله ۶۲۲**

میت را نباید در جای غصبی دفن کنند و دفن کردن در جایی که برای غیر دفن کردن وقف شده و در مسجد، اگر ضرر به مسلمانان باشد یا مزاحم نمازشان باشد جائز نیست، بلکه واجب آن است که اصلاً در مسجد دفن نکنند و در زمینی که مثل مسجد برای غیر دفن کردن وقف شده جایز نیست.

**مسئله ۶۲۳**

سزاوار آن است که میت را در قبر مرده دیگر پیش از آن که پوسیده شود دفن نمایند؛ ولی پیش از پوسیده شدن نبش قبر حرام است.

**مسئله ۶۲۴**

چیزی که از میت جدا می‌شود، اگر چه مو و ناخن و دندانش باشد، باید با او دفن و اگر موجب نبش شود، احتیاط آن است که جدا دفن شود. دفن ناخن و دندانی که در حال زندگی از انسان جدا می‌شود مستحب است.

**مسئله ۶۲۵**

اگر کسی در چاه بمیرد و بیرون آوردنش ممکن نباشد، باید در چاه را ببندند و همان چاه را قبر او قرار دهند و در صورتی که چاه مال غیر باشد، باید به نحوی او را راضی کنند.

**مسئله ۶۲۶**

اگر بچه در رحم مادر بمیرد و ماندنش در رحم برای مادر خطر داشته باشد، باید به آسان‌ترین راه او را بیرون آورند و چنانچه ناچار شوند که او را قطعه قطعه کنند، اشکال ندارد، ولی باید بوسیله شوهرش اگر اهل فن است یا زنی که اهل فن باشد او را بیرون بیاورند و اگر ممکن نیست، مرد محرمی که اهل فن باشد و اگر آن هم ممکن نشود، مرد نامحرمی که اهل فن باشد بچه را بیرون بیاورد و در صورتی که آن هم پیدا نشود کسی که اهل فن نباشد، می‌تواند بچه را بیرون آورد.

**مسئله ۶۲۷**

هر گاه مادر بمیرد و بچه در شکمش زنده باشد، اگر چه امید زنده ماندن طفل را نداشته باشند، باید به وسیله کسانی که در مسئله پیش گفته شد از هر طرفی که بچه سالم بیرون می‌آید، بچه را بیرون آورند و دوباره بدوزند ولی اگر بین پهلوی چپ و راست در



سالم بودن بچه فرقی نباشد، احتیاط واجب آن است که از پهلوی چپ بیرون آورند.

## مستحبات دفن

### مسئله ۶۲۸

خوب است به امید آن که مطلوب پروردگار باشد، قبر را به اندازه قد انسان متوسط گود کنند و میت را در نزدیکترین قبرستان دفن نمایند، مگر آن که قبرستان دورتر از جهتی بهتر باشد، مثل آن که مردمان خوب در آنجا دفن شده باشند، یا مردم برای فاتحه اهل قبور بیشتر به آنجا می‌روند و نیز جنازه را در چند ذرعی قبر، زمین بگذارند و تا سه مرتبه کم کم نزدیک ببرند و در هر مرتبه زمین بگذارند و بردارند و در نوبت چهارم وارد قبر کنند و اگر میت مرد است، در دفعه سوم طوری زمین بگذارند که سر او طرف پایین قبر باشد و در دفعه چهارم از طرف سر وارد قبر نمایند و اگر زن است، در دفعه سوم طرف قبله قبر بگذارند و به پهنا وارد قبر کنند و در موقع وارد کردن، پارچه ای روی قبر بگیرند و نیز جنازه را به آرامی از تابوت بگیرند و وارد قبر کنند و دعاهایی که دستور داده شده، پیش از دفن و موقع دفن بخوانند و بعد از آن که میت را در لحد گذاشتند، گره‌های کفن را باز کنند و صورت میت را روی خاک بگذارند و بالشی از خاک زیر سر او بسازند و پشت میت، خشت خام یا کلوخی بگذارند که میت به پشت برنگردد و پیش از آن که لحد را بپوشانند، دست راست را به شانه راست میت بزنند و دست چپ را به قوت بر شانه چپیت بگذارند و دهان را نزدیک گوش او ببرند و به شدت حرکتش دهند و سه مرتبه بگویند:

إِسْمَعُ اِفْهَمُ يَا فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ

و به جای فلان اسم میت و پدرش را بگویند؛ مثلاً اگر اسم او محمد و اسم پدرش علیست سه مرتبه بگویند:

إِسْمَعُ اِفْهَمُ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ

پس از آن بگویند:

هَلْ أَنْتَ عَلَى الْعَهْدِ الَّذِي فَارَقْتَنَا عَلَيْهِ مِنْ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ سَيِّدُ النَّبِيِّينَ وَ خَاتَمَ الْمُرْسَلِينَ وَ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ وَ إِمَامَ افْتَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ عَلَى الْعَالَمِينَ وَ أَنَّ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَ الْقَائِمَ الْحُجَّةَ الْمَهْدِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ ائِمَّةَ الْمُؤْمِنِينَ وَ حُجَّجَ اللَّهُ عَلَى الْخَلْقِ اَجْمَعِينَ وَ ائِمَّتِكَ ائِمَّةُ هُدَى بَيْتِكَ اَبْرَارًا، يَا فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ

و به جای فلان بن فلان اسم میت و پدرش را بگوید و بعد بگوید:

اِذَا اَتَاكَ الْمَلَكَانِ الْمُقْرَبَانِ رَسُولَيْنِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ سَيِّئَاكَ عَنْ رَبِّكَ وَ عَنْ نَبِيِّكَ وَ عَنْ دِينِكَ وَ عَنْ كِتَابِكَ وَ عَنْ قِبْلَتِكَ وَ عَنْ اِئِمَّتِكَ فَلَا تَخَفْ وَ لَا تَحْزَنْ وَ قُلْ فِي جَوَابِهِمَا: اللَّهُ رَبِّي وَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ نَبِيِّ وَ الْاِسْلَامِ دِينِي وَ الْقُرْآنُ كِتَابِي وَ الْكَعْبَةُ قِبْلَتِي وَ اَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ اَبِي طَالِبٍ اِمَامِي وَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْمُجْتَبَى اِمَامِي وَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ الشَّهِيدُ بِكَرْبَلَاءِ اِمَامِي وَ عَلِيُّ زَيْنُ الْعَابِدِينَ اِمَامِي وَ مُحَمَّدٌ الْبَاقِرُ اِمَامِي وَ جَعْفَرُ الصَّادِقُ اِمَامِي وَ مُوسَى الْكَاطِمُ اِمَامِي وَ عَلِيُّ الرِّضَا اِمَامِي وَ مُحَمَّدُ الْجَوَادُ اِمَامِي وَ عَلِيُّ الْهَادِي اِمَامِي وَ الْحَسَنُ الْعُسْكُرِيُّ اِمَامِي وَ الْحُجَّةُ الْمُنتَظَرُ اِمَامِي هُوَ لَاءِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ اَنْمَتِي وَ سَادَتِي وَ قَادَتِي وَ شُفَعَائِي، بِهِمْ اَتَوَلَّى وَ مِنْ اَعْدَائِهِمْ اَتَبَرُّ فِي الدُّنْيَا وَ الْاٰخِرَةِ

ثُمَّ اَعْلَمْ يَا فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ (و به جای فلان بن فلان اسم میت و پدرش را بگوید) بعد بگوید:

اِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى نِعَمَ الرَّبِّ وَ اَنَّ مُحَمَّدًا نِعَمَ الرَّسُولِ وَ اَنَّ عَلِيَّ بْنَ اَبِي طَالِبٍ

وَأَوْلَادُهُ الْمَغْضُومِينَ الْأَيْمَةَ الْأَيْمَةَ الْأَيْمَةَ عَشَرَ نِعَمَ الْأَيْمَةِ وَأَنَّ مَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ حَقٌّ وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَسُوءَ أَلْمُنْكَرِ وَنَكِيرٍ فِي الْقَبْرِ حَقٌّ وَالْبُعْثَ حَقٌّ وَالنُّشُورَ حَقٌّ وَالصِّرَاطَ حَقٌّ وَالْمِيزَانَ حَقٌّ وَتَطَايُرَ الْكُتُبِ حَقٌّ وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَأَنَّ النَّارَ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ.

پس بگوید:

أَفْهِمْتَ يَا فُلَانُ (و به جای فلان، اسم میت را بگوید) پس از آن بگوید:  
 تَبَّتْكَ اللَّهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ وَهَدَاكَ اللَّهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ عَرَفَ اللَّهُ بَيْنَكَ وَبَيْنَ أَوْلِيَائِكَ فِي مُسْتَقَرٍّ مِنْ رَحْمَتِهِ. پس بگوید:  
 اللَّهُمَّ جَافِ الْأَرْضِ عَن جَنبِيهِ وَاصْعِدْ بِرُوحِهِ إِلَيْكَ وَلَقِّنْهُ مِنْكَ بُرْهَانًا لِلَّهِمَّ عَفْوَكَ عَفْوَكَ.

### مسئله ۶۲۹

خوب است به امید این که مطلوب پروردگار است، کسی که میت را در قبر می‌گذارد، با طهارت و سر برهنه و پا برهنه باشد و از طرف پای میت از قبر بیرون بیاید و غیر از خویشان میت کسانی که حاضرند، با پشت دست خاک بر قبر بریزند و بگویند. اگر انا لله و انا الیه راجعون میت زن است، کسی که با او محرم می‌باشد او را در قبر بگذارد و اگر محرمی نباشد خویشانش او را در قبر بگذارند.

### مسئله ۶۳۰

خوب است به امید این که مطلوب پروردگار است، قبر را مربع یا مربع مستطیل بسازند و به اندازه چهار انگشت از زمین بلند کنند و نشانه‌ای روی آن بگذارند که اشتباه نشود و روی قبر آب بپاشند و بعد از پاشیدن آب کسانی که حاضرند، دستها را بر قبر بگذارند و انگشتها را باز کرده در خاک فرو برند و هفت مرتبه سوره مبارکه «انا انزلناه» بخوانند و برای میت طلب آمرزش کنند و این دعا را بخوانند:

اللهم جاف الارض عن جنبیه و اصعد الیک روحه و لقه منک رضوانا و اسکن قبره من رحمتک ما تغنیه به عن رحمۃ من سواک.

### مسئله ۶۳۱

پس از رفتن کسانی که تشییع جنازه کرده‌اند، مستحب است ولی میت یا کسی که از طرف ولی اجازه دارد، دعاهایی را که دستور داده شده، به میت تلقین کند.

### مسئله ۶۳۲

بعد از دفن مستحب است صاحبان عزا را سر سلامتی دهند، ولی اگر مدتی گذشته است که به واسطه سر سلامتی دادن، مصیبت یادشان می‌آید، ترک آن بهتر است و نیز مستحب است تا سه روز برای اهل خانه میت غذا بفرستند و غذا خوردن نزد آنان و در منزلشان مکروه است.

### مسئله ۶۳۳

مستحب است انسان در مرگ خویشان، مخصوصاً در مرگ فرزند صبر کند و هر وقت میت را یاد می‌کند:

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ بگوید و برای میت قرآن بخواند و سر قبر پدر و مادر از خداوند حاجت بخواهد و قبر را محکم بسازد که

زود خراب نشود.

### مسئله ۶۳۴

جایز نیست انسان در مرگ کسی صورت و بدن را بخراشد و به خود لطمه بزند.

### مسئله ۶۳۵

پاره کردن یقه در مرگ غیر پدر و برادر جایز نیست.

### مسئله ۶۳۶

اگر مرد در مرگ زن یا فرزند یقه یا لباس خود را پاره کند یا اگر زن در عزای میت صورت خود را بخراشد به طوری که خون بیاید یا موی خود را بکند، باید یک بنده آزاد کند، یا ده فقیر را طعام دهد و یا آنها را بپوشاند و اگر نتواند باید سه روز روزه بگیرد، بلکه اگر خون هم نیاید بنا بر احتیاط واجب به این دستور عمل نماید.

### مسئله ۶۳۷

احتیاط واجب آن است که در گریه بر میت صدا را خیلی بلند نکنند.

## نماز وحشت

### مسئله ۶۳۸

مستحب است در شب اول قبر، دو رکعت نماز وحشت برای میت بخوانند و دستور آن این است که در رکعت اول بعد از حمد یک مرتبه آیه الكرسی و در رکعت دوم بعد از حمد ده مرتبه سوره «أَنَا أَنْزَلْنَاهُ» بخوانند و بعد از سلام نماز بگویند:  
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَابْعَثْ ثَوَابَهَا إِلَى قَبْرِ «فلان» و به جای کلمه فلان، اسم میت را بگویند.

### مسئله ۶۳۹

نماز وحشت را در هر موقع از شب اول قبر می‌شود خواند، ولی بهتر است در اول شب بعد از نماز عشا خوانده شود.

### مسئله ۶۴۰

اگر بخواهند میت را به شهر دوری ببرند، یا به جهت دیگر دفن او تأخیر بیفتد، باید نماز وحشت را تا شب اول قبر او تأخیر بیندازند.

## نبش قبر

### مسئله ۶۴۱

نبش قبر مسلمان، یعنی شکافتن قبر او اگر چه طفل، یا دیوانه باشد حرام است. ولی اگر بدنش از بین رفته و خاک شده باشد، اشکال

ندارد.

**مسئله ۶۴۲**

نبش قبر امامزاده‌ها و شهدا و علما و صلحا اگر چه سال‌ها بر آن گذشته باشد در صورتی که زیارتگاه باشد حرام است، بلکه اگر زیارتگاه هم نباشد، بنا بر احتیاط واجب نباید آن را نبش کرد.

**مسئله ۶۴۳**

شکافتن قبر در چند مورد حرام نیست: اول آن که میت در زمین غصبی دفن شده باشد و مالک زمین راضی نشود که در آنجا بماند.

دوم آن که کفن یا چیز دیگری که با میت دفن شده، غصبی باشد و صاحب آن راضی نشود که در قبر بماند و همچنین است اگر چیزی از مال خود میت که به ورثه او رسیده با او دفن شده باشد و ورثه راضی نشوند که آن چیز در قبر بماند، ولی اگر وصیت کرده باشد که دعا یا قرآن یا انگشتری را با او دفن کنند، در صورتی که وصیتش بیشتر از یک سوم مال او نباشد، برای بیرون آوردن اینها نمی‌توانند قبر را بشکافتند.

سوم آن که میت بی غسل یا بی کفن دفن شده باشد، یا بفهمند غسلش باطل بوده، یا به غیر دستور شرع کفن شده یا در قبر، او را رو به قبله نگذاشته‌اند. در تمام این موارد در صورتی شکافتن قبر جایز است که موجب هتک احترام میت نشود. چهارم آن که برای ثابت شدن حقی بخوانند بدن میت را ببینند.

پنجم آن که میت را در جایی که بی‌احترامی به او است مثل قبرستان کفار یا جایی که کثافت و خاکروبه می‌ریزند دفن کرده باشند. ششم آن که برای یک مطلب شرعی که اهمیت آن از شکافتن قبر بیشتر است، قبر را بشکافتند؛ مثلاً بخوانند بچه زنده را از شکم زن حامله‌ای که دفنش کرده‌اند بیرون آورند.

هفتم آن که بترسند درنده‌ای بدن میت را پاره کند، یا سیل او را ببرد یا دشمن بیرون آورد.

هشتم آن که قسمتی از بدن میت را که با او دفن نشده بخوانند دفن کنند ولی احتیاط واجب آن است که آن قسمت از بدن را طوری در قبر بگذارند که بدن میت دیده نشود.

**غسل‌های مستحب****مسئله ۶۴۴**

غسل‌های مستحب در شرع مقدس اسلام بسیار است و از آن جمله است:

۱ - غسل جمعه و وقت آن از اذان صبح است تا ظهر و بهتر است نزدیک ظهر به جا آورده شود و اگر تا ظهر انجام ندهد بهتر است که بدون نیت ادا و قضا تا عصر جمعه به جا آورد و اگر در روز جمعه غسل نکند، مستحب است از صبح شنبه تا غروب قضا آن را به جا آورد و کسی که می‌ترسد در روز جمعه آب پیدا نکند می‌تواند روز پنجشنبه غسل را انجام دهد، بلکه اگر در شب جمعه غسل را به امید آن که مطلوب خداوند عالم است به جا آورد صحیح است و مستحب است انسان در موقع غسل جمعه بگوید:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ»

- ۲ - غسل شب اول ماه رمضان و تمام شب‌های طاق، مثل شب سوم و پنجم و هفتم، ولی از شب بیست و یکم مستحب است همه شب غسل کند و برای غسل شب اول و پانزدهم و هفدهم و نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم و بیست و پنجم و بیست و هفتم و بیست و نهم بیشتر سفارش شده است و وقت غسل شب‌های ماه رمضان تمام شب است و بهتر است نزدیک غروب آفتاب به جا آورده شود؛ ولی از شب بیست و یکم تا آخر ماه بهتر است غسل را بین نماز مغرب و عشا به جا آورد و مستحب است در شب بیست و سوم، غیر از غسل اول شب، یک غسل هم در آخر شب انجام دهد.
- ۳ - غسل روز عید فطر و عید قربان و وقت آن از اذان صبح است تا غروب و بهتر است آن را پیش از نماز عید به جا آورد و اگر از ظهر تا غروب به جا آورد، احتیاط واجب آن است که به قصد رجا انجام دهد.
- ۴ - غسل شب عید فطر و وقت آن از اول مغرب است تا اذان صبح و بهتر است در اول شب به جا آورده شود.
- ۵ - غسل روز هشتم و نهم ذی‌الحجه و در روز نهم بهتر است آن را نزدیک ظهر به جا آورد.
- ۶ - غسل روز اول و پانزدهم و بیست و هفتم و آخر ماه رجب.
- ۷ - غسل روز عید غدیر، بهتر است بعد از طلوع آفتاب اول روز آن را انجام دهند.
- ۸ - غسل روز بیست و چهارم ذی‌الحجه.
- ۹ - غسل روز عید نوروز و پانزدهم شعبان و نهم و هفدهم ربیع‌الاول و روز بیست و پنجم ذیقعد؛ ولی غسل روز پانزدهم شعبان و غسل‌های دیگری که تا آخر این بند ذکر شده به قصد رجا انجام دهد.
- ۱۰ - غسل دادن بچه ای که تازه به دنیا آمده.
- ۱۱ - غسل زنی که برای غیر شوهرش بوی خوش استعمال کرده است.
- ۱۲ - غسل کسی که در حال مستی خوابیده.
- ۱۳ - غسل کسی که جایی از بدنش را به بدن میتی که غسل داده‌اند رسانده.
- ۱۴ - غسل کسی که در موقع گرفتن خورشید و ماه، نماز آیات را عمدا نخوانده؛ در صورتی که تمام ماه و خورشید گرفته باشد.
- ۱۵ - غسل کسی که برای تماشای دار آویخته رفته و آن را دیده باشد؛ ولی اگر اتفاقاً یا از روی ناچاری نگاهش بیفتد یا مثلاً برای شهادت دادن رفته باشد، غسل مستحب نیست.

### مسئله ۶۴۵

پیش از داخل شدن در حرم مکه، شهر مکه، مسجد الحرام، خانه کعبه، حرم مدینه، شهر مدینه، مسجد پیغمبر، مستحب است انسان غسل کند و برای داخل شدن در حرم امامان علیهم‌السلام رجاء غسل نماید. اگر در یک روز چند مرتبه مشرف شود یک غسل کافیت و کسی که می‌خواهد در یک روز داخل حرم مکه و مسجد الحرام و خانه کعبه شود، اگر به نیت همه یک غسل کند کافیت و نیز اگر در یک روز بخواهد داخل حرم مدینه و شهر مدینه و مسجد پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ شود، یک غسل برای همه کفایت می‌کند و برای زیارت پیغمبر و امامان از دور یا نزدیک و برای حاجت خواستن از خداوند عالم و همچنین برای توبه و نشاط به جهت عبادت و برای سفر رفتن خصوصاً سفر زیارت حضرت سید الشهداء علیه السلام مستحب است انسان غسل کند و اگر یکی از غسل‌هایی را که در این مسئله گفته شد به جا آورد و بعد کاری کند که وضو را باطل می‌نماید مثلاً بخوابد، غسل او باطل می‌شود و مستحب است دوباره غسل را به جا آورد.

### مسئله ۶۴۶

انسان نمی‌تواند با غسل مستحبی، کاری که مانند نماز وضو لازم دارد انجام دهد.

### مسئله ۶۴۷

اگر چند غسل بر کسی مستحب باشد و به نیت همه یک غسل به جا آورد کافی است.

### تیمم

### اول از موارد تیمم

### اشاره

آن که تهیه آب به قدر وضو یا غسل ممکن نباشد.

### مسئله ۶۴۸

اگر انسان در آبادی باشد، باید برای تهیه آب وضو و غسل، به قدری جستجو کند که از پیدا شدن آن ناامید شود و اگر در بیابان باشد، چنانچه زمین آن پست و بلند است و یا به واسطه درخت و مانند آن عبور در آن زمین مشکل است، باید در هر یک از چهار طرف به اندازه پرتاب یک تیر قدیمی که با کمان پرتاب می‌کردند در جستجوی آب برود و اگر زمین آن این طور نیست، باید در هر طرف به اندازه پرتاب دو تیر جستجو نماید.

### مسئله ۶۴۹

اگر بعضی از چهار طرف هموار و بعضی دیگر پست و بلند یا عبور در آن مشکل باشد، در طرفی که هموار است، به اندازه پرتاب دو تیر و در طرفی که این طور نیست به اندازه پرتاب یک تیر جستجو کند.

### مسئله ۶۵۰

در هر طرفی که یقین دارد آب نیست، در آن طرف جستجو لازم نیست.

### مسئله ۶۵۱

کسی که وقت نماز او تنگ نیست و برای تهیه آب وقت دارد، اگر یقین دارد، در محلی دورتر از مقداری که باید جستجو کند آب هست، در صورتی که مانعی نباشد و مشقت هم نداشته باشد باید برای تهیه آب برود و اگر گمان دارد آب هست، رفتن به آن محل لازم نیست، ولی اگر اطمینان داشته باشد، بنا بر احتیاط واجب باید برای تهیه آب به آن محل برود.

### مسئله ۶۵۲

لازم نیست خود انسان در جستجوی آب برود، بلکه می‌تواند کسی را که به گفته او اطمینان دارد بفرستد و در این صورت اگر یک نفر از طرف چند نفر برود، کافی است.

**مسئله ۶۵۲**

اگر احتمال دهد که داخل بار سفر خود، یا در منزل یا در قافله آب هست، باید به قدری جستجو نماید که به نبودن آب یقین کند یا از پیدا کردن آن ناامید شود.

**مسئله ۶۵۴**

اگر پیش از وقت نماز جستجو نماید و آب پیدا نکند و تا وقت نماز همان جا بماند، لازم نیست که دوباره در جستجوی آب برود.

**مسئله ۶۵۵**

اگر بعد از داخل شدن وقت نماز جستجو کند و آب پیدا نکند و تا وقت نماز دیگر در همانجا بماند، جستجو لازم نیست. در صورتی که احتمال ندهد در بین این مدت آب در آن محل پیدا می‌شود.

**مسئله ۶۵۶**

اگر از درنده بترسد، یا جستجوی آب به قدری سخت باشد که نتواند تحمل کند یا وقت نماز به قدری تنگ باشد که هیچ نتواند جستجو کند، جستجو لازم نیست ولی اگر بتواند مقداری جستجو کند به همان مقدار جستجو لازم است و اگر از دزد بر جان یا مال خودش بترسد نباید در جستجوی آب برود، ولی اگر مالی که احتمال می‌دهد از بین برود به حسب حال او قابل اعتنا نباشد و ترس دیگری هم نداشته باشد جستجوی آب واجب است.

**مسئله ۶۵۷**

اگر در جستجوی آب نرود تا وقت نماز تنگ شود معصیت کرده، ولی نمازش با تیمم صحیح است.

**مسئله ۶۵۸**

کسی که یقین دارد آب پیدا نمی‌کند، چنانچه دنبال آب نرود و با تیمم نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد که اگر جستجو می‌کرد آب پیدا می‌شد، بنا بر احتیاط واجب نمازش را اعاده یا قضا نماید.

**مسئله ۶۵۹**

اگر بعد از جستجو آب پیدا نکند و با تیمم نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد، در جایی که جستجو کرده آب بوده نماز او صحیح است.

**مسئله ۶۶۰**

اگر بعد از داخل شدن وقت نماز، وضو داشته باشد و بداند که اگر وضوی خود را باطل کند نمی‌تواند وضو بگیرد، چنانچه بتواند بدون ضرر و مشقت وضوی خود را ننگه دارد، نباید آن را باطل نماید و همچنین است اگر بداند یا دو شاهد عادل خبر دهند که تهیه آب برای او ممکن نیست، بلکه اگر احتمال صحیح عقلایی هم بدهد، احتیاط واجب آن است که وضوی خود را باطل نکند.

**مسئله ۶۶۱**

اگر پیش از وقت نماز وضو داشته باشد و بداند یا دو شاهد عادل خبر دهند که اگر وضوی خود را باطل کند، تهیه آب برای او ممکن نیست، چنانچه بتواند بدون ضرر و مشقت وضوی خود را نگه دارد، واجب آن است که آن را باطل نکند و اگر احتمال عقلایی دهد احتیاط واجب آن است که وضو را باطل نکند.

**مسئله ۶۶۲**

کسی که فقط به مقدار وضو یا به مقدار غسل آب دارد، اگر بداند یا دو شاهد عادل خبر دهند که اگر آن را بریزد آب پیدا نمی‌کند، چنانچه وقت نماز داخل شده، ریختن آن حرام است و واجب آن است که پیش از وقت نماز هم آن را نریزد، بلکه هر گاه احتمال عقلایی هم بدهد که اگر آن را بریزد دیگر آب پیدا نمی‌کند، احتیاط واجب آن است که پیش از وقت نماز هم آب را نریزد.

**مسئله ۶۶۳**

کسی که می‌داند یا دو شاهد عادل خبر دهد که آب پیدا نمی‌کند، اگر بعد از داخل شدن وقت نماز وضوی خود را باطل کند، یا آبی را که دارد بریزد، معصیت کرده ولی نمازش با تیمم صحیح است، اگر چه احتیاط مستحب آن است که قضای آن نماز را بخواند.

**دوم از موارد تیمم****مسئله ۶۶۴**

اگر به واسطه پیری، یا ترس از دزد و جانور و مانند اینها یا نداشتن وسیله‌ای که آب از چاه بکشد، دسترسی به آب نداشته باشد، باید تیمم کند و همچنین است اگر تهیه کردن آب یا استعمال آن به قدری مشقت داشته باشد که مردم تحمل آن را نکنند.

**مسئله ۶۶۵**

اگر برای کشیدن آب از چاه، دلو و ریسمان و مانند اینها لازم دارد و مجبور است بخرد، یا کرایه نماید، اگر چه قیمت آن چند برابر معمول باشد، باید تهیه کند و همچنین است اگر آب را به چندین برابر قیمتش بفروشند، ولی اگر تهیه آنها به قدری پول می‌خواهد که نسبت به حال او آن مقدار ضرر دارد، واجب نیست تهیه نماید.

**مسئله ۶۶۶**

اگر ناچار شود که برای تهیه آب قرض کند، باید قرض نماید؛ ولی کسی که می‌داند یا گمان دارد که نمی‌تواند قرض خود را بدهد واجب نیست قرض کند.

**مسئله ۶۶۷**

اگر کندن چاه مشقت ندارد، احتیاط واجب آن است برای تهیه آب، چاه بکند.



**مسئله ۶۶۸**

اگر کسی مقداری آب بی‌منت به او بیخشد، باید قبول کند.

**سوم از موارد تیمم****مسئله ۶۶۹**

اگر از استعمال آب بر جان خود بترسد، یا بترسد که به واسطه استعمال آن مرض یا عیبی در او پیدا شود، یا مرضش طول بکشد یا شدت پیدا کند، یا به سختی معالجه شود، باید تیمم نماید، ولی اگر آب گرم برای او ضرر ندارد، باید با آب گرم وضو بگیرد یا غسل کند.

**مسئله ۶۷۰**

لازم نیست یقین کند که آب برای او ضرر دارد، بلکه اگر احتمال ضرر بدهد، چنانچه احتمال او در نظر مردم به جا باشد و از آن احتمال ترس برای او پیدا شود باید تیمم کند.

**مسئله ۶۷۱**

کسی که مبتلا به درد چشم است و آب برای او ضرر دارد باید تیمم نماید.

**مسئله ۶۷۲**

اگر به واسطه یقین یا ترس ضرر تیمم کند و پیش از نماز بفهمد که آب برایش ضرر ندارد، تیمم او باطل است. اگر بعد از نماز بفهمد، نمازش صحیح است.

**مسئله ۶۷۳**

کسی که می‌داند آب برایش ضرر ندارد، چنانچه غسل کند یا وضو بگیرد و بعد بفهمد که آب برای او ضرر داشته، وضو و غسل او صحیح است.

**چهارم از موارد تیمم****مسئله ۶۷۴**

هر گاه بترسد که اگر آب را به مصرف وضو یا غسل برساند، خود او یا عیال و اولاد او، یا رفیقش و کسانی که با او مربوطند مانند نوکر و کلفت از تشنگی بمیرند یا مریض شوند، یا به قدری تشنه شوند که تحمل آن مشقت دارد، باید به جای وضو و غسل تیمم نماید و نیز اگر بترسد حیوانی که مانند اسب و قاطر معمولاً برای خوردن سرش را نمی‌برند از تشنگی تلف شود، باید آب را به آن بدهد و تیمم نماید اگر چه حیوان مال خودش نباشد و همچنین است اگر کسی که حفظ جان او واجب است، به طوری تشنه باشد

که اگر انسان آب را به او ندهد تلف شود.

### مسئله ۶۷۵

اگر غیر از آب پاکی که برای وضو یا غسل دارد، آب نجسی هم به مقدار آشامیدن خود و کسانی که با او مربوطند داشته باشد، باید آب پاک را برای آشامیدن بگذارد و با تیمم نماز بخواند؛ ولی چنانچه آب را برای حیوانش بخواند، باید آب نجس را به آن بدهد و با آب پاک وضو و غسل را انجام دهد.

### پنجم از موارد تیمم

### مسئله ۶۷۶

کسی که بدن یا لباسش نجس است و کمی آب دارد که اگر با آن وضو بگیرد یا غسل کند، برای آب کشیدن بدن یا لباس او نمی‌ماند، باید بدن یا لباس را آب بکشد و با تیمم نماز بخواند. ولی اگر چیزی نداشته باشد که بر آن تیمم کند، باید آب را به مصرف وضو یا غسل برساند و با بدن یا لباس نجس نماز بخواند.

### ششم از موارد تیمم

### مسئله ۶۷۷

اگر غیر از آبی که استعمال آن حرام است، آب دیگری ندارد، مثلاً آب غصیبست و غیر از آن آب دیگری ندارد، باید به جای وضو و غسل تیمم بکند، اما اگر آب مباح است، اما در ظرفیست که استعمال آن حرام است، مثلاً ظرف غصبی است، در صورتی که تخلیه آب از ظرف غصبی، تصرف در غصب محسوب نشود باید آب را تخلیه کرده و وضو بگیرد یا غسل کند. ولی اگر تخلیه آب از ظرف غصبی، تصرف در غصب محسوب شود باید به جای وضو و غسل تیمم کند.

### هفتم از موارد تیمم

### مسئله ۶۷۸

هر گاه وقت به قدری تنگ باشد که اگر وضو بگیرد، یا غسل کند، تمام نماز یا مقداری از آن بعد از وقت خوانده می‌شود، باید تیمم کند.

### مسئله ۶۷۹

اگر عمداً نماز را به قدری تأخیر بیندازد که وقت وضو یا غسل نداشته باشد، معصیت کرده، ولی نماز او با تیمم صحیح است، اگر چه احتیاط مستحب آن است که قضای آن نماز را بخواند.

### مسئله ۶۸۰

کسی که شک دارد که اگر وضو بگیرد یا غسل کند، وقت برای نماز او می‌ماند یا نه، باید تیمم کند.

**مسئله ۶۸۱**

کسی که به واسطه تنگی وقت تیمم کرده، چنانچه بعد از نماز آبی که داشته از دستش برود، اگر چه تیمم خود را نشکسته باشد در صورتی که وظیفه اش تیمم باشد، باید دوباره تیمم نماید.

**مسئله ۶۸۲**

کسی که آب دارد، اگر به واسطه تنگی وقت با تیمم مشغول نماز شود و در بین نماز آبی که داشته از دستش برود، برای نمازهای بعد به احتیاط واجب تیمم کند.

**مسئله ۶۸۳**

اگر انسان به قدری وقت دارد که می‌تواند وضو بگیرد یا غسل کند و نماز را بدون کارهای مستحبی آن مثل اقامه و قنوت بخواند، باید غسل کند یا وضو بگیرد و نماز را بدون کارهای مستحبی آن به جا آورد؛ بلکه اگر به اندازه سوره هم وقت ندارد، باید غسل کند یا وضو بگیرد و نماز را بدون سوره بخواند.

**چیزهایی که تیمم به آنها صحیح است****مسئله ۶۸۴**

تیمم به خاک و ریگ و کلوخ و سنگ اگر پاک باشند صحیح است، و به گل پخته مثل آجر و کوزه نیز صحیح است.

**مسئله ۶۸۵**

تیمم بر سنگ گچ و سنگ آهک و سنگ مرمر سیاه و سایر اقسام سنگها صحیح است؛ ولی تیمم به جواهر مثل سنگ عقیق و فیروزه باطل می‌باشد و احتیاط واجب آن است که با بودن یکی از چیزهایی که در مسئله ۶۸۴ گفته شد، به گچ و آهک پخته تیمم نمایند و در صورت نبودن یکی از آنها احتیاط واجب آن است که هم تیمم بر گچ یا آهک پخته نموده و هم بر گرد و غبار یا گل و چنانچه گرد و غبار یا گل نباشد، احتیاط واجب آن است که تیمم بر یکی از آن دو نموده نماز را بخواند و بعد اعاده یا قضا نماید.

**مسئله ۶۸۶**

اگر خاک و ریگ و کلوخ و سنگ پیدا نشود، باید به گرد و غباری که روی فرش و لباس و مانند اینهاست تیمم نماید و اگر غبار در لای لباس و فرش باشد، تیمم به آن صحیح نیست مگر آن که اول دست بزند تا روی آن غبار آلوده شود بعد تیمم کند و چنانچه گرد پیدا نشود، باید به گل تیمم کند و اگر گل هم پیدا نشود، احتیاط مستحب آن است که نماز را بدون تیمم بخواند و بنا بر احتیاط، بعداً قضای آن را به جا آورد.

**مسئله ۶۸۷**

اگر بتواند با تکاندن فرش و مانند آن خاک تهیه کند، تیمم به گرد باطل است و اگر بتواند گل را خشک کند و از آن خاک تهیه

نماید، تیمم به گل باطل می‌باشد.

#### مسئله ۶۸۸

کسی که آب ندارد اگر برف یا یخ داشته باشد، چنانچه ممکن است باید آن را آب کند و با آن وضو بگیرد یا غسل نماید و اگر ممکن نیست و چیزی هم که تیمم به آن صحیح است ندارد، احتیاطاً نماز را در داخل وقت بدون وضو و تیمم بخواند و بنا بر احتیاط واجب بعداً قضا کند.

#### مسئله ۶۸۹

اگر با خاک و ریگ چیزی مانند گاه که تیمم به آن باطل است مخلوط شود، نمی‌تواند به آن تیمم کند، ولی اگر آن چیز به قدری کم باشد که در خاک یا ریگ، از بین رفته حساب شود، تیمم به آن خاک و ریگ صحیح است.

#### مسئله ۶۹۰

اگر چیزی ندارد که بر آن تیمم کند چنانچه ممکن است، باید به خریدن و مانند آن تهیه نماید.

#### مسئله ۶۹۱

تیمم به دیوار گلی صحیح است و احتیاط مستحب آن است که با بودن زمین یا خاک خشک، به زمین یا خاک نمناک تیمم نکند.

#### مسئله ۶۹۲

چیزی که بر آن تیمم می‌کند باید پاک باشد و اگر چیز پاکی که تیمم به آن صحیح است ندارد و یا پیدا نکند احتیاطاً نماز بدون تیمم بخواند ولی به احتیاط واجب قضای آن را به جا آورد.

#### مسئله ۶۹۳

اگر یقین داشته باشد که تیمم به چیزی صحیح است و به آن تیمم نماید، بعد بفهمد تیمم به آن باطل بوده، نمازهایی را که با آن تیمم خوانده باید دوباره بخواند.

#### مسئله ۶۹۴

چیزی که بر آن تیمم می‌کند، باید غصبی نباشد.

#### مسئله ۶۹۵

تیمم در فضای غصبی باطل نیست، پس اگر در ملک خود، دستها را به زمین بزند و بی‌اجازه داخل ملک دیگری شود و دستها را به پیشانی بکشد، تیمم او باطل نمی‌شود.

#### مسئله ۶۹۶

اگر نداند محل تیمم غصیبست و یا فراموش کرده باشد، تیمم او صحیح است، اگر چه فراموش کننده خود غاصب باشد.

### مسئله ۶۹۷

کسی که در جای غصبی حبس است، اگر آب و خاک او غصبی است، باید با تیمم نماز بخواند.

### مسئله ۶۹۸

مستحب است چیزی که بر آن تیمم می‌کند، گردی داشته باشد که به دست بماند و بعد از زدن دست بر آن، مستحب است دست را بتکاند که گرد آن بریزد.

### مسئله ۶۹۹

تیمم به زمین گود و خاک جاده و زمین شوره‌زار که نمک روی آن را نگرفته مکروه است و اگر نمک روی آن را گرفته باشد، باطل است.

### دستور تیمم

### مسئله ۷۰۰

در تیمم چهار چیز واجب است:

اول نیت.

دوم زدن کف دو دست با هم بر چیزی که تیمم به آن صحیح است.

سوم کشیدن کف هر دو دست به تمام پیشانی و دو طرف آن، از جایی که موی سر می‌روید، تا ابروها و بالای بینی و بنا بر احتیاط واجب باید دستها روی ابروها هم، کشیده شود.

چهارم کشیدن کف دست چپ به تمام پشت دست راست و بعد از آن کشیدن کف دست راست به تمام پشت دست چپ.

### مسئله ۷۰۱

تیمم بدل از غسل و بدل از وضو با هم فرقی ندارند.

### احکام تیمم

### مسئله ۷۰۲

اگر مختصری از پیشانی و پشت دستها را هم مسح نکند تیمم باطل است، چه عمدا مسح نکند، یا مسأله را نداند، یا فراموش کرده باشد ولی دقت زیاد هم لازم نیست و همین قدر که بگویند تمام پیشانی و پشت دست مسح شده کافی است.

### مسئله ۷۰۳

برای آن که یقین کند تمام پشت دست را مسح کرده، باید مقداری بالاتر از مچ را هم مسح نماید، ولی مسح بین انگشتان لازم نیست.

#### مسئله ۲۰۴

پیشانی و پشت دستها را باید از بالا به پایین مسح نماید و کارهای آن را باید پشت سرهم به جا آورد و اگر بین آنها به قدری فاصله دهد که نگویند تیمم می کند باطل است.

#### مسئله ۲۰۵

در موقع نیت باید معین کند که تیمم او بدل از غسل است یا بدل از وضو و اگر بدل از غسل باشد باید آن غسل را معین نماید و چنانچه اشتباها به جای بدل از وضو، بدل از غسل یا به جای بدل از غسل، بدل از وضو نیت کند، یا مثلاً در تیمم بدل از غسل جنابت، نیت تیمم بدل از غسل مس میت نماید، اگر به قصد تیممی که بر او واجب است تیمم کند، تیمم او باطل است، ولی اگر اشتباه در تشخیص باشد تیمم او صحیح است.

#### مسئله ۲۰۶

در تیمم باید پیشانی و کف دستها و پشت دستها پاک باشد و اگر کف دست نجس باشد و نتواند آن را آب بکشد، باید با همان کف دست نجس در صورتی که نجاستش مُسری نباشد، تیمم کند.

#### مسئله ۲۰۷

انسان باید برای تیمم انگشتر را از دست بیرون آورد و اگر در پیشانی یا پشت دستها یا در کف دستها مانعی باشد، مثلاً چیزی به آنها چسبیده باشد، باید بر طرف نماید.

#### مسئله ۲۰۸

اگر پیشانی یا پشت دستها زخم است و پارچه یا چیز دیگری را که بر آن بسته نمی تواند باز کند، باید دست را روی آن بکشد و نیز اگر کف دست زخم باشد و پارچه یا چیز دیگری را که بر آن بسته نتواند باز کند، باید دست را با همان پارچه به چیزی که تیمم به آن صحیح است بزند و به پیشانی و پشت دستها بکشد.

#### مسئله ۲۰۹

اگر پیشانی و پشت دستها مو داشته باشد اشکال ندارد؛ ولی اگر موی سر روی پیشانی آمده باشد، باید آن را عقب بزند.

#### مسئله ۲۱۰

اگر احتمال دهد که در پیشانی و کف دستها یا پشت دستها مانعی هست، چنانچه احتمال او در نظر مردم به جا باشد باید جستجو نماید، تا یقین یا اطمینان پیدا کند که مانعی نیست.

**مسئله ۷۱۱**

اگر وظیفه او تیمم است و نمی‌تواند تیمم کند، باید نایب بگیرد و کسی که نایب می‌شود، باید او را با دست خود او تیمم دهد و اگر ممکن نباشد باید نایب، دست خود را به چیزی که تیمم به آن صحیح است بزند و به پیشانی و پشت دستهای او بکشد و احتیاطاً نایب هم قصد تیمم بکند.

**مسئله ۷۱۲**

اگر بعد از آن که وارد تیمم شد شک کند که قسمت پیش از آن را فراموش کرده یا نه، اعتنا نکند و تیمم او صحیح است و نیز اگر بعد از به جا آوردن هر جز شک کند که درست به جا آورده یا نه اعتنا نکند و تیمم او صحیح است.

**مسئله ۷۱۳**

اگر بعد از مسح دست چپ شک کند که درست تیمم کرده یا نه، تیمم او صحیح است.

**مسئله ۷۱۴**

کسی که وظیفه‌اش تیمم است، بنا بر احتیاط واجب نباید پیش از وقت نماز برای نماز تیمم کند، ولی اگر برای کار واجب دیگر یا مستحبی تیمم کند و تا وقت نماز عذر او باقی باشد، می‌تواند با همان تیمم نماز بخواند.

**مسئله ۷۱۵**

کسی که وظیفه‌اش تیمم است، اگر بداند تا آخر وقت عذر او باقی می‌ماند، در وسعت وقت می‌تواند با تیمم نماز بخواند و هم چنین است اگر امید دارد که عذر او بر طرف شود ولی اگر بداند که تا آخر وقت عذر او بر طرف می‌شود، باید صبر کند و با وضو یا غسل نماز بخواند، یا در تنگی وقت با تیمم نماز را به جا آورد.

**مسئله ۷۱۶**

کسی که نمی‌تواند وضو بگیرد یا غسل کند، می‌تواند نمازهای قضای خود را با تیمم بخواند، در صورتی که علم نداشته باشد که به زودی عذر او بر طرف می‌شود.

**مسئله ۷۱۷**

کسی که نمی‌تواند وضو بگیرد یا غسل کند، جایز است نمازهای مستحبی را که مثل نافله‌های شبانه روز وقت معین دارد با تیمم بخواند، حتی در اول وقت در صورتی که علم نداشته باشد که تا قبل از گذشتن وقت معین عذر بر او بر طرف می‌شود.

**مسئله ۷۱۸**

کسی که احتیاطاً باید غسل جبیره‌ای و تیمم نماید، مثلاً جراحی در پشت دست او است، اگر بعد از غسل و تیمم نماز بخواند و بعد از نماز حدث اصغری از او سرزند مثلاً بول کند، برای نمازهای بعد، باید وضو بگیرد.

**مسئله ۷۱۹**

اگر به واسطه نداشتن آب یا عذر دیگری تیمم کند، بعد از بر طرف شدن عذر، تیمم او باطل می‌شود.

**مسئله ۷۲۰**

چیزهایی که وضو را باطل می‌کند، تیمم بدل از وضو را هم باطل می‌کند و چیزهایی که غسل را باطل می‌نماید، تیمم بدل از غسل را هم باطل می‌نماید.

**مسئله ۷۲۱**

کسی که نمی‌تواند غسل کند، اگر چند غسل بر او واجب باشد، احتیاط واجب آن است که بدل هر یک از آنها یک تیمم نماید.

**مسئله ۷۲۲**

کسی که نمی‌تواند غسل کند، اگر بخواهد عملی را که برای آن غسل واجب است انجام دهد، باید بدل از غسل تیمم نماید و اگر نتواند وضو بگیرد و بخواهد عملی را که برای آن وضو واجب است انجام دهد، باید بدل از وضو تیمم نماید.

**مسئله ۷۲۳**

اگر بدل از غسل جنابت تیمم کند، لازم نیست برای نماز وضو بگیرد، ولی اگر بدل از غسل‌های دیگر تیمم کند، باید وضو بگیرد و اگر نتواند وضو بگیرد، باید تیمم دیگری هم بدل از وضو بنماید.

**مسئله ۷۲۴**

اگر بدل از غسل تیمم کند و بعد کاری که وضو را باطل می‌کند برای او پیش آید، چنانچه برای نمازهای بعد نتواند غسل کند باید وضو بگیرد و اگر نمی‌تواند وضو بگیرد، باید بدل از وضو تیمم نماید.

**مسئله ۷۲۵**

کسی که وظیفه‌اش آن است که بدل از وضو و بدل از غسل تیمم کند، همین دو تیمم کفایت می‌کند و تیمم دیگری لازم نیست.

**مسئله ۷۲۶**

کسی که وظیفه‌اش تیمم است اگر برای کاری تیمم کند، تا تیمم و عذر او باقی است، کارهایی را که باید با وضو یا غسل انجام داد، می‌تواند به جا آورد؛ ولی اگر با داشتن آب برای نماز میت یا خوابیدن تیمم کرده فقط کاری را که برای آن تیمم نموده می‌تواند انجام دهد و در مورد تیمم به خاطر تنگی وقت به احتیاط واجب سایر غایات را انجام ندهد.

**مسئله ۷۲۷**

در چند مورد مستحب است نمازهایی را که انسان با تیمم خوانده دوباره بخواند:



اول آن که از استعمال آب ترس داشته و عمدا خود را جنب کرده و با تیمم نماز خوانده است.  
دوم آن که می‌دانسته یا گمان داشته که آب پیدا نمی‌کند و عمدا خود را جنب کرده و با تیمم نماز خوانده است.  
سوم آن که تا آخر وقت، عمدا در جستجوی آب نرود و با تیمم نماز بخواند و بعد بفهمد که اگر جستجو می‌کرد، آب پیدا می‌شد.  
چهارم آن که عمدا نماز را تأخیر انداخته و در آخر وقت با تیمم نماز خوانده است.  
پنجم آن که می‌دانسته یا گمان داشته که آب پیدا نمی‌شود و آبی را که داشته ریخته است.

## [نماز]

### نمازهای واجب

#### نمازهای واجب یومیه

#### اشاره

نمازهای واجب یومیه پنج قسم است:  
ظهر و عصر، هر کدام چهار رکعت، مغرب سه رکعت، عشا چهار رکعت، صبح دو رکعت.

#### مسئله ۷۲۸

در سفر باید نمازهای چهار رکعتی را با شرایطی که گفته می‌شود، دو رکعت خواند.

#### وقت نماز ظهر و عصر

#### مسئله ۷۲۹

اگر چوب یا چیزی مانند آن را، راست در زمین هموار فرو برند، صبح که خورشید بیرون می‌آید، سایه آن به طرف مغرب می‌افتد و هر چه آفتاب بالا- می‌آید این سایه کم می‌شود و در شهرهای ما در اول ظهر شرعی به آخرین درجه کمی می‌رسد و ظهر که گذشت، سایه آن به طرف مشرق بر می‌گردد و هر چه خورشید رو به مغرب می‌رود، سایه زیادتر می‌شود؛ بنا بر این وقتی سایه به آخرین درجه کمی رسید و دو مرتبه رو به زیاد شدن گذاشت، معلوم می‌شود ظهر شرعی شده است؛ ولی در بعضی شهرها مثل مکه که گاهی موقع ظهر سایه به کلی از بین می‌رود، بعد از آن که سایه دوباره پیدا شد، معلوم می‌شود ظهر شده است.

#### مسئله ۷۳۰

چوب یا چیز دیگری را که برای معین کردن ظهر به زمین فرو می‌برند، شاخص گویند.

#### مسئله ۷۳۱

نماز ظهر و عصر هر کدام وقت مخصوص و مشترکی دارند:

وقت مخصوص نماز ظهر از اول ظهر است تا وقتی که از ظهر به اندازه خواندن نماز ظهر بگذرد. وقت مخصوص نماز عصر، موقعیست که به اندازه خواندن نماز عصر، وقت به مغرب مانده باشد، که اگر کسی تا این موقع نماز ظهر را عمداً نخواند، نماز ظهر او قضا شده و باید نماز عصر را بخواند، ولی اگر سهواً نماز عصر را جلوتر بخواند نماز ظهر را در وقت اختصاصی عصر به نیت ادا بخواند ما بین وقت مخصوص نماز ظهر و وقت مخصوص نماز عصر، وقت مشترک نماز ظهر و نماز عصر است و اگر کسی در این وقت اشتباها نماز عصر را پیش از نماز ظهر بخواند و بعد از نماز ملتفت شود، نمازش صحیح است.

### مسئله ۷۳۲

اگر پیش از خواندن نماز ظهر، سهواً مشغول نماز عصر شود و در بین نماز بفهمد اشتباه کرده است، چنانچه در وقت مشترک باشد، باید نیت را به نماز ظهر برگرداند یعنی نیت کند که آنچه تا حال خوانده‌ام و آنچه را مشغولم و آنچه بعد می‌خوانم، همه نماز ظهر باشد و بعد از آن که نماز را تمام کرد، نماز عصر را بخواند و اگر در وقت مخصوص به ظهر باشد، باید نیت را به نماز ظهر برگرداند و نماز را تمام کند و بعد نماز عصر را بخواند و اگر تمام نماز عصر را در وقت اختصاصی ظهر بخواند و از وقت مشترک چیزی درک نکند، بنا بر احتیاط واجب نماز عصر را اعاده کند و بهتر آن است که هر دو نماز را دوباره بخواند.

### مسئله ۷۳۳

در روز جمعه انسان می‌تواند به جای نماز ظهر دو رکعت نماز جمعه بخواند، ولی بهتر آن است که نماز جمعه بخواند و احتیاط مستحب آن است که اگر نماز جمعه خواند نماز ظهر را هم بخواند. این احتیاط، خیلی مطلوب است.

### مسئله ۷۳۴

احتیاط واجب آن است که نماز جمعه را از موقعی که عرفاً اول ظهر می‌گویند تأخیر نیندازد و اگر از اوایل ظهر تأخیر افتاد، به جای نماز جمعه نماز ظهر بخواند.

## وقت نماز مغرب و عشا

### مسئله ۷۳۵

مغرب، موقعیست که سرخی طرف مشرق که بعد از غروب آفتاب پیدا می‌شود، از وسط آسمان به سمت مغرب برود.

### مسئله ۷۳۶

نماز مغرب و عشا هر کدام وقت مخصوص و مشترکی دارند:

وقت مخصوص نماز مغرب از اول مغرب است، تا وقتی که از مغرب به اندازه خواندن سه رکعت نماز بگذرد، که اگر کسی مثلاً مسافر باشد و تمام نماز عشا را سهواً در این وقت بخواند، احتیاط مستحب آن است که بعد از نماز مغرب نماز عشا را دوباره بخواند. وقت مخصوص نماز عشا موقعیست که به اندازه خواندن نماز عشا به نصف شب مانده که اگر کسی تا این موقع نماز مغرب را عمداً نخواند باید اول نماز عشا و بعد از آن نماز مغرب را بخواند؛ ولی اگر نماز عشا را سهواً جلوتر بخواند نماز مغرب را به قصد ادا در

وقت اختصاصی عشا بخواند و بین وقت مخصوص نماز مغرب و وقت مخصوص نماز عشا وقت مشترک نماز مغرب و عشا است که اگر کسی در این وقت اشتباها نماز عشا را پیش از نماز مغرب بخواند و بعد از نماز ملتفت شود، نمازش صحیح است و باید نماز مغرب را بعد از آن به جا آورد.

### مسئله ۷۳۷

وقت مخصوص و مشترک که معنی آن در مسئله پیش گفته شد، برای اشخاص فرق می‌کند، مثلاً اگر به اندازه خواندن دو رکعت نماز از اول ظهر بگذرد، وقت مخصوص نماز ظهر کسی که مسافر است تمام شده و داخل وقت مشترک می‌شود و برای کسی که مسافر نیست، باید به اندازه خواندن چهار رکعت نماز بگذرد.

### مسئله ۷۳۸

اگر پیش از خواندن نماز مغرب، سهواً مشغول نماز عشا شود و در بین نماز بفهمد که اشتباه کرده، چنانچه تمام آنچه را خوانده یا مقداری از آن را، در وقت مشترک خوانده و به رکوع رکعت چهارم نرفته است، باید نیت را به نماز مغرب برگرداند و نماز را تمام کند و بعد نماز عشا را بخواند و اگر به رکوع رکعت چهارم رفته، باید نماز را تمام کند، بعد نماز مغرب را بخواند. اما اگر تمام آنچه را خوانده، در وقت مخصوص نماز مغرب خوانده باشد و پیش از رکوع رکعت چهارم یادش بیاید، باید نیت را به نماز مغرب برگرداند و نماز را تمام کند و بعد از آن عشا را بخواند، ولی احتیاط آن است که بعد از نماز عشا دوباره نماز مغرب و عشا را بخواند و اگر به رکوع رکعت چهارم رفته نماز عشاء باطل می‌شود و باید نماز مغرب و سپس نماز عشاء را بخواند و احتیاط مستحب آن است که در رکعت چهارم نماز عشاء را تمام کند و بعد نماز مغرب و عشاء را بخواند.

### مسئله ۷۳۹

آخر وقت نماز عشا نصف شب است و احتیاط واجب آن است که برای نماز مغرب و عشا و مانند اینها شب را از اول غروب تا اذان صبح حساب کرد و برای نماز شب و مانند آن می‌تواند تا اول آفتاب حساب نماید.

### مسئله ۷۴۰

اگر از روی معصیت، یا به واسطه عذری نماز مغرب یا نماز عشا را تا نصف شب نخواند، بنا بر احتیاط واجب، باید تا قبل از اذان صبح، بدون این که نیت ادا و قضا کند، به جا آورد.

### وقت نماز صبح

### مسئله ۷۴۱

نزدیک اذان صبح از طرف مشرق، سفیده‌ای رو به بالا حرکت می‌کند که آن را فجر اول گویند. موقعی که آن سفیده در افق پهن شد، فجر دوم و اول وقت نماز صبح است. آخر وقت نماز صبح موقعیست که آفتاب بیرون می‌آید.

## احکام وقت نماز

## مسئله ۷۴۲

موقعی انسان می‌تواند مشغول نماز شود، که یقین کند وقت داخل شده است، یا دو مرد عادل به داخل شدن وقت خبر دهند.

## مسئله ۷۴۳

نابینا و کسی که در زندان است و مانند اینها بنا بر احتیاط واجب باید تا یقین به داخل شدن وقت نکنند، مشغول نماز نشوند، ولی اگر انسان به واسطه ابر یا غبار و مانند اینها که برای همه مانع از یقین کردن است، نتواند در اول وقت نماز، به داخل شدن وقت یقین کند، چنانچه گمان داشته باشد که وقت داخل شده، می‌تواند مشغول نماز شود.

## مسئله ۷۴۴

اگر دو مرد عادل به داخل شدن وقت خبر دهند، یا انسان یقین کند که وقت نماز شده و مشغول نماز شود و در بین نماز بفهمد که هنوز وقت داخل نشده، نماز او باطل است. همچنین است اگر بعد از نماز بفهمد که تمام نماز را پیش از وقت خوانده نمازش باطل است، ولی اگر در بین نماز بفهمد وقت داخل شده، یا بعد از نماز بفهمد که در بین نماز وقت داخل شده بوده است، نماز او صحیح است.

## مسئله ۷۴۵

اگر انسان ملتفت نباشد که باید با یقین به داخل شدن وقت مشغول نماز شود، چنانچه بعد از نماز بفهمد که تمام نماز را در وقت خوانده، نماز او صحیح است و اگر بفهمد تمام نماز را پیش از وقت خوانده یا بفهمد که در بین نماز وقت داخل شده است، نمازش باطل است.

## مسئله ۷۴۶

اگر یقین کند وقت داخل شده و مشغول نماز شود و در بین نماز شک کند که وقت داخل شده یا نه، نماز او باطل است، ولی اگر در بین نماز یقین داشته باشد که وقت شده و شک کند که آنچه از نماز خوانده در وقت بوده، یا نه نمازش صحیح است. ولی اگر بداند چیزی از نماز در خارج وقت بوده، نماز او باطل است.

## مسئله ۷۴۷

اگر وقت نماز به قدری تنگ است که به واسطه به جا آوردن بعضی از کارهای مستحب نماز مقداری از آن بعد از وقت خوانده می‌شود، باید آن مستحب را به جا نیاورد. مثلاً اگر به واسطه خواندن قنوت، مقداری از نماز بعد از وقت خوانده می‌شود، باید قنوت نخواند و اگر بخواند، معصیت کرده ولی نماز او صحیح است.

**مسئله ۷۴۸**

کسی که به اندازه خواندن یک رکعت نماز وقت دارد، باید نماز را به نیت ادا بخواند؛ ولی نباید عمداً نماز را تا این وقت تأخیر بیندازد.

**مسئله ۷۴۹**

کسی که مسافر نیست، اگر تا مغرب به اندازه خواندن پنج رکعت نماز وقت دارد، باید نماز ظهر و عصر هر دو را بخواند و اگر کمتر وقت دارد، باید فقط نماز عصر را بخواند و بعداً نماز ظهر را قضا کند و اگر تا نصف شب به اندازه خواندن پنج رکعت نماز وقت دارد، باید نماز مغرب و عشا را بخواند و اگر کمتر وقت دارد، باید فقط عشا را بخواند و بعداً باید نماز مغرب و عشا را بخواند و به احتیاط واجب نیت ادا و قضا ننماید.

**مسئله ۷۵۰**

کسی که مسافر است، اگر تا مغرب به اندازه خواندن سه رکعت نماز وقت دارد، باید نماز ظهر و عصر را بخواند و اگر کمتر وقت دارد، باید فقط عصر را بخواند و بعداً نماز ظهر را قضا کند. اگر تا نصف شب به اندازه خواندن چهار رکعت نماز وقت دارد، باید نماز مغرب و عشا را بخواند و اگر کمتر وقت دارد باید فقط عشا را بخواند و بعداً مغرب را بدون نیت ادا و قضا به جا آورد و چنانچه بعد از خواندن عشا، معلوم شود که به مقدار یک رکعت یا بیشتر وقت به نصف شب مانده است، باید فوراً نماز مغرب را به نیت ادا به جا آورد.

**مسئله ۷۵۱**

مستحب است انسان نماز را در اول وقت آن بخواند و راجع به آن خیلی سفارش شده است و هر چه به اول وقت نزدیکتر باشد بهتر است، مگر آن که تأخیر آن از جهتی بهتر باشد، مثلاً صبر کند که نماز را به جماعت بخواند.

**مسئله ۷۵۲**

هر گاه انسان عذری دارد که اگر بخواهد در اول وقت نماز بخواند، ناچار است با تیمم نماز بخواند، چنانچه بداند یا احتمال دهد که عذر او تا آخر وقت باقی است، می‌تواند در اول وقت، نماز بخواند. ولی اگر مثلاً لباسش نجس باشد یا عذر دیگری داشته باشد و احتمال دهد که عذر او از بین می‌رود، بنا بر احتیاط واجب باید صبر کند تا عذرش بر طرف شود و چنانچه عذر او بر طرف نشد، در آخر وقت نماز بخواند و لازم نیست به قدری صبر کند که فقط بتواند کارهای واجب نماز را انجام دهد، بلکه اگر برای مستحبات نماز مانند اذان و اقامه و قنوت هم وقت دارد، می‌تواند با لباس نجس مثلاً نماز را با آن مستحبات به جا آورد.

**مسئله ۷۵۳**

کسی که مسائل نماز و شکایات و سهویات را نمی‌داند، اگر مطمئن است که در نماز پیش می‌آید واجب است آنها را یاد بگیرد؛ بلکه بنا به احتیاط واجب مسائلی را که احتمال می‌دهد در نماز پیش آید، باید یاد بگیرد ولی اگر اطمینان دارد که نماز را به طور

صحیح تمام می‌کند، می‌تواند در اول وقت مشغول نماز شود، پس اگر در نماز مسأله‌ای که حکم آن را نمی‌داند پیش نیاید نماز او صحیح است و اگر مسأله‌ای که حکم آن را نمی‌داند پیش آید، می‌تواند به یکی از دو طرفی که احتمال می‌دهد، عمل نماید و نماز را تمام کند. ولی بعد از نماز باید مسأله را بپرسد که اگر نمازش باطل بوده، دوباره بخواند.

#### مسأله ۷۵۴

اگر وقت نماز وسعت دارد و طلبکار هم طلب خود را مطالبه می‌کند، در صورتی که ممکن است باید اول قرض خود را بدهد، بعد نماز بخواند، همچنین است اگر کار واجب دیگری که باید فوراً آن را به جا آورد پیش آمد کند، مثلاً ببیند مسجد نجس است که باید اول مسجد را تطهیر کند، بعد نماز بخواند. چنانچه اول نماز بخواند، معصیت کرده ولی نماز او صحیح است.

#### نمازهایی که باید به ترتیب خوانده شود

#### مسأله ۷۵۵

انسان باید نماز عصر را بعد از نماز ظهر و نماز عشا را بعد از نماز مغرب بخواند و اگر عمداً نماز عصر را پیش از نماز ظهر و نماز عشا را پیش از نماز مغرب بخواند باطل است.

#### مسأله ۷۵۶

اگر به نیت نماز ظهر مشغول نماز شود و در بین نماز یادش بیاید که نماز ظهر را خوانده است، نمی‌تواند نیت را به نماز عصر برگرداند، بلکه باید نماز را بشکند و نماز عصر را بخواند و همینطور است در نماز مغرب و عشا.

#### مسأله ۷۵۷

اگر در بین نماز عصر یقین کند که نماز ظهر را نخوانده است و نیت را به نماز ظهر برگرداند و داخل رکن شود و بعد یادش بیاید که نماز ظهر را خوانده بوده، بنا بر احتیاط واجب نیت را به نماز عصر برگرداند و بعد از تمام کردن نماز، دوباره نماز عصر را بخواند، ولی اگر پیش از داخل شدن در رکن یادش بیاید باید نیت را به نماز عصر برگرداند و آنچه به نیت ظهر خوانده دوباره به نیت عصر بخواند و نمازش صحیح است.

#### مسأله ۷۵۸

اگر در بین نماز عصر شک کند که نماز ظهر را خوانده یا نه، باید نیت را به نماز ظهر برگرداند. ولی اگر وقت به قدری کم است که بعد از تمام شدن نماز، مغرب می‌شود، باید به نیت نماز عصر، نماز را تمام کند و نماز ظهرش قضا ندارد.

#### مسأله ۷۵۹

اگر در نماز عشا، پیش از رکوع رکعت چهارم شک کند که نماز مغرب را خوانده یا نه، چنانچه وقت به قدری کم است که بعد از

تمام شدن نماز، نصف شب می‌شود، باید به نیت عشا نماز را تمام کند و اگر بیشتر وقت دارد، باید نیت را به نماز مغرب برگرداند و نماز را سه رکعتی تمام کند، بعد نماز عشا را بخواند.

### مسئله ۷۶۰

اگر در نماز عشا بعد از رسیدن به رکوع رکعت چهارم شک کند که نماز مغرب را خوانده یا نه، باید نماز را تمام کند، بعد نماز مغرب را بخواند، ولی اگر این شک در وقت مخصوص به نماز عشا باشد، خواندن نماز مغرب لازم نیست.

### مسئله ۷۶۱

اگر انسان نمازی را که خوانده احتیاطاً دوباره بخواند و در بین نماز یادش بیاید، نمازی را که باید پیش از آن بخواند نخوانده است، نمی‌تواند نیت را به آن نماز برگرداند، مثلاً موقعی که نماز عصر را احتیاطاً می‌خواند، اگر یادش بیاید نماز ظهر را نخوانده است، نمی‌تواند نیت را به نماز ظهر برگرداند.

### مسئله ۷۶۲

برگرداندن نیت از نماز قضا به نماز ادا و از نماز مستحب به نماز واجب جایز نیست.

### مسئله ۷۶۳

اگر وقت نماز ادا وسعت داشته باشد، انسان می‌تواند در بین نماز نیت را به نماز قضا برگرداند، ولی باید برگرداندن نیت، به نماز قضا ممکن باشد و اگر مشغول نماز ظهر است، تا موقعی که داخل رکعت سوم نشده است احتیاطاً نیت را به قضای صبح برگرداند.

### نمازهای مستحب

### مسئله ۷۶۴

نمازهای مستحبی زیاد است و آن‌ها را نافله گویند و بین نمازهای مستحبی به خواندن نافله‌های شبانه روز بیشتر سفارش شده و آن‌ها را در غیر روز جمعه سی و چهار رکعتند که هشت رکعت آن نافله ظهر و هشت رکعت نافله عصر و چهار رکعت نافله مغرب و دو رکعت نافله عشا و یازده رکعت نافله شب و دو رکعت نافله صبح می‌باشد و چون دو رکعت نافله عشا را بنا بر احتیاط واجب باید نشسته خواند، یک رکعت حساب می‌شود. ولی در روز جمعه بر شانزده رکعت نافله ظهر و عصر، چهار رکعت اضافه می‌شود.

### مسئله ۷۶۵

از یازده رکعت نافله شب، هشت رکعت آن باید به نیت نافله شب و دو رکعت آن به نیت نماز شفع و یک رکعت آن، به نیت نماز وتر خوانده شود. دستور کامل نافله شب در کتاب‌های دعا گفته شده است.

### مسئله ۷۶۶

نمازهای نافله را می‌شود نشسته خواند، ولی بهتر است دو رکعت نماز نافله نشسته را یک رکعت حساب کند، مثلاً کسی که می‌خواهد نافله ظهر را که هشت رکعت است نشسته بخواند، بهتر است شانزده رکعت بخواند و اگر می‌خواهد نماز وتر را نشسته بخواند، دو نماز یک رکعتی نشسته بخواند.

### مسئله ۷۶۷

نافله ظهر و عصر را در سفر نباید خواند؛ ولی نافله عشا را به نیت این که شاید مطلوب باشد می‌تواند به جا آورد.

### وقت نافله‌های یومیه

### مسئله ۷۶۸

نافله نماز ظهر پیش از نماز ظهر خوانده می‌شود و وقت آن از اول ظهر است تا موقعی که آن مقدار از سایه شاخص که بعد از ظهر پیدا می‌شود، به اندازه دو هفتم آن شود، مثلاً اگر درازی شاخص هفت وجب باشد، هر وقت مدار سایه‌ای که بعد از ظهر پیدا می‌شود به دو وجب رسید، آخر وقت نافله ظهر است.

### مسئله ۷۶۹

نافله عصر پیش از نماز عصر خوانده می‌شود و وقت آن تا موقعیست که آن مقدار از سایه شاخص که بعد از ظهر پیدا می‌شود، به چهار هفتم آن برسد و چنانچه بخواهد نافله ظهر یا نافله عصر را بعد از وقت آنها بخواند، بهتر است نافله ظهر را بعد از نماز ظهر و نافله عصر را بعد از نماز عصر و بنا بر احتیاط واجب، نیت ادا و قضا نکند.

### مسئله ۷۷۰

وقت نافله مغرب بعد از تمام شدن نماز مغرب است تا وقتی که سرخی طرف مغرب که بعد از غروب کردن آفتاب در آسمان پیدا می‌شود، از بین برود.

### مسئله ۷۷۱

وقت نافله عشا بعد از تمام شدن نماز عشا تا نصف شب است و بهتر است بعد از نماز عشا بلافاصله خوانده شود.

### مسئله ۷۷۲

نافله صبح پیش از نماز صبح خوانده می‌شود و وقت آن بعد از گذشتن از نصف شب به مقدار خواندن یازده رکعت نماز شب است، ولی احتیاط آن است که قبل از فجر اول نخواند، مگر آن که بعد از نافله شب بلافاصله بخواند که در این صورت مانعی ندارد.

### مسئله ۷۷۳



وقت نافله شب از نصف شب است تا اذان صبح و بهتر است نزدیک اذان صبح خوانده شود.

### مسئله ۷۷۴

مسافر و کسی که برای او سخت است نافله شب را بعد از نصف شب بخواند، می‌تواند آن را در اول شب به جا آورد.

### نماز غفیله

### مسئله ۷۷۵

یکی از نمازهای مستحبی نماز غُفیله است که بین نماز مغرب و عشا خوانده می‌شود و وقت آن بنا بر احتیاط مستحب - بعد از نماز مغرب است تا وقتی که سرخی طرف مغرب از بین برود. نماز غفیله را رجاء می‌شود بین نماز مغرب و عشاء تا قبل از قضا شدن نماز مغرب به جا آورد و در رکعت اول آن، بعد از حمد باید به جای سوره، این آیه را بخوانند:

وَ ذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَ نَجَّيْنَاهُ مِنَ الغَمِّ وَ كَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ.

و در رکعت دوم بعد از حمد، به جای سوره این آیه را بخوانند:

وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَ يَعْلَمُ مَا فِي البُرِّ وَ البَحْرِ وَ مَا تَشْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَ لَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الأَرْضِ وَ لَا رَطْبٌ وَ لَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ.

و در قنوت آن بگویند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَفَاتِحِ الغَيْبِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا أَنْتَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي (کذا و کذا) و به جای کلمه کذا و کذا حاجت‌های خود را بگویند و بعد بگویند:

اللَّهُمَّ أَنْتَ وَلِيُّ نِعْمَتِي وَ الْقَادِرُ عَلَي طَلِبَتِي تَعْلَمُ حَاجَتِي فَسَأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: لَمَّا قَضَيْتَهَا لِي.

### احکام قبله

### مسئله ۷۷۶

خانه کعبه که در مکه معظمه می‌باشد قبله است و باید روبروی آن نماز خواند، ولی کسی که دور است اگر طوری بایستد که بگویند رو به قبله نماز می‌خواند کافست و همچنین است کارهای دیگری که مانند سر بریدن حیوانات، باید رو به قبله انجام گیرد.

### مسئله ۷۷۷

کسی که نماز واجب را ایستاده می‌خواند، باید طوری بایستد که بگویند رو به قبله ایستاده و لازم نیست زانوهای او و نوک پای او هم رو به قبله باشد.

### مسئله ۷۷۸

کسی که باید نشسته نماز بخواند، اگر نمی‌تواند به طور معمول بنشیند و در موقع نشستن، کف پاها را به زمین می‌گذارد، باید در موقع نماز صورت و سینه و شکم او رو به قبله باشد و لازم نیست ساق پای او رو به قبله باشد.

### مسئله ۷۷۹

کسی که نمی‌تواند نشسته نماز بخواند، باید در حال نماز به پهلو راست طوری بخوابد که جلوی بدن او رو به قبله باشد و اگر ممکن نیست باید به پهلو چپ طوری بخوابد که جلوی بدن او رو به قبله باشد و اگر این را هم نتواند، باید به پشت بخوابد به طوری که کف پای او رو به قبله باشد.

### مسئله ۷۸۰

نماز احتیاط و سجده و تشهد فراموش شده را باید رو به قبله به جا آورد و در سجده سهو هم احتیاط مستحب همین است.

### مسئله ۷۸۱

نماز مستحبی را می‌شود در حال راه رفتن و سواری خواند و اگر انسان در این دو حال، نماز مستحبی بخواند، لازم نیست رو به قبله باشد.

### مسئله ۷۸۲

کسی که می‌خواهد نماز بخواند، باید برای پیدا کردن قبله کوشش نماید، تا یقین کند که قبله کدام طرف است و می‌تواند به گفته دو شاهد عادل که از روی نشانه‌های حسی شهادت می‌دهند یا به قول کسی که از روی قاعده علمی قبله را می‌شناسد و محل اطمینان است عمل کند و اگر اینها ممکن نشد، باید به گمانی که از محراب مسجد مسلمانان یا قبرهای آنان یا از راه‌های دیگر پیدا می‌شود عمل نماید، حتی اگر از گفته فاسق یا کافری که به واسطه قواعد علمی قبله را می‌شناسد گمان به قبله پیدا کند کافی است.

### مسئله ۷۸۳

کسی که گمان به قبله دارد، اگر بتواند گمان قویتری پیدا کند نمی‌تواند بگمان خود عمل نماید، مثلاً اگر میهمان از گفته صاحب خانه گمان به قبله پیدا کند ولی بتواند از راه دیگر گمان قویتری پیدا کند، مثلاً قبله نما داشته باشد که از آن گمان قوی‌تری پیدا شود، نباید به حرف او عمل نماید.

### مسئله ۷۸۴

اگر برای پیدا کردن قبله وسیله‌ای ندارد، یا با این که کوشش کرده، گمانش به طرفی نمی‌رود، چنانچه وقت نماز وسعت دارد باید چهار نماز به چهار طرف بخواند و اگر به اندازه چهار نماز وقت ندارد، باید به اندازه‌ای که وقت دارد، نماز بخواند، مثلاً اگر فقط به اندازه یک نماز وقت دارد، باید یک نماز به هر طرفی که می‌خواهد بخواند. او باید نمازها را طوری بخواند که یقین کند یکی از آنها رو به قبله بوده یا اگر از قبله کج بوده به طرف دست راست و دست چپ قبله نرسیده است.

**مسئله ۷۸۵**

اگر یقین یا گمان کند که قبله در یکی از دو طرف است، باید به هر دو طرف نماز بخواند؛ ولی احتیاط مستحب آن است که در صورت گمان، به چهار طرف نماز بخواند.

**مسئله ۷۸۶**

کسی که باید به چند طرف نماز بخواند، اگر بخواهد نماز ظهر و عصر یا مغرب و عشا را بخواند، بهتر آن است که نماز اول را به هر چند طرف که واجب است بخواند، بعد نماز دوم را شروع کند.

**مسئله ۷۸۷**

کسی که یقین به قبله ندارد، اگر بخواهد غیر از نماز کاری کند که باید رو به قبله انجام داد، مثلاً بخواهد سر حیوانی را ببرد، باید به گمان عمل نماید و اگر گمان ممکن نیست به هر طرف که انجام دهد، صحیح است.

**[احکام نماز]****پوشانیدن بدن در نماز****مسئله ۷۸۸**

مرد باید در حال نماز، اگر چه کسی او را نمی‌بیند عورتین خود را بپوشاند. بهتر است از ناف تا زانو را هم بپوشاند.

**مسئله ۷۸۹**

زن باید در موقع نماز، تمام بدن حتی سر و موی خود را بپوشاند ولی پوشاندن صورت به مقداری که در وضو شسته می‌شود و دستها تا مچ و پاها تا مچ پا لازم نیست. اما برای آن که یقین کند که مقدار واجب را پوشانده است، باید مقداری از اطراف صورت و قدری پایین تر از مچ را هم بپوشاند.

**مسئله ۷۹۰**

موقعی که انسان قضای سجده فراموش شده یا تشهد فراموش شده را به جا می‌آورد، بلکه بنا بر احتیاط واجب در موقع سجده سهو هم، باید خود را مثل موقع نماز بپوشاند.

**مسئله ۷۹۱**

اگر انسان عمداً، در نماز عورتش را نپوشاند، نمازش باطل است، بلکه اگر از روی ندانستن مسئله هم باشد، بنا بر احتیاط واجب باید نمازش را دوباره بخواند.

**مسئله ۷۹۲**

اگر در بین نماز بفهمد که عورتش پیدا است، باید آن را بپوشاند و چنانچه پوشاندن عورت زیاد طول بکشد، احتیاط واجب آن است که نماز را تمام کند و دوباره بخواند، ولی اگر بعد از نماز بفهمد که در نماز عورت او پیدا بوده، نمازش صحیح است.

**مسئله ۷۹۳**

اگر در حال ایستاده، لباسش عورت او را می‌پوشاند ولی ممکن است در حال دیگر، مثلاً در حال رکوع و سجود بپوشاند، چنانچه موقعی که عورت او پیدا می‌شود، به وسیله‌ای آن را بپوشاند، نماز او صحیح است. ولی احتیاط مستحب آن است که با آن لباس نماز نخواند.

**مسئله ۷۹۴**

انسان می‌تواند در نماز خود را به علف و برگ درختان بپوشاند؛ ولی احتیاط مستحب آن است موقعی خود را با اینها بپوشاند که چیز دیگری نداشته باشد.

**مسئله ۷۹۵**

اگر غیر از گل هیچ چیز ندارد که در نماز خود را بپوشاند، گل ساتر نیست و می‌تواند برهنه نماز بخواند.

**مسئله ۷۹۶**

اگر چیزی ندارد که در نماز خود را با آن بپوشاند چنانچه احتمال دهد که پیدا می‌کند، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را تأخیر بیندازد و اگر چیزی پیدا نکرد، در آخر وقت مطابق وظیفه‌اش نماز بخواند.

**مسئله ۷۹۷**

کسی که می‌خواهد نماز بخواند، اگر برای پوشاندن خود حتی برگ درخت و علف نداشته باشد و احتمال ندهد، که تا آخر وقت چیزی پیدا کند که خود را با آن بپوشاند، در صورتی که نامحرم او را می‌بیند باید نشسته نماز بخواند و عورت خود را با ران خود بپوشاند و اگر کسی او را نمی‌بیند، ایستاده نماز بخواند و جلوی خود را با دست بپوشاند و در هر صورت رکوع و سجود را با اشاره انجام می‌دهد و برای سجود سر را قدری پایین تر می‌آورد.

**لباس نماز گزار**

[شرایط لباس نماز گزار]

**مسئله ۷۹۸**

لباس نماز گزار شش شرط دارد:  
 اول آن که پاک باشد.  
 دوم آن که مباح باشد.  
 سوم آن که از اجزای مردار نباشد.  
 چهارم آن که از حیوان حرام گوشت نباشد.  
 پنجم و ششم آن که اگر نماز گزار مرد است، لباس او ابریشم خالص و طلا باف نباشد. تفصیل اینها در مسائل آینده گفته می شود.

### شرط اول

#### مسئله ۷۹۹

لباس نماز گزار باید پاک باشد و اگر کسی عمداً با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، نمازش باطل است.

#### مسئله ۸۰۰

کسی که نمی داند با بدن و لباس نجس نماز باطل است، اگر با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، نمازش باطل می باشد.

#### مسئله ۸۰۱

اگر به واسطه ندانستن مسئله، چیز نجسی را نداند نجس است، مثلاً نداند عرق شتر نجاستخوار یا عرق کافر نجس است و با آن نماز بخواند، نمازش باطل است.

#### مسئله ۸۰۲

اگر نداند که بدن یا لباسش نجس است و بعد از نماز بفهمد نجس بوده نماز او صحیح است، ولی احتیاط مستحب آن است که اگر وقت دارد، دوباره آن نماز را بخواند.

#### مسئله ۸۰۳

اگر فراموش کند که بدن یا لباسش نجس است و در بین نماز یا بعد از آن یادش بیاید، باید نماز را دوباره بخواند و اگر وقت گذشته، قضا نماید.

#### مسئله ۸۰۴

کسی که در وسعت وقت مشغول نماز است، اگر در بین نماز، بدن یا لباس او نجس شود و پیش از آن که چیزی از نماز را با نجاست بخواند، ملتفت شود که نجس شده، یا بفهمد بدن یا لباس او نجس است و شک کند که همان وقت نجس شده یا از پیش نجس بوده، در صورتی که آب کشیدن بدن یا لباس یا عوض کردن لباس یا بیرون آوردن آن، نماز را به هم نمی‌زند، باید در بین نماز بدن یا لباس را آب بکشد یا لباس را عوض نماید یا اگر چیز دیگری عورت او را پوشانده، لباس را بیرون آورد، ولی چنانچه طوری باشد که اگر بدن یا لباس را آب بکشد یا لباس را عوض کند یا بیرون آورد، نماز به هم می‌خورد و اگر لباس را بیرون آورد برهنه می‌ماند، باید نماز را بشکند و با بدن و لباس پاک نماز بخواند.

### مسئله ۸۰۵

کسی که در تنگی وقت مشغول نماز است، اگر در بین نماز لباس او نجس شود و پیش از آن که چیزی از نماز را با نجاست بخواند بفهمد که نجس شده، یا بفهمد که لباس او نجس است و شک کند که همان وقت نجس شده یا از پیش نجس بود، در صورتی که آب کشیدن یا عوض کردن یا بیرون آوردن لباس، نماز را به هم نمی‌زند و می‌تواند لباس را بیرون آورد، باید لباس را آب بکشد یا عوض کند، یا اگر چیز دیگری عورت او را پوشانده، لباس را بیرون آورد و نماز را تمام کند، اما اگر چیز دیگری عورت او را پوشانده و لباس را هم نمی‌تواند آب بکشد یا عوض کند، باید لباس را بیرون آورد و به دستوری که برای برهنگان گفته شد نماز را تمام کند. ولی چنانچه طور است که اگر لباس را آب بکشد یا عوض کند، نماز به هم می‌خورد و به واسطه سرما و مانند آن نمی‌تواند لباس را بیرون آورد، باید با همان حال نماز را تمام کند و نمازش صحیح است.

### مسئله ۸۰۶

کسی که در تنگی وقت مشغول نماز است، اگر در بین نماز بدن او نجس شود و پیش از آن که چیزی از نماز را با نجاست بخواند ملتفت شود که نجس شده، یا بفهمد بدن او نجس است و شک کند که همان وقت نجس شده یا از پیش نجس بود، در صورتی که آب کشیدن بدن نماز را به هم نمی‌زند، باید آب بکشد و اگر نماز را به هم می‌زند، باید با همان حال نماز را تمام کند و نماز او صحیح است.

### مسئله ۸۰۷

کسی که در پاک بودن بدن یا لباس خود شک دارد، چنانچه نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد که بدن یا لباسش نجس بوده، نماز او صحیح است.

### مسئله ۸۰۸

اگر لباس را آب بکشد و یقین کند که پاک شده است و با آن نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد پاک نشده بوده است، بنا بر احتیاط

واجب اگر وقت نماز باقیست باید دوباره نماز را بخواند و اگر وقت گذشته باید نمازش را قضا کند.

### مسئله ۸۰۹

اگر خونی در بدن یا لباس خود ببیند و یقین کند که از خون‌های نجس نیست، مثلاً یقین کند که خون پشه است، چنانچه بعد از نماز بفهمد از خون‌هایی بوده که نمی‌شود با آن نماز خواند، نماز او صحیح است.

### مسئله ۸۱۰

هر گاه یقین کند خونی که در بدن یا لباس او است خون نجسیست که نماز با آن صحیح است، مثلاً یقین کند خون زخم و دمل است، اگر چنانچه بعد از نماز بفهمد خونی بوده که نماز با آن باطل است، نمازش صحیح است.

### مسئله ۸۱۱

اگر نجس بودن چیزی را فراموش کند و بدن یا لباسش با رطوبت به آن برسد و در حال فراموشی نماز بخواند و بعد از نماز یادش بیاید، نماز او صحیح است. ولی اگر بدنش با رطوبت به چیزی که نجس بودن آن را فراموش کرده برسد و بدون این که خود را آب بکشد، غسل کند و نماز بخواند، غسل و نمازش باطل است و نیز اگر جایی از اعضاء وضو با رطوبت به چیزی که نجس بودن آن را فراموش کرده برسد و پیش از آن که آنجا را آب بکشد، وضو بگیرد و نماز بخواند، وضو و نمازش باطل می‌باشد.

### مسئله ۸۱۲

کسی که یک لباس دارد، اگر بدن و لباسش نجس شود و به اندازه آب کشیدن یکی از آنها آب داشته باشد، چنانچه بتواند لباسش را بیرون آورد، باید بدن را آب بکشد و نماز را به دستوری که برای برهنگان گفته شد به جا آورد و اگر به واسطه سرما یا عذر دیگر نتواند لباس را بیرون آورد، در صورتی که نجاست هر دو مساوی باشد مثلاً هر دو بول یا خون باشد یا نجاست بدن شدیدتر باشد، مثلاً نجاستش بول باشد که باید دو مرتبه آن را آب کشید، احتیاط واجب آن است که بدن را آب بکشد و اگر نجاست لباس بیشتر یا شدیدتر باشد، هر کدام از بدن یا لباس را بخواهد می‌تواند آب بکشد.

### مسئله ۸۱۳

کسی که غیر از لباس نجس، لباس دیگری ندارد و وقت تنگ است یا احتمال نمی‌دهد که لباس پاک پیدا کند، باید نماز را به دستوری که برای برهنگان گفته شد به جا آورد و اگر به واسطه سرما یا عذر دیگری نمی‌داند لباس را بیرون آورد؛ با همان لباس نماز بخواند.

**مسئله ۸۱۴**

کسی که دو لباس دارد، اگر بداند یکی از آنها نجس است و نتواند آنها را آب بکشد و نداند کدام یک از آنهاست، چنانچه وقت دارد باید با هر دو لباس نماز بخواند. مثلاً اگر می‌خواهد نماز ظهر و عصر بخواند، باید با هر کدام یک نماز ظهر و یک نماز عصر بخواند؛ ولی اگر وقت تنگ است، باید نماز را به دستوری که برای برهنگان گفته شد به جا آورد و به احتیاط واجب آن نماز را با لباس پاک قضا نماید.

**شرط دوم****مسئله ۸۱۵**

لباس نماز گزار باید مباح باشد و کسی که می‌داند پوشیدن لباس غضبی حرام است، اگر عمداً در لباس غضبی نماز بخواند باطل است و هم چنین اگر در لباسی که نخ یا دگمه یا چیز دیگر آن غضبیست نماز بخواند، بنا بر احتیاط واجب باید آن نماز را دوباره با لباس غیر غضبی بخواند.

**مسئله ۸۱۶**

کسی که می‌داند پوشیدن لباس غضبی حرام است، ولی نمی‌داند نماز را باطل می‌کند، اگر عمداً با لباس غضبی نماز بخواند، باید آن نماز را با لباس غیر غضبی بخواند.

**مسئله ۸۱۷**

اگر نداند یا فراموش کند که لباس او غضبیست ولی اگر خودش آن لباس را غضب کرده باشد و با آن نماز بخواند، بنا بر احتیاط واجب باید دوباره آن نماز را بخواند.

**مسئله ۸۱۸**

اگر نداند یا فراموش کند که لباس او غضبیست و در بین نماز بفهمد، چنانچه چیز دیگری عورت او را پوشانده است و می‌تواند فوراً یا بدون این که موالات یعنی پی در پی بودن نماز به هم بخورد، لباس غضبی را بیرون آورد، باید آن را بیرون آورد و نمازش صحیح است و اگر چیز دیگر عورت او را پوشانده یا نمی‌تواند لباس غضبی را فوراً بیرون آورد، یا اگر بیرون آورد پی در پی بودن نماز به هم می‌خورد در صورتی که به تعداد یک رکعت هم وقت داشته باشد باید نماز را بشکند و با لباس غیر غضبی نماز بخواند و اگر به این مقدار وقت ندارد، باید در حال نماز لباس را بیرون آورد و به دستور نماز برهنگان نماز را تمام نماید.



**مسئله ۸۱۹**

اگر کسی برای حفظ جان‌ش با لباس غصبی نماز بخواند، یا مثلاً برای این که دزد لباس غصبی را نبرد با آن نماز بخواند، نمازش صحیح است.

**مسئله ۸۲۰**

اگر با عین پولی که خمس یا زکات آن را نداده لباس بخرد، نماز خواندن در آن لباس باطل است و به احتیاط واجب همچنین است اگر به ذمه بخرد و در موقع معامله قصدش این باشد که از پولی که خمس یا زکاتش را نداده بدهد.

**شرط سوم****مسئله ۸۲۱**

لباس نمازگزار باید از اجزای حیوان مرده‌ای که خون جهنده دارد، یعنی حیوانی که اگر رگش را ببرند خون از آن جستن می‌کند، نباشد. بلکه اگر از حیوان مرده‌ای که مانند ماهی و مار که خون جهنده ندارد لباس تهیه کند، احتیاط واجب آن است که با آن نماز نخواند.

**مسئله ۸۲۲**

باید چیزی از مردار مانند گوشت و پوست آن که روح داشته، بنا بر احتیاط واجب همراه نمازگزار نباشد، گرچه لباس او هم نباشد.

**مسئله ۸۲۳**

اگر چیزی از مردار حلال گوشت مانند مو و پشم که روح ندارد همراه نمازگزار باشد، یا با لباسی که از آنها تهیه کرده‌اند، نماز بخواند نمازش صحیح است.

**شرط چهارم****مسئله ۸۲۴**

لباس نمازگزار باید از حیوان حرام گوشت نباشد و اگر مویی از آن هم همراه نمازگزار باشد، نماز او باطل است.

**مسئله ۸۲۵**

اگر آب دهان یا بینی یا رطوبت دیگری از حیوان حرام گوشت مانند گربه بر بدن یا لباس نماز گزار باشد، چنانچه تر باشد، نماز باطل و اگر خشک شده و عین آن بر طرف شده باشد، نماز صحیح است.

### مسئله ۸۲۶

اگر مو و عرق و آب دهان کسی بر بدن یا لباس نماز گزار باشد اشکال ندارد. همچنین است اگر مروارید و موم و عسل همراه او باشد.

### مسئله ۸۲۷

اگر شک داشته باشد که لباسی از حیوان حلال گوشت است یا حرام گوشت، چه در داخله تهیه شده باشد چه در خارجه، نماز با آن خواندن مانعی ندارد.

### مسئله ۸۲۸

اگر انسان احتمال دهد تکمه صدفی و مانند آن از حیوان است نماز خواندن با آن مانعی ندارد و اگر بداند صدف است و احتمال بدهد صدف گوشت نداشته باشد نماز خواندن با آن مانعی ندارد.

### مسئله ۸۲۹

با پوست سنجاب نماز خواندن اشکال دارد و با پوست خز بنا بر احتیاط نماز نخواند.

### مسئله ۸۳۰

اگر با لباسی که نمی‌داند که از حیوان حرام گوشت است نماز بخواند نمازش صحیح است، ولی اگر فراموش کرده باشد، بنا بر احتیاط واجب باید آن نماز را دوباره بخواند و نماز خواندن با چرم‌های مصنوعی و یا چرمی که شک دارد مصنوعی یا طبیعی است اشکال ندارد.

### شرط پنجم

### مسئله ۸۳۱

پوشیدن لباس طلاباف برای مرد حرام و نماز با آن باطل است، ولی برای زن در نماز و غیر نماز اشکال ندارد.

### مسئله ۸۳۲

زینت کردن به طلا مثل آویختن زنجیر طلا به سینه و انگشتر طلا به دست کردن و بستن ساعت مچی طلا به دست برای مرد حرام و نماز خواندن با آنها باطل است. احتیاط واجب آن است که از استعمال عینک طلا هم خودداری کند، ولی زینت کردن به طلا، برای زن در نماز و غیر نماز اشکال ندارد.

### مسئله ۸۳۳

اگر مردی نداند یا فراموش کند که انگشتری یا لباسش از طلاست و با آن نماز بخواند، نمازش صحیح است؛ اما اگر فراموش کند که انگشتری یا لباسش از طلاست و با آن نماز بخواند بنا بر احتیاط نمازش باطل است.

### مسئله ۸۳۴

لباس مرد نماز گزار باید ابریشم خالص نباشد و هم چنین بنا بر احتیاط واجب چیزهایی مانند عرقچین و بند شلوار که به تنهایی ساتر عورتین نیستند، در غیر نماز هم پوشیدن آن برای مرد حرام است.

### مسئله ۸۳۵

اگر آستر تمام لباس یا آستر مقداری از آن ابریشم خالص باشد، پوشیدن آن برای مرد حرام و نماز در آن باطل است.

### مسئله ۸۳۶

لباسی را که نمی‌داند از ابریشم خالص است یا چیز دیگر، پوشیدن آن اشکال ندارد و نماز با آن صحیح است.

### مسئله ۸۳۷

دستمال ابریشمی و مانند آن اگر در جیب مرد باشد، اشکال ندارد و نماز را باطل نمی‌کند؛ و هم چنین اگر انگشتر طلا یا زنجیر طلا و امثال آن در جیب مرد نماز گزار باشد اشکال ندارد.

### مسئله ۸۳۸

پوشیدن لباس ابریشمی برای زن در نماز و غیر نماز اشکال ندارد.

### مسئله ۸۳۹

پوشیدن لباس غصبی و ابریشمی خالص و طلا باف و لباسی که از مردار تهیه شده در حال ناچاری مانعی ندارد و نیز کسی که ناچار است لباس بپوشد و لباس دیگری غیر از اینها ندارد و تا آخر وقت هم ناچاری او از بین نمی‌رود، می‌تواند با این لباس‌ها نماز بخواند.

### مسئله ۸۴۰

اگر غیر از لباس غصبی و لباسی که از مردار تهیه شده لباس دیگری ندارد و ناچار نیست لباس بپوشد، باید به دستوری که برای برهنگان گفته شد نماز بخواند.

### مسئله ۸۴۱

اگر غیر از لباسی که از حیوان حرام گوشت تهیه شده لباس دیگری ندارد، چنانچه در پوشیدن لباس ناچار باشد، می‌تواند با همان لباس نماز بخواند. اگر ناچار نباشد، باید به دستوری که برای برهنگان گفته شد نماز را به جا آورد و بنا بر احتیاط واجب یک نماز دیگر هم با همان لباس بخواند.

### مسئله ۸۴۲

اگر مرد غیر از لباس ابریشمی خالص یا طلا باف، لباس دیگری نداشته باشد، چنانچه در پوشیدن لباس ناچار نباشد، باید به دستوری که برای برهنگان گفته شد نماز بخواند.

### مسئله ۸۴۳

اگر چیزی ندارد که در نماز عورت خود را با آن بپوشاند، واجب است اگر چه به کرایه یا خریداری باشد، تهیه نماید. ولی اگر تهیه آن به قدری پول لازم دارد که نسبت به دارایی او زیاد است، یا طوریکه اگر پول را به مصرف لباس برساند، به حال او ضرر دارد، باید به دستوری که برای برهنگان گفته شد نماز بخواند.

### مسئله ۸۴۴

کسی که لباس ندارد، اگر دیگری لباس به او ببخشد یا عاریه دهد، چنانچه قبول کردن آن برای او مشقت نداشته باشد، باید قبول

کند، بلکه اگر عاریه کردن یا طلب بخشش برای او سخت نیست، باید از کسی که لباس دارد، طلب بخشش یا عاریه نماید.

#### مسئله ۸۴۵

بنا بر احتیاط واجب باید انسان از پوشیدن لباس شهرت که پارچه یا رنگ یا دوخت آن برای کسی که می‌خواهد آن را بپوشد معمول نیست، خودداری کند، ولی اگر با آن لباس نماز بخواند اشکال ندارد.

#### مسئله ۸۴۶

احتیاط واجب آن است که مرد لباس زنانه و زن لباس مردانه نپوشد. به طوری که مرد بخواهد خود را به هیئت و صورت زن در آورد و زن بخواهد خود را به هیئت و صورت مرد در آورد؛ ولی اگر با آن لباس نماز بخواند اشکال ندارد.

#### مسئله ۸۴۷

کسی که باید خوابیده نماز بخواند، اگر برهنه باشد و لحاف یا تشک او نجس یا ابریشم خالص یا از اجزای حیوان حرام گوشت باشد، احتیاط واجب آن است که در نماز خود را با آنها نپوشاند.

#### مواردی که لازم نیست بدن و لباس نماز گزار پاک باشد

#### مسئله ۸۴۸

در سه صورت که تفصیل آنها بعداً گفته می‌شود، اگر بدن یا لباس نماز گزار نجس باشد، نماز او صحیح است: اول آن که به واسطه زخم یا جراحت یا دملی که در بدن او است، لباس یا بدنش به خون آلوده شده باشد. دوم آن که بدن یا لباس او به مقدار کمتر از درهم (که به اندازه بند سر انگشت سیاه می‌شود) به خون آلوده باشد. سوم آن که ناچار باشد با بدن یا لباس نجس نماز بخواند و در دو صورت اگر فقط لباس نماز گزار نجس باشد، نماز او صحیح است. اول آن که لباس‌های کوچک او مانند جوراب و عرقچین نجس باشد، دوم آن که لباس زنی که پرستار بچه است نجس شده باشد و احکام این پنج صورت مفصلاً در مسائل بعد گفته می‌شود.

#### مسئله ۸۴۹

اگر در بدن یا لباس نماز گزار، خون زخم یا جراحت یا دمل باشد، چنانچه طوریکه آب کشیدن بدن یا لباس یا عوض کردن لباس برای بیشتر مردم یا برای خصوص او سخت است، تا وقتی که زخم یا جراحت یا دمل خوب نشده است، می‌تواند با آن خون نماز بخواند و همچنین است اگر چرکی که با خون بیرون آمده یا دوایی که روی زخم گذاشته‌اند و نجس شده، در بدن یا لباس او

باشد.

### مسئله ۸۵۰

اگر خون بریدگی و زخمی که به زودی خوب می‌شود و شستن آن آسان است و به اندازه یک درهم و یا بیشتر از یک درهم باشد، در بدن یا لباس نماز گزار باشد، نماز او باطل است.

### مسئله ۸۵۱

اگر جایی از بدن یا لباس که با زخم فاصله دارد، به رطوبت زخم نجس شود، جایز نیست با آن نماز بخواند. ولی اگر مقداری از بدن یا لباس که معمولاً به رطوبت زخم آلوده می‌شود، به رطوبت آن نجس شود، نماز خواندن با آن مانعی ندارد.

### مسئله ۸۵۲

اگر از توی دهان و بینی و مانند اینها خونی به بدن یا لباس برسد، احتیاط واجب آن است که با آن نماز نخواند، ولی با خون بواسیر می‌شود نماز خواند، اگر چه دانه‌هایش در داخل باشد.

### مسئله ۸۵۳

کسی که بدنش زخم است، اگر در بدن یا لباس خود خونی ببیند و نداند از زخم است یا خون دیگر، با آن نماز خواندن مانعی ندارد.

### مسئله ۸۵۴

اگر چند زخم در بدن باشد و به طوری نزدیک هم باشند که یک زخم حساب شود، تا وقتی همه خوب نشده‌اند، نماز خواندن با خون آنها اشکال ندارد. ولی اگر به قدری از هم دور باشند که هر کدام یک زخم حساب شود، هر کدام که خوب شد، باید برای نماز، بدن و لباس را از خون آن آب بکشد.

### مسئله ۸۵۵

اگر سر سوزنی خون حیض یا نفاس، در بدن یا لباس نماز گزار باشد نماز او باطل است و بنا بر احتیاط واجب باید خون استحاضه و خون سگ و خوک و کافر و مردار و حیوان حرام گوشت در بدن یا لباس نماز گزار نباشد، ولی خون‌های دیگر مثل خون بدن انسان یا خون حیوان حلال گوشت اگر چه در چند جای بدن و لباس نماز گزار باشد در صورتی که روی هم کمتر از یک درهم

باشد، نماز خواندن با آن اشکال ندارد.

### مسئله ۸۵۶

خونی که به لباس بی آستر بریزد و به پشت آن برسد، یک خون حساب می‌شود ولی اگر پشت آن، جدا خونی شود، بنا بر احتیاط واجب باید هر کدام را جدا حساب نمود، پس اگر خونی که در پشت و روی لباس است هم کمتر از یک درهم باشد، نماز با آن صحیح و اگر بیشتر باشد، نماز با آن باطل است.

### مسئله ۸۵۷

اگر خون، روی لباسی که آستر دارد بریزد و به آستر آن برسد و یا به آستر بریزد و روی لباس خونی شود، باید هر کدام را جدا حساب نمود، پس اگر خون روی لباس و آستر، کمتر از یک درهم باشد، نماز با آن صحیح و اگر بیشتر باشد نماز با آن باطل است.

### مسئله ۸۵۸

اگر خون بدن یا لباس کمتر از یک درهم باشد و رطوبتی به آن برسد در صورتی که خون و رطوبتی که به آن رسیده به اندازه یک درهم یا بیشتر شود و اطراف را آلوده کند، نماز با آن باطل است، بلکه اگر رطوبت و خون به اندازه یک درهم نشود و اطراف را هم آلوده نکند نماز خواندن با آن اشکال دارد، ولی اگر رطوبت مخلوط به خون شود و از بین برود نماز صحیح است، و الا بنا بر احتیاط واجب باطل است.

### مسئله ۸۵۹

اگر بدن یا لباس خونی نشود ولی به واسطه رسیدن به خون نجس شود، اگر چه مقداری که نجس شده کمتر از یک درهم باشد، نمی‌شود با آن نماز خواند.

### مسئله ۸۶۰

اگر خونی که در بدن یا لباس است کمتر از یک درهم باشد و نجاست دیگری به آن برسد. مثلاً یک قطره بول روی آن بریزد، نماز خواندن با آن جایز نیست.

### مسئله ۸۶۱

اگر لباس‌های کوچک نمازگزار مثل عرقچین و جوراب که نمی‌شود با آنها عورت را پوشاند نجس باشد، چنانچه از مردار و حیوان حرام گوشت درست نشده باشد، نماز با آنها صحیح است و نیز اگر با انگشتری نجس نماز بخواند اشکال ندارد.

### مسئله ۸۶۲

احتیاط آن است که چیز نجسی که با آن می‌شود عورت را پوشاند همراه نمازگزار نباشد، ولی کسی که این مسئله را نمی‌داند و مثلاً مدتی این طور نماز خوانده، لازم نیست آن نمازها را قضا کند.

### مسئله ۸۶۳

زنی که پرستار بچه است و بیشتر از یک لباس ندارد، هر گاه شبانه‌روزی یک مرتبه لباس خود را آب بکشد، اگر چه تا روز دیگر لباس به بول بچه نجس شود، می‌تواند با آن لباس نماز بخواند. ولی احتیاط واجب آن است که لباس خود را در شبانه روز یک مرتبه برای اولین نمازی که لباسش از پیش از آن نجس شده آب بکشد و نیز اگر بیشتر از یک لباس دارد ولی ناچار است که همه آنها را بپوشد، چنانچه شبانه‌روزی یک مرتبه به دستوری که گفته شده همه آنها را آب بکشد، کافی است.

### چیزهایی که در لباس نمازگزار مستحب است

### مسئله ۸۶۴

چند چیز در لباس نمازگزار مستحب است که از آن جمله است:  
 عمامه با تحت الحنک، پوشیدن عبا و لباس سفید و پاکیزه‌ترین لباس‌ها و استعمال بوی خوش و دست کردن انگشتری عقیق.

### چیزهایی که در لباس نمازگزار مکروه است

### مسئله ۸۶۵

چند چیز در لباس نمازگزار مکروه است و از آن جمله است:  
 پوشیدن لباس سیاه و چرک و تنگ و لباس شراب خوار و لباس کسی که از نجاست پرهیز نمی‌کند و لباسی که نقش صورت دارد و نیز باز بودن تکمه‌های لباس و دست کردن انگشتری که نقش صورت دارد مکروه می‌باشد.

### [مکان نمازگزار]

### شرط اول آن که مباح باشد



**مسئله ۸۶۶**

کسی که در ملک غصبی نماز می‌خواند، اگر چه روی فرش و تخت و مانند اینها باشد، نمازش باطل است ولی نماز خواندن در زیر سقف غصبی و خیمه غصبی مانعی ندارد.

**مسئله ۸۶۷**

نماز خواندن در ملکی که منفعت آن مال دیگری است، بدون اجازه کسی که منفعت ملک، مال او می‌باشد باطل است، مثلاً در خانه اجاره‌ای اگر صاحب خانه یا دیگری بدون اجازه کسی که آن خانه را اجاره کرده نماز بخواند، نمازش باطل است و همچنین است اگر در ملکی که دیگری در آن حقی دارد نماز بخواند، مثلاً اگر میت وصیت کرده باشد که ثلث مال او را به مصرفی برسانند، تا وقتی ثلث را جدا نکنند، نمی‌شود در ملک او نماز خواند.

**مسئله ۸۶۸**

کسی که در مسجد نشسته، اگر دیگری جای او را غصب کند و در آنجا نماز بخواند بنا بر احتیاط واجب باید دوباره نمازش را در محل دیگری بخواند.

**مسئله ۸۶۹**

اگر انسان در جایی که نمی‌داند غصبیست نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد، یا در جایی که غصبی بودن آن را فراموش کرده نماز بخواند و بعد از نماز متوجه غصبی بودن مکان شود، نماز او صحیح است مگر آن که خودش غصب کرده باشد و فراموش کرده باشد که در این صورت نمازش اشکال دارد و باید آن را دوباره بخواند.

**مسئله ۸۷۰**

اگر بداند جایی غصبیست ولی نداند که در جای غصبی نماز باطل است و در آنجا نماز بخواند، نماز او باطل می‌باشد.

**مسئله ۸۷۱**

کسی که ناچار است نماز واجب را سواره بخواند، چنانچه حیوان سواری یا زین آن غصبی باشد نماز او باطل است و همچنین است اگر بخواهد سواره نماز مستحبی بخواند.

**مسئله ۸۷۲**

کسی که در ملکی با دیگری شریک است اگر سهم او جدا نباشد، بدون اجازه شریکش نمی‌تواند در آن ملک تصرف کند و نماز بخواند.

**مسئله ۸۷۳**

اگر با عین پولی که خمس و زکات آن را نداده ملکی بخرد، تصرف او در آن ملک حرام و نمازش هم در آن باطل است و

همچنین است اگر به ذمه بخرد و در موقع خریدن قصدش این باشد که از مالی که خمس یا زکاتش را نداده بدهد.

#### مسئله ۸۷۴

اگر صاحب ملک به زبان، اجازه نماز خواندن بدهد و انسان بداند که قلباً راضی نیست، نماز خواندن در ملک او باطل است. اگر اجازه ندهد و انسان یقین کند که قلباً راضی است، نماز صحیح است.

#### مسئله ۸۷۵

تصرف در ملک میتی که خمس یا زکات بدهکار است حرام و نماز در آن باطل است، مگر آن که بنا داشته باشند که آن بدهکاری‌ها را بدهند.

#### مسئله ۸۷۶

تصرف در ملک میتی که به مردم بدهکار است، حرام و نماز در آن باطل است؛ ولی تصرفات جزئی که برای برداشتن میت معمول است اشکال ندارد و نیز اگر بدهکاری او کمتر از مالش باشد و ورثه هم تصمیم داشته باشند که بدهی او را بدهند تصرفی که غیر فروختن و از بین بردن مال باشد، اشکال ندارد.

#### مسئله ۸۷۷

اگر میت قرض نداشته باشد ولی بعضی از ورثه او صغیر یا دیوانه یا غائب باشند، در صورت صغیر بودن بدون اجازه قیم او و در صورت دیوانه بودن بدون اجازه ولی شرعی او و در صورت غائب بودن بدون اجازه وکیل او تصرف در ملک او حرام و نماز در آن باطل است ولی تصرفات جزئی که برای برداشتن میت معمول است اشکال ندارد.

#### مسئله ۸۷۸

نماز خواندن در مسافرخانه و حمام و مانند اینها که برای واردین آماده است اشکال ندارد و اگر وثوق پیدا نشود که صاحبش راضیست مشکل است، ولی در غیر این قبیل جاها، در صورتی می‌شود نماز خواند که مالک آن اجازه بدهد، یا حرفی بزند که معلوم شود، برای نماز خواندن اذن داده است، مثل این که به کسی اجازه دهد در ملک او بنشیند و بخوابد، که از اینها فهمیده می‌شود برای نماز خواندن هم اذن داده است.

#### مسئله ۸۷۹

در زمین بسیار وسیعی که از ده دور و چراگاه حیوانات است اگر چه صاحبانش راضی نباشند نماز خواندن و نشستن و خوابیدن در آن اشکال ندارد و در زمین‌های زراعتی هم که نزدیک ده است و دیوار ندارد، اگر چه در مالکین آنها صغیر و دیوانه باشد، نماز و عبور و تصرفات جزئی که مضر به محصول زمین نباشد، اشکال ندارد، ولی اگر یکی از صاحبانش ناراضی باشند تصرف در آن حرام و نماز باطل است.

**مسئله ۸۸۰**

مکان نماز گزار باید بی حرکت باشد و اگر به واسطه تنگی وقت یا جهت دیگر ناچار باشد در جایی که حرکت دارد، مانند اتومبیل و کشتی و ترن نماز بخواند، به قدری که ممکن است باید در حال حرکت چیزی نخواند و اگر آنها از قبله به طرف دیگر حرکت کنند به طرف قبله برگردد.

**مسئله ۸۸۱**

نماز خواندن در اتومبیل و کشتی و قطار و هواپیما، مانند اینها، وقتی ایستاده‌اند مانعی ندارد.

**مسئله ۸۸۲**

روی خرمن گندم و جو و مانند اینها که نمی شود بی حرکت ماند نماز باطل است.

**مسئله ۸۸۳**

در جایی که به واسطه احتمال باد و باران و زیادی جمعیت و مانند اینها اطمینان ندارد که بتواند نماز را تمام کند، اگر به امید تمام کردن شروع کند اشکال ندارد و اگر به مانعی بر نخورد نمازش صحیح است و در جایی که ماندن در آن حرام است، مثلاً زیر سقفی که نزدیک است خراب شود باید نماز نخواند، ولی اگر خواند باطل نیست و همچنین روی چیزی که ایستادن و نشستن روی آن حرام است، مثل فرش که اسم خدا بر آن نوشته شده باید نماز نخواند ولی اگر خواند صحیح است.

**شرط سوم****اشاره**

آن که در جایی که سقف آن کوتاه است و نمی تواند در آنجا راست بایستد و وظیفه او این است که ایستاده نماز بخواند یا به اندازه‌ای کوچک است که جای رکوع و سجود ندارد، نماز نخواند و اگر ناچار شود که در چنین جایی نماز بخواند، باید به قدری که ممکن است قیام و رکوع و سجود را به جا آورد.

**مسئله ۸۸۴**

انسان باید رعایت ادب را بکند و جلوتر از قبر پیغمبر و امام علیه السلام نماز نخواند و چنانچه نماز خواندن بی احترامی باشد، حرام است.

**مسئله ۸۸۵**

اگر در نمازی چیزی مانند دیوار بین او و قبر مطهر باشد که بی احترامی نشود اشکال ندارد، ولی فاصله شدن صندوق شریف و ضریح و پارچه ای که روی آن افتاده کافی نیست.

**شرط چهارم****اشاره**

آن که مکان نمازگزار اگر نجس است به طوری تر نباشد که رطوبت آن به بدن یا لباس او برسد ولی جایی که پیشانی را بر آن می‌گذارد اگر نجس باشد در صورتی که خشک هم باشد نماز باطل است و احتیاط مستحب آن است که مکان نمازگزار اصلاً نجس نباشد.

**مسئله ۸۸۶**

بنا بر احتیاط مستحب باید زن عقب‌تر از مرد بایستد و جای سجده او از جای ایستادن مرد کمی عقب‌تر باشد.

**مسئله ۸۸۷**

اگر زن برابر مرد یا جلوتر بایستد و با هم وارد نماز شوند، بهتر آن است که نماز را دوباره بخوانند.

**مسئله ۸۸۸**

اگر بین مرد و زن، دیوار یا پرده یا چیز دیگری باشد نمازشان صحیح است و احتیاط مستحب هم در دوباره خواندن نیست.

**شرط پنجم****اشاره**

آن که جای پیشانی نمازگزار از جای زانوهای او، بیش از چهار انگشت بسته پست‌تر یا بلندتر نباشد و احتیاط واجب آن است که از سر انگشتان پا هم بیشتر از این پست و بلندتر نباشد.

**مسئله ۸۸۹**

بودن مرد و زن نامحرم در جای خلوت که کسی نمی‌تواند در آنجا وارد شود احتیاطاً باید ترک شود و احتیاط در ترک نماز خواندن در آنجا است.

**مسئله ۸۹۰**

نماز خواندن در جایی که تار و مانند آن استعمال می‌کنند باطل نیست ولی گوش دادن به آنها حرام است.

**مسئله ۸۹۱**

در خانه کعبه و بر بام آن نماز واجب خواندن مکروه است؛ ولی در حال ناچاری مانعی ندارد.

**مسئله ۸۹۲**

خواندن نماز مستحب در خانه کعبه و بر بام آن اشکال ندارد، بلکه مستحب است در داخل خانه مقابل هر رکنی دو رکعت نماز بخوانند.

**جاهایی که نماز خواندن در آنها مستحب است****مسئله ۸۹۳**

در شرع مقدس اسلام بسیار سفارش شده است، که نماز را در مسجد بخوانند و بهتر از همه مسجدها مسجد الحرام است و بعد از آن مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و بعد مسجد کوفه و بعد از آن مسجد بیت المقدس و بعد از مسجد بیت المقدس، مسجد جامع هر شهر و بعد از آن مسجد محله و بعد از مسجد محله، مسجد بازار است.

**مسئله ۸۹۴**

برای زنها نماز خواندن در خانه، بلکه در صندوقخانه و اتاق عقب بهتر است، ولی اگر بتوانند کاملاً خود را از نامحرم حفظ کنند بهتر است در مسجد نماز بخوانند.

**مسئله ۸۹۵**

نماز در حرم امامان علیهم السلام مستحب، بلکه بهتر از مسجد است و نماز در حرم مطهر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام برابر دویست هزار نماز است.

**مسئله ۸۹۶**

زیاد رفتن به مسجد و رفتن در مسجدی که نماز گزار ندارد مستحب است و همسایه مسجد اگر عذری نداشته باشد، مکروه است در غیر مسجد نماز بخواند.

**مسئله ۸۹۷**

مستحب است انسان با کسی که در مسجد حاضر نمی‌شود غذا نخورد و در کارها با او مشورت نکند و همسایه او نشود و از او زن نگیرد و به او زن ندهد.

**جاهایی که نماز خواندن در آنها مکروه است****مسئله ۸۹۸**

نماز خواندن در چند جا مکروه است و از آن جمله است: حمام، زمین نمکزار، مقابل دری که باز است، در جاده و خیابان و کوچه اگر برای کسانی که عبور می‌کنند زحمت نباشد و چنانچه

زحمت باشد حرام ولی نماز باطل نیست. مقابل آتش و چراغ، در آشپزخانه و هر جا که کوره آتش باشد، مقابل چاه و چاله‌ای که محل بول باشد، روبروی عکس و مجسمه چیزی که روح دارد، مگر آن که روی آن پرده بکشند، در اتاقی که جنب در آن باشد، در جایی که عکس باشد اگر چه روبروی نماز گزار نباشد، مقابل قبر، روی قبر، بین دو قبر، در قبرستان.

### مسئله ۸۹۹

کسی که در محل عبور مردم نماز می‌خواند، یا کسی روبروی او است، مستحب است در جلوی محل سجده خود چیزی نظیر تسبیح بگذارد که میان او و آنها حایل شود.

### احکام مسجد

### مسئله ۹۰۰

نجس کردن زمین و سقف و بام و طرف داخل دیوار مسجد حرام است و هر کس بفهمد که نجس شده است، باید فوراً نجاست آن را بر طرف کند. احتیاط واجب آن است که طرف بیرون دیوار مسجد را هم نجس نکنند و اگر نجس شود نجاستش را بر طرف نمایند، مگر آن که واقف آن را جزء مسجد قرار نداده باشد.

### مسئله ۹۰۱

اگر نتواند مسجد را تطهیر نماید، یا کمک لازم داشته باشد و پیدا نکند، تطهیر مسجد بر او واجب نیست، ولی اگر بی‌احترامی به مسجد باشد، بنا بر احتیاط واجب، باید به کسی که می‌تواند تطهیر کند اطلاع دهد.

### مسئله ۹۰۲

اگر جایی از مسجد نجس شود که تطهیر آن بدون کندن یا خراب کردن ممکن نیست باید آنجا را بکنند، یا اگر خرابی زیاد لازم نمی‌آید خراب نمایند و پر کردن جایی که کنده‌اند و ساختن جایی که خراب کرده‌اند واجب نیست. ولی اگر آن کس که نجس کرده بکند یا خراب کند در صورت امکان باید پُر کند و تعمیر نماید.

### مسئله ۹۰۳

اگر مسجدی را غصب کنند و به جای آن خانه و مانند آن بسازند، که دیگر به آن مسجد نگویند باز هم بنا بر احتیاط واجب نجس کردن آن حرام و تطهیر آن واجب است. ولی اگر مسجدی را به اذن حاکم شرع خراب کنند و چیز دیگری بسازند یا در مسیر عبور و مرور قرار بگیرد نجس کردن آن حرام نیست و تطهیر آن واجب نمی‌باشد.

### مسئله ۹۰۴

نجس کردن حرم پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلِّمَ حرم امامان علیهم السلام حرام است. اگر یکی از آنها نجس شود، چنانچه نجس ماندن آن بی‌احترامی باشد، تطهیر آن واجب است، بلکه احتیاط مستحب آن است که اگر بی‌احترامی هم نباشد آن را تطهیر

کنند.

### مسئله ۹۰۵

اگر حصیر مسجد نجس شود، بنا بر احتیاط واجب باید آن را آب بکشند؛ ولی چنانچه به واسطه آب کشیدن، خراب می‌شود و بریدن جای نجس بهتر است، باید آن را ببرند و اگر کسی که نجس کرده ببرد، باید خودش اصلاح کند.

### مسئله ۹۰۶

بردن عین نجس مانند خون در مسجد اگر بی‌احترامی به مسجد باشد حرام است و همچنین بردن چیزی که نجس شده، در صورتی که بی‌احترامی به مسجد باشد حرام است.

### مسئله ۹۰۷

اگر مسجد را برای روضه‌خوانی چادر بزنند و فرش کنند و سیاهی بکوبند و اسباب چای در آن ببرند، در صورتی که این کارها به مسجد ضرر نرساند و مانع نماز خواندن نشود، اشکال ندارد.

### مسئله ۹۰۸

بنا بر احتیاط واجب مسجد را به طلا نباید زینت نمایند و همچنین نباید صورت چیزهایی که مثل انسان و حیوان روح دارد در مسجد نقش کنند و نقاشی چیزهایی که روح ندارد، مثل گل و بوته مکروه است.

### مسئله ۹۰۹

اگر مسجد خراب هم شود نمی‌توانند آن را بفروشند یا داخل ملک و جاده نمایند؛ مگر به اذن حاکم شرع باشد.

### مسئله ۹۱۰

فروختن در و پنجره و چیزهای دیگر مسجد حرام است و اگر مسجد خراب شود، باید آنها را صرف تعمیر همان مسجد کنند و چنانچه به درد آن مسجد نخورد، باید در مسجد دیگر مصرف شود، ولی اگر به درد مسجدهای دیگر هم نخورد، می‌توانند آن را بفروشند و پول آن را اگر ممکن است صرف تعمیر همان مسجد، و گرنه صرف تعمیر مسجد دیگر نمایند و احتیاط واجب آن است که تمام این تصرفات در صورت دسترسی به مجتهد عادل، با اجازه او باشد.

### مسئله ۹۱۱

ساختن مسجد و تعمیر مسجدی که نزدیک به خرابی می‌باشد مستحب است و اگر مسجد طوری خراب شود که تعمیر آن ممکن نباشد، می‌توانند آن را خراب کنند و دوباره بسازند بلکه می‌توانند مسجدی را که خراب نشده، برای احتیاج مردم خراب کنند و بزرگتر بسازند، در صورتی که با اذن حاکم شرع باشد.

### مسئله ۹۱۲

تمیز کردن مسجد و روشن کردن چراغ آن مستحب است و کسی که می‌خواهد مسجد برود، مستحب است خود را خوشبو کند و لباس پاکیزه و قیمتی بپوشد و ته کفش خود را واریسی کند که نجاستی به آن نباشد و موقع داخل شدن به مسجد اول پای راست و موقع بیرون آمدن، اول پای چپ را بگذارد و همچنین مستحب است از همه زودتر به مسجد آید و از همه دیرتر از مسجد بیرون رود.

### مسئله ۹۱۳

وقتی انسان وارد مسجد می‌شود، مستحب است دو رکعت نماز به قصد تحیت و احترام مسجد بخواند و اگر نماز واجب یا مستحب دیگری هم بخواند کافی است.

### مسئله ۹۱۴

خواهید در مسجد اگر انسان ناچار نباشد وصحبت کردن راجع به کارهای دنیا و مشغول صنعت شدن و خواندن شعری که نصیحت و مانند آن نباشد مکروه است و نیز مکروه است آب دهان و بینی و اخلاط سینه را در مسجد بیندازد و گمشده‌ای را طلب کند و صدای خود را بلند کند ولی بلند کردن صدا برای اذان مانعی ندارد.

### مسئله ۹۱۵

راه دادن بچه و دیوانه به مسجد مکروه است و کسی که پیاز و سیر و مانند اینها خورده که بوی دهانش مردم را اذیت می‌کند مکروه است به مسجد برود.

## اذان و اقامه

### مسئله ۹۱۶

برای مرد و زن مستحب است پیش از نمازهای یومیه اذان و اقامه بگویند، ولی پیش از نماز عید فطر و قربان، مستحب است سه مرتبه بگویند الصلاة و در نمازهای واجب دیگر سه مرتبه الصلاة را به قصد رجا بگویند.

### مسئله ۹۱۷

مستحب است در روز اولی که بچه به دنیا می‌آید یا پیش از آن که بند نافش بیفتد، در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه بگویند.

### مسئله ۹۱۸

اذان هیجده جمله است:

«اللَّهُ أَكْبَرُ» چهار مرتبه، «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»

وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، «حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ»، «حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ»، «حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ»، «اللَّهُ أَكْبَرُ»، «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» هر یک دو



مرتبه و اقامه هفده جمله است یعنی دو مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» از اول اذان و یک مرتبه «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» از آخر آن کم می‌شود و بعد از گفتن: «حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» باید دو مرتبه «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ» اضافه نمود.

### مسئله ۹۱۹

وَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ جزء اذان و اقامه نیست؛ ولی خوبست بعد از اشهد ان محمدا رسول الله به قصد قربت گفته شود.  
ترجمه اذان و اقامه

«اللَّهُ أَكْبَرُ» یعنی خدای تعالی بزرگتر از آن است که او را وصف کنند. «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» یعنی شهادت می‌دهم که غیر خدایی که یکتا و بی‌همتا است، خدای دیگری سزاوار پرستش نیست. «وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» یعنی: شهادت می‌دهم که حضرت محمد بن عبدالله صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ پیغمبر و فرستاده خدا است. «وَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَوَلِيَّ اللَّهِ» یعنی: شهادت می‌دهم که حضرت علی علیه الصلاة والسلام امیر المؤمنین و ولی خدا بر همه خلق است. «حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ» یعنی: بشتاب برای نماز؛ «حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ» یعنی: بشتاب برای رستگاری. «حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» یعنی بشتاب برای بهترین کارها که نماز است. قد قامت الصلاة یعنی به تحقیق نماز بر پا شد. «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» یعنی خدایی سزاوار پرستش نیست مگر خدایی که یکتا و بی‌همتا است.

### مسئله ۹۲۰

بین جمله‌های اذان و اقامه باید خیلی فاصله نشود و اگر بین آنها بیشتر از معمول فاصله بیندازد، باید دوباره آن را از سر بگیرد.

### مسئله ۹۲۱

اگر در اذان و اقامه صدا را در گلو بیندازد چنانچه غنا شود، یعنی به طور آوازه‌خوانی که در مجالس لهو و بازیگری معمول است اذان و اقامه را بگوید، حرام است و اگر غنا نشود مکروه می‌باشد.

### مسئله ۹۲۲

در پنج نماز اذان ساقط می‌شود:

اول نماز عصر روز جمعه.

دوم نماز عصر روز عرفه که روز نهم ذی حجه است.

سوم نماز عشاء شب عید قربان، برای کسی که در مشعر الحرام باشد.

چهارم نماز عصر و عشاء زن مستحاضه، پنجم نماز عصر و عشاء کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن بول و غائط خودداری کند. در این پنج نماز در صورتی که اذان ساقط می‌شود که با نماز قبلی فاصله نشود یا فاصله کمی بین آنها باشد، ولی فاصله شدن نافله و تعقیب ضرر ندارد و هم چنین کسی که بین نماز ظهر و عصر و یا بین نماز و مغرب و عشاء فاصله نیندازد، برای نماز دومش اذان ساقط می‌شود.

### مسئله ۹۲۳

اگر برای نماز جماعتی اذان و اقامه گفته باشند، کسی که با آن جماعت نماز می‌خواند، نباید برای نماز خود اذان و اقامه بگوید.

#### مسئله ۹۲۴

اگر برای خواندن نماز جماعت به مسجد رود و ببیند جماعت تمام شده تا وقتی که صف‌ها به هم نخورده و جمعیت متفرق نشده، نمی‌تواند برای نماز خود اذان و اقامه بگوید در صورتی که برای جماعت اذان و اقامه گفته شده باشد.

#### مسئله ۹۲۵

در جایی که عده‌ای مشغول نماز جماعتند، یا نماز آنان تازه تمام شده و صف‌ها به هم نخورده است، اگر انسان بخواند فرادی یا با جماعت دیگری که برپا می‌شود نماز بخواند، با سه شرط اذان و اقامه از او ساقط می‌شود:  
اول آن که برای آن نماز، اذان و اقامه گفته باشند.  
دوم آن که نماز جماعت باطل نباشد.  
سوم آن که نماز او و نماز جماعت در یک مکان باشد، پس اگر نماز جماعت، داخل مسجد باشد و او بخواند در بام مسجد نماز بخواند، مستحب است اذان و اقامه بگوید.

#### مسئله ۹۲۶

اگر در شرط دوم از شرط‌هایی که در مسئله پیش گفته شده شک کند، یعنی شک کند که نماز جماعت صحیح بوده یا نه، اذان و اقامه از او ساقط است ولی اگر در یکی از دو شرط دیگر شک کند، مستحب است اذان و اقامه بگوید.

#### مسئله ۹۲۷

کسی که اذان و اقامه دیگری را می‌شنود، مستحب است هر قسمتی را که می‌شنود بگوید ولی از «حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ» تا «حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» را به امید ثواب بگوید.

#### مسئله ۹۲۸

کسی که اذان و اقامه دیگری را شنیده، چه با او گفته باشد یا نه، در صورتی که بین آن اذان و اقامه و نمازی که می‌خواهد بخواند زیاد فاصله نشده باشد، می‌تواند برای نماز خود اذان و اقامه نگوید.

#### مسئله ۹۲۹

اگر مرد اذان زن را با قصد لذت بشنود، اذان از او ساقط نمی‌شود. بلکه اگر قصد لذت هم نداشته باشد، ساقط شدن اذان اشکال دارد.

#### مسئله ۹۳۰

اذان و اقامه نماز جماعت را باید مرد بگوید، ولی در جماعت زنان اگر زن اذان و اقامه بگوید کافی است.

### مسئله ۹۳۱

اقامه باید بعد از اذان گفته شود و اگر قبل از اذان بگویند صحیح نیست.

### مسئله ۹۳۲

اگر کلمات اذان و اقامه را بدون ترتیب بگوید، مثلاً حی علی الفلاح را پیش از حی علی الصلاه بگوید باید از جایی که ترتیب به هم خورده، دوباره بگوید.

### مسئله ۹۳۳

باید بین اذان و اقامه فاصله ندهد و اگر بین آنها به قدری فاصله دهد که اذانی را که گفته اذان این اقامه حساب نشود مستحب است دوباره اذان و اقامه را بگوید و نیز اگر بین اذان و اقامه و نماز به قدری فاصله دهد که اذان و اقامه آن نماز حساب نشود، مستحب است دوباره برای آن نماز، اذان و اقامه بگوید.

### مسئله ۹۳۴

اذان و اقامه باید به عربی صحیح گفته شود، پس اگر به عربی غلط بگوید، یا به جای حرفی حرف دیگر بگوید، یا مثلاً ترجمه آنها را به فارسی بگوید، صحیح نیست.

### مسئله ۹۳۵

اذان و اقامه باید بعد از داخل شدن وقت نماز گفته شود و اگر عمداً یا از روی فراموشی پیش از وقت بگوید باطل است.

### مسئله ۹۳۶

اگر پیش از گفتن اقامه شك کند که اذان گفته یا نه باید اذان را بگوید، ولی اگر مشغول اقامه شود و شك کند که اذان گفته یا نه، گفتن اذان لازم نیست.

### مسئله ۹۳۷

اگر در بین اذان یا اقامه پیش از آن که قسمتی را بگوید شك کند که قسمت پیش از آن را گفته یا نه، باید قسمتی را که در گفتن آن شك کرده بگوید، ولی اگر در حال گفتن قسمتی از اذان یا اقامه شك کند که آنچه پیش از آن است گفته یا نه، گفتن آن لازم نیست.

### مسئله ۹۳۸

مستحب است انسان در موقع گفتن اذان، رو به قبله بایستد و با وضو یا غسل باشد و دستها را به گوش بگذارد و صدا را بلند نماید و بکشد و بین جمله‌های اذان کمی فاصله دهد و بین آنها حرف نزند.

#### مسئله ۹۳۹

مستحب است بدن انسان در موقع گفتن اقامه آرام باشد و آن را از اذان آهسته‌تر بگوید و جمله‌های آن را به هم نچسباند، ولی به اندازه‌ای که بین جمله‌های اذان فاصله می‌دهد، بین جمله‌های اقامه فاصله ندهد.

#### مسئله ۹۴۰

مستحب است بین اذان و اقامه یک قدم بردارد، یا قدری بنشیند یا سجده کند، یا ذکر بگوید یا دعا بخواند، یا قدری ساکت باشد یا حرفی بزند یا دو رکعت نماز بخواند ولی حرف زدن بین اذان و اقامه نماز صبح مستحب نیست، ولی نماز خواندن بین اذان و اقامه نماز مغرب را به امید ثواب بجا بیاورد.

#### مسئله ۹۴۱

مستحب است کسی را که برای گفتن اذان معین می‌کنند، عادل و وقت شناس و صدایش بلند باشد و اذان را در جای بلند بگوید.

#### مسئله ۹۴۲

#### نیت

#### مسئله ۹۴۳

انسان باید نماز را به نیت قربت، یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم به جا آورد و لازم نیست نیت را از قلب خود بگذراند یا مثلاً به زبان بگوید که چهار رکعت نماز ظهر می‌خوانم قره‌الی‌الله

#### مسئله ۹۴۴

اگر در نماز ظهر یا در نماز عصر نیت کند که چهار رکعت نماز می‌خوانم و معین نکند، ظهر است یا عصر، نماز او باطل است و نیز کسی که مثلاً قضای نماز ظهر بر او واجب است، اگر در وقت نماز ظهر بخواند نماز قضا یا نماز ظهر را بخواند، باید نمازی را که می‌خواند، در نیت معین کند.

#### مسئله ۹۴۵

انسان باید از اول تا آخر نماز به نیت خود باقی باشد، پس اگر در بین نماز به طوری غافل شود که اگر پرسند چه می‌کنی، نداند چه بگوید، نمازش باطل است.

#### مسئله ۹۴۶

انسان باید فقط برای انجام امر خداوند عالم نماز بخواند، پس کسی که ریا کند یعنی برای نشان دادن به مردم نماز بخواند، نمازش باطل است، خواه فقط برای مردم باشد، یا خدا و مردم هر دو را در نظر بگیرد.

#### مسئله ۹۴۷

اگر قسمتی از نماز را هم برای غیر خدا به جا آورد، نماز باطل است، چه آن قسمت، واجب باشد مثل حمد و سوره، چه مستحب باشد مانند قنوت، بلکه اگر تمام نماز را برای خدا به جا آورد ولی برای نشان دادن به مردم در جای مخصوصی مثل مسجد، یا در وقت مخصوصی مثل اول وقت، یا به طرز مخصوصی، مثلاً با جماعت نماز بخواند، نمازش باطل است.

#### تکبیره الاحرام

#### مسئله ۹۴۸

گفتن «الله اکبر» در اول هر نماز واجب و رکن است و باید حروف «الله و حروف «اکبر» و دو کلمه «الله اکبر» را پشت سرهم بگوید و نیز باید این دو کلمه به عربی صحیح گفته شود و اگر به عربی غلط بگوید، یا مثلاً ترجمه آن را به فارسی بگوید صحیح نیست.

#### مسئله ۹۴۹

احتیاط واجب آن است که تکبیره الاحرام نماز را به چیزی که پیش از آن می‌خواند، مثلاً به اقامه یا به دعایی که پیش از تکبیر می‌خواند نچسباند.

#### مسئله ۹۵۰

اگر انسان بخواهد «الله اکبر» را به چیزی که بعد از آن می‌خواند مثلاً به «بسم الله الرحمن الرحيم» بچسباند، باید «ر» اکبر را پیش بدهد.

#### مسئله ۹۵۱

موقع گفتن تکبیره الاحرام باید بدن آرام باشد و اگر عمداً در حالی که بدنش حرکت دارد، تکبیره الاحرام را بگوید باطل است و چنانچه سهواً حرکت کند، بنا بر احتیاط واجب باید اول، عملی که نماز را باطل می‌کند انجام دهد و دوباره تکبیر بگوید.

#### مسئله ۹۵۲

تکبیر و حمد و سوره و ذکر و دعا را باید طوری بخواند که خودش بشنود و اگر به واسطه سنگینی یا کوری گوش یا سر و صدای زیاد نمی‌شنود، باید طوری بگوید، که اگر مانعی نباشد بشنود.

### مسئله ۹۵۳

کسی که لال است یا زبان او مرضی دارد که نمی‌تواند «اللَّهُ أَكْبَرُ» را درست بگوید، باید به هر طور که می‌تواند بگوید و اگر هیچ نمی‌تواند بگوید، باید در قلب خود بگذارند و برای تکبیر اشاره کند و زبانش را هم اگر می‌تواند حرکت دهد.

### مسئله ۹۵۴

مستحب است بعد از تکبیره الاحرام بگوید «يَا مُحْسِنُ قَدْ أَتَاكَ الْمُسَيِّئُ وَقَدْ أَمَرَتِ الْمُحْسِنَ أَنْ يَتَجَاوَزَ عَنِ الْمُسَيِّئِ وَأَنْتَ الْمُحْسِنُ وَأَنَا الْمُسَيِّئُ فَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَجَاوَزْ عَنِ قَبِيحٍ مَا تَعْلَمُ مِنِّي».

یعنی: ای خدایی که به بندگان احسان می‌کنی بنده گناهکار به در خانه تو آمده و تو امر کرده‌ای که نیکوکار از گناهکار بگذرد، تو نیکوکاری و من گناهکار به حق محمد و آل محمد صَلِّ عَلَى اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلِّمْ رحمت خود را بر محمد و آل محمد بفرست و از بدی‌هایی که می‌دانی از من سر زده بگذر.

### مسئله ۹۵۵

مستحب است موقع گفتن تکبیر اول نماز و تکبیرهای بین نماز، دستها را تا مقابل گوش‌ها بالا ببرد.

### مسئله ۹۵۶

اگر انسان شک کند که تکبیره الاحرام را گفته یا نه، چنانچه مشغول خواندن چیزی شده، اگر چه آن چیز مستحب باشد مثل استعاذه قبل از قرائت، به شک خود اعتنا نکند و اگر چیزی نخوانده، باید تکبیر الاحرام را بگوید و احتیاط آن است که ابتدا عملی که نماز را باطل می‌کند مثل رو برگرداندن از قبله را انجام دهد و بعد تکبیره الاحرام را بگوید؛ زیرا اگر بعدا یقین پیدا کند که تکبیره الاحرام را گفته بوده و شک او مورد نداشته و در بین تکبیره الاحرام اول که فراموش کرده است و تکبیره الاحرام دوم هم مبطلی انجام نداده، نماز او باطل است.

### مسئله ۹۵۷

اگر بعد از گفتن تکبیره الاحرام شک کند که آن را صحیح گفته یا نه، باید به شک خود اعتنا نکند.

## واجبات نماز

### قیام (ایستادن)

### مسئله ۹۵۸

قیام در موقع گفتن تکبیر الاحرام و قیام پیش از رکوع که آن را قیام متصل به رکوع می‌گویند رکن است، ولی قیام در موقع خواندن حمد و سوره و قیام بعد از رکوع رکن نیست و اگر کسی آن را از روی فراموشی ترک کند، نمازش صحیح است.

#### مسئله ۹۵۹

واجب است پیش از گفتن تکبیر و بعد از آن مقداری بایستد تا یقین کند که در حال ایستادن تکبیر گفته است.

#### مسئله ۹۶۰

اگر رکوع را فراموش کند و بعد از حمد و سوره بنشیند و یادش بیاید که رکوع نکرده، باید بایستد و به رکوع رود و اگر بدون این که بایستد، به حال خمیدگی به رکوع برگردد، چون قیام متصل به رکوع را به جا نیاورده، نماز او باطل است.

#### مسئله ۹۶۱

موقعی که ایستاده است، باید بدن را حرکت ندهد و به طرفی خم نشود و بجایی تکیه نکند؛ ولی اگر از روی ناچاری باشد، یا در حال خم شدن برای رکوع پاها را حرکت دهد اشکال ندارد.

#### مسئله ۹۶۲

اگر موقعی که ایستاده، از روی فراموشی بدن را حرکت دهد، یا به طرفی خم شود، یا به جایی تکیه کند، اشکال ندارد، ولی در قیام هنگام گفتن تکبیر الاحرام اگر این کارها را انجام دهد، اگر قبل از شروع در قرائت ملتفت شود، بنا بر احتیاط واجب باید عملی که نماز را باطل می‌کند مثل رو برگرداندن از قبله انجام دهد و دوباره تکبیر الاحرام را بگوید، اگر بعد از ورود در قرائت ملتفت شود و همچنین اگر در قیام متصل به رکوع سهواً حرکت کند و بعد از دخول در رکوع ملتفت شود، بنا بر احتیاط واجب، باید نماز را تمام کند و دوباره بخواند.

#### مسئله ۹۶۳

احتیاط واجب آن است که در موقع ایستادن، هر دو پا روی زمین باشد، ولی لازم نیست سنگینی بدن روی هر دو پا باشد و اگر روی یک پا هم باشد اشکال ندارد.

#### مسئله ۹۶۴

کسی که می‌تواند درست بایستد، اگر پاها را خیلی گشاد بگذارد که به حال ایستادن معمولی نباشد، نمازش باطل است.

#### مسئله ۹۶۵

موقعی که انسان در نماز می‌خواهد کمی جلو یا عقب رود، یا کمی بدن را به طرف راست یا چپ حرکت دهد، باید چیزی نگوید؛

ولی «بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ أَقُومُ وَأَقْعِدُ» را باید در حال برخاستن بگوید و در موقع گفتن ذکرهای واجب هم بدن باید بی حرکت باشد، بلکه احتیاط واجب آن است که در موقع گفتن ذکرهای مستحبی نماز، باید بدنش آرام باشد.

#### مسئله ۹۶۶

اگر در حال حرکت بدن ذکر بگوید، مثلاً موقع رفتن به رکوع یا رفتن به سجده تکبیر بگوید، چنانچه آن را به قصد ذکر می‌کند که در نماز دستور داده‌اند بگوید، باید احتیاطاً نماز را دوباره بخواند و اگر به این قصد نگوید، بلکه بخواهد ذکر گفته باشد نماز صحیح است.

#### مسئله ۹۶۷

حرکت دادن دست و انگشتان در موقع خواندن حمد، اشکال ندارد، اگر چه احتیاط مستحب آن است که آنها را هم حرکت ندهد.

#### مسئله ۹۶۸

اگر موقع خواندن حمد و سوره، یا خواندن تسبیحات بی اختیار به قدری حرکت کند که از حال آرام بودن بدن خارج شود، احتیاط واجب آن است که بعد از آرام گرفتن بدن، آنچه را در حال حرکت خوانده دوباره بخواند.

#### مسئله ۹۶۹

اگر در بین نماز از ایستادن عاجز شود، باید بنشیند و اگر از نشستن هم عاجز شود باید بخوابد ولی تا بدنش آرام نگرفته باید چیزی نخواند.

#### مسئله ۹۷۰

تا انسان می‌تواند ایستاده نماز بخواند، نباید بنشیند مثلاً کسی که در موقع ایستادن، بدنش حرکت می‌کند یا مجبور است به چیزی تکیه دهد، یا بدنش را کج کند، یا خم شود یا پاها را بیشتر از معمول گشاد بگذارد، باید به هر طور که می‌تواند ایستاده نماز بخواند ولی اگر به هیچ قسم حتی مثل حال رکوع هم نتواند بایستد، باید راست بنشیند و نشسته نماز بخواند.

#### مسئله ۹۷۱

تا انسان می‌تواند بنشیند نباید خوابیده نماز بخواند و اگر نتواند راست بنشیند، باید هر طور که می‌تواند بنشیند و اگر به هیچ قسم نمی‌تواند بنشیند، باید به طوری که در احکام قبله گفته شد، به پهلو راست بخوابد و اگر نمی‌تواند، به پهلو چپ و اگر آن هم ممکن نیست به پشت بخوابد، به طوری که کف پاهای او رو به قبله باشد.

#### مسئله ۹۷۲



کسی که نشسته نماز می‌خواند، اگر بعد از خواندن حمد و سوره بتواند بایستد و رکوع را ایستاده به جا آورد، باید بایستد و از حال ایستاده به رکوع رود و اگر نتواند، باید رکوع را هم نشسته به جا آورد.

### مسئله ۹۷۳

کسی که خوابیده نماز می‌خواند، اگر در بین نماز بتواند بنشیند، باید مقداری را که می‌تواند، نشسته بخواند و نیز اگر می‌تواند بایستد، باید مقداری را که می‌تواند، ایستاده بخواند، ولی تا بدنش آرام نگرفته باید چیزی نخواند.

### مسئله ۹۷۴

کسی که نشسته نماز می‌خواند، اگر در بین نماز بتواند بایستد، باید مقداری را که می‌تواند، ایستاده بخواند؛ ولی تا بدنش آرام نگرفته، باید چیزی نخواند.

### مسئله ۹۷۵

کسی که می‌تواند بایستد اگر برسد که به واسطه ایستادن مریض شود یا ضرری به او برسد، می‌تواند نشسته نماز بخواند و اگر از نشستن هم برسد، می‌تواند خوابیده نماز بخواند.

### مسئله ۹۷۶

اگر انسان احتمال بدهد که تا آخر وقت بتواند ایستاده نماز بخواند احتیاط آن است که نمازش را تا آخر وقت به تأخیر بیندازد.

### مسئله ۹۷۷

مستحب است در حال ایستادن، بدن را راست نگه دارد، شانه‌ها را پایین بیندازد، دستها را روی ران‌ها بگذارد، انگشت‌ها را به هم بچسباند، جای سجده را نگاه کند، سنگینی بدن را به طور مساوی روی دو پا بیندازد، با خضوع و خشوع باشد، پاها را پس و پیش نگذارد، اگر مرد است پاها را از سه انگشت باز تا یک وجب فاصله دهد و اگر زن است پاها را به هم بچسباند.

### قرائت

### مسئله ۹۷۸

در رکعت اول و دوم نمازهای واجب یومیه، انسان باید اول حمد و بعد از آن یک سوره تمام بخواند.

### مسئله ۹۷۹

اگر وقت نماز تنگ باشد، یا انسان ناچار شود که سوره را نخواند، مثلاً برسد که اگر سوره را بخواند، دزد یا درنده، یا چیز دیگری به او صدمه بزند، نباید سوره را بخواند و اگر در کاری عجله داشته باشد، می‌تواند سوره را نخواند.

**مسئله ۹۸۰**

اگر عمداً سوره را پیش از حمد بخواند، نمازش باطل است و اگر اشتباهاً سوره را پیش از حمد بخواند و در بین آن یادش بیاید، باید سوره را رها کند و بعد از خواندن حمد سوره را از اول بخواند.

**مسئله ۹۸۱**

اگر حمد و سوره یا یکی از آنها را فراموش کند و بعد از رسیدن به رکوع بفهمد، نمازش صحیح است.

**مسئله ۹۸۲**

اگر پیش از آن که برای رکوع خم شود، بفهمد که حمد و سوره را نخوانده، باید بخواند. اگر بفهمد سوره را نخوانده، باید فقط سوره را بخواند؛ ولی اگر بفهمد حمد تنها را نخوانده، باید اول حمد و بعد از آن دوباره سوره را بخواند و نیز اگر خم شود و پیش از آن که به رکوع برسد، بفهمد حمد و سوره، یا سوره تنها، یا حمد تنها را نخوانده، باید بایستد و به همین دستور عمل نماید.

**مسئله ۹۸۳**

اگر در نماز یکی از چهار سوره‌ای را که آیه سجده دارد و در مسئله ۳۵۵ گفته شد، عمداً بخواند، نمازش باطل است.

**مسئله ۹۸۴**

اگر اشتباهاً مشغول خواندن سوره‌ای شود که سجده واجب دارد، چنانچه پیش از رسیدن به آیه سجده بفهمد، باید آن سوره را رها کند و سوره دیگر بخواند و اگر بعد از خواندن آیه سجده، بفهمد باید در بین نماز با اشاره سجده آن را به جا آورد و به همان سوره که خوانده اکتفا نماید.

**مسئله ۹۸۵**

اگر در نماز آیه سجده را بشنود و به اشاره سجده کند، نمازش صحیح است.

**مسئله ۹۸۶**

در نماز مستحبی خواندن سوره لازم نیست، اگر چه آن نماز به واسطه نذر کردن واجب شده باشد، ولی در بعضی از نمازهای مستحبی مثل نماز وحشت که سوره مخصوصی دارد، اگر بخواهد به دستور آن نماز رفتار کرده باشد، باید همان سوره را بخواند.

**مسئله ۹۸۷**

در نماز جمعه و در نماز ظهر روز جمعه مستحب است در رکعت اول بعد از حمد، سوره جمعه و در رکعت دوم بعد از حمد، سوره

منافقین بخواند و اگر مشغول یکی از اینها شود، بنا بر احتیاط واجب نمی‌تواند آن را رها کند و سوره دیگر بخواند.

### مسئله ۹۸۸

اگر بعد از حمد، مشغول خواندن سوره «قل هو الله احد» یا سوره «قل یا ایها الکافرون» شود، نمی‌تواند آن را رها کند و سوره دیگر بخواند؛ ولی در نماز جمعه و نماز ظهر روز جمعه اگر از روی فراموشی به جای سوره جمعه و منافقین، یکی از این دو سوره را بخواند، تا به نصف نرسیده، می‌تواند آن را رها کند و سوره جمعه و منافقین را بخواند.

### مسئله ۹۸۹

اگر در نماز جمعه یا نماز ظهر روز جمعه عمداً سوره قل هو الله احد یا سوره قل یا ایها الکافرون بخواند، اگر چه به نصف نرسیده باشد بنا بر احتیاط واجب نمی‌تواند رها کند و سوره جمعه و منافقین را بخواند.

### مسئله ۹۹۰

اگر در نماز، غیر سوره «قل هو الله احد» و «قل یا ایها الکافرون» سوره دیگری بخواند، تا به نصف نرسیده می‌تواند رها کند و سوره دیگر بخواند.

### مسئله ۹۹۱

اگر مقداری از سوره را فراموش کند یا از روی ناچاری، مثلاً به واسطه تنگی وقت یا جهت دیگر نشود آن را تمام نماید، می‌تواند آن سوره را رها کند و سوره دیگر بخواند، اگر چه از نصف گذشته باشد یا سوره‌ای را که می‌خوانده «قل هو الله احد»، یا «قل یا ایها الکافرون» باشد.

### مسئله ۹۹۲

بر مرد واجب است حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشا را بلند بخواند و بر مرد و زن واجب است حمد و سوره نماز ظهر و عصر را آهسته بخوانند.

### مسئله ۹۹۳

مرد باید در نماز صبح و مغرب و عشا مواظب باشد که تمام کلمات حمد و سوره حتی حرف آخر آنها را بلند بخواند و این در صورتیست که به کلمه بعد وصل کند و در غیر این صورت بلند خواندن حرف آخر کلمه لازم نیست.

### مسئله ۹۹۴

زن می‌تواند حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشا را بلند یا آهسته بخواند، ولی اگر نامحرم صدایش را بشنود، بنا بر احتیاط

واجب باید آهسته بخواند.

### مسئله ۹۹۵

اگر در جایی که باید نماز را بلند خواند عمداً آهسته بخواند، یا در جایی که باید آهسته خواند عمداً بلند بخواند، نمازش باطل است؛ ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد صحیح است و اگر در بین خواندن حمد و سوره هم بفهمد اشتباه کرده، لازم نیست مقداری را که خوانده دوباره بخواند.

### مسئله ۹۹۶

اگر کسی در خواندن حمد و سوره بیشتر از معمول صدایش را بلند کند، مثل آن که آنها را با فریاد بخواند، نمازش باطل است.

### مسئله ۹۹۷

انسان باید نماز را یاد بگیرد که غلط نخواند و کسی که به هیچ قسم نمی‌تواند صحیح آن را یاد بگیرد، باید هر طور که می‌تواند بخواند و احتیاط مستحب آن است که نماز را به جماعت به جا آورد.

### مسئله ۹۹۸

کسی که حمد و سوره و چیزهای دیگر نماز را به خوبی نمی‌داند و می‌تواند یاد بگیرد، چنانچه وقت نماز وسعت دارد، باید یاد بگیرد و اگر وقت تنگ است، بنا بر احتیاط واجب در صورتی که ممکن باشد، باید نمازش را به جماعت بخواند.

### مسئله ۹۹۹

احتیاط واجب آن است که برای یاد دادن واجبات نماز مزد نگیرند؛ ولی برای مستحبات آن اشکال ندارد.

### مسئله ۱۰۰۰

اگر یکی از کلمات حمد یا سوره را نداند، یا عمداً آن را نگوید یا به جای حرفی حرف دیگر بگوید، مثلاً به جای (ض) (ظ) بگوید یا جایی که باید بدون زیر و زبر خوانده شود، زیر و زبر بدهد، یا تشدید را نگوید نماز او باطل است.

### مسئله ۱۰۰۱

اگر انسان کلمه‌ای را صحیح بداند و در نماز همان طور بخواند و بعد بفهمد غلط خوانده، احتیاط مستحب آن است که دوباره بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید.

### مسئله ۱۰۰۲

اگر زیر و زبر کلمه‌ای را نمی‌داند باید یاد بگیرد، ولی اگر بر سر کلمه‌ای را که وقف کردن آن جایز است همیشه وقف کند یاد گرفتن زیر و زبر آن لازم نیست و نیز اگر نداند، کلمه‌ای با (س) است یا با (ص)، باید یاد بگیرد و چنانچه به هر دو صورت بخواند، نمازش باطل است، مگر آن که هر دو صورت قرائت شده باشد، مثل کلمه «صراط» در آیه «اهدنا الصراط المستقیم»، که به هر دو صورت قرائت شده است که اگر به امید رسیدن به واقع با هر دو صورت بخواند، نمازش صحیح است.

### مسئله ۱۰۰۳

اگر در کلمه‌ای واو باشد و حرف قبل از واو در آن کلمه پیش داشته باشد و حرف بعد از واو در آن کلمه همزه (ء) باشد مثل کلمه سوء بهتر است آن واو را مد بدهد، یعنی آن را بکشد و هم چنین اگر در کلمه‌ای الف باشد و حرف قبل از الف در آن کلمه زبر داشته باشد و حرف بعد از الف در آن کلمه همزه باشد مثل جاء بهتر است الف آن را بکشد و نیز اگر در کلمه‌ای (ی) باشد و حرف پیش از (ی) در آن کلمه زیر داشته باشد و حرف بعد از (ی) در آن کلمه همزه باشد مثل (جیء) بهتر آن است (ی) را با مد بخواند و اگر بعد از این واو و الف و (ی) به جای همزه (ء) حرفی باشد که ساکن است، یعنی زیر و زبر و پیش ندارد باز هم بهتر آن است این سه حرف را با مد بخواند، مثلاً در «ولا الضالین» که بعد از الف حرف لام ساکن است، بهتر آن است الف آن را با مد بخواند.

### مسئله ۱۰۰۴

احتیاط مستحب آن است که در نماز، وقف به حرکت و وصل به سکون ننماید و معنی وقف به حرکت آن است که زیر یا زبر یا پیش آخر کلمه‌ای را بگوید و بین آن کلمه و کلمه بعدش فاصله دهد، مثلاً بگوید الرحمن الرحیم و میم الرحیم را زیر بدهد و بعد قدری فاصله دهد و بگوید مالک یوم الدین و معنی وصل به سکون آن است که زیر یا زبر یا پیش کلمه‌ای را نگوید و آن کلمه را به کلمه بعد بچسباند، مثل آن که بگوید «الرحمن الرحیم» و میم «الرحیم» را زیر ندهد و فوراً «مالک یوم الدین» را بگوید.

### مسئله ۱۰۰۵

در رکعت سوم و چهارم نماز می‌تواند فقط یک حمد بخواند یا سه مرتبه تسبیحات اربعه بگوید یعنی سه مرتبه بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» و اگر یک مرتبه هم تسبیحات اربعه بگوید، کافیهست و می‌تواند در یک رکعت حمد و در رکعت دیگر تسبیحات بگوید و بهتر است در هر دو رکعت تسبیحات بخواند.

### مسئله ۱۰۰۶

در تنگی وقت باید تسبیحات اربعه را یک مرتبه بگوید.

### مسئله ۱۰۰۷

بر مرد و زن واجب است که در رکعت سوم و چهارم نماز، «حمد» یا تسبیحات را آهسته بخوانند.

### مسئله ۱۰۰۸

اگر در رکعت سوم و چهارم «حمد» بخواند، بنا بر احتیاط واجب باید بسم الله آن را هم آهسته بگوید.

#### مسئله ۱۰۰۹

کسی که نمی‌تواند تسبیحات را یاد بگیرد یا درست بخواند، باید در رکعت سوم و چهارم حمد بخواند.

#### مسئله ۱۰۱۰

اگر در دو رکعت اول نماز به خیال این که دو رکعت آخر است تسبیحات بگوید، چنانچه پیش از رکوع بفهمد، باید حمد و سوره را بخواند و اگر در رکوع بفهمد، نمازش صحیح است.

#### مسئله ۱۰۱۱

اگر در دو رکعت آخر نماز به خیال این که در دو رکعت اول است حمد بخواند، یا در دو رکعت اول نماز با این که گمان می‌کرده در دو رکعت آخر است حمد بخواند، چه پیش از رکوع بفهمد چه بعد از آن، نمازش صحیح است.

#### مسئله ۱۰۱۲

اگر در رکعت سوم یا چهارم می‌خواست حمد بخواند تسبیحات به زبانش آمد، یا می‌خواست تسبیحات بخواند حمد به زبانش آمد، باید آن را رها کند و دوباره «حمد» یا تسبیحات را بخواند. ولی اگر عادتش خواندن چیزی بوده که به زبانش آمده و در خزانه قلبش آن را قصد داشته، می‌تواند همان را تمام کند و نمازش صحیح است.

#### مسئله ۱۰۱۳

کسی که عادت دارد در رکعت سوم و چهارم تسبیحات بخواند اگر بدون قصد مشغول خواندن حمد شود، باید آن را رها کند و دوباره «حمد» یا تسبیحات را بخواند.

#### مسئله ۱۰۱۴

در رکعت سوم و چهارم مستحب است بعد از تسبیحات استغفار کند، مثلاً بگوید:  
 اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ، یا بگوید اَللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي و اگر به گمان آن که تسبیحات را گفته مشغول گفتن استغفار شود و شک کند که تسبیحات را خوانده یا نه، باید به شک خود اعتنا نماید ولی اگر نماز گزار پیش از خم شدن برای رکوع در حالی که مشغول گفتن استغفار نیست، شک کند که حمد یا تسبیحات را خوانده یا نه، باید حمد یا تسبیحات را بخواند.

#### مسئله ۱۰۱۵

اگر در رکوع رکعت سوم یا چهارم یا در حال رفتن به رکوع شک کند که «حمد» یا تسبیحات را خوانده یا نه، باید به شک خود

اعتنا نکند.

### مسئله ۱۰۱۶

هر گاه شك کند که آیه یا کلمه‌ای را درست گفته یا نه اگر به چیزی که بعد از آن است مشغول نشده، باید آن آیه یا کلمه را به طور صحیح بگوید و اگر به چیزی که بعد از آن است مشغول شده، چنانچه آن چیز رکن باشد مثل آن که در رکوع شك کند که فلان کلمه از سوره را درست گفته یا نه، باید به شك خود اعتنا نکند و اگر رکن نباشد، مثلاً موقع گفتن (اللَّهُ الصمد) شك کند که (قل هو الله احد) را درست گفته یا نه، باز هم می‌تواند به شك خود اعتنا نکند، ولی اگر احتیاطاً آن آیه یا کلمه را به طور صحیح بگوید اشکال ندارد و اگر چند مرتبه هم شك کند، می‌تواند چند بار بگوید اما اگر به وسواس برسد و باز هم بگوید، بنا بر احتیاط واجب باید نمازش را دوباره بخواند.

### مسئله ۱۰۱۷

مستحب است در رکعت اول، پیش از خواندن حمد بگوید اعوذ بالله من الشیطان الرجیم و در رکعت اول و دوم نماز ظهر و عصر «بسم الله» ... را بلند بگوید، ولی مأموم در نماز جماعت «بسم الله» ... را آهسته بگوید و مستحب است «حمد» و سوره را شمرده بخواند و در آخر هر آیه وقف کند، یعنی آن را به آیه بعد نچسباند و در حال خواندن حمد و سوره به معنای آیه توجه داشته باشد. اگر نماز را به جماعت می‌خواند، بعد از تمام شدن حمد امام و اگر فرادی می‌خواند، بعد از آن که حمد خودش تمام شد بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». بعد از خواندن سوره قل هو الله احد، یک، یا دو، یا سه مرتبه «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي» یا سه مرتبه «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي» بگوید، بعد از خواندن سوره کمی صبر کند، بعد تکبیر پیش از رکوع را بگوید یا قنوت را بخواند.

### مسئله ۱۰۱۸

مستحب است در تمام نمازها در رکعت اول، سوره «انا انزلناه» و در رکعت دوم، سوره «قل هو الله احد» را بخواند.

### مسئله ۱۰۱۹

مکروه است انسان در تمام نمازهای یک شبانه روز سوره «قل هو الله احد» را نخواند.

### مسئله ۱۰۲۰

خواندن سوره «قل هو الله احد» به یک نفس مکروه است.

### مسئله ۱۰۲۱

سوره‌ای را که در رکعت اول خوانده، مکروه است در رکعت دوم بخواند ولی اگر سوره «قل هو الله احد» را در هر دو رکعت بخواند، مکروه نیست.

## رکوع

## مسئله ۱۰۲۲

در هر رکعت بعد از قرائت باید به اندازه‌ای خم شود که بتواند دست را به زانو بگذارد و این عمل را رکوع می‌گویند.

## مسئله ۱۰۲۳

اگر به اندازه رکوع خم شود، ولی دستها را به زانو نگذارد اشکال ندارد.

## مسئله ۱۰۲۴

هر گاه رکوع را به طور غیر معمول به جا آورد، مثلاً به چپ یا راست خم شود، اگر چه دستهای او به زانو برسد، صحیح نیست.

## مسئله ۱۰۲۵

خم شدن باید به قصد رکوع باشد، پس اگر به قصد کار دیگر مثلاً برای کشتن جانور خم شود، نمی‌تواند آن را رکوع حساب کند بلکه باید بایستد دوباره برای رکوع خم شود و به واسطه این عمل، رکن زیاد نشده و نماز باطل نمی‌شود.

## مسئله ۱۰۲۶

کسی که دست یا زانوی او با دست و زانوی دیگران فرق دارد، مثلاً دستش خیلی بلند است که اگر کمی خم شود به زانو می‌رسد یا زانوی او پایین‌تر از مردم دیگر است که باید خیلی خم شود تا دستش به زانو برسد، باید به اندازه معمول خم شود.

## مسئله ۱۰۲۷

کسی که نشسته رکوع می‌کند، باید به قدری خم شود که صورتش مقابل زانوها برسد و بهتر است به قدری خم شود که صورت نزدیک جای سجده برسد.

## مسئله ۱۰۲۸

انسان هر ذکری در رکوع بگوید کافی است؛ ولی احتیاط واجب آن است که به قدر سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا یک مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ» کمتر نباشد.

## مسئله ۱۰۲۹

ذکر رکوع باید دنبال هم و به عربی صحیح گفته شود و مستحب است آن را سه یا پنج یا هفت مرتبه بلکه بیشتر بگویند.

## مسئله ۱۰۳۰



در رکوع باید به مقدار ذکر واجب، بدن آرام باشد و در ذکر مستحب هم اگر آن را به قصد ذکری که برای رکوع دستور داده‌اند بگویند بنا بر احتیاط واجب، آرام بودن بدن لازم است.

### مسئله ۱۰۳۱

اگر موقعی که ذکر واجب رکوع را می‌گویید، بی‌اختیار به قدری حرکت کند که از حال آرام بودن بدن خارج شود بنا بر احتیاط واجب باید بعد از آرام گرفتن بدن، دوباره ذکر را بگویید، ولی اگر کمی حرکت کند که از حال آرام بودن بدن خارج نشود، یا انگشتان را حرکت دهد اشکال ندارد.

### مسئله ۱۰۳۲

اگر پیش از آن که به مقدار رکوع خم شود و بدن آرام گیرد عمداً ذکر رکوع را بگوید، نمازش باطل است.

### مسئله ۱۰۳۳

اگر پیش از تمام شدن ذکر واجب، عمداً سر از رکوع بردارد نمازش باطل است و اگر سهواً سر بردارد، چنانچه پیش از آن که از حال رکوع خارج شود، یادش بیاید که ذکر رکوع را تمام نکرده، باید در حال آرامی بدن دوباره ذکر را بگوید و اگر بعد از آن که از حال رکوع خارج شد، یادش بیاید، نماز او صحیح است.

### مسئله ۱۰۳۴

اگر نتواند به مقدار ذکر در رکوع بماند، در صورتی که بتواند پیش از آن که از حد رکوع بیرون رود ذکر را بگوید، باید در آن حال تمام کند و اگر نتواند در حال برخاستن ذکر را به قصد رجا بگوید.

### مسئله ۱۰۳۵

اگر به واسطه مرض و مانند آن در رکوع آرام نگیرد نماز صحیح است؛ ولی باید پیش از آن که از حال رکوع خارج شود، ذکر واجب یعنی: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ» یا سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» را بگوید.

### مسئله ۱۰۳۶

هر گاه نتواند به اندازه رکوع خم شود، باید به چیزی تکیه دهد و رکوع کند و اگر موقعی هم که تکیه داده نتواند به طور معمول رکوع کند باید به هر اندازه می‌تواند، خم شود و اگر هیچ نتواند خم شود، باید موقع رکوع بنشیند و نشسته رکوع کند و احتیاط مستحب آن است که نماز دیگری هم بخواند و برای رکوع آن با سر اشاره نماید.

### مسئله ۱۰۳۷

کسی که می‌تواند ایستاده نماز بخواند، اگر در حال ایستاده یا نشسته نتواند رکوع کند، باید ایستاده نماز بخواند و برای رکوع با سر اشاره کند و اگر نتواند اشاره کند، باید به نیت رکوع چشم‌ها را هم بگذارد و ذکر آن را بگوید و به نیت برخاستن از رکوع، چشم‌ها را باز کند و اگر از این هم عاجز است باید در قلب، نیت رکوع کند و ذکر آن را بگوید.

#### مسئله ۱۰۳۸

کسی که نمی‌تواند ایستاده یا نشسته رکوع کند و برای رکوع فقط می‌تواند در حالی که نشسته است کمی خم شود یا در حالی که ایستاده است با سر اشاره کند، باید ایستاده نماز بخواند و برای رکوع با سر اشاره نماید و احتیاط آن است که نماز دیگری هم بخواند و موقع رکوع آن بنشیند و هر قدر می‌تواند برای رکوع خم شود.

#### مسئله ۱۰۳۹

اگر بعد از رسیدن به حد رکوع و آرام گرفتن بدن سر بردارد و دو مرتبه به قصد رکوع به اندازه رکوع خم شود، نمازش باطل است و نیز اگر بعد از آن که به اندازه رکوع خم شد و بدنش آرام گرفت، به قصد رکوع به قدری خم شود که از اندازه رکوع بگذرد و دوباره به رکوع برگردد، بنا بر احتیاط واجب نمازش باطل است و بهتر آن است که نماز را تمام کند و از سر بخواند.

#### مسئله ۱۰۴۰

بعد از تمام شدن ذکر رکوع، باید راست بایستد و بعد از آن که بدن آرام گرفت به سجده رود و اگر عمداً پیش از ایستادن، یا پیش از آرام گرفتن بدن به سجده رود نمازش باطل است.

#### مسئله ۱۰۴۱

اگر رکوع را فراموش کند و پیش از آن که به سجده برسد، یادش بیاید، باید بایستد، بعد به رکوع رود و چنانچه به حالت خمیدگی به رکوع برگردد، نمازش باطل است.

#### مسئله ۱۰۴۲

اگر بعد از آن که پیشانی به زمین برسد، یادش بیاید که رکوع نکرده، بنا بر احتیاط واجب باید بایستد و رکوع را به جا آورد و نماز را تمام کند و دوباره بخواند.

#### مسئله ۱۰۴۳

مستحب است پیش از رفتن به رکوع در حالی که راست ایستاده تکبیر بگوید و در رکوع زانوها را به عقب دهد و پشت را صاف نگه دارد و گردن را بکشد و مساوی پشت نگه دارد و بین دو قدم را نگاه کند و پیش از ذکر یا بعد از آن صلوات بفرستد و بعد از آن که از رکوع برخاست و راست ایستاد، در حال آرامی بدن بگوید: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ».

**مسئله ۱۰۴۴**

مستحب است در رکوع زنها دستها را از زانوها بالاتر بگذارند و زانوها را به عقب ندهند.

**سجود****مسئله ۱۰۴۵**

نماز گزار باید در هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب، بعد از رکوع دو سجده کند و سجده آن است که پیشانی و کف دو دست و سر دو زانو و سر دو انگشت بزرگ پاها را بر زمین بگذارد.

**مسئله ۱۰۴۶**

دو سجده روی هم یک رکن است که اگر کسی در نماز واجب عمداً یا از روی فراموشی هر دو را ترک کند، یا دو سجده دیگر به آنها اضافه نماید، نمازش باطل است.

**مسئله ۱۰۴۷**

اگر عمداً یک سجده کم یا زیاد کند، نماز باطل می‌شود و اگر سهواً یک سجده کم کند، حکم آن بعداً گفته خواهد شد.

**مسئله ۱۰۴۸**

اگر پیشانی را عمداً یا سهواً به زمین نگذارد، سجده نکرده است. اگر چه جاهای دیگر به زمین برسد؛ ولی اگر پیشانی را به زمین بگذارد و سهواً جاهای دیگر را به زمین نرساند، یا سهواً ذکر نگوید، سجده صحیح است.

**مسئله ۱۰۴۹**

در سجده هر ذکری بگوید کافی است؛ ولی احتیاط واجب آن است که مقدار ذکر از سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا یک مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ» کمتر نباشد و مستحب است «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ» را سه یا پنج یا هفت مرتبه بگوید.

**مسئله ۱۰۵۰**

در سجود باید به مقدار ذکر واجب، بدن آرام باشد و موقع گفتن ذکر مستحب هم، اگر آن را به قصد ذکری که برای سجده دستور داده‌اند بگوید، آرام بودن بدن لازم است.

**مسئله ۱۰۵۱**

اگر پیش از آن که پیشانی به زمین برسد و بدن آرام بگیرد، عمداً ذکر سجده را بگوید، یا پیش از تمام شدن ذکر عمداً سر از

سجده بردارد، نماز باطل است.

### مسئله ۱۰۵۲

اگر پیش از آن که پیشانی به زمین برسد و بدن آرام گیرد، سهواً ذکر سجده را بگوید و پیش از آن که سر از سجده بردارد، بفهمد اشتباه کرده، باید دوباره در حال آرام بودن، ذکر را بگوید.

### مسئله ۱۰۵۳

اگر بعد از آن که سر از سجده برداشت، بفهمد که پیش از آرام گرفتن بدن ذکر را گفته یا پیش از آن که ذکر سجده تمام شود سر برداشته، نمازش صحیح است.

### مسئله ۱۰۵۴

اگر موقعی که ذکر سجده را می‌گوید، یکی از هفت عضو را عمداً از زمین بردارد، نماز باطل می‌شود ولی موقعی که مشغول گفتن ذکر نیست، اگر غیر پیشانی جاهای دیگر را از زمین بردارد و دوباره بگذارد، اشکال ندارد.

### مسئله ۱۰۵۵

اگر پیش از تمام شدن ذکر سجده سهواً پیشانی را از زمین بردارد، نمی‌تواند دوباره به زمین بگذارد و باید آن را یک سجده حساب کند، ولی اگر جاهای دیگر را سهواً از زمین بردارد، باید دو مرتبه به زمین بگذارد و ذکر را بگوید.

### مسئله ۱۰۵۶

بعد از تمام شدن ذکر سجده اول باید بنشیند تا بدن آرام گیرد و دوباره به سجده رود.

### مسئله ۱۰۵۷

جای پیشانی نماز گزار باید از جاهای زانوهایش پست‌تر و بلندتر از چهار انگشت بسته نباشد، بلکه احتیاط واجب آن است که جای پیشانی او از جای انگشتانش پست‌تر و بلندتر از چهار انگشت بسته نباشد.

### مسئله ۱۰۵۸

در زمین سرایش که سرایشی آن درست معلوم نیست، احتیاط واجب آن است که جای پیشانی نماز گزار از جای انگشت‌های پا و سر زانوهای او بیش از چهار انگشت بسته بلندتر نباشد.

### مسئله ۱۰۵۹

اگر پیشانی را سهواً به چیزی بگذارد که از جای انگشت‌های پا و سر زانوهای او بلندتر از چهار انگشت بسته است، چنانچه بلندی آن به قدریست که نمی‌گویند در حال سجده است، می‌تواند سر را بردارد و به چیزی که بلندی آن به اندازه چهار انگشت بسته یا کمتر است بگذارد و می‌تواند سر را به روی آنچه به اندازه چهار انگشت یا کمتر است بکشد و اگر بلندی آن به قدریست که می‌گویند در حال سجده است، احتیاط واجب آن است که پیشانی را از روی آن به روی چیزی که بلندی آن به اندازه چهار انگشت بسته یا کمتر است بکشد و اگر کشیدن پیشانی ممکن نیست، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را تمام کند و دوباره بخواند.

### مسئله ۱۰۶۰

باید بین پیشانی و آنچه بر آن سجده می‌کند چیزی نباشد؛ پس اگر مهر به قدری چرک باشد که پیشانی به خود مهر نرسد، سجده باطل است ولی اگر مثلاً رنگ مهر تغییر کرده باشد اشکال ندارد.

### مسئله ۱۰۶۱

در سجده باید کف دستها را بر زمین بگذارد؛ ولی در حال ناچاری پشت دستها هم مانعی ندارد و اگر پشت دستها ممکن نباشد، باید میچ دستها را بگذارد و چنانچه آن را هم نتواند، باید تا آرنج هر جا که می‌تواند بر زمین بگذارد و اگر آن هم ممکن نیست، گذاشتن بازوها کافی است.

### مسئله ۱۰۶۲

در سجده باید بنا بر احتیاط واجب سر دو انگشت بزرگ پاها را به زمین بگذارد و اگر انگشت‌های دیگر پا، یا روی پا را به زمین بگذارد، یا به واسطه بلند بودن ناخن، سر شست به زمین نرسد، نماز باطل است.

### مسئله ۱۰۶۳

کسی که مقداری از شست پایش بریده، باید بقیه آن را به زمین بگذارد و اگر چیزی از آن نمانده، یا اگر مانده خیلی کوتاه است باید بقیه انگشتان را بگذارد و اگر هیچ انگشت ندارد، باید هر مقداری از پا باقی مانده، به زمین بگذارد.

### مسئله ۱۰۶۴

اگر به طور غیر معمول سجده کند، مثلاً سینه و شکم را به زمین بچسباند، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را دوباره بخواند و اگر پاها را درازا کند، اگر چه هفت عضوی که گفته شد به زمین برسد، باید نماز را دوباره بخواند و اگر به طور معمول سجده کند و به خاطر سمین بودن جسمش شکم و سینه او به زمین برسد، نمازش صحیح است.

### مسئله ۱۰۶۵

مهر یا چیز دیگری که بر آن سجده می‌کند، باید پاک باشد، ولی اگر مثلاً مهر را روی فرش نجس بگذارد، یا یک طرف مهر نجس باشد و پیشانی را به طرف پاک آن بگذارد اشکال ندارد.

**مسئله ۱۰۶۶**

اگر در پیشانی دمل و مانند آن باشد، چنانچه ممکن است باید با جای سالم پیشانی سجده کند و اگر ممکن نیست، باید زمین را گود کند و دمل را در گودال و جای سالم را به مقداری که برای سجده کافی باشد، بر زمین بگذارد.

**مسئله ۱۰۶۷**

اگر دمل یا زخم تمام پیشانی را گرفته باشد باید به یکی از دو طرف پیشانی سجده کند و اگر ممکن نیست به چانه و اگر به چانه هم ممکن نیست، باید به هر جای از صورت که ممکن است سجده کند و اگر به هیچ جای از صورت ممکن نیست، باید با جلوی سر سجده نماید.

**مسئله ۱۰۶۸**

کسی که نمی‌تواند پیشانی را به زمین برساند، باید به قدری که می‌تواند، خم شود و مهر یا چیز دیگری را که سجده بر آن صحیح است روی چیز بلندی گذاشته و طوری پیشانی را بر آن بگذارد که بگویند سجده کرده است، ولی باید کف دستها و زانوها و انگشتان پا را به طور معمول به زمین بگذارد.

**مسئله ۱۰۶۹**

کسی که هیچ نمی‌تواند خم شود، باید برای سجده بنشیند و با سر اشاره کند و اگر نتواند باید با چشم‌ها اشاره نماید و در هر دو صورت احتیاط واجب آن است که اگر می‌تواند به قدری مهر را بلند کند که پیشانی را بر آن بگذارد و اگر نمی‌تواند، احتیاط آن است که مهر را بلند کند و به پیشانی بگذارد و اگر با سر یا چشم‌ها هم نمی‌تواند اشاره کند، باید در قلب نیت سجده کند و بنا بر احتیاط واجب با دست و مانند آن برای سجده اشاره نماید.

**مسئله ۱۰۷۰**

کسی که نمی‌تواند بنشیند، باید ایستاده نیت سجده کند و چنانچه می‌تواند، برای سجده با سر اشاره کند و اگر نمی‌تواند، با چشم‌ها اشاره نماید و اگر این را هم نمی‌تواند، در قلب نیت سجده کند و بنا بر احتیاط واجب با دست و مانند آن برای سجده اشاره نماید.

**مسئله ۱۰۷۱**

اگر پیشانی بی‌اختیار از جای سجده بلند شود، چنانچه ممکن باشد باید نگذارد دوباره به جای سجده برسد و این یک سجده حساب می‌شود، چه ذکر سجده را گفته باشد یا نه و اگر نتواند سر را نگه دارد و بی‌اختیار دوباره به جای سجده برسد، روی هم یک سجده حساب می‌شود و اگر ذکر نگفته باشد، باید بگوید.

**مسئله ۱۰۷۲**

جایی که انسان باید تقیه کند، یعنی در آن مکان چیزی که سجده بر آن صحیح است نداشته باشد و سجده بر آن بر خلاف تقیه هم نباشد، می‌تواند بر فرش و مانند آن سجده نماید.

### مسئله ۱۰۷۳

اگر روی چیزی که بدن روی آن آرام نمی‌گیرد سجده کند باطل است ولی روی تشک پر یا چیز دیگری که بعد از سر گذاشتن و مقداری پایین رفتن آرام می‌گیرد سجده کند اشکال ندارد.

### مسئله ۱۰۷۴

اگر انسان ناچار شود که در زمین گل نماز بخواند یعنی اگر آلوده شدن بدن و لباس برای او مشقت دارد، می‌تواند در حالی که ایستاده است، برای سجده با سر اشاره کند و تشهد را ایستاده بخواند و اگر سجده و تشهد را به طور معمول هم به جا آورد، نمازش صحیح است.

### مسئله ۱۰۷۵

در رکعت اول و رکعت سومی که تشهد ندارد، مثل رکعت سوم نماز ظهر و عصر و عشا، بنا بر احتیاط واجب باید بعد از سجده دوم قدری بی‌حرکت بنشیند و بعد برخیزد و اگر سهواً نشیند و برخیزد نمازش صحیح است.

### چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است

### مسئله ۱۰۷۶

باید بر زمین و چیزهای غیر خوراکی که از زمین می‌روید، مانند چوب و برگ درخت سجده کرد و سجده بر چیزهای خوراکی و پوشاکی صحیح نیست و نیز سجده کردن بر چیزهای معدنی مانند طلا- و نقره و عقیق و فیروزه باطل است، اما سجده کردن بر سنگ‌های معدنی مانند سنگ مرمر و سنگ‌های سیاه اشکال ندارد.

### مسئله ۱۰۷۷

سجده کردن بر برگ مو در زمانی که خوردن آن معمول می‌باشد جایز نیست.

### مسئله ۱۰۷۸

سجده بر چیزهایی که از زمین می‌روید و خوراک حیوان است مثل علف و گاه صحیح است.

### مسئله ۱۰۷۹

سجده بر گل‌هایی که خوراکی نیستند، صحیح است ولی سجده بر دواهای خوراکی که از زمین می‌روید، مانند گل بنفشه و گل

گاوزبان صحیح نیست.

#### مسئله ۱۰۸۰

سجده بر گیاهی که خوردن آن در بعضی از شهرها معمول است و در شهرهای دیگر معمول نیست و نیز سجده بر میوه نارس صحیح نیست؛ ولی سجده بر توتون جایز است.

#### مسئله ۱۰۸۱

سجده بر سنگ آهک و سنگ گچ صحیح است بلکه به گچ و آهک پخته و آجر و کوزه گلی و مانند آن هم می‌شود سجده کرد.

#### مسئله ۱۰۸۲

اگر کاغذ را از چیزی که سجده بر آن صحیح است مثلاً از کاه ساخته باشند، می‌شود بر آن سجده کرد و سجده بر کاغذی که از پنبه و مانند آن ساخته شده اشکال ندارد، اما بنا بر احتیاط واجب سجده کردن بر کاغذی که از حریر یا ابریشم ساخته شده و همچنین بر کاغذی که نمی‌داند از چیزی ساخته شده که سجده بر آن صحیح است یا سجده بر آن صحیح نیست، اشکال دارد.

#### مسئله ۱۰۸۳

برای سجده بهتر از هر چیز تربت حضرت سید الشهداء علیه السلام می‌باشد، بعد از آن خاک، بعد از خاک سنگ و بعد از سنگ، گیاه است.

#### مسئله ۱۰۸۴

اگر چیزی که سجده بر آن صحیح است ندارد، یا اگر دارد به واسطه سرما یا گرمای زیاد یا تقیه و مانند اینها نمی‌تواند بر آن سجده کند، باید به لباسش اگر از کتان یا پنبه است، سجده کند و اگر از چیز دیگر است بر همان چیز سجده کند و اگر آن هم نیست باید بر پشت دست و چنانچه آن هم ممکن نباشد به چیز معدنی مانند انگشتر عقیق سجده نماید.

#### مسئله ۱۰۸۵

سجده بر گل و خاک سستی که پیشانی روی آن آرام نمی‌گیرد اگر بعد از آن که مقداری فرو رفت آرام بگیرد، اشکال ندارد.

#### مسئله ۱۰۸۶

اگر در سجده اول، مهر به پیشانی بچسبد و بدون این که مهر را بردارد، دوباره به سجده رود اشکال دارد.

#### مسئله ۱۰۸۷



اگر در بین نماز چیزی که بر آن سجده می‌کند گم شود و چیزی که سجده بر آن صحیح است نداشته باشد، چنانچه وقت وسعت دارد، باید نماز را بشکند و اگر وقت تنگ است، باید به لباسش اگر از پنبه یا کتان است سجده کند و اگر از چیز دیگریست بر همان چیز و اگر آن هم ممکن نیست بر پشت دست و اگر آن هم نمی‌شود به چیز معدنی مانند انگشتر عقیق سجده نماید.

### مسئله ۱۰۸۸

هر گاه در حال سجده بفهمد پیشانی را بر چیزی گذاشته که سجده بر آن باطل است، اگر ممکن باشد، باید پیشانی را از روی آن به روی چیزی که سجده بر آن صحیح است بکشد و اگر وقت تنگ است، به دستوری که در مسئله پیش گفته شد عمل کند.

### مسئله ۱۰۸۹

اگر بعد از سجده بفهمد پیشانی را روی چیزی گذاشته که سجده بر آن باطل است، اشکال ندارد.

### مسئله ۱۰۹۰

سجده کردن برای غیر خداوند متعال حرام می‌باشد و بعضی از مردم عوام که مقابل قبر امامان علیهم‌السلام پیشانی را به زمین می‌گذارند، اگر برای شکر خداوند متعال باشد، اشکال ندارد، و گرنه حرام است.

### مسئله ۱۰۹۱

در سجده چند چیز مستحب است:

- ۱ - کسی که ایستاده نماز می‌خواند، بعد از آن که سر از رکوع برداشت و کاملاً ایستاد و کسی که نشسته نماز می‌خواند، بعد از آن که کاملاً نشست، برای رفتن به سجده تکبیر بگوید.
- ۲ - موقعی که مرد می‌خواهد به سجده برود، اول دستها را و زن اول زانوها را به زمین بگذارد.
- ۳ - بینی را به مهر یا چیزی که سجده بر آن صحیح است بگذارد.
- ۴ - در حال سجده انگشتان دست را به هم بچسباند و برابر گوش بگذارد، به طوری که سر آنها رو به قبله باشد.
- ۵ - در سجده دعا کند و از خدا حاجت بخواهد و این دعا را بخواند:  
«يَا خَيْرَ الْمَسْئُورِينَ وَيَا خَيْرَ الْمُعْطِينَ، اَرْزُقْنِي وَ اَرْزُقْ عِيَالِي مِنْ فَضْلِكَ فَإِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ». یعنی ای بهترین کسی که از او سؤال می‌کنند و ای بهترین عطا کنندگان، روزی بده به من و عیال من از فضل خودت، پس بدرستی که تو دارای فضل بزرگی.
- ۶ - بعد از سجده بر ران چپ بنشیند و روی پای راست را بر کف پای چپ بگذارد.
- ۷ - بعد از هر سجده وقتی نشست و بدنش آرام گرفت، تکبیر بگوید.
- ۸ - بعد از سجده اول بدنش که آرام گرفت «اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ اَتُوبُ إِلَيْهِ»، بگوید.
- ۹ - سجده را طول بدهد و در موقع نشستن دستها را روی رانها بگذارد.
- ۱۰ - برای رفتن به سجده دوم، در حال آرامی بدن «الله اکبر» بگوید.
- ۱۱ - در سجده‌ها صلوات بفرستد و اگر آن را به قصد ذکری که در سجده‌ها دستور داده‌اند بگوید، اشکال ندارد.
- ۱۲ - در موقع بلند شدن، دستها را بعد از زانوها از زمین بردارد.

۱۳ - مردها آرنجها و شکم را به زمین نجسباندند و بازوها را از پهلو جدا نگاه دارند و زنها آرنجها و شکم را بر زمین بگذارند و اعضای بدن را به یکدیگر بچسبانند. مستحبات دیگر سجده در کتاب‌های مفصل گفته شده است.

#### مسئله ۱۰۹۲

قرآن خواندن در سجده مکروه است و نیز مکروه است برای بر طرف کردن گرد و غبار، جای سجده را فوت کند. اگر در اثر فوت کردن، دو حرف از دهان بیرون آید، نماز باطل است و غیر از اینها مکروهات دیگری هم در کتاب‌های مفصل گفته شده است.

#### سجده واجب قرآن

#### مسئله ۱۰۹۳

در هر یک از چهار سوره والنجم و اقراء و الم تنزیل و حم سجده یک آیه سجده است، که اگر انسان بخواند یا گوش به آن دهد، بعد از تمام شدن آن آیه، باید فوراً سجده کند و اگر فراموش کرد، هر وقت یادش آمد باید سجده نماید.

#### مسئله ۱۰۹۴

اگر انسان موقعی که آیه سجده را می‌خواند، آیه سجده نیز از دیگری به گوشش برسد، چنانچه گوش داده دو سجده نماید و اگر به گوشش خورده، یک سجده کافی است.

#### مسئله ۱۰۹۵

در غیر نماز اگر در حال سجده آیه سجده را بخواند یا به آن گوش بدهد باید سر از سجده بردارد و دوباره سجده کند.

#### مسئله ۱۰۹۶

اگر آیه سجده را از کسی که قصد خواندن قرآن ندارد، بشنود، یا از نوار بشنود لازم نیست سجده نماید، ولی اگر از وسیله‌ای که صدای خود انسان را مستقیماً می‌کند نظیر بلندگو و رادیو و تلویزیون و تلفن بشنود، واجب است سجده کند.

#### مسئله ۱۰۹۷

در سجده واجب قرآن نمی‌شود بر چیزهای خوراکی و پوشاکی سجده کرد، ولی سایر شرایط سجده را که در نماز است، لازم نیست مراعات کنند.

#### مسئله ۱۰۹۸

در سجده واجب قرآن باید طوری عمل کند که بگویند سجده کرد.

**مسئله ۱۰۹۹**

هر گاه در سجده قرآن پیشانی را به قصد سجده به زمین بگذارد، اگر چه ذکر نگوید کافیهست و گفتن ذکر، مستحب است و بهتر است بگوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَ تَضِيدًا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عُبُودِيَّةً وَ رِقًّا سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبُّ تَعْبُدًا وَ رِقًّا لَا مُشْرِكِينَ كُنَّا وَ لَا مُشْتَكِبِرًا بَلْ أَنَا عَبْدٌ ذَلِيلٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ».

**تشهد****مسئله ۱۱۰۰**

در رکعت دوم تمام نمازهای واجب و رکعت سوم نماز مغرب و رکعت چهارم نماز ظهر و عصر و عشا باید انسان بعد از سجده دوم بنشیند و در حال آرام بودن بدن تشهد بخواند یعنی بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ».

**مسئله ۱۱۰۱**

کلمات تشهد باید به عربی صحیح و به طوری که معمول است پشت سر هم گفته شود.

**مسئله ۱۱۰۲**

اگر تشهد را فراموش کند و بایستد و پیش از رکوع یادش بیاید که تشهد را نخوانده، باید بنشیند و تشهد را بخواند و دوباره بایستد و آنچه باید در آن رکعت خوانده شود بخواند و نماز را تمام کند و اگر در رکوع یا بعد از آن یادش بیاید، باید نماز را تمام کند و بعد از سلام نماز، تشهد را قضا کند و بنا بر احتیاط واجب برای تشهد فراموش شده، دو سجده سهو به جا آورد.

**مسئله ۱۱۰۳**

مستحب است در حال تشهد بر ران چپ بنشیند و روی پای راست را به کف پای چپ بگذارد و پیش از تشهد بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ» یا بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ خَيْرُ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ» و نیز مستحب است دستها را بر رانها بگذارد و انگشتها را به یکدیگر بچسباند و به دامان خود نگاه کند و بعد از تمام شدن تشهد بگوید:

«وَ تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ وَ ارْفَعْ دَرَجَتَهُ».

**مسئله ۱۱۰۴**

مستحب است زن‌ها در وقت خواندن تشهد، ران‌ها را به هم بچسبانند.

**مسئله ۱۱۰۵**

بعد از تشهد رکعت آخر نماز مستحب است در حالی که نشسته و بدن آرام است بگوید:  
 «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» و واجب است که بعد از آن بگوید:  
 «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ» و بنا بر احتیاط مستحب آن است که «وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» را اضافه کند و یا بگوید:  
 «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ» و اگر این سلام را گفت، احتیاط آن است که بعد از آن بگوید:  
 «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

**مسئله ۱۱۰۶**

اگر سلام نماز را فراموش کند و موقعی یادش بیاید که صورت نماز به هم نخورده است و یا کاری که عمدی و سهوی آن نماز را باطل می کند، مثل پشت به قبله کردن انجام نداده باشد، باید سلام را بگوید و نمازش صحیح است.

**مسئله ۱۱۰۷**

اگر سلام نماز را فراموش کند و موقعی یادش بیاید که صورت نماز به هم خورده است، یا کاری که عمدی و سهوی آن نماز را باطل می کند مثل پشت به قبله کردن انجام داده باشد، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را دوباره بخواند و اگر پیش از آن که صورت نماز به هم بخورد یادش بیاید و کاری که عمدی و سهوی آن نماز را باطل می کند انجام نداده باشد، باید سلام نماز را بگوید و نمازش صحیح است.

**ترتیب****مسئله ۱۱۰۸**

اگر عمداً ترتیب نماز را به هم بزند، مثلاً سوره را پیش از حمد بخواند، یا سجود را پیش از رکوع به جا آورد، نماز باطل می شود.

**مسئله ۱۱۰۹**

اگر رکنی از نماز را فراموش کند و رکن بعد از آن را به جا آورد، مثلاً پیش از آن که رکوع کند، دو سجده نماید، نماز باطل است.

**مسئله ۱۱۱۰**

اگر رکنی را فراموش کند و چیزی را که بعد از آن است و رکن نیست به جا آورد، مثلاً پیش از آن که دو سجده کند تشهد بخواند، باید رکن را به جا آورد و آنچه را اشتباهاً پیش از آن خوانده دوباره بخواند.

**مسئله ۱۱۱۱**

اگر چیزی را که رکن نیست فراموش کند و رکن بعد از آن را به جا آورد، مثلاً حمد را فراموش کند و مشغول رکوع شود، نمازش صحیح است.

#### مسئله ۱۱۱۲

اگر چیزی را که رکن نیست فراموش کند و چیزی را که بعد از آن است و آن هم رکن نیست به جا آورد، مثلاً حمد را فراموش کند و سوره را بخواند چنانچه مشغول رکن بعد شده باشد، مثلاً در رکوع یادش بیاید که حمد را نخوانده، باید بگذرد و نماز او صحیح است و اگر مشغول رکن بعد نشده باشد، باید آنچه را فراموش کرده به جا آورد و بعد از آن، چیزی را که اشتباها جلوتر خوانده دوباره بخواند.

#### مسئله ۱۱۱۳

اگر سجده اول را به خیال این که سجده دوم است، یا سجده دوم را به خیال این که سجده اول است به جا آورد، نماز صحیح است و سجده اول او سجده اول و سجده دوم او سجده دوم حساب می‌شود.

#### موالات

#### مسئله ۱۱۱۴

انسان باید نماز را با موالات بخواند، یعنی کارهای نماز مانند رکوع و سجود و تشهد را پشت سر هم به جا آورد و چیزهایی را که در نماز می‌خواند، به طوری که معمول است پشت سر هم بخواند و اگر به قدری بین آنها فاصله بیندازد که نگویند نماز می‌خواند، نمازش باطل است گرچه به طور سهوی باشد.

#### مسئله ۱۱۱۵

اگر در نماز عمداً بین حرفها یا کلمات فاصله بیندازد و فاصله به قدری نباشد که صورت نماز از بین برود، بنا بر احتیاط واجب نمازش باطل می‌شود و اگر سهواً باشد چنانچه مشغول رکن بعد نشده باشد، باید آن حرفها یا کلمات را به طور معمول بخواند و اگر مشغول رکن بعد شده باشد، نمازش صحیح است. مگر در تکبیره الاحرام که اگر فاصله بین کلمات آن به قدری باشد که از صورت تکبیره الاحرام خارج شود نماز باطل است.

#### مسئله ۱۱۱۶

طول دادن رکوع و سجود و خواندن سوره‌های بزرگ، موالات را به هم نمی‌زند.

#### قنوت

#### مسئله ۱۱۱۷

در تمام نمازهای واجب و مستحب پیش از رکوع رکعت دوم مستحب است قنوت بخواند و در نماز وتر با آن که یک رکعت می‌باشد، خواندن قنوت پیش از رکوع مستحب است و نماز جمعه در هر رکعت یک قنوت دارد و نماز آیات پنج قنوت و نماز عید فطر و قربان در رکعت اول پنج قنوت و در رکعت دوم چهار قنوت دارد.

### مسئله ۱۱۱۸

اگر بخواهد قنوت بخواند باید، احتیاطاً دستها را مقابل صورت بلند کند و به قصد رجا کف آنها را رو به آسمان و پهلوی هم نگاه دارد و غیر شست، انگشت‌های دیگر را به هم بچسباند و به کف دستها نگاه کند.

### مسئله ۱۱۱۹

در قنوت هر ذکر بگوید، اگر چه یک «سُبْحَانَ اللَّهِ» باشد، کافیت و بهتر است بگوید:  
 لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

### مسئله ۱۱۲۰

مستحب است انسان قنوت را بلند بخواند، ولی برای کسی که نماز را به جماعت می‌خواند، اگر امام جماعت صدای او را بشنود، بلند خواندن قنوت مستحب نیست.

### مسئله ۱۱۲۱

اگر عمداً قنوت نخواند قضا ندارد و اگر فراموش کند و پیش از آن که به اندازه رکوع خم شود، یادش بیاید، مستحب است بایستد و بخواند و اگر در رکوع یادش بیاید، مستحب است بعد از رکوع قضا کند و اگر در سجده یادش بیاید، مستحب است بعد از سلام نماز قضا نماید.

## مستحبات و مکروهات سجده

### ترجمه اذکار نماز

#### ۱ - ترجمه سوره حمد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، یعنی: ابتدا می‌کنم به نام خداوندی که در دنیا بر مؤمن و کافر رحم می‌کند و در آخرت بر مؤمن رحم می‌نماید. الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ: یعنی ثنا مخصوص خداوندیست که پرورش دهنده همه موجودات است. الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، یعنی: در دنیا بر مؤمن و کافر و در آخرت بر مؤمن رحم می‌کند. مَا لِكِ يَوْمَ الدِّينِ، یعنی: پادشاه و صاحب اختیار روز قیامت است. إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ، یعنی: فقط ترا عبادت می‌کنیم و فقط از تو کمک می‌خواهیم. إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ، یعنی: هدایت کن ما را به راه راست که آن دین اسلام است. صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ، یعنی: به راه کسانی که به آنان نعمت دادی که آنان پیغمبران و

جانشینان پیغمبران هستند غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ، یعنی: نه به راه کسانی که غضب کرده‌ای بر ایشان و نه آن کسانی که گمراهند.

## ۲ - ترجمه سوره قل هو الله احد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، یعنی بگو ای محمد صِلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ که خداوند، خدایست یگانه. اللَّهُ الصَّمَدُ؛ یعنی خدایی که از تمام موجودات بی‌نیاز است. لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، فرزند ندارد و فرزند کسی نیست. وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، یعنی هیچ کس از مخلوقات، مثل او نیست.

## ۳ - ترجمه ذکر رکوع و سجود و ذکرهایی که بعد از آنها مستحب است

«سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ»، یعنی پروردگار بزرگ من از هر عیب و نقصی پاک و منزّه است و من مشغول ستایش او هستم، «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ»، یعنی پروردگار من که از همه کس بالاتر می‌باشد از هر عیب و نقصی پاک و منزّه است و من مشغول ستایش او هستم، سَجِّعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمَدَهُ، یعنی: خدا بشنود و بپذیرد ثنای کسی که او را ستایش می‌کند، اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَآتُوبُ إِلَيْهِ، یعنی: طلب آمرزش و مغفرت می‌کنم از خداوندی که پرورش دهنده من است و من به طرف او بازگشت می‌نمایم، «بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ أَقُومُ وَأَقْعُدُ، یعنی: بیاری خدای متعال و قوه او بر می‌خیزم و می‌نشینم.

## ۴ - ترجمه فنوت

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، یعنی: نیست خدایی سزاوار پرستش مگر خدای یکتای بی‌همتایی که صاحب حلم و کرم است، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، یعنی: نیست خدایی سزاوار پرستش مگر خدای یکتای بی‌همتایی که بلند مرتبه و بزرگ است. سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ، یعنی: پاک و منزّه است خداوندی که پروردگار هفت آسمان و پروردگار هفت زمین است. وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، یعنی: پروردگار هر چیز است که در آسمان‌ها و زمین‌ها و مابین آنهاست و پروردگار عرش بزرگ است. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. یعنی حمد و ثنا مخصوص خداوندیست که پرورش دهنده تمام موجودات است.

## ۵ - ترجمه تسبیحات اربعه

«سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ»، یعنی پاک و منزّه است خداوند تعالی و ثنا مخصوص او است و نیست خدایی سزاوار پرستش مگر خدای بی‌همتا و بزرگتر است از این که او را وصف کنند.

## ۶ - ترجمه تشهد و سلام

الْحَمْدُ لِلَّهِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، یعنی: ستایش مخصوص پروردگار است و شهادت می‌دهم که خدایی سزاوار پرستش نیست مگر خدایی که یگانه است و شریک ندارد وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، یعنی: شهادت می‌دهم که محمد صلی الله علیه و آله بنده خدا و فرستاده او است اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، یعنی: خدایا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد. «وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ»، یعنی: قبول کن شفاعت پیغمبر را و درجه آن حضرت را نزد خود بلند کن.

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»

یعنی سلام بر تو ای پیغمبر و رحمت و برکات خدا بر تو باد.

«السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ»

یعنی سلام از خداوند عالم بر نمازگزاران و تمام بندگان خوب او،  
«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ».

یعنی سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما مؤمنین باد.

### تعقیب نماز

#### مسئله ۱۱۲۲

مستحب است انسان بعد از نماز مقداری مشغول تعقیب یعنی خواندن ذکر و دعا و قرآن شود و بهتر است پیش از آن که از جای خود حرکت کند و وضو و غسل و تیمم او باطل شود، رو به قبله تعقیب را بخواند و لازم نیست تعقیب به عربی باشد، ولی بهتر است چیزهایی را که در کتاب‌های دعا دستور داده‌اند بخواند و از تعقیب‌هایی که خیلی سفارش شده است، تسبیح حضرت زهرا سلام الله علیهاست که باید به این ترتیب گفته شود:

سی و چهار مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ»، بعد سی و سه مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بعد از آن سی و سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ وَ مِثْلُ سُبْحَانَ اللَّهِ» را پیش از «الْحَمْدُ لِلَّهِ» گفت ولی بهتر است بعد از گفته «الْحَمْدُ لِلَّهِ» شود.

#### مسئله ۱۱۲۳

مستحب است بعد از نماز، سجده شکر نماید و همین قدر که پیشانی را به قصد شکر بر زمین بگذارد کافی است، ولی بهتر است صد مرتبه یا سه مرتبه یا یک مرتبه، «شُكْرًا لِلَّهِ» یا «شُكْرًا» یا «عَفْوًا» بگویند و نیز مستحب است، هر وقت نعمتی به انسان می‌رسد یا بلایی از او دور می‌شود سجده شکر به جا آورد.

### صلوات بر پیغمبر

#### مسئله ۱۱۲۴

هر وقت انسان اسم مبارک حضرت رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ مانند محمد و احمد، یا لقب و کنیه آن جناب را مثل مصطفی و ابو القاسم بگوید یا بشنود، اگر چه در نماز باشد، مستحب است صلوات بفرستد.

#### مسئله ۱۱۲۵

موقع نوشتن اسم مبارک حضرت رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، مستحب است صلوات را هم بنویسد و نیز بهتر است هر وقت آن حضرت را یاد می‌کند صلوات بفرستد.

### مبطلات نماز

#### مسئله ۱۱۲۶

دوازده چیز است که نماز را باطل می‌کند و آنها را مبطلات می‌گویند:



اول آن که در بین نماز یکی از شرط‌های آن از بین برود، مثلاً در بین نماز بفهمد مکانش غصبی است، دوم آن که در بین نماز عمدتاً یا سهواً یا از روی ناچاری، چیزی که وضو یا غسل را باطل می‌کند پیش آید، مثلاً بول از او بیرون آید، ولی کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن بول و غائط خودداری کند، اگر در بین نماز بول یا غائط از او خارج شود، چنانچه به دستوری که در احکام وضو گفته شد رفتار نماید، نمازش باطل نمی‌شود و نیز اگر در بین نماز از زن مستحاضه خون خارج شود، در صورتی که به دستور استحاضه رفتار کرده باشد، نمازش صحیح است.

### مسئله ۱۱۲۷

کسی که بی‌اختیار خوابش برده، اگر نداند که در بین نماز خوابش برده یا بعد از آن، باید بنا بر احتیاط واجب نمازش را دوباره بخواند، ولی اگر تمام شدن نماز را بداند و شک کند که خواب در بین نماز بوده یا بعد، نمازش صحیح است.

### مسئله ۱۱۲۸

اگر بداند به اختیار خودش خوابیده و شک کند که بعد از نماز بوده، یا در بین نماز یادش رفته که مشغول نماز است و خوابیده نمازش صحیح است.

### مسئله ۱۱۲۹

اگر در حال سجده از خواب بیدار شود و شک کند که در سجده آخر نماز است، یا در سجده شکر، باید آن نماز را دوباره بخواند. سوم از مبطلات نماز آن است که مثل بعضی کسانی که شیعه نیستند، دستها را روی هم بگذارد.

### مسئله ۱۱۳۰

هر گاه برای ادب دستها را روی هم بگذارد، اگر چه مثل آنها نباشد، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را دوباره بخواند، ولی اگر از روی فراموشی یا ناچاری یا تقیه یا برای کار دیگر مثل خاراندن دست و مانند آن، دستها را روی هم بگذارد، اشکال ندارد. چهارم از مبطلات نماز آن است که بعد از خواندن حمد، آمین بگوید. ولی اگر اشتباها یا از روی تقیه بگوید، نمازش باطل نمی‌شود.

پنجم از مبطلات نماز آن است که عمدتاً یا از روی فراموشی پشت به قبله کند، یا به طرف راست یا چپ قبله برگردد، بلکه اگر عمدتاً به قدری برگردد که نگویند رو به قبله است، اگر چه به طرف راست یا چپ نرسد، نمازش باطل است. بلکه اگر سهواً هم صورت را به این مقدار برگرداند احتیاط واجب آن است که نماز را دوباره بخواند و لازم نیست که نماز اول را تمام نماید، ولی اگر سر را کمی بگرداند، عمدتاً باشد یا اشتباها نمازش باطل نمی‌شود.

ششم از مبطلات نماز آن است که عمدتاً کلمه‌ای بگوید که از آن کلمه قصد معنی کند اگر چه معنی هم نداشته باشد و یک حرف هم باشد بلکه اگر قصد هم نکند، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را دوباره بخواند، در صورتی که دو حرف یا بیشتر باشد، ولی اگر سهواً بگوید نماز باطل نمی‌شود.

### مسئله ۱۱۳۱

**مسئله ۱۱۳۲**

اگر کلمه‌ای بگوید که یک حرف دارد، چنانچه آن کلمه معنا داشته باشد مثل «ن» در جواب سائلی در فارسی و «ق» که در زبان عرب به معنای «نگهداری کن» است، چنانچه معنای آن را بداند و قصد آن را نماید، نمازش باطل می‌شود، بلکه اگر قصد معنای آن را هم نکند ولی ملتفت معنای آن باشد، احتیاط واجب آن است که نماز را دوباره بخواند.

**مسئله ۱۱۳۳**

سرفه کردن و آروغ زدن و آه کشیدن در نماز اشکال ندارد، ولی گفتن آخ و آه و مانند اینها که دو حرف است، اگر عمدی باشد، نماز را باطل می‌کند.

**مسئله ۱۱۳۴**

اگر کلمه‌ای را به قصد ذکر بگوید مثلاً به قصد ذکر بگوید:  
«اللَّهُ أَكْبَرُ» و در موقع گفتن آن، صدا را بلند کند که چیزی را به دیگری بفهماند اشکال ندارد؛ ولی چنانچه به قصد این که چیزی به کسی بفهماند بگوید، اگر چه قصد ذکر هم داشته باشد، نماز باطل می‌شود.

**مسئله ۱۱۳۵**

خواندن قرآن در نماز، غیر از چهار سوره‌ای که سجده واجب دارد و در احکام جنابت گفته شد و نیز دعا کردن در نماز اشکال ندارد و احتیاط آن است که به زبان عربی دعا کند.

**مسئله ۱۱۳۶**

اگر چیزی از حمد و سوره و ذکرهای نماز را عمدتاً یا احتیاطاً چند مرتبه بگوید در صورتی که به حد و سواس نرسد، اشکال ندارد.

**مسئله ۱۱۳۷**

در حال نماز، انسان نباید به دیگری سلام کند و اگر دیگری به او سلام کند، باید طوری جواب دهد که سلام مقدم باشد، مثلاً بگوید:  
«السَّلَامُ عَلَیْكُمْ» یا «سَلَامٌ عَلَیْكُمْ» و نباید «عَلَیْكُمْ السَّلَام» بگوید.

**مسئله ۱۱۳۸**

انسان باید جواب سلام را چه در نماز یا در غیر نماز فوراً بگوید و اگر عمدتاً یا از روی فراموشی جواب سلام را به قدری طول دهد، که اگر جواب بگوید جواب آن سلام حساب نشود، چنانچه در نماز باشد، نباید جواب بدهد و اگر در نماز نباشد، جواب دادن واجب نیست.

**مسئله ۱۱۳۹**

باید جواب سلام را طوری بگوید که سلام کننده بشنود، ولی اگر سلام کننده کر باشد و یا مانع خارجی از شنیدن او باشد، چنانچه انسان به طور معمول جواب او را بدهد و با اشاره به او بفهماند کافیت و جواب سلام در نامه و یا پیغام‌ها واجب نیست.

#### مسئله ۱۱۴۰

نماز گزار جواب سلام را به قصد جواب بگوید نه به قصد دعا.

#### مسئله ۱۱۴۱

اگر زن یا مرد نامحرم یا بچه ممیز، یعنی بچه ای که خوب و بد را می‌فهمد به نماز گزار سلام کند، نماز گزار احتیاطاً جواب او را به قصد دعا بگوید.

#### مسئله ۱۱۴۲

اگر نماز گزار جواب سلام را ندهد، معصیت کرده ولی نمازش صحیح است.

#### مسئله ۱۱۴۳

اگر کسی به نماز گزار غلط سلام کند، به طوری که سلام حساب نشود، جواب او واجب نیست.

#### مسئله ۱۱۴۴

جواب سلام کسی که از روی مسخره یا شوخی سلام می‌کند، واجب نیست و احتیاط واجب آن است که در جواب سلام مرد و زن غیر مسلمان بگوید:  
سلام یا فقط علیک.

#### مسئله ۱۱۴۵

اگر کسی به عده‌ای سلام کند، جواب سلام او بر همه آنان واجب است، ولی اگر یکی از آنان جواب دهد، کافی است.

#### مسئله ۱۱۴۶

اگر کسی به عده‌ای سلام کند و کسی که سلام کننده قصد سلام دادن به او را نداشته جواب دهد، باز هم جواب سلام او بر آن عده واجب است.

#### مسئله ۱۱۴۷

اگر به عده‌ای سلام کند و کسی که بین آنها مشغول نماز است شک کند که سلام کننده قصد سلام کردن به او را هم داشته یا نه، نباید جواب بدهد و همچنین است اگر بداند که قصد او را هم داشته ولی دیگری جواب سلام را بدهد. اما اگر بداند که قصد او را هم داشته و دیگری جواب ندهد، باید جواب او را بگوید.

**مسئله ۱۱۴۸**

سلام کردن مستحب است و خیلی سفارش شده است که سواره به پیاده و ایستاده به نشسته و کوچکتر به بزرگتر سلام کند.

**مسئله ۱۱۴۹**

اگر دو نفر با هم به یکدیگر سلام کنند، بر هر یک واجب است جواب سلام دیگری را بدهد.

**مسئله ۱۱۵۰**

در غیر نماز، مستحب است جواب سلام را بهتر از سلام بگوید. مثلاً اگر کسی گفت:

«سَلَامٌ عَلَیْكُمْ» در جواب بگوید «سَلَامٌ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ».

هفتم از مبطلات نماز خنده با صدا و ترجیع و بنا بر احتیاط واجب خنده با صدا اگر چه ترجیع نداشته باشد و عمدی باشد و چنانچه سهواً با صدا بخندد و از صورت نماز گزار خارج نشود یا لبخند بزند نمازش باطل نمی‌شود.

**مسئله ۱۱۵۱**

اگر برای جلوگیری از صدای خنده حالش تغییر کند، مثلاً رنگش سرخ شود، چنانچه از صورت نماز گزار بیرون رود، باید نمازش را دوباره بخواند.

هشتم از مبطلات نماز آن است که برای کار دنیا عمداً با صدا گریه کند، ولی اگر برای کار دنیا بی‌صدا گریه کند، یعنی اشک از دیدگانش جاری شود، اشکال ندارد ولی اگر از ترس خدا یا برای آخرت گریه کند، آهسته باشد یا بلند اشکال ندارد، بلکه از بهترین اعمال است.

نهم:

از مبطلات نماز کاریست که صورت نماز را به هم بزند مثلاً دست زدن و به هوا پریدن و مانند اینها، کم باشد یا زیاد عمداً باشد یا از روی فراموشی. ولی کاری که صورت نماز را به هم نزند مثل اشاره کردن به دست اشکال ندارد.

**مسئله ۱۱۵۲**

اگر در بین نماز به قدری ساکت بماند که نگویند نماز می‌خواند، نمازش باطل می‌شود.

**مسئله ۱۱۵۳**

اگر در بین نماز کاری انجام دهد یا مدتی ساکت شود و شک کند که نماز به هم خورده یا نه، نمازش صحیح است.

دهم:

از مبطلات نماز، خوردن و آشامیدن است، اگر در نماز طوری بخورد یا بیاشامد که نگویند نماز می‌خواند.

**مسئله ۱۱۵۴**

احتیاط واجب آن است که در نماز هیچ چیز نخورد و نیاشامد، چه موالات نماز به هم بخورد یا نخورد و چه بگویند نماز می‌خواند

یا نگویند.

### مسئله ۱۱۵۵

اگر در بین نماز غذایی را که بین دندان‌ها و یا در بُن آنها مانده است فرو ببرد، نمازش باطل نمی‌شود. ولی اگر آب نبات و یا شکلات و مانند اینها در دهان باشد و در حال نماز کم کم آب شود و فرو رود نمازش اشکال پیدا می‌کند. یازدهم از مبطلات نماز، شک در رکعت‌های نماز دو رکعتی یا سه رکعتی یا در دو رکعت اول نمازهای چهار رکعتی است. دوازدهم از مبطلات نماز، آن است که رکن نماز را عمدتاً یا سهواً کم یا زیاد کند، یا چیزی را که رکن نیست عمداً کم یا زیاد نماید.

### مسئله ۱۱۵۶

اگر بعد از نماز شک کند که در بین نماز کاری که نماز را باطل می‌کند انجام داده یا نه نمازش صحیح است.

### چیزهایی که در نماز مکروه است

### مسئله ۱۱۵۷

مکروه است در نماز صورت را کمی به طرف راست یا چپ بگرداند و چشم‌ها را هم بگذارد، یا به طرف راست و چپ بگرداند و با ریش و دست خود بازی کند و انگشت‌ها را داخل هم نماید و آب دهان بیندازد و به خط قرآن یا کتاب یا خط انگشتری نگاه کند و نیز مکروه است در موقع خواندن حمد و سوره و گفتن ذکر، برای شنیدن حرف کسی ساکت شود، بلکه هر کاری که خضوع و خشوع را از بین ببرد، مکروه می‌باشد.

### مسئله ۱۱۵۸

موقعی که انسان خوابش می‌آید و نیز موقع خودداری کردن از بول و غائط، مکروه است نماز بخواند. همچنین پوشیدن جوراب تنگ که پا را فشار دهد در نماز مکروه می‌باشد و غیر اینها مکروهات دیگری هم در کتاب‌های مفصل گفته شده است.

### مواردی که می‌شود نماز واجب را شکست

### مسئله ۱۱۵۹

شکستن نماز واجب از روی اختیار حرام است، ولی برای حفظ مال و جلوگیری از ضرر مالی یا بدنی مانعی ندارد.

### مسئله ۱۱۶۰

اگر حفظ جان خود انسان یا کسی که حفظ جان او واجب است یا حفظ مالی که نگهداری آن واجب می‌باشد، بدون شکستن نماز ممکن نباشد، باید نماز را بشکند ولی شکستن نماز برای مالی که اهمیت ندارد، مکروه است.

### مسئله ۱۱۶۱

اگر در وسعت وقت مشغول نماز باشد و طلبکار طلب خود را از او مطالبه کند، چنانچه بتواند در بین نماز طلب او را بدهد، باید در همان حال بپردازد و اگر بدون شکستن نماز، دادن طلب او ممکن نیست، باید نماز را بشکند و طلب او را بدهد، بعد نماز را بخواند.

### مسئله ۱۱۶۲

اگر در بین نماز بفهمد که مسجد نجس است، چنانچه وقت تنگ باشد، باید نماز را تمام کند و اگر وقت وسعت دارد و تطهیر مسجد نماز را به هم نمی‌زند، باید در بین نماز تطهیر کند، بعد بقیه نماز را بخواند و اگر نماز را به هم می‌زند، باید نماز را بشکند و مسجد را تطهیر نماید، بعد نماز را بخواند.

### مسئله ۱۱۶۳

کسی که باید نماز را بشکند، اگر نماز را تمام کند معصیت کرده، ولی نماز او صحیح است اگر چه احتیاط مستحب آن است که دوباره بخواند.

### مسئله ۱۱۶۴

اگر پیش از آن که به اندازه رکوع خم شود، یادش بیاید که اذان یا اقامه را فراموش کرده، چنانچه وقت نماز وسعت دارد، مستحب است برای گفتن آنها نماز را بشکند.

## شکایات

### شک‌های مبطل

### مسئله ۱۱۶۵

شک‌هایی که نماز را باطل می‌کند از این قرار است:

اول شک در شماره رکعت‌های نماز دو رکعتی مثل نماز صبح و نماز مسافر، ولی شک در شماره رکعت‌های نماز مستحب دو رکعتی و بعضی از نمازهای احتیاط نماز را باطل نمی‌کند.

دوم شک در شماره رکعت‌های نماز سه رکعتی.

سوم آن که در نماز چهار رکعتی شک کند که یک رکعت خوانده یا بیشتر.

چهارم آن که در نماز چهار رکعتی پیش از تمام شدن سجده دوم، شک کند که دو رکعت خوانده یا بیشتر، در این صورت نمازش باطل و باید اعاده کند و بهتر آن است که عمل به حکم شک نماید نماز را اعاده کند.

پنجم شک بین دو و پنج یا دو و بیشتر از پنج.

ششم شک بین سه و شش یا سه و بیشتر از شش.

هفتم شک در رکعت‌های نماز که نداند چند رکعت خوانده است.

هشتم شک بین چهار و شش یا چهار و بیشتر از شش، چه پیش از تمام شدن سجده دوم باشد یا بعد از آن.

### مسئله ۱۱۶۶

اگر یکی از شک‌های باطل کننده برای انسان پیش آید، نمی‌تواند نماز را به هم بزند، ولی اگر به قدری فکر کند که شک پابرجا شود، به هم زدن نماز مانعی ندارد.

### شک‌هایی که نباید به آنها اعتنا کرد

#### اشاره

#### مسئله ۱۱۶۷

شک‌هایی که نباید به آنها اعتنا کرد از این قرار است:

اول شک در چیزی که محل به جا آوردن آن گذشته است، مثل آن که در رکوع شک کند که حمد را خوانده یا نه.

دوم شک بعد از سلام نماز.

سوم شک بعد از گذشتن وقت نماز.

چهارم شک کثیر الشک، یعنی کسی که زیاد شک می‌کند.

پنجم شک امام در شماره رکعت‌های نماز در صورتی که مأموم شماره آنها را بداند و همچنین شک مأموم در صورتی که امام

شماره رکعت‌های نماز را بداند.

ششم شک در نماز مستحبی.

#### ۱ - شک در چیزی که محل آن گذشته است

#### مسئله ۱۱۶۸

اگر در بین نماز شک کند که یکی از کارهای واجب آن را انجام داده یا نه، مثلاً شک کند که حمد خوانده یا نه، چنانچه مشغول کاری که باید بعد از آن انجام دهد نشده، باید آنچه را که در انجام آن شک کرده به جا آورد و اگر مشغول کاری که باید بعد از آن انجام دهد شده، به شک خود اعتنا نکند.

#### مسئله ۱۱۶۹

اگر در بین خواندن آیه‌ای شک کند که آیه پیش را خوانده یا نه یا وقتی آخر آیه را می‌خواند شک کند که اول آن را خوانده یا نه، باید به شک خود اعتنا نکند.

#### مسئله ۱۱۷۰

اگر بعد از رکوع یا سجود شک کند که کارهای واجب آن مانند ذکر و آرام بودن بدن را انجام داده یا نه، باید به شک خود اعتنا نکند.

**مسئله ۱۱۷۱**

اگر در حالی که به سجده می‌رود شک کند که رکوع کرده یا نه، یا شک کند که بعد از رکوع ایستاده یا نه، به شک خود اعتنا نکند.

**مسئله ۱۱۷۲**

اگر در حال برخاستن شک کند که تشهد را به جا آورده یا نه، باید اعتنا نکند ولی اگر شک کند که سجده را به جا آورده یا نه، باید برگردد و به جا آورد.

**مسئله ۱۱۷۳**

کسی که نشسته یا خوابیده نماز می‌خواند، اگر موقعی که «حمد» یا تسبیحات می‌خواند، شک کند که سجده یا تشهد را به جا آورده یا نه، باید به شک خود اعتنا نکند و اگر پیش از آن که مشغول حمد یا تسبیحات شود، شک کند که سجده یا تشهد را به جا آورده یا نه، باید به جا آورد.

**مسئله ۱۱۷۴**

اگر شک کند که یکی از رکن‌های نماز را به جا آورده یا نه، چنانچه مشغول کاری که بعد از آن است نشده، باید آن را به جا آورد، مثلاً اگر پیش از خواندن تشهد شک کند که دو سجده را به جا آورده یا نه باید به جا آورد و چنانچه بعد یادش بیاید که آن رکن را به جا آورده بوده، چون رکن زیاد شده، نمازش باطل است.

**مسئله ۱۱۷۵**

اگر شک کند عملی را که رکن نیست به جا آورده یا نه چنانچه مشغول کاری که بعد از آن است نشده، باید آن را به جا آورد، مثلاً اگر پیش از خواندن سوره شک کند که حمد را خوانده یا نه، باید حمد را بخواند و اگر بعد از انجام آن یادش بیاید که آن را به جا آورده بوده، چون رکن زیاد نشده نماز صحیح است.

**مسئله ۱۱۷۶**

اگر شک کند که رکنی را به جا آورده یا نه، چنانچه مشغول تشهد است اگر شک کند که دو سجده را به جا آورده یا نه، باید به شک خود اعتنا نکند و اگر یادش بیاید که آن رکن را به جا نیاورده، در صورتی که مشغول رکن بعد نشده، باید آن را به جا آورد و اگر مشغول رکن بعد شده، نمازش باطل است، مثلاً اگر پیش از رکوع رکعت بعد یادش بیاید که دو سجده را به جا نیاورده، باید به جا آورد و اگر در رکوع یا بعد از آن یادش بیاید، نمازش باطل است.

**مسئله ۱۱۷۷**



اگر شك کند عملی را که رکن نیست به جا آورده یا نه چنانچه مشغول کاری که بعد از آن است شده، باید به شك خود اعتنا نکند، مثلاً موقعی که مشغول خواندن سوره است، اگر شك کند که حمد را خوانده یا نه، باید به شك خود اعتنا نکند و اگر بعد یادش بیاید که آن را به جا نیاورده در صورتی که مشغول رکن بعد نشده، باید به جا آورد و اگر مشغول رکن بعد شده، نمازش صحیح است. بنا بر این اگر مثلاً در قنوت یادش بیاید که حمد را نخوانده، باید بخواند و اگر در رکوع یادش بیاید، نماز او صحیح است.

### مسئله ۱۱۷۸

اگر شك کند که سلام نماز را گفته یا نه، یا شك کند درست گفته یا نه، چنانچه مشغول تعقیب نماز یا نماز دیگر شده، یا به واسطه انجام کاری که نماز را به هم می‌زند، از حال نماز گزار بیرون رفته، باید به شك خود اعتنا نکند و اگر پیش از اینها شك کند، باید سلام را بگوید. اما اگر در صحیح گفتن سلام شك کند، در هر صورت باید به شك خود اعتنا ننماید چه مشغول کار دیگر شده باشد یا نه.

### ۲ - شك بعد از سلام

### مسئله ۱۱۷۹

اگر بعد از سلام نماز شك کند که نمازش صحیح بوده یا نه، مثلاً شك کند رکوع کرده یا نه، یا بعد از سلام نماز چهار رکعتی شك کند که چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت به شك خود اعتنا نکند، ولی اگر هر دو طرف شك او باطل باشد، مثلاً بعد از سلام نماز چهار رکعتی شك کند که سه رکعت خوانده یا پنج رکعت، نمازش باطل است.

### ۳ - شك بعد از وقت

### مسئله ۱۱۸۰

اگر بعد از گذشتن وقت نماز شك کند که نماز خوانده یا نه، یا گمان کند که نخوانده، خواندن آن لازم نیست، ولی اگر پیش از گذشتن وقت، شك کند که نماز خوانده یا نه، یا گمان کند که نخوانده، باید آن نماز را بخواند بلکه اگر گمان کند که خوانده، باید آن را به جا آورد.

### مسئله ۱۱۸۱

اگر بعد از گذشتن وقت شك کند که نماز را درست خوانده یا نه، به شك خود اعتنا نکند.

### مسئله ۱۱۸۲

اگر بعد از گذشتن وقت نماز ظهر و عصر بداند چهار رکعت نماز خوانده ولی نداند به نیت ظهر خوانده یا به نیت عصر، باید چهار رکعت نماز قضا به نیت نمازی که بر او واجب است بخواند.

**مسئله ۱۱۸۳**

اگر بعد از گذشتن وقت نماز مغرب و عشا، بدانند یک نماز خوانده ولی ندانند سه رکعتی خوانده یا چهار رکعتی باید قضای نماز مغرب و عشا را بخواند.

**۴ - کثیر الشک (کسی که زیاد شک می‌کند)****مسئله ۱۱۸۴**

اگر کسی در یک نماز سه مرتبه شک کند، یا در سه نماز پشت سرهم مثلاً در نماز صبح و ظهر و عصر شک کند، کثیر الشک است و چنانچه زیاد شک کردن او از غضب یا ترس یا پریشانی حواس نباشد، به شک خود اعتنا نکند.

**مسئله ۱۱۸۵**

کثیر الشک اگر در به جا آوردن چیزی شک کند، چنانچه به جا آوردن آن نماز را باطل نمی‌کند، باید بنا بگذارد که آن را به جا آورده، مثلاً اگر شک کند که رکوع کرده یا نه، باید بنا بگذارد که رکوع کرده است و اگر به جا آوردن آن نماز را باطل می‌کند باید بنا بگذارد که آن را انجام نداده، مثلاً اگر شک کند که یک رکوع کرده یا بیشتر چون زیاد شدن رکوع نماز را باطل می‌کند، باید بنا بگذارد که بیشتر از یک رکوع نکرده است.

**مسئله ۱۱۸۶**

کسی که در یک چیز نماز زیاد شک می‌کند، چنانچه در چیزهای دیگر نماز شک کند، باید به دستور آن عمل نماید، مثلاً کسی که زیاد شک می‌کند سجده کرده یا نه اگر در به جا آوردن رکوع شک کند، باید به دستور آن رفتار نماید، یعنی اگر ایستاده است رکوع را به جا آورد و اگر به سجده رفته اعتنا نکند.

**مسئله ۱۱۸۷**

کسی که در نماز مخصوصی مثلاً در نماز ظهر زیاد شک می‌کند، اگر در نماز دیگر مثلاً در نماز عصر شک کند، باید به دستور شک رفتار نماید.

**مسئله ۱۱۸۸**

کسی که وقتی در جای مخصوصی نماز می‌خواند زیاد شک می‌کند، اگر در غیر آنجا نماز بخواند و شکی برای او پیش آید، به دستور شک عمل نماید.

**مسئله ۱۱۸۹**

اگر انسان شک کند که کثیر الشک شده یا نه، باید به دستور شک عمل نماید و کثیر الشک تا وقتی یقین نکند که به حال معمولی

مردم برگشته باید به شک خود اعتنا نکند.

### مسئله ۱۱۹۰

کسی که زیاد شک می‌کند، اگر شک کند رکنی را به جا آورده یا نه و اعتنا نکند بعد یادش بیاید که آن را به جا نیاورده، چنانچه مشغول رکن بعد نشده، باید آن را به جا آورد و اگر مشغول رکن بعد شده نمازش باطل است. مثلاً اگر شک کند رکوع کرده یا نه و اعتنا نکند، چنانچه پیش از سجده یادش بیاید که رکوع نکرده، باید رکوع کند و اگر در سجده یادش بیاید، نمازش باطل است.

### مسئله ۱۱۹۱

کسی که زیاد شک می‌کند، اگر شک کند چیزی را که رکن نیست به جا آورده یا نه و اعتنا نکند و بعد یادش بیاید که آن را به جا نیاورده، چنانچه از محل به جا آوردن آن نگذشته باید آن را به جا آورد و اگر از محل آن گذشته نمازش صحیح است، مثلاً اگر شک کند که حمد خوانده یا نه و اعتنا نکند، چنانچه در قنوت یادش بیاید که حمد نخوانده، باید بخواند و اگر در رکوع یادش بیاید، نماز او صحیح است.

### ۵ - شک امام و مأوم

### مسئله ۱۱۹۲

اگر امام جماعت در شماره رکعت‌های نماز شک کند، مثلاً شک کند که سه رکعت خوانده یا چهار رکعت، چنانچه مأوم یقین یا گمان داشته باشد که چهار رکعت خوانده و به امام بفهماند که چهار رکعت خوانده است، امام باید نماز را تمام کند و خواندن نماز احتیاط لازم نیست و نیز اگر امام یقین یا گمان داشته باشد که چند رکعت خوانده است و مأوم در شماره رکعت‌های نماز شک کند، باید به شک خود اعتنا ننماید.

### ۶ - شک در نماز مستحبی

### مسئله ۱۱۹۳

اگر در شماره رکعت‌های نماز مستحبی شک کند، چنانچه طرف بیشتر شک نماز را باطل می‌کند، باید بنا را بر کمتر بگذارد، مثلاً اگر در نافله صبح شک کند که دو رکعت خوانده یا سه رکعت، باید بنا بگذارد که دو رکعت خوانده است و اگر طرف بیشتر شک نماز را باطل نمی‌کند، مثلاً شک کند که دو رکعت خوانده یا یک رکعت، به هر طرف شک عمل کند، نمازش صحیح است.

### مسئله ۱۱۹۴

کم شدن رکن، بنا بر احتیاط واجب، نافله را باطل می‌کند ولی زیاد شدن رکن، آن را باطل نمی‌کند، پس اگر یکی از کارهای نافله را فراموش کند و موقعی یادش بیاید که مشغول رکن بعد از آن شده، باید آن کار را انجام دهد و دوباره آن رکن را به جا آورد، مثلاً اگر در بین رکوع یادش بیاید که سوره را نخوانده، باید برگردد و سوره را بخواند و دوباره به رکوع رود.

**مسئله ۱۱۹۵**

اگر در یکی از کارهای نافله شك کند، خواه رکن باشد یا غیر رکن، چنانچه محل آن نگذشته، باید به جا آورد و اگر محل آن گذشته، به شك خود اعتنا نکند.

**مسئله ۱۱۹۶**

اگر در نماز مستحبی دو رکعتی گمانش به سه رکعت یا بیشتر برود یا گمانش به دو رکعت یا کمتر برود، باید به همان گمان عمل کند، مثلاً اگر گمانش به یک رکعت می‌رود احتیاطاً باید یک رکعت دیگر بخواند.

**مسئله ۱۱۹۷**

اگر در نماز نافله کاری کند که برای آن سجده سهو واجب می‌شود، یا یک سجده یا تشهد را فراموش نماید، لازم نیست بعد از نماز، سجده سهو یا قضای سجده و تشهد را به جا آورد.

**مسئله ۱۱۹۸**

اگر شك کند که نماز مستحبی را خوانده یا نه، چنانچه آن نماز مثل نماز جعفر طیار وقت معین نداشته باشد، بنا بگذارد که نخوانده است. همچنین است اگر مثل نافله یومیه وقت معین داشته باشد و پیش از گذشتن وقت شك کند که آن را به جا آورده یا نه، ولی اگر بعد از گذشت وقت شك کند که خوانده است یا نه، به شك خود اعتنا نکند.

**شک‌های صحیح****مسئله ۱۱۹۹**

در نه صورت اگر در شماره رکعت‌های نماز چهار رکعتی شك کند، باید فوراً فکر نماید. پس اگر یقین یا گمان به یک طرف شك پیدا کرد، همان طرف را بگیرد و نماز را تمام کند، و گرنه به دستورهایی که گفته می‌شود عمل نماید و آن نه صورت از این قرار است:

اول:

آن که بعد از سر برداشتن از سجده دوم شك کند دو رکعت خوانده یا سه رکعت، که باید بنا بگذارد سه رکعت خوانده و یک رکعت دیگر بخواند و نماز را تمام کند و بعد از نماز یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته به دستوری که بعداً گفته می‌شود به جا آورد.

دوم:

شك بین دو و چهار بعد از سر برداشتن از سجده دوم که باید بنا بگذارد چهار رکعت خوانده و نماز را تمام کند و بعد از نماز، دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند.

سوم:

شک بین دو و سه و چهار بعد از سر برداشتن از سجده دوم که باید بنا بر چهار بگذارد و بعد از نماز دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و بعد دو رکعت نشسته به جا آورد، ولی اگر بعد از سجده اول یا پیش از سر برداشتن از سجده دوم یکی از این سه شک برایش پیش آید، باید نماز را رها کند و دوباره بخواند.

چهارم:

شک بین چهار و پنج بعد از سر برداشتن از سجده دوم که باید بنا بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند و بعد از نماز دو سجده سهو به جا آورد؛ ولی اگر بعد از سجده اول، یا پیش از سر برداشتن از سجده دوم، این شک، برای او پیش آید، بنا بر احتیاط واجب باید به دستوری که گفته شد عمل کند و نماز را هم دوباره بخواند.

پنجم:

شک بین سه و چهار، که در هر جای نماز باشد، باید بنا بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند و بعد از نماز یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته به جا آورد.

ششم:

شک بین چهار و پنج در حال ایستاده که باید بنشیند و تشهد بخواند و نماز را سلام دهد و یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته به جا آورد.

هفتم:

شک بین سه و پنج در حال ایستاده که باید بنشیند و تشهد بخواند و نماز را سلام دهد و دو رکعت نماز احتیاط ایستاده به جا آورد.

هشتم:

شک بین سه و چهار و پنج در حال ایستاده، که باید بنشیند و تشهد بخواند و بعد از سلام نماز دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و بعد دو رکعت نشسته به جا آورد.

نهم:

شک بین پنج و شش در حال ایستاده که باید بنشیند و تشهد بخواند و نماز را سلام دهد و دو سجده سهو به جا آورد.

### مسئله ۱۲۰۰

اگر یکی از شک‌های صحیح برای انسان پیش آید، نباید نماز را بشکند و چنانچه نماز را بشکند معصیت کرده است، پس اگر پیش از انجام کاری که نماز را باطل می‌کند مثل رو گرداندن از قبله، نماز را از سر گیرد نماز دومش هم باطل است. اگر بعد از انجام کاری که نماز را باطل می‌کند، مشغول نماز شود، نماز دومش صحیح است.

### مسئله ۱۲۰۱

اگر یکی از شک‌هایی که نماز احتیاط برای آنها واجب است در نماز پیش آید، چنانچه انسان نماز را تمام کند و بدون خواندن نماز احتیاط نماز را از سر بگیرد معصیت کرده است. پس اگر پیش از انجام کاری که نماز را باطل می‌کند نماز را از سر گرفته، نماز دومش هم باطل است و اگر بعد از انجام کاری که نماز را باطل می‌کند، مشغول نماز شده، نماز دومش صحیح است.

### مسئله ۱۲۰۲

**مسئله ۱۲۰۳**

وقتی یکی از شک‌های صحیح برای انسان پیش آید، چنانکه گفته شد، باید فوراً فکر کند ولی اگر چیزهایی که به واسطه آنها ممکن است یقین یا گمان به یک طرف شک پیدا شود، از بین نمی‌رود، چنانچه کمی بعد فکر کند اشکال ندارد، مثلاً اگر در سجده شک کند می‌تواند تا بعد از سجده، فکر کردن را تأخیر بیندازد.

**مسئله ۱۲۰۴**

اگر اول گمانش به یک طرف بیشتر باشد، بعد دو طرف در نظر او مساوی شود، باید به دستور شک عمل نماید و اگر اول دو طرف در نظر او مساوی باشد و به طرفی که وظیفه او است بنا بگذارد، بعد گمانش به طرف دیگر برود، باید همان طرف را بگیرد و نماز را تمام کند.

**مسئله ۱۲۰۵**

کسی که نمی‌داند گمانش به یک طرف بیشتر است یا هر دو طرف در نظر او مساوی است، باید احتیاط کند و در هر مورد احتیاط، به طور مخصوصیت که در کتاب‌های مفصل گفته شده است.

**مسئله ۱۲۰۶**

اگر بعد از نماز بداند که در بین نماز حال تردیدی داشته که مثلاً دو رکعت خوانده یا سه رکعت و بنا را بر سه گذاشته ولی نداند که گمانش به خواندن سه رکعت بوده یا هر دو طرف در نظر او مساوی بوده، باید نماز احتیاط را بخواند.

**مسئله ۱۲۰۷**

اگر موقعی که تشهد می‌خواند، یا بعد از ایستادن شک کند که دو سجده را به جا آورده یا نه و در همان موقع یکی از شک‌هایی که اگر بعد از تمام شدن دو سجده اتفاق بیفتد صحیح می‌باشد، برای او پیش آید، مثلاً شک کند که دو رکعت خوانده یا سه رکعت، باید به دستور آن شک عمل کند و بنا بر احتیاط واجب نمازش را هم دوباره بخواند.

**مسئله ۱۲۰۸**

اگر پیش از آن که مشغول تشهد شود، یا در رکعت‌هایی که تشهد ندارد پیش از ایستادن، شک کند که دو سجده را به جا آورده یا نه و در همان موقع یکی از شک‌هایی که بعد از تمام شدن دو سجده صحیح است، برایش پیش آید، نمازش باطل است.

**مسئله ۱۲۰۹**

اگر موقعی که ایستاده بین سه و چهار یا بین سه و چهار و پنج شک کند و یادش بیاید که دو سجده از رکعت پیش به جا نیاورده نمازش باطل است.

#### مسئله ۱۲۱۰

اگر شک او از بین برود و شک دیگری برایش پیش آید، مثلاً اول شک کند که دو رکعت خوانده یا سه رکعت، بعد شک کند که سه رکعت خوانده یا چهار رکعت، باید به دستور شک دوم عمل نماید.

#### مسئله ۱۲۱۱

اگر بعد از نماز شک کند که در نماز مثلاً بین دو و چهار شک کرده، یا بین سه و چهار، احتیاط واجب آن است که به دستور هر دو عمل کند و نماز را هم دوباره بخواند.

#### مسئله ۱۲۱۲

اگر بعد از نماز بفهمد که در نماز شکی برای او پیش آمده، ولی نداند از شک‌های باطل بوده یا از شک‌های صحیح و اگر از شک‌های صحیح بوده، نداند کدام قسم آن بوده است، بنا بر احتیاط واجب باید به دستور شک‌هایی که صحیح بوده و احتمال می‌داده عمل کند و نماز را هم دوباره بخواند.

#### مسئله ۱۲۱۳

کسی که نشسته نماز می‌خواند، اگر شکی کند که باید برای آن یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته بخواند احتیاط آن است، که دو رکعت نشسته به جا آورد. بلکه اگر شکی کند که باید برای آن دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند، باید دو رکعت نشسته به جا آورد.

#### مسئله ۱۲۱۴

کسی که ایستاده نماز می‌خواند، اگر موقع خواندن نماز احتیاط از ایستادن عاجز شود، باید مثل کسی که نماز را نشسته می‌خواند و حکم آن در مسئله پیش گفته شده، نماز احتیاط را به جا آورد.

#### مسئله ۱۲۱۵

کسی که نشسته نماز می‌خواند، اگر موقع خواندن نماز احتیاط بتواند بایستد باید به وظیفه کسی که نماز را ایستاده می‌خواند، عمل کند.

#### نماز احتیاط

#### مسئله ۱۲۱۶

کسی که نماز احتیاط بر او واجب است بعد از سلام نماز باید فوراً نیت نماز احتیاط کند و تکبیر بگوید و حمد را بخواند و به رکوع رود و دو سجده نماید؛ پس اگر یک رکعت نماز احتیاط بر او واجب است، بعد از دو سجده تشهد بخواند و سلام دهد و اگر دو رکعت نماز احتیاط بر او واجب است، بعد از دو سجده، یک رکعت دیگر مثل رکعت اول به جا آورد و بعد از تشهد سلام دهد.

### مسئله ۱۲۱۷

نماز احتیاط سوره و قنوت ندارد و باید آن را آهسته بخوانند و نیت آن را به زبان نیاورند و احتیاط واجب آن است که «بسم الله آن را هم آهسته بگویند».

### مسئله ۱۲۱۸

اگر پیش از خواندن نماز احتیاط بفهمد، نمازی که خوانده درست بوده، لازم نیست نماز احتیاط را بخواند. اگر در بین نماز احتیاط بفهمد، لازم نیست آن را تمام نماید.

### مسئله ۱۲۱۹

اگر پیش از خواندن نماز احتیاط بفهمد که رکعت‌های نمازش کم بوده، چنانچه کاری که نماز را باطل می‌کند انجام نداده، باید آنچه از نماز را نخوانده، بخواند و برای سلام بی‌جا دو سجده سهو بنماید. اگر کاری که نماز را باطل می‌کند انجام داده، مثلاً پشت به قبله کرده، باید نماز را دوباره به جا آورد.

### مسئله ۱۲۲۰

اگر بعد از نماز احتیاط بفهمد کسری نمازش به مقدار نماز احتیاط بوده، مثلاً در شک بین سه و چهار، یک رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند، بعد بفهمد نماز را سه رکعت خوانده، نمازش صحیح است.

### مسئله ۱۲۲۱

اگر بعد از خواندن نماز احتیاط بفهمد کسری نماز کمتر از نماز احتیاط بوده، مثلاً در شک بین دو و چهار، دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند، بعد بفهمد نماز را سه رکعت خوانده، بنا بر احتیاط واجب باید کسری نماز را به نماز متصل نموده و نماز را هم دوباره بخواند.

### مسئله ۱۲۲۲

اگر بعد از خواندن نماز احتیاط بفهمد کسری نماز بیشتر از نماز احتیاط بوده مثلاً در شک بین سه و چهار یک رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند، بعد بفهمد نماز را دو رکعت خوانده، چنانچه بعد از نماز احتیاط کاری که نماز را باطل می‌کند انجام داده، مثلاً پشت به قبله کرده، باید نماز را دوباره بخواند و اگر کاری که نماز را باطل می‌کند انجام نداده، باید دو رکعت کسری نمازش را به جا آورد و احتیاطاً نماز را هم دوباره بخواند.



**مسئله ۱۲۲۳**

اگر بین دو و سه و چهار شك کند و بعد از خواندن دو رکعت نماز احتیاط ایستاده، یادش بیاید که نماز را دو رکعت خوانده، لازم نیست دو رکعت نماز احتیاط نشسته را بخواند.

**مسئله ۱۲۲۴**

اگر بین سه و چهار شك کند و موقعی که دو رکعت نماز احتیاط نشسته یا یک رکعت ایستاده را می‌خواند، یادش بیاید که نماز را سه رکعت خوانده، باید نماز احتیاط را تمام کند و نمازش صحیح است.

**مسئله ۱۲۲۵**

اگر بین دو و سه و چهار شك کند و موقعی که دو رکعت نماز احتیاط ایستاده را می‌خواند پیش از رکوع رکعت دوم یادش بیاید که نماز را سه رکعت خوانده، باید بنشیند و نماز احتیاط را یک رکعتی تمام کند و بنا بر احتیاط واجب نماز را دوباره بخواند.

**مسئله ۱۲۲۶**

اگر در بین نماز احتیاط بفهمد کسری نمازش بیشتر یا کمتر از نماز احتیاط بوده، چنانچه نتواند نماز احتیاط را مطابق کسری نمازش تمام کند، باید آن را رها کند و کسری نماز را به جا آورد و بنا بر احتیاط واجب، نماز را دوباره بخواند، مثلاً در شك بین سه و چهار اگر موقعی که دو رکعت نماز احتیاط نشسته را می‌خواند، یادش بیاید که نماز را دو رکعت خوانده، چون نمی‌تواند دو رکعت نشسته را به جای دو رکعت ایستاده حساب کند، باید نماز احتیاط نشسته را رها کند و دو رکعت کسری نمازش را بخواند و احتیاطاً نماز را هم دوباره به جا آورد.

**مسئله ۱۲۲۷**

اگر شك کند نماز احتیاطی را که بر او واجب بوده به جا آورده یا نه، چنانچه وقت نماز گذشته به شك خود اعتنا نکند و اگر وقت دارد، در صورتی که مشغول کار دیگری نشده و از جای نماز بر نخاسته و کاری هم مثل رو گرداندن از قبله که نماز را باطل می‌کند انجام نداده، باید نماز احتیاط را بخواند و اگر مشغول کار دیگری شده یا کاری که نماز را باطل می‌کند به جا آورده، یا بین نماز و شك او زیاد طول کشیده، احتیاط آن است که نماز احتیاط را به جا آورد و نماز را هم دوباره بخواند.

**مسئله ۱۲۲۸**

اگر در نماز احتیاط، رکنی را زیاد کند، یا مثلاً به جای یک رکعت، دو رکعت بخواند، نماز احتیاط باطل می‌شود و باید دوباره نماز احتیاط و اصل نماز را بخواند.

**مسئله ۱۲۲۹**

موقعی که مشغول نماز احتیاط است اگر در یکی از کارهای آن شك کند، چنانچه محل آن نگذشته، باید به جا آورد و اگر محلش گذشته، باید به شك خود اعتنا نکند، مثلاً اگر شك کند که حمد خوانده یا نه، چنانچه به رکوع نرفته باید بخواند و اگر به

رکوع رفته باید به شک خود اعتنا نکند.

#### مسئله ۱۲۳۰

اگر در شماره رکعت‌های نماز احتیاط، شک کند، باید بنا را بر بیشتر بگذارد، ولی چنانچه طرف بیشتر شک نماز را باطل می‌کند، باید نماز را از سر بخواند و خواندن نماز احتیاط لازم نیست.

#### مسئله ۱۲۳۱

اگر در نماز احتیاط چیزی که رکن نیست سهواً کم یا زیاد شود، سجده سهو ندارد.

#### مسئله ۱۲۳۲

اگر بعد از سلام نماز احتیاط شک کند که یکی از اجزاء یا شرایط آن را به جا آورده یا نه، به شک خود اعتنا نکند.

#### مسئله ۱۲۳۳

اگر در نماز احتیاط، تشهد یا یک سجده را فراموش کند، احتیاط مستحب آن است که بعد از سلام آن را قضا نماید.

#### مسئله ۱۲۳۴

اگر نماز احتیاط و قضای یک سجده یا قضای یک تشهد یا دو سجده سهو بر او واجب شود، باید اول نماز احتیاط را به جا آورد.

#### مسئله ۱۲۳۵

حکم گمان در رکعت‌های نماز حکم یقین است، مثلاً اگر در نماز چهار رکعتی انسان گمان دارد که نماز را چهار رکعت خوانده، نباید نماز احتیاط بخواند، ولی اگر در غیر رکعتها گمان پیدا کند، باید به احتیاط عمل نماید و دستور در هر موردی طور مخصوصیست که در کتاب‌های مفصل گفته شده است.

#### مسئله ۱۲۳۶

حکم شک و سهو و گمان در نمازهای واجب یومیه و نمازهای واجب دیگر فرق ندارد، مثلاً اگر در نماز آیات شک کند که یک رکعت خوانده یا دو رکعت، چون شک او در نماز دو رکعتی است، نمازش باطل می‌شود.

#### سجده سهو

#### مسئله ۱۲۳۷

برای سه چیز بعد از سلام نماز، انسان باید دو سجده سهو به دستوری که بعداً گفته می‌شود به جا آورد:  
اول:

آن که در بین نماز، سهواً حرف بزند.

دوم:

آن که یک سجده را فراموش کند.

سوم:

آن که در نماز چهار رکعتی بعد از سجده دوم، شک کند که چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت و در دو مورد دیگر هم احتیاط واجب آن است که سجده سهو بنماید:

اول در جایی که نباید نماز را سلام دهد، مثلاً در رکعت اول سهواً سلام بدهد دوم آن که تشهد را فراموش کند.

**مسئله ۱۲۳۸**

اگر انسان اشتباها یا به خیال این که نمازش تمام شده حرف بزند باید دو سجده سهو به جا آورد.

**مسئله ۱۲۳۹**

برای حرفی که از آه کشیدن و سرفه پیدا می‌شود، سجده سهو واجب نیست، ولی اگر مثلاً سهواً آخ یا آه بگوید، باید سجده سهو نماید.

**مسئله ۱۲۴۰**

اگر چیزی را که غلط خوانده دوباره به طور صحیح بخواند، برای دوباره خواندن آن سجده سهو واجب نیست.

**مسئله ۱۲۴۱**

اگر در نماز سهواً مدتی حرف بزند و تمام آنها یک مرتبه حساب شود، دو سجده سهو بعد از سلام نماز کافی است.

**مسئله ۱۲۴۲**

اگر سهواً تسبیحات اربعه را نگوید یا بیشتر یا کمتر از سه مرتبه بگوید، احتیاط مستحب آن است که بعد از نماز، دو سجده سهو به جا آورد.

**مسئله ۱۲۴۳**

اگر در جایی که نباید سلام نماز را بگوید، سهواً بگوید:

«السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ»، یا بگوید:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ».

باید دو سجده سهو بنماید، ولی اگر اشتباها مقداری از این دو سلام را بگوید «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ» احتیاط مستحب آن است که دو سجده سهو به جا آورد.

**مسئله ۱۲۴۴**

اگر در جایی که نباید سلام دهد، اشتباها هر سه سلام را بگوید، احتیاطاً دوبار سجده سهو را انجام دهد.

**مسئله ۱۲۴۵**

اگر یک سجده یا تشهد را فراموش کند و پیش از رکوع رکعت بعد یادش بیاید، باید برگردد و به جا آورد.

**مسئله ۱۲۴۶**

اگر در رکوع یا بعد از آن یادش بیاید که یک سجده یا تشهد را از رکعت پیش فراموش کرده، باید بعد از سلام نماز سجده یا تشهد را قضا نماید و بعد از آن، دو سجده سهو به جا آورد.

**مسئله ۱۲۴۷**

اگر سجده سهو را بعد از سلام نماز عمداً به جا نیاورد، معصیت کرده و واجب است هر چه زودتر آن را انجام دهد و چنانچه سهواً به جا نیاورد، هر وقت یادش آمد، باید فوراً انجام دهد و لازم نیست نماز را دوباره بخواند.

**مسئله ۱۲۴۸**

اگر شك دارد که سجده سهو بر او واجب شده یا نه لازم نیست به جا آورد.

**مسئله ۱۲۴۹**

کسی که شك دارد مثلاً دو سجده سهو بر او واجب شده یا چهار تا، اگر دو سجده بنماید کافی است.

**مسئله ۱۲۵۰**

اگر بداند یکی از دو سجده سهو را به جا نیاورده، باید دو سجده سهو به جا آورد و اگر بداند سهواً سه سجده کرده، باید دوباره دو سجده سهو بنماید.

**دستور سجده سهو****مسئله ۱۲۵۱ [۱]**

دستور سجده سهو این است که بعد از سلام نماز، فوراً نیت سجده سهو کند و پیشانی را به چیزی که سجده بر آن صحیح است، بگذارد و بگوید: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ یا «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ»؛ ولی بهتر است بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ»، بعد باید بنشیند و دوباره به سجده رود و یکی از ذکرهایی را که گفته شد، بگوید و بنشیند و بعد از خواندن تشهد سلام دهد.

**قضای سجده و تشهد فراموش شده****مسئله ۱۲۵۱ [۲]**

سجده و تشهد را که انسان فراموش کرده و بعد از نماز قضای آن را به جا می‌آورد، باید تمام شرایط نماز: مانند پاک بودن بدن و لباس و رو به قبله بودن و شرط‌های دیگر را داشته باشد.

### مسئله ۱۲۵۲

اگر سجده یا تشهد را چند دفعه فراموش کند، مثلاً یک سجده از رکعت اول و یک سجده از رکعت دوم فراموش نماید، باید بعد از نماز، قضای هر دو را با سجده‌های سهوی که برای آنها لازم است به جا آورد و لازم نیست معین کند که قضای کدام یک آنها است.

### مسئله ۱۲۵۳

اگر یک سجده و تشهد را فراموش کند، احتیاط واجب آن است که هر کدام را اول فراموش کرده، اول قضا نماید و اگر نداند کدام اول فراموش شده، باید احتیاطاً یک سجده و تشهد و بعد یک سجده دیگر به جا آورد، یا یک تشهد و یک سجده و بعد یک تشهد دیگر به جا آورد تا یقین کند سجده و تشهد را به ترتیبی که فراموش کرده، قضا نماید.

### مسئله ۱۲۵۴

اگر به خیال این که اول سجده را فراموش کرده، اول قضای آن را به جا آورد و بعد از خواندن تشهد یادش بیاید که اول تشهد را فراموش کرده، احتیاط واجب آن است که دوباره سجده را قضا نماید و نیز اگر به خیال این که اول تشهد را فراموش کرده، اول قضای آن را به جا آورد و بعد از سجده یادش بیاید که اول سجده را فراموش کرده، بنا بر احتیاط باید دوباره تشهد را بخواند.

### مسئله ۱۲۵۵

اگر بین سلام نماز و قضای سجده یا تشهد کاری کند که اگر عمداً یا سهواً در نماز اتفاق بیفتد نماز باطل می‌شود، مثلاً پشت به قبله نماید، باید قضای سجده و تشهد را به جا آورد و نمازش صحیح است و بنا بر احتیاط نمازش را دوباره بخواند.

### مسئله ۱۲۵۶

اگر بعد از سلام نماز یادش بیاید که یک سجده از رکعت آخر را فراموش کرده، باید قضای سجده‌ای را که فراموش کرده به جا آورد و بعد از آن دو سجده سهو به جا آورد چه کاری که نماز را باطل می‌کند کرده باشد یا نه. اگر تشهد رکعت آخر را فراموش کرده باشد، باید قضای تشهد را به جا آورد و بعد از آن دو سجده سهو به جا آورد.

### مسئله ۱۲۵۷

اگر بین سلام نماز و قضای سجده یا تشهد کاری کند که برای آن سجده سهو واجب می‌شود، مثل آن که سهواً حرف بزند، باید سجده یا تشهد را قضا کند.

**مسئله ۱۲۵۸**

اگر نداند که سجده را فراموش کرده یا تشهد را، باید هر دو را قضا نماید و هر کدام را اول به جا آورد، اشکال ندارد.

**مسئله ۱۲۵۹**

اگر شك دارد که سجده یا تشهد را فراموش کرده یا نه، واجب نیست قضا نماید.

**مسئله ۱۲۶۰**

اگر بداند سجده یا تشهد را فراموش کرده و شك کند که پیش از رکوع رکعت بعد به جا آورده یا نه، احتیاط واجب آن است که آن را قضا نماید.

**مسئله ۱۲۶۱**

کسی که باید سجده یا تشهد را قضا نماید، اگر برای کار دیگری هم سجده سهو بر او واجب شود، باید بعد از نماز سجده یا تشهد را قضا نماید، بعد سجده سهو را به جا آورد.

**مسئله ۱۲۶۲**

اگر شك دارد که بعد از نماز، قضای سجده یا تشهد فراموش شده را به جا آورده یا نه، چنانچه وقت نماز نگذشته، باید سجده یا تشهد را قضا نماید و اگر وقت نماز هم گذشته، بنا بر احتیاط واجب باید سجده یا تشهد را قضا نماید.

**کم و زیاد کردن اجزا و شرایط نماز****مسئله ۱۲۶۳**

هر گاه چیزی از واجبات نماز را عمدا کم یا زیاد کند، اگر چه یک حرف آن باشد، نماز باطل است.

**مسئله ۱۲۶۴**

اگر به واسطه ندانستن مسئله، چیزی از اجزای نماز را کم یا زیاد کند، اگر آن جزء رکن نباشد و شخص هم جاهل قاصر باشد، نمازش صحیح است، و الاً به احتیاط واجب، نماز باطل است.

**مسئله ۱۲۶۵**

اگر در بین نماز بفهمد وضو یا غسلش باطل بوده یا بدون وضو یا غسل مشغول نماز شده، باید نماز را به هم بزند و دوباره با وضو یا غسل بخواند و اگر بعد از نماز بفهمد باید دوباره نماز را با وضو یا غسل به جا آورد و اگر وقت گذشته، قضا نماید.

**مسئله ۱۲۶۶**

اگر بعد از رسیدن به رکوع یادش بیاید که دو سجده از رکعت پیش را فراموش کرده، نمازش باطل است. اگر پیش از رسیدن به رکوع یادش بیاید، باید برگردد و دو سجده را به جا آورد و برخیزد و حمد و سوره یا تسبیحات را بخواند و نماز را تمام کند.

**مسئله ۱۲۶۷**

اگر پیش از گفتن (السلام علینا) و (السلام علیکم) یادش بیاید که دو سجده رکعت آخر را به جا نیاورده، باید دو سجده را به جا آورد و دوباره تشهد بخواند و نماز را سلام دهد.

**مسئله ۱۲۶۸**

اگر پیش از سلام نماز یادش بیاید که یک رکعت یا بیشتر از آخر نماز نخوانده، باید مقداری را که فراموش کرده به جا آورد.

**مسئله ۱۲۶۹**

اگر بعد از سلام نماز یادش بیاید که یک رکعت یا بیشتر از آخر نماز را نخوانده، چنانچه کاری انجام داده که اگر در نماز عمدی یا سهواً اتفاق بیفتد نماز را باطل می‌کند، مثلاً پشت به قبله کرده نمازش باطل است و اگر کاری که عمدی و سهوی آن نماز را باطل می‌کند انجام نداده، باید فوراً مقداری که فراموش کرده، به جا آورد.

**مسئله ۱۲۷۰**

هر گاه بعد از سلام نماز عملی انجام دهد که اگر در نماز عمدی یا سهواً اتفاق بیفتد نماز را باطل می‌کند، مثلاً پشت به قبله نماید و بعد یادش بیاید که دو سجده آخر را به جا نیاورده نمازش باطل است، بلکه اگر پیش از انجام کاری که نماز را باطل می‌کند، یادش بیاید، دو سجده‌ای را که فراموش کرده به جا آورد و دوباره تشهد بخواند و نماز را سلام دهد و دو سجده سهو برای سلامی که اول گفته است بنماید و احتیاط آن است که نماز را هم دوباره بخواند.

**مسئله ۱۲۷۱**

اگر بفهمد نماز را پیش از وقت خوانده، یا پشت به قبله یا به طرف راست یا به طرف چپ قبله به جا آورده، باید دوباره بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید.

**نماز مسافر****اشاره**

مسافر باید نماز ظهر و عصر و عشا را با هشت شرط شکسته به جا آورد؛ یعنی دو رکعت بخواند:  
شرط اول آن که سفر او کمتر از هشت فرسخ شرعی نباشد.

**مسئله ۱۲۷۲**

کسی که رفتن و برگشتن او هشت فرسخ است، اگر رفتن او کمتر از چهار فرسخ نباشد، باید نماز را شکسته بخواند. بنا بر این اگر رفتن به سه فرسخ و برگشتن پنج فرسخ باشد، باید نماز را تمام بخواند.

**مسئله ۱۲۷۳**

اگر رفتن و برگشتن هشت فرسخ باشد، باید نماز را شکسته بخواند، چه همان روز و شب بخواند بر گردد یا غیر آن روز و شب.

**مسئله ۱۲۷۴**

اگر سفر مختصری از هشت فرسخ کمتر باشد، یا انسان نداند که سفر او هشت فرسخ است یا نه، نباید نماز را شکسته بخواند و چنانچه شک کند که سفر او هشت فرسخ است یا نه، در صورتی که تحقیق کردن برایش مشقت دارد، باید نمازش را تمام بخواند و اگر مشقت ندارد، بنا بر احتیاط واجب باید تحقیق کند که اگر دو عادل بگویند، یا بین مردم معروف باشد که سفر او هشت فرسخ است نماز را شکسته بخواند.

**مسئله ۱۲۷۵**

اگر یک عادل خبر دهد که سفر انسان هشت فرسخ است، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند و روزه بگیرد و قضای آن را هم به جا آورد.

**مسئله ۱۲۷۶**

کسی که یقین دارد سفر او هشت فرسخ است، اگر نماز را شکسته بخواند و بعد بفهمد که هشت فرسخ نبوده، باید آن را چهار رکعتی به جا آورد و اگر وقت گذشته، بنا بر احتیاط واجب قضا نماید.

**مسئله ۱۲۷۷**

کسی که یقین دارد سفرش هشت فرسخ نیست، یا شک دارد که هشت فرسخ هست یا نه، چنانچه در بین راه بفهمد که سفر او هشت فرسخ بوده، اگر چه کمی از راه باقی باشد، باید نماز را شکسته بخواند و اگر تمام خوانده دوباره شکسته به جا آورد.

**مسئله ۱۲۷۸**

اگر بین دو محلی که فاصله آنها کمتر از چهار فرسخ است، چند مرتبه رفت و آمد کند، اگر چه روی هم رفته هشت فرسخ شود، باید نماز را تمام بخواند.

**مسئله ۱۲۷۹**

اگر محلی دو راه داشته باشد، یک راه آن کمتر از هشت فرسخ و راه دیگر آن هشت فرسخ یا بیشتر باشد، چنانچه انسان از راهی که هشت فرسخ است به آنجا برود، باید نماز را شکسته بخواند و اگر از راهی که هشت فرسخ نیست برود، باید تمام بخواند.



**مسئله ۱۲۸۰**

اگر شهر دیوار دارد، باید ابتدای هشت فرسخ را از دیوار شهر حساب کند و اگر دیوار ندارد، باید از خانه‌های آخر شهر حساب نماید. اما در شهرهای بزرگ خارق العاده یعنی بلاد کبیره، که از انتهای هر محله‌ای تا ابتدای محله دیگر چهار فرسخ شرعی باشد و پیمودن این مسافت در نظر عرف سفر به حساب آید، ابتدای هشت فرسخ را از آخر هر محله که منزل خود در آن است حساب نماید.

شرط دوم آن که از اول مسافرت قصد هشت فرسخ را داشته باشد، پس اگر به جایی که کمتر از هشت فرسخ است مسافرت کند و بعد از رسیدن به آنجا قصد کند جایی برود که با مقداری که آمده هشت فرسخ شود، چون از اول قصد هشت فرسخ را نداشته، باید نماز را تمام بخواند. ولی اگر بخواند از آنجا هشت فرسخ برود یا چهار فرسخ برود و به وطنش یا به جایی که می‌خواهد ده روز بماند بگردد باید نماز را شکسته بخواند.

**مسئله ۱۲۸۱**

کسی که نمی‌داند سفرش چند فرسخ است، مثلاً برای پیدا کردن گمشده‌ای مسافرت می‌کند و نمی‌داند که چه مقدار باید برود تا آن را پیدا کند، باید نماز را تمام بخواند. ولی در برگشتن، چنانچه تا وطنش یا جایی که می‌خواهد ده روز در آنجا بماند، هشت فرسخ یا بیشتر باشد، باید نماز را شکسته بخواند و نیز اگر در بین رفتن قصد کند که چهار فرسخ برود و برگردد، چنانچه رفتن و برگشتن هشت فرسخ شود، باید نماز را شکسته بخواند.

**مسئله ۱۲۸۲**

مسافر در صورتی باید نماز را شکسته بخواند که تصمیم داشته باشد هشت فرسخ برود، پس کسی که از شهر بیرون می‌رود و مثلاً قصدش این است که اگر رفیق پیدا کند، سفر هشت فرسخی برود، چنانچه اطمینان دارد که رفیق پیدا می‌کند، باید نماز را شکسته بخواند و اگر اطمینان ندارد، باید تمام بخواند.

**مسئله ۱۲۸۳**

کسی که قصد هشت فرسخ دارد، اگر چه در هر روز مقدار کمی راه برود وقتی به جایی برسد که دیوار شهر را نبیند و اذان آن را نشنود، باید نماز را شکسته بخواند. ولی اگر در هر روز مقدار خیلی کمی راه برود که نگویند مسافر است، باید نمازش را تمام بخواند و احتیاط مستحب آن است که هم شکسته و هم تمام بخواند.

**مسئله ۱۲۸۴**

کسی که در سفر به اختیار دیگری است، مانند نوکری که با آقای خود مسافرت می‌کند، چنانچه بداند سفر او هشت فرسخ است، باید نماز را شکسته بخواند.

**مسئله ۱۲۸۵**

کسی که در سفر به اختیار دیگری است، اگر بداند یا گمان داشته باشد که پیش از رسیدن به چهار فرسخ از او جدا می‌شود، باید

نماز را تمام بخواند.

### مسئله ۱۲۸۶

کسی که در سفر به اختیار دیگری است، اگر شك دارد که پیش از رسیدن به چهار فرسخ از او جدا می‌شود یا نه، باید نماز را تمام بخواند؛ مگر آن که اطمینان داشته باشد که جدا نمی‌شود و نیز اگر شك او از این جهت است که احتمال می‌دهد مانعی برای سفر او پیش آید، چنانچه احتمال او در نظر مردم به جا نباشد باید نمازش را شکسته بخواند. شرط سوم آن که در بین راه از قصد خود برنگردد، پس اگر پیش از رسیدن به چهار فرسخ از قصد خود برگردد یا مردد شود، باید نماز را تمام بخواند.

### مسئله ۱۲۸۷

اگر بعد از رسیدن به چهار فرسخ از مسافرت منصرف شود، چنانچه تصمیم داشته باشد که همانجا بماند یا بعد از ده روز برگردد، یا در برگشتن و ماندن مردد باشد، باید نماز را تمام بخواند.

### مسئله ۱۲۸۸

اگر بعد از رسیدن به چهار فرسخ از مسافرت منصرف شود و تصمیم داشته باشد که برگردد، باید نماز را شکسته بخواند.

### مسئله ۱۲۸۹

اگر برای رفتن به محلی حرکت کند و بعد از رفتن مقداری از راه بخواید جای دیگری برود، چنانچه از محل اولی که حرکت کرده تا جایی که می‌خواهد برود، هشت فرسخ باشد، باید نماز را شکسته بخواند.

### مسئله ۱۲۹۰

اگر پیش از آن که به هشت فرسخ برسد، مردد شود که بقیه راه را برود یا نه و در موقعی که مردد است، راه نرود و بعد تصمیم بگیرد که بقیه راه را برود، باید تا آخر مسافرت نماز را شکسته بخواند.

### مسئله ۱۲۹۱

اگر پیش از آن که به هشت فرسخ برسد، مردد شود که بقیه راه را برود یا نه و در موقعی که مردد است مقداری راه برود و بعد تصمیم بگیرد که هشت فرسخ دیگر برود، یا چهار فرسخ برود و برگردد، تا آخر مسافرت باید نماز را شکسته بخواند.

### مسئله ۱۲۹۲

اگر پیش از آن که به هشت فرسخ برسد، مردد شود که بقیه راه را برود یا نه و در موقعی که مردد است مقداری راه برود و بعد تصمیم بگیرد که بقیه راه را برود، چنانچه باقیمانده سفر او هشت فرسخ باشد یا چهار فرسخ باشد ولی بخواید برود و برگردد، باید نماز را شکسته بخواند. ولی اگر راهی که پیش از مردد شدن و راهی که بعد از آن می‌رود، روی هم هشت فرسخ باشد، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

شرط چهارم آن که نخواهد پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطن خود بگذرد، یا ده روز یا بیشتر در جایی بماند. پس کسی که می‌خواهد پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطنش بگذرد، یا ده روز در محلی بماند، باید نماز را تمام بخواند.

#### مسئله ۱۲۹۳

کسی که نمی‌داند پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطنش می‌گذرد یا نه، یا ده روز در محلی می‌ماند یا نه، باید نماز را تمام بخواند.

#### مسئله ۱۲۹۴

کسی که می‌خواهد پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطنش بگذرد، یا ده روز در محلی بماند و نیز کسی که مردد است که از وطنش بگذرد، یا ده روز در محلی بماند، اگر از ماندن ده روز یا گذشتن از وطن منصرف شود، باز هم باید نماز را تمام بخواند. ولی اگر باقیمانده راه هشت فرسخ باشد، یا چهار فرسخ باشد و بخواند برود و برگردد، باید نماز را شکسته بخواند. شرط پنجم آن که برای کار حرام سفر نکند و اگر برای کار حرامی مانند دزدی سفر کند، باید نماز را تمام بخواند و هم چنین است اگر خود سفر حرام باشد، مثل آن که برای او ضرر داشته باشد، یا زن بدون اجازه شوهر و فرزند با نهي پدر و مادر سفری بروند که بر آنان واجب نباشد ولی اگر مثل سفر حج واجب باشد، باید نماز را شکسته بخوانند.

#### مسئله ۱۲۹۵

سفری که اسباب اذیت پدر و مادر باشد حرام است و انسان باید در آن سفر نماز را تمام بخواند و روزه هم بگیرد.

#### مسئله ۱۲۹۶

کسی که سفر او حرام نیست و برای کار حرام هم سفر نمی‌کند، اگر چه در سفر، معصیتی انجام دهد، مثلاً غیبت کند یا شراب بخورد، باید نماز را شکسته بخواند.

#### مسئله ۱۲۹۷

اگر مخصوصاً برای آن که کار واجبی را ترک کند مسافرت نماید، نمازش تمام است، پس کسی که بدهکار است، اگر بتواند بدهی خود را بدهد و طلبکار هم مطالبه کند، چنانچه در سفر نتواند بدهی خود را بدهد و مخصوصاً برای فرار از دادن قرض مسافرت نماید بنا بر احتیاط واجب نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند؛ ولی اگر مخصوصاً برای ترک واجب مسافرت نکند، باید نماز را شکسته بخواند و احتیاط مستحب آن است که هم شکسته و هم تمام بخواند.

#### مسئله ۱۲۹۸

اگر سفر او سفر حرام نباشد ولی حیوان سواری یا مرکب دیگری که سوار است غصبی باشد، نمازش شکسته است؛ ولی اگر در زمین غصبی مسافرت کند، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

#### مسئله ۱۲۹۹

کسی که با ظالم مسافرت می‌کند، اگر ناچار نباشد و مسافرت او کمک به ظالم باشد، باید نماز را تمام بخواند و اگر ناچار باشد یا مثلاً برای نجات دادن مظلومی با او مسافرت کند، نمازش شکسته است.

#### مسئله ۱۳۰۰

اگر به قصد تفریح و گردش مسافرت کند، حرام نیست و باید نماز را شکسته بخواند.

#### مسئله ۱۳۰۱

اگر برای لهو و خوش گذرانی به شکار رود، نمازش تمام است و چنانچه برای تهیه معاش به شکار رود، نمازش شکسته است و اگر برای کسب و زیاد کردن مال برود، احتیاط واجب آن است که نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند، ولی باید روزه نگیرد.

#### مسئله ۱۳۰۲

کسی که برای معصیت سفر کرده، موقعی که از سفر بر می‌گردد اگر توبه کرده است، در صورتی که برگشتن او به مقدار سفر شرعی یعنی هشت فرسخ باشد، باید نماز را شکسته بخواند و اگر توبه نکرده، باید تمام بخواند و احتیاط مستحب آن است که هم شکسته و هم تمام بخواند.

#### مسئله ۱۳۰۳

کسی که سفر او سفر معصیت است، اگر در بین راه از قصد معصیت برگردد، چنانچه باقیمانده راه هشت فرسخ باشد، یا چهار فرسخ باشد و بخوهد برود و برگردد، باید نماز را شکسته بخواند.

#### مسئله ۱۳۰۴

کسی که برای معصیت سفر نکرده، اگر در بین راه قصد کند که بقیه راه را برای معصیت برود، باید نماز را تمام بخواند ولی نمازهایی را که شکسته خوانده صحیح است. شرط ششم آن که از صحرائینهایی نباشد که در بیابانها گردش می‌کنند و هر جا آب و خوراک برای خود و حشمتان پیدا کنند می‌مانند و بعد از چندی به جای دیگر می‌روند و صحرائینها در این مسافرتها باید نماز را تمام بخوانند.

#### مسئله ۱۳۰۵

اگر یکی از صحرائینها برای پیدا کردن منزل و چراگاه حیواناتشان سفر کند، چنانچه سفر او هشت فرسخ باشد، احتیاط واجب آن است که هم شکسته و هم تمام بخواند.

#### مسئله ۱۳۰۶

اگر صحرائین برای زیارت یا حج یا تجارت و مانند اینها مسافرت کند، باید نماز را شکسته بخواند. شرط هفتم آن که شغل او مسافرت نباشد، بنا بر این راننده و خلبان و ملوان و مانند اینها، اگر چه برای بردن اثاثیه منزل خود

مسافرت کنند، در غیر سفر اول باید نماز را تمام بخوانند. ولی در سفر اول اگر چه طول بکشد، نمازشان شکسته است.

#### مسئله ۱۳۰۷

کسی که شغلش مسافرت است اگر برای کار دیگری مثلاً برای زیارت یا حج مسافرت کند، باید نماز را شکسته بخواند. ولی اگر مثلاً راننده، اتومبیل خود را برای زیارت کرایه بدهد و در ضمن خودش هم زیارت کند، باید نماز را تمام بخواند.

#### مسئله ۱۳۰۸

حمله دار یعنی کسی که فقط در ماه‌های حج به مسافرت اشتغال می‌ورزد نماز را باید شکسته بخواند.

#### مسئله ۱۳۰۹

کسی که شغل او حمله داریست و حاجیها را از راه دور به مکه می‌برد، چنانچه تمام سال یا بیشتر سال را در راه باشد، باید نماز را تمام بخواند.

#### مسئله ۱۳۱۰

کسی که در مقداری از سال شغلش مسافرت است، مثل راننده که فقط در تابستان یا زمستان اتومبیل خود را کرایه می‌دهد، باید در سفری که مشغول به کارش هست نماز را تمام بخواند و احتیاط مستحب آن است که هم شکسته وهم تمام بخواند.

#### مسئله ۱۳۱۱

راننده ودوره گردی که در دو سه فرسخی شهر رفت و آمد می‌کند، چنانچه اتفاقاً سفر هشت فرسخی برود، باید نماز را شکسته بخواند.

#### مسئله ۱۳۱۲

کسی که شغلش مسافرت است اگر ده روز یا بیشتر در وطن خود بماند، چه از اول قصد ماندن ده روز را داشته باشد، چه بدون قصد بماند، باید در سفر اولی که بعد از ده روز می‌رود، نماز را شکسته بخواند.

#### مسئله ۱۳۱۳

کسی که شغلش مسافرت است، اگر در غیر وطن خود ده روز بماند، در سفر اولی که بعد از ده روز می‌رود، اگر از اول قصد ماندن ده روز را داشت باید نماز را شکسته بخواند و اگر از اول قصد ماندن ده روز را نداشت احتیاط واجب آن است که نماز را هم تمام و هم شکسته بخواند.

#### مسئله ۱۳۱۴

کسی که شغلش مسافرت است، اگر شک کند که در وطن خود یا جای دیگر ده روز مانده یا نه، باید نماز را تمام بخواند.

**مسئله ۱۳۱۵**

کسی که در شهرها سیاحت می‌کند و برای خود وطنی اختیار نکرده، باید نماز را تمام بخواند.

**مسئله ۱۳۱۶**

کسی که شغلش مسافرت نیست، اگر مثلاً در شهری یا در دهی جنسی دارد که برای حمل آن مسافرت‌های پی در پی می‌کند، باید نماز را شکسته بخواند.

**مسئله ۱۳۱۷**

کسی که از وطنش صرف نظر کرده و می‌خواهد وطن دیگری برای خود اختیار کند، اگر شغلش مسافرت نباشد، باید در مسافرت نماز را شکسته بخواند.

شرط هشتم آن که به حد ترخص برسد، یعنی از وطنش به قدری دور شود که دیوار شهر را نبیند و صدای اذان آن را نشنود ولی باید در هوا غبار یا چیز دیگری نباشد که از دیدن دیوار و شنیدن اذان جلوگیری کند و لازم نیست به قدری دور شود که مناره‌ها و گنبدها را نبیند، یا دیوارها هیچ پیدا نباشد، بلکه همین قدر که دیوار کاملاً تشخیص داده نشود کافی است. کسی که از جایی که قصد کرده ده روز در آنجا بماند به قصد هشت فرسخ خارج شود تا حد ترخص نرسیده، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

**مسئله ۱۳۱۸**

کسی که به سفر می‌رود، اگر به جایی برسد که اذان را نشنود ولی دیوار شهر را ببیند، یا دیوارها را نبیند و صدای اذان را بشنود چنانچه بخواهد در آنجا نماز بخواند، بنا بر احتیاط واجب باید هم شکسته و هم تمام بخواند.

**مسئله ۱۳۱۹**

مسافری که به وطنش برمی‌گردد، وقتی دیوار وطن خود را ببیند و صدای اذان آن را بشنود، باید نماز را تمام بخواند؛ ولی مسافری که می‌خواهد ده روز در محلی بماند، وقتی دیوار آنجا را ببیند و صدای اذان را بشنود، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را تأخیر بیندازد تا به منزل برسد، یا نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

**مسئله ۱۳۲۰**

هر گاه شهر در بلندی باشد که از دور دیده شود، یا به قدری گود باشد که اگر انسان کمی دور شود دیوار آن را نبیند، کسی که از آن شهر مسافرت می‌کند، وقتی به اندازه‌ای دور شود که اگر آن شهر در زمین هموار بود، دیوارش از آنجا دیده نمی‌شد، باید نماز خود را شکسته بخواند و نیز اگر پستی و بلندی خانه‌ها بیشتر از معمول باشد، باید ملاحظه معمول را بنماید.

**مسئله ۱۳۲۱**

اگر از محلی مسافرت کند که خانه و دیوار ندارد، وقتی به جایی برسد که اگر آن محل دیوار داشت از آنجا دیده نمی‌شد، باید

نماز را شکسته بخواند.

#### مسئله ۱۳۲۲

اگر به قدری دور شود که نداند صدایی را که می‌شنود صدای اذان است یا صدای دیگر، باید نماز را شکسته بخواند. ولی اگر بفهمد اذان می‌گویند و کلمات آن را تشخیص ندهد، باید تمام بخواند.

#### مسئله ۱۳۲۳

اگر به قدری دور شود که به احتیاط اذان خانه‌های آخر شهر را نشنود ولی اذان شهر را که معمولاً در جای بلند می‌گویند بشنود. نباید نماز را شکسته بخواند.

#### مسئله ۱۳۲۴

اگر به جایی برسد که اذان شهر را که معمولاً در جای بلند می‌گویند نشنود؛ ولی اذانی را که در جای خیلی بلند می‌گویند بشنود، باید نماز را شکسته بخواند.

#### مسئله ۱۳۲۵

اگر چشم یا گوش او یا صدای اذان غیر معمولی باشد در محلی باید نماز را شکسته بخواند که چشم متوسط دیوار خانه‌ها را نبیند و گوش متوسط صدای اذان معمولی را نشنود.

#### مسئله ۱۳۲۶

اگر بخواهد در محلی نماز بخواند که شك دارد به حد ترخص یعنی جایی که اذان را نشنود و دیوار را نبیند، رسیده یا نه، باید نماز را تمام بخواند. در موقع برگشتن اگر شك کند که به حد ترخص رسیده یا نه، باید شکسته بخواند و چون در بعضی موارد اشکال پیدا می‌کند مانند آن که در فرض مسأله موقع رفتن نماز ظهر را تمام بخواند و موقع برگشتن همانجا نماز عصر را شکسته بخواند، باید یا آنجا نماز بخواند و در صورت رفتن پیش از علم به رسیدن ترخص نماز را شکسته بخواند و در برگشتن پس از رسیدن به خانه نماز را تمام بخواند یا هم شکسته و هم تمام بخواند.

#### مسئله ۱۳۲۷

مسافری که در سفر از وطن خود عبور می‌کند، وقتی به جایی برسد که دیوار وطن خود را ببیند و صدای اذان آن را بشنود، باید نماز را تمام بخواند.

#### مسئله ۱۳۲۸

مسافری که در بین مسافرت به وطنش رسیده، تا وقتی در آنجا هست باید نماز را تمام بخواند. ولی اگر بخواهد از آنجا هشت فرسخ برود، یا چهار فرسخ برود و برگردد، وقتی به جایی برسد که دیوار وطن را نبیند و صدای اذان آن را نشنود، باید نماز را شکسته بخواند.

**مسئله ۱۳۲۹**

محلّی را که انسان برای اقامت و زندگی دائمی خود اختیار کرده وطن او است، چه در آنجا به دنیا آمده و وطن پدر و مادرش باشد، یا خودش آنجا را برای زندگی اختیار کرده باشد.

**مسئله ۱۳۳۰**

اگر قصد دارد در محلّی که وطن اصلیش نیست مدتی بماند و بعد به جای دیگر رود، آنجا وطن او حساب نمی‌شود.

**مسئله ۱۳۳۱**

تا انسان قصد ماندن همیشگی در جایی که غیر وطن اصلی خودش است نداشته باشد وطن او حساب نمی‌شود، مگر آن که بدون قصد ماندن، آن قدر بماند که مردم بگویند اینجا وطن او است.

**مسئله ۱۳۳۲**

کسی که در دو محلّ زندگی می‌کند، مثلاً شش ماه در شهری و شش ماه در شهر دیگر می‌ماند، هر دو وطن او است. اما اگر بیشتر از دو محل را برای زندگی خود اختیار کرده باشد، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را در محلّ سومی و مازاد، هم شکسته بخواند و هم تمام بخواند.

**مسئله ۱۳۳۳**

در غیر وطن اصلی و وطن غیر اصلی که ذکر شد، در جاهای دیگر اگر قصد اقامه نکند نمازش شکسته است، چه ملکی در آنجا داشته باشد یا نداشته باشد و چه در آنجا شش ماه مانده باشد یا نه.

**مسئله ۱۳۳۴**

اگر به جایی برسد که وطن اصلی او بوده و عملاً از آنجا صرف نظر کرده یا به جایی برسد که وطن غیر اصلی او بوده و دیگر قصد ماندن در آنجا را ندارد، نباید نماز را تمام بخواند، اگر چه وطن دیگری هم برای خود اختیار نکرده باشد.

**مسئله ۱۳۳۵**

مسافری که قصد دارد، ده روز پشت سرهم در محلّی بماند، یا می‌داند که بدون اختیار ده روز در محلّی می‌ماند، در آن محلّ باید نماز را تمام بخواند.

**مسئله ۱۳۳۶**

مسافری که می‌خواهد ده روز در محلّی بماند، لازم نیست قصد ماندن شب اول یا شب یازدهم را داشته باشد و همین که قصد کند از اذان صبح روز اول تا غروب روز دهم بماند، باید نماز را تمام بخواند و همچنین اگر مثلاً قصدش این باشد که از ظهر روز اول تا



ظهر روز یازدهم بماند، باید نماز را تمام بخواند.

### مسئله ۱۳۳۷

مسافری که می‌خواهد ده روز در محلی بماند، در صورتی باید نماز را تمام بخواند که بخواند تمام ده روز را در یک جا بماند؛ پس اگر بخواند مثلاً ده روز در نجف و کوفه یا در تهران و اطراف آن بماند، باید نماز را شکسته بخواند.

### مسئله ۱۳۳۸

مسافری که می‌خواهد ده روز در محلی بماند، اگر از اول قصد داشته باشد که در بین ده روز به اطراف آنجا برود، چنانچه جایی که می‌خواهد برود از مقدار ترخص شهر دورتر نباشد، باید در همه ده روز نماز را تمام بخواند و اگر از مقدار ترخص دورتر باشد، باید در تمام ده روز نماز را شکسته بخواند؛ ولی چنانچه بخواند یک ساعت یا دو ساعت برود و برگردد، در همه ده روز باید نماز را تمام بخواند.

### مسئله ۱۳۳۹

مسافری که تصمیم ندارد ده روز در جایی بماند، مثلاً قصدش این است که اگر رفیقش بیاید، یا منزل خوبی پیدا کند، ده روز بماند، باید نماز را شکسته بخواند.

### مسئله ۱۳۴۰

کسی که تصمیم دارد، ده روز در محلی بماند، اگر چه احتمال بدهد که برای ماندن او مانعی برسد، در صورتی که مردم به احتمال او اعتنایی نکنند، باید نماز را تمام بخواند.

### مسئله ۱۳۴۱

اگر مسافر بداند که مثلاً ده روز یا بیشتر به آخر ماه مانده و قصد کند که تا آخر ماه در جایی بماند، باید نماز را تمام بخواند ولی اگر نداند تا آخر ماه چقدر مانده و قصد کند که تا آخر ماه بماند، باید نماز را شکسته بخواند اگر چه از موقعی که قصد کرده تا آخر ماه ده روز یا بیشتر باشد.

### مسئله ۱۳۴۲

اگر مسافر قصد کند ده روز در محلی بماند، چنانچه پیش از خواندن یک نماز چهار رکعتی از ماندن منصرف شود، یا مردد شود که در آنجا بماند یا به جای دیگر برود، باید نماز را شکسته بخواند و اگر بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی از ماندن منصرف شود، یا مردد شود تا وقتی در آنجا هست، باید نماز را تمام بخواند.

### مسئله ۱۳۴۳

مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند، اگر روزه بگیرد و بعد از ظهر از ماندن در آنجا منصرف شود، چنانچه یک نماز چهار رکعتی خوانده باشد، روزه‌اش صحیح است و تا وقتی در آنجا هست باید نمازهای خود را تمام بخواند و اگر یک نماز چهار

رکعتی نخوانده باشد، روزه آن روزش صحیح است، اما نمازهای خود را باید شکسته بخواند و روزهای بعد هم نمی‌تواند روزه بگیرد.

#### مسئله ۱۳۴۴

مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند، اگر از ماندن منصرف شود و شک کند پیش از آن که از قصد ماندن برگردد، یک نماز چهار رکعتی خوانده یا نه، باید نمازهای خود را شکسته بخواند.

#### مسئله ۱۳۴۵

اگر مسافر به نیت این که نماز را شکسته بخواند، مشغول نماز شود و در بین نماز تصمیم بگیرد که ده روز یا بیشتر بماند، باید نماز را چهار رکعتی تمام نماید.

#### مسئله ۱۳۴۶

مسافری که قصد کرده ده روز در جایی بماند، اگر در بین نماز چهار رکعتی از قصد خود برگردد، چنانچه مشغول رکعت سوم نشده باشد، باید نماز را دو رکعتی تمام نماید و بقیه نمازهای خود را شکسته بخواند و اگر مشغول رکعت سوم شود و قبل از رفتن به رکوع از قصدش برگردد، بنا بر احتیاط بنشیند و نمازش را سلام دهد و دوباره نماز را شکسته بخواند و تا وقتی که در آنجا است، باید نمازهایش را شکسته بخواند و اگر در رکوع رکعت سوم وارد شده است، نمازش باطل است و باید نمازش را شکسته بخواند.

#### مسئله ۱۳۴۷

مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند، اگر بیشتر از ده روز در آنجا بماند، تا وقتی مسافرت نکرده، باید نمازش را تمام بخواند و لازم نیست دوباره قصد ماندن ده روز کند.

#### مسئله ۱۳۴۸

مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند، باید روزه واجب را بگیرد و می‌تواند روزه مستحبی را هم به جا آورد و نماز جمعه و نافله ظهر و عصر و عشا را هم بخواند.

#### مسئله ۱۳۴۹

مسافری که قصد کرده ده روز در جایی بماند، اگر بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی بخواهد به جایی که کمتر از چهار فرسخ است برود و برگردد به محل اقامه خود باید نماز را تمام بخواند.

#### مسئله ۱۳۵۰

مسافری که قصد کرده ده روز در جایی بماند، اگر بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی بخواهد به جای دیگری که کمتر از

هشت فرسخ است برود و ده روز در آنجا بماند، باید در رفتن و در جایی که قصد ماندن ده روز کرده، نمازهای خود را تمام بخواند. ولی اگر جایی که می‌خواهد برود هشت فرسخ یا بیشتر باشد، باید موقع رفتن نمازهای خود را شکسته بخواند و چنانچه در آنجا قصد ماندن ده روز کرد، نمازش را تمام بخواند.

#### مسئله ۱۳۵۱

مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند اگر بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی بخواند به جایی که کمتر از چهار فرسخ است برود، چنانچه مردد باشد که به محل اولش برگردد یا نه، یا به کلی از برگشتن به آنجا غافل باشد، یا بخواند برگردد ولی مردد باشد که ده روز در آنجا بماند یا نه، یا آن که از ده روز ماندن در آنجا و مسافرت از آنجا غافل باشد، باید از وقتی که می‌رود تا برمی‌گردد و بعد از برگشتن، نمازهای خود را تمام بخواند.

#### مسئله ۱۳۵۲

اگر به خیال این که رفقاییش می‌خواهند ده روز در محلی بمانند، قصد کند که ده روز در آنجا بماند و بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی بفهمد که آنها قصد نکرده‌اند، اگر چه خودش هم از ماندن منصرف شود، تا مدتی که در آنجا هست، باید نماز را تمام بخواند.

#### مسئله ۱۳۵۳

اگر مسافر بعد از رسیدن به هشت فرسخ، سی روز در محلی بماند و در تمام سی روز در رفتن و ماندن مردد باشد، بعد از گذشتن سی روز اگر چه مقدار کمی در آنجا بماند، باید نماز را تمام بخواند ولی اگر پیش از رسیدن به هشت فرسخ در رفتن بقیه راه مردد شود، از وقتی که مردد می‌شود، باید نماز را تمام بخواند.

#### مسئله ۱۳۵۴

مسافری که می‌خواهد نه روز یا کمتر در محلی بماند، اگر بعد از آن که نه روز یا کمتر در آنجا ماند، بخواند دوباره نه روز دیگر یا کمتر بماند، همینطور تا سی روز، روز سی و یکم باید نماز را تمام بخواند.

#### مسئله ۱۳۵۵

مسافری که سی روز مردد بوده، در صورتی باید نماز را تمام بخواند که سی روز را در یک جا بماند، پس اگر مقداری از آن را در جایی و مقداری را در جای دیگر بماند، در صورتی که این مقدار کمتر از ده روز باشد، بعد از سی روز هم باید نماز را شکسته بخواند.

#### مسائل متفرقه

#### مسئله ۱۳۵۶

مسافر می‌تواند در مسجد الحرام و مسجد پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ و مسجد کوفه نمازش را تمام بخواند. ولی اگر بخواند

در جایی که اول جزء مسجد کوفه نبوده و بعد به این مسجد اضافه شده نماز بخواند، احتیاط واجب آن است که نماز را هم تمام و هم شکسته بخواند؛ و نیز مسافر می‌تواند در حرم و رواق حضرت سید الشهدا علیه السلام بلکه در مسجد متصل به حرم نماز را تمام بخواند و اگر نماز مسافری در این چهار محل قضا شد، باید قضای آن را شکسته بخواند.

### مسئله ۱۳۵۷

کسی که می‌داند مسافر است و باید نماز را شکسته بخواند، اگر در غیر چهار مکانی که در مسأله پیش گفته شد عمداً تمام بخواند، نمازش باطل است و نیز اگر فراموش کند که نماز مسافر شکسته است و تمام بخواند، بنا بر احتیاط واجب اگر وقت هم گذشته قضا نماید.

### مسئله ۱۳۵۸

کسی که می‌داند مسافر است و باید نماز را شکسته بخواند، اگر بدون توجه و به طور عادت تمام بخواند، نمازش باطل است و نیز اگر حکم مسافر و سفر خود را فراموش کرده باشد در صورتی که وقت داشته باشد نمازش را دوباره بخواند، بلکه اگر وقت هم گذشته باشد بنا بر احتیاط واجب باید قضا نماید.

### مسئله ۱۳۵۹

مسافری که نمی‌داند باید نماز را شکسته بخواند اگر تمام بخواند نمازش صحیح است.

### مسئله ۱۳۶۰

مسافری که می‌داند باید نماز را شکسته بخواند، اگر بعضی از خصوصیات آن را نداند، مثلاً نداند که در سفر هشت فرسخی باید شکسته بخواند چنانچه تمام بخواند در صورتی که وقت باقیست باید نماز را شکسته بخواند و اگر وقت گذشته، به طور شکسته قضا نماید.

### مسئله ۱۳۶۱

مسافری که می‌داند باید نماز را شکسته بخواند، اگر به گمان این که سفر او کمتر از هشت فرسخ است تمام بخواند، وقتی بفهمد که سفرش هشت فرسخ بوده، نمازی را که تمام خوانده باید دوباره شکسته بخواند و اگر وقت هم گذشته به طور شکسته قضا نماید.

### مسئله ۱۳۶۲

اگر فراموش کند که مسافر است و نماز را تمام بخواند، چنانچه در وقت یادش بیاید، باید شکسته به جا آورد و اگر بعد از وقت یادش بیاید، قضای آن نماز بر او واجب نیست.

**مسئله ۱۳۶۳**

کسی که باید نماز را تمام بخواند، اگر شکسته به جا آورد در هر صورت نمازش باطل است.

**مسئله ۱۳۶۴**

اگر مشغول نماز چهار رکعتی شود و در بین نماز یادش بیاید که مسافر است، یا ملتفت شود که سفر او هشت فرسخ است چنانچه به رکوع رکعت سوم نرفته، باید نماز را دو رکعتی تمام کند و اگر به رکوع رکعت سوم رفته نمازش باطل است. در صورتی که به مقدار خواندن یک رکعت هم وقت داشته باشد، باید نماز را شکسته بخواند.

**مسئله ۱۳۶۵**

اگر مسافر بعضی از خصوصیات نماز مسافر را نداند، مثلاً نداند که اگر چهار فرسخ برود و همان روز یا شب آن برگردد باید شکسته بخواند، چنانچه به نیت نماز چهار رکعتی مشغول نماز شود و پیش از رکوع رکعت سوم مسأله را بفهمد، باید نماز را دو رکعتی تمام کند و اگر در رکوع ملتفت شود، نمازش باطل است و در صورتی که به مقدار یک رکعت از وقت هم مانده باشد، باید نماز را شکسته بخواند.

**مسئله ۱۳۶۶**

مسافری که باید نماز را تمام بخواند، اگر به واسطه ندانستن مسأله به نیت نماز دو رکعتی مشغول نماز شود و در بین نماز مسأله را بفهمد، باید نماز را چهار رکعتی تمام کند و احتیاط مستحب آن است که بعد از تمام شدن نماز، دوباره آن نماز را چهار رکعتی بخواند و مسافری که به واسطه ندانستن مسأله به اینکه نماز مسافر شکسته است، نمازش را تمام بخواند، نماز او صحیح است و بعد از دانستن مسأله واجب است نماز را شکسته بخواند.

**مسئله ۱۳۶۷**

مسافری که نماز نخوانده، اگر پیش از تمام شدن وقت به وطنش برسد، یا به جایی برسد که می‌خواهد ده روز در آنجا بماند، باید نماز را تمام بخواند و کسی که مسافر نیست، اگر در اول وقت نماز نخواند و مسافرت کند، در سفر باید نماز را شکسته بخواند.

**مسئله ۱۳۶۸**

اگر از مسافری که باید نماز را شکسته بخواند نماز ظهر یا عصر یا عشا قضا شود، باید آن را دو رکعتی قضا نماید اگر چه در غیر سفر بخواد قضا آن را به جا آورد. اگر از کسی که مسافر نیست یکی از این سه نماز قضا شود، باید چهار رکعتی قضا نماید اگر چه در سفر بخواد آن را قضا نماید.

**مسئله ۱۳۶۹**

مستحب است مسافر بعد از هر نمازی که شکسته می‌خواند، سی مرتبه بگوید:  
«سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ».

### نماز جمعه

### نماز قضا

#### مسئله ۱۳۷۰

کسی که نماز واجب خود را در وقت آن نخوانده، باید قضای آن را به جا آورد، اگر چه در تمام وقت نماز خواب مانده یا به واسطه مستی نماز نخوانده باشد، ولی نمازهای یومیهای را که زن در حال حیض یا نفاس نخوانده، قضا ندارد.

#### مسئله ۱۳۷۱

اگر بعد از وقت نماز بفهمد نمازی را که خوانده باطل بوده، باید قضای آن را بخواند.

#### مسئله ۱۳۷۲

کسی که نماز قضا دارد، باید در خواندن آن کوتاهی نکند، ولی واجب نیست فوراً آن را به جا آورد.

#### مسئله ۱۳۷۳

کسی که نماز قضا دارد، می‌تواند نماز مستحبی بخواند.

#### مسئله ۱۳۷۴

اگر انسان احتمال دهد که نماز قضایی دارد یا نمازهایی را که خوانده صحیح نبوده، مستحب است احتیاطاً قضای آن را به جا آورد.

#### مسئله ۱۳۷۵

قضای نمازهای یومیه لازم نیست به ترتیب خوانده شود، مگر آن که ترتیب در اداء آنها لازم باشد.

#### مسئله ۱۳۷۶

اگر بخواهد قضای چند نماز غیر یومیه مانند نماز آیات را بخواند یا مثلاً بخواهد قضای یک نماز یومیه و چند نماز غیر یومیه را بخواند، لازم نیست آنها را به ترتیب به جا آورد.

#### مسئله ۱۳۷۷

اگر کسی نداند که نمازهایی که از او قضا شده کدام یک جلوتر بوده لازم نیست به طوری بخواند که ترتیب حاصل شود و هر یک را می‌تواند مقدم بدارد.

#### مسئله ۱۳۷۸

اگر کسی که نمازهایی از او قضا شده، می‌داند کدام یک جلوتر قضا شده بهتر آن است که به ترتیب قضا کند.

#### مسئله ۱۳۷۹

اگر برای میتی می‌خواهند نماز قضا بدهند و می‌دانند آن میت ترتیب قضا شدن را می‌دانسته بهتر آن است طوری قضا را به جا بیاورند که ترتیب حاصل شود.

#### مسئله ۱۳۸۰

اگر برای میتی که در مسئله پیش گفته شد بخواهند چند نفر را اجیر کنند که نماز بخوانند، بهتر است برای آنها وقت مرتب معین کنند که با هم شروع در عمل نکنند.

#### مسئله ۱۳۸۱

اگر بدانند که میت ترتیب قضا شدن را نمی‌دانسته یا ندانند که می‌دانسته لازم نیست به ترتیب برای او قضا به جا بیاورند.

#### مسئله ۱۳۸۲

در مسئله پیش اگر بخواهند چند نفر را برای به جا آوردن نماز میت اجیر کنند لازم نیست وقت معین کنند و می‌توانند همه با هم شروع به قضا کنند.

#### مسئله ۱۳۸۳

کسی که چند نماز از او قضا شده و شماره آنها را نمی‌داند مثلاً نمی‌داند چهار تا بوده یا پنج تا، چنانچه مقدار کمتر را بخواند کافیست و همچنین اگر شماره آنها را می‌دانسته و فراموش کرده، احتیاط واجب آن است که مقدار زیادتر را بخواند.

#### مسئله ۱۳۸۴

کسی که نماز قضا از همین روز یا روزهای پیش دارد می‌تواند قبل از خواندن نمازی که قضا شده نماز ادایی را بخواند و لازم نیست نماز قضا را جلو بیندازد، اگر چه احتیاط مستحب آن است که نماز قضا را جلو بیندازد.

#### مسئله ۱۳۸۵

کسی که می‌داند یک نماز چهار رکعتی نخوانده و نمی‌داند نماز ظهر است یا عصر است یا عشا، اگر یک نماز چهار رکعتی بخواند به نیت قضای نمازی که نخوانده کافی است.

### مسئله ۱۳۸۶

اگر از روزهای گذشته نمازهای قضا دارد و یک نماز یا بیشتر هم از همان روز از او قضا شده. چنانچه برای قضای تمام آنها وقت ندارد، یا نمی‌خواهد همه را در آن روز بخواند، مستحب است نماز قضای آن روز را پیش از نماز ادا بخواند، ولی اگر ترتیب بین قضاها را می‌داند، لازم نیست نمازهای سابق را بخواند و نیز لازم نیست نمازی را که خوانده، دوباره بخواند.

### مسئله ۱۳۸۷

تا انسان زنده است اگر چه از خواندن نماز قضاها خود عاجز باشد، دیگری نمی‌تواند نمازهای او را قضا نماید.

### مسئله ۱۳۸۸

نماز قضا را با جماعت می‌شود خواند، چه نماز امام جماعت ادا باشد یا قضا و لازم نیست هر دو یک نماز را بخواند، مثلاً اگر نماز قضای صبح را با نماز ظهر یا عصر امام بخواند اشکال ندارد.

### مسئله ۱۳۸۹

مستحب است بچه ممیز را یعنی بچه ای که خوب و بد را می‌فهمد، به نماز خواندن و عبادت‌های دیگر عادت دهند، بلکه مستحب است او را به قضای نمازها هم وادار نمایند.

### نماز قضای پدر که بر پسر بزرگتر واجب است

### مسئله ۱۳۹۰

اگر پدر نماز و روزه خود را به جا نیاورده باشد، چنانچه از روی نافرمانی ترک نکرده و می‌توانسته قضا کند، بر پسر بزرگتر واجب است که بعد از مرگش به جا آورد، یا برای او اجیر بگیرد. بلکه اگر از روی نافرمانی هم ترک کرده باشد، بنا بر احتیاط واجب باید به همین طور عمل کند و نیز روزه‌ای که در سفر نگرفته، اگر چه نمی‌توانسته قضا کند، احتیاط واجب آن است که پسر بزرگتر قضا نماید، یا برای آن اجیر بگیرد و هم چنین احتیاط آن است که پسر بزرگتر، نماز و روزه‌های مادر را که در زمان حیاتش به جا نیاورده قضا نماید یا برای آن اجیر بگیرد.

### مسئله ۱۳۹۱

اگر پسر بزرگتر شک دارد که پدر نماز و روزه قضا داشته یا نه، چیزی بر او واجب نیست.

### مسئله ۱۳۹۲



اگر پسر بزرگتر بداند که پدرش نماز قضا داشته و شک کند که به جا آورده یا نه، بنا بر احتیاط واجب باید قضا نماید، یا برای آن اجیر بگیرد.

#### مسئله ۱۳۹۳

اگر معلوم نباشد که پسر بزرگتر کدام است، قضای نماز و روزه پدر بر هیچ کدام از پسرها واجب نیست. ولی احتیاط مستحب آن است که نماز و روزه او را بین خودشان قسمت کنند، یا برای انجام آن قرعه بزنند.

#### مسئله ۱۳۹۴

اگر میت وصیت کرده باشد که برای نماز و روزه او اجیر بگیرند، بعد از آن که اجیر، نماز و روزه او را به طور صحیح به جا آورد، بر پسر بزرگتر چیزی واجب نیست و همچنین اگر شخصی مجاناً و تبرعاً نماز و روزه میت را قضا نماید، باز هم بر پسر بزرگتر چیزی واجب نیست.

#### مسئله ۱۳۹۵

اگر پسر بزرگتر بخواند نماز پدر را بخواند، باید به تکلیف خود عمل کند، مثلاً قضای نمازها را باید ایستاده بخواند.

#### مسئله ۱۳۹۶

کسی که خودش نماز و روزه قضا دارد، اگر نماز و روزه پدر هم بر او واجب شود، هر کدام را اول به جا آورد، صحیح است.

#### مسئله ۱۳۹۷

اگر پسر بزرگتر موقع مرگ پدر نا بالغ یا دیوانه باشد، وقتی که بالغ شد، یا عاقل گردید، باید نماز و روزه پدر را قضا نماید و چنانچه پیش از بالغ شدن یا عاقل شدن بمیرد، بر پسر دوم چیزی واجب نیست.

#### مسئله ۱۳۹۸

اگر پسر بزرگتر پیش از آن که نماز و روزه پدر را قضا کند بمیرد، بر پسر دوم چیزی واجب نیست.

#### نماز جماعت

#### مسئله ۱۳۹۹

مستحب است نمازهای واجب خصوصاً نمازهای یومیه را به جماعت بخوانند و در نماز صبح و مغرب و عشا، خصوصاً برای همسایه مسجد و کسی که صدای اذان مسجد را می شنود، بیشتر سفارش شده است.

**مسئله ۱۴۰۰**

در روایتی وارد شده است که اگر یک نفر به امام جماعت اقتدا کند، هر رکعت از نماز آنان ثواب صد و پنجاه نماز دارد و اگر دو نفر اقتدا کنند، هر رکعتی ثواب ششصد نماز دارد و هر چه بیشتر شوند، ثواب نمازشان بیشتر می‌شود تا به ده نفر برسند و عده آنان که از ده گذشت، اگر تمام آسمان‌ها کاغذ و دریاها مرکب و درختها قلم و جن و انس و ملائکه نویسنده شوند، نمی‌توانند ثواب یک رکعت آن را بنویسند.

**مسئله ۱۴۰۱**

حاضر نشدن به نماز جماعت از روی بی‌اعتنایی جایز نیست و سزاوار نیست که انسان بدون عذر نماز جماعت را ترک کند.

**مسئله ۱۴۰۲**

مستحب است انسان صبر کند که نماز را به جماعت بخواند و نماز جماعت از نماز اول وقت که فرادی، یعنی تنها خوانده شود بهتر است و نیز نماز جماعتی را که مختصر بخوانند، از نماز فرادی که آن را طول بدهند بهتر می‌باشد.

**مسئله ۱۴۰۳**

وقتی که جماعت برپا می‌شود، مستحب است کسی که نمازش را فرادی خوانده دوباره با جماعت بخواند و اگر بعد بفهمد که نماز اولش باطل بوده، نماز دوم او کافی است.

**مسئله ۱۴۰۴**

اگر امام بخواهد نمازی را که به جماعت خوانده دوباره با جماعت بخواند، در صورتی که جماعت دوم و اشخاص آن غیر از اول باشد، اشکال ندارد و هم چنین مأمومی که نمازش را به جماعت خوانده، اگر بخواهد برای دیگران که نماز نخوانده‌اند امامت کند، نمازش صحیح است.

**مسئله ۱۴۰۵**

کسی که در نماز وسواس دارد و فقط در صورتی که نماز را با جماعت بخواند از وسواس راحت می‌شود، باید نماز را با جماعت بخواند.

**مسئله ۱۴۰۶**

اگر پدر یا مادر به فرزند خود امر کند که نماز را به جماعت بخواند، چون اطاعت پدر و مادر واجب است، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را به جماعت بخواند و قصد استجاب نماید.

**مسئله ۱۴۰۷**

احتیاط واجب آن است که نماز عید فطر و قربان را در زمان غیبت امام علیه السلام به قصد رجا با جماعت بخوانند و نمازهای

مستحبی را هم نمی‌شود به جماعت خواند، مگر نماز استسقاء که برای آمدن باران می‌خوانند.

#### مسئله ۱۴۰۸

موقعی که امام جماعت نماز یومیه می‌خواند، هر کدام از نمازهای یومیه را می‌شود به او اقتدا کرد، ولی اگر نماز یومیه‌اش را احتیاطاً دوباره می‌خواند، فقط در صورتی که مأوم احتیاطش با امام یکی باشد می‌تواند به او اقتدا کند.

#### مسئله ۱۴۰۹

اگر امام جماعت قضای نماز یومیه خود را می‌خواند می‌شود به او اقتدا کرد، ولی اگر نمازش را احتیاطاً قضا می‌کند، یا قضای نماز کس دیگر را می‌خواند، اگر چه برای آن پول نگرفته باشد، اقتدای به او اشکال دارد، مگر انسان بداند که از آن کس که برای او قضا می‌خواند نماز فوت شده که در این صورت اقتدای به او اشکال ندارد.

#### مسئله ۱۴۱۰

اگر انسان نداند نمازی را که امام می‌خواند نماز واجب یومیه است یا نماز مستحب، نمی‌تواند به او اقتدا کند.

#### مسئله ۱۴۱۱

اگر امام در محراب باشد و کسی پشت سر او اقتدا نکرده باشد و کسانی که دو طرف محراب ایستاده‌اند و به واسطه دیوار محراب امام را نمی‌بینند نمی‌توانند اقتدا کنند و اگر کسی پشت سر امام اقتدا کرده باشد، اقتدا کرده باشد و امام را ببیند کسانی که دو طرف او ایستاده‌اند و به واسطه دیوار محراب امام را نمی‌بینند، نماز آن‌ها خالی از اشکال نیست، گرچه وجهی برای صحت آن می‌باشد.

#### مسئله ۱۴۱۲

اگر به واسطه درازی صف اول، کسانی که دو طرف صف ایستاده‌اند امام را نبینند می‌توانند اقتدا کنند و نیز اگر به واسطه درازی یکی از صف‌های دیگر کسانی که دو طرف آن ایستاده‌اند، صف جلوی خود را نبینند، می‌توانند اقتدا نمایند.

#### مسئله ۱۴۱۳

اگر صف‌های جماعت تا در مسجد برسد، کسی که مقابل در پشت صف ایستاده نمازش صحیح است و نیز نماز کسانی که پشت سر او اقتدا می‌کنند صحیح می‌باشد، ولی نماز کسانی که دو طرف او ایستاده‌اند و صف جلو را نمی‌بینند اشکال دارد.

#### مسئله ۱۴۱۴

کسی که پشت ستون ایستاده، اگر از طرف راست یا چپ به واسطه مأوم دیگر به امام متصل نباشد، نمی‌تواند اقتدا کند، ولی اگر از طرف راست یا چپ متصل باشد، اما از صف جلو کسی را نبیند می‌تواند اقتدا کند.

#### مسئله ۱۴۱۵

جای ایستادن امام باید از جای مأوم بلندتر نباشد، ولی اگر مکان امام مقدار خیلی کمی بلندتر باشد اشکال ندارد و نیز اگر زمین سراشیب باشد و امام در طرفی که بلندتر است بایستد در صورتی که سراشیبی آن زیاد نباشد و طوری باشد که به آن، زمین مسطح بگویند مانعی ندارد.

#### مسئله ۱۴۱۶

اگر جای مأوم بلندتر از جای امام باشد در صورتی که بلندی به مقدار متعارف زمان قدیم باشد، مثل آن که امام در صحن مسجد و مأوم در پشت بام بایستد اشکال ندارد، ولی اگر مثل ساختمان‌های چند طبقه این زمان باشد، جماعت اشکال دارد.

#### مسئله ۱۴۱۷

اگر بین کسانی که در یک صف ایستاده‌اند بچه ممیز، یعنی بچه‌ای که خوب و بد را می‌فهمد فاصله شود، چنانچه ندانند نماز او باطل است، می‌تواند اقتدا کنند.

#### مسئله ۱۴۱۸

بعد از تکبیر امام اگر صف جلو آماده نماز و تکبیر گفتن آنان نزدیک باشد کسی که در صف بعد ایستاده، می‌تواند تکبیر بگوید ولی احتیاط مستحب آن است که صبر کند تا تکبیر صف جلو تمام شود.

#### مسئله ۱۴۱۹

اگر بدانند نماز یک صف از صف‌های جلو باطل است، در صف‌های بعد نمی‌تواند اقتدا کند، ولی اگر ندانند نماز آنان صحیح است یا نه، می‌تواند اقتدا نماید.

#### مسئله ۱۴۲۰

هر گاه بدانند نماز امام باطل است مثلاً بدانند امام وضو ندارد، اگر چه خود امام ملتفت نباشد، نمی‌تواند به او اقتدا کند.

#### مسئله ۱۴۲۱

اگر مأوم بعد از نماز بفهمد که امام عادل نبوده یا کافر بوده، یا به جهتی نمازش باطل بوده، مثلاً بی‌وضو نماز خوانده، نمازش صحیح است.

#### مسئله ۱۴۲۲

اگر در بین نماز شک کند که اقتدا کرده یا نه، چنانچه در حالی باشد که وظیفه مأوم است مثلاً به حمد و سوره امام گوش می‌دهد، می‌تواند نماز را به جماعت تمام کند و اگر مشغول کاری باشد که هم وظیفه امام و هم وظیفه مأوم است، مثلاً در رکوع یا سجده باشد، باید نماز را به نیت فردی تمام نماید.

#### مسئله ۱۴۲۳

انسان در بین نماز جماعت می‌تواند نیت فرادی کند.

#### مسئله ۱۴۲۴

اگر مأوموم به واسطه عذری بعد از حمد و سوره امام نیت فرادی کند لازم نیست حمد و سوره را بخواند، ولی اگر پیش از تمام شدن حمد و سوره نیت فرادی نماید، باید مقداری را که امام نخوانده بخواند.

#### مسئله ۱۴۲۵

اگر در بین نماز جماعت نیت فرادی نماید، بنا بر احتیاط واجب نباید دوباره نیت جماعت کند. هم چنین اگر مردد شود که نیت فرادی کند یا نه احتیاط آن است که نیت فرادی کند.

#### مسئله ۱۴۲۶

اگر شك کند که نیت فرادی کرده یا نه، باید بنا بگذارد که نیت فرادی نکرده است.

#### مسئله ۱۴۲۷

اگر موقعی که امام در رکوع است اقتدا کند و به رکوع امام برسد، اگر چه ذکر امام تمام شده باشد، نمازش به طور جماعت صحیح است و یک رکعت حساب می‌شود. اما اگر به مقدار رکوع خم شود و به رکوع امام نرسد، نمازش به طور فرادی صحیح می‌باشد و باید آن را تمام نماید.

#### مسئله ۱۴۲۸

اگر موقعی که امام در رکوع است اقتدا کند و به مقدار رکوع خم شود و شك کند که به رکوع امام رسیده یا نه، نمازش صحیح است و فرادی می‌شود.

#### مسئله ۱۴۲۹

اگر موقعی که امام در رکوع است اقتدا کند و پیش از آن که به اندازه رکوع خم شود، امام سر از رکوع بردارد، می‌تواند نیت فرادی کند یا صبر کند تا امام برای رکعت بعد برخیزد و آن را رکعت اول نماز خود حساب کند. ولی اگر برخاستن امام به قدری طول بکشد که نگویند این شخص نماز جماعت می‌خواند، باید نیت فرادی نماید.

#### مسئله ۱۴۳۰

اگر اول نماز یا بین حمد و سوره اقتدا کند و پیش از آن که به رکوع رود، امام سر از رکوع بردارد، نماز او به طور جماعت صحیح است و باید رکوع کند و خود را به امام برساند.

#### مسئله ۱۴۳۱

اگر موقعی برسد که امام مشغول خواندن تشهد آخر نماز است چنانچه بخواهد به ثواب جماعت برسد، باید بعد از نیت و گفتن تکبیره الاحرام بنشیند و تشهد را با امام بخواند ولی سلام را نگوید و صبر کند تا امام سلام نماز را بدهد، بعد بایستد و بدون آن که دوباره نیت کند و تکبیر بگوید، حمد و سوره را بخواند و آن را رکعت اول نماز خود حساب کند.

#### مسئله ۱۴۳۲

مأموم نباید جلوتر از امام بایستد و اگر مساوی او باشد اشکال ندارد، گرچه احتیاط آن است که کمی عقب‌تر از امام بایستد، ولی اگر قد او بلندتر از امام است، باید طوری بایستد که در رکوع و سجود جلوتر از امام نباشد.

#### مسئله ۱۴۳۳

در نماز جماعت باید بین مأموم و امام پرده و مانند آن که پشت آن دیده نمی‌شود فاصله نباشد و همچنین است بین انسان و مأموم دیگری که انسان به واسطه او به امام متصل شده است، ولی اگر امام مرد و مأموم زن باشد چنانچه بین آن زن و امام یا بین آن زن و مأموم دیگری که مرد است و زن به واسطه او به امام متصل شده است پرده و مانند آن باشد اشکال ندارد.

#### مسئله ۱۴۳۴

اگر بعد از شروع به نماز بین مأموم و امام، یا بین مأموم و کسی که مأموم به واسطه او متصل به امام است، پرده یا چیز دیگری که پشت آن را نمی‌توان دید فاصله شود، نمازش فرادی می‌شود و صحیح است.

#### مسئله ۱۴۳۵

اگر بین جای سجده مأموم و جای ایستادن امام به مقدار یک قدم معمولی فاصله باشد اشکال ندارد و نیز اگر بین انسان و مأمومی که جلوی او ایستاده و بوسیله او به امام متصل است به همین مقدار فاصله باشد نمازش اشکال ندارد و احتیاط مستحب آن است که جای سجده مأموم با جای کسی که جلوی او ایستاده، هیچ فاصله نداشته باشد.

#### مسئله ۱۴۳۶

اگر مأموم به واسطه کسی که طرف راست یا چپ او اقتدا کرده به امام متصل باشد و از جلو به امام متصل نباشد، چنانچه به اندازه یک قدم معمولی هم فاصله داشته باشند نمازش صحیح است.

#### مسئله ۱۴۳۷

اگر در نماز، بین مأموم و امام یا بین مأموم و کسی که مأموم به واسطه او به امام متصل است بیشتر از یک قدم فاصله پیدا شود، نمازش فرادی می‌شود و صحیح است.

#### مسئله ۱۴۳۸

اگر نماز همه کسانی که در صف جلو هستند تمام شود یا همه نیت فرادی نمایند، اگر فاصله به اندازه یک قدم نباشد، نماز صف بعد به طور جماعت صحیح و اگر بیشتر از این مقدار باشد، فرادی می‌شود و صحیح است.

**مسئله ۱۴۳۹**

اگر در رکعت دوم اقتدا کند، قنوت و تشهد را با امام می‌خواند و احتیاط آن است که موقع خواندن تشهد انگشتان دست و سینه پا را به زمین بگذارد و زانوها را بلند کند و باید بعد از تشهد با امام برخیزد و حمد و سوره را بخواند و اگر برای سوره وقت ندارد، حمد را تمام کند و در رکوع یا سجده خود را به امام برساند، یا نیت فردی کند و نمازش صحیح است، ولی اگر در سجده به امام برسد، بهتر است که احتیاطاً نماز را دوباره بخواند.

**مسئله ۱۴۴۰**

اگر موقعی که امام در رکعت دوم نماز چهار رکعتیست اقتدا کند، باید در رکعت دوم نمازش که رکعت سوم امام است بعد از دو سجده بنشیند و تشهد را به مقدار واجب بخواند و برخیزد و چنانچه برای گفتن سه مرتبه تسبیحات وقت ندارد، یک مرتبه بگوید و در رکوع یا سجده خود را به امام برساند.

**مسئله ۱۴۴۱**

اگر امام در رکعت سوم یا چهارم باشد و مأموم بداند که اگر اقتدا کند و حمد را بخواند به رکوع امام نمی‌رسد، بنا بر احتیاط واجب باید صبر کند تا امام به رکوع رود، بعد اقتدا نماید.

**مسئله ۱۴۴۲**

اگر در رکعت سوم یا چهارم امام اقتدا کند، باید حمد و سوره را بخواند و اگر برای سوره وقت ندارد، باید حمد را تمام کند و در رکوع یا سجده خود را به امام برساند، ولی اگر در سجده به امام برسد، بهتر است که احتیاطاً نماز را دوباره بخواند.

**مسئله ۱۴۴۳**

کسی که می‌داند اگر سوره را بخواند در رکوع به امام نمی‌رسد، باید سوره را نخواند ولی اگر خواند، نمازش صحیح است.

**مسئله ۱۴۴۴**

کسی که اطمینان دارد که اگر سوره را شروع کند یا تمام نماید به رکوع امام می‌رسد، احتیاط واجب آن است که سوره را شروع کند یا اگر شروع کرده تمام نماید.

**مسئله ۱۴۴۵**

کسی که یقین دارد، اگر سوره را بخواند به رکوع امام می‌رسد، چنانچه سوره را بخواند و به رکوع امام نرسد، نمازش صحیح است.

**مسئله ۱۴۴۶**

اگر امام ایستاده باشد و مأموم نداند که در کدام رکعت است، می‌تواند اقتدا کند، ولی باید حمد و سوره را به قصد قربت بخواند و

اگر چه بعد بفهمد که امام در رکعت اول یا دوم بوده، نمازش صحیح است.

#### مسئله ۱۴۴۷

اگر به خیال این که امام در رکعت اول یا دوم است حمد و سوره بخواند و بعد از رکوع بفهمد که در رکعت سوم یا چهارم بوده نمازش صحیح است. ولی اگر پیش از رکوع بفهمد، باید حمد و سوره را بخواند و اگر وقت ندارد، فقط حمد را بخواند و در رکوع یا سجده خود را به امام برساند.

#### مسئله ۱۴۴۸

اگر به خیال این که امام در رکعت سوم یا چهارم است حمد و سوره بخواند و پیش از رکوع یا بعد از آن بفهمد که در رکعت اول یا دوم بوده، نمازش صحیح است.

#### مسئله ۱۴۴۹

اگر موقعی که مشغول نماز مستحیبت جماعت برپا شود، چنانچه اطمینان ندارد که اگر نماز را تمام کند به جماعت برسد، مستحب است نماز را رها کند و مشغول نماز جماعت شود. بلکه اگر اطمینان نداشته باشد که به رکعت اول برسد، مستحب است به همین دستور رفتار نماید.

#### مسئله ۱۴۵۰

اگر موقعی که مشغول نماز سه رکعتی یا چهار رکعتیست جماعت برپا شود، چنانچه به رکوع رکعت سوم نرفته و اطمینان ندارد که اگر نماز را تمام کند به جماعت برسد. مستحب است به نیت نماز مستحبی نماز را دو رکعتی تمام کند و خود را به جماعت برساند.

#### مسئله ۱۴۵۱

اگر نماز امام تمام شود و مأوم مشغول تشهد یا سلام اول باشد، لازم نیست نیت فرادی کند.

#### مسئله ۱۴۵۲

کسی که یک رکعت از امام عقب مانده، وقتی امام تشهد رکعت آخر را می‌خواند، می‌تواند برخیزد و نماز را تمام کند و یا انگشتان دست و سینه پا را به زمین بگذارد و زانوها را بلند نگه‌دارد و صبر کند تا امام سلام نماز را بگوید و بعد برخیزد.

#### شرایط امام جماعت

#### شرایط امام جماعت

#### مسئله ۱۴۵۳

امام جماعت باید بالغ و عاقل و شیعه دوازده امامی و عادل و حلال زاده باشد و نماز را به طور صحیح بخواند و اگر مأوم مرد است



باید امام او هم مرد باشد، اقتدا کردن بچه ممیز که خوب و بد را می‌فهمد و حدود ده سال دارد به بچه ممیز دیگر خالی از وجه نیست، اگر چه آثار جماعت بر آن مترتب نمی‌شود و احتیاط آن است که در غیر نماز میت، زن امامت نکند.

### مسئله ۱۴۵۴

امامی را که عادل می‌دانسته، اگر شک کند به عدالت خود باقیست یا نه، می‌تواند به او اقتدا نماید.

### مسئله ۱۴۵۵

کسی که ایستاده نماز می‌خواند، نمی‌تواند به کسی که نشسته یا خوابیده نماز می‌خواند اقتدا کند. کسی که نشسته نماز می‌خواند، نمی‌تواند به کسی که خوابیده نماز می‌خواند اقتدا نماید.

### مسئله ۱۴۵۶

کسی که نشسته نماز می‌خواند، می‌تواند می‌تواند به کسی که نشسته نماز می‌خواند اقتدا کند ولی بنا بر احتیاط واجب کسی که خوابیده است، نباید به کسی که نشسته و یا خوابیده نماز می‌خواند اقتدا نماید.

### مسئله ۱۴۵۷

اگر امام جماعت به واسطه عذری با تیمم یا با وضوی جیره‌ای نماز بخواند، می‌شود به او اقتدا کرد، ولی اگر به واسطه عذری با لباس نجس نماز می‌خواند، بنا بر احتیاط واجب نباید به او اقتدا کرد.

### مسئله ۱۴۵۸

اگر امام مرضی دارد که نمی‌تواند از بیرون آوردن بول و غائط خودداری کند، بنا بر احتیاط واجب، نمی‌شود به او اقتدا کرد و نیز زنی که مستحاضه نیست، نمی‌تواند به زن مستحاضه اقتدا نماید.

### مسئله ۱۴۵۹

بنا بر احتیاط واجب کسی که مرض خوره یا پیسی دارد، نباید امام جماعت شود و به کسی که به او حدّ شرعی جاری شده است، اقتدا ننمایند.

### نماز جماعت

### احکام جماعت

### مسئله ۱۴۶۰

موقعی که مأوم نیت می‌کند، باید امام را معین نماید. ولی دانستن اسم او لازم نیست، مثلاً اگر نیت کند اقتدا می‌کنم به امام حاضر، نمازش صحیح است.

#### مسئله ۱۴۶۱

مأوم باید غیر از حمد و سوره همه چیز نماز را خودش بخواند، ولی اگر رکعت اول یا دوم او رکعت سوم یا چهارم امام باشد، باید حمد و سوره را بخواند.

#### مسئله ۱۴۶۲

اگر مأوم در رکعت اول و دوم نماز صبح و مغرب و عشا صدای حمد و سوره امام را بشنود، اگر چه کلمات را تشخیص ندهد، باید حمد و سوره را نخواند و اگر صدای امام را نشنود، مستحب است حمد و سوره بخواند، ولی باید آهسته بخواند و چنانچه سهواً بلند بخواند اشکال ندارد.

#### مسئله ۱۴۶۳

اگر مأوم بعضی از کلمات حمد و سوره امام را بشنود، احتیاط واجب آن است که حمد و سوره را نخواند.

#### مسئله ۱۴۶۴

اگر مأوم سهواً حمد و سوره بخواند، یا خیال کند صدایی را که می‌شنود صدای امام نیست و حمد و سوره بخواند و بعد بفهمد صدای امام بوده، نمازش صحیح است.

#### مسئله ۱۴۶۵

اگر شك کند که صدای امام را می‌شنود یا نه، یا صدایی بشنود و نداند صدای امام است یا صدای کس دیگر، می‌تواند حمد و سوره بخواند.

#### مسئله ۱۴۶۶

مأوم باید در رکعت اول و دوم نماز ظهر و عصر، حمد و سوره نخواند و مستحب است به جای آن ذکر بگوید.

#### مسئله ۱۴۶۷

مأوم نباید تکبیره الاحرام را پیش از امام بگوید، بلکه احتیاط واجب آن است که تا تکبیر امام تمام نشده تکبیر نگوید.

#### مسئله ۱۴۶۸

اگر مأوم پیش از امام عمدا هم سلام دهد، نمازش صحیح است.

### مسئله ۱۴۶۹

اگر مأوم غیر از تکبیرة الاحرام و سلام چیزهای دیگر نماز را پیش از امام بگوید اشکال ندارد. ولی اگر آنها را بشنود، یا بداند امام چه وقت می‌گوید، احتیاط مستحب آن است که پیش از امام نگوید.

### مسئله ۱۴۷۰

مأوم باید غیر از آنچه در نماز خوانده می‌شود، کارهای دیگر آن، مانند رکوع و سجود را با امام یا کمی بعد از امام به جا آورد. اگر عمدا پیش از امام یا مدتی بعد از امام انجام دهد، معصیت کرده ولی نمازش صحیح است. اما اگر در حال قرائت امام به رکوع رود نمازش باطل می‌شود و نیز اگر دو رکن پشت سرهم از امام جلو یا عقب بیفتند، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را تمام کند و دوباره بخواند.

### مسئله ۱۴۷۱

اگر سهواً پیش از امام سر از رکوع بردارد، چنانچه امام در رکوع باشد، باید به رکوع برگردد و با امام سر بردارد و در این صورت زیاد شدن رکوع که رکن است نماز را باطل نمی‌کند، ولی اگر به رکوع برگردد و پیش از آن که به رکوع برسد، امام سر بردارد نمازش باطل است.

### مسئله ۱۴۷۲

اگر اشتباها سر بردارد و ببیند امام در سجده است باید به سجده برگردد و چنانچه در هر دو سجده این اتفاق بیفتد، برای زیاد شدن دو سجده که رکن است، نماز باطل نمی‌شود.

### مسئله ۱۴۷۳

کسی که اشتباها پیش از امام سر از سجده برداشته هر گاه به سجده برگردد و هنوز به سجده نرسیده امام سر بردارد، نمازش صحیح است ولی اگر در هر دو سجده از یک رکعت این اتفاق بیفتد، نماز باطل است.

### مسئله ۱۴۷۵

اگر سر از سجده بردارد و ببیند امام در سجده است، چنانچه به خیال این که سجده اول امام است، به قصد این که با امام سجده کند به سجده رود و بفهمد سجده دوم امام بوده، باید بنا بر احتیاط نماز را تمام کند و از سر بخواند. اگر به خیال این که سجده دوم امام است به سجده رود و بفهمد سجده اول امام بوده، احتیاط آن است که نماز را فرادی تمام نماید اگر چه می‌تواند متابعت امام را بکند و به سجده رود و نماز را تمام کند.

**مسئله ۱۴۷۴**

اگر اشتباها سر از رکوع یا سجده بردارد و سهواً یا به خیال این که به امام نمی‌رسد، به رکوع یا سجده نرود، نمازش صحیح است.

**مسئله ۱۴۷۶**

اگر سهواً پیش از امام به رکوع رود و طوری باشد که اگر سر بردارد به مقداری از قرائت امام می‌رسد، چنانچه سر بردارد و با امام به رکوع رود، نمازش صحیح است.

**مسئله ۱۴۷۷**

اگر سهواً پیش از امام به رکوع رود و طوری باشد که اگر برگردد به چیزی از قرائت امام نمی‌رسد، احتیاط واجب آن است که سر بردارد و با امام نماز را تمام کند و نمازش صحیح است و اگر سر بردارد تا امام برسد، نمازش صحیح است.

**مسئله ۱۴۷۸**

اگر پیش از امام به سجده رود، احتیاط واجب آن است که سر بردارد و با امام به سجده رود و اگر سر برنداشت، نمازش صحیح است.

**مسئله ۱۴۷۹**

اگر امام در رکعتی که قنوت ندارد اشتباها قنوت بخواند، یا در رکعتی که تشهد ندارد اشتباها مشغول خواندن تشهد شود، مأوم نباید قنوت و تشهد را بخواند ولی نمی‌تواند پیش از امام به رکوع رود، یا پیش از ایستادن امام بایستد، بلکه باید صبر کند تا قنوت و تشهد امام تمام شود و بقیه نماز را با او بخواند.

**چیزهایی که در نماز جماعت مستحب است****مسئله ۱۴۸۰**

اگر مأوم یک مرد باشد، مستحب است طرف راست امام بایستد و اگر زن باشد، مستحب است در طرف راست امام طوری بایستد که جای سجده‌اش مساوی زانو یا قدم امام باشد و اگر یک مرد و یک زن یا یک مرد و چند زن باشند، مستحب است مرد طرف راست امام و باقی پشت سر امام بایستند و اگر چند مرد یا چند زن باشند، مستحب است مردها عقب امام و زن‌ها پشت مردها بایستند.

**مسئله ۱۴۸۱**

اگر امام و مأوم هر دو زن باشند، احتیاط آن است که امام کمی جلوتر بایستد.

**مسئله ۱۴۸۲**

مستحب است امام در وسط صف بایستد و اهل علم و کمال و تقوا در صف اول بایستند.

**مسئله ۱۴۸۳**

مستحب است صف‌های جماعت منظم باشد و بین کسانی که در یک صف ایستاده‌اند فاصله نباشد و شانه آنان ردیف یک دیگر باشد.

**مسئله ۱۴۸۴**

مستحب است بعد از گفتن قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ، مأمومین برخیزند.

**مسئله ۱۴۸۵**

مستحب است امام جماعت حال مأمومی را که از دیگران ضعیف‌تر است رعایت کند و عجله نکند تا افراد ضعیف به او برسند و نیز مستحب است قنوت و رکوع و سجود را طول ندهد، مگر بدانند همه کسانی که به او اقتدا کرده‌اند مایلند.

**مسئله ۱۴۸۶**

مستحب است امام جماعت در حمد و سوره و ذکرهایی که بلند می‌خواند صدای خود را به قدری بلند کند که دیگران بشنود، ولی باید بیش از اندازه صدا را بلند نکند.

**مسئله ۱۴۸۷**

اگر امام در رکوع بفهمد کسی تازه رسیده و می‌خواهد اقتدا کند، مستحب است رکوع را دو برابر همیشه طول بدهد و بعد برخیزد، اگر چه بفهمد کس دیگری هم برای اقتدا وارد شده است.

**چیزهایی که در نماز جماعت مکروه است****مسئله ۱۴۸۸**

اگر در صف‌های جماعت جا باشد، مکروه است انسان تنها بایستد.

**مسئله ۱۴۸۹**

مکروه است مأموم ذکرهای نماز را طوری بگوید که امام بشنود.

**مسئله ۱۴۹۰**

مسافری که نماز ظهر و عصر و عشا را دو رکعت می‌خواند، مکروه است در این نمازها به کسی که مسافر نیست اقتدا کند و کسی که مسافر نیست، مکروه است در این نمازها به مسافر اقتدا نماید.

### نماز جمعه

#### مسئله ۱۴۹۱

در زمان غیبت ولی عصر (عج) نماز جمعه واجب تخیر نیست (یعنی مکلف می‌تواند روز جمعه به جای نماز ظهر نماز جمعه بخواند) ولی نماز جمعه افضل است و نماز ظهر احوط و احتیاط بیشتر در آن است که هر دو را به جا آورد.

#### مسئله ۱۴۹۲

کسی که نماز جمعه را به جا آورده واجب نیست نماز ظهر را هم بخواند، ولی احتیاط مستحب آن است که آن را نیز به جا آورد.

### احکام نماز جمعه

#### مسئله ۱۴۹۳

نماز جمعه تنها توسط مردان منعقد می‌شود، ولی زنان هم می‌توانند در آن شرکت کنند.

#### مسئله ۱۴۹۴

نماز جمعه باید به جماعت برگزار شود و نمی‌توان آن را به طور فردی به جا آورد.

#### مسئله ۱۴۹۵

همه شرایطی که در نماز جماعت معتبر است در نماز جمعه نیز لازم است، مانند نبودن حائل، بالاتر نبودن جای امام، فاصله بیش از حد نداشتن و غیر اینها.

#### مسئله ۱۴۹۶

همه شرایطی که در امام جماعت لازم است باید در امام جمعه هم باشد مانند عقل، ایمان، حلال زادگی و عدالت. ولی امامت کودکان ممیز و زنان در نماز جمعه جائز نیست اگر چه در نمازهای دیگر امامت زنان برای زنان و کودکان ممیز برای خودشان جائز است.

#### مسئله ۱۴۹۷

بر هر مرد مکلف آزاد غیر مسافری که نابینا، بیمار و پیر و فرتوت نباشد، نماز جمعه واجب است، البته در صورتی که فاصله او تا

محل اقامه جمعه بیش از دو فرسخ نباشد، بنا براین بر کسانی که فاقد یکی از این شروط باشند حرکت به سوی نماز جمعه به فرض اینکه وجوب تعیینی هم داشته باشد واجب نیست گرچه حضور در آن برایشان هیچ مشقتی نداشته باشد.

### مسئله ۱۴۹۸

کمترین فاصله لازم بین دو نماز جمعه یک فرسخ شرعی است.

### مسئله ۱۴۹۹

کمترین عدد لازم برای انعقاد نماز جمعه - ۵ نفر - است که باید یکی از آنها امام باشد، پس نماز جمعه با کمتر از ۵ نفر واجب نیست و منعقد نمی‌شود ولی اگر ۷ نفر و بیشتر باشند فضیلت جمعه بیشتر خواهد بود.

### مسئله ۱۵۰۰

در صورت وجود شرایط لازم، نماز جمعه بر سکنه شهرها و شهرکها و حاشیه نشینان آنها و روستاییان، چادر نشینان و بیابانگردهایی که روش زندگی آنها چنین است واجب است.

### مسئله ۱۵۰۱

فاقدین شرایط وجوب نماز جمعه اگر اتفاقاً در نماز حاضر شوند یا با مشقت خود را به آن برسانند نمازشان صحیح است و نماز ظهر بر آنها واجب نیست. همچنین کسانی که با وجود باران یا سرمای شدید یا نداشتن پا یا عضو دیگر که موجب مشقت و اسقاط تکلیف نماز جمعه است در نماز جمعه شرکت کرده‌اند، نمازشان صحیح است، اما اگر دیوانه به نماز جمعه پردازد نمازش صحیح نیست ولی نماز جمعه پسران نابالغ صحیح است گرچه نمی‌توانند مکمل عدد لازم - ۵ نفر - باشند همانگونه که نمی‌توانند به تنهایی تشکیل نماز جمعه بدهند.

### مسئله ۱۵۰۲

مسافر می‌تواند در نماز جمعه شرکت کند و در این صورت نماز ظهر از او ساقط است. لکن مسافرین به تنهایی (بدون شرکت حاضرین) نمی‌توانند نماز جمعه تشکیل دهند و در این صورت نماز ظهر بر آنها واجب است و نیز مسافر نمی‌تواند مکمل عدد لازم - ۵ نفر - باشد ولی اگر مسافرین قصد اقامه (ده روز یا بیشتر) نمایند می‌توانند نماز جمعه تشکیل دهند.

### مسئله ۱۵۰۳

زنان می‌توانند در نماز جمعه شرکت کنند و نمازشان صحیح است و مجزی از نماز ظهر است اما به تنهایی (بدون شرکت مردان) نمی‌توانند نماز جمعه تشکیل دهند چنانکه نمی‌توانند مکمل عدد لازم - ۵ نفر - هم باشند؛ زیرا نماز جمعه تنها با شرکت مردان منعقد می‌شود.

**مسئله ۱۵۰۴**

خنثی مشکله یعنی کسی که مرد یا زن بودنش معلوم نیست می‌تواند در نماز جمعه شرکت کند ولی نمی‌تواند مکمل عدد لازم - ۵ نفر - یا امام جمعه باشد پس اگر غیر از او فقط چهار نفر جمع شده باشند نماز جمعه برگزار نمی‌شود و باید نماز ظهر بخوانند

**مسئله ۱۵۰۵**

وقت نماز جمعه با زوال خورشید شروع می‌شود و تا وقتی که سایه شاخص به اندازه دو قدم متعارف برسد، امتداد دارد، ولی احتیاط واجب آن است که از اوایل عرفی زوال ظهر تأخیر نیاندازند و اگر تأخیر افتاد احتیاط مستحب آن است که نماز ظهر را بخوانند.

**مسئله ۱۵۰۶**

اگر امام خطبه‌ها را قبلاً شروع کرده و هنگام زوال به پایان برساند و نماز جمعه را شروع کند صحیح است.

**مسئله ۱۵۰۷**

جایز نیست امام جمعه خطبه‌ها را آن قدر طولانی کند که وقت نماز بگذرد، و الا باید نماز ظهر را بخواند، زیرا نماز جمعه در خارج وقت آن قضا ندارد.

**مسئله ۱۵۰۸**

اگر در بین نماز جمعه وقت آن تمام شود در صورتی که یک رکعت آن در وقت واقع شده باشد صحیح است ولی احتیاط مستحب آن است که پس از اتمام آن، نماز ظهر را هم به جا آورد و اگر یک رکعت آن در وقت واقع نشده باطل است ولی احتیاط مستحب آن است که آن را تمام کند و سپس نماز ظهر را بخواند.

**مسئله ۱۵۰۹**

اگر عمداً نماز جمعه را طوری به تأخیر بیاندازند که تنها برای یک رکعت آن وقت باقی باشد احتیاط واجب آن است که نماز ظهر را به جا آورند.

**مسئله ۱۵۱۰**

اگر یقین دارد وقت به اندازه‌ای هست که می‌تواند حداقل واجب را در تحقق دو خطبه و دو رکعت نماز به جا آورد بین نماز جمعه و ظهر مخیر است و اگر یقین دارد که به این اندازه وقت نیست باید نماز ظهر را بخواند و اگر شک دارد، نماز جمعه صحیح است ولی در صورتی که پس از نماز معلوم شود که حتی برای یک رکعت هم وقت باقی نبوده، باید نماز ظهر را به جا آورد گرچه احتیاط مستحب آن است که اگر تنها یک رکعت آن هم در وقت واقع شده، نماز ظهر را بخواند.

**مسئله ۱۵۱۱**



اگر مقدار وقت را می‌داند ولی شک دارد که در این مقدار می‌تواند نماز جمعه را به جا آورد یا نه، جایز است نماز جمعه را شروع کند، پس اگر وقت برای همه نماز کافی بود نمازش صحیح است و الاً باید نماز ظهر را به جا آورد، ولی احتیاط مستحب آن است که در این صورت اساساً نماز ظهر را اختیار کند.

### مسئله ۱۵۱۲

در صورتی که نماز جمعه با عدد کامل و در وقت دامنه دار شروع شده ولی مأومی به رکعت اول نرسیده باشد، اگر به رکعت دوم، ولو به رکوع آن، برسد و اقتدا کند نمازش صحیح است (به شرط آن که بدانند وقت به اندازه‌ای هست که رکعت دوم او هم در وقت واقع می‌شود) در این صورت دومین رکعت نماز خود را به طور فردی به جا آورد ولی برای کسی که تکبیر رکوع رکعت دوم امام را درک نکرده بهتر آن است که نیت خود را به ظهر برگرداند و نماز ظهر را به جا آورد.

### کیفیت نماز جمعه

### مسئله ۱۵۱۳

نماز جمعه دو رکعت است و کیفیت آن مانند نماز صبح است و مستحب است که حمد و سوره با صدای بلند خوانده شود و در رکعت اول بعد از حمد، سوره جمعه و در رکعت دوم، سوره منافقون را قرائت نمایند.

### مسئله ۱۵۱۴

نماز جمعه دارای دو قنوت است، قنوت اول قبل از رکوع رکعت اول و قنوت دوم پس از رکوع رکعت دوم است.

### مسئله ۱۵۱۵

نماز جمعه دارای دو خطبه است که مانند اصل نماز واجب بوده و باید توسط امام جمعه ایراد شود. بدون این دو خطبه نماز جمعه محقق نمی‌شود.

### مسئله ۱۵۱۶

واجب است دو خطبه را قبل از نماز جمعه بخواند و اگر اول نماز جمعه را به جا آورد باطل است و در صورتی که وقت باقیست باید پس از ایراد خطبه‌ها مجدداً نماز جمعه را بخواند ولی اگر نسبت به حکم مسئله جاهل بوده یا اشتباه کرده، اعاده خطبه‌ها لازم نیست بلکه اعاده نماز هم لازم نیست.

### مسئله ۱۵۱۷

جائز است دو خطبه نماز جمعه قبل از ظهر شرعی ایراد شود به طوری که پایان خطبه‌ها با ظهر شرعی مصادف باشد. ولی احتیاط مستحب آن است که آنها را در وقت ظهر بخواند.

**مسئله ۱۵۱۸**

در خطبه اول واجب است حمد الهی گر چه به هر لفظی که حمد الهی محسوب شود جائز است، ولی احتیاط مستحب آن است که به لفظ جلاله «الله باشد و احتیاط واجب آن است که پس از آن به ثنای الهی پردازد و سپس به پیغمبر اسلام درود فرستد و واجب است مردم را به تقوی سفارش کند و یک سوره کوچک از قرآن را بخواند و در خطبه دوم نیز حمد و ثنای الهی (به صورتی که ذکر شد) و درود بر پیغمبر اسلام واجب است و احتیاط واجب آن است که در این خطبه نیز به تقوی سفارش کند و سوره کوچکی از قرآن تلاوت نماید و احتیاط مستحب و مؤکد آن است که در خطبه دوم پس از درود بر پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و ائمه معصومین علیهم السلام نیز درود فرستد و برای مؤمنین استغفار کند.

و بهتر است از خطبه های منسوب به امیر المؤمنین علیه السلام یا آنچه از ائمه معصومین علیهم السلام وارد شده انتخاب کند.

**مسئله ۱۵۱۹**

شایسته است امام خطیب، بلیغ باشد و به تناسب اوضاع و احوال سخن گوید و عبارات فصیح و روان به کار برد، به حوادثی که در سراسر عالم بر مسلمین می گذرد به خصوص حوادث منطقه خود، آشنا باشد. مصالح اسلام و مسلمین را تشخیص دهد. چنان شجاع باشد که در راه خدا از ملامت و نکوهش احدی بیم به خود راه ندهد، در اظهار حق و ابطال باطل بر حسب شرایط زمان و مکان صراحت داشته باشد، اموری از قبیل مواظبت در اوقات نماز و عمل به روش صلحا و اولیاء خدا را که موجب تأثیر کلام او در مردم است رعایت کند، کارهای او با مواعظ و وعد و وعیدهایش تطبیق نماید، از آنچه که موجب سبکی او و کلامش می شود حتی از قبیل پر گویی، شوخی و بیهوده گویی بپرهیزد و همه این امور را تنها برای خداوند رعایت کند و هدفش اعراض از دنیاپرستی و ریاست طلبی باشد که سر سلسله همه گناهان است تا کلامش در جان مردم مؤثر افتد.

**مسئله ۱۵۲۰**

شایسته است امام خطیب در خطبه نماز جمعه مصالح دین و دنیای مسلمین را تذکر دهد و مردم را در جریان مسایل زیان بار و سودمند کشورهای اسلامی و غیر اسلامی قرار دهد و نیازهای مسلمین را در امر معاد و معاش تذکر دهد و از امور سیاسی و اقتصادی آنچه را که در استقلال و کیان مسلمین نقش مهمی دارد گوشزد کند و کیفیت صحیح روابط آنان را با سایر ملل بیان نماید و مردم را از دخالت های دول ستمگر و استعمارگر در امور سیاسی و اقتصادی مسلمین که منجر به استعمار و استثمار آنها می شود بر حذر دارد. خلاصه نماز جمعه و دو خطبه آن نظیر حج و مراکز تجمع آن و نمازهای عید فطر و قربان و غیره از سنگرهای بزرگیست که متأسفانه مسلمانان از وظایف مهم سیاسی خود را آن غافل مانده اند، چنانچه از سایر پایگاه های عظیم سیاست اسلامی هم غافلند. اسلام دین سیاست آن هم در همه شئون آن است و کسی که در احکام قضایی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اسلام اندکی تأمل کند متوجه این معنی می شود. هر کس گمان کند دین از سیاست جدا است، جاهلیست که نه اسلام و نه سیاست را می شناسد.

**مسئله ۱۵۲۱**

مستحب است امام خطیب در زمستان و تابستان عمامه داشته باشد و ردایی از بُرد یمانی یا (عدنی) بپوشد و خود را بیاراید، تمیزترین

لباس‌های خود را بپوشد و بوی خوش به کار برد به طوری که با وقار و سکینه باشد و قبل از خطابه هنگامی که مؤذن اذان می‌گوید او بر منبر نشسته باشد تا اذان به پایان رسد و خطبه را آغاز کند و هنگام صعود بر منبر خطابه روبروی مردم بایستد و سلام کند و مردم نیز با چهره‌های خود از او استقبال کنند و به چیزی مثل اسلحه و عصا تکیه کند و مردم نیز خود را روبروی او قرار دهند.

#### مسئله ۱۵۲۲

واجب است امام جمعه شخصا و در حال ایستاده به ایراد خطبه پردازد و اگر نتواند خطبه‌ها را در حال ایستاده بخواند، باید دیگری به ایراد خطبه پردازد و امامت نماز را هم به عهده گیرد و اگر هیچکس برای ایراد خطبه‌ها در حال ایستاده پیدا نشود، نماز جمعه ساقط و نماز ظهر واجب است.

#### مسئله ۱۵۲۳

جایز نیست امام جمعه خطبه‌ها و به خصوص موعظه و توصیه به تقوی را به آهستگی ادا کند و احتیاط واجب آن است که با صدای بلند به ایراد خطبه پردازد به طوری که حداقل عدد لازم - ۴ نفر - صدای او را بشنوند بلکه احتیاط مستحب آن است که در هنگام موعظه و سفارش به تقوی صدای خود را چنان بلند نماید که همه حاضرین موعظ او را بشنوند و در مجامع بزرگ به توسط بلندگوها به خطبه پردازد تا تشویق و تحذیر و مسایل مهمه را به گوش همگان برساند.

#### مسئله ۱۵۲۴

احتیاط مستحب آن است که امام در حال خطبه سخنی غیر مربوط به خطبه‌ها نگوید البته در فاصله بین خطبه‌ها و نماز، سخن گفتن بلامانع است.

#### مسئله ۱۵۲۵

واجب است امام پس از خطبه اول مقدار کمی بنشیند و سپس به خطبه دوم پردازد.

#### مسئله ۱۵۲۶

احتیاط مستحب آن است که امام و مستمعین در حال خطبه واجد طهارت کامل (که برای نماز معتبر است) باشند.

#### مسئله ۱۵۲۷

احتیاط مستحب آن است که مأمومین در حال خطبه روبروی امام بوده و بیش از مقداری که در نماز می‌توانند خود را از قبله منحرف کنند رو بزنگردانند.

#### مسئله ۱۵۲۸

واجب است مأمومین به خطبه های امام گوش فرا دهند و احتیاط مستحب آن است که ساکت باشند و از حرف زدن بپرهیزند که صحبت کردن در وقت خطبه ها مکروه است بلکه اگر سخن گفتن مأمومین موجب نشیندن خطبه و از بین رفتن فایده آن باشد سکوت لازم است.

### مسئله ۱۵۲۹

احتیاط واجب آن است که امام جمعه در خطبه حمد الهی و درود بر پیغمبر و ائمه علیهم السلام را به زبان عربی ایراد نماید، گرچه او و مستمعین او عرب نباشند، اما می تواند در مقام وعظ و توصیه به تقوی به زبان دیگری تکلم نماید و احتیاط مستحب آن است که موعظه و آنچه را به مصالح مسلمین مربوط می شود به زبان مستمعین ادا نماید، اگر مستمعین مختلفند آنها را به زبان های مختلف تکرار کند. گرچه در صورتی که مأمومین بیش از حد نصاب - ۴ نفر - باشند می تواند به زبان حد نصاب - ۴ نفر - اکتفا نماید ولی احتیاط در آن است که آنها را به زبان خودشان موعظه کند.

### مسئله ۱۵۳۰

اذان دوم در روز جمعه بدعت و حرام است.

### وقت نماز جمعه

### مسئله ۱۵۳۱

کسی که نماز جمعه را به امامی اقتدا کرده می تواند نماز عصر را نیز به همان امام اقتدا کند، ولی اگر بخواهد احتیاطاً نماز ظهر را هم بخواند باید پس از پایان نماز جماعت مجدداً نماز ظهر و عصر را به طور فرادی به جا آورد مگر اینکه امام هم بعد از خواندن نماز جمعه احتیاطاً نماز ظهر را به جا آورده باشد که در این صورت اگر مأموم نیز همینطور عمل کرده لازم نیست نماز عصر را تکرار کند.

### مسئله ۱۵۳۲

اگر امام و مأموم بخواهند پس از نماز جمعه نماز ظهر را احتیاطاً به جا آورند می توانند آن را به جماعت برگزار کنند ولی مأمومی که در نماز جمعه شرکت نکرده اگر به این نماز احتیاطی اقتدا کند از نماز ظهر او مجزی نیست و باید آن را اعاده نماید.

### مسئله ۱۵۳۳

اگر مأمومی که رکوع رکعت اول امام جمعه را درک کرده به علت کثرت جمعیت یا غیر آن نتواند در سجده ها با امام همراهی کند در این صورت اگر بتواند (پس از قیام امام برای رکعت دوم) سجده ها را خود به جا آورده و قبل از رکوع یا در حین آن به امام ملحق شود، نمازش صحیح است. و الاً باید به حال خود باقی بماند تا امام به سجده های رکعت دوم برسد آنگاه دو سجده را به نیت سجده های رکعت اول نماز خود همراه امام به جا آورد و سپس رکعت دوم را فرادی بخواند و نمازش صحیح است. ولی اگر آنها را به نیت سجده های رکعت دوم و یا به نیت متابعت امام انجام دهد احتیاط واجب آن است که از آن دو سجده صرف نظر کرده و دو

سجده دیگر به نیت سجده‌های رکعت اول به جا آورده و سپس به رکعت دوم پردازد و پس از اتمام نماز، نماز ظهر را به جا آورد.

### مسئله ۱۵۳۴

اگر مأوموم به قصد اتصال به نماز، در رکوع رکعت دوم تکبیر بگوید و به رکوع برود ولی شک کند که رکوع امام را درک کرده یا نه، نماز جمعه او محقق نمی‌شود و احتیاط واجب آن است که نماز را به نیت نماز ظهر به پایان برساند و سپس نماز ظهر را اعاده کند.

### مسئله ۱۵۳۵

اگر مأومومین پس از اتمام خطبه‌ها و شروع نماز امام، از اقتدا به او خود داری کنند و امام را تنها بگذارد نماز جمعه منعقد نشده و باطل است و امام می‌تواند آن نماز را رها نموده و به نماز ظهر پردازد، ولی احتیاط مستحب آن است که نیت خود را به ظهر برگرداند و پس از اتمام آن مجدداً نماز ظهر را بخواند و احتیاط بیشتر در آن است که نماز را با همان نیت نماز جمعه تمام کند و سپس نماز ظهر را به جا آورد.

### مسئله ۱۵۳۶

اگر نماز جمعه با عدد کامل (حداقل ۴ نفر به اضافه امام) منعقد شود - و لو اینکه فقط تکبیر آن را گفته باشند و سپس متفرق شوند، نماز باطل می‌شود چه همه مأومومین یا بعضی از آنها متفرق شوند و امام باقی بماند و چه بر عکس، چه یک رکعت کامل نماز را خوانده باشند و چه کمتر ولی احتیاط مستحب آن است که باقیمانده‌ها نماز جمعه را تمام کنند و سپس نماز ظهر را هم به جا آورند اما اگر بعضی از آنها در اواخر رکعت دوم بلکه بعد از رکوع دوم متفرق شوند نماز جمعه صحیح است و احتیاط مستحب آن است که پس از آن نماز ظهر را هم به جا آورند.

### مسئله ۱۵۳۷

اگر عدد مأومومین بیش از حد لازم - ۴ نفر - برای نماز جمعه باشد پراکندگی عده‌ای از آنها مطلقاً ضرر ندارد به شرط آن که افراد باقیمانده از - ۴ نفر - کمتر نباشند.

### مسئله ۱۵۳۸

اگر - ۵ نفر - (یا بیشتر)، برای نماز جمعه مهیا شوند ولی در اثناء خطبه‌ها یا بعد از آنها و قبل از اقامه نماز متفرق شوند و برگردند به طوری که کمتر از - ۵ نفر - باقی مانده باشند وظیفه افراد باقی مانده نماز ظهر است.

### مسئله ۱۵۳۹

در صورتی که قبل از انجام مسمای واجب در خطبه (یعنی حداقلی از واجبات خطبه‌ها که بتوان آنها را خطبه نامید) عده‌ای از مأومومین متفرق شوند و کمتر از - ۴ نفر - بمانند و پس از مدت کوتاهی برگردند (به طوری که عدد لازم - ۵ نفر - کامل شود)

اگر امام در این فاصله سکوت کرده باشد، پس از مراجعت مأمومین باید از نقطه‌ای که خطبه را قطع نموده ادامه دهد ولی اگر (با وجود تقلیل مأمومین از حد نصاب لازم) خطبه را ادامه داده و جریان امر به صورتی بوده که افراد پراکنده صدای او را نشنیده‌اند، باید پس از مراجعت آنها و تکمیل عدد لازم، آن قسمت را که در غیاب آنها خوانده اعاده کند و اگر زمان بازگشت مأمومین طولانی باشد به طور که عرفاً به یک پارچگی خطبه لطمه بزند باید امام خطبه را اعاده کند، چنانچه اگر با ورود مأمومین جدید هم عدد لازم - ۵ نفر - کامل بشود اعاده خطبه ضروری است.

#### مسئله ۱۵۴۰

اگر مأمومین بعد از خطبه یا در اثنای آن متفرق شوند (به طوری که کمتر از ۵ نفر باقی بمانند) و سپس برگردند تا عدد لازم کامل شود در صورتی که مسامی خطبه محقق شده باشد اعاده خطبه واجب نیست، گرچه مدت تفرق طولانی باشد و در صورتی که مسامی خطبه محقق نشده باشد، اگر علت تفرق، انصراف مأمومین از نماز جمعه بوده احتیاط واجب آن است که پس از بازگشت آنها، امام، خطبه‌ها را از نو بخواند (و لو اینکه مدت تفرق کم باشد) و اگر علت تفرق و پراکندگی امری نظیر باران و غیره بوده در این صورت اگر مدت آن به قدری طولانی شود که عرفاً به یک پارچگی خطبه لطمه بزند واجب است خطبه‌ها را از نو بخواند و الاً خطبه قبلی را ادامه می‌دهد و صحیح است.

#### مسئله ۱۵۴۱

اگر در جایی نماز جمعه برگزار شد نباید در فاصله‌ای کمتر از یک فرسخ شرعی نماز جمعه دیگری منعقد شود. پس اگر با فاصله یک فرسخ شرعی دو نماز جمعه اقامه شود هر دو صحیح است. لازم به تذکر است که میزان در مسافت، محل نماز جمعه است نه شهری که نماز جمعه در آن تشکیل شده است. بنا براین در شهرهای بزرگی که طول آن چند فرسخ است می‌توان چند نماز جمعه تشکیل داد.

#### مسئله ۱۵۴۲

احتیاط مستحب آن است که قبل از اقامه نماز جمعه مطمئن شوند که در کمتر از حد مقرر نماز جمعه دیگری قبل از آنها و یا مقارن آنها برگزار نشده و نمی‌شود.

#### مسئله ۱۵۴۳

اگر دو نماز جمعه در یک زمان و با فاصله کمتر از حد معین (یک فرسخ شرعی) تشکیل شود هر دو باطل است. ولی اگر یکی از آنها قبلاً شروع شده و لو فقط تکبیره الاحرام را گفته باشد، دیگری باطل است. چه نماز گزاران بدانند که قبل از آنها یا بعد از آنها نماز جمعه دیگری در فاصله کمتر برقرار شده و یا می‌شود و چه ندانند و میزان در صحت، تقدم در نماز است نه در خطبه‌ها. بنا براین اگر یکی از دو نماز جمعه در خطبه‌ها مقدم بوده، اما نماز دوم در شروع نماز تقدم داشته نماز دوم صحیح و اولی باطل خواهد بود.

#### مسئله ۱۵۴۴

اگر یقین دارند که در فاصله کمتر از حد لازم (یک فرسخ شرعی) نماز جمعه‌ای بر پا شده ولی شک دارند که آن نماز قبلاً برگزار شده یا نه و یا شک دارند که آن نماز مقارن با آنها برگزار می‌شود یا نه، در هر دو صورت می‌توانند خود نماز جمعه‌ای تشکیل دهند و همچنین است در صورتی که نسبت به اصل انعقاد نماز جمعه دیگر اطمینان نداشته باشند.

### مسئله ۱۵۴۵

اگر پس از پایان نماز جمعه متوجه شوند که نماز جمعه دیگری در کمتر از حد مقرر تشکیل شده و هر یک از دو گروه احتمال دهد که قبل از دیگری به اقامه جمعه پرداخته، بر هیچ یک اعاده جمعه و نیز نماز ظهر واجب نیست. گر چه قول به وجوب اعاده، مطابق احتیاط است، ولی اگر گروه سومی خواسته باشند در همان محدود اقامه جمعه دیگری بنمایند، باید یقین داشته باشند که آن دو نماز جمعه باطل است و اگر احتمال صحت یکی از آن دو را بدهند نمی‌توانند اقامه جمعه دیگری بنمایند.

### مسئله ۱۵۴۶

در زمان غیبت ولی عصر (عج) که نماز جمعه واجب تعیینی نیست خرید و فروش و سایر معاملات پس از اذان جمعه حرام نیست.

### نماز آیات

### مسئله ۱۵۴۷

نماز آیات که دستور آن بعداً گفته خواهد شد، به واسطه چهار چیز واجب می‌شود: اول گرفتن خورشید، دوم گرفتن ماه، اگر چه مقدار کمی از آنها گرفته شود و کسی هم از آن نترسد. سوم زلزله، اگر چه کسی هم نترسد. چهارم رعد و برق و بادهای سیاه و سرخ و مانند اینها در صورتی که بیشتر مردم بترسند و نیز بنا بر احتیاط واجب در حوادث وحشتناک زمینی مانند شکافتن و فرو رفتن زمین در صورتی که بیشتر مردم بترسند، باید نماز آیات بخوانند.

### مسئله ۱۵۴۸

اگر از چیزهایی که نماز آیات برای آنها واجب است بیشتر از یکی اتفاق بیفتد، انسان باید برای هر یک از آنها یک نماز آیات بخواند، مثلاً اگر خورشید بگیرد و زلزله هم بشود، باید دو نماز آیات بخواند.

### مسئله ۱۵۴۹

کسی که چند نماز آیات بر او واجب است، اگر همه آنها برای یک چیز بر او واجب شده باشد، مثلاً سه مرتبه خورشید گرفته و نماز آنها را نخوانده است، موقعی که قضای آنها را می‌خواند، لازم نیست معین کند که برای کدام دفعه آنها می‌باشد، ولی اگر برای چیزی باشد که قضا نشده است و به جا آوردن نماز آیات برای آن فوریت دارد، مثل زلزله و بقیه قضا شده است و قضای آنها فوریتی ندارد، احتیاط واجب آن است که اول نماز آیاتی را که قضا نشده است به جا آورد و سپس نمازهای آیات قضا شده را بخواند.

**مسئله ۱۵۵۰**

چیزهایی که نماز آیات برای آنها واجب است، در هر شهری اتفاق بیفتد، فقط مردم همان شهر باید نماز آیات بخوانند و بر مردم جاهای دیگر واجب نیست، ولی اگر مکان آنها به قدری نزدیک باشد که با آن شهر یکی حساب شود، نماز آیات بر آنها هم واجب است.

**مسئله ۱۵۵۱**

از وقتی که خورشید یا ماه شروع به گرفتن می‌کند، انسان باید نماز آیات را بخواند و بنا بر احتیاط واجب، باید به قدری تأخیر نیندازد که شروع به باز شدن کند.

**مسئله ۱۵۵۲**

اگر خواندن نماز آیات را به قدری تأخیر بیندازد که آفتاب یا ماه شروع به باز شدن کند، بنا بر احتیاط واجب باید نیت ادا و قضا نکند، ولی اگر بعد از باز شدن تمام آن، نماز بخواند باید نیت قضا نماید.

**مسئله ۱۵۵۳**

اگر مدت گرفتن خورشید یا ماه بیشتر از خواندن یک رکعت باشد ولی انسان نماز را نخواند، تا به اندازه خواندن یک رکعت به آخر وقت آن مانده باشد باید نیت ادا کند، بلکه اگر مدت گرفتن آنها به اندازه خواندن یک رکعت هم باشد، بنا بر احتیاط واجب باید نماز آیات را بخواند و ادا است.

**مسئله ۱۵۵۴**

موقعی که زلزله و رعد و برق و مانند اینها اتفاق می‌افتد، انسان باید فوراً نماز آیات را بخواند و اگر نخواند، معصیت کرده و تا آخر عمر بر او واجب است و هر وقت بخواند ادا است.

**مسئله ۱۵۵۵**

اگر بعد از باز شدن آفتاب یا ماه بفهمد که تمام آن گرفته بوده، باید قضای نماز آیات را بخواند. ولی اگر بفهمد مقداری از آن گرفته بوده، قضا بر او واجب نیست.

**مسئله ۱۵۵۶**

اگر عده‌ای بگویند که خورشید یا ماه گرفته است، چنانچه انسان از گفته آنان یقین پیدا نکند و نماز آیات نخواند و بعد معلوم شود راست گفته‌اند، در صورتی که تمام خورشید یا ماه گرفته باشد باید نماز آیات را بخواند. اگر دو نفر که عادل بودن آنان معلوم نیست، بگویند خورشید یا ماه گرفته، بعد معلوم شود که عادل بوده‌اند، باید نماز آیات را بخواند بلکه اگر در هر دو صورت معلوم شود که مقداری از آن گرفته، احتیاط واجب آن است که نماز آیات را بخواند.

**مسئله ۱۵۵۷**



اگر انسان به گفته کسانی که از روی قاعده علمی وقت گرفتن خورشید یا ماه را می‌دانند، اطمینان پیدا کند که خورشید یا ماه گرفته، باید نماز آیات را بخواند و نیز اگر بگویند فلان وقت خورشید یا ماه می‌گیرد و فلان مقدار طول می‌کشد و انسان به گفته آنان اطمینان پیدا کند، اگر چه مانعی هم مثل ابر باشد که انسان خودش نتواند ببیند، باید به حرف آنان عمل نماید و اگر با وسایل جدید مقدار ریشتر زلزله را مشخص کنند، ولی به قدری کم باشد که حرکت آن محسوس به حس ظاهری نباشد، نماز آیات واجب نمی‌شود.

#### مسئله ۱۵۵۸

اگر بفهمد نماز آیاتی که خوانده باطل بوده، باید دوباره بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید.

#### مسئله ۱۵۵۹

اگر در وقت نماز یومیه نماز آیات هم بر انسان واجب شود، چنانچه برای هر دو نماز وقت دارد، هر کدام را اول بخواند اشکال ندارد و اگر وقت یکی از آن دو تنگ باشد، باید اول آن را بخواند و اگر وقت هر دو تنگ باشد، باید اول نماز یومیه را بخواند.

#### مسئله ۱۵۶۰

اگر در بین نماز یومیه بفهمد که وقت نماز آیات تنگ است، چنانچه وقت نماز یومیه هم تنگ باشد، باید آن را تمام کند بعد نماز آیات را بخواند و اگر وقت نماز یومیه تنگ نباشد، باید آن را بشکند و اول نماز آیات، بعد نماز یومیه را به جا آورد.

#### مسئله ۱۵۶۱

اگر در بین نماز آیات بفهمد که وقت نماز یومیه تنگ است، باید نماز آیات را رها کند و مشغول نماز یومیه شود و بعد از آن که نماز را تمام کرد پیش از انجام کاری که نماز را به هم بزند، بقیه نماز آیات را از همان جا که رها کرده بخواند.

#### مسئله ۱۵۶۲

اگر در حال حیض یا نفاس زن خورشید یا ماه بگیرد و تا آخر مدتی که خورشید یا ماه باز می‌شوند در حال حیض یا نفاس باشد احتیاط آن است که نماز آیات را قضا کند.

#### دستور نماز آیات

#### مسئله ۱۵۶۳

نماز آیات دو رکعت است و در هر رکعت پنج رکوع دارد و دستور آن این است که انسان بعد از نیت، تکبیر بگوید و یک حمد و یک سوره تمام بخواند و به رکوع رود و سر از رکوع بردارد، دوباره یک حمد و یک سوره بخواند، باز به رکوع رود تا پنج مرتبه و بعد از بلند شدن از رکوع پنجم دو سجده نماید و برخیزد و رکعت دوم را هم مثل رکعت اول به جا آورد و تشهد بخواند و سلام دهد.

**مسئله ۱۵۶۴**

در نماز آیات ممکن است انسان بعد از نیت و تکبیر و خواندن حمد، آیه‌های یک سوره را پنج قسمت کند و یک آیه یا بیشتر از آن را بخواند و به رکوع رود و سر بردارد و بدون این که حمد بخواند، قسمت دوم از همان سوره را بخواند و به رکوع رود و همین طور تا پیش از رکوع پنجم سوره را تمام نماید، مثلاً به قصد سوره قل هو الله احد، بسم الله الرحمن الرحيم بگوید و به رکوع رود، بعد بایستد و بگوید:

قل هو الله احد دوباره به رکوع رود و بعد از رکوع بایستد و بگوید:

الله الصمد باز به رکوع برود و بایستد و بگوید:

لم یلد ولم یولد و برود به رکوع باز هم سر بردارد و بگوید:

ولم یکن له کفوا احد و بعد از آن به رکوع پنجم رود و بعد از سر برداشتن، دو سجده کند و رکعت دوم را هم مثل رکعت اول به جا آورد و بعد از سجده دوم تشهد بخواند و نماز را سلام دهد.

**مسئله ۱۵۶۵**

اگر در یک رکعت از نماز آیات، پنج مرتبه حمد و سوره بخواند و در رکعت دیگر یک حمد بخواند و سوره را پنج قسمت کند مانعی ندارد.

**مسئله ۱۵۶۶**

چیزهایی که در نماز یومیه واجب و مستحب است در نماز آیات هم واجب و مستحب می‌باشد ولی در نماز آیات مستحب است به جای اذان و اقامه سه مرتبه به قصد امید ثواب بگویند الصلاة.

**مسئله ۱۵۶۷**

مستحب است بعد از رکوع پنجم و دهم بگوید:

سمع الله لمن حمده و نیز پیش از هر رکوع و بعد از آن تکبیر بگوید ولی بعد از رکوع پنجم و دهم گفتن تکبیر مستحب نیست.

**مسئله ۱۵۶۸**

مستحب است پیش از رکوع دوم و چهارم و ششم و هشتم و دهم قنوت بخواند و اگر فقط یک قنوت پیش از رکوع دهم بخواند کافی است.

**مسئله ۱۵۶۹**

اگر در نماز آیات شک کند که چند رکعت خوانده و فکرش به جایی نرسد نماز باطل است.

**مسئله ۱۵۷۰**

اگر شك کند که در رکوع آخر رکعت اول است یا در رکوع اول رکعت دوم و فکرش به جایی نرسد، نماز باطل است. ولی اگر مثلاً شك کند که چهار رکوع کرده یا پنج رکوع، چنانچه برای رفتن به سجده خم نشده، باید رکوعی را که شك دارد به جا آورده یا نه، به جا آورد و اگر برای رفتن به سجده خم شده، باید به شك خود اعتنا نکند.

### مسأله ۱۵۷۱

هر یک از رکوع‌های نماز آیات رکن است که اگر عمدا یا اشتباها کم یا زیاد شود نماز باطل است.

### نماز عید فطر و قربان

#### مسأله ۱۵۷۲

نماز عید فطر و قربان در زمان حضور امام علیه السلام واجب است و باید به جماعت خوانده شود و در زمان ما که امام علیه السلام غائب است، مستحب می‌باشد و می‌شود آن را به جماعت و فرادی بخوانند.

#### مسأله ۱۵۷۳

وقت نماز عید فطر و قربان از اول آفتاب روز عید تا ظهر است.

#### مسأله ۱۵۷۴

مستحب است نماز عید قربان را بعد از بلند شدن آفتاب بخوانند و در عید فطر مستحب است، بعد از بلند شدن آفتاب افطار کنند و زکات فطره را هم بدهند، بعد نماز عید را بخوانند.

#### مسأله ۱۵۷۵

نماز عید فطر و قربان دو رکعت است که در رکعت اول بعد از خواندن حمد و سوره، باید پنج تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیر یک قنوت بخواند و بعد از قنوت پنجم تکبیر دیگری بگوید و به رکوع رود و دو سجده به جا آورد و برخیزد و در رکعت دوم چهار تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیر قنوت بخواند و تکبیر پنجم را بگوید و به رکوع رود و بعد از رکوع دو سجده کند و تشهد بخواند و نماز را سلام دهد.

#### مسأله ۱۵۷۶

در قنوت نماز عید فطر و قربان هر دعا و ذکر بخوانند کافست ولی بهتر است این دعا را به قصد امید ثواب بخوانند:

اللَّهُمَّ أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمِيَّةِ وَأَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبْرُوتِ وَأَهْلَ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَأَهْلَ التَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيداً وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذُخْراً وَشَرَفاً وَمَزِيداً أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُدْخِلَنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ أَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُخْرِجَنِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ صِلْ لِمَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا سَأَلْتُكَ مِنْهُ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ وَأَعُوذُ بِكَ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبَادُكَ الْمُخْلِصُونَ.

**مسئله ۱۵۷۷**

مستحب است در نماز عید فطر و قربان قرائت را بلند بخوانند.

**مسئله ۱۵۷۸**

نماز عید سوره مخصوصی ندارد ولی بهتر است که در رکعت اول آن سوره شمس (سوره ۹۱) و در رکعت دوم سوره غاشیه (سوره ۸۸) را بخوانند یا در رکعت اول سوره سبح اسم (سوره ۸۷) و در رکعت دوم سوره شمس را بخوانند.

**مسئله ۱۵۷۹**

مستحب است روز عید فطر قبل از نماز عید، به خرما افطار کند و در عید قربان از گوشت قربانی بعد از نماز قدری بخورد.

**مسئله ۱۵۸۰**

مستحب است پیش از نماز عید غسل کند و دعاهایی که پیش از نماز و بعد از آن در کتاب‌های دعا ذکر شده به امید ثواب بخواند.

**مسئله ۱۵۸۱**

مستحب است در نماز عید بر زمین سجده کنند و در حال گفتن تکبیرها دستها را بلند کنند و نماز را بلند بخوانند.

**مسئله ۱۵۸۲**

بعد از نماز مغرب و عشاء شب عید فطر و بعد از نماز صبح و ظهر و عصر روز عید و نیز بعد از نماز عید فطر مستحب است این تکبیرها را بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ اللَّهُ عَلِيَّ مَا هَدَانَا»

**مسئله ۱۵۸۳**

مستحب است انسان در عید قربان بعد از ده نماز که اول آنها نماز ظهر روز عید و آخر آنها نماز صبح روز دوازدهم است تکبیرهایی را که در مسئله پیش گفته شد بگوید و بعد از آن بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقْنَا مِنْ بِهِمِهِ الْأَنْعَامِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أُنْبَلَانَا».

ولی اگر عید قربان را در منی باشد، مستحب است بعد از پانزده نماز که اول آنها نماز ظهر روز عید و آخر آنها نماز صبح روز سیزدهم ذی حجه است، این تکبیرها را بگوید.

**مسئله ۱۵۸۴**

کراهت دارد نماز عید را زیر سقف بخواند.

**مسئله ۱۵۸۵**

اگر شك کند در تکبیرهای نماز و قنوت‌های آن، اگر از محل آن تجاوز نکرده است بنا بر اقل بگذارد و اگر بعد معلوم شد که گفته بوده اشکال ندارد و اگر از محل آن گذشته باشد به شك خود اعتنا نکند.

### مسئله ۱۵۸۶

اگر قرائت یا تکبیرات یا قنوت‌ها را فراموش کند و در رکوع یا بعد از رکوع یادش بیاید نمازش صحیح است.

### مسئله ۱۵۸۷

اگر رکوع یا دو سجده یا تکبیره الاحرام را فراموش کند نمازش باطل می‌شود.

### مسئله ۱۵۸۸

اگر در نماز عید یک سجده یا تشهد را فراموش کند احتیاط مستحب آن است که بعد از نماز آن را رجاءاً به جا آورد و اگر کاری کند که برای آن سجده سهو در نمازهای یومیه لازم است احتیاط مستحب آن است که بعد از نماز رجاءاً دو سجده سهو برای آن بنماید.

## احکام نماز

### اجیر گرفتن برای نماز

### مسئله ۱۵۸۹

بعد از مرگ انسان، می‌شود برای نماز و عبادت‌های دیگر او که در زندگی به جا نیاورده، دیگری را اجیر کنند یعنی به او مزد دهند که آنها را به جا آورد و اگر کسی بدون مزد هم آنها را انجام دهد صحیح است.

### مسئله ۱۵۹۰

انسان می‌تواند برای بعضی از کارهای مستحبی مثل حج و عمره و زیارت قبر پیغمبر و امامان علیهم‌السلام، از طرف زندگان اجیر شود و نیز می‌تواند کار مستحبی را انجام دهد و ثواب آن را برای مردگان یا زندگان هدیه نماید.

### مسئله ۱۵۹۱

کسی که برای نماز قضای میت اجیر شده، باید یا مجتهد باشد یا مسائل نماز را روی تقلید صحیح بداند و اگر عالم به کیفیت احتیاط باشد و احتیاط کند اشکال ندارد.

### مسئله ۱۵۹۲

اجیر باید موقع نیت، میت را معین نماید و لازم نیست اسم او را بداند. پس اگر نیت کند از طرف کسی نماز می‌خوانم که برای او

اجیر شده‌ام کافی است.

### مسئله ۱۵۹۳

اجیر باید خود را به جای میت فرض کند و عبادت‌های او را به نیابت از او قضا نماید و اگر عملی را انجام دهد و ثواب آن را برای او هدیه کند کافی نیست.

### مسئله ۱۵۹۴

باید کسی را اجیر کنند که اطمینان داشته باشند که نماز را به طور صحیح می‌خواند و اگر شک داشته باشند که صحیح انجام می‌دهد یا نه اشکال ندارد.

### مسئله ۱۵۹۵

کسی که دیگری را برای نمازهای میت اجیر کرده اگر بفهمد که عمل را به جا نیاورده، یا باطل انجام داده، باید دوباره اجیر بگیرد.

### مسئله ۱۵۹۶

هر گاه شک کند که اجیر عمل را انجام داده یا نه اگر چه بگوید انجام داده‌ام، باید دوباره اجیر بگیرد. ولی اگر شک کند که عمل او صحیح بوده یا نه، گرفتن اجیر لازم نیست.

### مسئله ۱۵۹۷

کسی را که عذری دارد و مثلاً نشسته نماز می‌خواند نمی‌شود برای نمازهای میت اجیر کرد، بلکه بنا بر احتیاط واجب باید کسی را هم که با تیمم یا جبیره نماز می‌خواند اجیر نکنند.

### مسئله ۱۵۹۸

مرد برای زن و زن برای مرد می‌تواند اجیر شود و در بلند خواندن و آهسته خواندن نماز و بقیه شروط مانند پوشش و ستر، باید به تکلیف خود عمل نماید.

### مسئله ۱۵۹۹

لازم نیست قضای نمازهای میت به ترتیب خوانده شود، هر چند بدانند که میت ترتیب نمازهای خود را می‌دانسته.

### مسئله ۱۶۰۰

اگر با اجیر شرط کنند که عمل را به طور مخصوصی انجام دهد، باید همان طور به جا آورد و اگر با او شرط نکنند، باید در آن

عمل به تکلیف خود رفتار نماید و احتیاط مستحب آن است که از وظیفه خودش و میت هر کدام که به احتیاط نزدیکتر است به آن عمل کند مثلاً اگر وظیفه میت گفتن سه مرتبه تسبیحات اربعه بوده و تکلیف او یک مرتبه است، سه مرتبه بگوید.

### مسئله ۱۶۰۱

اگر با اجیر شرط نکنند که نماز را با چه مقدار از مستحبات آن بخواند، باید مقداری از مستحبات نماز را که معمول است به جا آورد.

### مسئله ۱۶۰۲

اگر میت ترتیب نمازهایی را که قضا شده می‌دانسته و انسان بخواهد برای آن نمازها اجیر بگیرد بهتر است برای هر کدام آنها وقتی را معین نماید مثلاً اگر با یکی از آنها قرار گذاشت که از صبح تا ظهر نماز قضا بخواند، با دیگری قرار بگذارد که از ظهر تا شب بخواند و نیز بهتر است نمازی را که در هر دفعه شروع می‌کند معین نماید مثلاً قرار بگذارد اول نمازی را که می‌خواند صبح باشد یا ظهر یا عصر و همچنین بهتر است با آنها قرار بگذارد که در هر دفعه نماز یک شبانه روز را تمام کنند و اگر ناقص بگذارند آن را حساب نکنند و دفعه بعد نماز یک شبانه‌روز را از سر شروع نمایند.

### مسئله ۱۶۰۳

اگر کسی اجیر شود که مثلاً در مدت یک سال نمازهای میت را بخواند و پیش از تمام شدن سال بمیرد، باید برای نمازهایی که می‌دانند به جا نیاورده دیگری را اجیر نمایند بلکه برای نمازهایی هم که احتمال می‌دهند به جا نیاورده باید بنا بر احتیاط واجب اجیر بگیرند.

### مسئله ۱۶۰۴

کسی را که برای نمازهای میت اجیر کرده‌اند، اگر پیش از تمام کردن نماز بمیرد و اجرت همه آنها را گرفته باشد، چنانچه شرط کرده باشند که تمام نمازها را خودش بخواند، باید اجرت مقداری را که نخوانده از مال او به ولی میت بدهند، مثلاً اگر نصف آنها را نخوانده، باید نصف پولی را که گرفته از مال او به ولی میت بدهند و اگر شرط نکرده باشند، باید ورثه‌اش از مال او اجیر بگیرند، اما اگر مال نداشته باشد بر ورثه او چیزی واجب نیست.

### مسئله ۱۶۰۵

و خودش هم نماز قضا داشته باشد، باید از مال او برای نمازهایی که اجیر بوده دیگری را اجیر نمایند و اگر چیزی زیاد آمد، در صورتی که وصیت کرده باشد و ورثه اجازه بدهند برای تمام نمازهای او اجیر بگیرند و اگر اجازه ندهند ثلث آن را به مصرف نماز خودش برسانند.

## احکام روزه

**نیت****مسئله ۱۶۰۶**

لازم نیست انسان نیت روزه را از قلب خود بگذراند یا مثلاً بگوید فردا را روزه می‌گیرم، بلکه همین قدر که برای انجام فرمان خداوند عالم از اذان صبح تا مغرب کاری که روزه را باطل می‌کند انجام ندهد کفایت و برای آن که یقین کند تمام این مدت را روزه بوده، باید مقداری پیش از اذان صبح و مقداری هم بعد از مغرب از انجام کاری که روزه را باطل می‌کند خودداری نماید.

**مسئله ۱۶۰۷**

انسان می‌تواند در هر شب از ماه رمضان برای روزه فردای آن نیت کند و بهتر است که شب اول ماه هم نیت روزه همه ماه را بنماید.

**مسئله ۱۶۰۸**

نیت روزه ماه رمضان وقت معین ندارد تا اذان صبح هر وقت نیت روزه فردا بکند اشکال ندارد.

**مسئله ۱۶۰۹**

وقت نیت روزه مستحبی از اول شب است تا موقعی که به اندازه نیت کردن به مغرب وقت مانده باشد که اگر تا این وقت کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد و نیت روزه مستحبی کند روزه او صحیح است.

**مسئله ۱۶۱۰**

کسی که پیش از اذان صبح بدون نیت روزه خوابیده است، اگر پیش از ظهر بیدار شود و نیت کند، روزه او صحیح است چه روزه او واجب باشد چه مستحب و اگر بعد از ظهر بیدار شود، نمی‌تواند نیت روزه واجب نماید.

**مسئله ۱۶۱۱**

اگر بخواهد غیر روزه رمضان روزه دیگری بگیرد باید آن را معین نماید، مثلاً نیت کند که روزه قضا یا روزه نذر می‌گیرم. ولی در ماه رمضان لازم نیست نیت کند که روزه ماه رمضان می‌گیرم، بلکه اگر نداند ماه رمضان است یا فراموش نماید و روزه دیگری را نیت کند روزه ماه رمضان حساب می‌شود.

**مسئله ۱۶۱۲**

اگر بداند ماه رمضان است و عمدتاً نیت روزه غیر رمضان کند، نه روزه رمضان حساب می‌شود و نه روزه‌ای که قصد کرده است.

**مسئله ۱۶۱۳**

اگر مثلاً به نیت روز اول ماه روزه بگیرد، بعد بفهمد دوم یا سوم بوده، روزه او صحیح است.



**مسئله ۱۶۱۴**

اگر پیش از اذان صبح نیت کند و بی‌هوش شود و در بین روز به هوش آید، بنا بر احتیاط واجب باید روزه آن روز را تمام نماید و احتیاطاً روزه آن روز را قضا نماید.

**مسئله ۱۶۱۵**

اگر پیش از اذان صبح نیت کند و مست شود و در بین روز بهوش آید احتیاط واجب آن است که روزه آن روز را تمام کند و قضای آن را هم به جا آورد.

**مسئله ۱۶۱۶**

اگر پیش از اذان صبح نیت کند و بخوابد و بعد از مغرب بیدار شود، روزه اش صحیح است.

**مسئله ۱۶۱۷**

اگر نداند یا فراموش کند که ماه رمضان است و پیش از ظهر ملتفت شود، چنانچه کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد، باید نیت کند و روزه او صحیح است و اگر کاری که روزه را باطل می‌کند انجام داده باشد، یا بعد از ظهر ملتفت شود که ماه رمضان است روزه او باطل می‌باشد، ولی باید تا مغرب کاری که روزه را باطل می‌کند انجام ندهد و بعد از رمضان هم آن روزه را قضا نماید.

**مسئله ۱۶۱۸**

اگر بچه پیش از اذان صبح ماه رمضان بالغ شود باید روزه بگیرد و اگر بعد از اذان بالغ شود، روزه آن روز بر او واجب نیست.

**مسئله ۱۶۱۹**

کسی که برای به جا آوردن روزه میتی اجیر شده، اگر روزه مستحبی بگیرد اشکال ندارد. ولی کسی که روزه قضا یا روزه واجب دیگری دارد، نمی‌تواند روزه مستحبی بگیرد و چنانچه فراموش کند و روزه مستحب بگیرد، در صورتی که پیش از ظهر یادش بیاید، روزه مستحبی او به هم می‌خورد و می‌تواند نیت خود را به روزه واجب برگرداند و اگر بعد از ظهر ملتفت شود، روزه او باطل است و اگر بعد از مغرب یادش بیاید، روزه اش صحیح است.

**مسئله ۱۶۲۰**

اگر غیر از روزه ماه رمضان روزه معین دیگری بر انسان واجب باشد مثلاً نذر کرده باشد که روز معینی را روزه بگیرد، چنانچه عمداً تا اذان صبح نیت نکند، روزه اش باطل است و اگر نداند که روزه آن روز بر او واجب است یا فراموش کند و پیش از ظهر یادش بیاید چنانچه کاری که روزه را باطل می‌کند، انجام نداده باشد و نیت کند روزه او صحیح و گرنه باطل می‌باشد.

**مسئله ۱۶۲۱**

اگر برای روزه واجب غیر معینی مثل روزه کفاره عمدا تا نزدیک ظهر نیت نکند اشکال ندارد، بلکه اگر پیش از نیت تصمیم داشته باشد که روزه نگیرد، یا تردید داشته باشد که بگیرد یا نه، چنانچه کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد و پیش از ظهر نیت کند، روزه او صحیح است.

#### مسئله ۱۶۲۲

اگر در ماه رمضان، پیش از ظهر کافر مسلمان شود و از اذان صبح تا آن وقت کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد نمی‌تواند روزه بگیرد و قضا هم ندارد.

#### مسئله ۱۶۲۳

اگر مریض پیش از ظهر ماه رمضان خوب شود و از اذان صبح تا آن وقت کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد، باید نیت روزه کند و آن روز را روزه بگیرد و چنانچه بعد از ظهر خوب شود، روزه آن روز بر او واجب نیست.

#### مسئله ۱۶۲۴

روزی را که انسان شک دارد آخر شعبان است یا اول رمضان، واجب نیست روزه بگیرد و اگر بخواهد روزه بگیرد نمی‌تواند نیت روزه رمضان کند ولی اگر نیت روزه قضا و مانند آن بنماید و چنانچه بعد معلوم شود رمضان بوده، از رمضان حساب می‌شود.

#### مسئله ۱۶۲۵

اگر روزی را که شک دارد آخر شعبان است یا اول رمضان به نیت روزه قضا یا روزه مستحبی و مانند آن روزه بگیرد و در بین روز بفهمد که ماه رمضان است، باید نیت روزه رمضان کند.

#### مسئله ۱۶۲۶

اگر در روزه واجب معینی مثل روزه رمضان از نیت روزه گرفتن برگردد روزه‌اش باطل است، ولی چنانچه نیت کند که چیزی را که روزه را باطل می‌کند به جا آورد در صورتی که آن را انجام ندهد روزه‌اش باطل نمی‌شود.

#### مسئله ۱۶۲۷

در روزه واجبی که وقت آن معین نیست مثل روزه کفاره و روزه قضا، اگر قصد کند کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، یا مردد شود که به جا آورد یا نه، چنانچه نیاورد و پیش از ظهر دوباره نیت روزه کند، روزه او صحیح است و در روزه مستحب تا پیش از مغرب، دوباره نیت روزه کند و روزه او صحیح است.

**چیزهایی که روزه را باطل می‌کند**

اشاره

#### مسئله ۱۶۲۸

نه چیز روزه را باطل می‌کند. اول خوردن و آشامیدن، دوم جماع، سوم استمناء و استمناء آن است که انسان با خود کاری کند که منی از او بیرون آید.

چهارم دروغ بستن به خدا و پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و جانشینان پیغمبر علیهم السلام.

پنجم رساندن غبار غلیظ به حلق.

ششم فرو بردن تمام سر در آب.

هفتم باقیماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح.

هشتم اماله کردن با چیزهای روان.

نهم قی کردن و احکام اینها در مسائل آینده گفته می‌شود.

## ۱ - خوردن و آشامیدن

### مسئله ۱۶۲۹

اگر روزه‌دار عمدا چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه او باطل می‌شود، چه خوردن و آشامیدن آن چیز معمول باشد مثل نان و آب چه معمول نباشد مثل خاک و شیره درخت و چه کم باشد یا زیاد، حتی اگر مسواک را از دهان بیرون آورد و دوباره بدهان ببرد و رطوبت آن را فرو برد روزه او باطل می‌شود مگر آن که رطوبت مسواک در آب دهان به طوری از بین برود که رطوبت خارج به آن گفته نشود.

### مسئله ۱۶۳۰

اگر موقعی که مشغول غذا خوردن است بفهمد صبح شده، باید لقمه را از دهان بیرون آورد و چنانچه عمدا فرو برد روزه‌اش باطل است و به دستوری که بعداً گفته خواهد شد کفار هم بر او واجب می‌شود.

### مسئله ۱۶۳۱

اگر روزه‌دار سهواً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه‌اش باطل نمی‌شود.

### مسئله ۱۶۳۲

داروهایی که انسان استعمال می‌کند، اگر خوردنی مثل قرص و کپسول و آشامیدنی مثل شربت باشد، اگر شخص روز دار استعمال کند، اگر چه هیچکدام از مبطلات روزه را انجام ندهد، موجب بطلان روزه است و اگر تزریقی باشد، مثل آمپول‌هایی که جنبه معالجه‌ای دارد، مانند پنسیلین یا جنبه تخدیری و مُسکِنی دارد یا آمپول‌هایی که جنبه تقویتی دارد مانند ویتامین‌ها موجب بطلان روزه نمی‌شود، ولی بهتر آن است که آنها را در شب استعمال کند، اما آمپول‌هایی را که مثل سرم‌های غذاییست که جنبه تغذیه‌ای دارد، احتیاط واجب آن است که از آنها پرهیز کند و اگر ضرورت داشت که در روز آنها را استعمال کند، آنها را استعمال کند، ولی احتیاطاً آن روز را امساک کند و روزه بگیرد و بعد از ماه رمضان قضای آن روز را به جا آورد.

**مسئله ۱۶۳۳**

اگر روزه‌دار چیزی را که لای دندان مانده است عمداً فرو ببرد، روزه‌اش باطل می‌شود.

**مسئله ۱۶۳۴**

کسی که می‌خواهد روزه بگیرد، لازم نیست پیش از اذان دندان‌هایش را خلال کند، ولی اگر بداند غذایی که لای دندان مانده در روز فرو می‌رود چنانچه خلال نکند و چیزی از آن فرو رود، روزه‌اش باطل می‌شود بلکه اگر فرو هم نرود بنا بر احتیاط واجب باید قضای آن روز را بگیرد.

**مسئله ۱۶۳۵**

فرو بردن آب دهان، اگر چه به واسطه خیال کردن ترشی و مانند آن در دهان جمع شده باشد، روزه را باطل نمی‌کند.

**مسئله ۱۶۳۶**

فرو بردن اخلاط سر و سینه، تا به فضای دهان نرسیده اشکال ندارد، ولی اگر داخل فضای دهان شود، احتیاط واجب آن است که آن را فرو نبرد.

**مسئله ۱۶۳۷**

اگر روزه‌دار به قدری تشنه شود که بترسد از تشنگی بمیرد می‌تواند به اندازه‌ای که از مردن نجات پیدا کند آب بیاشامد ولی روزه او باطل می‌شود و اگر ماه رمضان باشد، باید در بقیه روز از به جا آوردن کاری که روزه را باطل می‌کند خودداری نماید.

**مسئله ۱۶۳۸**

جویدن غذا برای بچه یا پرنده و چشیدن غذا و مانند اینها که معمولاً به حلق نمی‌رسد، اگر چه اتفاقاً به حلق برسد، روزه را باطل نمی‌کند، ولی اگر انسان از اول بداند که به حلق می‌رسد چنانچه فرو رود، روزه‌اش باطل می‌شود و باید قضای آن را بگیرد و کفاره هم بر او واجب است.

**مسئله ۱۶۳۹**

انسان نمی‌تواند برای ضعف، روزه را بخورد، ولی اگر ضعف او به قدریست که معمولاً نمی‌شود آن را تحمل کرد، خوردن روزه اشکال ندارد.

**۲ - جماع****مسئله ۱۶۴۰**

جماع روزه را باطل می‌کند چه در قُبَل و چه در دُبُر باشد، اگر چه فقط به مقدار ختنه گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید.

#### مسئله ۱۶۴۱

اگر کمتر از مقدار ختنه گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید، روزه باطل نمی‌شود ولی کسی که آلتش را بریده‌اند که اگر کمتر از ختنه گاه را هم داخل کند روزه‌اش باطل می‌شود.

#### مسئله ۱۶۴۲

اگر شک کند که به اندازه ختنه گاه داخل شده یا نه روزه او صحیح است و کسی هم که آلتش را بریده‌اند اگر شک کند که دخول شده یا نه روزه او صحیح است.

#### مسئله ۱۶۴۳

اگر فراموش کند که روزه است و جماع نماید. یا او را به جماع مجبور نمایند، به طوری که از خود اختیاری نداشته باشد روزه او باطل نمی‌شود ولی چنانچه در بین جماع یادش بیاید، یا دیگر مجبور نباشد، باید فوراً از حال جماع خارج شود و اگر خارج نشود، روزه او باطل است.

#### ۳ - استمناء

#### مسئله ۱۶۴۴

اگر روزه‌دار استمناء کند یعنی با خود کاری کند که منی از او بیرون آید، روزه‌اش باطل می‌شود.

#### مسئله ۱۶۴۵

اگر بی‌اختیار منی از او بیرون آید، روزه‌اش باطل نیست. ولی اگر کاری کند که بر حسب عادت او بی‌اختیار منی از او بیرون آید، روزه‌اش باطل می‌شود.

#### مسئله ۱۶۴۶

هرگاه روزه‌دار بداند که اگر در روز بخوابد محتمل می‌شود یعنی در خواب منی از او بیرون می‌آید، می‌تواند در روز بخوابد و چنانچه بخوابد و محتمل هم بشود روزه‌اش صحیح است.

#### مسئله ۱۶۴۷

اگر روزه‌دار در حال بیرون آمدن منی از خواب بیدار شود، واجب نیست از بیرون آمدن آن جلوگیری کند.

**مسئله ۱۶۴۸**

روزه‌داری که محتلم شده، می‌تواند بول کند و به دستوری که در استبراء گفته شد، استبراء نماید، ولی اگر بدانند به واسطه بول یا استبراء کردن باقیمانده منی از مجری بیرون می‌آید در صورتی که غسل کرده باشد نمی‌تواند استبراء کند.

**مسئله ۱۶۴۹**

روزه‌داری که محتلم شده اگر بداند منی در مجری مانده و در صورتی که پیش از غسل بول نکند بعد از غسل منی از او بیرون می‌آید، بنا بر احتیاط واجب باید پیش از غسل بول کند.

**مسئله ۱۶۵۰**

اگر به قصد بیرون آمدن منی کاری بکند در صورتی که منی از او بیرون نیاید روزه‌اش باطل نمی‌شود.

**مسئله ۱۶۵۱**

اگر روزه‌دار بدون قصد بیرون آمدن منی با کسی بازی و شوخی کند در صورتی که عادت نداشته باشد که بعد از بازی و شوخی منی از او خارج شود چنانچه اطمینان دارد که منی از او خارج نمی‌شود، اگر چه اتفاقاً منی بیرون آید روزه او صحیح است. ولی اگر اطمینان ندارد در صورتی که شوخی را ادامه دهد تا آنجا که نزدیک است منی خارج شود و خودداری نکند تا خارج گردد روزه‌اش باطل است.

**۴ - دروغ بستن به خدا و پیغمبر****مسئله ۱۶۵۲**

اگر روزه‌دار به گفتن یا به نوشتن یا به اشاره و مانند اینها به خدا و پیغمبر و جانشینان آن حضرت عمداً نسبت دروغ بدهد اگر چه فوراً بگوید دروغ گفتم یا توبه کند، روزه او باطل است و احتیاط واجب آن است که حضرت زهرا سلام الله علیها و سایر پیغمبران و جانشینان آنان هم در این حکم فرقی ندارند.

**مسئله ۱۶۵۳**

اگر بخواهد خبری را که نمی‌داند راست است یا دروغ نقل کند، بنا بر احتیاط واجب باید از کسی که آن خبر را گفته، یا از کتابی که آن خبر در آن نوشته شده نقل نماید لکن اگر خودش هم خبر بدهد روزه‌اش باطل نمی‌شود.

**مسئله ۱۶۵۴**

اگر چیزی را به اعتقاد این که راست است از قول خدا یا پیغمبر نقل کند و بعد بفهمد دروغ بوده، روزه‌اش باطل نمی‌شود.

**مسئله ۱۶۵۵**

اگر بداند دروغ بستن به خدا و پیغمبر روزه را باطل می‌کند و چیزی را که می‌داند دروغ است به آنان نسبت دهد و بعداً بفهمد آنچه را که گفته راست بوده، روزه‌اش صحیح است.

**مسئله ۱۶۵۶**

اگر دروغی را که دیگر ساخته عمداً به خدا و پیغمبر و جانشینان پیغمبر نسبت دهد روزه‌اش باطل می‌شود، ولی از قول کسی که آن دروغ را ساخته نقل کند اشکال ندارد.

**مسئله ۱۶۵۷**

اگر از روزه‌دار پرسند که آیا پیغمبر صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ چنین مطلبی فرموده‌اند و او جایی که در جواب باید بگوید نه، عمداً بگوید بلی، یا جایی که باید بگوید بلی عمداً بگوید نه، روزه‌اش باطل می‌شود.

**مسئله ۱۶۵۸**

اگر از قول خدا یا پیغمبر حرف راستی را بگوید بعد بگوید دروغ گفتم یا در شب دروغی را به آنان نسبت دهد و فردای آن که روزه می‌باشد بگوید آنچه دیشب گفتم راست است، روزه‌اش باطل می‌شود.

**۵ - رساندن غبار غلیظ به حلق****مسئله ۱۶۵۹**

رساندن غبار غلیظ به حلق روزه را باطل می‌کند، چه غبار چیزی باشد که خوردن آن حلال است مثل آرد، یا غبار چیزی باشد که خوردن آن حرام است، مثل خاک و امّا اسپری زدن برای بیمارانی که از نظر تنفسی احتیاج به آن دارند در حال روزه، موجب بطلان روزه نمی‌شود چون صدق خوردن و آشامیدن نمی‌کند.

**مسئله ۱۶۶۰**

اگر به واسطه باد غبار غلیظی پیدا شود و انسان با این که متوجه است، مواظبت نکند و به حلق برسد، روزه‌اش باطل می‌شود.

**مسئله ۱۶۶۱**

روزه‌دار باید بخار غلیظی که در دهان مبدل به آب می‌شود و نیز بنا بر احتیاط واجب دود سیگار و تنباکو و مانند اینها را به حلق نرساند.

**مسئله ۱۶۶۲**

اگر مواظبت نکند و غبار یا بخار یا دود و مانند اینها داخل حلق شود، چنانچه یقین داشته که به حلق نمی‌رسد روزه‌اش صحیح است.

### مسئله ۱۶۶۳

اگر فراموش کند که روزه است و مواظبت نکند، یا بی‌اختیار غبار و مانند آن به حلق او برسد روزه‌اش باطل نمی‌شود و چنانچه ممکن است باید آن را بیرون آورد.

### ۶- فرو بردن سر در آب

### مسئله ۱۶۶۴

اگر روزه‌دار عمداً تمام سر را در آب فرو برد، اگر چه باقی بدن او از آب بیرون باشد، بنا بر احتیاط واجب باید قضای آن روزه را بگیرد. ولی اگر تمام بدن را آب بگیرد و مقداری از سر بیرون باشد، روزه باطل نمی‌شود.

### مسئله ۱۶۶۵

اگر نصف سر را یک دفعه و نصف دیگر آن را دفعه دیگر در آب فرو برد، روزه‌اش باطل نمی‌شود.

### مسئله ۱۶۶۶

اگر شك کند که تمام سر زیر آب رفته یا نه روزه‌اش صحیح است.

### مسئله ۱۶۶۷

اگر تمام سر زیر آب برود ولی مقداری از موها بیرون بماند روزه باطل می‌شود و غواصانی که با کلاه مخصوص سر و صورت خود را می‌پوشانند، اگر فاصله و فضایی بین سر و صورت آنها با کلاه باشد و آب در آن نفوذ نکند، اگر در آب فرو روند روزه آنها صحیح است، ولی اگر با پوششی سر و صورت را ببندند به طوری که فاصله‌ای بین سر و صورت و آن پوشش نباشد هر چند آب به پوست سر و صورت نرسد، بنا بر احتیاط واجب نباید سر را در آب فرو برند و اگر سر را در آب فرو برند باید روزه آن روز را بگیرند و بعد هم قضا نمایند.

### مسئله ۱۶۶۸

احتیاط واجب آن است که سر را در گلاب فرو نبرد ولی در آب‌های مضاف دیگر و در چیزهای دیگر که روان است اشکال ندارد.

### مسئله ۱۶۶۹

اگر روزه‌دار بی‌اختیار در آب بیفتد و تمام سر او را آب بگیرد، یا فراموش کند که روزه است و سر در آب فرو برد، روزه او باطل نمی‌شود.



**مسئله ۱۶۷۰**

اگر عادتاً با افتادن در آب سرش زیر می‌رود، چنانچه با توجه به این مطلب خود را در آب بیندازد و سرش زیر آب برود روزه‌اش باطل می‌شود.

**مسئله ۱۶۷۱**

اگر فراموش کند که روزه است و سر را در آب فرو برد، یا دیگری به زور سر او را در آب فرو برد، چنانچه در زیر آب یادش بیاید که روزه است، یا آن کس دست خود را بردارد، باید فوراً سر را بیرون آورد و چنانچه بیرون نیاورد، روزه‌اش باطل می‌شود.

**مسئله ۱۶۷۲**

اگر فراموش کند که روزه است و به نیت غسل سر را در آب فرو برد، روزه و غسل او صحیح است.

**مسئله ۱۶۷۳**

اگر بداند که روزه است و عمداً برای غسل سر را در آب فرو برد، چنانچه روزه او مثل روزه رمضان واجب معین باشد، بنا بر احتیاط واجب باید دوباره غسل کند و روزه را هم قضا نماید و اگر روزه مستحب، یا روزه واجبی باشد که مثل روزه کفاره وقت معینی ندارد. غسل صحیح و روزه باطل می‌باشد.

**مسئله ۱۶۷۴**

اگر برای آن که کسی را از غرق شدن نجات دهد سر را در آب فرو برد، اگر چه نجات دادن او واجب باشد، روزه‌اش باطل می‌شود.

**۷ - باقی ماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح****مسئله ۱۶۷۵**

اگر جنب عمداً تا اذان صبح غسل نکند، یا اگر وظیفه او تیمم است عمداً تیمم ننماید، روزه‌اش باطل است.

**مسئله ۱۶۷۶**

اگر در روزه واجبی که مثل روزه ماه رمضان وقت آن معین است تا اذان صبح غسل نکند و تیمم هم ننماید ولی از روی عمد نباشد مثل آن که دیگری نگذارد غسل و تیمم کند روزه‌اش صحیح است.

**مسئله ۱۶۷۷**

کسی که جنب است و می‌خواهد روزه واجبی بگیرد که مثل روزه رمضان وقت آن معین است، چنانچه عمداً غسل نکند تا وقت تنگ شود، می‌تواند با تیمم روزه بگیرد و روزه او صحیح است ولی معصیت کار است.

#### مسئله ۱۶۷۸

اگر جنب در ماه رمضان غسل را فراموش کند و بعد از یک روز یادش بیاید، باید روزه آن روز را قضا نماید و اگر بعد از چند روز یادش بیاید، باید روزه هر چند روزی را که یقین دارد جنب بوده قضا نماید مثلاً اگر نمی‌داند سه روز جنب بوده یا چهار روز، باید روزه سه روز را قضا کند.

#### مسئله ۱۶۷۹

کسی که در شب ماه رمضان برای هیچ کدام از غسل و تیمم وقت ندارد، اگر خود را جنب کند، روزه‌اش باطل است و قضا و کفاره بر او واجب می‌شود، ولی اگر برای تیمم وقت دارد، چنانچه خود را جنب کند، با تیمم روزه او صحیح است ولی گناهکار است.

#### مسئله ۱۶۸۰

اگر گمان کند که به اندازه غسل وقت دارد و خود را جنب کند و بعد بفهمد وقت تنگ بوده چنانچه تیمم کند روزه‌اش صحیح است.

#### مسئله ۱۶۸۱

کسی که در شب ماه رمضان جنب است و می‌داند که اگر بخوابد تا صبح بیدار نمی‌شود، نباید بخوابد و چنانچه بخوابد و تا صبح بیدار نشود، روزه‌اش باطل است و قضا و کفاره بر او واجب می‌شود.

#### مسئله ۱۶۸۲

هر گاه جنب در شب ماه رمضان بخوابد و بیدار شود اگر احتمال بدهد که اگر دوباره بخوابد بیدار می‌شود برای غسل، می‌تواند بخوابد.

#### مسئله ۱۶۸۳

کسی که در شب ماه رمضان جنب است و می‌داند یا احتمال می‌دهد که اگر بخوابد پیش از اذان صبح بیدار می‌شود، چنانچه تصمیم داشته باشد که بعد از بیدار شدن غسل کند و با این تصمیم بخوابد و تا اذان خواب بماند روزه‌اش صحیح است.

#### مسئله ۱۶۸۴

کسی که در شب ماه رمضان جنب است و می‌داند یا احتمال می‌دهد که اگر بخوابد پیش از اذان صبح بیدار می‌شود، چنانچه غفلت داشته باشد که بعد از بیدار شدن باید غسل کند، در صورتی که بخوابد و تا اذان صبح خواب بماند روزه‌اش صحیح است.

#### مسئله ۱۶۸۵

کسی که در شب ماه رمضان جنب است می‌داند یا احتمال می‌دهد که اگر بخوابد پیش از اذان صبح بیدار می‌شود، چنانچه نخواهد بعد از بیدار شدن غسل کند، یا تردید داشته باشد که غسل کند یا نه، یا بی‌تفاوت باشد در صورتی که بخوابد و بیدار نشود، روزه‌اش باطل است.

#### مسئله ۱۶۸۶

اگر جنب در شب ماه رمضان بخوابد و بیدار شود و بداند یا احتمال دهد که اگر دوباره بخوابد پیش از اذان صبح بیدار می‌شود و تصمیم هم داشته باشد که بعد از بیدار شدن غسل کند، چنانچه دوباره بخوابد و تا اذان بیدار نشود، باید روزه آن روز را قضا کند و همچنین است اگر از خواب دوم بیدار شود و برای مرتبه سوم بخوابد و کفاره بر او واجب نمی‌شود.

#### مسئله ۱۶۸۷

خوابی را که در آن محتمل شده نباید خواب اول حساب کرد بلکه اگر از آن خواب بیدار شود و دوباره بخوابد خواب اول حساب می‌شود.

#### مسئله ۱۶۸۸

اگر روزه‌دار در روز محتمل شود، واجب نیست فوراً غسل کند.

#### مسئله ۱۶۸۹

هر گاه در ماه رمضان بعد از اذان صبح بیدار شود و ببیند محتمل شده، اگر چه بداند پیش از اذان محتمل شده، روزه او صحیح است.

#### مسئله ۱۶۹۰

کسی که می‌خواهد قضای روزه رمضان را بگیرد، هر گاه تا اذان صبح جنب بماند، اگر چه از روی عمد نباشد روزه او باطل است.

#### مسئله ۱۶۹۱

کسی که می‌خواهد قضای روزه رمضان را بگیرد اگر بعد از اذان صبح بیدار شود و ببیند محتمل شده و بداند پیش از اذان محتمل شده است، چنانچه وقت قضای روزه تنگ است مثلاً پنج روز روزه قضای رمضان دارد و پنج روز هم به رمضان مانده است، بعد از رمضان عوض آن را به جا آورد و اگر وقت قضای روزه تنگ نیست باید روز دیگر روزه بگیرد.

**مسئله ۱۶۹۲**

اگر در روزه واجبی غیر روزه رمضان و قضای آن تا اذان صبح جنب بماند گرچه از روی عمد باشد، روزه اش صحیح است چه وقت آن معین باشد و چه نباشد.

**مسئله ۱۶۹۳**

اگر زن پیش از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و عمداً غسل نکند، یا اگر وظیفه او تیمم است عمداً تیمم نکند روزه اش باطل است.

**مسئله ۱۶۹۴**

اگر زن پیش از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و برای غسل وقت نداشته باشد، چنانچه بخواهد روزه واجبی بگیرد که مثل روزه رمضان وقت آن معین است، با تیمم روزه اش صحیح است و لازم نیست تا صبح بیدار بماند و اگر بخواهد روزه مستحب یا روزه واجبی بگیرد که مثل روزه کفاره وقت آن معین نیست، نمی‌تواند با تیمم روزه بگیرد.

**مسئله ۱۶۹۵**

اگر زن نزدیک اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و برای هیچ کدام از غسل و تیمم وقت نداشته باشد، یا بعد از اذان بفهمد که پیش از اذان پاک شده، روزه او صحیح است، ولی اگر در وسعت وقت قضای رمضان را گرفته باشد صحیح بودن آن اشکال دارد.

**مسئله ۱۶۹۶**

اگر زن بعد از اذان صبح از خون حیض یا نفاس پاک شود، یا در بین روز خون حیض یا نفاس ببیند اگر چه نزدیک مغرب باشد، روزه او باطل است.

**مسئله ۱۶۹۷**

اگر زن غسل حیض یا نفاس را فراموش کند و بعد از یک روز یا چند روز یادش بیاید، روزه‌هایی که گرفته صحیح است.

**مسئله ۱۶۹۸**

اگر زن پیش از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و در غسل کردن کوتاهی کند و تا اذان غسل نکند و در تنگی وقت تیمم هم نکند، روزه اش باطل است. ولی چنانچه کوتاهی نکند مثلاً منتظر باشد که حمام زنانه شود، اگر چه سه مرتبه بخوابد و تا اذان غسل نکند، در صورتی که تیمم کند روزه او صحیح است.

**مسئله ۱۶۹۹**

اگر زنی که در حال استحاضه است، غسل‌های خود را به تفصیلی که در احکام استحاضه گفته شد به جا آورد، روزه او صحیح است.

### مسئله ۱۷۰۰

کسی که مس میت کرده یعنی جایی از بدن خود را به بدن میت رسانده، می‌تواند بدون غسل مس میت روزه بگیرد و اگر در حال روزه هم میت را مس نماید، روزه او باطل نمی‌شود.

### ۸ - اماله کردن

### مسئله ۱۷۰۱

اماله کردن با چیز روان اگر چه از روی ناچاری و برای معالجه باشد روزه را باطل می‌کند، ولی استعمال شیاف‌هایی که برای معالجه است اشکال ندارد و احتیاط واجب آن است که از استعمال شیاف‌هایی که برای کیف کردن است مثل شیاف تریاک یا برای تغذیه از این مجریست خودداری نمایند.

### ۹ - قی کردن

### مسئله ۱۷۰۲

هر گاه روزه‌دار عمدتاً قی کند - اگر چه به واسطه مرض و مانند آن ناچار باشد - روزه‌اش باطل می‌شود ولی اگر سهواً یا بی‌اختیار قی کند اشکال ندارد.

### مسئله ۱۷۰۳

اگر در شب چیزی بخورد که می‌داند به واسطه خوردن آن، در روز بی‌اختیار قی می‌کند، احتیاط واجب آن است که روزه آن روز را قضا نماید.

### مسئله ۱۷۰۴

اگر روزه‌دار بتواند از قی کردن چنانچه برای او ضرر و مشقت نداشته باشد، باید خودداری نماید.

### مسئله ۱۷۰۵

اگر مگس در گلوی روزه‌دار برود، چنانچه به قدری پایین رود که به فرو بردن آن خوردن نمی‌گویند لازم نیست آن را بیرون آورد و روزه او صحیح است و اگر به این مقدار پایین نرود باید آن را بیرون آورد اگر چه موجب شود که قی کند و روزه‌اش باطل شود و چنانچه فرو برد روزه‌اش باطل می‌شود و بنا بر احتیاط واجب باید کفاره جمع بدهد.

**مسئله ۱۷۰۶**

اگر سهواً چیزی را فرو ببرد و پیش از رسیدن به شکم یادش بیاید که روزه است، چنانچه به قدری پایین رفته باشد که آن را داخل شکم کند خوردن نمی‌گویند لازم نیست آن را بیرون آورد و روزه او صحیح است.

**مسئله ۱۷۰۷**

اگر یقین داشته باشد که به واسطه آروغ زدن، چیزی از گلو بیرون می‌آید نباید عمداً آروغ بزند ولی اگر یقین نداشته باشد اشکال ندارد.

**مسئله ۱۷۰۸**

اگر آروغ بزند و بدون اختیار چیزی در گلو یا دهانش بیاید، باید آن را بیرون بریزد و اگر بی‌اختیار فرو رود، روزه‌اش صحیح است.

**احکام چیزهایی که روزه را باطل می‌کند****مسئله ۱۷۰۹**

اگر انسان عمداً و از روی اختیار کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد روزه او باطل می‌شود، چه عالم باشد چه جاهل حتی بنا بر احتیاط واجب در مورد جاهل قاصر و چنانچه از روی عمد نباشد اشکال ندارد، ولی جنب اگر بخوابد و به تفصیلی که در احکام باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح گفته شد تا اذان صبح غسل نکند روزه او باطل است.

**مسئله ۱۷۱۰**

اگر روزه‌دار سهواً یکی از کارهایی را که روزه را باطل می‌کند انجام دهد و به خیال این که روزه‌اش باطل شده عمداً دوباره یکی از آنها را به جا آورد، روزه او باطل می‌شود.

**مسئله ۱۷۱۱**

اگر چیزی به زور در گلوئی روزه‌دار بریزند، یا سر او را به زور در آب فرو برند، روزه او باطل نمی‌شود. ولی اگر مجبورش کنند که روزه خود را باطل کند مثلاً به او بگویند اگر غذا نخوری ضرر مالی یا جانی به تو می‌زنیم و خودش برای جلوگیری از ضرر چیزی بخورد، روزه او باطل می‌شود.

**مسئله ۱۷۱۲**

روزه‌دار نباید جایی برود که می‌داند چیزی در گلویش می‌ریزند یا مجبورش می‌کنند که خودش روزه خود را باطل کند، اما اگر قصد رفتن کند و نرود یا بعد از رفتن چیزی به خوردش ندهند روزه او صحیح است و چنانچه از روی ناچاری کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد روزه او باطل می‌شود، ولی اگر چیزی در گلویش بریزند باطل شدن روزه او محل اشکال است.

## آنچه برای روزه‌دار مکروه است

## مسأله ۱۷۱۳

چند چیز برای روزه‌دار مکروه است و از آن جمله است:

دوا ریختن به چشم و سرمه کشیدن در صورتی که مزه یا بوی آن به حلق برسد، انجام دادن هر کاری که مانند خون گرفتن و حمام رفتن باعث ضعف می‌شود، انقیه کشیدن اگر نداند که به حلق می‌رسد و اگر بداند به حلق می‌رسد جایز نیست، بو کردن گیاه‌های معطر، نشستن زن در آب، استعمال شیاف، تر کردن لباسی که در بدن است، مسواک کردن با چوب یا مسواک تر، کشیدن دندان و هر کاری که به واسطه آن از دهان خون بیاید و اما تخلیه و پرکردن دندان در حال روزه در صورتی که چیزی از مواد آن فرو نرود اشکال ندارد و نیز مکروه است انسان بدون قصد بیرون آمدن منی زن خود را ببوسد، یا کاری کند که شهوت خود را بحرکت آورد و اگر به قصد بیرون آمدن منی باشد در صورتی که منی بیرون آید روزه او باطل می‌شود.

## جاهایی که قضا و کفاره واجب است

## مسأله ۱۷۱۴

اگر در روزه رمضان عمداً قی کند یا در شب جنب شود و به تفصیلی که در احکام باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح گفته شد سه مرتبه بیدار شود و بخوابد و تا اذان صبح بیدار نشود فقط باید قضای آن روز را بگیرد و چنانچه عمداً اماله کند یا سر زیر آب ببرد بنا بر احتیاط واجب باید کفاره هم بدهد و اگر کار دیگری که روزه را باطل می‌کند عمداً انجام دهد قضا و کفاره بر او واجب می‌شود.

## مسأله ۱۷۱۵

اگر به واسطه ندانستن مسأله کاری انجام دهد که روزه را باطل می‌کند، چنانچه می‌توانسته مسأله را یاد بگیرد، بنا بر احتیاط کفاره بر او واجب می‌شود و اگر نمی‌توانسته مسأله را یاد بگیرد یا اصلاً ملتفت مسأله نبوده یا یقین داشته که فلاخن چیز روزه را باطل نمی‌کند، کفاره بر او واجب نیست.

## کفاره روزه

## مسأله ۱۷۱۶

کسی که کفاره روزه رمضان بر او واجب است، باید به دستوری که در مسأله بعد گفته می‌شود دو ماه روزه بگیرد، یا شصت فقیر را سیر کند یا به هر کدام یک مد که تقریباً ده سیر است طعام یعنی گندم یا جو و مانند اینها بدهد و چنانچه اینها برایش ممکن نباشد، هر چند مد که می‌تواند به فقرا طعام بدهد و اگر نتواند طعام بدهد باید استغفار کند، اگر چه مثلاً یک مرتبه بگوید: اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ و احتیاط واجب آن است که هر وقت بتواند، کفاره را بدهد.

## مسأله ۱۷۱۷

کسی که می‌خواهد دو ماه کفاره روزه رمضان را بگیرد، باید سی و یک روز آن را پی در پی بگیرد و اگر بقیه آن پی در پی نباشد اشکال ندارد. ولی باید ابتدا سی و یک روز، روزه پی در پی را بگیرد و بعد بقیه روزه‌ها را بگیرد.

#### مسئله ۱۷۱۸

کسی که می‌خواهد دو ماه کفاره روزه رمضان را بگیرد، نباید موقعی شروع کند که در بین سی و یک روز، روزه باشد که مانند عید قربان، روزه آن حرام است.

#### مسئله ۱۷۱۹

کسی که باید پی در پی روزه بگیرد، اگر در بین آن بدون عذر یک روز روزه نگیرد، یا وقتی شروع کند که در بین آن به روزه برسد که روزه آن واجب است، مثلاً به روزه برسد که نذر کرده آن روز را روزه بگیرد، باید روزه‌ها را از سر بگیرد.

#### مسئله ۱۷۲۰

اگر در بین روزهایی که باید پی در پی روزه بگیرد عذری مثل حیض یا نفاس، یا سفری که در رفتن آن مجبور است، برای او پیش آید، بعد از بر طرف شدن عذر واجب نیست روزه‌ها را از سر بگیرد بلکه بقیه را بعد از بر طرف شدن عذر به جا می‌آورد.

#### مسئله ۱۷۲۱

اگر به چیز حرامی روزه خود را باطل کند، چه آن چیز اصلاً حرام باشد مثل شراب و زنا، یا به جهتی حرام شده باشد، مثل نزدیکی کردن با عیال خود در حال حیض، بنا بر احتیاط کفاره جمع بر او واجب می‌شود یعنی باید یک بنده آزاد کند و دو ماه روزه بگیرد و شصت فقیر را سیر کند، یا به هر کدام آنها یک مد که تقریباً ده سیر است گندم یا جو یا نان و مانند اینها بدهد و چنانچه هر سه برایش ممکن نباشد، هر کدام آنها که ممکن است باید انجام دهد.

#### مسئله ۱۷۲۲

اگر روزه‌دار دروغی را به خدا و پیغمبر صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نسبت دهد، کفاره جمع که تفصیل آن در مسأله پیش گفته شد بنا بر احتیاط بر او واجب می‌شود.

#### مسئله ۱۷۲۳

اگر روزه‌دار در یک روز ماه رمضان چند مرتبه جماع کند، یک کفاره بر او واجب است. ولی اگر جماع او حرام باشد یک کفاره جمع واجب می‌شود.

#### مسئله ۱۷۲۴



اگر روزه‌دار در یک روز ماه رمضان چند مرتبه غیر جماع کار دیگری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، برای همه آنها یک کفاره کافی است.

#### مسئله ۱۷۲۵

اگر روزه‌دار جماع حرام کند و بعد با حلال خود جماع نماید یک کفاره جمع کافی است.

#### مسئله ۱۷۲۶

اگر روزه‌دار کاری که حلال است و روزه را باطل می‌کند، انجام دهد مثلاً آب بیاشامد و بعد کار دیگری که حرام است و روزه را باطل می‌کند انجام دهد، مثلاً غذای حرامی بخورد، دو ماه روزه بگیرد یا شصت فقیر را سیر کند کافی است.

#### مسئله ۱۷۲۷

اگر روزه‌دار آروغ بزند و چیزی در دهانش بیاید، چنانچه عمداً آن را فرو برد، روزه‌اش باطل است و باید قضای آن را بگیرد و کفاره هم بر او واجب می‌شود و اگر خوردن آن چیز حرام باشد، مثلاً موقع آروغ زدن خون یا غذایی که از صورت غذا بودن خارج شده، به دهان او بیاید و عمداً آن را فرو برد، باید قضای آن روزه را بگیرد و بنا بر احتیاط کفاره جمع هم بر او واجب می‌شود.

#### مسئله ۱۷۲۸

اگر نذر کند که روز معینی را روزه بگیرد، چنانچه در آن روز عمداً روزه خود را باطل کند، باید یک بنده آزاد نماید یا دو ماه پی در پی روزه بگیرد یا به شصت فقیر طعام دهد.

#### مسئله ۱۷۲۹

کسی که می‌تواند وقت را تشخیص دهد، اگر به گفته کسی که می‌گوید مغرب شده افطار کند و بعد بفهمد مغرب نبوده است، قضا و کفاره بر او واجب می‌شود.

#### مسئله ۱۷۳۰

کسی که عمداً روزه خود را باطل کرده، اگر بعد از ظهر مسافرت کند، یا پیش از ظهر برای فرار از کفاره سفر نماید، کفاره او ساقط نمی‌شود بلکه اگر قبل از ظهر مسافرتی برای او پیش آمد کند، بنا بر احتیاط کفاره بر او واجب است.

#### مسئله ۱۷۳۱

اگر عمداً روزه خود را باطل کند و بعد عذری مانند حیض یا نفاس یا مرض برای او پیدا شود، کفاره بر او واجب نیست.

**مسئله ۱۷۳۲**

اگر یقین کند که روز اول ماه رمضان است و عمدتاً روزه خود را باطل کند، بعد معلوم شود که آخر شعبان بوده کفاره بر او واجب نیست.

**مسئله ۱۷۳۳**

اگر انسان شک کند که آخر رمضان است یا اول شوال و عمدتاً روزه خود را باطل کند، بعد معلوم شود اول شوال بوده کفاره بر او واجب نیست.

**مسئله ۱۷۳۴**

اگر روزه‌دار در ماه رمضان با زن خود که روزه‌دار است جماع کند، چنانچه زن را مجبور کرده باشد، کفاره روزه خودش و روزه زن را باید بدهد و اگر زن به جماع راضی بوده، بر هر کدام یک کفاره واجب می‌شود.

**مسئله ۱۷۳۵**

اگر زنی شوهر روزه‌دار خود را مجبور کند که جماع نماید، یا کار دیگری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، واجب نیست کفاره روزه شوهر را بدهد.

**مسئله ۱۷۳۶**

اگر روزه‌دار در ماه رمضان، با زن خود که روزه‌دار است جماع کند چنانچه به طوری زن را مجبور کرده باشد که از خود اختیاری نداشته باشد و در بین جماع زن راضی شود، باید مرد دو کفاره و زن یک کفاره بدهد و اگر با اراده و اختیار عمل را انجام دهد اگر چه مجبورش کرده باشد بنا بر احتیاط مرد دو کفاره و زن یک کفاره بدهد.

**مسئله ۱۷۳۷**

اگر روزه‌دار در ماه رمضان با زن روزه‌دار خود که خواب است جماع نماید، یک کفاره بر او واجب می‌شود و روزه زن صحیح است و کفاره هم بر او واجب نیست.

**مسئله ۱۷۳۸**

اگر مرد زن خود را مجبور کند که غیر جماع کار دیگری که روزه را باطل می‌کند به جا آورد، کفاره زن را نباید بدهد و بر خود زن هم کفاره واجب نیست.

**مسئله ۱۷۳۹**

کسی که به واسطه مسافرت یا مرض روزه نمی‌گیرد، نمی‌تواند زن روزه‌دار خود را مجبور به جماع کند، ولی اگر او را مجبور نماید بنا بر احتیاط باید کفاره‌اش را بدهد.

#### مسئله ۱۷۴۰

انسان نباید در به جا آوردن کفاره کوتاهی کند، ولی لازم نیست فوراً آن را انجام دهد.

#### مسئله ۱۷۴۱

اگر کفاره بر انسان واجب شود و چند سال آن را به جا نیاورد، چیزی بر آن اضافه نمی‌شود.

#### مسئله ۱۷۴۲

کسی که باید برای کفاره یک روز شصت فقیر را طعام بدهد، اگر به شصت فقیر دسترسی دارد، نباید به هر کدام از آنها بیشتر از یک مد که تقریباً ده سیر است طعام بدهد، یا یک فقیر را بیشتر از یک مرتبه سیر نماید، ولی چنانچه انسان اطمینان داشته باشد که فقیر طعام را به عیالات خود می‌دهد یا به آنها می‌خوراند می‌تواند برای هر یک از عیالات فقیر اگر چه صغیر باشند یک مد به آن فقیر بدهد.

#### مسئله ۱۷۴۳

کسی که قضای روزه رمضان را گرفته، اگر بعد از ظهر عمداً کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، باید به ده فقیر هر کدام یک مد که تقریباً ده سیر است طعام بدهد و اگر نمی‌تواند بنا بر احتیاط واجب باید سه روز پی در پی روزه بگیرد.

### جاهایی که فقط قضای روزه واجب است

#### مسئله ۱۷۴۴

در چند صورت فقط قضای روزه بر انسان واجب است و کفاره واجب نیست: اول آن که روزه‌دار در روز ماه رمضان عمداً قی کند دوم آن که در شب ماه رمضان جنب باشد و به تفصیلی که در احکام باقی ماندن بر جنابت گفته شد تا اذان صبح از خواب سوم بیدار نشود.

سوم عملی که روزه را باطل می‌کند به جا نیارد ولی نیت روزه نکند، یا ریا کند، یا قصد کند که روزه نباشد.

چهارم آن که در ماه رمضان غسل جنابت را فراموش کند و با حال جنابت یک روز یا چند روز روزه بگیرد.

پنجم آن که در ماه رمضان بدون این که تحقیق کند صبح شده یا نه، کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، بعد معلوم شود صبح بوده و نیز اگر بعد از تحقیق با این که گمان دارد صبح شده، کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد بعد معلوم شود صبح بوده قضای آن روزه بر او واجب است، ولی اگر بعد از تحقیق گمان یا یقین کند که صبح نشده و چیزی بخورد و بعد معلوم شود صبح بوده قضا واجب نیست بلکه اگر بعد از تحقیق شک کند که صبح شده یا نه و کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، بعد معلوم شود صبح بوده، قضا واجب نیست.

ششم آن که کسی بگوید صبح نشده و انسان به گفته او کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد، بعد معلوم شود صبح بوده است.

هفتم آن که کسی بگوید صبح شده و انسان به گفته او یقین نکند، یا خیال کند شوخی می کند و کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد، بعد معلوم شود صبح بوده است.

هشتم آن که کور و مانند آن به گفته کس دیگر افطار کنند، بعد معلوم شود مغرب نبوده است.

نهم آن که در هوای صاف به واسطه تاریکی یقین کند که مغرب شده و افطار کند بعد معلوم شود مغرب نبوده است، ولی اگر در هوای ابر به گمان این که مغرب شده افطار کند، بعد معلوم شود مغرب نبوده، قضا لازم نیست.

دهم آن که برای خنک شدن، یا بی جهت مضمضه کند یعنی آب در دهان بگرداند و بی اختیار فرو رود، ولی اگر فراموش کند که روزه است و آب را فرو دهد، یا برای وضو مضمضه کند و بی اختیار فرو رود، قضا بر او واجب نیست.

### مسئله ۱۷۴۵

اگر غیر آب چیز دیگری را در دهان برد و بی اختیار فرو رود یا آب داخل بینی کند و بی اختیار فرو رود، قضا بر او واجب نیست.

### مسئله ۱۷۴۶

مضمضه زیاد برای روزه دار مکروه است و اگر بعد از مضمضه بخواهد آب دهان را فرو برد، بهتر است سه مرتبه آب دهان را بیرون بریزد.

### مسئله ۱۷۴۷

اگر انسان بداند که به واسطه مضمضه بی اختیار، یا از روی فراموشی آب وارد گلویش می شود، نباید مضمضه کند.

### مسئله ۱۷۴۸

اگر در ماه رمضان، بعد از تحقیق یقین کند که صبح نشده و کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد، بعد معلوم شود صبح بوده قضا لازم نیست.

### مسئله ۱۷۴۹

اگر انسان شک کند که مغرب شده یا نه، نمی تواند افطار کند، ولی اگر شک کند که صبح شده یا نه، پیش از تحقیق هم می تواند کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد.

### احکام روزه قضا

### مسئله ۱۷۵۰

اگر دیوانه عاقل شود، واجب نیست روزه‌های وقتی را که دیوانه بوده قضا نماید.

### مسئله ۱۷۵۱

اگر کافر مسلمان شود، واجب نیست روزه‌های وقتی را که کافر بوده قضا نماید. ولی اگر مسلمانی کافر شود و دوباره مسلمان گردد روزه‌های وقتی را که کافر بوده باید قضا نماید.

### مسئله ۱۷۵۲

روزه‌ای که از انسان به واسطه مستی فوت شده، باید قضا نماید، اگر چه چیزی را که به واسطه آن مست شده، برای معالجه خورده باشد، بلکه اگر نیت روزه کرده و مست شده اگر در اثناء روز از مستی بیرون آید بنا بر احتیاط واجب باید روزه را تمام و نیز قضا نماید و اگر در حال مستی روزه را تمام کرده باشد قضا نماید.

### مسئله ۱۷۵۳

اگر برای عذری چند روز روزه نگیرد و بعد شک کند که چه وقت عذر او بر طرف شده می‌تواند مقدار کمتر را که احتمال می‌دهد روزه نگرفته قضا نماید، مثلاً کسی که پیش از ماه رمضان مسافرت کرده و نمی‌داند پنجم رمضان از سفر برگشته یا ششم، می‌تواند پنج روز روزه بگیرد و نیز کسی هم که نمی‌داند چه وقت عذر برایش پیدا شده، می‌تواند مقدار کمتر را قضا نماید، مثلاً اگر در آخرهای ماه رمضان مسافرت کند و بعد از رمضان برگردد و نداند که بیست و پنجم رمضان مسافرت کرده، یا بیست و ششم، می‌تواند مقدار کمتر یعنی پنج روز را قضا کند.

### مسئله ۱۷۵۴

اگر از چند ماه رمضان روزه قضا داشته باشد، قضای هر کدام را که اول بگیرد مانعی ندارد. ولی اگر وقت قضای رمضان آخر تنگ باشد، مثلاً پنج روز از رمضان آخر قضا داشته باشد و پنج روز هم به رمضان مانده باشد بنا بر احتیاط واجب، اول قضای رمضان آخر را بگیرد.

### مسئله ۱۷۵۵

اگر قضای روزه چند رمضان بر او واجب باشد و در نیت معین نکند روزه‌ای را که می‌گیرد قضای کدام رمضان است، قضای سال اول حساب می‌شود.

### مسئله ۱۷۵۶

کسی که قضای روزه رمضان را گرفته، اگر وقت قضای روزه او تنگ نباشد می‌تواند پیش از ظهر روزه خود را باطل نماید.

### مسئله ۱۷۵۷

اگر قضای روزه معینی را گرفته باشد، احتیاط واجب آن است که بعد از ظهر روزه را باطل نکند.

### مسئله ۱۷۵۸

اگر به واسطه مرض، یا حیض، یا نفاس، روزه رمضان را نگیرد و پیش از تمام شدن رمضان بمیرد، لازم نیست روزه‌هایی را که نگرفته برای او قضا کنند.

### مسئله ۱۷۵۹

اگر به واسطه مرضی روزه رمضان را نگیرد و مرض او تا رمضان سال بعد طول بکشد قضای روزه‌هایی را که نگرفته بر او واجب نیست و باید برای هر روز یک مد که تقریباً ده سیر است طعام یعنی گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهد، ولی اگر به واسطه عذری دیگری مثلاً برای مسافرت روزه نگرفته باشد و عذر او تا رمضان بعد باقی بماند، روزه‌هایی را که نگرفته باید قضا کند و احتیاط آن است که برای هر روز یک مُد طعام هم به فقیر بدهد.

### مسئله ۱۷۶۰

اگر به واسطه مرضی روزه رمضان را نگیرد و بعد از رمضان مرض او بر طرف شود ولی عذر دیگری پیدا کند که نتواند تا رمضان بعد قضای روزه را بگیرد باید روزه‌هایی را که نگرفته قضا نماید و نیز اگر در ماه رمضان، غیر مرض عذر دیگری داشته باشد و بعد از رمضان آن عذر بر طرف شود و تا رمضان سال بعد به واسطه مرض نتواند روزه بگیرد روزه‌هایی را که نگرفته باید قضا کند.

### مسئله ۱۷۶۱

اگر در ماه رمضان به واسطه عذری روزه نگیرد و بعد از رمضان عذر او بر طرف شود و تا رمضان آینده عمداً قضای روزه را نگیرد باید روزه را قضا کند و برای هر روز یک مُد گندم یا جو و مانند اینها هم به فقیر بدهد.

### مسئله ۱۷۶۲

اگر در قضای روزه کوتاهی کند تا وقت تنگ شود و در تنگی وقت عذری پیدا کند، باید قضا را بگیرد و برای هر روز یک مد گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهد بلکه اگر موقعی که عذر دارد تصمیم داشته باشد که بعد از بر طرف شدن عذر روزه‌های خود را قضا کند و پیش از آن که قضا نماید در تنگی وقت عذر پیدا کند باید قضای آن را بگیرد و احتیاط واجب آن است که برای هر روز هم یک مُد غذا به فقیر بدهد.

### مسئله ۱۷۶۳

اگر مرض انسان چند سال طول بکشد، بعد از آن که خوب شد اگر تا رمضان آینده به مقدار قضا وقت داشته باشد باید قضای رمضان آخر را بگیرد و برای هر روز از سال‌های پیش یک مُد که تقریباً ده سیر است، طعام یعنی گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهد.

**مسئله ۱۷۶۴**

کسی که باید برای هر روز یک مُد طعام به فقیر بدهد می‌تواند کفاره چند روز را به یک فقیر بدهد.

**مسئله ۱۷۶۵**

اگر قضای روزه رمضان را چند سال تأخیر بیندازد باید قضا را بگیرد و برای هر روز یک مُد طعام به فقیر بدهد.

**مسئله ۱۷۶۶**

اگر روزه رمضان را عمدتاً نگیرد، باید قضای آن را به جا آورد و برای هر روز دو ماه روزه بگیرد یا به شصت فقیر طعام بدهد، یا یک بنده آزاد کند و چنانچه تا رمضان آینده قضای آن روزه را به جا نیاورد برای هر روز نیز دادن یک مُد طعام لازم است.

**مسئله ۱۷۶۷**

اگر روزه رمضان را عمدتاً نگیرد و در روز کاری که روزه را باطل می‌کند مکرراً انجام دهد، مثلاً چند مرتبه جماع کند یک کفاره کافی است.

**مسئله ۱۷۶۸**

بعد از مرگ پدر پسر بزرگتر باید قضای نماز و روزه او را به تفصیلی که در بحث نماز قضا گفته شد به جا آورد و احتیاط آن است که قضای روزه مادر را به جا آورد.

**مسئله ۱۷۶۹**

اگر پدر غیر از روزه رمضان، روزه واجب دیگری را مانند روزه نذر نگرفته باشد باید پسر بزرگتر قضا نماید و هم چنین برای مادر بنا بر احتیاط.

**احکام روزه مسافر****مسئله ۱۷۷۰**

مسافری که باید نمازهای چهار رکعتی را در سفر دو رکعت بخواند، نباید روزه بگیرد و مسافری که نمازش را تمام می‌خواند مثل کسی که شغلش مسافرت یا سفر او معصیت است، باید در سفر روزه بگیرد.

**مسئله ۱۷۷۱**

مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد. ولی اگر برای فرار از روزه باشد مکروه است.

**مسئله ۱۷۷۲**

اگر غیر روزه رمضان روزه معین دیگری بر انسان واجب باشد بنا بر احتیاط واجب نباید در آن روز مسافرت کند و اگر در سفر باشد باید قصد کند که ده روز در جایی بماند و آن روز را روزه بگیرد ولی اگر نذر کرده باشد روز معینی را روزه بگیرد می‌تواند در آن روز مسافرت نماید.

**مسئله ۱۷۷۳**

اگر نذر کند روزه بگیرد و روز آن را معین نکند، نمی‌تواند آن را در سفر به جا آورد. ولی چنانچه نذر کند که روز معینی را در سفر روزه بگیرد باید آن را در سفر به جا آورد و نیز اگر نذر کند روز معینی را چه مسافر باشد یا نباشد، روزه بگیرد باید آن روز را اگر چه مسافر باشد روزه بگیرد.

**مسئله ۱۷۷۴**

مسافر می‌تواند برای خواستن حاجت سه روز در مدینه طیبه روزه مستحبی بگیرد.

**مسئله ۱۷۷۵**

کسی که نمی‌داند روزه مسافر باطل است اگر در سفر روزه بگیرد و در بین روز مسأله را بفهمد روزه‌اش باطل می‌شود و اگر تا مغرب نفهمد روزه‌اش صحیح است.

**مسئله ۱۷۷۶**

اگر فراموش کند که مسافر است. یا فراموش کند که روزه مسافر باطل می‌باشد و در سفر روزه بگیرد روزه او باطل است.

**مسئله ۱۷۷۷**

اگر روزه‌دار بعد از ظهر مسافرت نماید، باید روزه خود را تمام کند و اگر پیش از ظهر مسافرت کند، وقتی به حد ترخص برسد یعنی به جایی برسد که دیوار شهر را نبیند و صدای اذان آن را نشنود، روزه او باطل می‌شود و اگر پیش از آن روزه را باطل کند بنا بر احتیاط کفاره نیز بر او واجب است.

**مسئله ۱۷۷۸**

اگر مسافر پیش از ظهر به وطنش برسد و در شهرهای بزرگ خارق العاده به محله‌اش برسد یا بجایی برسد که می‌خواهد ده روز در آنجا بماند، چنانچه کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده، باید آن روز را روزه بگیرد و اگر انجام داده، روزه آن روز بر او واجب نیست.



**مسئله ۱۷۷۹**

اگر مسافر بعد از ظهر به وطنش برسد، یا به جایی برسد که می‌خواهد ده روز در آنجا بماند، نباید آن روز را روزه بگیرد.

**مسئله ۱۷۸۰**

مسافر و کسی که از روزه گرفتن عذر دارد، مکروه است در روز ماه رمضان جماع نماید و در خوردن و آشامیدن کاملاً خود را سیر کند.

**کسانی که روزه بر آنها واجب نیست****مسئله ۱۷۸۱**

کسی که به واسطه پیری نمی‌تواند روزه بگیرد، یا برای او مشقت دارد، روزه بر او واجب نیست. ولی در صورت دوم باید برای هر روز یک مد که تقریباً ده سیر است گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهد.

**مسئله ۱۷۸۲**

کسی که به واسطه پیری روزه نگرفته، اگر بعد از ماه رمضان بتواند روزه بگیرد، بنا بر احتیاط واجب باید قضای روزه‌هایی را که نگرفته به جا آورد.

**مسئله ۱۷۸۳**

اگر انسان مرضی دارد که زیاد تشنه می‌شود و نمی‌تواند تشنگی را تحمل کند، یا برای او مشقت دارد، روزه بر او واجب نیست. ولی در صورت دوم باید برای هر روز یک مد گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهد و احتیاط واجب آن است که بیشتر از مقداری که ناچار است آب نیاشامد و چنانچه بعد بتواند روزه بگیرد، بنا بر احتیاط واجب باید روزه‌هایی که نگرفته قضا نماید.

**مسئله ۱۷۸۴**

زنی که زاییدن او نزدیک است و روزه برای حملش ضرر دارد روزه بر او واجب نیست و باید برای هر روز یک مد طعام یعنی گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهد و نیز اگر روزه برای خودش ضرر دارد، روزه بر او واجب نیست و بنا بر احتیاط واجب باید برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد و در هر دو صورت روزه‌هایی را که نگرفته باید قضا نماید.

**مسئله ۱۷۸۵**

زنی که بچه شیر می‌دهد و شیر او کم است چه مادر بچه، یا دایه او باشد، یا بی‌اجرت شیر دهد، اگر روزه برای بچه‌ای که شیر می‌دهد ضرر دارد روزه بر او واجب نیست و باید برای هر روز یک مد طعام یعنی گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهد و نیز اگر برای خودش ضرر دارد، روزه بر او واجب نیست و بنا بر احتیاط واجب باید برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد و در هر دو صورت روزه‌هایی را که نگرفته باید قضا نماید، ولی اگر کسی پیدا شود که بی‌اجرت بچه را شیر دهد، یا برای شیر دادن بچه از پدر

یا مادر بچه یا از کس دیگر که اجرت او را بدهد اجرت بگیرد، احتیاط واجب آن است که بچه را به او بدهد و روزه بگیرد.

## راه ثابت شدن اول ماه

### مسئله ۱۷۸۶

اول ماه به پنج چیز ثابت می‌شود:

اول آن که خود انسان ماه را ببیند.

دوم عده‌ای که از گفته آنان یقین پیدا شود، بگویند ماه را دیده‌ایم و همچنین است هر چیزی که به واسطه آن یقین پیدا شود.

سوم دو مرد عادل بگویند که در شب ماه را دیده‌ایم ولی اگر صفت ماه را بر خلاف یکدیگر بگویند، یا شهادتشان خلاف واقع باشد مثل این که بگویند داخل دایره ماه طرف افق بود، اول ماه ثابت نمی‌شود. اما اگر در تشخیص بعضی خصوصیات اختلاف داشته باشند مثل آن که یکی بگوید ماه بلند بود و دیگری بگوید نبود، به گفته آنان اول ماه ثابت می‌شود.

چهارم سی روز از اول ماه شعبان بگذرد که به واسطه آن، اول ماه رمضان ثابت می‌شود و سی روز از اول رمضان بگذرد که به واسطه آن، اول ماه شوال ثابت می‌شود.

پنجم حاکم شرع حکم کند که اول ماه است.

### مسئله ۱۷۸۷

در اینجا چند مسأله است:

اول:

اگر حاکم شرع حکم کند که اول ماه است، این حکم برای همگان حجت است و کسانی هم که از او تقلید نمی‌کنند حتی مجتهدین دیگر باید به حکم او عمل نمایند، ولی کسی که می‌داند حاکم شرع اشتباه کرده نمی‌تواند به حکم او عمل نماید.

دوم:

اگر اول ماه برای مجتهدی ثابت شود، ثبوت ماه نزد آن مجتهد فقط برای خود او حجت است و برای دیگران حتی مقلدین آن مجتهد حجت نیست.

سوم:

اگر از ثبوت اول ماه نزد مجتهدی برای دیگران و یا مقلد او یقین به اول ماه حاصل شود، یقین دیگران و مقلد او به اول ماه برای آنها حجت است نه آن که ثبوت ماه نزد مجتهد برای آنان حجت باشد و رابطه‌ای بین تقلید و ثبوت ماه نزد مجتهد نیست.

چهارم:

در صورت شک یا ظن به خلاف حکم حاکم شرع، باید به حکم حاکم شرع عمل شود و آن حکم حجت است مگر آن که یقین بر خلاف آن داشته باشند.

پنجم:

اگر حاکم شرع حکم کند به اول ماه رمضان، کسی که یقین بر خلاف حکم حاکم شرع ندارد اگر آن روز را روزه نگیرد و افطار کند، قضا و کفاره - در صورتی که مفطر کفاره داشته باشد - بر او واجب می‌شود.

ششم:

اگر حاکم شرع حکم کند به اول ماه شوال، کسی که یقین بر خلاف آن ندارد اگر آن روز را روزه بگیرد روزه او حرام است. هفتم:

اگر برای مجتهدی اول ماه ثابت شود، اگر اعلام ثبوت ماه و اشاعه آن موجب اختلاف و تفرقه بین مسلمین و وهن به اسلام شود و یا موجب تضعیف نظام اسلامی شود اعلام و اشاعه آن جائز نیست. هشتم:

اگر هلال ماه با ابزار و وسایل جدید رؤیت شود، چنانچه آن وسایل تقویت کننده دیده بیننده باشد و یا موانع دید را بر طرف کند اشکال ندارد و اول ماه ثابت می‌شود، ولی اگر تصرف در مری محسوب شود مثلاً طوری تصرف کند که هلال ماه را که پایین تر از افق است بالا نشان دهد تا رؤیت شود این رؤیت حجت نیست.

#### مسئله ۱۷۸۸

اول ماه با پیشگویی منجمین ثابت نمی‌شود. ولی اگر انسان از گفته آنان یقین پیدا کند، باید به آن عمل نماید.

#### مسئله ۱۷۸۹

بلند بودن ماه یا دیر غروب کردن آن، دلیل نمی‌شود که شب پیش، شب اول ماه بوده است.

#### مسئله ۱۷۹۰

اگر اول ماه رمضان برای کسی ثابت نشود و روزه نگیرد، چنانچه دو مرد عادل بگویند که شب پیش ماه را دیده‌ایم، باید روزه آن روز را قضا نماید.

#### مسئله ۱۷۹۱

اگر در شهری اول ماه ثابت شود، برای مردم شهر دیگر فایده ندارد، مگر آن دو شهر با هم نزدیک باشند، یا انسان بداند که افق آنها یکی است.

#### مسئله ۱۷۹۲

اول ماه به تلگراف ثابت نمی‌شود مگر دو شهری که از یکی به دیگری تلگراف کرده‌اند، نزدیک یا هم افق باشند و انسان بداند تلگراف از روی حکم حاکم شرع یا شهادت دو مرد عادل بوده است.

#### مسئله ۱۷۹۳

روزی را که انسان نمی‌داند آخر رمضان است یا اول شوال، باید روزه بگیرد. ولی اگر پیش از مغرب بفهمد که اول شوال است باید افطار کند.

#### مسئله ۱۷۹۴

اگر زندانی نتواند به ماه رمضان یقین کند، باید به گمان عمل نماید و اگر آن هم ممکن نباشد، هر ماهی را که روزه بگیرد صحیح

است و بنا بر احتیاط واجب باید بعد از گذشتن یازده ماه از ماهی که روزه گرفته دوباره یک ماه روزه بگیرد.

## روزه‌های حرام و مکروه

### مسئله ۱۷۹۵

روزه عید فطر و قربان حرام است و نیز روزی را که انسان نمی‌داند آخر شعبان است، یا اول رمضان، اگر به نیت اول رمضان روزه بگیرد حرام می‌باشد.

### مسئله ۱۷۹۶

اگر زن به واسطه گرفتن روزه مستحبی حق شوهرش از بین برود، جایز نیست روزه بگیرد، بلکه اگر حق شوهر هم از بین نرود ولی شوهر او را از گرفتن روزه مستحبی جلوگیری کند بنا بر احتیاط واجب باید خودداری کند.

### مسئله ۱۷۹۷

روزه مستحبی اولاد اگر اسباب اذیت پدر و مادر یا جد شود جائز نیست بلکه اگر اسباب اذیت آنان نشود ولی او را از گرفتن روزه مستحبی جلوگیری کنند احتیاط واجب آن است که روزه نگیرد.

### مسئله ۱۷۹۸

اگر پسر بدون اجازه پدر روزه مستحبی بگیرد و در بین روز پدر او را نهی کند، باید افطار نماید.

### مسئله ۱۷۹۹

کسی که می‌داند روزه برای او ضرر ندارد، اگر چه دکتر بگوید ضرر دارد، باید روزه بگیرد و کسی که یقین یا گمان دارد که روزه برایش ضرر دارد اگر چه دکتر بگوید ضرر ندارد، باید روزه نگیرد و اگر روزه بگیرد صحیح نیست مگر آن که به قصد قربت بگیرد و بعد معلوم شود ضرر نداشته است.

### مسئله ۱۸۰۰

اگر انسان احتمال بدهد که روزه برایش ضرر دارد و از آن احتمال، ترس برای او پیدا شود چنانچه احتمال او در نظر مردم به جا باشد، نباید روزه بگیرد و اگر روزه بگیرد صحیح نیست مگر آن که به قصد قربت گرفته باشد و بعد معلوم شود ضرر نداشته است.

### مسئله ۱۸۰۱

کسی که عقیده‌اش این است که روزه برای او ضرر ندارد، اگر روزه بگیرد و بعد از مغرب بفهمد روزه برای او ضرر داشته، باید قضای آن را به جا آورد.

### مسئله ۱۸۰۲

غیر از روزه‌هایی که گفته شد، روزه‌های حرام دیگری هم هست که در کتاب‌های مفصل گفته شده است.

### مسئله ۱۸۰۳

روزه روز عاشورا و روزی که انسان شک دارد روز عرفه است یا عید قربان مکروه است.

### روزه‌های مستحب

### مسئله ۱۸۰۴

روزه تمام روزهای سال، غیر از روزه‌های حرام و مکروه که گفته شد مستحب است و برای بعضی از روزها بیشتر سفارش شده است که از آن جمله است:

- ۱ - پنجشنبه اول و پنجشنبه آخر هر ماه و چهارشنبه اولی که بعد از روز دهم ماه است و اگر کسی اینها را به جا نیاورد، مستحب است قضا نماید و چنانچه اصلاً نتواند روزه بگیرد، مستحب است برای هر روز یک مد طعام یا ۶ / ۱۲ نخود نقره به فقیر بدهد.
- ۲ - سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم هر ماه.
- ۳ - تمام ماه رجب و شعبان و بعضی از این دو ماه اگر چه یک روز باشد.
- ۴ - روز عید نوروز، روز بیست و پنجم و بیست و نهم ذیقعده، روز اول تا روز نهم ذیحجه (روز عرفه)، ولی اگر به واسطه ضعف روزه نتواند دعاهای روز عرفه را بخواند، روزه آن روز مکروه است، عید سعید غدیر (۱۸ ذیحجه). روز اول و سوم محرم، میلاد مسعود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم (۱۷ ربیع الاول) روز مبعث حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم (۲۷ رجب) و اگر کسی روزه مستحبی بگیرد واجب نیست آن را به آخر رساند، بلکه اگر برادر مؤمنش او را به غذا دعوت کند، مستحب است دعوت او را قبول کند و در بین روز افطار نماید.

### مواردی که مستحب است انسان از کارهایی که روزه را باطل می‌کند خودداری نماید

### مسئله ۱۸۰۵

برای شش نفر مستحب است در ماه رمضان اگر چه روزه نیستند از کاری که روزه را باطل می‌کند خودداری نمایند:

اول - مسافری که در سفر کاری که روزه را باطل می‌کند انجام داده باشد و پیش از ظهر به وطنش یا به جایی که می‌خواهد ده روز بماند برسد.

دوم - مسافری که بعد از ظهر به وطنش یا به جایی که می‌خواهد ده روز در آنجا بماند برسد.

سوم - مریضی که پیش از ظهر خوب شود و کاری که روزه را باطل می‌کند، انجام داده باشد.

چهارم - مریضی که بعد از ظهر خوب شود.

پنجم - زنی که در بین روز از خون حیض یا نفاس پاک شود.

ششم - کافری که در روز ماه رمضان مسلمان شود.

### مسئله ۱۸۰۶

مستحب است روزه‌دار نماز مغرب و عشا را پیش از افطار کردن بخواند. ولی اگر کسی منتظر او است یا میل زیادی به غذا دارد که

نمی‌تواند با حضور قلب نماز بخواند، بهتر است اول افطار کند ولی به قدری که ممکن است نماز را در وقت فضیلت آن به جا آورد.

## اعتکاف

### [اعتکاف]

#### مسئله ۱۸۰۷

اعتکاف عبارت است از ماندن در مسجد به قصد عبادت خداوند تبارک و تعالی و اعتکاف در اسلام مستحب است و گاهی به جهت نذر کردن یا عهد کردن یا قسم خوردن و یا اجاره و نظیر آن واجب می‌شود و صحیح است این اعتکاف در هر وقت از ایام سال مگر در دو روز، که روزه گرفتن در آن حرام است مثل عید فطر و عید قربان و افضل اوقات اعتکاف، ماه مبارک رمضان و در رمضان، دهه سوم آن است.

### شرایط اعتکاف

#### اشاره

شرط اول:

شخص عاقل باشد، بنا براین اعتکاف از شخص دیوانه اگر چه ادواری باشد و از شخص مست و مانند او از کسانی که فاقد عقل می‌باشند صحیح نیست.

شرط دوم:

نیت و در آن بعد از تعیین کردن قصد قربت و اخلاص، چیز دیگری از قبیل، قصد وجوب و استحباب معتبر و لازم نیست و وقت نیت در اعتکاف، اول طلوع فجر روز اول است و جایز نیست تأخیر انداختن از آن وقت ولی جایز است که در اول شب یا در بین شب، اعتکاف را شروع کند و از همان زمان شروع نیت اعتکاف می‌کند. بلکه احتیاط آن است که شب اول را نیز در اعتکاف داخل کند و از شب اول نیت کند.

شرط سوم:

روزه گرفتن، پس اعتکاف بدون روزه گرفتن صحیح نیست و معتبر نیست در روزه که برای اعتکاف باشد بلکه روزه غیر اعتکاف هم کفایت می‌کند، چه واجب باشد و چه مستحب، برای خودش انجام دهد یا برای دیگری و اگر اعتکاف در غیر ماه مبارک رمضان بود، چه برای خودش باشد و چه برای دیگری، چه نذر باشد و چه غیر نذر باشد و چه اجیر شده باشد یا اجیر نشده باشد، چه روزه قضا باشد یا نباشد و چه روزه قضای خودش باشد و چه نباشد صحیح است.

شرط چهارم:

اعتکاف باید کمتر از سه روز و دو شب بین سه روز نباشد اما بیشتر از آن مانعی ندارد و محدود به حد معینی نیست ولی هر دو روزی را که روزه گرفت، روزه روز سوم بر او واجب می‌شود، مثلاً اگر پنج روز اعتکاف کند روزه روز ششم واجب است و روز عبارت است از طلوع فجر تا هنگام مغرب شرعی پس اگر اعتکاف کند از طلوع فجر روز اول تا مغرب شرعی روز سوم کافی است.

شرط پنجم:

آن که اعتکاف در یکی از ساجد چهارگانه - مسجد الحرام، مسجد النبی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، مسجد کوفه و مسجد بصره باشد و اعتکاف کردن در مسجد جامع هر شهر به قصد رجاء اشکال ندارد.

شرط ششم:

معتبر است اذن کسی را که انسان اجیر او شده که در آن مدت، تمام کارهایش برای او باشد که یکی از کارهای او اعتکاف است و آلا، اذن غیر او معتبر نیست و اذن شوهر برای همسرش معتبر است اگر اعتکاف منافی با حق شوهر باشد و هم چنین اذن پدر و مادر نسبت به فرزندشان، اگر اعتکاف مستلزم اذیت آنها باشد ولی اگر مستلزم اذیت آنها نباشد، اذن آنها لازم نیست اگر چه احتیاط آن است که فرزند از آنها اذن بگیرد.

هفتم:

استمرار داشتن ماندن در مسجد، بنا بر این اگر عمداً و با اختیار برای غیر آن جهاتی که بیرون رفتن را تجویز می‌کند از مسجد بیرون رود، اعتکاف باطل می‌شود اگر چه جاهل به حکم باشد. البته اگر از روی فراموشی یا اکراه بیرون رود، اعتکاف باطل نمی‌شود و هم چنین است اگر به حکم عقل یا شرع و یا به حسب متعارف ناچار باشد و بیرون رود، مانند اینکه قضای حاجت، بول یا غایط کند و یا برای غسل جنابت و مانند اینها خارج شود اعتکافش باطل نمی‌شود و غسل کردن در مسجد الحرام و مسجد النبی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ جایز نیست و بر او واجب است تیمم کند و برای غسل کردن از مسجد خارج شود و در سایر مساجد هم اگر لازمه غسل کردن توقف یا آلوده کردن مسجد باشد، جایز نیست و گر نه جایز است. بلکه در این صورت غسل کردن در مسجد احوط است، اگر چه برای غسل، بیرون رفتن جایز است.

#### مسئله ۱۸۰۸

برای صحیح بودن اعتکاف، بلوغ شرط نیست و بنا بر اقوا از کودک غیر ممیز هم صحیح است.

#### مسئله ۱۸۰۹

عدول کردن از اعتکافی به اعتکاف دیگر جایز نیست، اگر چه در وجوب و استحباب یکسان باشند هم چنانکه عدول کردن از نیابت شخصی به نیابت شخص دیگر جایز نیست و نیز عدول کردن از نیابت دیگری به اعتکاف برای خود و بر عکس جایز نیست.

#### مسئله ۱۸۱۰

در دو روز اول اعتکاف مستحبی می‌تواند از اعتکاف دست بکشد ولی بعد از تمام شدن دو روز اول اعتکاف روز سوم واجب است، بلکه بعد از هر دو روز اعتکاف، سومین روز آن واجب می‌شود، بنا بر اقوا در سومین روز اول و سومین روز دوم یعنی روز ششم و بنا بر احتیاط واجب در بقیه سومین روزها (مانند روز نهم و دوازدهم و ...) و اما اعتکافی را که نذر کرده است اگر معین باشد قطع آن مطلقاً حتی در روز اول و دوم جایز نیست و گرنه در حکم اعتکاف مستحبی است.

#### مسئله ۱۸۱۱

باید روزهای اعتکاف متصل به هم باشد و چنانچه قبلاً گفته شد، دو شب وسط در اعتکاف داخل است پس اگر اعتکاف سه روز جدا از هم و یا بدون شب‌های وسط آن را نذر کند، نذرش باطل است، اگر مقصودش اعتکاف شرعی باشد و همچنین است اگر یک روز یا دو روز را به شرط آن که زیادتر نشود، نذر کند، (نذرش باطل است) البته اگر مقید نکند که زیادتر از یک روز یا دو

روز نباشد صحیح است و باید یک روز یا دو روز بر آن بیفزاید.

### مسئله ۱۸۱۲

اگر اعتکاف یک ماه را نذر کند، ما بین هلال ماه اول تا هلال ماه دوم مجزی است، اگر چه از سی روز کمتر باشد، لکن در این صورت بنا بر احتیاط مستحب یک روز به آن ضمیمه کند.

### مسئله ۱۸۱۳

یک اعتکاف باید در یک مسجد انجام گیرد بنا بر این انجام آن در دو مسجد جایز نیست، اگر چه به هم متصل باشند، مگر آن که یک مسجد حساب شوند و اگر تمام کردن آن در محلی که نیت اعتکاف کرده، به خاطر ترس یا خراب شدن و مانند آن ممکن نباشد، اعتکاف باطل می‌شود و تمام کردن آن در مسجد جامع دیگری برای او کافی است.

### مسئله ۱۸۱۴

پشت بامها و سردابها و محراب‌های مساجد جزء مساجد است و مادامی که نداند آنها جزء مسجد نیستند در حکم مسجد می‌باشند بر خلاف چیزهایی که بر مسجد افزوده می‌شود، مثل راهرو و دهلیز که این چیزها تا وقتی که نداند جزء مسجد است از مسجد حساب نمی‌شود و از آن جمله است حرمین شریفین مسلم بن عقیل علیه‌السلام و هانی بن عروه رحمۃ الله علیه، که ظاهراً خارج از مسجد کوفه است.

### مسئله ۱۸۱۵

اگر جای مخصوصی را از مسجد برای اعتکاف معین کند متعین نمی‌شود و لازم نیست همانجا اعتکاف کند و قصدش لغو است.

### مسئله ۱۸۱۶

از موارد ناچاری که بیرون رفتن از مسجد را مباح می‌کند، اقامه شهادت و عیادت مریض است اگر ارتباطش به مریض به حدی باشد که عرفاً عیادش جزء اموری که ناچار از آن است به حساب آید و هم چنین است تشییع جنازه و بدرقه و استقبال مسافر و مانند آن اگر چه هیچ یک از آنها بر او معین نباشد و میزان کلی در این موارد برای انجام کاریست که عقلاً یا شرعاً و یا عرفاً بیرون رفتن از مسجد برای آن باشد، چه از کارهای واجب باشد و چه از کارهای مستحب و چه مربوط به امور دنیا باشد و چه آخرت و چه ترک آن زیانی داشته باشد و چه نداشته باشد. البته احتیاط آن است که مراعات کند تا نزدیکترین راه را انتخاب کند و به مقدار ضرورت و نیاز اکتفا نماید و وقتی از مسجد بیرون رفت در صورت امکان نباید در سایه بنشیند و احتیاط مستحب آن است که اصلاً ننشیند مگر اینکه ناچار باشد بلکه احتیاط مستحب آن است که در سایه راه نرود اگر چه بنا بر اقوا جایز است و اما خارج شدن از مسجد محل اعتکاف برای رفتن به نماز جماعت در غیر مکه معظمه محل اشکال است.

### مسئله ۱۸۱۷

اگر در مسجد جنب شود و غسل کردن در آنجا بدون توقف یا آلوده کردن مسجد، ممکن نباشد، باید بیرون رود و حکم مسجد الحرام و مسجد النبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قبلاً گذشت که به هیچ وجه غسل در آنها جایز نیست و اگر برای غسل بیرون نرود



اعتکافش باطل است، زیرا توقف جنب در مسجد حرام است.

### مسئله ۱۸۱۸

اگر کسی را که قبل از او در مسجد اعتکاف کرده کنار زند و خود در جای او برای اعتکاف بنشیند اعتکاف او اشکال دارد و همچنین اگر بر فرش غضبی بنشیند، مگر اینکه جاهل به غضب باشد یا غضبی بودن آن را فراموش کرده باشد، که در این صورت اعتکافش اشکال ندارد.

### مسئله ۱۸۱۹

اگر بیرون بودن از مسجد در مواردی که ناچار است به قدری طول بکشد که صورت اعتکاف محو شود اعتکاف باطل می‌شود.

### مسئله ۱۸۲۰

شخصی که اعتکاف می‌کند می‌تواند هنگام نیت کردن شرط کند که اگر برای او عذری پیش آید حتی در روز سوم بتواند دست از اعتکاف بردارد اگر چه عذر او عرفی و معمولی باشد و اما اینکه اگر شرط کند که از اعتکاف برگردد بدون اینکه کاری برایش پیش آید، محل اشکال است و احتیاط واجب آن است که این شرط را در حال شروع اعتکاف بنماید.

## اموری که بر معتکف حرام است

### اشاره

اول:

مباشرت زن‌ها با جماع و لمس کردن و بوسیدن از روی شهوت، بلکه این کارها اعتکاف را باطل می‌کند و بین زنان و مردان فرقی نیست.

دوم:

بنا بر احتیاط واجب استمناء هم حرام است.

سوم:

بوییدن گل‌های خوش بو برای لذت بردن و هم چنین استعمال عطر، پس کسانی که فاقد حس بویایی هستند از این حکم خارج می‌باشند.

چهارم:

خرید و فروش بر معتکف حرام است و بنا بر احتیاط واجب مصالحه کردن و اجاره دادن و امثال آن جایز نیست ولی اگر معامله را انجام بدهد، معامله صحیح است و اگر انسان در حال اعتکاف خود را مشغول به امور دنیوی کند از قبیل خیاطی و بافندگی اشکال ندارد. بلکه اگر برای خوردن و آشامیدن نیاز به خرید و فروش باشد و نتواند و کیل بگیرد و نقل و انتقال بدون خرید و فروش هم ممکن نباشد در این صورت خرید و فروش نیز مانعی ندارد.

پنجم:

نزاع لفظی و مجادله در امور دنیوی یا دینی اگر به خاطر غلبه کردن بر طرف مقابل و اظهار فضیلت باشد، بنا بر این اگر به خاطر

اظهار حق و برگرداندن طرف از اشتباه باشد اشکالی ندارد و بنا بر احتیاط کسی که اعتکاف می‌کند باید از چیزهایی که مُحرَم اجتناب می‌کند، اجتناب نماید.

### مسئله ۱۸۲۱

فرقی نیست بین این محرمات که در روز یا در شب انجام شود.

### مسئله ۱۸۲۲

هر چیزی که روزه را باطل می‌کند اعتکاف را هم باطل می‌کند چون شرط صحت آن روزه است پس باطل شدن روزه، سبب باطل شدن اعتکاف می‌شود.

### مسئله ۱۸۲۳

جماع و لمس کردن و بوسیدن از روی شهوت اعتکاف را باطل می‌کند اگر چه در شب باشد.

### مسئله ۱۸۲۴

جماع کردن اگر چه سهواً باشد، اعتکاف را باطل می‌کند.

### مسئله ۱۸۲۵

بقیه محرمات اعتکاف در صورت ارتکاب آنها عمداً باشد یا سهواً و هم چنین لمس و بوسیدن از روی شهوت اگر سهواً انجام شود، احتیاط واجب آن است که اگر آن اعتکاف واجب معین باشد، آن را تمام کند و قضای آن را به جا آورد و اگر آن اعتکاف واجب معین نباشد در صورتی که این محرمات را روز اول یا دوم انجام دهد باید اعتکاف را از نو شروع کند و اگر در روز سوم انجام دهد آن را تمام کند و بعد از سر بگیرد و هر وقت اعتکاف را باطل کند، چنانچه واجب معین باشد قضای آن واجب است و لازم نیست فوراً قضا کند اگر چه مطابق احتیاط است و اگر واجب غیر معین باشد از سر گرفتن آن واجب است و همچنین اگر اعتکاف مستحب را بعد از روز دوم باطل کند قضای آن واجب است و اما قبل از آن چیزی بر او نیست.

### مسئله ۱۸۲۶

اگر اعتکاف واجب را بواسطه جماع کردن، باطل کند، هر چند در شب باشد باید کفاره بدهد و هم چنین است در مورد اعتکاف مستحب، بنا بر احتیاط واجب اگر بدون دست برداشتن از اعتکاف جماع کند و اما اگر با دست برداشتن از اعتکاف جماع کند بنا بر اقوا کفاره ندارد چنانکه در سایر محرمات کفاره واجب نیست، اگر چه احتیاط مستحب است و کفاره اعتکاف مانند کفاره ماه رمضان است اگر چه احتیاط مستحب آن است که مانند کفاره ظهار ترتیبی باشد.

### مسئله ۱۸۲۷

اگر اعتکاف او در ماه رمضان بود و با جماع در روز، آن را باطل کرد، دو کفاره باید بدهد و اگر اعتکاف او به عنوان روزه قضا انجام می‌شد و در روز، بعد از ظهر با جماع اعتکاف را باطل کرد، در اینجا هم باید دو کفاره بدهد و اگر همسر روزه دارش را در

ماه رمضان بر جماع اکراه کند، پس اگر همسرش اعتکاف نکرده باشد، به عهده او دو کفاره برای خودش هست: برای اعتکافش و روزه‌اش و یک کفاره هم از طرف همسرش برای روزه همسرش و هم چنین است بنا بر اقوا اگر همسرش نیز اعتکاف کرده باشد، اگر چه احتیاط مستحب کفاره چهارمیست از طرف همسرش برای اعتکاف او و اما اگر زن راضی باشد به عهده هر یک از آنان یک کفاره است، اگر جماع در شب باشد و دو کفاره است، اگر در روز باشد.

## احکام خمس

### اشاره

#### مسئله ۱۸۲۸

در هفت چیز خمس واجب می‌شود:

اول منفعت کسب.

دوم معدن.

سوم گنج.

چهارم مال حلال مخلوط به حرام.

پنجم جواهری که به واسطه غواصی یعنی فرو رفتن در دریا به دست می‌آید.

ششم غنیمت جنگ.

هفتم زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد و احکام اینها مفصلاً گفته خواهد شد.

### ۱ - منفعت کسب

#### مسئله ۱۸۲۹

هر گاه انسان از تجارت یا صنعت، یا کسب‌های دیگر مالی به دست آورد، اگر چه مثلاً نماز و روزه میتی را به جا آورد و از اجرت آن، مالی تهیه کند، چنانچه از مخارج سال خود او و عیالاتش زیاد بیاید، باید خمس یعنی پنج یک آن را به دستوری که بعداً گفته می‌شود بدهد.

#### مسئله ۱۸۳۰

اگر از غیر کسب مالی به دست آورد، مثلاً چیزی به او ببخشند واجب نیست خمس آن را بدهد، اگر چه احتیاط مستحب آن است که اگر از مخارج سالش زیاد بیاید، خمس آن را بدهد.

#### مسئله ۱۸۳۱

مهری را که زن می‌گیرد خمس ندارد و همچنین است ارثی که به انسان می‌رسد. ولی اگر مثلاً با کسی خویشاوندی دوری داشته باشد و نداند چنین خویشی دارد، احتیاط مستحب آن است خمس ارثی را که از او می‌برد، اگر از مخارج سالش زیاد بیاید بدهد.

#### مسئله ۱۸۳۲

اگر مالی به ارث به او برسد و بداند کسی که این مال از او به ارث رسیده خمس آن را نداده، باید خمس آن را بدهد و نیز اگر در خود آن مال خمس نباشد ولی انسان بداند کسی که آن مال از او به ارث رسیده، خمس بدهکار است، باید خمس را از مال او بدهد.

### مسئله ۱۸۳۳

اگر به واسطه قناعت کردن، چیزی از مخارج سال انسان زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد.

### مسئله ۱۸۳۴

کسی که دیگری مخارج او را می‌دهد، باید خمس تمام مالی را که به دست می‌آورد بدهد. ولی اگر مقداری از آن را خرج زیارت و مانند آن کرده باشد فقط باید خمس باقی مانده را بدهد.

### مسئله ۱۸۳۵

اگر ملکی را بر افراد معینی مثلاً بر اولاد خود وقف نماید. چنانچه در آن ملک زراعت و درختکاری کنند و از آن چیزی به دست آورند و از مخارج سال آنان زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهند.

### مسئله ۱۸۳۶

اگر مالی را که فقیر بابت خمس و زکات و صدقه مستحبی گرفته از مخارج سالش زیاد بیاید، واجب نیست خمس آن را بدهد. ولی اگر از مالی که به او داده‌اند منفعتی ببرد مثلاً از درختی که بابت خمس به او داده‌اند میوه‌ای به دست آورد چنانچه درخت را برای منفعت بردن و کسب نگه‌داشته باشد، باید خمس مقداری که از مخارج سالش زیاد می‌آید بدهد.

### مسئله ۱۸۳۷

اگر با عین پول خمس نداده جنسی را بخرد یعنی به فروشنده بگوید این جنس را به این پول می‌خرم یا در وقت خریدن قصدش این باشد که از پول خمس نداده عوض آن را بدهد، چنانچه حاکم شرع معامله پنج یک آن را اجازه بدهد، معامله صحیح است و انسان باید پنج یک جنسی را که خریده به حاکم شرع بدهد و اگر اجازه ندهد، معامله آن مقدار باطل است. پس اگر پولی را که فروشنده گرفته از بین نرفته حاکم شرع خمس همان پول را می‌گیرد و اگر از بین رفته عوض خمس را از فروشنده یا خریدار مطالبه می‌کند.

### مسئله ۱۸۳۸

اگر جنسی را بخرد و بعد از معامله قیمت آن را از پول خمس نداده بدهد و در وقت خریدن هم قصدش این نباشد که از پول خمس نداده عوض را بدهد، معامله‌ای که کرده صحیح است. ولی چون از پولی که خمس در آن است به فروشنده داده به مقدار پنج یک آن پول به او مدیون می‌باشد و پولی را که به فروشنده داده اگر از بین نرفته حاکم شرع پنج یک همان را می‌گیرد و اگر از بین رفته عوض آن را از خریدار یا فروشنده مطالبه می‌کند.

**مسئله ۱۸۳۹**

اگر مالی را که خمس آن داده نشده بخرد چنانچه حاکم شرع معامله پنج یک آن را اجازه ندهد معامله آن مقدار باطل است و حاکم شرع می‌تواند پنج یک آن مال را بگیرد و اگر اجازه بدهد معامله صحیح است و خریدار باید مقدار پنج یک پول آن را به حاکم شرع بدهد و اگر به فروشنده داده می‌تواند از او پس بگیرد.

**مسئله ۱۸۴۰**

اگر چیزی را که خمس آن داده نشده به کسی ببخشند پنج یک آن چیز مال او نمی‌شود.

**مسئله ۱۸۴۱**

اگر از کافر یا کسی که به دادن خمس عقیده ندارد، مالی به دست انسان آید، واجب نیست خمس آن را بدهد.

**مسئله ۱۸۴۲**

تاجر و کاسب و صنعتگر و مانند اینها از وقتی که اولین در آمدی که از کاسبی برای او حاصل می‌شود یک سال که بگذرد، باید خمس آنچه را که از مخارج سالشان زیاد می‌آید بدهند و کسی که شغلش کاسبی نیست، اگر به صورت اتفاقی معامله‌ای انجام دهد و منفعتی ببرد، بعد از آن که یک سال از زمانی که فایده برده است، باید خمس مقداری را که از خرج سالش زیاد آمده بدهد.

**مسئله ۱۸۴۳**

انسان می‌تواند در بین سال هر وقت منفعتی به دستش آید خمس آن را بدهد و جایز است دادن خمس را تا آخر سال تأخیر بیندازد و اگر برای دادن خمس، سال شمسی قرار دهد، مانعی ندارد.

**مسئله ۱۸۴۴**

کسی که مانند تاجر و کاسب باید برای دادن خمس، سال قرار دهد، اگر منفعتی به دست آورد و در بین سال بمیرد، باید مخارج تا موقع مرگش را از منفعت کسر کنند و خمس باقی مانده را بدهند.

**مسئله ۱۸۴۵**

اگر قیمت جنسی که برای تجارت خریده بالا رود و آن را بفروشد و در بین سال قیمتش پایین آید خمس مقداری که بالا رفته بر او واجب نیست.

**مسئله ۱۸۴۶**

اگر قیمت جنسی که برای تجارت خریده بالا رود و به امید این که قیمت آن بالاتر رود، تا بعد از تمام شدن سال آن را بفروشد و قیمتش پایین آید خمس مقداری که بالا رفته بر او واجب است بلکه اگر به اندازه‌ای هم نگه داشته که تجار معمولاً برای گران

شدن جنس آن را نگه می‌دارند، خمس مقداری که بالا رفته باید بدهد.

#### مسئله ۱۸۴۷

اگر غیر مال التجاره مالی داشته باشد که خمسش را داده یا خمس ندارد مثلاً به او بخشیده‌اند، چنانچه قیمتش بالا رود و آن را بفروشد مقداری که بر قیمتش اضافه شده، خمس دارد. ولی اگر مثلاً درختی که خریده میوه بیاورد، یا گوسفند چاق شود، در صورتی که مقصود او از نگهداری آنها این بوده که منفعتی از آنها ببرد، باید خمس آنچه زیاد شده بدهد.

#### مسئله ۱۸۴۸

اگر باغی احداث کند برای آن که بعد از بالا رفتن قیمتش بفروشد، باید خمس میوه و نمو درختها و زیادی قیمت باغ را بدهد ولی اگر قصدش این باشد که از میوه آن استفاده کند، فقط باید خمس میوه را بدهد.

#### مسئله ۱۸۴۹

اگر درخت بید و چنار و مانند اینها را بکارد، سالی که موقع فروش آنهاست اگر چه آنها را بفروشد، باید خمس آنها را بدهد ولی اگر مثلاً از شاخه‌های آن که معمولاً هر سال می‌برند، استفاده‌ای ببرد و به تنهایی یا با منفعت‌های دیگر کسبش از مخارج سال او زیاد بیاید، در آخر هر سال باید خمس آن را بدهد.

#### مسئله ۱۸۵۰

کسی که چند رشته کسب یا در یک رشته چند کسب مستقل دارد. مثلاً اجاره ملک می‌گیرد و خرید و فروش و زراعت هم می‌کند، چنانچه در هر رشته کسبی که دارد سرمایه و دخل و خرج و حساب صندوق جداگانه دارد، باید منافع همان رشته را حساب کند و خمس آن را بدهد و اگر در آن رشته ضرر کند از رشته دیگر جبران نمی‌شود و اگر رشته‌های مختلف، در دخل و خرج و حساب صندوق، یکی باشند باید همه را آخر سال یک جا حساب کند و اگر نفع داشت خمس آن را بدهد.

#### مسئله ۱۸۵۱

خرج‌هایی را که انسان برای به دست آوردن فایده می‌کند مانند دلالتی و حمالی می‌تواند جزء مخارج سالیانه حساب نماید.

#### مسئله ۱۸۵۲

آنچه از منافع کسب در بین سال به مصرف خوراک و پوشاک و اثاثیه و خرید منزل و عروسی و جهیزیه دختر که مورد احتیاج او باشد و زیارت و مانند اینها می‌رساند، در صورتی که از شأن او زیاد نباشد و زیاده‌روی هم نکرده باشد، خمس ندارد.

#### مسئله ۱۸۵۳

مالی را که انسان به مصرف نذر و کفاره می‌رساند، جزء مخارج سالیانه است و نیز مالی را که به کسی می‌بخشد یا جایزه می‌دهد در صورتی که از شأن او زیاد نباشد، از مخارج سالیانه حساب می‌شود.

**مسئله ۱۸۵۴**

اگر انسان نتواند یک زمان جهیزیه دختر را تهیه کند و مجبور باشد که هر سال مقداری از آن را تهیه کند یا در شهری باشد که معمولاً هر سال مقداری از جهیزیه دختر را تهیه می‌کنند، به طوری که تهیه نکردن آن عیب به شمار می‌رود، چنانچه در بین سال از منافع آن سال جهیزیه به مقدار شأنش تهیه کند خمس ندارد و همچنین است نسبت به لوازم ازدواج پسر که اگر به مقداری که معمول و مطابق شأن باشد و پسر هم از عیالات او محسوب شود تهیه کند و کنار بگذارد خمس ندارد.

**مسئله ۱۸۵۵**

مالی را که خرج سفر حج و زیارت‌های دیگر می‌کند اگر مانند مرکب سواری باشد که عین آن باقیست و از منفعت آن استفاده شده از مخارج سالی حساب می‌شود که در آن سال شروع به مسافرت کرده، اگر چه سفر او تا مقداری از سال بعد طول بکشد. ولی اگر مثل خوراکیها از بین رفته باشد باید خمس مقداری را که در سال بعد واقع شده بدهد.

**مسئله ۱۸۵۶**

کسی که از کسب و تجارت فائده‌ای برده، اگر مال دیگری هم دارد که خمس آن واجب نیست، می‌تواند مخارج سال خود را فقط از فائده کسب حساب کند.

**مسئله ۱۸۵۷**

اگر از منفعت کسب آذوقه‌ای که برای مصرف سالش خریده، در آخر سال زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد و چنانچه بخواهد قیمت آن را بدهد در صورتی که قیمتش از وقتی که خریده زیاد شده باشد باید قیمت آخر سال را حساب کند.

**مسئله ۱۸۵۸**

اگر از منفعت کسب پیش از فرا رسیدن زمان خمس، اثاثیه‌ای برای منزل و یا وسایلی برای عیالات خود بخرد چنانچه در بین سال احتیاجش و یا احتیاج عیالاتش به آنها بر طرف شود واجب است خمس آن را بدهد. زیرا معیار در باب واجب نبودن خمس احتیاج است نه مصرف. مثلاً اگر شخصی به یک یخچال احتیاج داشته باشد و با آن به طور معمول و به مقدار شأنش احتیاجش بر طرف می‌شود و در دو دستگاه یخچال بخرد و از آن استفاده کند باید خمس یک یخچال اضافی را بدهد که اگر چه آن را مورد مصرف قرار داده باشد و بر عکس اگر لباس اضافی مورد احتیاج او باشد و آن را تهیه کند ولی اتفاقاً تا سر سال خمسی مصرف ننماید خمس ندارد.

**مسئله ۱۸۵۹**

اگر در یک سال منفعتی نبرد، نمی‌تواند مخارج آن سال را از منفعتی که در سال بعد می‌برد کسر نماید.

**مسئله ۱۸۶۰**

اگر در اول سال منفعتی نبرد و از سرمایه خرج کند و پیش از تمام شدن سال منفعتی به دستش آید، می‌تواند مقداری را که از

سرمایه برداشته از منافع کسر کند.

#### مسئله ۱۸۶۱

اگر مقداری از سرمایه یک رشته کسب به سبب تلف یا ضرر در معامله بدون تقصیر کم شود یا از بین برود و از باقی مانده آن رشته منافی ببرد که از خرج سالش زیاد بیاید می‌تواند مقداری را که از سرمایه کم شده از منافع آن بردارد و اگر با سرمایه‌ای که برای او مانده نتواند کسبی کند که سزاوار او باشد یا منافی که از آن پیدا می‌شود برای مخارج سال او کافی نباشد می‌تواند مقداری را که از سرمایه کم شده از منافع کسر نماید.

#### مسئله ۱۸۶۲

اگر غیر از سرمایه چیز دیگری از مال‌های او از بین برود، نمی‌تواند از منفعتی که به دستش می‌آید آن چیز را تهیه کند ولی اگر در همان سال به آن چیز احتیاج داشته باشد، می‌تواند در بین سال از منافع کسب آن را تهیه نماید.

#### مسئله ۱۸۶۳

اگر در اول سال برای مخارج خود قرض کند و پیش از تمام شدن سال منفعتی ببرد، می‌تواند مقدار قرض خود را از آن منفعت کسر نماید.

#### مسئله ۱۸۶۴

اگر در تمام سال منفعتی نبرد و برای مخارج خود قرض کند می‌تواند از منافع سال‌های بعد قرض خود را ادا نماید.

#### مسئله ۱۸۶۵

اگر برای زیاد کردن مال یا خریدن ملکی که به آن احتیاج ندارد قرض کند نمی‌تواند از منافع کسب آن قرض را بدهد ولی اگر مالی را که قرض کرده و چیزی را که از قرض خریده از بین برود و ناچار شود که قرض خود را بدهد. می‌تواند از منافع کسب، قرض را ادا نماید.

#### مسئله ۱۸۶۶

بنا بر احتیاط واجب باید خمس مال حلال مخلوط به حرام را از عین همان مال بدهد. ولی خمس‌های دیگر را می‌تواند از همان چیز بدهد یا به مقدار قیمت خمس که بدهکار است پول بدهد.

#### مسئله ۱۸۶۷

تا خمس مال را ندهد نمی‌تواند در آن مال تصرف کند اگر چه قصد دادن خمس را داشته باشد.

#### مسئله ۱۸۶۸



کسی که خمس بدهکار است نمی‌تواند آن را به ذمه بگیرد یعنی خود را بدهکار اهل خمس بداند و در تمام مال تصرف کند و یا آن که کنار بگذارد و در بقیه مال تصرف کند و چنانچه تصرف کند و آن مال تلف شود و یا مال کنار گذاشته شده تلف شود باید خمس آن را بدهد. خمس را نمی‌شود شخص خودش به ذمه بگیرد و یا آن که از مالش جدا کند و خمس با کنار گذاشتن مشخص و متعین نمی‌شود، بر خلاف زکات که با کنار گذاشتن مشخص و متعین می‌شود.

#### مسئله ۱۸۶۹

کسی که خمس بدهکار است، اگر با حاکم شرع مصالحه کند، می‌تواند در تمام مال تصرف نماید و بعد از مصالحه منافعی که از آن به دست می‌آید مال خود او است.

#### مسئله ۱۸۷۰

کسی که با دیگری شریک است، اگر خمس منافع خود را بدهد و شریک او ندهد و در سال بعد از مالی که خمسش را نداده برای سرمایه شرکت بگذارد هیچ کدام نمی‌توانند در آن تصرف کنند.

#### مسئله ۱۸۷۱

اگر بچه صغیر سرمایه‌ای داشته باشد و از آن منافعی به دست آید، ولی او می‌تواند پیش از بلوغ او خمس او را بدهد و اگر بعد از تمام شدن سال خمس را ندهد نمی‌تواند در آن مال تصرف کند و در این صورت بر خود صغیر واجب است بعد از آن که بالغ شد، خمس آن را بدهد.

#### مسئله ۱۸۷۲

انسان نمی‌تواند در مالی که یقین دارد خمسش را نداده‌اند تصرف کند، ولی در مالی که شک دارد خمس آن را داده‌اند یا نه می‌تواند تصرف نماید.

#### مسئله ۱۸۷۳

کسی که از اول تکلیف خمس نداده، اگر ملکی بخرد و قیمت آن بالا-رود، چنانچه آن ملک را برای آن نخریده که قیمتش بالا رود و بفروشد مثلاً زمینی را برای زراعت خریده است اگر پول خمس نداده را به فروشنده داده و به او گفته این ملک را به این پول می‌خرم، در صورتی که حاکم شرع معامله پنج یک آن را اجازه بدهد، خریدار باید خمس مقداری که آن ملک ارزش دارد بدهد و هم چنین است بنا بر احتیاط واجب اگر چیزی را که خریده از اول قصد داشته که پول خمس نداده را عوض آن بدهد.

#### مسئله ۱۸۷۴

کسی که از اول تکلیف، خمس نداده اگر از منافع کسب چیزی که به آن احتیاج ندارد خریده و یک سال از خرید آن گذشته باید خمس آن را بدهد و اگر ائاث خانه و چیزهای دیگری که به آنها احتیاج دارد مطابق شأن خود خریده پس اگر بداند در بین سالی که در آن سال فائده برده آنها را خریده لازم نیست خمس آنها را بدهد و اگر نداند که در بین سال خریده یا بعد از تمام شدن سال، بنا بر احتیاط واجب باید با حاکم شرع مصالحه کند.

**۲- معدن****مسئله ۱۸۷۵**

اگر از معدن طلا، نقره، سرب، مس، آهن، نفت، ذغال سنگ، فیروزه، عقیق، زاج، نمک و معدن‌های دیگر چیزی به دست آورد در صورتی که به مقدار نصاب باشد، باید خمس آن را بدهد.

**مسئله ۱۸۷۶**

نصاب معدن بنا بر احتیاط ۱۰۵ مثقال معمولی نقره سکه‌دار یا ۱۵ مثقال معمولی طلای سکه‌دار است، یعنی اگر قیمت چیزی را که از معدن بیرون آورده، بعد از کم کردن مخارجی که برای آن کرده به ۱۰۵ مثقال نقره سکه‌دار یا ۱۵ مثقال طلای سکه‌دار برسد، بنا بر احتیاط واجب باید خمس آن را بدهد.

**مسئله ۱۸۷۷**

استفاده‌ای که از معدن برده، اگر قیمت آن به ۱۰۵ مثقال نقره سکه‌دار یا ۱۵ مثقال طلای سکه‌دار نرسد، خمس آن در صورتی لازم است که به تنهایی یا با منفعت‌های دیگر کسب او از مخارج سالش زیاد بیاید.

**مسئله ۱۸۷۸**

گیج و آهک و گل سرشور و گل سرخ چون ممکن است معدنی حساب شوند چنانچه احتیاطاً خمس آنها را پیش از مؤونه سال بدهند بسیار مطلوب است.

**مسئله ۱۸۷۹**

کسی که از معدن چیزی به دست می‌آورد، باید خمس آن را بدهد چه معدن روی زمین باشد، یا زیر آن، در زمینی باشد که ملک است، یا در جایی باشد که مالک ندارد.

**مسئله ۱۸۸۰**

اگر نداند چیزی را که از معدن بیرون آورده به ۱۰۵ مثقال نقره سکه‌دار یا ۱۵ مثقال طلای سکه‌دار می‌رسد یا نه، بنا بر احتیاط واجب باید به وزن کردن یا از راه دیگر قیمت آن را معلوم کند.

**مسئله ۱۸۸۱**

اگر چند نفر چیزی از معدن بیرون آورند، چنانچه بعد از کم کردن مخارجی که برای آن کرده‌اند، اگر سهم هر کدام آنها به ۱۰۵ مثقال نقره سکه‌دار یا ۱۵ مثقال طلای سکه‌دار برسد، باید خمس آن را بدهند.

**مسئله ۱۸۸۲**

اگر معدنی را که در ملک دیگریست بیرون آورد آنچه از آن به دست می‌آید، مال صاحب ملک است و چون صاحب ملک برای بیرون آوردن آن خرجی نکرده، باید خمس تمام آنچه را که از معدن بیرون آمده بدهد.

### ۲- گنج

#### مسئله ۱۸۸۳

گنج مالیت که در زمین یا درخت یا کوه یا دیوار پنهان باشد و کسی آن را پیدا کند و طوری باشد که به آن، گنج بگویند.

#### مسئله ۱۸۸۴

اگر انسان در زمینی که ملک کسی نیست گنجی پیدا کند، مال خود او است و باید خمس آن را بدهد.

#### مسئله ۱۸۸۵

نصاب گنج بنا بر احتیاط ۱۰۵ مثقال نقره یا ۱۵ مثقال طلاست یعنی اگر قیمت چیزی را که از گنج به دست می‌آورد، بعد از کم کردن مخارجی که برای آن کرده به ۱۰۵ مثقال نقره سکه دار یا ۱۵ مثقال طلای سکه دار برسد. بنا بر احتیاط واجب باید خمس آن را بدهد.

#### مسئله ۱۸۸۶

اگر در زمینی که از دیگری خریده گنجی پیدا کند و بداند مال کسانی که قبلاً مالک آن زمین بوده‌اند نیست، مال خود او می‌شود و باید خمس آن را بدهد ولی اگر احتمال دهد که مال یکی از آنان است، باید به او اطلاع دهد و چنانچه معلوم شود مال او نیست، باید به کسی که پیش از او مالک زمین بوده اطلاع دهد و به همین ترتیب به تمام کسانی که پیش از او مالک زمین بوده‌اند خبر دهد و اگر معلوم شود مال هیچ یک آنان نیست مال خود او می‌شود و باید خمس آن را بدهد.

#### مسئله ۱۸۸۷

اگر در ظرف‌های متعددی که در یک جا دفن شده مالی پیدا کند که قیمت آنها روی هم ۱۰۵ مثقال نقره سکه دار یا ۱۵ مثقال طلای سکه دار باشد، بنا بر احتیاط واجب باید خمس آن را بدهد ولی چنانچه در چند جا گنج پیدا کند، هر کدام آنها که قیمتش به این مقدار برسد، بنا بر احتیاط خمس آن واجب است و گنجی که قیمت آن به این مقدار نرسیده خمس ندارد.

#### مسئله ۱۸۸۸

اگر دو نفر گنجی پیدا کنند که قیمت سهم هر یک آنان به ۱۰۵ مثقال نقره سکه دار یا ۱۵ مثقال طلای سکه دار برسد، باید خمس آن را بدهند.

#### مسئله ۱۸۸۹

اگر کسی حیوانی را بخرد و در شکم آن مالی پیدا کند چنانچه احتمال دهد که مال فروشنده است، بنا بر احتیاط واجب باید به او

خبر دهد و اگر معلوم شود مال او نیست، باید به ترتیب، صاحبان قبلی آن را خبر کند و چنانچه معلوم شود که مال هیچ یک آنان نیست، اگر چه قیمت آن ۱۰۵ مثقال نقره سکه دار یا ۱۵ مثقال طلای سکه دار نباشد، بنا بر احتیاط واجب باید خمس آن را بدهد.

#### ۴ - مال حلال مخلوط به حرام

##### مسئله ۱۸۹۰

اگر مال حلال با مال حرام به طوری مخلوط شود که انسان نتواند آنها را از یکدیگر تشخیص دهد و صاحب مال حرام و مقدار آن، هیچ کدام معلوم نباشد، باید خمس تمام مال را بدهد و بعد از دادن خمس، بقیه مال حلال می‌شود.

##### مسئله ۱۸۹۱

اگر مال حلال با حرام مخلوط شود و انسان مقدار حرام را بداند ولی صاحب آن را نشناسد، باید آن مقدار را به نیت صاحبش صدقه بدهد و احتیاط واجب آن است که از حاکم شرع هم اذن بگیرد.

##### مسئله ۱۸۹۲

اگر مال حلال با حرام مخلوط شود و انسان مقدار حرام را نداند ولی صاحبش را بشناسد، باید یکدیگر را راضی نمایند و چنانچه صاحب مال راضی نشود، در صورتی که انسان بداند چیز معینی مال او است و شک کند که بیشتر از آن هم مال او هست یا نه، باید چیزی را که یقین دارد مال او است به او بدهد و احتیاط مستحب آن است مقدار بیشتری را که احتمال می‌دهد مال او است به او بدهد.

##### مسئله ۱۸۹۳

اگر خمس مال حلال مخلوط به حرام را بدهد و بعد بفهمد که مقدار حرام بیشتر از خمس بوده، بنا بر احتیاط مستحب مقداری را که می‌داند از خمس بیشتر بوده، از طرف صاحب آن صدقه بدهد.

##### مسئله ۱۸۹۴

اگر خمس مال حلال مخلوط به حرام را بدهد، یا مالی که صاحبش را نمی‌شناسد به نیت او صدقه بدهد، بعد از آن که صاحبش پیدا شد، بنا بر احتیاط واجب باید به مقدار مالش به او بدهد.

##### مسئله ۱۸۹۵

اگر مال حلال با حرام مخلوط شود و مقدار حرام معلوم باشد و انسان بداند که صاحب آن از چند نفر معین بیرون نیست ولی نتواند بفهمد کیست، باید قرعه بیندازند و بنام هر کس افتاد مال را به او بدهند.

#### ۵ - جواهری که به واسطه فرو رفتن در دریا به دست می‌آید

##### مسئله ۱۸۹۶

اگر به واسطه غواصی یعنی فرو رفتن در دریا لوء و مرجان یا جواهر دیگری که با فرو رفتن در دریا بیرون می‌آید بیرون آورند، رویدنی باشد، یا معدنی، چنانچه بعد از کم کردن مخارجی که برای بیرون آوردن آن کرده‌اند، قیمت آن به ۱۸ نخود طلا برسد، باید خمس آن را بدهند، چه در یک دفعه آن را از دریا بیرون آورده باشند یا در چند دفعه، آنچه بیرون آمده از یک جنس باشد یا از چند جنس، ولی اگر چند نفر آن را بیرون آورده باشند هر کدام آنان که قیمت سهمش به ۱۸ نخود طلا برسد فقط او باید خمس بدهد.

### مسئله ۱۸۹۷

اگر بدون فرو رفتن در دریا به وسیله اسبابی جواهر بیرون آورد و بعد از کم کردن مخارجی که برای آن کرده قیمت آن به ۱۸ نخود طلا برسد بنا بر احتیاط خمس آن واجب است. ولی اگر از روی آب دریا یا از کنار دریا جواهر بگیرد، در صورتی باید خمس آن را بدهد که این کار شغلش باشد و از مخارج سالش به تنهایی یا با منفعت‌های دیگر زیاد بیاید.

### مسئله ۱۸۹۸

خمس ماهی و حیوانات دیگری که انسان بدون فرو رفتن در دریا می‌گیرد در صورتی واجب است که برای کسب بگیرد و به تنهایی یا با منفعت‌های دیگر کسب او از مخارج سالش زیادتر باشد.

### مسئله ۱۸۹۹

اگر انسان بدون قصد این که چیزی از دریا بیرون آورد در دریا فرو رود و اتفاقاً جواهری به دستش آید در صورتی که قصد کند که آن چیز ملکش باشد باید خمس آن را بدهد.

### مسئله ۱۹۰۰

اگر انسان در دریا فرو رود و حیوانی را بیرون آورد و در شکم آن جواهری پیدا کند که قیمتش هیچ‌ده نخود طلا یا بیشتر باشد چنانچه آن حیوان مانند صدف باشد که نوعاً در شکمش جواهر است، باید خمس آن را بدهد و اگر اتفاقاً جواهر بلعیده باشد احتیاط آن است که حکم گنج را در آن جاری کنند.

### مسئله ۱۹۰۱

اگر در رودخانه‌های بزرگ مانند دجله و فرات فرو رود و جواهری بیرون آورد. چنانچه در آن رودخانه جواهر عمل می‌آید، باید خمس آن را بدهد.

### مسئله ۱۹۰۲

اگر در آب فرو رود و مقداری عنبر بیرون آورد که قیمت آن ۱۸ نخود طلا یا بیشتر باشد، باید خمس آن را بدهد و چنانچه از روی آب یا از کنار دریا به دست آورد، اگر قیمت آن به مقدار ۱۸ نخود طلا هم نرسد در صورتی که این کار کسبش باشد و به تنهایی یا با منفعت‌های دیگر او از مخارج سالش زیاد بیاید باید خمس آن را بدهد.

**مسئله ۱۹۰۳**

کسی که کسبش غواصی یا بیرون آوردن معدن است اگر خمس آنها را بدهد و چیزی از مخارج سالش زیاد بیاید، لازم نیست دوباره خمس آن را بدهد.

**مسئله ۱۹۰۴**

اگر بچه ای معدنی را بیرون آورد، یا مال حلال مخلوط به حرام داشته باشد، یا گنجی پیدا کند، یا به واسطه فرو رفتن در دریا جواهری بیرون آورد و لَوِّ او باید خمس آنها را بدهد.

**۶- غنیمت****مسئله ۱۹۰۵**

اگر مسلمانان به امر امام علیه السلام با کفار جنگ کنند و چیزهایی در جنگ به دست آورند. به آنها غنیمت گفته می شود و مخارجی را که برای غنیمت کرده اند، مانند مخارج نگهداری و حمل و نقل آن و نیز مقداری را که امام علیه السلام صلاح می داند به مصرفی برساند و چیزهایی که مخصوص به امام است، باید از غنیمت کنار بگذارند و خمس بقیه آن را بدهند.

**۷- زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد****مسئله ۱۹۰۶**

اگر کافر ذمی زمینی را از مسلمان بخرد، باید خمس آن را از همان زمین بدهد و اگر پول آن را هم بدهد اشکال ندارد، ولی اگر غیر از پول چیز دیگر بدهد باید به اذن حاکم شرع باشد و نیز اگر خانه و دکان و مانند اینها را از مسلمان بخرد، چنانچه زمین آن را جداگانه قیمت کنند و بفروشند باید خمس زمین آن را بدهد و اگر خانه و دکان را روی هم بفروشند و زمین به تبع آن منتقل شود خمس زمین واجب نیست و در دادن این خمس قصد قربت لازم نیست، بلکه حاکم شرع هم که خمس را از او می گیرد لازم نیست قصد قربت نماید.

**مسئله ۱۹۰۷**

اگر کافر ذمی زمینی را که از مسلمان خریده به مسلمان دیگری هم بفروشد، باید خمس آن را بدهد و نیز اگر بمیرد و مسلمانی آن زمین را از او ارث ببرد، باید خمس آن را از همان زمین، یا از مال دیگرش بدهند.

**مسئله ۱۹۰۸**

اگر کافر ذمی موقع خرید زمین شرط کند که خمس ندهد، یا شرط کند که فروشنده خمس آن را بدهد، شرط او صحیح نیست و باید خمس را بدهد، ولی اگر شرط کند که فروشنده مقدار خمس را از طرف او به صاحبان خمس بدهد اشکال ندارد.

**مسئله ۱۹۰۹**

اگر مسلمان زمینی را به غیر خرید و فروش ملک کافر کند و عوض آن را بگیرد. مثلاً به او صلح نماید، بنا بر احتیاط واجب کافر ذمی باید خمس آن را بدهد.

#### مسئله ۱۹۱۰

اگر کافر ذمی صغیر باشد و ولی او برایش زمینی بخرد احتیاط واجب آن است که بعد از بلوغ خمس زمین را از او بگیرند.

#### مصرف خمس

#### مسئله ۱۹۱۱

خمس را باید دو قسمت کنند:

یک قسمت آن سهم سادات است، بنا بر احتیاط واجب باید با اذن مجتهد جامع شرایط به سید فقیر، یا سید یتیم، یا به سیدی که در سفر درمانده شده بدهند و نصف دیگر آن سهم امام علیه السلام است که در این زمان باید به مجتهد جامع شرایط بدهند یا به مصرفی که او اجازه می‌دهد برسانند.

#### مسئله ۱۹۱۲

سید یتیمی که به او خمس می‌دهند، باید فقیر باشد ولی به سیدی که در سفر درمانده شده، اگر در وطنش فقیر هم نباشد می‌شود خمس داد.

#### مسئله ۱۹۱۳

به سیدی که در سفر درمانده شده، اگر سفر او سفر معصیت باشد، نباید خمس بدهند.

#### مسئله ۱۹۱۴

به سیدی که عادل نیست می‌شود خمس داد ولی به سیدی که دوازده امامی نیست، نباید خمس بدهند.

#### مسئله ۱۹۱۵

به سیدی که معصیت کار است، اگر خمس دادن کمک به معصیت او باشد، نمی‌شود خمس داد و به سیدی هم که آشکارا معصیت می‌کند، اگر چه دادن خمس کمک به معصیت او نباشد، بنا بر احتیاط واجب نباید خمس بدهند.

#### مسئله ۱۹۱۶

اگر کسی بگوید سیدم نمی‌شود به او خمس داد مگر آن که دو نفر عادل، سید بودن او را تصدیق کنند یا در بین مردم به طوری معروف باشد که انسان یقین یا اطمینان پیدا کند که سید است.

#### مسئله ۱۹۱۷

به کسی که در شهر خودش مشهور باشد سید است، اگر به سید بودن به او اطمینان پیدا کند می‌شود به او خمس داد.

### مسئله ۱۹۱۸

کسی که زنش سیده است بنا بر احتیاط واجب نباید به او خمس بدهد که به مصرف مخارج خودش برساند، ولی اگر مخارج دیگران بر آن زن واجب باشد و نتواند مخارج آنان را بدهد، جایز است انسان خمس به آن زن بدهد که به مصرف آنان برساند و هم چنین اگر زن مخارج دیگری دارد که به آن محتاج است و بر شوهرش واجب نیست، جایز است شوهر از بابت خمس به زن بدهد که به مصرف آن مخارج برساند.

### مسئله ۱۹۱۹

اگر مخارج سیده‌ای که زوجه انسان نیست بر انسان واجب باشد بنا بر احتیاط واجب، نمی‌تواند از خمس خوراک و پوشاک او را بدهد، ولی اگر مقداری خمس ملک او کند که به مصرف دیگری غیر مخارج خودش که بر خمس دهنده واجب است برساند مانعی ندارد.

### مسئله ۱۹۲۰

به سید فقیری که مخارجش بر دیگری واجب است و او نمی‌تواند مخارج آن سید را بدهد، می‌شود خمس داد.

### مسئله ۱۹۲۱

احتیاط واجب آن است که بیشتر از مخارج یک سال به یک سید فقیر خمس ندهند.

### مسئله ۱۹۲۲

اگر در شهر انسان سید مستحقى نباشد و احتمال هم ندهد که پیدا شود، یا نگهداری خمس تا پیدا شدن مستحق ممکن نباشد، باید خمس را به شهر دیگری برد و به مستحق برساند و احتیاط آن است که مخارج بردن آن را از خمس بر ندارد و اگر خمس از بین برود، چنانچه در نگهداری آن کوتاهی کرده، باید عوض آن را بدهد و اگر کوتاهی نکرده، چیزی بر او واجب نیست.

### مسئله ۱۹۲۳

هر گاه در شهر خودش مستحقى نباشد ولی احتمال دهد که پیدا شود اگر چه نگهداری خمس تا پیدا شدن مستحق ممکن باشد می‌تواند خمس را به شهر دیگر برد و چنانچه در نگهداری آن کوتاهی نکند و تلف شود، نباید چیزی بدهد. ولی نمی‌تواند مخارج بردن آن را از خمس بردارد.

### مسئله ۱۹۲۴

اگر در شهر خودش مستحق پیدا شود، باز هم می‌تواند خمس را به شهر دیگر برد و به مستحق برساند، ولی مخارج بردن آن را باید از خودش بدهد و در صورتی که خمس از بین برود، اگر چه در نگهداری آن کوتاهی نکرده باشد ضامن است.



**مسئله ۱۹۲۵**

اگر با اذن حاکم شرع خمس را به شهر دیگر ببرد و از بین برود لازم نیست دوباره خمس بدهد و هم چنین است اگر به کسی بدهد که از طرف حاکم شرع وکیل بوده که خمس را بگیرد و از آن شهر به شهر دیگر ببرد.

**مسئله ۱۹۲۶**

اگر خمس را از خود مال ندهد و با اذن حاکم شرع از جنس دیگر بدهد، باید به قیمت واقعی آن جنس حساب کند و چنانچه گرانتر از قیمت حساب کند، اگر چه مستحق به آن قیمت راضی شده باشد، باید مقداری را که زیاد حساب کرده بدهد.

**مسئله ۱۹۲۷**

کسی که از مستحق طلبکار است و می‌خواهد طلب خود را بابت خمس حساب کند، بنا بر احتیاط واجب باید خمس را به او بدهد و بعد مستحق بابت بدهی خود به او برگرداند. ولی اگر با اذن حاکم شرع باشد این احتیاط لازم نیست.

**مسئله ۱۹۲۸**

مستحق نمی‌تواند خمس را بگیرد و به خمس دهنده ببخشد، ولی کسی که مقدار زیادی خمس بدهکار است و فقیر شده و امید دارا شدنش هم نمی‌رود و می‌خواهد مدیون اهل خمس نباشد، اگر مستحق با اذن مجتهد، سهم سادات را از او بگیرد و به میل و رغبت خودش در صورتی که مطابق شأنش باشد آن را به او ببخشد اشکال ندارد.

**مسئله ۱۹۲۹**

اگر خمس را با حاکم شرع یا وکیل او یا با سید دست گردان کند و بخواهد در سال بعد بپردازد نمی‌تواند از منافع آن سال کسر نماید پس اگر مثلاً هزار تومان دست گردان کرده و از منافع سال بعد دو هزار تومان بیشتر از مخارجش داشته باشد باید خمس دو هزار تومان را بدهد و هزار تومانی را که بابت خمس بدهکار است از بقیه بپردازد.

**احکام زکاة****مسئله ۱۹۳۰**

زکات نه چیز واجب است:

اول گندم.

دوم جو.

سوم خرما.

چهارم کشمش.

پنجم طلا.

ششم نقره.

هفتم شتر.

هشتم گاو.

نهم گوسفند و اگر کسی مالک یکی از این نه چیز باشد، با شرایطی که بعداً گفته می‌شود باید مقداری که معین شده به یکی از مصرف‌هایی که دستور داده‌اند برساند.

### مسئله ۱۹۳۱

سلت که دانه‌ایست به نرمی گندم و خاصیت جو دارد زکات ندارد، ولی علس که مثل گندم است و خوراک مردمان صنعا می‌باشد، زکاتش بنا بر احتیاط واجب باید داده شود.

### شرایط واجب شدن زکاء

### مسئله ۱۹۳۲

زکات در صورتی واجب می‌شود که مال به مقدار نصاب که بعداً گفته می‌شود برسد و مالک آن، بالغ و عاقل و آزاد باشد و بتواند در آن مال تصرف کند.

### مسئله ۱۹۳۳

بعد از آن که انسان دوازده ماه مالک گاو و گوسفند و شتر و طلا و نقره بود باید زکات آن را بدهد. ولی از اول ماه دوازدهم نمی‌تواند طوری در مال تصرف کند که مال از بین برود و اگر تصرف کند ضامن است و چنانچه در ماه دوازدهم بدون اختیار او بعضی از شرط‌های زکات از بین برود زکات بر او واجب نیست.

### مسئله ۱۹۳۴

اگر مالک گاو و گوسفند و شتر و طلا و نقره در بین سال بالغ شود، باید اول سال را اول شدن خود قرار دهد.

### مسئله ۱۹۳۵

زکات گندم و جو وقتی واجب می‌شود که به آنها گندم، جو گفته شود و زکات کشمش بنا بر احتیاط وقتی واجب می‌شود که غوره است و موقعی هم که خرما قدری خشک شد که به او تمر می‌گویند زکات آن واجب می‌شود. ولی وقت دادن زکات در گندم و جو موقع خرمن شدن و جدا کردن کاه آنها و در خرما و کشمش موقعیست که خشک شده باشند.

### مسئله ۱۹۳۶

اگر موقع واجب شدن زکات گندم و جو و کشمش و خرما که در مسئله پیش گفته شد، صاحب آنها بالغ باشد، باید زکات آنها را بدهد.

### مسئله ۱۹۳۷

اگر صاحب گاو و گوسفند و شتر و طلا و نقره در تمام سال دیوانه باشد، زکات بر او واجب نیست. ولی اگر در مقداری از سال

دیوانه باشد و در آخر سال عاقل گردد چنانچه دیوانگی او به قدری کم باشد که مردم بگویند در تمام سال عاقل بوده بنا بر احتیاط زکات بر او واجب است.

#### مسئله ۱۹۳۸

اگر صاحب گاو و گوسفند و شتر و طلا و نقره در مقداری از سال مست یا بی‌هوش شود، زکات از او ساقط نمی‌شود. و هم چنین است اگر موقع واجب شدن زکات گندم و جو و خرما و کشمش مست یا بیهوش باشد.

#### مسئله ۱۹۳۹

مالی را که از انسان غصب کرده‌اند و نمی‌تواند در آن تصرف کند زکات ندارد و نیز اگر زراعتی را از او غصب کنند و موقعی که زکات آن واجب می‌شود، در دست غصب کننده باشد، موقعی که به صاحبش برمی‌گردد زکات ندارد.

#### مسئله ۱۹۴۰

اگر طلا و نقره یا چیز دیگری را که زکات آن واجب است قرض کند و یک سال نزد او بماند، باید زکات آن را بدهد و بر کسی که قرض داده چیزی واجب نیست.

### زکات گندم و جو و خرما و کشمش

#### مسئله ۱۹۴۱

زکات گندم و جو و خرما و کشمش وقتی واجب می‌شود که به مقدار نصاب برسند و نصاب آنها ۲۸۸ من تبریز و ۴۵ مثقال کم است که ۲۰۷ / ۸۴۷ کیلوگرم می‌شود چون که نظر اهل فن مختلف است اقرب این است که مقدار نصاب ۱۹۳ / ۸۴۹ کیلوگرم است و احتیاط این است که مقدار کمتر را ملاحظه نمایند.

#### مسئله ۱۹۴۲

اگر پیش از دادن زکات از انگور بعد از کشمش شدن و خرما بعد از تمر شدن و جو و گندم بعد از صدق اسم، که زکات آنها واجب شده خود و عیالاتش بخورند، یا مثلاً به فقیر بدهد، زکات مقداری را که مصرف کرده بدهد.

#### مسئله ۱۹۴۳

اگر بعد از آن که زکات گندم و جو و خرما و انگور واجب شد مالک آن بمیرد، باید مقدار زکات را از مال او بدهند. ولی اگر پیش از واجب شدن زکات بمیرد، هر یک از ورثه که سهم او به اندازه نصاب است، باید زکات سهم خود را بدهد و در صورتی که نمو در ملک ورثه باشد بنا بر احتیاط واجب در صورتی که انتقال به ورثه بعد از اتمام نمو و قبل از تعلق وجوب زکوة باشد.

#### مسئله ۱۹۴۴

کسی که از طرف حاکم شرع مأمور جمع آوری زکات است، موقع خرمن که گندم و جو را از کاه جدا می‌کنند و بعد از خشک

شدن خرما و انگور، می‌تواند زکات را مطالبه کند و اگر مالک ندهد و چیزی که زکات آن واجب شده، از بین برود باید عوض آن را بدهد.

#### مسئله ۱۹۴۵

اگر بعد از مالک شدن درخت خرما و انگور یا زراعت گندم و جو زکات آنها واجب شود، مثلاً خرما در ملک او زرد یا سرخ شود، باید زکات آن را بدهد.

#### مسئله ۱۹۴۶

اگر بعد از آن که زکات گندم و جو و خرما و انگور واجب شد، زراعت و درخت را بفروشد، فروشنده باید زکات آنها را بدهد.

#### مسئله ۱۹۴۷

اگر انسان گندم یا جو یا خرما یا انگور را بخرد و بداند که فروشنده زکات آن را داده، یا شک کند که داده یا نه، چیزی بر او واجب نیست و اگر بداند که زکات آن را نداده، چنانچه حاکم شرع معامله مقداری را که باید از بابت زکات داده شود، اجازه ندهد معامله آن مقدار باطل است. و حاکم شرع می‌تواند مقدار زکات را از خریدار بگیرد و اگر معامله مقدار زکات را اجازه دهد، معامله صحیح است و خریدار باید قیمت آن مقدار را به حاکم شرع بدهد و در صورتی که قیمت آن مقدار را به فروشنده داده باشد، می‌تواند از او پس بگیرد.

#### مسئله ۱۹۴۸

اگر وزن گندم و جو و خرما و کشمش موقعی که تر است به ۲۸۸ من و ۴۵ مثقال کم برسد و بعد از خشک شدن کمتر از این مقدار شود، زکات آن واجب نیست.

#### مسئله ۱۹۴۹

اگر گندم و جو و خرما را پیش از خشک شدن مصرف کند اگر چه خشک آنها به اندازه نصاب باشد، زکات آنها واجب نیست ولی اگر احتیاطاً زکات آنها را بدهد خیلی پسندیده است.

#### مسئله ۱۹۵۰

خرمایی که تازه آن را می‌خورند و اگر بماند خیلی کم می‌شود چنانچه مقداری باشد که خشک آن به ۲۸۸ من و ۴۵ مثقال کم برسد، زکات آن واجب است.

#### مسئله ۱۹۵۱

گندم و جو و خرما و کشمش که زکات آنها را داده اگر چند سال هم نزد او بماند زکات ندارد.

#### مسئله ۱۹۵۲

اگر گندم و جو و خرما و انگور از آب باران یا نهر مشروب شود یا مثل زراعت‌های مصر از رطوبت زمین استفاده کند، زکات آن ده یک است و اگر با ماشین‌آلات یا دلو و مانند آن آبیاری شود، زکات آن بیست یک است و اگر مقداری از باران یا نهر یا رطوبت زمین استفاده کند و به همان مقدار از آبیاری با دلو و مانند آن استفاده نماید، زکات نصف آن ده یک و زکات نصف دیگر آن بیست یک می‌باشد یعنی از چهل قسمت سه قسمت آن را بابت زکات بدهند.

#### مسئله ۱۹۵۳

اگر گندم و جو و خرما و انگور، هم از آب باران یا مانند آن مشروب شود و هم از آب دلو یا مانند آن استفاده کند، چنانچه طوری باشد که بگویند با دلو مثلاً آبیاری شده نه باران زکات آن بیست یک است و اگر بگویند با آب باران آبیاری شده نه دلو مثلاً زکات آن ده یک است.

#### مسئله ۱۹۵۴

اگر شک کند که آبیاری با آب باران شده یا آبیاری به دلو، بیست یک بر او واجب می‌شود.

#### مسئله ۱۹۵۵

اگر گندم و جو و خرما و انگور با آب باران یا نهر مشروب شود و به آب دلو و مانند آن محتاج نباشد ولی مثلاً با آب دلو هم آبیاری شود و آب دلو به زیاد شدن محصول کمک نکند زکات آن ده یک است و اگر با دلو و مانند آن آبیاری شود و به آب نهر یا باران محتاج نباشد ولی با آب نهر یا باران هم مشروب شود و آنها به زیاد شدن محصول کمک نکنند، زکات آن بیست یک است.

#### مسئله ۱۹۵۶

اگر زراعتی را با دلو و مانند آن آبیاری کنند و در زمینی که پهلوی آن است زراعتی کنند که از رطوبت آن زمین استفاده نماید و محتاج به آبیاری نشود زکات زراعتی که با دلو آبیاری شده، بیست یک و زکات زراعتی که پهلوی آن است، ده یک می‌باشد.

#### مسئله ۱۹۵۷

مخارجی را که برای گندم و جو و خرما و انگور کرده است حتی مقداری از قیمت اسباب و لباس را که به واسطه زراعت کم شده، می‌تواند از حاصل کسر کند و چنانچه پیش از کم کردن اینها به ۲۸۸ من و ۴۵ مثقال کم برسد، باید زکات باقی مانده آن را بدهد.

#### مسئله ۱۹۵۸

قیمت وقتی که تخم را برای زراعت پاشیده می‌تواند جزء مخارج حساب نماید.

#### مسئله ۱۹۵۹

اگر زمین و اسباب زراعت یا یکی از این دو ملک خود او باشد، نباید کرایه آنها را جزء مخارج حساب کند و نیز برای کارهایی که

خودش کرده یا دیگری بی اجرت انجام داده، چیزی از حاصل کسر نمی شود.

#### مسئله ۱۹۶۰

اگر درخت انگور یا خرما را بخرد، قیمت آن جزء مخارج نیست ولی اگر خرما یا انگور را پیش از چیدن و قبل از تعلق زکات بخرد، پولی را که برای آن داده جزء مخارج حساب می شود.

#### مسئله ۱۹۶۱

اگر زمینی را بخرد و در آن زمین گندم یا جو بکارد، پولی را که برای خرید زمین داده جزء مخارج حساب نمی شود، ولی اگر زراعت را بخرد، پولی را که برای خرید آن داده می تواند جزء مخارج حساب نماید و از حاصل کم کند، اما باید قیمت کاهی را که از آن به دست می آید، از پولی که برای خرید زراعت داده کسر نماید مثلاً اگر زراعتی را پانصد تومان بخرد و قیمت کاه آن صد تومان باشد. فقط چهار صد تومان آن را می تواند جزء مخارج حساب نماید.

#### مسئله ۱۹۶۲

کسی که بدون گاو و چیزهای دیگر که برای زراعت لازم است می تواند زراعت کند، اگر اینها را بخرد، نباید پولی را که برای خرید اینها داده جزء مخارج حساب نماید.

#### مسئله ۱۹۶۳

کسی که بدون گاو و چیزهای دیگری که برای زراعت لازم است نمی تواند زراعت کند، اگر آنها را بخرد و به واسطه زراعت به کلی از بین بروند، می تواند تمام قیمت آنها را جزء مخارج حساب کند، ولی اگر بعد از زراعت چیزی از قیمتشان کم نشود بنا بر احتیاط واجب چیزی از قیمت آنها را جزء مخارج حساب ننماید.

#### مسئله ۱۹۶۴

اگر در یک زمین جو و گندم و چیزی مثل برنج و لویا که زکات آن واجب نیست بکارد، خرج هایی که برای هر کدام آنها کرده فقط پای همان حساب می شود، ولی اگر برای هر دو مخارجی کرده باید به هر دو تقسیم نماید، مثلاً اگر هر دو به یک اندازه بوده، می تواند نصف مخارج را از جنسی که زکات دارد کسر نماید.

#### مسئله ۱۹۶۵

اگر برای سال اول عملی مانند شخم زدن انجام دهد اگر چه برای سال های بعد هم فائده داشته باشد باید مخارج آن را از سال اول کسر کند، ولی اگر برای چند سال عمل کند باید بین آنها تقسیم نماید.

#### مسئله ۱۹۶۶

اگر انسان در چند شهر که فصل آنها با یکدیگر اختلاف دارد و زراعت و میوه آنها در یک وقت به دست نمی آید گندم یا جو یا خرما یا انگور داشته باشد و همه آنها محصول یک سال حساب شود، چنانچه چیزی که اول می رسد به اندازه نصاب یعنی ۲۸۸ من

و ۴۵ مثقال کم باشد، باید زکات آن را موقعی که می‌رسد بدهد و زکات بقیه را هر وقت به دست می‌آید ادا نماید و اگر آنچه اول می‌رسد به اندازه نصاب نباشد صبر می‌کند تا بقیه آن برسد. پس اگر روی هم به مقدار نصاب شود، زکات آن واجب است و اگر به مقدار نصاب نشود، زکات آن واجب نیست.

#### مسئله ۱۹۶۷

اگر درخت خرما یا انگور در یک سال دو مرتبه میوه دهد، چنانچه روی هم به مقدار نصاب باشد، بنا بر احتیاط زکات آن واجب است.

#### مسئله ۱۹۶۸

اگر مقداری خرما یا انگور تازه دارد که خشک آن به اندازه نصاب می‌شود، چنانچه به قصد زکات از تازه آن به قدری به مستحق بدهد که اگر خشک شود به اندازه زکاتی باشد که بر او واجب است اشکال ندارد.

#### مسئله ۱۹۶۹

اگر زکات خرمای خشک یا کشمش بر او واجب باشد نمی‌تواند زکات آن را خرمای تازه یا انگور بدهد و نیز اگر زکات خرمای تازه یا انگور بر او واجب باشد، نمی‌تواند زکات آن را خرمای خشک یا کشمش بدهد. اما اگر یکی از اینها یا چیز دیگری را به قصد قیمت زکات بدهد مانعی ندارد.

#### مسئله ۱۹۷۰

کسی که بدهکار است و مالی هم دارد که زکات آن واجب شده اگر بمیرد، باید اول تمام زکات را از مالی که زکات آن واجب شده بدهند، بعد قرض او را ادا نمایند.

#### مسئله ۱۹۷۱

کسی که بدهکار است و گندم یا جو یا خرما یا انگور هم دارد، اگر بمیرد و پیش از آن که زکات اینها واجب شود، ورثه قرض او را از مال دیگر بدهند، هر کدام که سهمشان به ۲۸۸ من و ۴۵ مثقال کم برسد، باید زکات بدهد و اگر پیش از آن که زکات اینها واجب شود، قرض او را ندهند چنانچه مال میت فقط به اندازه بدهی او باشد واجب نیست زکات اینها را بدهند و اگر مال میت بیشتر از بدهی او باشد، در صورتی که بدهی او به قدریست که اگر بخواهند ادا نمایند باید مقداری از گندم و جو و خرما و انگور را هم به طلبکار بدهند، آنچه را به طلبه کار می‌دهند زکات ندارد و بقیه مال ورثه است و هر کدام آنان که سهمش به اندازه نصاب شود، باید زکات آن را بدهد.

#### مسئله ۱۹۷۲

اگر گندم و جو و خرما و کشمش که زکات آنها واجب شده خوب و بد دارد باید زکات هر کدام از خوب و بد را از خود آنها بدهد و زکات همه را از بد نمی‌تواند بدهد.

**نصاب طلا****مسئله ۱۹۷۳**

طلا دو نصاب دارد:

نصاب اول آن بیست مثقال شرعیست که هر مثقال آن ۱۸ نخود است، پس وقتی طلا- به بیست مثقال شرعی که پانزده مثقال معمولیست برسد، اگر شرایط دیگر را هم که گفته شد داشته باشد، انسان باید چهل یک آن را که نه نخود می‌شود از بابت زکات بدهد و اگر به این مقدار نرسد زکات آن واجب نیست و نصاب دوم آن چهار مثقال شرعیست که سه مثقال معمول می‌شود یعنی اگر سه مثقال به پانزده مثقال اضافه شود، باید زکات تمام ۱۸ مثقال را از قرار چهل یک بدهد و اگر کمتر از سه مثقال اضافه شود، فقط باید زکات ۱۵ مثقال آن را بدهد و زیادی آن زکات ندارد و همچنین است هر چه بالا رود، یعنی اگر سه مثقال اضافه شود، باید زکات تمام آن‌ها را بدهد و اگر کمتر اضافه شود، مقداری که اضافه شد زکات ندارد.

**نصاب نقره****مسئله ۱۹۷۴**

نقره دو نصاب دارد:

نصاب اول آن ۱۰۵ مثقال معمولیست که اگر نقره به ۱۰۵ مثقال برسد و شرایط دیگر را هم که گفته شد داشته باشد انسان باید چهل یک آن را که ۲ مثقال و ۱۵ نخود است از بابت زکات بدهد و اگر به این مقدار نرسد زکات آن واجب نیست و نصاب دوم آن ۲۱ مثقال است یعنی اگر ۲۱ مثقال به ۱۰۵ مثقال اضافه شود، باید زکات تمام ۱۲۶ مثقال را به طوری که گفته شد بدهد و اگر کمتر از ۲۱ مثقال اضافه شود، فقط باید زکات ۱۰۵ مثقال آن را بدهد و زیادی آن زکات ندارد و همچنین است هر چه بالا رود، یعنی اگر ۲۱ مثقال اضافه شود، باید زکات تمام آن‌ها را بدهد و اگر کمتر اضافه شود مقداری که اضافه شده و کمتر از ۲۱ مثقال است زکات ندارد. بنا بر این اگر انسان چهل یک هر چه طلا و نقره دارد بدهد، زکاتی را که بر او واجب بوده داده و گاهی هم بیشتر از مقدار واجب داده است مثلاً کسی که ۱۱۰ مثقال نقره دارد، اگر چهل یک آن را بدهد، زکات ۱۰۵ مثقال آن را که واجب بوده داده و مقداری هم برای ۵ مثقال آن داده که واجب نبوده است.

**مسئله ۱۹۷۵**

کسی که طلا- یا نقره او به اندازه نصاب است، اگر چه زکات آن را داده باشد، تا وقتی از نصاب اول کم نشده، همه ساله باید زکات آن را بدهد.

**مسئله ۱۹۷۶**

زکات طلا و نقره در صورتی واجب می‌شود که آن را سکه زده باشند و معامله با آن رایج باشد و اگر سکه آن از بین هم رفته باشد باید زکات آن را بدهند.

**مسئله ۱۹۷۷**



طلا و نقره سکه داری که زن‌ها برای زینت به کار می‌برند، زکات ندارد اگر چه رایج باشد.

#### مسئله ۱۹۷۸

کسی که طلا و نقره دارد، اگر هیچ کدام آنها به اندازه نصاب اول نباشد مثلاً ۱۰۴ مثقال نقره و مثقال طلا داشته باشد، زکات بر او واجب نیست.

#### مسئله ۱۹۷۹

چنانچه سابقاً گفته شد زکات طلا- و نقره در صورتی واجب می‌شود که انسان یازده ماه مالک مقدار نصاب باشد و اگر در بین یازده ماه، طلا و نقره او از نصاب اول کمتر شود، زکات بر او واجب نیست.

#### مسئله ۱۹۸۰

اگر در بین یازده ماه طلا و نقره‌ای را که دارد با طلا یا نقره یا چیز دیگر عوض نماید یا آنها را آب کند، زکات بر او واجب نیست. ولی اگر برای فرار از دادن زکات این کارها را بکند، احتیاط مستحب آن است که زکات را بدهد.

#### مسئله ۱۹۸۱

اگر در ماه دوازدهم پول طلا- و نقره را آب کند، باید زکات آنها را بدهد و چنانچه به واسطه آب کردن، وزن یا قیمت آنها کم شود، باید زکاتی را که پیش از آب کردن بر او واجب بوده بدهد.

#### مسئله ۱۹۸۲

اگر طلا و نقره‌ای که دارد خوب و بد داشته باشد، می‌تواند زکات هر کدام از خوب و بد را از خود آن بدهد ولی بهتر است زکات همه آنها را از طلا و نقره خوب بدهد.

#### مسئله ۱۹۸۳

طلا و نقره‌ای که بیشتر از اندازه معمولی فلز دیگری دارد، اگر خالص آن به اندازه نصاب که مقدار آن گفته شد برسد، انسان باید زکات آن را بدهد و چنانچه شک دارد که خالص آن به اندازه نصاب هست یا نه، زکات آن واجب نیست.

#### مسئله ۱۹۸۴

اگر طلا و نقره‌ای که دارد به مقدار معمول فلز دیگر با آن مخلوط باشد، نمی‌تواند زکات آن را از طلا و نقره‌ای بدهد که بیشتر از معمولی فلز دیگر دارد ولی اگر به قدری بدهد که یقین کند طلا و نقره خالصی که در آن هست، به اندازه زکاتی می‌باشد که بر او واجب است اشکال ندارد.

### زکات شتر و گاو و گوسفند

#### مسئله ۱۹۸۵

زکات شتر و گاو و گوسفند غیر از شرط‌هایی که گفته شد دو شرط دیگر دارد:  
اول آن که حیوان در تمام سال بیکار باشد و اگر در تمام سال یکی دو روز هم کار کرده باشد، بنا بر احتیاط زکات آن واجب است.

دوم آن که در تمام سال از علف بیابان بچرد، پس اگر تمام سال یا مقداری از آن را از علف چیده شده، یا از زراعتی که ملک مالک یا ملک کس دیگر است بچرد زکات ندارد. ولی اگر در تمام سال یک روز یا دو روز از علف مالک بخورد بنا بر احتیاط زکات آن واجب می‌باشد.

### مسئله ۱۹۸۶

اگر انسان برای شتر و گاو و گوسفند خود چراگاهی را که کسی نکاشته بخرد، یا اجاره کند، یا برای چراندن در آن باج بدهد، باید زکات را بدهد.

### نصاب شتر

### مسئله ۱۹۸۷

شتر دوازده نصاب دارد:

اول پنج شتر و زکات آن یک گوسفند است و تا شماره شتر به این مقدار نرسد زکات ندارد.

دوم ده شتر و زکات آن دو گوسفند است.

سوم پانزده شتر و زکات آن سه گوسفند است.

چهارم بیست شتر و زکات آن چهار گوسفند است.

پنجم بیست و پنج شتر و زکات آن پنج گوسفند است.

ششم بیست و شش شتر و زکات آن یک شتر است که داخل سال دوم شده باشد.

هفتم سی و شش شتر و زکات آن یک شتر است که داخل سال سوم شده باشد.

هشتم چهل و شش شتر و زکات آن یک شتر است که داخل سال چهارم شده باشد.

نهم شصت و یک شتر و زکات آن یک شتر است که داخل سال پنجم شده باشد.

دهم هفتاد و شش شتر و زکات آن دو شتر است که داخل سال سوم شده باشد.

یازدهم نود و یک شتر و زکات آن دو شتر است که داخل سال چهارم شده باشد.

دوازدهم صد و بیست و یک شتر و بالاتر از آن است که باید یا چهل تا چهل تا حساب کند و برای هر چهل تا یک شتری بدهد که داخل سال سوم شده باشد، یا پنجاه تا پنجاه تا حساب کند و برای هر پنجاه تا یک شتری بدهد که داخل سال چهارم شده باشد و یا با چهل و پنجاه حساب کند. ولی در هر صورت باید طوری حساب کند که چیزی باقی نماند، یا اگر چیزی باقی می‌ماند، از نه تا بیشتر نباشد، مثلاً اگر ۱۴۰ شتر دارد، باید برای صد تا دو شتری که داخل سال چهارم شده و برای چهل تا یک شتر ماده‌ای که داخل سال سوم شده باشد بدهد.

### مسئله ۱۹۸۸

زکات ما بین دو نصاب واجب نیست پس اگر شماره شترهایی که دارد از نصاب اول که پنج است بگذرد، تا به نصاب دوم که ده تاست نرسیده، فقط باید زکات پنج تای آن را بدهد و هم چنین است در نصاب‌های بعد.

## نصاب گاو

### مسئله ۱۹۸۹

گاو دو نصاب دارد:

نصاب اول آن سی تاست که وقتی شماره گاو به سی رسید، اگر شرایطی را که گفته شد داشته باشد، انسان باید یک گوساله‌ای که داخل سال دوم شده از بابت زکات بدهد و نصاب دوم آن چهل است و زکات آن یک گوساله ماده‌ایست که داخل سال سوم شده باشد و زکات ما بین سی و چهل واجب نیست مثلاً کسی که سی و نه گاو دارد، فقط باید زکات سی تای آنها را بدهد و نیز اگر از چهل گاو زیاده داشته باشد تا به شصت نرسیده، فقط باید زکات چهل تای آن را بدهد و بعد از آن که به شصت رسید، چون دو برابر نصاب اول را دارد، باید دو گوساله‌ای که داخل سال دوم شده بدهد و همچنین هر چه بالا رود، باید یا سی تا سی تا حساب کند یا چهل تا چهل تا یا با سی و چهل حساب نماید و زکات آن را به دستوری که گفته شده بدهد، ولی باید طوری حساب کند که چیزی باقی نماند، یا اگر چیزی باقی می‌ماند از نه تا بیشتر نباشد، مثلاً اگر هفتاد گاو دارد، باید به حساب سی و چهل حساب کند و برای سی تای آن زکات سی تا و برای چهل تای آن زکات چهل تا را بدهد، چون اگر به حساب سی تا حساب کند، ده تا زکات نداده می‌ماند.

## نصاب گوسفند

### مسئله ۱۹۹۰

گوسفند پنج نصاب دارد:

اول چهل و زکات آن یک گوسفند است و تا گوسفند به چهل نرسد زکات را از خود گوسفندها بدهد بلکه اگر گوسفند دیگری بدهد، یا مطابق قیمت گوسفند، پول بدهد کافی است، ولی اگر بخواهد جنس دیگر بدهد جنسی بدهد که برای فقراء بهتر باشد.

### مسئله ۱۹۹۱

زکات ما بین دو نصاب واجب نیست، پس اگر شماره گوسفندهای کسی از نصاب اول که چهل است بیشتر باشد تا به نصاب دوم که صد و بیست و یک است نرسیده، فقط باید زکات چهل تای آن را بدهد و زیادی آن زکات ندارد و همچنین است در نصاب‌های بعد.

### مسئله ۱۹۹۲

زکات شتر و گاو و گوسفندی که به مقدار نصاب برسد واجب است چه همه آنها نر باشند یا ماده، یا بعضی نر و بعضی ماده باشند.

### مسئله ۱۹۹۳

در زکات، گاو و گاومیش یک جنس حساب می‌شود و شتر عربی و غیر عربی یک جنس است و هم چنین بز و میش و شیشک در

زکات با هم فرق ندارند.

#### مسئله ۱۹۹۴

اگر گوسفند برای زکات بدهد، باید اقلأً داخل سال دوم شده باشد و اگر بز بدهد باید داخل سال سوم شده باشد.

#### مسئله ۱۹۹۵

گوسفندی را که بابت زکات می‌دهد، اگر قیمتش مختصری از گوسفندهای دیگر او کمتر باشد اشکال ندارد. ولی بهتر است گوسفندی را که قیمت آن از تمام گوسفندهایش بیشتر است بدهد و همچنین است در گاو و شتر.

#### مسئله ۱۹۹۶

اگر چند نفر با هم شریک باشند هر کدام آنان که سهمش به نصاب اول رسیده، باید زکات بدهد و بر کسی که سهم او کمتر از نصاب اول است زکات واجب نیست.

#### مسئله ۱۹۹۷

اگر یک نفر در چند جا گاو یا شتر یا گوسفند داشته باشد و روی هم به اندازه نصاب باشند، باید زکات آنها را بدهد.

#### مسئله ۱۹۹۸

اگر گاو و گوسفند و شتری که دارد مریض و معیوب هم باشند، باید زکات آنها را بدهد.

#### مسئله ۱۹۹۹

اگر گاو و گوسفند و شتری که دارد همه مریض یا معیوب یا پیر باشند، می‌تواند زکات را از خود آنها بدهد. ولی اگر همه سالم و بی‌عیب و جوان باشند نمی‌تواند زکات آنها را مریض، یا معیوب، یا پیر بدهد. بلکه اگر بعضی از آنها سالم و بعضی مریض و دسته‌ای معیوب و دسته دیگر بی‌عیب و مقداری پیر و مقداری جوان باشند، احتیاط واجب آن است که برای زکات آنها سالم و بی‌عیب و جوان بدهد.

#### مسئله ۲۰۰۰

اگر پیش از تمام شدن ماه یازدهم، گاو و گوسفند و شتری را که دارد با چیز دیگر عوض کند، یا نصابی را که دارد با مقدار نصاب از همان جنس عوض نماید، مثلاً چهل گوسفند بدهد و چهل گوسفند دیگر بگیرد، زکات بر او واجب نیست.

#### مسئله ۲۰۰۱

کسی که باید زکات گاو و گوسفند و شتر را بدهد، اگر زکات آنها را از مال دیگری بدهد، تا وقتی شماره آنها از نصاب کم نشده، همه ساله باید زکات را بدهد و اگر از خود آنها بدهد و از نصاب اول کمتر شوند، زکات بر او واجب نیست مثلاً کسی که

چهل گوسفند دارد، اگر از مال دیگرش زکات آنها را بدهد تا وقتی که گوسفندهای او از چهل کم نشده، همه ساله باید یک گوسفند بدهد و اگر از خود آنها بدهد تا وقتی به چهل نرسیده، زکات بر او واجب نیست.

## مصرف زکات

### مسئله ۲۰۰۲

انسان می‌تواند زکات را در هشت مورد مصرف کند اول فقیر و آن کسیست که مخارج سال خود و عیالاتش را ندارد و کسی که صنعت یا ملک یا سرمایه‌ای دارد که می‌تواند مخارج سال خود را بگذراند فقیر نیست.

دوم مسکین و آن کسیست که از فقیر سخت‌تر می‌گذراند.

سوم کسی که از طرف امام علیه السلام یا نایب امام مأمور است که زکات را جمع و نگهداری نماید و به حساب آن رسیدگی کند و آن را به امام علیه السلام یا نایب امام یا فقرا برساند و احتیاط آن است که به مقدار زحمتی که کشیده است از زکات استفاده کند.

چهارم کافرایی که اگر زکات به آنان بدهند به دین اسلام مایل می‌شوند، یا در جنگ به مسلمانان کمک می‌کنند و هم چنین مسلمانانی که از نظر ایمانی ضعیف هستند و با دادن زکات به آنها ایمان آنها قوی می‌شود.

پنجم خریداری بندها و آزاد کردن آنان.

ششم بدهکاری که نمی‌تواند قرض خود را بدهد. در صورتی که بدهی او در معصیت مصرف نشده باشد که دو مسایل آینده توضیح آن داده خواهد شد.

هفتم سبیل الله یعنی کاری که مانند ساختن مسجد منفعت عمومی دینی دارد، یا مثل ساختن پل و اصلاح راه که نفعش به عموم مسلمانان می‌رسد و آنچه برای اسلام نفع داشته باشد به هر نحو که باشد.

هشتم ابن السبیل یعنی مسافری که در سفر در مانده شده و احکام اینها در مسائل آینده گفته خواهد شد.

### مسئله ۲۰۰۳

احتیاط واجب آن است که فقیر و مسکین بیشتر از مخارج سال خود و عیالاتش را از زکات نگیرد و اگر مقداری پول یا جنس دارد، فقط به اندازه کسری مخارج یک سالش زکات بگیرد.

### مسئله ۲۰۰۴

کسی که مخارج سالش را داشته اگر مقداری از آن را مصرف کند و بعد شک کند که آنچه باقی مانده به اندازه مخارج سال او هست یا نه، نمی‌تواند زکات بگیرد.

### مسئله ۲۰۰۵

صنعتگر یا مالک یا تاجری که در آمد او از مخارج سالش کمتر است، می‌تواند برای کسری مخارجش زکات بگیرد و لازم نیست ابزار کار یا ملک یا سرمایه خود را به صرف مخارج برساند.

### مسئله ۲۰۰۶

فقیری که خرج سال خود و عیالاتش را ندارد، اگر خانه‌ای دارد که ملک او است و در آن نشسته، یا مال سواری دارد، چنانچه بدون اینها نتواند زندگی کند، اگر چه برای حفظ آبرویش باشد، می‌تواند زکات بگیرد و هم چنین است اثاث خانه و ظرف و لباس تابستانی و زمستانی و چیزهایی که به آنها احتیاج دارد و فقیری که اینها را ندارد، اگر به اینها احتیاج داشته باشد، می‌تواند از زکات خریداری نماید.

#### مسئله ۲۰۰۷

فقیری که یاد گرفتن صنعت برای او مشکل نیست، بنا بر احتیاط واجب باید یاد بگیرد و با گرفتن زکات زندگی نکند، ولی تا وقتی مشغول یاد گرفتن است، می‌تواند زکات بگیرد.

#### مسئله ۲۰۰۸

به کسی که قبلاً فقیر بوده و می‌گوید فقیرم، اگر چه انسان از گفته او اطمینان پیدا نکند، می‌شود زکات داد.

#### مسئله ۲۰۰۹

کسی که می‌گوید فقیرم و قبلاً فقیر نبوده، یا معلوم نیست فقیر بوده یا نه، اگر از ظاهر حالش اطمینان پیدا شود که فقیر است می‌شود به او زکات داد.

#### مسئله ۲۰۱۰

کسی که باید زکات بدهد، اگر از فقیری طلبکار باشد، می‌تواند طلبی را که از او دارد، بابت زکات حساب کند.

#### مسئله ۲۰۱۱

اگر فقیر بمیرد، انسان می‌تواند طلبی را که از او دارد بابت زکات حساب کند.

#### مسئله ۲۰۱۲

چیزی را که انسان بابت زکات به فقیر می‌دهد لازم نیست به او بگوید که زکات است بلکه اگر فقیر خجالت بکشد، باید مال را به قصد زکات به او بدهد و مستحب است زکات بودنش را اظهار ننماید.

#### مسئله ۲۰۱۳

اگر به خیال این که کسی فقیر است به او زکات بدهد، بعد بفهمد فقیر نبوده، یا از روی ندانستن مسئله به کسی که می‌داند فقیر نیست زکات بدهد، چنانچه چیزی را که به او داده باقی باشد، باید از او بگیرد و به مستحق بدهد و اگر از بین رفته باشد، پس اگر کسی که آن چیز را گرفته می‌دانسته یا احتمال می‌داده که زکات است، انسان باید عوض آن را از او بگیرد و به مستحق بدهد، ولی اگر به غیر عنوان زکات داده نمی‌تواند چیزی از او بگیرد و باید از مال خودش زکات را به مستحق بدهد و در همه صور می‌تواند از مال خودش زکات را بدهد و از کسی که گرفته مطالبه نکند.

**مسئله ۲۰۱۴**

کسی که بدهکار است و نمی‌تواند بدهی خود را بدهد اگر چه مخارج سال خود را داشته باشد، می‌تواند برای دادن قرض خود زکات بگیرد ولی باید مالی را که قرض کرده در معصیت خرج نکرده باشد یا اگر در معصیت خرج کرده از آن معصیت توبه کرده باشد. که در این صورت از سهم فقرا می‌شود به او داد.

**مسئله ۲۰۱۵**

اگر به کسی که بدهکار است و نمی‌تواند بدهی خود را بدهد زکات بدهد، بعد بفهمد قرض را در معصیت مصرف کرده، چنانچه آن بدهکار فقیر باشد و بنا بر احتیاط واجب از آن معصیت توبه کرده باشد، می‌تواند آنچه را به او داده بابت زکات حساب کند ولی اگر چیزی را که گرفته در شراب‌خواری یا به طور آشکارا در معصیت مصرف کرده و از معصیت خود توبه نکرده بنا بر احتیاط واجب باید چیزی را که به او داده بابت زکات حساب نکند.

**مسئله ۲۰۱۶**

کسی که بدهکار است و نمی‌تواند بدهی خود را بدهد اگر چه فقیر نباشد، انسان می‌تواند طلبی را که از او دارد، بابت زکات حساب کند.

**مسئله ۲۰۱۷**

مسافری که خرجی او تمام شده، یا مرکبش از کار افتاده، چنانچه سفر او سفر معصیت نباشد و نتواند با قرض کردن یا فروختن چیزی خود را به مقصد برساند، اگر چه در وطن خود فقیر نباشد، می‌تواند زکات بگیرد. ولی اگر بتواند در جای دیگر با قرض کردن یا فروختن چیزی مخارج سفر خود را فراهم کند، فقط به مقداری که به آنجا برسد، می‌تواند زکات بگیرد.

**مسئله ۲۰۱۸**

مسافری که در سفر در مانده شده و زکات گرفته بعد از آن که به وطنش رسید، اگر چیزی از زکات زیاد آمده باشد، در صورتی که بدون مشقت نتواند بقیه را به صاحب مال یا نایب او برساند، باید آن را به حاکم شرع بدهد و بگوید آن چیز زکات است.

**شرایط کسانی که مستحق زکاتند****مسئله ۲۰۱۹**

کسی که زکات می‌گیرد باید شیعه دوازده امامی باشد و اگر از راه شرعی شیعه بودن کسی ثابت و به او زکات بدهد و زکات تلف شود بعد معلوم شود شیعه نبوده لازم نیست دوباره زکات بدهد.

**مسئله ۲۰۲۰**

اگر طفل یا دیوانه‌ای از شیعه فقیر باشد، انسان می‌تواند به ولی او زکات بدهد، به قصد این که آنچه را می‌دهد ملک طفل یا دیوانه باشد.

**مسئله ۲۰۲۱**

اگر به ولی طفل و دیوانه دسترسی ندارد، می‌تواند خودش یا به وسیله یک نفر امین زکات را به مصرف طفل یا دیوانه برساند و باید موقعی که زکات به مصرف آنان می‌رسد نیت زکات کنند.

**مسئله ۲۰۲۲**

به فقیر که گدایی می‌کند، می‌شود زکات داد، ولی به کسی که زکات را در معصیت مصرف می‌کند نمی‌شود زکات داد.

**مسئله ۲۰۲۳**

به کسی که معصیت کبیره را آشکارا به جا می‌آورد، احتیاط واجب آن است که زکات ندهند.

**مسئله ۲۰۲۴**

به کسی که بدهکار است و نمی‌تواند بدهی خود را بدهد اگر چه مخارج او بر انسان واجب باشد، می‌شود زکات داد. ولی اگر زن برای خرجی خودش قرض کرده باشد شوهر نمی‌تواند بدهی او را از زکات بدهد بلکه اگر کس دیگری هم که مخارج او بر انسان واجب است برای خرجی خود قرض کند احتیاط واجب آن است که بدهی او را از زکات ندهد.

**مسئله ۲۰۲۵**

انسان نمی‌تواند مخارج کسانی را که مثل اولاد خرجشان بر او واجب است از زکات بدهد، ولی اگر مخارج آنان را ندهد دیگران می‌توانند به آنان زکات بدهند.

**مسئله ۲۰۲۶**

اگر انسان زکات به پسرش بدهد که خرج زن و نوکر و کلفت خود نماید اشکال ندارد.

**مسئله ۲۰۲۷**

اگر پسر به کتاب‌های علمی دینی احتیاج داشته باشد پدر می‌تواند برای خریدن آنها به او زکات بدهد.

**مسئله ۲۰۲۸**

پدر می‌تواند به پسرش زکات بدهد که برای خود زن بگیرد پسر هم می‌تواند برای آن که پدرش زن بگیرد زکات خود را به او بدهد.

**مسئله ۲۰۲۹**

به زنی که شوهرش مخارج او را می‌دهد، یا خرجی نمی‌دهد ولی زن او را به دادن خرجی مجبور کند، نمی‌شود زکات داد.



**مسئله ۲۰۳۰**

زنی که صیغه شده اگر فقیر باشد، شوهرش و دیگران می‌توانند به او زکات بدهند. ولی اگر شوهرش در ضمن عقد شرط کند که مخارج او را بدهد، یا به جهت دیگری دادن مخارجش بر او واجب باشد، در صورتی که بتواند مخارج آن زن را بدهد یا زن بتواند او را مجبور کند، نمی‌شود به آن زن زکات داد.

**مسئله ۲۰۳۱**

زن می‌تواند به شوهر فقیر خود زکات بدهد، اگر چه شوهر زکات را صرف مخارج خود آن زن نماید.

**مسئله ۲۰۳۲**

سید نمی‌تواند از غیر سید زکات بگیرد و سید می‌تواند از سید زکات بگیرد، ولی اگر خمس و سایر وجوهات کفایت مخارج او را نکند و از گرفتن زکات ناچار باشد، می‌تواند سید از غیر سید زکات بگیرد. ولی احتیاط واجب آن است که اگر ممکن باشد فقط به مقداری که برای مخارج روزانه‌اش ناچار است بگیرد.

**مسئله ۲۰۳۳**

به کسی که معلوم نیست سید است یا نه، می‌شود زکات داد.

**نیت زکات****مسئله ۲۰۳۴**

انسان باید زکات را به قصد قربت یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم بدهد و در نیت معین کند که آنچه را می‌دهد زکات مال است، یا زکات فطره. ولی اگر مثلاً زکات گندم و جو بر او واجب باشد، لازم نیست معین کند چیزی را که می‌دهد زکات گندم است یا زکات جو.

**مسئله ۲۰۳۵**

کسی که زکات چند مال بر او واجب شده، اگر مقداری زکات بدهد و نیت هیچ کدام آنها را نکند، چنانچه چیزی را که داده هم جنس یکی از آنها باشد، زکات همان جنس حساب می‌شود و اگر هم جنس هیچ کدام آنها نباشد، به همه آنها قسمت می‌شود، پس کسی که زکات چهل گوسفند و زکات پانزده مثقال طلا بر او واجب است، اگر مثلاً یک گوسفند از بابت زکات بدهد و نیت هیچ کدام آنها را نکند، زکات گوسفند حساب می‌شود، ولی اگر مقداری نقره بدهد به زکاتی که برای گوسفند و طلا بدهکار است تقسیم می‌شود.

**مسئله ۲۰۳۶**

اگر کسی را وکیل کند که زکات مال او را بدهد چنانچه وکیل وقتی که زکات را به فقیر می‌دهد، از طرف مالک نیت زکات کند کافی است.

**مسئله ۲۰۳۷**

اگر مالک یا وکیل او بدون قصد قربت زکات را به فقیر بدهد و پیش از آن که آن مال از بین برود، خود مالک نیت زکات کند، زکات حساب می‌شود.

**مسائل متفرقه زکات****مسئله ۲۰۳۸**

موقعی که گندم و جو را از کاه جدا می‌کند و موقع خشک شدن خرما و انگور، انسان باید زکات را به فقیر بدهد، یا از مال خود جدا کند و زکات طلا و نقره و گاو و گوسفند و شتر را بعد از تمام شدن ماه دوازدهم باید به فقیر بدهد، یا از مال خود جدا نماید. ولی اگر منتظر فقیر معینی باشد، یا بخواهد به فقیری بدهد که از جهتی برتری دارد، می‌تواند زکات را جدا نکند.

**مسئله ۲۰۳۹**

بعد از جدا کردن زکات لازم نیست فوراً آن را به مستحق بدهد ولی اگر به کسی که می‌شود زکات داد دسترسی دارد احتیاط آن است که دادن زکات را تأخیر نیندازد.

**مسئله ۲۰۴۰**

کسی که می‌تواند زکات را به مستحق برساند اگر ندهد و به واسطه کوتاهی او از بین برود باید عوض آن را بدهد.

**مسئله ۲۰۴۱**

کسی که می‌تواند زکات را به مستحق برساند، اگر زکات را ندهد و بدون آن که در نگهداری آن کوتاهی کند از بین برود، چنانچه دادن زکات را به قدری تأخیر انداخته که نمی‌گویند فوراً داده است، باید عوض آن را بدهد و اگر به این مقدار تأخیر نینداخته مثلاً دو سه ساعت تأخیر انداخته و در همان دو سه ساعت تلف شده در صورتی که مستحق حاضر نبوده چیزی بر او واجب نیست و اگر مستحق حاضر بوده، بنا بر احتیاط واجب باید عوض آن را بدهد.

**مسئله ۲۰۴۲**

اگر زکات را از خود مال کنار بگذارد، می‌تواند در بقیه آن تصرف کند و اگر از مال دیگرش کنار بگذارد، می‌تواند در تمام مال تصرف نماید.

**مسئله ۲۰۴۳**

انسان نمی‌تواند زکاتی را که کنار گذاشته برای خود بردارد و چیز دیگری به جای آن بگذارد.

**مسئله ۲۰۴۴**

اگر از زکاتی که کنار گذاشته منفعتی ببرد مثلاً گوسفندی که برای زکات گذاشته بره بیاورد، مال فقیر است.

#### مسئله ۲۰۴۵

اگر موقعی که زکات را کنار می‌گذارد مستحقی حاضر باشد، بهتر است زکات را به او بدهد، مگر کسی را در نظر داشته باشد که دادن زکات به او از جهتی بهتر باشد.

#### مسئله ۲۰۴۶

اگر با عین مالی که برای زکات کنار گذاشته برای خودش تجارت کند صحیح نیست و اگر با اجازه حاکم شرع برای مصلحت زکات تجارت کند، تجارت صحیح و نفعش مال زکات است.

#### مسئله ۲۰۴۷

اگر پیش از آن که زکات بر او واجب شود، چیزی بابت زکات به فقیر بدهد، زکات حساب نمی‌شود و بعد از آن که زکات بر او واجب شد، اگر چیزی را که به فقیر داده از بین نرفته باشد و آن فقیر هم به فقر خود باقی باشد می‌تواند چیزی را که به او داده بابت زکات حساب کند.

#### مسئله ۲۰۴۸

فقیری که می‌داند زکات بر انسان واجب نشده، اگر چیزی بابت زکات بگیرد و پیش او تلف شود ضامن است پس موقعی که زکات بر انسان واجب می‌شود، اگر آن فقیر به فقر خود باقی باشد، می‌تواند عوض چیزی را که به او داده بابت زکات حساب کند.

#### مسئله ۲۰۴۹

فقیری که نمی‌داند زکات بر انسان واجب نشده، اگر چیزی بابت زکات بگیرد و پیش او تلف شود، ضامن نیست و انسان نمی‌تواند عوض آن را بابت زکات حساب کند.

#### مسئله ۲۰۵۰

مستحب است زکات گاو و گوسفند و شتر را به فقیرهای آبرومند بدهد و در دادن زکات، خویشان خود را بر دیگران، و اهل علم و کمال را بر غیر آنان و کسانی را که اهل سؤال نیستند بر اهل سؤال مقدم بدارد. ولی اگر دادن زکات به فقیری از جهت دیگری بهتر باشد، مستحب است زکات را به او بدهد.

#### مسئله ۲۰۵۱

بهتر است زکات را آشکار و صدقه مستحبی را مخفی بدهند.

#### مسئله ۲۱۵۲

اگر در شهر کسی که می‌خواهد زکات بدهد مستحق نباشد و نتواند زکات را به مصرف دیگری هم که برای آن معین شده برساند، چنانچه امید نداشته باشد که بعداً مستحق پیدا کند باید زکات را به شهر دیگر ببرد و به مصرف زکات برساند ولی مخارج بردن به آن شهر به عهده خود او است و اگر زکات تلف شود ضامن نیست.

#### مسئله ۲۰۵۳

اگر در شهر خودش مستحق پیدا شود، می‌تواند زکات را به شهر دیگر ببرد. ولی مخارج بردن به آن شهر را باید از خودش بدهد و اگر زکات تلف شود ضامن است، مگر آن که با اجازه حاکم شرع برده باشد.

#### مسئله ۲۰۵۴

اجرت وزن کردن، پیمانه نمودن گندم و جو و کشمش و خرمایی را که برای زکات می‌دهد با خود او است.

#### مسئله ۲۰۵۵

کسی که ۲ مثقال و ۱۵ نخود نقره یا بیشتر از بابت زکات بدهکار است، می‌تواند کمتر از ۲ مثقال و ۱۵ نخود نقره هم به یک فقیر بدهد و نیز اگر غیر نقره چیز دیگری مثل گندم و جو بدهکار باشد و قیمت آن به ۲ مثقال و ۱۵ نخود نقره هم برسد می‌تواند به یک فقیر کمتر از آن بدهد.

#### مسئله ۲۰۵۶

مکروه است انسان از مستحق درخواست کند که زکاتی را که از او گرفته به او بفروشد، ولی اگر مستحق بخواهد چیزی را که گرفته بفروشد بعد از آن که به قیمت برساند، کسی که زکات را به او داده در خریدن آن بر دیگران مقدم است.

#### مسئله ۲۰۵۷

اگر شک کند زکاتی را که بر او واجب بوده داده یا نه باید زکات را بدهد، هر چند شک او برای زکات سال‌های پیش باشد.

#### مسئله ۲۰۵۸

فقیر نمی‌تواند زکات را به کمتر از مقدار آن صلح کند یا چیزی را گران‌تر از قیمت آن بابت زکات قبول نماید، یا زکات را از مالک بگیرد و به او ببخشد. ولی کسی که زکات زیادی بدهکار است و فقیر شده و نمی‌تواند زکات را بدهد و امید هم ندارد که دارا شود، چنانچه بخواهد توبه کند، فقیر می‌تواند زکات را از او بگیرد و به او ببخشد.

#### مسئله ۲۰۵۹

انسان می‌تواند از زکات، قرآن یا کتاب دینی یا کتاب دعا بخرد و وقف نماید، اگر چه بر اولاد خود و بر کسانی وقف کند که خرج آنان بر او واجب است و نیز می‌تواند تولیت وقف را برای خود یا اولاد خود قرار دهد.

#### مسئله ۲۰۶۰

انسان نمی‌تواند از زکات ملک بخرد و بر اولاد خود یا بر کسانی که مخارج آنان بر او واجب است وقف نماید که عایدی آن را به مصرف مخارج خود برسانند.

#### مسئله ۲۰۶۱

فقیر می‌تواند برای رفتن به حج و زیارت و مانند اینها زکات بگیرد، ولی اگر به مقدار خرج سالش زکات گرفته باشد، برای زیارت و مانند آن نمی‌تواند زکات بگیرد.

#### مسئله ۲۰۶۲

اگر مالک فقیری را وکیل کند که زکات مال او را بدهد چنانچه آن فقیر احتمال دهد که قصد مالک این بوده که خود آن فقیر از زکات بر ندارد، نمی‌تواند چیزی از آن را برای خودش بردارد و اگر یقین داشته باشد که قصد مالک این نبوده، برای خودش هم می‌تواند بردارد.

#### مسئله ۲۰۶۳

اگر فقیر شتر و گاو و گوسفند و طلا و نقره را بابت زکات بگیرد، چنانچه شرط‌هایی که برای واجب شدن زکات گفته شد در آنها جمع شود باید زکات آنها را بدهد.

#### مسئله ۲۰۶۴

اگر دو نفر در مالی که زکات آن واجب شده با هم شریک باشند و یکی از آنان زکات قسمت خود را بدهد و بعد مال را تقسیم کنند، چنانچه بداند شریکش زکات سهم خود را نداده، تصرف او در سهم خودش هم اشکال دارد. مگر آن که زکات شریک را تبرعاً با اذن او و در صورت امتناع با اذن حاکم شرع بدهد.

#### مسئله ۲۰۶۵

کسی که خمس یا زکات بدهکار است و کفاره و نذر و مانند اینها هم بر او واجب است و قرض هم دارد، چنانچه نتواند همه آنها را بدهد، اگر مالی که خمس یا زکات آن واجب شده، از بین نرفته باشد، باید خمس و زکات را بدهد و اگر از بین رفته باشد، می‌تواند خمس یا زکات را بدهد، یا کفاره و نذر و قرض و مانند اینها را ادا نماید.

#### مسئله ۲۰۶۶

کسی که خمس یا زکات بدهکار است و نذر و مانند اینها هم بر او واجب است و قرض هم دارد، اگر بمیرد و مال او برای همه آنها کافی نباشد چنانچه مالی که خمس و زکات آن واجب شده از بین نرفته باشد، باید خمس یا زکات را بدهند و بقیه مال او را به چیزهای دیگری که بر او واجب است قسمت کنند و اگر مالی که خمس و زکات آن واجب شده از بین رفته باشد، باید مال او را به خمس و زکات و قرض و نذر و مانند اینها قسمت نمایند، مثلاً اگر چهل تومان خمس بر او واجب است و بیست تومان به کسی بدهکار است و همه مال او سی تومان است، باید بیست تومان بابت خمس و ده تومان به دین او بدهند.

**مسئله ۲۰۶۷**

کسی که مشغول تحصیل علم است و اگر تحصیل نکند می‌تواند برای معاش خود کسب کند، چنانچه تحصیل آن علم، واجب یا مستحب باشد می‌شود به او زکات داد و اگر تحصیل آن علم واجب یا مستحب نباشد، زکات دادن به او اشکال دارد.

**زکات فطره****مسئله ۲۰۶۸**

کسی که موقع غروب یعنی قبل از غروب شب عید فطر گر چه به چند لحظه باشد بالغ و عاقل و هشیار است و فقیر و بنده کس دیگر نیست، باید برای خودش و کسانی که نان خور او هستند، هر نفری یک صاع که تقریباً سه کیلو است گندم یا جو یا خرما یا کشمش یا برنج یا ذرت و مانند اینها به مستحق بدهد و اگر پول یکی از اینها را هم بدهد کافی است.

**مسئله ۲۰۶۹**

کسی که مخارج سال خود و عیالاتش را ندارد و کسبی هم ندارد که بتواند مخارج سال خود و عیالاتش را بگذراند فقیر است و دادن زکات فطره بر او واجب نیست.

**مسئله ۲۰۷۰**

انسان باید فطره کسانی را که در غروب شب عید فطر نان خور او حساب می‌شوند بدهد، کوچک باشند یا بزرگ، مسلمان باشند یا کافر، دادن خرج آنان بر او واجب باشد یا نه، در شهر خود او باشند یا در شهر دیگر.

**مسئله ۲۰۷۱**

اگر کسی را که نان خور او است و در شهر دیگر است وکیل کند که از مال او فطره خود را بدهد، چنانچه اطمینان داشته باشد که فطره را می‌دهد، لازم نیست خودش فطره او را بدهد.

**مسئله ۲۰۷۲**

فطره مهمانی که پیش از غروب شب عید فطر با رضایت صاحبخانه وارد شده و مدتی نزد او می‌ماند که نان خور او حساب می‌شود بر او واجب است.

**مسئله ۲۰۷۳**

فطره مهمانی که پیش از غروب شب عید فطر بدون رضایت صاحبخانه وارد می‌شود و مدتی نزد او می‌ماند به طوری که نان خور او حساب شود واجب است و همچنین است فطره کسی که انسان را مجبور کرده است که خرجی او را بدهد.

**مسئله ۲۰۷۴**

فطره مهمانی که بعد از غروب شب عید فطر وارد می‌شود، بر صاحبخانه واجب نیست، اگر چه پیش از غروب او را دعوت کرده

باشد و در خانه او هم افطار کند.

### مسئله ۲۰۷۵

اگر کسی موقع غروب شب عید فطر دیوانه یا بیهوش باشد، زکات فطره بر او واجب نیست.

### مسئله ۲۰۷۶

اگر پیش از غروب بچه بالغ شود، یا دیوانه عاقل گردد، یا فقیر غنی شود، در صورتی که شرایط واجب شدن فطره را دارا باشد، باید زکات فطره را بدهد.

### مسئله ۲۰۷۷

کسی که موقع غروب شب عید فطر، زکات فطره بر او واجب نیست، اگر تا پیش از ظهر روز عید شرط‌های واجب شدن فطره در او پیدا شود، مستحب است زکات فطره را بدهد.

### مسئله ۲۰۷۸

کافری که بعد از غروب شب عید فطر مسلمان شده فطره بر او واجب نیست. ولی مسلمانی که شیعه نبوده، اگر بعد از دیدن ماه شیعه شود، باید زکات فطره را بدهد.

### مسئله ۲۰۷۹

کسی که فقط به اندازه یک صاع که تقریباً سه کیلو است گندم و مانند آن دارد، مستحب است زکات فطره را بدهد و چنانچه عیالاتی داشته باشد و بخواهد فطره آنها را هم بدهد می‌تواند به قصد فطره، آن یک صاع را به یکی از عیالاتش بدهد و او هم به همین قصد به دیگری بدهد و همچنین تا به نفر آخر برسد و بهتر است نفر آخر چیزی را که می‌گیرد به کسی بدهد که از خودشان نباشد و اگر یکی از آنها صغیر باشد، وَلّی او به جای او می‌گیرد و احتیاط آن است چیزی را که برای صغیر گرفته به کسی ندهد.

### مسئله ۲۰۸۰

اگر بعد از غروب شب عید فطر بچه دار شود، یا کسی نان خور او حساب شود، واجب نیست فطره او را بدهد. اگر چه مستحب است فطره کسانی را که بعد از غروب تا پیش از ظهر روز عید نان خور او حساب می‌شوند بدهد.

### مسئله ۲۰۸۱

اگر انسان نان خور کسی باشد و پیش از غروب نان خور کس دیگر شود، فطره او بر کسی که نان خور او شده واجب است مثلاً اگر دختر پیش از غروب به خانه شوهر رود، شوهرش باید فطره او را بدهد.

### مسئله ۲۰۸۲

کسی که دیگری باید فطره او را بدهد واجب نیست فطره خود را بدهد.

#### مسئله ۲۰۸۳

اگر فطره انسان بر کسی واجب باشد او فطره را ندهد، بر خود انسان واجب نمی‌شود.

#### مسئله ۲۰۸۴

اگر کسی که فطره او بر دیگری واجب است خودش فطره را بدهد، از کسی که فطره بر او واجب شده ساقط نمی‌شود.

#### مسئله ۲۰۸۵

زنی که شوهرش مخارج او را نمی‌دهد، چنانچه نان‌خور کس دیگر باشد، فطره‌اش بر آن کس واجب است و اگر نان‌خور کس دیگر نیست، در صورتی که فقیر نباشد، باید فطره خود را بدهد.

#### مسئله ۲۰۸۶

کسی که سید نیست نمی‌تواند به سید فطره بدهد حتی اگر سیدی نان‌خور او باشد، نمی‌تواند فطره او را به سید دیگر بدهد.

#### مسئله ۲۰۸۷

فطره طفلی که از مادر یا دایه شیر می‌خورد، بر کسیست که مخارج مادر یا دایه را می‌دهد. ولی اگر مادر یا دایه مخارج خود را از مال طفل برمی‌دارد فطره طفل بر کسی واجب نیست.

#### مسئله ۲۰۸۸

انسان اگر چه مخارج عیالاتش را از مال حرام بدهد، باید فطره آنان را از مال حلال بدهد.

#### مسئله ۲۰۸۹

اگر انسان کسی را اجیر نماید و شرط کند که مخارج او را بدهد در صورتی که به شرط خود عمل کند و نان‌خور او حساب شود باید فطره او را هم بدهد ولی چنانچه شرط کند که مقدار مخارج او را بدهد و مثلاً پولی برای مخارجش بدهد، دادن فطره او واجب نیست.

#### مسئله ۲۰۹۰

اگر کسی بعد از غروب شب عید فطر بمیرد، باید فطره او و عیالاتش را از مال او بدهند، ولی اگر پیش از غروب بمیرد، واجب نیست فطره او و عیالاتش را از مال او بدهند.

### مصرف زکات فطره



**مسئله ۲۰۹۱**

اگر زکات فطره را به یکی از هشت مصرفی که سابقاً برای زکات مال گفته شد برسانند کافی است. ولی احتیاط مستحب آن است که فقط به فقیرای شیعه بدهد.

**مسئله ۲۰۹۲**

اگر طفل شیعه‌ای فقیر باشد، انسان می‌تواند فطره را به مصرف او برساند، یا به واسطه دادن به ولی طفل، ملک طفل نماید.

**مسئله ۲۰۹۳**

فقیری که فطره به او می‌دهند، لازم نیست عادل باشد ولی احتیاط واجب آن است که به شراب‌خوار و بی‌نماز و کسی که آشکارا معصیت کبیره می‌کند فطره ندهد.

**مسئله ۲۰۹۴**

به کسی که فطره را در معصیت مصرف می‌کند نباید فطره بدهند.

**مسئله ۲۰۹۵**

احتیاط واجب آن است که به یک فقیر بیشتر از مخارج سالش و کمتر از یک صاع که تقریباً سه کیلو است فطره ندهند.

**مسئله ۲۰۹۶**

اگر از جنسی که قیمتش دو برابر قیمت معمولی آن است مثلاً از گندمی که قیمت آن دو برابر قیمت گندم معمولی است، نصف صاع که معنای آن در مسئله پیش گفته شد بدهد کافی نیست و اگر آن را به قصد قیمت فطره هم بدهد اشکال دارد.

**مسئله ۲۰۹۷**

انسان نمی‌تواند نصف صاع را از یک جنس مثلاً گندم و نصف دیگر آن را از جنس دیگر مثلاً جو بدهد و اگر آن را به قصد قیمت فطره هم بدهد اشکال دارد.

**مسئله ۲۰۹۸**

مستحب است در دادن زکات فطره، خویشان فقیر خود را بر دیگران مقدم دارد و بعد همسایگان فقیر را، بعد اهل علم فقیر را، ولی اگر دیگران از جهتی برتری داشته باشند، مستحب است آنها را مقدم بدارد.

**مسئله ۲۰۹۹**

اگر انسان به خیال این که کسی فقیر است به او فطره بدهد و بعد بفهمد فقیر نبوده چنانچه مالی را که به او داده از بین نرفته باشد، می‌تواند پس بگیرد و به مستحق بدهد و اگر نتواند بگیرد باید از مال خودش فطره را بدهد و اگر از بین رفته باشد، در صورتی که

گیرنده فطره می‌دانسته یا احتمال می‌داده آنچه را گرفته فطره است، باید عوض آن را بدهد و الا، دادن عوض بر او واجب نیست و انسان باید دوباره فطره را بدهد.

#### مسئله ۲۱۰۰

اگر کسی بگوید فقیرم، نمی‌شود به او فطره داد، مگر آن که اطمینان پیدا کند یا از ظاهر حالش گمان پیدا شود که فقیر است یا انسان بداند که قبلاً فقیر بوده است.

### مسائل متفرقه زکات فطره

#### مسئله ۲۱۰۱

انسان باید زکات فطره را به قصد قربت یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم بدهد و موقعی که آن را می‌دهد، نیت دادن فطره نماید.

#### مسئله ۲۱۰۲

اگر پیش از ماه رمضان فطره را بدهد صحیح نیست و احتیاط واجب آن است که در ماه رمضان هم فطره را ندهد. ولی اگر پیش از رمضان یا در ماه رمضان به فقیر قرض بدهد و بعد از آن که فطره بر او واجب شد، طلب خود را بابت فطره حساب کند مانعی ندارد.

#### مسئله ۲۱۰۳

گندم یا چیز دیگری را که برای فطره می‌دهد، باید به جنس دیگر یا خاک مخلوط نباشد، یا اگر مخلوط است چیزی که مخلوط شده به قدری کم باشد که قابل اعتنا نباشد و اگر بیش از این مقدار باشد در صورتی صحیح است که خالص آن به یک صاع برسد ولی اگر مثلاً یک صاع گندم به چندین من خاک مخلوط باشد که خالص کردن آن خرج یا کار بیشتر از متعارف دارد، دادن آن کافی نیست.

#### مسئله ۲۱۰۴

اگر فطره را از چیز معیوب بدهد کافی نیست. ولی اگر جایی باشد که خوراک غالب آنها معیوب است اشکال ندارد.

#### مسئله ۲۱۰۵

کسی که فطره چند نفر را می‌دهد، لازم نیست همه را از یک جنس بدهد و اگر مثلاً فطره بعضی را گندم و فطره بعضی دیگر را جو بدهد کافی است.

#### مسئله ۲۱۰۶

کسی که نماز عید فطر می‌خواند، بنا بر احتیاط واجب باید فطره را پیش از نماز عید بدهد، ولی اگر نماز عید نمی‌خواند، می‌تواند

دادن فطره را تا ظهر تأخیر بیندازد.

### مسئله ۲۱۰۷

اگر به نیت فطره مقداری از مال خود را کنار بگذارد و تا ظهر روز عید به مستحق ندهد، احتیاط واجب آن است که هر وقت آن را می‌دهد نیت فطره نماید.

### مسئله ۲۱۰۸

اگر موقعی که دادن زکات فطره واجب است، فطره را ندهد و کنار هم نگذارد، احتیاط واجب آن است که بعداً بدون این که نیت ادا و قضا کند فطره را بدهد.

### مسئله ۲۱۰۹

اگر فطره را کنار بگذارد، نمی‌تواند آن را برای خودش بردارد و مالی دیگر را برای فطره کنار بگذارد.

### مسئله ۲۱۱۰

اگر انسان مالی داشته باشد که قیمتش از فطره بیشتر است، چنانچه فطره را ندهد و نیت کند که مقداری از آن مال برای فطره باشد اشکال دارد.

### مسئله ۲۱۱۱

اگر مالی را که برای فطره کنار گذاشته از بین برود، چنانچه دسترسی به فقیر داشته و دادن فطره را تأخیر انداخته، باید عوض آن را بدهد و اگر دسترسی به فقیر نداشته ضامن نیست، مگر آن که در نگهداری آن کوتاهی کرده باشد.

### مسئله ۲۱۱۲

اگر در محل خودش مستحق پیدا شود، احتیاط واجب آن است که فطره را به جای دیگر نبرد و اگر به جای دیگر ببرد و تلف شود، باید عوض آن را بدهد.

## احکام حج

### مسئله ۲۱۱۳

حج: زیارت کردن خانه خدا و انجام اعمالیست که دستور داده‌اند در آنجا به جا آورده شود و در تمام عمر بر کسی که این شرایط را دارا باشد، یک مرتبه واجب می‌شود:

اول آن که بالغ باشد.

دوم آن که عاقل و آزاد باشد.

سوم به واسطه رفتن به حج مجبور نشود که کار حرامی را که اهمیتش در شرع از حج بیشتر است انجام دهد، یا عمل واجبی را که

از حج مهمتر است ترک نماید.

چهارم آن که مستطیع باشد، و مستطیع بودن به چند چیز است:

اول آن که توشه راه و چیزهایی را که بر حسب حالش در سفر به آن محتاج است و در کتاب‌های مفصل گفته شده دارا باشد و نیز مرکب سواری یا مالی که بتواند آنها را تهیه کند داشته باشد.

دوم سلامت مزاج و توانایی آن را داشته باشد که بتواند مکه رود و حج را به جا آورد.

سوم در راه مانعی از رفتن نباشد و اگر راه بسته باشد، یا انسان بترسد که در راه جان یا عرض او از بین برود، یا مال او را ببرند، حج بر او واجب نیست ولی اگر از راه دیگری بتواند برود، اگر چه دورتر باشد در صورتی که مشقت زیاد نداشته باشد و خیلی غیر متعارف نباشد، باید از آن راه برود.

چهارم به قدر به جا آوردن اعمال حج وقت داشته باشد.

پنجم مخارج کسانی را که خرجی آنان بر او واجب است مثل زن و بچه و مخارج کسانی را که مردم خرجی دادن به آنها را لازم می‌دانند داشته باشد.

ششم بعد از برگشتن کسب، یا زراعت، یا عایدی ملک، یا راه دیگری برای معاش خود داشته باشد که مجبور نشود به زحمت زندگی کند.

#### مسئله ۱۲۱۴

کسی که بدون خانه ملکی رفع احتیاجش نمی‌شود، وقتی حج بر او واجب است که پول خانه را هم داشته باشد.

#### مسئله ۲۱۱۵

زنی که می‌تواند مکه برود، اگر بعد از برگشتن از خودش مال نداشته باشد و شوهرش هم مثلاً فقیر باشد و خرجی او را ندهد و ناچار شود که به سختی زندگی کند، حج بر او واجب نیست.

#### مسئله ۲۱۱۶

اگر کسی توشه راه و مرکب سواری نداشته باشد و دیگری به او بگوید حج برو من خرج تو و عیالات تو را در موقعی که در سفر حج هستی می‌دهم در صورتی که اطمینان داشته باشد که خرج او را می‌دهد حج بر او واجب می‌شود.

#### مسئله ۲۱۱۷

اگر خرجی رفتن و برگشتن و خرجی عیالات کسی را در مدتی که مکه می‌رود و بر می‌گردد به او ببخشند و با او شرط کنند که حج کند، اگر چه قرض داشته باشد و در موقع برگشتن هم مالی که بتواند با آن زندگی کند نداشته باشد باید قبول نماید و حج بر او واجب می‌شود.

#### مسئله ۲۱۱۸

اگر مخارج رفتن و برگشتن و مخارج عیالات کسی را در مدتی که مکه می‌رود و بر می‌گردد به او بدهند و بگویند حج برو ولی ملک او نکنند، در صورتی که اطمینان داشته باشد که از او پس نمی‌گیرند، حج بر او واجب می‌شود.

**مسئله ۲۱۱۹**

اگر مقداری مال که برای حج کفایت به کسی بدهند و با او شرط کنند که در راه مکه خدمت کسی که مال را داده بنماید، حج بر او واجب نمی‌شود.

**مسئله ۲۱۲۰**

اگر مقداری مال به کسی بدهند و حج بر او واجب شود، چنانچه حج بنماید، هر چند بعداً مالی از خود پیدا کند، دیگر حج بر او واجب نیست.

**مسئله ۲۱۲۱**

اگر برای تجارت مثلاً تا جده برود و مالی به دست آورد که اگر بخواهد از آنجا به مکه رود مستطیع باشد، باید حج کند و در صورتی که حج بنماید، اگر چه بعداً مالی پیدا کند که بتواند از وطن خود به مکه رود، دیگر حج بر او واجب نیست.

**مسئله ۲۱۲۲**

اگر انسان اجیر شود که از طرف کسی دیگر حج کند، چنانچه خودش نتواند برود و بخواهد دیگری را از طرف خودش بفرستد، باید از کسی که او را اجیر کرده اجازه بگیرد.

**مسئله ۲۱۲۳**

اگر کسی مستطیع شود و مکه نرود و سپس فقیر شود، باید اگر چه به زحمت باشد بعداً حج کند و اگر به هیچ وجهی نتواند حج برود، چنانچه کسی او را اجیر کند، باید به مکه برود و حج کسی را که برای او اجیر شده به جا آورد و تا سال بعد در مکه بماند و برای خود حج بنماید، ولی اگر ممکن باشد که اجیر شود و اجرت را نقد بگیرد و کسی که او را اجیر کرده راضی شود که حج او در سال بعد به جا آورده شود و اجرتی که برای نیابت گرفته است کفایت برای دو بار به حج رفتن می‌کند، باید سال اول برای خود و سال بعد برای کسی که اجیر شده حج بنماید.

**مسئله ۲۱۲۴**

اگر در سال اولی که مستطیع شده به مکه رود و در وقت معینی که دستور داده‌اند به عرفات و مشعر الحرام نرسد چنانچه در سال‌های بعد مستطیع نباشد حج بر او واجب نیست. ولی اگر از سال‌ها پیش مستطیع بوده و نرفته اگر چه به زحمت باشد باید حج کند.

**مسئله ۲۱۲۵**

اگر در سال اولی که مستطیع شده حج نکند و بعد به واسطه پیری یا مرض و ناتوانی نتواند حج بنماید و نا امید باشد از این که بعداً خودش حج کند، باید دیگری را از طرف خود بفرستد، بلکه اگر در سال اولی که به قدر رفتن حج مال پیدا کرده، به واسطه پیری

یا مرض یا ناتوانی نتواند حج کند، احتیاط مستحب آن است کسی را از طرف خود بفرستد که حج نماید.

### مسئله ۲۱۲۶

کسی که از طرف دیگری برای حج اجیر شده، باید طواف نساء را از طرف او به جا آورد و اگر به جا نیاورد، زن بر آن اجیر حرام می شود.

### مسئله ۲۱۲۷

اگر طواف نساء را درست به جا نیاورد یا فراموش کند، چنانچه بعد از چند روز یادش بیاید و از بین راه برگردد و به جا آورد صحیح است.

## احکام خرید و فروش

### چیزهایی که در خرید و فروش مستحب است

#### مسئله ۲۱۲۸

یاد گرفتن احکام معاملات به قدری که مورد احتیاج است لازم است و مستحب است فروشنده بین مشتریها در قیمت جنس فرق نگذارد و در قیمت جنس سخت گیری نکند و کسی که با او معامله کرده اگر پشیمان شود و از او تقاضا کند که معامله را به هم بزند بپذیرد.

#### مسئله ۲۱۲۹

اگر انسان نداند معامله‌ای که کرده صحیح است یا باطل، نمی تواند در مالی که گرفته تصرف نماید ولی چنانچه در موقع معامله، احکام آن را می دانسته و بعد از معامله شک کند، تصرف او اشکال ندارد و معامله صحیح است.

#### مسئله ۲۱۳۰

کسی که مال ندارد و مخارجی بر او واجب است مثل خرج زن و بچه، باید کسب کند و برای کارهای مستحب مانند وسعت دادن به عیالات و دست گیری از فقراء کسب کردن مستحب است.

## شرایط معامله سلف

### معاملات مکروه

#### مسئله ۲۱۳۱

عمده معاملات مکروه از این قرار است:

اول ملک فروشی.

دوم قصابی.

سوم کفن فروشی.

چهارم معامله با مردمان پست.

پنجم معامله بین اذان صبح و اول آفتاب.

ششم آن که کار خود را خرید و فروش گندم و جو و مانند اینها قرار دهد.

هفتم آن که برای خریدن جنسی که دیگری می‌خواهد بخرد داخل معامله او شود.

## معاملات باطل

### مسئله ۲۱۳۲

در چند مورد معامله باطل است:

اول خرید و فروش عین نجس مثل بول و غائط و مسکرات، بنا بر اقوی و در بعضی و بنا بر احتیاط واجب در بعضی دیگر و خرید و فروش خون برای معالجه بیماران جایز است و هم چنین خرید و فروش عین نجس که بتوان از آن استفاده حلال نمود جایز است مانند خرید و فروش سگ شکاری که جایز است.

دوم خرید و فروش مال غضبی مگر آن که صاحبش معامله را اجازه کند.

سوم خرید و فروش چیزهایی که مال نیست.

چهارم معامله چیزی که منافع معمولی آن حرام باشد، مثل آلات قمار و موسیقی.

پنجم معامله‌ای که در آن ربا باشد و در چند مورد معامله حرام است، مثل معامله ربوی و غش در معامله، که غش در معامله یعنی فروختن جنسی که با چیز دیگر مخلوط است، در صورتی که آن چیز معلوم نباشد و فروشنده هم به خریدار نگوید، مثل فروختن روغنی که آن را با پیه مخلوط کرده است و این عمل را غش می‌گویند، از پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ منقول است که فرمود:

از ما نیست کسی که در معامله با مسلمانان غش کند یا به آنان ضرر بزند یا تقلب و حيله نماید و هر که با برادر مسلمان خود غش کند، خداوند برکت روزی او را می‌برد و راه معاش او را می‌بندد و او را به خودش واگذار می‌کند.

### مسئله ۲۱۳۳

فروختن چیز پاکی که نجس شده و آب کشیدن آن ممکن است اشکال ندارد، ولی اگر مشتری بخواهد آن چیز را بخورد باید فروشنده نجس بودن آن را به او بگوید.

### مسئله ۲۱۳۴

اگر چیز پاکی مانند روغن و نفت که آب کشیدن آن ممکن نیست نجس شود، چنانچه مثلاً روغن نجس را برای خوردن به خریدار بدهند معامله باطل و عمل حرام است و اگر برای کاری بخواهند که شرط آن پاک بودن نیست مثلاً بخواهند نفت نجس را بسوزانند یا پیه نجس را صابون کنند فروش آن اشکال ندارد.

### مسئله ۲۱۳۵

باید دواپی را که مثل شراب عین آن نجس است معامله نکنند، ولی معامله دارویی که عینش نجس نیست اگر به آن احتیاج داشته باشند اشکال ندارد.

#### مسئله ۲۱۳۶

خرید و فروش روغن و داروهای روان و عطرهایی که از ممالک غیر اسلامی می‌آورند اگر نجس بودن آنها معلوم نباشد اشکال ندارد، ولی روغنی را که از حیوان بعد از جان دادن آن می‌گیرند، چنانچه در شهر کفار از دست کافر بگیرند و از حیوانی باشد که اگر رگ آن را ببرند خون از آن جستن می‌کند، نجس است و معامله آن باطل می‌باشد. بلکه اگر در شهر مسلمانان هم از دست کافر بگیرند معامله آن باطل است مگر آن که بدانند که آن کافر از مسلمان خریده است.

#### مسئله ۲۱۳۷

اگر روباه را به غیر دستوری که در شرع معین شده کشته باشند، یا خودش مرده باشد، خرید و فروش پوست آن حرام و معامله آن باطل است.

#### مسئله ۲۱۳۸

خرید و فروش گوشت و پیه و چرمی که از ممالک غیر اسلامی می‌آورند، یا از دست کافر گرفته می‌شود باطل است، ولی اگر انسان بدانند که آنها از حیوانی است که به دستور شرع کشته شده خرید و فروش آنها اشکال ندارد.

#### مسئله ۲۱۳۹

خرید و فروش گوشت و پیه و چرمی که از دست مسلمان گرفته شود اشکال ندارد و هم چنین است اگر یکی از اینها در دست مسلمان باشد و بدانند آن مسلمان از کافر گرفته و احتمال رسیدگی بدهند و بنا بر احتیاط واجب بدانند مسلمان با آن معامله پاکی می‌کند ولی اگر بدانند مسلمان رسیدگی نکرده که از حیوانی است که به دستور شرع کشته شده یا نه خرید و فروش آنها حرام و معامله آن باطل است.

#### مسئله ۲۱۴۰

خرید و فروش مسکرات حرام و معامله آنها باطل است.

#### مسئله ۲۱۴۱

فروختن مال غصبی باطل است مثل مال دزدی و فروشنده باید پول را که از خریدار گرفته به او برگرداند.

#### مسئله ۲۱۴۲

اگر خریدار قصدش این باشد که پول جنس را ندهد معامله اشکال دارد.

#### مسئله ۲۱۴۳



اگر خریدار بخواهد پول جنس را بعداً از حرام بدهد و از اول هم قصدش این باشد معامله اشکال دارد و اگر از اول قصدش این نباشد معامله صحیح است ولی باید مقداری را که بدهکار است از مال حلال بدهد.

#### مسئله ۲۱۴۴

خرید و فروش آلت لهو مثل تار و ساز حتی سازهای کوچک حرام است.

#### مسئله ۲۱۴۵

اگر چیزی را که می‌شود استفاده حلال از آن ببرند به قصد این بفروشند که آن را در حرام مصرف کنند مثلاً انگور را با این قصد بفروشند که از آن شراب تهیه نمایند یا کارد را به این قصد بفروشند که با آن آدم کشی کنند معامله آن حرام و باطل است.

#### مسئله ۲۱۴۶

خرید و فروش مجسمه و صابون یا چیزهای دیگری که روی آن مجسمه دارد اشکال ندارد.

#### مسئله ۲۱۴۷

خریدن چیزی که از قمار، یا دزدی، یا از معامله باطل تهیه شده باطل و تصرف در آن مال حرام است و اگر کسی آن را بخرد باید به صاحب اصلش برگرداند.

#### مسئله ۲۱۴۸

اگر روغنی را که با پیه مخلوط است بفروشد، چنانچه آن را معین کند مثلاً بگوید این یک من روغن را می‌فروشم، مشتری می‌تواند معامله را به هم بزند، ولی اگر آن را معین نکند بلکه یک من روغن به ذمه بفروشد، بعد روغنی که پیه دارد بدهد، مشتری می‌تواند آن روغن را پس بدهد و روغن خالص مطالبه نماید.

#### مسئله ۲۱۴۹

اگر مقداری از جنسی را که با وزن یا پیمانه می‌فروشند به زیادت از همان جنس بفروشند، مثلاً یک من گندم را به یک من و نیم گندم بفروشند، ربا و حرام است و گناه یک درهم ربا بزرگتر از آن است که انسان هفتاد مرتبه با محرم خود زنا کند، بلکه اگر یکی از دو جنس سالم و دیگری معیوب، یا جنس یکی خوب و جنس دیگری بد باشد، یا با یکدیگر تفاوت قیمت داشته باشند، چنانچه بیشتر از مقداری که می‌دهد بگیرد، باز هم ربا و حرام است، پس اگر مس درست را بدهد و بیشتر از آن مس شکسته بگیرد یا برنج اعلا را بدهد و بیشتر از آن برنج وسط بگیرد یا طلای ساخته را بدهد و بیشتر از آن طلای نساخته بگیرد، ربا و حرام می‌باشد.

#### مسئله ۲۱۵۰

اگر چیزی را که اضافه می‌گیرد غیر از جنسی باشد که می‌فروشند، مثلاً یک من گندم به یک من گندم و یک قران پول بفروشند باز هم ربا و حرام است بلکه اگر چیزی زیادت‌ر نگیرد ولی شرط کند که خریدار عملی برای انجام دهد، ربا و حرام می‌باشد.

**مسئله ۲۱۵۱**

اگر کسی که مقدار کمتر را می‌دهد چیزی علاوه کند، مثلاً یک من گندم و یک دستمال را به یک من و نیم گندم بفروشد، اگر مقدار کمتر در قیمت مساوی با مقدار بیشتر هم جنس آن باشد و کسی که مقدار کمتر را می‌دهد، برای خلاصی از فروش آن به زیادتر از هم جنس چیزی علاوه کند، مثلاً یک من گندم اعلا و یک دستمال را به یک من و نیم گندم متوسط بفروشد اشکال ندارد و هم چنین است اگر از هر دو طرف، چیزی زیاد کنند، مثلاً یک من گندم و یک دستمال را به یک من و نیم گندم و یک دستمال بفروشد، ولی اگر چیز علاوه برای فرار از ربا باشد، مثلاً یک من گندم خوب را به یک من و نیم گندم خوب مثل آن که از نظر قیمت با هم تفاوت دارند، بخواهد نسیه بفروشد و برای فرار از ربا با چیزی بر یک من گندم علاوه کند، جایز نیست.

**مسئله ۲۱۵۲**

اگر چیزی را که مثل پارچه با متر و ذرع می‌فروشند یا چیزی را که مثل گردو و تخم مرغ با شماره معامله می‌کنند، بفروشد و زیادتر بگیرد مثلاً ده تا تخم مرغ بدهد و یازده تا بگیرد اشکال ندارد.

**مسئله ۲۱۵۳**

جنسی را که در بعضی از شهرها با وزن، یا پیمانه می‌فروشند و در بعضی از شهرها با شماره معامله می‌کنند اگر در شهری که آن را با وزن یا پیمانه می‌فروشند زیادتر بگیرد ربا و حرام است و در شهر دیگر ربا نیست.

**مسئله ۲۱۵۴**

اگر چیزی را که می‌فروشد و عوضی را که می‌گیرد از یک جنس نباشد زیادی گرفتن اشکال ندارد، پس اگر یک من برنج بفروشد و دو من گندم بگیرد معامله صحیح است.

**مسئله ۲۱۵۵**

اگر جنسی را که می‌فروشد و عوضی را که می‌گیرد از یک چیز عمل آمده باشد، باید در معامله زیادی نگیرد، پس اگر یک من روغن بفروشد و در عوض آن یک من و نیم پنیر بگیرد، ربا و حرام است و احتیاط واجب آن است که اگر میوه رسیده را با میوه نارس معامله کند زیادی نگیرد.

**مسئله ۲۱۵۶**

جو و گندم در ربا یک جنس حساب می‌شود، پس اگر یک من گندم بدهد و یک من و پنج سیر جو بگیرد، ربا و حرام است و نیز اگر مثلاً ده من جو بخرد که سر خرمن ده من گندم بدهد، چون جو را نقد گرفته و بعد از مدتی گندم را می‌دهد، مثل آن است که زیادی گرفته و حرام می‌باشد.

**مسئله ۲۱۵۷**

اگر مسلمان از کافری که در پناه اسلام نیست ربا بگیرد اشکال ندارد و نیز پدر و فرزند و زن و شوهر می‌توانند از یکدیگر ربا

بگیرند.

### مسئله ۲۱۵۸

در بیع مثل به مثل اگر قیمتها با هم اختلاف داشته باشد و بخواهند از بیع مثل به مثل فرار کنند نه از زیادی، حيله جايز است، مثلاً اگر يك كيلو گندم خوب به دو كيلو گندم بد ارزش دارد و می‌خواهند يك كيلو خوب بدهند و دو كيلو بد بگیرند در این مورد اگر چیزی ضمیمه کنند که از بیع مثل به مثل فرار کنند جایز است.

### مسئله ۲۱۵۹

اگر بخواهند مثل به مثل را مبادله کنند و ربا بگیرند با حيله جايز نیست. مثلاً يك خروار گندم را که ارزش آن نصف دو خروار است اگر بخواهند مبادله کنند که يك خروار بدهند و بعد از شش ماه دو خروار بگیرند زیادی رباست و با ضمّ چیزی صحیح نمی‌شود و علاوه بر آن که معامله حرام است باطل هم می‌باشد و مثل باب قرض نیست که قرض صحیح باشد و شرط باطل، بلکه اصل معامله باطل است.

### مسئله ۲۱۶۰

از مسئله قبل ظاهر شد که حيله در موردیست که بخواهند از معامله مثل به مثل فرار کنند بدون آن که زیاده قیمت و ربا در کار باشد و اما موردی که بخواهند ربا بگیرند حيله جايز نیست.

## شرایط فروشنده و خریدار

### مسئله ۲۱۶۱

برای فروشنده و خریدار شش چیز شرط است:

اول آن که بالغ باشند.

دوم آن که عاقل باشند.

سوم آن که حاکم شرع آنان را از تصرف در اموالشان جلوگیری نکرده باشد یا در حال بلوغ سفیه نباشند.

چهارم آن که قصد خرید و فروش داشته باشند پس اگر مثلاً به شوخی بگوید مال خود را فروختم، معامله باطل است.

پنجم آن که کسی آنها را مجبور نکرده باشد.

ششم آن که جنس و عوضی را که می‌دهند مالک باشند یا مثل پدر و جد صغیر، اختیار مال در دست آنان باشد و احکام اینها در

مسائل آینده گفته خواهد شد.

### مسئله ۲۱۶۲

معامله با بچه نا بالغ باطل است، اگر چه پدر یا جد آن بچه به او اجازه داده باشند که معامله کند، ولی اگر بچه ممیز باشد و چیز کم قیمتی را که معامله آن برای بچه‌ها متعارف است معامله کند اشکال ندارد و نیز اگر طفل و کیل در اجرای صیغه معامله یا وسیله باشد که پول را به فروشنده بدهد و جنس را به خریدار برساند، یا جنس را به خریدار بدهد و پول را به فروشنده برساند، - چون

واقعاً دو نفر بالغ با یکدیگر معامله کرده‌اند - معامله صحیح است، ولی باید فروشنده و خریدار یقین داشته باشند که طفل جنس و پول را به صاحب آن می‌رساند.

#### مسئله ۲۱۶۳

اگر از بچه نا بالغ چیزی بخرد، یا چیزی به او بفروشد باید جنس یا پولی را که از او گرفته به صاحب آن بدهد، یا از صاحبش رضایت بخواهد و اگر صاحب آن را نمی‌شناسد و برای شناختن او هم وسیله‌ای ندارد، باید چیزی را که از بچه گرفته از طرف صاحب آن صدقه بدهد ولی اگر چیزی را که گرفته مال خود صغیر باشد باید به ولیش برساند و اگر او را پیدا نکرده به حاکم شرع بدهد.

#### مسئله ۲۱۶۴

اگر کسی با بچه نا بالغ معامله کند و جنس یا پولی که به بچه داده از بین برود نمی‌تواند از بچه یا ولی او مطالبه کند.

#### مسئله ۲۱۶۵

اگر خریدار یا فروشنده را به معامله مجبور کنند چنانچه بعد از معامله راضی شود و بگوید راضی هستم، معامله صحیح است ولی احتیاط مستحب آن است که دوباره صیغه معامله را بخوانند.

#### مسئله ۲۱۶۶

اگر انسان مال کسی را بدون اجازه او بفروشد چنانچه صاحب مال به فروش آن راضی نشود و اجازه نکند معامله باطل است و هم چنین اگر معامله را رد کرد بنا بر احتیاط واجب دوباره نمی‌تواند معامله را اجازه کند.

#### مسئله ۲۱۶۷

پدر و جد پدری طفل در صورتی می‌توانند مال طفل را بفروشند که برای او مفسده نداشته باشد بلکه بهتر آن است که تا مصلحت نباشد نفروشند اما وصی پدر و وصی جد پدری و حاکم شرع فقط در صورتی می‌توانند مال طفل را بفروشند که مصلحت طفل در آن باشد.

#### مسئله ۲۱۶۸

اگر کسی مالی را غصب کند و بفروشد و بعد از فروش صاحب مال معامله را برای خودش اجازه دهد، معامله صحیح است و احتیاط واجب آن است که مشتری و صاحب مال در منفعتی که برای جنس و عوض آن بوده با یکدیگر مصالحه کنند.

#### مسئله ۲۱۶۹

اگر کسی مالی را غصب کند و بفروشد به قصد این که پول آن، مال خودش باشد، چنانچه صاحب مال معامله را اجازه نکند معامله باطل است و اگر برای کسی هم که مال را غصب کرده اجازه نماید صحیح بودن معامله اشکال دارد.

**شرایط جنس و عوض آن****مسئله ۲۱۷۰**

جنسی که می‌فروشند و چیزی که عوض آن می‌گیرند پنج شرط دارد:

اول آن که مقدار آن با وزن یا پیمانه یا شماره و مانند اینها معلوم باشد.

دوم آن که بتواند آن جنس را تحویل دهد یا آن که مشتری خود بتواند آن را تصاحب کند. بنا بر این فروختن اسبی که فرار کرده صحیح نیست، ولی اگر بنده‌ای را که فرار کرده با چیزی که می‌تواند تحویل دهد مثلاً با یک فرش بفروشد، اگر چه آن بنده پیدا نشود، معامله صحیح است و در غیر بنده مشکل است.

سوم خصوصیتی را که در جنس و عوض هست و به واسطه آنها میل مردم به معامله فرق می‌کند معین نماید.

چهارم کسی در جنس، یا در عوض آن حقی نداشته باشد، پس مالی را که انسان پیش کسی گرو گذاشته، بدون اجازه او نمی‌تواند بفروشد.

پنجم آن که بنا بر احتیاط واجب خود جنس را بفروشد نه منفعت جنس را و فروش منفعت جنس خالی از اشکال نیست. پس اگر مثلاً منفعت یک ساله خانه را بفروشد صحیح نیست، ولی چنانچه خریدار به جای پول منفعت مالک خود را بدهد، مثلاً فرش را از کسی بخرد و عوض آن منفعت یک ساله خانه خود را به او واگذار کند اشکال ندارد و احکام اینها در مسائل آینده گفته خواهد شد.

**مسئله ۲۱۷۱**

جنسی را که در شهری با وزن یا پیمانه معامله می‌کنند در آن شهر انسان باید با وزن یا پیمانه بخرد، ولی می‌تواند همان جنس را در شهری که با دیدن معامله می‌کنند، با دیدن خریداری نماید.

**مسئله ۲۱۷۲**

چیزی را که با وزن خرید و فروش می‌کنند با پیمانه هم می‌شود معامله کرد، به این طور که اگر مثلاً می‌خواهد ده من گندم بفروشد با پیمانه‌ای که یک من گندم می‌گیرد ده پیمانه بدهد.

**مسئله ۲۱۷۳**

اگر یکی از شرطهایی که گفته شد در معامله نباشد معامله باطل است ولی اگر خریدار و فروشنده راضی باشند که در مال یکدیگر تصرف کنند تصرف آنها اشکال ندارد.

**مسئله ۲۱۷۴**

معامله چیزی را که وقف شده باطل است، ولی اگر به طوری خراب شود که نتوانند استفاده‌ای را که مال برای آن وقف شده از آن ببرند، مثلاً حصیر مسجد به طوری پاره شود که نتوانند روی آن نماز بخوانند، بنا بر احتیاط فروش آن با اجازه حاکم شرع اشکال ندارد و در صورتی که ممکن باشد باید پول آن را در همان مسجد به مصرفی برسانند که به مقصود وقف کننده نزدیکتر باشد.

**مسئله ۲۱۷۵**

هر گاه بین کسانی که مال را برای آنان وقف کرده‌اند به طوری اختلاف پیدا شود که اگر مال وقف را بفروشند، گمان آن برود که مال یا جانی تلف شود، می‌توانند آن مال را بفروشند و به مصرفی که به مقصود وقف کننده نزدیکتر است برسانند.

**مسئله ۲۱۷۶**

خرید و فروش ملکی که آن را به دیگری اجاره داده‌اند اشکال ندارد، ولی استفاده آن ملک در مدت اجاره مال مستأجر است و اگر خریدار نداند که آن ملک را اجاره داده‌اند، یا به گمان این که مدت اجاره کم است ملک را خریده باشد، پس از اطلاع می‌تواند معامله خودش را به هم بزند.

**صیغه خرید و فروش****مسئله ۲۱۷۷**

در خرید و فروش لازم نیست صیغه عربی بخوانند، مثلاً اگر فروشنده به فارسی بگوید این مال را در عوض این پول فروختم و مشتری بگوید قبول کردم معامله صحیح است، ولی خریدار و فروشنده باید قصد انشاء داشته باشند، یعنی به گفتن این دو جمله مقصودشان خرید و فروش باشد.

**مسئله ۲۱۷۸**

اگر در موقع معامله صیغه نخوانند، ولی فروشنده در مقابل مالی که از خریدار می‌گیرد، مال خود را ملک او کند و او بگیرد معامله صحیح است و هر دو مالک می‌شوند و حتماً لازم نیست که معامله با صیغه لفظی انجام شود و اگر با نوشته انجام شود و طرفین آن را امضاء کنند، معامله صحیح است.

**خرید و فروش میوه‌ها****مسئله ۲۱۷۹**

فروش میوه‌ای که گل آن ریخته و دانه بسته به طوری که معمولاً دیگر از آفت گذشته باشد، پیش از چیدن صحیح است و نیز فروختن غوره بر درخت اشکال ندارد.

**مسئله ۲۱۸۰**

اگر بخواهند میوه‌ای را که بر درخت است، پیش از آن که گلش بریزد بفروشند، باید چیزی از حاصل زمین که به تنهایی قابل فروختن است مانند سبزیها را با آن بفروشند یا میوه بیش از یک سال را بفروشند.

**مسئله ۲۱۸۱**

اگر خرمایی را که زرد یا سرخ شده، بر درخت بفروشند اشکال ندارد. ولی نباید عوض آن را خرما بگیرند، اما اگر کسی یک

درخت خرما در خانه یا باغ کسی دیگر داشته باشد، در صورتی که مقدار آن را تخمین کنند و صاحب درخت آن را به صاحب خانه یا باغ بفروشد و عوض آن، خرما بگیرد، چنانچه خرمایی را که می‌گیرد کمتر یا زیادتر از مقداری که تخمین زده‌اند نباشد اشکال ندارد.

#### مسئله ۲۱۸۲

فروختن خیار و بادنجان و سبزیها و مانند اینها که سالی چند مرتبه چیده می‌شود، در صورتی که ظاهر و نمایان شده باشد و معین کنند که مشتری در سال چند دفعه آن را بچیند اشکال ندارد.

#### مسئله ۲۱۸۳

اگر خوشه گندم و جو را بعد از آن که دانه بسته، به چیز دیگری به غیر گندم و جو بفروشند اشکال ندارد.

#### نقد و نسیه

#### مسئله ۲۱۸۴

اگر جنسی را نقد بفروشند، خریدار و فروشنده، بعد از معامله می‌توانند جنس و پول را از یکدیگر مطالبه نموده و تحویل بگیرند و تحویل دادن خانه و زمین و مانند اینها به این است که آن را در اختیار خریدار بگذارند که بتواند در آن تصرف کند و تحویل دادن فرش و لباس و مانند اینها به این است که آن را طوری در اختیار خریدار بگذارند که اگر بخواهد آن را به جای دیگر برود فروشنده جلوگیری نکند.

#### مسئله ۲۱۸۵

در معامله نسیه باید مدت کاملاً معلوم باشد، پس اگر فروشنده جنسی را بفروشد و به خریدار مثلاً بگوید هر وقت پول آن را داشتی بده، چون مدت کاملاً معین نشده معامله باطل است.

#### مسئله ۲۱۸۶

اگر جنسی را نسیه بفروشد، پیش از تمام شدن مدتی که قرار گذاشته‌اند، نمی‌تواند عوض آن را از خریدار مطالبه نماید، ولی اگر خریدار بمیرد و از خودش مال داشته باشد، فروشنده می‌تواند پیش از تمام شدن مدت، طلبی را که دارد از ورثه او مطالبه نماید.

#### مسئله ۲۱۸۷

اگر جنسی را نسیه بفروشد، بعد از تمام شدن مدتی که قرار گذاشته‌اند، می‌تواند عوض آن را از خریدار مطالبه نماید، ولی اگر خریدار نتواند بپردازد، باید او را مهلت دهد.

#### مسئله ۲۱۸۸

اگر به کسی که قیمت جنس را نمی‌داند، مقداری نسیه بدهد و قیمت آن را به او نگوید معامله باطل است. ولی اگر به کسی که

قیمت نقدی جنس را می‌داند نسیه بدهد و گرانتر حساب کند، مثلاً بگوید جنسی را که به تو نسیه می‌دهم تومانی یک ریال از قیمتی که نقد می‌فروشم گرانتر حساب می‌کنم و او قبول کند اشکال ندارد. ولی اگر به مشتری بگوید جنس را به تو نسیه می‌فروشم، یک ماهه، ۱۰ تومان، دو ماهه ۱۲ تومان، سه ماهه، ۱۴ تومان و نمی‌داند مشتری کدام را انتخاب می‌کند، این معامله باطل است مگر اینکه این گفتگو قبل از معامله باشد و بعد که مشتری انتخاب کرد، معامله انجام شود که این معامله صحیح است.

### مسئله ۲۱۸۹

کسی که جنسی را نسیه فروخته و برای گرفتن پول آن مدتی قرار داده، اگر مثلاً بعد از گذشتن نصف مدت، مقداری از طلب خود را کم کند و بقیه را نقد بگیرد که در اصطلاح امروز به آن اسکنت می‌گویند، اشکال ندارد و اسکنت کردن بین فروشنده و خریدار اشکال ندارد، ولی اگر فروشنده بخواهد سند مشتری را با شخص ثالث اسکنت کند، اشکال دارد.

### معامله سلف

### مسئله ۲۱۹۰

معامله سلف آن است که مشتری پول را بدهد که بعد از مدتی جنس را تحویل بگیرد و اگر بگوید این پول را می‌دهم که مثلاً بعد از شش ماه فلان جنس را بگیرم و فروشنده بگوید قبول کردم، یا فروشنده پول را بگیرد و بگوید فلان جنس را فروختم که بعد از شش ماه تحویل بدهم معامله صحیح است.

### مسئله ۲۱۹۱

اگر پول را سلف بفروشد و عوض آن را پول بگیرد معامله باطل است. ولی اگر جنسی را سلف بفروشد و عوض آن را جنس دیگر یا پول بگیرد معامله صحیح است و احتیاط مستحب آن است در عوض جنسی که می‌فروشد پول بگیرد و جنس دیگر نگیرد.

### شرایط معامله سلف

### مسئله ۲۱۹۲

معامله سلف شش شرط دارد:

اول خصوصیتی را که قیمت جنس به واسطه آنها فرق می‌کند معین نمایند. ولی دقت زیاد هم لازم نیست، همین قدر که مردم بگویند خصوصیات آن معلوم شده کافی است، پس معامله سلف در نان و گوشت و پوست حیوان و مانند اینها در صورتی که نشود خصوصیاتشان را به طوری معین کنند که برای مشتری مجهول نباشد و معامله غری باشد باطل است.

دوم پیش از آن که خریدار و فروشنده از هم جدا شوند، خریدار تمام قیمت را به فروشنده بدهد، یا به مقدار پول آن از فروشنده طلبکار باشد که در این صورت بهتر آن است که فروشنده پول جنس را به ذمه مشتری قرار دهد، پس از آن مشتری طلبی را که از فروشنده دارد بابت پول جنسی که به ذمه او است حساب کند و چنانچه مقداری از قیمت آن را بدهد، اگر چه معامله به آن مقدار صحیح است ولی فروشنده می‌تواند معامله همان مقدار را به هم بزند.

سوم مدت را کاملاً معین کنند و اگر مثلاً بگوید تا اول خرمن جنس را تحویل می‌دهم چون مدت کاملاً معلوم نشده معامله باطل است.



چهارم وقتی را برای تحویل جنس معین کنند که در آن وقت، به قدری از آن جنس وجود داشته باشد که اطمینان داشته باشند که نایاب نخواهد بود.

پنجم بنا بر احتیاط واجب جای تحویل جنس را معین نماید، ولی اگر از حرف‌های آنان جای آن معلوم باشد لازم نیست اسم آنجا را ببرند.

ششم وزن یا پیمانۀ آن را معین کنند و جنسی را هم که معمولاً با دیدن معامله می‌کنند اگر سلف بفروشند اشکال ندارد، ولی باید مثل بعضی از اقسام گردو و تخم مرغ تفاوت افراد آن به قدری کم باشد که مردم به آن اهمیت ندهند.

### احکام معامله سلف

#### مسئله ۲۱۹۳

انسان نمی‌تواند جنسی را که سلف خریده پیش از تمام شدن مدت بفروشد و بعد از تمام شدن مدت، اگر چه آن را تحویل نگرفته باشد، فروختن آن اشکال ندارد.

#### مسئله ۲۱۹۴

در معامله سلف اگر فروشنده جنسی را که قرارداد کرده بدهد، مشتری باید قبول کند و نیز اگر بهتر از آنچه قرار گذاشته بدهد یعنی همان اوصاف را با زیادتی داشته باشد، مشتری باید قبول نماید.

#### مسئله ۲۱۹۵

اگر جنسی را که فروشنده می‌دهد، پست‌تر از جنسی باشد که قرارداد کرده، مشتری می‌تواند قبول نکند.

#### مسئله ۲۱۹۶

اگر فروشنده به جای جنسی که قرارداد کرده، جنس دیگری بدهد، در صورتی که مشتری راضی شود اشکال ندارد.

#### مسئله ۲۱۹۷

اگر جنسی را که سلف فروخته در موقعی که باید آن را تحویل دهد، نایاب شود و نتواند آن را تهیه کند، مشتری می‌تواند صبر کند تا تهیه نماید یا معامله را به هم بزند و چیزی را که داده پس بگیرد.

#### مسئله ۲۱۹۸

اگر جنسی را بفروشد و قرار بگذارد که بعد از مدتی تحویل دهد و پول آن را هم بعد از مدتی بگیرد، معامله باطل است و این معامله کالا به کالا می‌گویند.

### فروش طلا و نقره، به طلا و نقره

#### مسئله ۲۱۹۹

اگر طلا را به طلا یا نقره را به نقره بفروشد، سکه‌دار باشند یا بیسکه، در صورتی که وزن یکی از آنها زیادتر از دیگری باشد معامله حرام و باطل است.

#### مسئله ۲۲۰۰

اگر طلا را به نقره، یا نقره را به طلا بفروشد، معامله صحیح است و لازم نیست وزن آنها مساوی باشد.

#### مسئله ۲۲۰۱

اگر طلا یا نقره را به طلا، یا نقره بفروشند، باید فروشنده و خریدار پیش از آن که از یکدیگر جدا شوند، جنس و عوض آن را به یکدیگر تحویل دهند و اگر هیچ مقدار از چیزی را که قرار گذاشته‌اند تحویل ندهند معامله باطل است.

#### مسئله ۲۲۰۲

اگر فروشنده یا خریدار تمام چیزی را که قرار گذاشته تحویل دهد و دیگری مقداری از آن را تحویل دهد و از یکدیگر جدا شوند، اگر چه معامله به آن مقدار صحیح است ولی کسی که تمام مال به دست او نرسیده می‌تواند معامله را به هم بزند.

#### مسئله ۲۲۰۳

اگر مقداری خاک نقره معدن را به همان مقدار نقره خالص و یا مقداری خاک طلا معدن را به همان مقدار طلای خالص بفروشند، معامله باطل است. ولی فروختن خاک نقره به طلا و خاک طلا به نقره به هر صورت اشکال ندارد.

### مواردی که انسان می‌تواند معامله را به هم بزند

#### مسئله ۲۲۰۴

حق به هم زدن معامله را خیار می‌گویند و خریدار و فروشنده در یازده صورت می‌توانند معامله را به هم بزنند:

اول:

آن که از مجلس معامله متفرق نشده باشند و این خیار را خیار مجلس می‌گویند.

دوم:

آن که مغبون شده باشند. (خیار غبن).

سوم:

در معامله قرارداد کنند که تا مدت معینی هر دو یا یکی از آنان بتوانند معامله را به هم بزنند (خیار شرط).

چهارم:

فروشنده یا خریدار، مال خود را بهتر از آنچه هست نشان دهد و طوری کند که قیمت مال در نظر مردم زیاد شود (خیار تدلیس).

پنجم:

فروشنده یا خریدار شرط کند که کاری انجام دهد، یا شرط کند مالی را که می‌دهد طور مخصوصی باشد و به آن شرط عمل نکند که در این صورت دیگری می‌تواند معامله را به هم بزند (خیار تخلف شرط).

ششم:

در جنس یا عوض آن عیبی باشد که از آن عیب، طرف مقابل در هنگام معامله اطلاع نداشته باشد. (خيار عیب).

هفتم:

معلوم شود مقداری از جنسی را که فروخته‌اند، مال دیگری است، که اگر صاحب آن به معامله راضی نشود، خریدار می‌تواند معامله را به هم بزند یا پول آن مقدار را از فروشنده بگیرد و نیز اگر معلوم شود مقداری از چیزی را که خریدار عوض قرار داده، مال دیگریست و صاحب آن راضی نشود، فروشنده می‌تواند معامله را به هم بزند، یا عوض آن مقدار را از خریدار بگیرد (خيار تبعض صَفِقه).

هشتم:

فروشنده خصوصیات جنس معینی را که مشتری ندیده به او بگوید، بعد معلوم شود طوری که گفته نبوده است. که در این صورت مشتری می‌تواند معامله را به هم بزند و نیز اگر مشتری خصوصیات عوض معینی را که می‌دهد بگوید، بعد معلوم شود طوری که گفته نبوده است، فروشنده می‌تواند معامله را به هم بزند و هم چنین است اگر با رؤیت سابقه معامله شود و بعد معلوم گردد که جنس یا عوض آن تغییر به نقص نموده که در صورت اول خریدار و در صورت دوم فروشنده می‌تواند معامله را به هم بزند. (خيار رؤیت).

نهم:

مشتری پول جنسی را که نقد خریده تا سه روز ندهد و فروشنده هم جنس را تحویل ندهد که اگر مشتری شرط نکرده باشد که دادن پول را تأخیر بیندازد و شرط تأخیر جنس هم نشده باشد فروشنده می‌تواند معامله را به هم بزند ولی اگر جنسی را که خریده مثل بعضی از میوه‌ها باشد که اگر یک روز بماند ضایع می‌شود، چنانچه تا شب پول آن را ندهد و شرط نکرده باشد که دادن پول را تأخیر بیندازد و شرط تأخیر جنس هم نشده باشد، فروشنده می‌تواند معامله را به هم بزند (خيار تأخیر).

دهم:

حیوانی را خریده باشد که خریدار تا سه روز می‌تواند معامله را به هم بزند (خيار حیوان).

یازدهم:

فروشنده نتواند جنسی را که فروخته تحویل دهد، مثلاً اسبی را که فروخته فرار نماید که در این صورت مشتری می‌تواند معامله را به هم بزند (خيار تعذر تسلیم).

و احکام اینها در مسائل آینده گفته خواهد شد.

## مسئله ۲۲۰۵

اگر خریدار قیمت جنس را نداند، یا در موقع معامله غفلت کند و جنس را گرانتر از قیمت معمولی آن بخرد، چنانچه به قدری گران خریده که مردم او را مغبون می‌دانند و به کمی و زیادی آن اهمیت می‌دهند، می‌تواند معامله را به هم بزند و نیز اگر فروشنده قیمت جنس را نداند، یا موقع معامله غفلت کند و جنس را ارزانتر از قیمت آن بفروشد در صورتی که مردم به مقداری که ارزان فروخته اهمیت بدهند و او را مغبون بدانند، می‌تواند معامله را به هم بزند.

## مسئله ۲۲۰۶

در معامله بیع شرط که مثلاً خانه هزار تومانی را به دوست تومان می‌فروشند و قرار می‌گذارند که اگر فروشنده سر مدت پول را

بدهد بتواند معامله را به هم بزند، در صورتی که خریدار و فروشنده قصد خرید و فروش داشته باشند معامله صحیح است.

#### مسئله ۲۲۰۷

در معامله بیع شرط اگر چه فروشنده اطمینان داشته باشد که هر گاه سر مدت پول را ندهد، خریدار ملک را به او می‌دهد معامله صحیح است، ولی اگر سر مدت پول را ندهد، حق ندارد ملک را از خریدار مطالبه کند و اگر خریدار بمیرد، نمی‌تواند ملک را از ورثه او مطالبه نماید.

#### مسئله ۲۲۰۸

اگر چای اعلا را با چای پست مخلوط کند و به اسم چای اعلا بفروشد و مشتری هم نداند، مشتری می‌تواند معامله را به هم بزند.

#### مسئله ۲۲۰۹

اگر خریدار بفهمد مالی را که گرفته عیبی دارد مثلاً حیوانی را بخرد و بفهمد که یک چشم آن کور است، چنانچه آن عیب پیش از معامله در مال بوده و او نمی‌دانسته، می‌تواند معامله را به هم بزند، یا فرق قیمت سالم و معیوب آن را معین کند و به نسبت تفاوت قیمت سالم و معیوب از پولی که به فروشنده داده پس بگیرد مثلاً مالی را که به چهار تومان خریده، اگر بفهمد معیوب است، در صورتی که قیمت سالم آن هشت تومان و قیمت معیوب آن شش تومان باشد، چون فرق قیمت سالم و معیوب یک چهارم می‌باشد می‌تواند یک چهارم پولی را که داده یعنی یک تومان از فروشنده بگیرد.

#### مسئله ۲۲۱۰

اگر فروشنده بفهمد در عوض مشخصی که گرفته عیبی هست چنانچه آن عیب پیش از معامله در عوض بوده و او نمی‌دانسته می‌تواند معامله را به هم بزند، یا تفاوت قیمت سالم و معیوب را به دستوری که در مسأله پیش گفته شد بگیرد.

#### مسئله ۲۲۱۱

اگر بعد از معامله و پیش از تحویل گرفتن مال عیبی در آن پیدا شود، خریدار می‌تواند معامله را به هم بزند و نیز اگر در عوض مال بعد از معامله و پیش از تحویل گرفتن، عیبی پیدا شود، فروشنده می‌تواند معامله را به هم بزند، ولی اگر بخواهند تفاوت قیمت بگیرند اشکال دارد.

#### مسئله ۲۲۱۲

اگر بعد از معامله عیب مال را بفهمد و فوراً معامله را به هم نزند، دیگر حق به هم زدن معامله را ندارد.

#### مسئله ۲۲۱۳

هر گاه بعد از خریدن جنس عیب آن را بفهمد، اگر چه فروشنده حاضر نباشد می‌تواند معامله را به هم بزند.

#### مسئله ۲۲۱۴

در چهار صورت اگر خریدار بفهمد مال عیبی دارد نمی‌تواند معامله را به هم بزند، یا تفاوت قیمت بگیرد:  
 اول آن که موقع خریدن، عیب مال را بداند.  
 دوم به عیب مال راضی شود.  
 سوم در وقت معامله بگوید:  
 اگر مال عیبی داشته باشد، پس نمی‌دهم و تفاوت قیمت هم نمی‌گیرم.  
 چهارم فروشنده در وقت معامله بگوید:

این مال را با هر عیبی که دارد می‌فروشم، ولی اگر عیبی را معین کند و بگوید مال را با این عیب می‌فروشم و معلوم شود عیب دیگری هم دارد، خریدار می‌تواند برای عیبی که فروشنده معین نکرده مال را پس دهد، یا تفاوت بگیرد.

### مسئله ۲۲۱۵

در سه صورت اگر خریدار بفهمد مال عیبی دارد، نمی‌تواند معامله را به هم بزند، ولی می‌تواند تفاوت قیمت بگیرد:  
 اول آن که بعد از معامله تغییری در مال بدهد که مردم بگویند به طوری که خریداری و تحویل داده شده باقی نمانده است.  
 دوم بعد از معامله بفهمد مال عیب دارد و فقط حق برگرداندن آن را ساقط کند.

سوم بعد از تحویل گرفتن مال، عیب دیگری در آن پیدا شود. ولی اگر حیوان معیوبی را بخرد و پیش از گذشتن سه روز، عیب دیگری پیدا کند اگر چه آن را تحویل گرفته باشد باز هم می‌تواند آن را پس دهد و نیز اگر فقط خریدار تا مدتی هم حق به هم زدن معامله را داشته باشد و در آن مدت، مال عیب دیگری پیدا کند، اگر چه آن را تحویل گرفته باشد، می‌تواند معامله را به هم بزند.

### مسئله ۲۲۱۶

اگر انسان مالی داشته باشد که خودش آن را ندیده و دیگری خصوصیات آن را برای او گفته باشد، چنانچه او همان خصوصیات را به مشتری بگوید و آن را بفروشد و بعد از فروش بفهمد که بهتر از آن بوده می‌تواند معامله را به هم بزند.

### مسائل متفرقه

#### مسئله ۲۲۱۷

اگر فروشنده قیمت خرید جنس را به مشتری بگوید باید تمام چیزهایی را که به واسطه آنها قیمت مال کم یا زیاد می‌شود بگوید اگر چه به همان قیمت یا به کمتر یا بیشتر از آن بفروشد، مثلاً باید بگوید که نقد خریده است یا نسیه.

#### مسئله ۲۲۱۸

اگر انسان جنسی را به کسی بدهد و قیمت آن را معین کند و بگوید این جنس را به این قیمت به فروش و هر چه زیادتیر فروختی مال خودت باشد، اگر دلال آن قیمت را بعنوان قیمت خرید نگوید هر چه زیادتیر از آن قیمت بفروشد مال دلال است و نیز اگر بگوید این جنس را به این قیمت به تو فروختم و او بگوید قبول کردم یا به قصد فروختن، جنس را به او بدهد و او هم به قصد خریدن بگیرد، هر چه زیادتیر از آن قیمت بفروشد مال خود او است.

**مسئله ۲۲۱۹**

اگر قصاب گوشت نر بفروشد و به جای آن، گوشت ماده بدهد معصیت کرده است، پس اگر آن گوشت را معین کرده و گفته این گوشت نر را می‌فروشم مشتری می‌تواند معامله را به هم بزند و اگر آن را معین نکرده، در صورتی که مشتری به گوشتی که گرفته راضی نشود، قصاب باید گوشت نر به او بدهد.

**مسئله ۲۲۲۰**

اگر مشتری به بزاز بگوید پارچه ای می‌خواهم که رنگ آن نرود و بزاز پارچه ای به او بفروشد که رنگ آن برود، مشتری می‌تواند معامله را به هم بزند.

**مسئله ۲۲۲۱**

قسم خوردن در معامله اگر راست باشد مکروه است و اگر دروغ باشد حرام است.

**احکام شرکت****مسئله ۲۲۲۲**

اگر دو نفر بخواهند با هم شرکت کنند، چنانچه هر کدام مقداری از مال خود را با مال دیگری به طوری مخلوط کند که از یکدیگر تشخیص داده نشود و به عربی یا به زیان دیگر صیغه شرکت را بخوانند، یا کاری کنند که معلوم باشد می‌خواهند با یکدیگر شریک باشند شرکت آنان صحیح است.

**مسئله ۲۲۲۳**

اگر چند نفر در مزدی که از کار خودشان می‌گیرند با یکدیگر شرکت کنند، مثل دلاکها که قرار می‌گذارند هر قدر مزد گرفتند با هم قسمت کنند شرکت آنان صحیح نیست.

**مسئله ۲۲۲۴**

اگر دو نفر با یکدیگر شرکت کنند که هر کدام به اعتبار خود جنسی بخرد و قیمت آن را خودش بدهکار شود ولی در جنسی که هر کدام خریده‌اند و در استفاده آن با یکدیگر شریک باشند صحیح نیست اما اگر هر کدام دیگری را وکیل کند که جنس را برای او نسیه بخرد بعد هر شریکی جنس را برای خودش و شریکش بخرد که هر دو بدهکار شوند شرکت صحیح است.

**مسئله ۲۲۲۵**

کسانی که به واسطه عقد شرکت با هم شریک می‌شوند، باید مکلف و عاقل باشند و از روی قصد و اختیار شرکت کنند و نیز باید بتوانند در مال خود تصرف نمایند، پس آدم سفیهی که مال خود را در کارهای بیهوده مصرف می‌کند. اگر حاکم شرع او را از تصرف در اموالش جلوگیری کرده باشد یا در حال بلوغ سفیه باشد اگر شرکت کند صحیح نیست.

**مسئله ۲۲۲۶**

اگر در عقد شرکت شرط کنند کسی که کار می‌کند یا بیشتر از شریک دیگر کار می‌کند بیشتر منفعت ببرد، یا شرط کنند کسی که کار نمی‌کند، یا کمتر کار می‌کند بیشتر منفعت ببرد، باید به شرطی که کرده‌اند عمل نمایند.

**مسئله ۲۲۲۷**

اگر قرار بگذارند که همه استفاده را یک نفر ببرد صحیح نیست ولی اگر قرار بگذارند که تمام ضرر یا بیشتر آن را یکی از آنان بدهد شرکت و قرارداد هر دو صحیح است.

**مسئله ۲۲۲۸**

اگر شرط نکنند که یکی از شریکها بیشتر منفعت ببرد چنانچه سرمایه آنان یک اندازه باشد منفعت و ضرر را هم به یک اندازه می‌برند و اگر سرمایه آنان یک اندازه نباشد، باید منفعت و ضرر را به نسبت سرمایه قسمت نمایند، مثلاً اگر دو نفر شرکت کنند و سرمایه یکی از آنان دو برابر سرمایه دیگری باشد سهم او از منفعت و ضرر دو برابر سهم دیگریست چه، هر دو به یک اندازه کار کنند یا یکی کمتر کار کند، یا هیچ کار نکند.

**مسئله ۲۲۲۹**

اگر در عقد شرکت شرط کنند که هر دو با هم خرید و فروش نمایند، یا هر کدام به تنهایی معامله کنند، یا فقط یکی از آنان معامله کند، باید به قرارداد عمل نمایند.

**مسئله ۲۲۳۰**

اگر معین نکنند که کدام یک از آنان با سرمایه خرید و فروش نماید، هیچ یک از آنان بدون اجازه دیگری نمی‌تواند با آن سرمایه معامله کند.

**مسئله ۲۲۳۱**

شریکی که اختیار سرمایه شرکت با او است باید به قرارداد شرکت عمل کند، مثلاً اگر با او قرار گذاشته‌اند که نسیه بخرد یا نقد بفروشد، یا جنس را از محل مخصوصی بخرد، باید به همان قرارداد رفتار نماید و اگر با او قراری نگذاشته باشند، باید داد و ستدی نماید که برای شرکت ضرر نداشته باشد و معاملات را به طوری که متعارف است انجام دهد، پس اگر مثلاً معمول است که نقد بفروشد یا مال شرکت را در مسافرت همراه خود نبرد باید به همین طور عمل نماید و اگر معمول است که نسیه بدهد یا مال را به سفر ببرد می‌تواند همین طور عمل کند.

**مسئله ۲۲۳۲**

شریکی که با سرمایه شرکت معامله می‌کند، اگر برخلاف قراردادی که با او کرده‌اند خرید و فروش کند و خسارتی برای شرکت پیش آید ضامن است، ولی اگر بعداً به قراردادی که شده معامله کند صحیح است و نیز اگر با او قراردادی نکرده باشند و برخلاف

معمول معامله کند، ضامن می‌باشد اما اگر بعداً مطابق معمول معامله کند معامله او صحیح است.

#### مسئله ۲۲۳۳

شریکی که با سرمایه شرکت معامله می‌کند اگر زیاده روی ننماید و در نگهداری سرمایه کوتاهی نکند و اتفاقاً مقداری از آن یا تمام آن تلف شود ضامن نیست.

#### مسئله ۲۲۳۴

شریکی که با سرمایه شرکت معامله می‌کند اگر بگوید سرمایه تلف شده و پیش حاکم شرع قسم بخورد، باید حرف او را قبول کرد.

#### مسئله ۲۲۳۵

اگر تمام شریکها از اجازه‌ای که به تصرف در مال یکدیگر داده‌اند برگردند، هیچ کدام نمی‌توانند در مال شرکت تصرف کنند و اگر یکی از آنان از اجازه خود برگردد، شریک‌های دیگر حق تصرف ندارند، ولی کسی که از اجازه خود برگشته، می‌تواند در مال شرکت تصرف کند. در صورتی که شرکاء دیگر از اجازه خود برنگشته باشند.

#### مسئله ۲۲۳۶

هر وقت یکی از شریکها تقاضا کند که سرمایه شرکت را قسمت کنند، اگر چه شرکت مدت داشته باشد، باید دیگران قبول نمایند، مگر آن که قسمت مشتمل، بر رد یا مستلزم ضرر بر شریک دیگر باشد، که در این صورت نمی‌تواند او را وادار به قبول قسمت نماید.

#### مسئله ۲۲۳۷

اگر یکی از شریکها بمیرد، یا دیوانه، یا بیهوش شود یا سفیه شود و حاکم شرع او را از تصرف در اموالش جلوگیری کند شریک‌های دیگر نمی‌توانند در مال شرکت تصرف کنند.

#### مسئله ۲۲۳۸

اگر شریک، چیزی را نسبه برای خود بخرد، نفع و ضررش مال خود او است ولی اگر برای شرکت بخرد و شریک دیگر بگوید به آن معامله راضی هستم، نفع و ضررش مال هر دوی آنان است.

#### مسئله ۲۲۳۹

اگر با سرمایه شرکت معامله‌ای کنند، بعد بفهمند شرکت باطل بوده چنانچه طوری باشد که اگر می‌دانستند شرکت درست نیست، به تصرف در مال یکدیگر راضی بودند، معامله صحیح است و هر چه از آن معامله پیدا شود، مال همه آنان است و اگر این طور نباشد، در صورتی که کسانی که به تصرف دیگران راضی نبوده‌اند، بگویند به آن معامله راضی هستیم معامله صحیح و گرنه باطل می‌باشد و در هر صورت هر کدام آنان که برای شرکت کاری کرده است، اگر به قصد مجانی کار نکرده باشد، می‌تواند مزد



زحمت‌های خود را به اندازه معمول از شریک‌های دیگر بگیرد و سود آن به نسبت سرمایه تقسیم می‌شود.

## احکام مضاربه

### مسئله ۲۲۴۰

مضاربه عبارت است از عقد و قراردادی که بین دو نفر منعقد و برقرار می‌شود، به این صورت که شخصی مالی را به دیگری بدهد تا با آن تجارت و معامله کند و سود حاصله بین هر دو به نسبتی که قرار می‌گذارند تقسیم گردد و کسی که سرمایه را می‌دهد مالک نام دارد و دیگری که تجارت و خرید و فروش را انجام می‌دهد عامل نام دارد.

از سویی عامل نیز باید توجه داشته باشد که، مضاربه تنها تحویل گرفتن ثروت و اموال دیگران و تجارت کردن و پول به دست آوردن نیست بلکه مضاربه مجمع و مورد تبادل احکام شرعی و مسؤولیت‌های سنگین و پر مخاطره است، زیرا که در صورت صحت آن و حاصل شدن سود، عامل شریک مالک است و در صورت باطل بودن مضاربه و فساد آن، عامل تنها مستحق اجرة المثل و در حقیقت اجیر مالک است و در صورت عدم حصول سود، عامل حقی ندارد و امین و امانتدار مالک است و در صورت تخلف از شرایط تعیین شده، غاصب و گنه کار و ضامن مال مالک است و نهایتاً عامل، در تصرفات و معاملات، وکیل و کارگزار مالک است و غیر اینها از احکام و وظایف که از مضامین مسائل آینده روشن می‌شود ان شاءالله تعالی.

### در مضاربه چند چیز معتبر است

#### اشاره

اول:

مالک و عامل بالغ، عاقل و مختار باشند و مالک شرعاً از تصرف در اموال خود ممنوع نباشد.

دوم:

ایجاب از طرف مالک و قبول از طرف عامل. (به لفظ باشد یا به غیر لفظ، عربی باشد یا غیر عربی).

سوم:

باید سرمایه عین خارجی باشد و مضاربه با دین صحیح نیست، بلی چنانچه طلبکار، مدیون را وکیل در قبض طلب و در ایجاب عقد مضاربه از طرف او کند و مدیون پس از قبض و ایجاب از جانب خود هم قبول نماید مضاربه صحیح است.

چهارم:

سود حاصله فقط بین مالک و عامل باشد و چنانچه شرط کنند که چیزی از سود برای غیر باشد، شرط صحیح نیست، مگر اینکه شرط کنند غیر کاری که مربوط به تجارت و مضاربه است انجام دهد که در این صورت شرط سهم بودن در سود اشکال ندارد.

پنجم:

سهم سود هر یک از عامل و مالک تعیین شود و تعیین آن به این صورت صحیح است:

قرار بگذارند هر مقدار سود حاصل شد به نحو کسر مشاع، یعنی چند درصد، مربوط به مالک و چند درصد مربوط به عامل باشد مثل آن که نصف یا ثلث یا ربع درآمد بین آنها تقسیم شود.

ششم:

عامل قدرت انجام معامله و تجارت را داشته باشد و اگر ابتدا قدرت بر انجام معامله و تجارت را داشت ولی در بین انجام مضاربه

عجز از انجام معامله به طور کلی نسبت به جمیع سرمایه، حاصل شد مضاربه باطل می‌شود، ولی اگر عجز از انجام معامله نسبت به بعضی از سرمایه بود که تجارت کند، مضاربه نسبت به همان بعض باطل می‌شود.  
هفتم:

سود بردن، به وسیله تجارت و خرید و فروش باشد، بنا براین اگر مالک پول و سرمایه را به کسی بدهد که با آن زراعت کند یا خرج مغازه یا تعمیر ماشین کند مضاربه نیست.

#### مسئله ۲۲۴۱

در صحت مضاربه، صیغ عقد، لازم نیست، بلکه مضاربه معاطاتی نیز صحیح است.

#### مسئله ۲۲۴۲

لازم نیست سرمایه، طلا و نقره سکه‌دار باشد بلکه با اسکناس و سایر پول‌های رایج نیز صحیح است.

#### مسئله ۲۲۴۳

اگر شخصی بدون اذن مالکی و یا وکلی تصرف مالی، مال او را به غیر بدهد و با او فضولتاً عقد مضاربه قرار بدهد و مال مالک را در اختیار آن غیر قرار دهد و سپس مالک مطلع شود اگر مالک یا وکلی تصرف، عقد مضاربه را اجازه کرد، مضاربه صحیح است و در صورت اجازه، سود حاصله طبق قرار داد بین مالک و عامل تقسیم می‌شود و اگر هم خسارتی به سرمایه وارد شد به عهده مالک است و اگر مالک یا وکلی تصرف، مضاربه را امضا نکرد معامله واقع شده باطل و جنس به صاحب آن و پول به مالک برمی‌گردد و سودی حاصل نمی‌شود و اگر مالک مضاربه را اجازه نکرد ولی معاملات عامل را اجازه کرد، در اینجا صور متعدده‌ای وجود دارد.

#### مسئله ۲۲۴۴

مضاربه عقد جایز است، یعنی طرفین هر وقت بخواهند می‌توانند عقد را به هم بزنند و حتی اگر در ضمن عقد مضاربه، مدت معینی را شرط کنند، مضاربه عقد لازم نمی‌شود، بلی در صورتی که مدت، معین کردند پس از گذشت مدت، تصرف عامل در سرمایه منوط به اذن مالک است و بدون اجازه او شرعاً نمی‌توانند در سرمایه دخل و تصرف نمایند و در مواردی که بخواهند مضاربه را به هم بزنند فرق نمی‌کند که قبل از شروع در تجارت باشد یا بعد از آن، سودی حاصل شده باشد یا نشده باشد. بلی در صورت حصول سود و تصمیم بر فسخ، باید طبق قرارداد، سود تا زمان فسخ، محاسبه و بین طرفین تقسیم شود.

#### مسئله ۲۲۴۵

اگر در ضمن عقد لازمی شرط کنند، که عقد مضاربه را تا مدت معینی به هم نزنند، عمل به آن شرط لازم است و اگر در ضمن عقد جایز دیگری شرط کردند که عقد مضاربه را تا مدت معینی به هم نزنند، تا زمانی که عقد جایز برقرار است لازم است به این شرط عمل کنند.

#### مسئله ۲۲۴۶

بر عامل واجب است، معاملات را انجام دهد که مالک اجازه داده باشد و چنانچه معامله‌ای انجام دهد که مالک اجازه نداده است

آن معامله فضولیت و صحت آن منوط به اجازه و امضای مالک است.

#### مسئله ۲۲۴۷

در مضاربه چنانچه خرید کالای خاصی شرط شده باشد و عامل برخلاف شرط عمل کند، ضامن سرمایه است و اگر خسارت وارد شد چه کلی، چه جزئی، به عهده او است. بلی، چنانچه پس از معامله، مالک اجازه دهد و خسارتی وارد شود بر عهده مالک است.

#### مسئله ۲۲۴۸

چنانچه عامل در تجارت تعدی و تفریط نکند، ضرر معامله به عهده او نیست.

#### مسئله ۲۲۴۹

اگر در عقد مضاربه، مالک شرط کند که عامل در ضرر شریک باشد، این شرط باطل است ولی اصل مضاربه باطل نیست. بلی اگر در ضمن عقد مضاربه یا در ضمن عقد دیگری، چه جایز چه لازم، شرط کنند که در صورت خسارت، نصف آن را مثلاً، عامل از جیب خود بدهد، این شرط صحیح و عمل به آن لازم است.

#### مسئله ۲۲۵۰

چنانچه مالک یا عامل فوت کنند مضاربه باطل می‌شود و ورثه می‌توانند با عامل توافق نمایند و مجدداً عقد مضاربه برقرار کنند.

#### مسئله ۲۲۵۱

عامل از پیش خود و بدون اجازه مالک نمی‌تواند وکیل یا اجیر و هم دست بگیرد.

#### مسئله ۲۲۵۲

چنانچه چیزی از سرمایه بدون تقصیر عامل تلف شود یا بسوزد یا به سرقت و مانند آن از بین برود عامل ضامن نیست و از مالک تلف شده است. بلی در صورت خیانت ضامن است و باید از عهده برآید و اگر کوتاهی در حفظ مال کرده باشد و مال تلف شود ضامن است و هم چنین در صورتی که مال را اتلاف کرده باشد باز هم ضامن است.

#### مسئله ۲۲۵۳

اگر مالک شرط کرده که تجارت به گونه خاص و به کیفیتی مخصوص انجام شود، عامل باید رعایت کند اما در صورتی که شرط و کیفیت خاصی مطرح نشده است عامل باید به طور متعارف و معمول تجارت کند و چنانچه معامله نسبه هم متعارف باشد و قرارداد از آن منصرف نباشد می‌تواند به صورت نسبه نیز معامله کند.

#### مسئله ۲۲۵۴

چنانچه عامل به صورتی غیر متعارف یا برخلاف شرط مالک، معامله کرد و سودی حاصل شد، سود حاصله را طبق قرارداد مضاربه

تقسیم می‌کنند، بلی در این فرض که عامل به صورتی غیر از متعارف یا برخلاف شرط عمل کرده است اگر سرمایه کلاً یا بعضاً تلف شود و خسارت بر آن وارد شود بر عهده عامل است و باید از عهده برآید.

#### مسئله ۲۲۵۵

اگر به هر جهت سرمایه به صورت دین نزد مردم باشد، مثلاً به صورت نسیه معامله انجام شده و مضاربه فسخ یا منفسخ شود اگر فسخ از جانب عامل باشد بنا بر احتیاط واجب باید عامل دیون را جمع آوری و تحویل مالک دهد ولی اگر فسخ از جانب مالک باشد، لازم نیست عامل دیون را جمع آوری کرده و تحویل مالک دهد.

#### مسئله ۲۲۵۶

جایز نیست عامل بدون اذن مالک سرمایه را با مال خودش یا با مال شخص ثالثی مخلوط کند و چنانچه بدون اذن، مخلوط کرد، گناهکار است، لکن مضاربه باطل نمی‌شود و اگر سود حاصل شد بین آنها نسبت به مقدار سرمایه هر یک، تقسیم می‌شود، ولی اگر ضرر کرد خودش ضامن ضرر است.

#### مسئله ۲۲۵۷

عامل می‌تواند با اذن صریح مالک یا با اذن ضمنی او (مثل اینکه بگوید به هر نحو که صلاح و مصلحت دانستی عمل کن) سرمایه را با مال خود یا با مال شخص ثالثی مخلوط کند و با مجموع تجارت نماید.

#### مسئله ۲۲۵۸

عامل حق ندارد چیزی از سرمایه را مصرف مخاج خود کند هر چند کم باشد، بلی اگر با اجازه مالک برای تجارت سفر کرد می‌تواند مخارج سفر را به مقدار متعارف و در حد شأن خود از سرمایه مصرف کند، مگر اینکه مالک شرط کرده باشد که مخارج سفر با خود عامل باشد.

#### مسئله ۲۲۵۹

چنانچه قبل از شروع تجارت یا در اثنای آن سرمایه تلف شود مضاربه خود به خود منفسخ می‌شود.

#### مسئله ۲۲۶۰

اگر به سبب سرقت یا سوختن یا ضرر در تجارت و مانند اینها مقداری از سرمایه تلف شود و با بقیه آن سود حاصل شود باید اول با سود حاصله، سرمایه را تکمیل کنند، پس از آن اگر چیزی ماند بین مالک و عامل طبق قرارداد تقسیم می‌شود، بلی چنانچه پس از فسخ مضاربه، خسارتی به سرمایه وارد شود بر مالک است نه عامل.

#### مسئله ۲۲۶۱

اگر معلوم شود که مضاربه به جهت اخلال بعضی از شرایط آن باطل بوده و عامل با علم به بطلان آن، اقدام به تجارت و کار نموده است، تمام سود حاصله متعلق به مالک است و عامل از سود قراردادی سهم نمی‌برد، بلی استحقاق اجرة المثل را دارد نه بیشتر و

چنانچه اجرة المثل او بیشتر از سود حاصله باشد، حقی به زاید بر سود حاصله ندارد و اگر اصلاً سود حاصل نشده است هیچ حقی ندارد.

### مسئله ۲۲۶۲

اگر عامل پس از آن که سرمایه را برای تجارت تحویل گرفت مدتی در تجارت تأخیر انداخت و سرمایه تلف شد ضامن سرمایه است، علاوه بر آن گناهکار هم می‌باشد و مالک می‌تواند اصل سرمایه را از او مطالبه و اخذ نماید نه بیشتر.

### مسئله ۲۲۶۳

چنانچه عامل سرمایه را تحویل گرفت و مدتی با آن معامله و تجارت نکرد، مالک تنها حق مطالبه سرمایه را دارد و زاید بر آن را مستحق نیست، هر چند که عامل به جهت عمل نکردن به مقتضای عقد مضاربه معصیت کار است.

### مسئله ۲۲۶۴

اگر در مضاربه مالک و عامل با یکدیگر اختلاف نمایند، چنانچه هر کدام مدعی و دیگری منکر باشد و بینه‌ای در کار نباشد، در صور زیر، قول عامل با قسم او، مقدم است.

- ۱ - اختلاف در مقدار سرمایه باشد چه سرمایه موجود باشد یا تلف شده باشد و عامل ضامن باشد.
  - ۲ - اختلاف در حفظ و نگهداری سرمایه باشد یا عمل نشدن بر طبق شرط تعیین شده که سبب تلف شدن سرمایه یا ضرر و خسارت وارد شدن به آن شده است.
  - ۳ - اختلاف بر سر منع برخی از معاملات باشد.
  - ۴ - اختلاف بر سر این باشد که در مضاربه یا خیانت یا تعدی یا کوتاهی شده است.
  - ۵ - اختلاف بر سر این باشد که در مضاربه ضرر حاصل شده یا اصلاً سود حاصل نشده یا اگر سود حاصل شده بعداً به همان مقدار خسارت وارد شده یا در مقدار سود باشد.
  - ۶ - اختلاف بر سر عدم وصول مطالبات در معاملات نسبه باشد.
  - ۷ - اختلاف بر سر این باشد که مال تلف شده یا ضرر حاصل شده یا سود حاصل نشده است.
- در صورت‌های زیر قول مالک با قسم مقدم است.
- ۱ - اختلاف بر سر انجام برخی از معاملات باشد.
  - ۲ - اختلاف در مقدار سهم سود عامل باشد.
  - ۳ - اختلاف در ردّ سرمایه از طرف عامل باشد.

### مسئله ۲۲۶۵

چنانچه مالک و عامل در صحت و فساد مضاربه واقع شده، اختلاف کنند و یکی مدعی صحت و دیگری مدعی بطلان باشد و بینه نداشته باشند قول مدعی صحت، با قسم مقدم است.

### مسئله ۲۲۶۶

پدر و جد پدری صغیر می‌توانند با عدم مفسده و با رعایت مصلحت، با مال صغیر مضاربه کنند و همچنین قیم شرعی صغیر با اطمینان به اینکه مال صغیر ضایع نمی‌شود و برای صغیر مصلحت دارد می‌توانند با مال او مضاربه کنند یا به مضاربه بدهند و سود حاصله را طبق قرارداد، به حساب صغیر منظور نمایند.

### مسئله ۲۲۶۷

مضاربه با دین صحیح نیست، لکن طلبه کار می‌تواند به مدیون اجازه دهد که با دین و طلب او تجارت کند و هر مقدار سود حاصل شد به نسبت نصف مثلاً یا ثلث یا ربع تقسیم کنند و این نوع قرارداد جعاله است که فایده مضاربه را دارد ولی احکام مضاربه را ندارد.

### مسئله ۲۲۶۸

اگر در ضمن عقد مضاربه سرمایه گذار با عامل شرط کند، که مثلاً در مدت معینی، عامل این مقدار به سرمایه گذار قرض بدهد، لازم است بر عامل که به این شرط عمل کند و بعد از تمام شدن مدت مضاربه اگر مضاربه مدت داشته باشد و از مضاربه سودی حاصل شود هم عامل از مالک طلبکار است نسبت به مالی را که به او قرض داده است و هم مالک از عامل طلبکار است به نسبتی که قرار گذاشته‌اند و به نسبت عقد مضاربه طرفین از هم طلبه کار می‌شوند و می‌توانند مصالحه کنند اگر چه مالک مقدار طلبی را که از عامل دارد، نداند.

### مسئله ۲۲۶۹

اگر دو نفر یا بیشتر شریک باشند می‌توانند با یک نفر عقد مضاربه ببندند که به آن تعدد مالک و اتحاد عامل می‌گویند و هم چنین عکس آن صادق است یعنی یک نفر مالک باشد یعنی سرمایه گذار یک نفر باشد که با چند نفر عقد مضاربه می‌بندد که با آن سرمایه کار کنند که به آن اتحاد مالک و تعدد عامل گویند.

### مسئله ۲۲۷۰

جایز نیست برای عامل که سرمایه مالک را که در دست دارد بدون اذن مالک با شخص ثالثی عقد مضاربه برقرار کند که به آن سرمایه مالک کار کند.

## احکام صلح

### مسئله ۲۲۷۱

صلح آن است که انسان با دیگری سازش کند که مقداری از مال یا منفعت مال خود را ملک او کند، یا از طلب، یا حق خود بگذرد که او هم در عوض، مقداری از مال، یا منفعت مال خود را به او واگذار نماید، یا از طلب، یا حقی که دارد بگذرد.

### مسئله ۲۲۷۲

دو نفری که چیزی را به یکدیگر صلح می‌کنند باید بالغ و عاقل باشند و کسی آنها را مجبور نکرده باشد و قصد صلح داشته باشند

و حاکم شرع هم آنان را از تصرف در اموالشان جلوگیری نکرده باشد و در حال بلوغ سفیه نباشند.

#### مسئله ۲۲۷۳

لازم نیست صیغه صلح به عربی خوانده شود، بلکه با هر لفظی که بفهماند با هم صلح و سازش کرده‌اند صحیح است.

#### مسئله ۲۲۷۴

اگر کسی گوسفندهای خود را به چوپان بدهد که مثلاً یک سال نگهداری کند و از شیر آن استفاده نماید و مقداری روغن بدهد، چنانچه شیر گوسفند را در مقابل زحمت‌های چوپان و آن روغن صلح کند و قرار نگذارد که روغن حاصل از خود آن شیر باشد، صحیح است ولی اگر گوسفند را یک ساله به چوپان اجاره دهد که از شیر آن استفاده کند و در عوض، مقداری روغن بدهد اشکال دارد.

#### مسئله ۲۲۷۵

اگر کسی بخواهد طلب یا حق خود را به دیگری صلح کند در صورتی صحیح است که او قبول نماید. ولی اگر بخواهد از طلب یا حق خود بگذرد قبول کردن او لازم نیست.

#### مسئله ۲۲۷۶

اگر انسان مقدار بدهی خود را بداند و طلبکار او نداند، چنانچه طلبکار طلب خود را به کمتر از مقداری که هست صلح کند مثلاً پنجاه تومان طلبکار باشد و طلب خود را به ده تومان صلح نماید، زیادی برای بدهکار حلال نیست مگر آن که مقدار بدهی خود را به او بگوید و او را راضی کند یا طوری باشد که اگر مقدار طلب خود را می‌دانست، باز هم به آن مقدار صلح می‌کرد.

#### مسئله ۲۲۷۷

اگر بخواهند دو چیزی را که از یک جنس و وزن آنها معلوم است به یکدیگر صلح کنند، در صورتی صحیح است که وزن یکی بیشتر از دیگری نباشد، ولی اگر وزن آنها معلوم نباشد، اگر چه احتمال دهند که وزن یکی بیشتر از دیگریست صحیح است.

#### مسئله ۲۲۷۸

اگر دو نفر از یک نفر طلبکار باشند، یا دو نفر از دو نفر دیگر طلبکار باشند و بخواهند طلب‌های خود را به یکدیگر صلح کنند، چنانچه طلب آنان از یک جنس و وزن آنها یکی باشد مثلاً هر دو ده من گندم طلبکار باشند، مصالحه آنان صحیح است و همچنین است اگر جنس طلب آنان یکی نباشد مثلاً یکی ده من برنج و دیگری دوازده من گندم طلبکار باشد. ولی اگر طلب آنان از یک جنس و چیزی باشد که معمولاً با وزن یا پیمانه آن را معامله می‌کنند، در صورتی که وزن یا پیمانه آنها مساوی نباشد، مصالحه آنان اشکال دارد.

#### مسئله ۲۲۷۹

اگر از کسی طلب دارد که باید بعد از مدتی بگیرد چنانچه طلب خود را به مقدار کمتری صلح کند و مقصودش این باشد که از

مقداری از طلب خود گذشت کند و بقیه را نقد بگیرد اشکال ندارد.

#### مسئله ۲۲۸۰

اگر دو نفر چیزی را با هم صلح کنند، با رضایت یکدیگر می‌توانند صلح را به هم بزنند و نیز اگر در ضمن معامله برای هر دو یا یکی از آنان، حق به هم زدن معامله را قرار داده باشند، کسی که آن حق را دارد می‌تواند صلح را به هم بزند.

#### مسئله ۲۲۸۱

تا وقتی خریدار و فروشنده از مجلس معامله متفرق نشده‌اند می‌توانند معامله را بهم بزنند و نیز اگر مشتری حیوانی را بخرد تا سه روز حق به هم زدن معامله را دارد و همچنین اگر پول جنسی را که نقد خریده تا سه روز نهد و جنس را تحویل نگیرد، فروشنده می‌تواند معامله را به هم بزند، ولی کسی که مالی را صلح می‌کند در این سه صورت حق به هم زدن صلح را ندارد و در هشت صورت دیگر که در احکام خرید و فروش گفته شد می‌تواند صلح را به هم بزند.

#### مسئله ۲۲۸۲

اگر چیزی را که به صلح گرفته معیوب باشد می‌تواند صلح را به هم بزند، ولی نمی‌تواند تفاوت قیمت صحیح و معیوب را بگیرد.

#### مسئله ۲۲۸۳

هر گاه مال خود را به کسی صلح نماید و با او شرط کند که اگر بعد از مرگ وارثی نداشتم باید چیزی را که به تو صلح کردم وقف کنی و او هم این شرط را قبول کند، باید به شرط عمل نماید.

### احکام اجاره

#### مسئله ۲۲۸۴

اجاره دهنده و کسی که چیزی را اجاره می‌کند باید مکلف و عاقل باشند و به اختیار خودشان اجاره را انجام دهند و نیز باید در مال خود حق تصرف داشته باشند، پس سفیهی که مال خود را در کارهای بیهوده مصرف می‌کند چنانچه حاکم شرع او را از تصرف در اموالش جلوگیری کرده باشد یا در حال بلوغ سفیه باشد اگر چیزی را اجاره کند، یا اجاره دهد صحیح نیست.

#### مسئله ۲۲۸۵

انسان می‌تواند از طرف دیگری وکیل شود و مال او را اجاره دهد.

#### مسئله ۲۲۸۶

اگر ولی، یا قیم بچه مال او را اجاره دهد، یا خود او را اجیر دیگری نماید اشکال ندارد و اگر مدتی از زمان بالغ شدن او را جزء مدت اجاره قرار دهد، بعد از آن که بچه بالغ شد، می‌تواند بقیه اجاره را به هم بزند، ولی هر گاه طوری بوده که اگر مقداری از زمان بالغ بودن بچه را جزء مدت اجاره نمی‌کرد، برخلاف مصلحت بچه بود، نمی‌تواند اجاره را به هم بزند.



**مسئله ۲۲۸۷**

بچه صغیری را که ولی ندارد بدون اجازه مجتهد نمی‌شود اجیر کرد و کسی که به مجتهد دسترسی ندارد، می‌تواند از یک نفر مؤمن که عادل باشد، اجازه بگیرد و او را اجیر نماید.

**مسئله ۲۲۸۸**

اجاره دهنده و مستأجر لازم نیست صیغه عربی بخوانند بلکه اگر مالک به کسی بگوید، ملک خود را به تو اجاره دادم و او بگوید قبول کردم، اجاره صحیح است و نیز اگر حرفی نزنند و مالک به قصد این که ملک را اجاره دهد، آن را به مستأجر واگذار کند و او هم به قصد اجاره کردن بگیرد اجاره صحیح می‌باشد.

**مسئله ۲۲۸۹**

اگر انسان بدون صیغه خواندن بخواهد برای انجام عملی اجیر شود، همین که با رضایت طرف معامله، مشغول آن عمل شد اجاره صحیح است.

**مسئله ۲۲۹۰**

کسی که نمی‌تواند حرف بزند، اگر با اشاره بفهماند که ملک را اجاره داده، یا اجاره کرده صحیح است.

**مسئله ۲۲۹۱**

اگر خانه یا دکان یا اتاقی را اجاره کند و صاحب ملک با او شرط کند که فقط خود او از آنها استفاده نماید و یا اینکه از ظاهر حال مشخص باشد که مالک قصدش این است که فقط مستأجر از این ملک استفاده کند نه شخص دیگر، مستأجر نمی‌تواند آن را به دیگری اجاره دهد و اگر صاحب ملک شرط نکند و از ظاهر حال هم معلوم نباشد که مالک قصدش این است که فقط مستأجر از این ملک استفاده کند، مستأجر می‌تواند آن ملک را به همان مبلغی که اجاره کرده یا کمتر از آن به دیگری اجاره دهد، ولی اگر بخواهد به زیاده‌تر از مقداری که اجاره کرده، آن را اجاره دهد، مستأجر باید در آن ملک با اجازه مالک کاری مانند تعمیر و سفید کاری انجام داده باشد یا به غیر جنسی که اجاره کرده آن را اجاره دهد مثلاً اگر با پول اجاره کرده به گندم یا چیز دیگر اجاره دهد.

**مسئله ۲۲۹۲**

اگر اجیر با انسان شرط کند که فقط برای خود انسان کار کند یا به همان نحو که در مسأله قبل گفته شد نمی‌شود او را به دیگری اجاره داد و اگر شرط نکند، چنانچه او را به چیزی که اجرت او قرار داده اجاره دهد، باید زیاده‌تر نگیرد و اگر به چیز دیگری اجاره دهد، می‌تواند زیاده‌تر بگیرد.

**مسئله ۲۲۹۳**

اگر غیر خانه و دکان و اتاق و اجیر، چیز دیگر

مثلاً زمین

را اجاره کند و مالک با او شرط نکند که فقط خودش از آن استفاده نماید، اگر چه بیشتر از مقداری که اجاره کرده آن را اجاره دهد اشکال ندارد.

**مسئله ۲۲۹۴**

اگر خانه یا دکانی را مثلاً یکساله به صد تومان اجاره کند و از نصف آن خودش استفاده نماید، می‌تواند نصف دیگر آن را به صد تومان اجاره دهد، ولی اگر بخواهد نصف آن را به زیادتر از مقداری که اجاره کرده مثلاً به صد و بیست تومان اجاره دهد، باید در آن، کاری مانند تعمیر با اجازه مالک انجام داده باشد یا به غیر جنسی که اجاره کرده اجاره دهد.

**شرایط مالی که آن را اجاره می‌دهند****مسئله ۲۲۹۵**

مالی را که اجاره می‌دهند چند شرط دارد:  
اول آن که معین باشد، پس اگر بگوید یکی از خانه‌های خود را اجاره دادم درست نیست.  
دوم مستأجر آن را ببیند، یا کسی که آن را اجاره می‌دهد طوری خصوصیات آن را بگوید که کاملاً معلوم باشد.  
سوم تحویل دادن آن ممکن باشد، پس اجاره دادن اسبی که فرار کرده باطل است.  
چهارم آن مال به واسطه استفاده کردن از بین نرود، پس اجاره دادن نان و میوه و خوردنی‌های دیگر صحیح نیست.  
پنجم استفاده‌ای که مال را برای آن اجاره داده‌اند ممکن باشد، پس اجاره دادن زمین برای زراعت در صورتی که آب باران کفایت آن را نکند و از آب نهر هم مشروب نشود، صحیح نیست.  
ششم چیزی را که اجاره می‌دهد مال خود او باشد و اگر مال کس دیگر را اجاره دهد، در صورتی صحیح است که صاحبش رضایت دهد.

**مسئله ۲۲۹۶**

اجاره دادن درخت برای آن که از میوه‌اش استفاده کنند اشکال ندارد.

**مسئله ۲۲۹۷**

زن می‌تواند برای آن که از شیرش استفاده کنند اجیر شود و لازم نیست از شوهر خود اجازه بگیرد، ولی اگر به واسطه شیر دادن، حق شوهر از بین برود، بدون اجازه او نمی‌تواند اجیر شود.

**شرایط استفاده‌ای که مال را برای آن اجاره می‌دهند****مسئله ۲۲۹۸**

استفاده‌ای که مال را برای آن اجاره می‌دهند چهار شرط دارد:  
اول آن که حلال باشد، بنا بر این اجاره دادن دکان برای شراب فروشی یا نگهداری شراب و کرایه دادن حیوان برای حمل و نقل

شراب باطل است.

دوم پول دادن برای آن استفاده در نظر مردم بیهوده نباشد.

سوم اگر چیزی را که اجاره می‌دهند چند استفاده دارد، استفاده‌ای را که مستأجر باید از آن ببرد معین نمایند مثلاً اگر حیوانی را که سواری می‌دهد و بار می‌برد اجاره دهند، باید در موقع اجاره معین کنند که سواری یا باربری آن، مال مستأجر است یا همه استفاده‌های آن.

چهارم مدت استفاده را معین نمایند و اگر مدت معلوم نباشد ولی عمل را معین کنند مثلاً با خیاط قرار بگذارند که لباس معینی را به طور مخصوصی بدوزد کافی است.

### مسئله ۲۲۹۹

اگر ابتدای مدت اجاره را معین نکنند، ابتدای آن بعد از خواندن صیغه اجاره است.

### مسئله ۲۳۰۰

اگر خانه‌ای را مثلاً یک ساله اجاره دهند و ابتدای آن را یک ماه بعد از خواندن صیغه قرار دهند اجاره صحیح است، اگر چه موقعی که صیغه می‌خوانند خانه در اجاره دیگری باشد.

### مسئله ۲۳۰۱

اگر مدت اجاره را معلوم نکند و بگوید هر وقت در خانه نشستی اجاره آن، ماهی ده تومان است اجاره صحیح نیست.

### مسئله ۲۳۰۲

اگر به مستأجر بگوید خانه را یک ماهه به ده تومان به تو اجاره دادم و بقیه به همان قیمت، در ماه اول صحیح است، ولی اگر بگوید هر ماهی ده تومان و اول و آخر آن را معین نکند اجاره حتی برای ماه اول هم باطل است.

### مسئله ۲۳۰۳

خانه‌ای را که غریب و زوار در آن منزل می‌کنند و معلوم نیست چقدر در آن می‌مانند، اگر قرار بگذارند که مثلاً شبی یک تومان بدهند و صاحب خانه راضی شود، استفاده از آن خانه اشکال ندارد. ولی چون مدت اجاره را معلوم نکرده‌اند اجاره صحیح نیست و صاحب خانه هر وقت بخواهد می‌تواند آنان را بیرون کند.

## مسائل متفرقه اجاره

### مسئله ۲۳۰۴

مالی را که مستأجر بابت اجاره می‌دهد باید معلوم باشد. پس اگر از چیزهاییست که مثل گندم با وزن معامله می‌کنند، باید وزن آن معلوم باشد و اگر از چیزهاییست که مثل تخم مرغ با شماره معامله می‌کنند باید شماره آن معین باشد و اگر مثل اسب و گوسفند است، باید اجاره دهنده آن را ببیند، یا مستأجر خصوصیات آن را به او بگوید.

**مسئله ۲۳۰۵**

اگر زمینی را برای زراعت جو، یا گندم یا محصول دیگر اجاره دهد و مال الاجاره را از محصول همان زمین قرار دهد اجاره صحیح نیست.

**مسئله ۲۳۰۶**

کسی که چیزی را اجاره داده، تا آن چیز را تحویل ندهد، حق ندارد اجاره آن را مطالبه کند و نیز اگر برای انجام عملی اجیر شده باشد، پیش از انجام عمل حق مطالبه اجرت ندارد مگر آن که شرط کرده باشد که قبل از عمل اجرت را بگیرد مثل اجیر شدن برای حج و زیارت.

**مسئله ۲۳۰۷**

هر گاه چیزی را که اجاره داده تحویل دهد، اگر چه مستأجر تحویل نگیرد یا تحویل بگیرد و تا آخر مدت اجاره از آن استفاده نکند، باید مال الاجاره آن را بدهد.

**مسئله ۲۳۰۸**

اگر انسان اجیر شود که در روز معینی کاری را انجام دهد و در آن روز برای انجام آن کار حاضر شود، کسی که او را اجیر کرده اگر چه آن کار را به او مراجعه نکند، باید اجرت او را بدهد، مثلاً اگر خیاطی را در روز معینی برای دوختن لباسی اجیر نماید و خیاط در آن روز آماده کار باشد، اگر چه پارچه را به او ندهد که بدوزد، باید اجرتش را بدهد چه خیاط بی کار باشد، چه برای خودش یا دیگری کار کند.

**مسئله ۲۳۰۹**

اگر بعد از تمام شدن مدت اجاره معلوم شود که اجاره باطل بوده، مستأجر باید مال الاجاره را به مقدار معمول به صاحب ملک بدهد، مثلاً اگر خانه‌ای را یک ساله به صد تومان اجاره کند بعد بفهمد اجاره باطل بوده، چنانچه اجاره آن خانه معمولاً پنجاه تومان است، باید پنجاه تومان را بدهد و اگر دویست تومان است، باید دویست تومان را پردازد و نیز اگر بعد از گذشتن مقداری از مدت اجاره معلوم شود که اجاره باطل بوده، باید اجاره آن مدت را به مقدار معمول به صاحب ملک بدهد.

**مسئله ۲۳۱۰**

اگر چیزی را که اجاره کرده از بین برود، چنانچه در نگهداری آن کوتاهی نکرده و در استفاده بردن از آن هم زیاده‌روی ننموده ضامن نیست و نیز اگر مثلاً پارچه‌ای را که به خیاط داده از بین برود، در صورتی که خیاط زیاده‌روی نکرده و در نگهداری آن هم کوتاهی نکرده باشد، نباید عوض آن را بدهد.

**مسئله ۲۳۱۱**

هر گاه صنعتگر چیزی را که گرفته ضایع کند، ضامن است.

**مسئله ۲۳۱۲**

اگر قصاب سر حیوانی را ببرد و آن را حرام کند چه مزد گرفته باشد، چه مجانی سر بریده باشد، باید قیمت آن را به صاحبش بدهد.

**مسئله ۲۳۱۳**

اگر حیوانی را اجاره کند و معین نماید که چقدر بار بر آن بگذارد، چنانچه بیشتر از آن مقدار بار کند و آن حیوان بمیرد یا معیوب شود ضامن است و نیز اگر مقدار بار را معین نکرده باشند و بیشتر از معمول بار کند و حیوان تلف شود، یا معیوب گردد ضامن می‌باشد و در هر دو صورت اجرت زیادی بار را بر حسب معمول نیز باید بدهد.

**مسئله ۲۳۱۴**

اگر حیوانی را برای بردن بار شکستنی اجاره دهد چنانچه آن حیوان بلغزد، یا رم کند و بار را بشکند، صاحب حیوان ضامن نیست. ولی اگر به واسطه زدن و مانند آن کاری کند که حیوان زمین بخورد و بار را بشکند ضامن است.

**مسئله ۲۳۱۵**

اگر کسی بچه ای را ختنه کند و ضرری به آن بچه برسد، یا بمیرد چنانچه بیشتر از معمول بریده باشد ضامن است و اگر بیشتر از معمول نبریده باشد ضامن نیست و اگر متخصص بوده و بیشتر از معمول نبریده باشد ضامن نیست، اما اگر تشخیص ضرر داشتن یا ضرر نداشتن را هم به عهده او گذاشته باشند و یا آن که بیشتر از معمول بریده باشد جراح ضامن است.

**مسئله ۲۳۱۶**

اگر پزشک به دست خود مریض دارو دهد یا تزریق کند، یا به عنوان طبابت نسخه‌ای برای بیمار بنویسد یا دستوری به او بدهد و مریض دارو را بخورد، چنانچه در طبابت و معالجه‌اش خطا کند و ضرری به مریض برسد یا بمیرد، پزشک ضامن است، ولی اگر در مقام طبابت و معالجه نباشد بلکه بعنوان نظریه پزشکی در کتاب بنویسد یا بگوید فلان دارو برای فلان مریض فایده دارد و به واسطه خوردن دارو، ضرری به مریض برسد یا بمیرد، پزشک ضامن نیست.

**مسئله ۲۳۱۷**

هر گاه دکتر به مریض یا ولی او بگوید که اگر ضرری به مریض برسد ضامن نباشد، در صورتی که دقت و احتیاط خود را بکند و به مریض ضرری برسد، یا بمیرد، دکتر ضامن نیست.

**مسئله ۲۳۱۸**

مستأجر و کسی که چیزی را اجاره داده، با رضایت یکدیگر می‌توانند معامله را بهم بزنند و نیز اگر در اجاره شرط کنند که هر دو یا یکی از آنان حق به هم زدن معامله را داشته باشند، می‌توانند مطابق قرارداد، اجاره را به هم بزنند.

**مسئله ۲۳۱۹**

اگر اجاره دهنده، یا مستأجر بفهمد که مغبون شده است، چنانچه در موقع خواندن صیغه ملتفت نباشد که مغبون است، می‌تواند اجاره را به هم بزند. ولی اگر در صیغه اجاره شرط کنند که اگر مغبون هم باشند حق به هم زدن معامله را نداشته باشند، نمی‌توانند اجاره را به هم بزنند. در صورتی که به هر مقدار مغبون باشند، چون غبن دارای مراتبی است.

#### مسئله ۲۳۲۰

اگر چیزی را اجاره دهد و پیش از آن که تحویل دهد کسی آن را غصب نماید، مستأجر می‌تواند اجاره را به هم بزند و چیزی را که به اجاره دهنده داده پس بگیرد، یا اجاره را به هم نزند و اجاره مدتی را که در تصرف غصب کننده بوده به میزان معمول از او بگیرد، پس اگر حیوانی را یک ماهه به ده تومان اجاره نماید و کسی آن را ده روز غصب کند و اجاره معمولی ده روز آن پانزده تومان باشد می‌تواند پانزده تومان را از غصب کننده بگیرد.

#### مسئله ۲۳۲۱

اگر چیزی را که اجاره کرده تحویل بگیرد و بعد دیگری آن را غصب کند، نمی‌تواند اجاره را به هم بزند و فقط حق دارد کرایه آن چیز را به مقدار معمول از غصب کننده بگیرد.

#### مسئله ۲۳۲۲

اگر پیش از آن که مدت اجاره تمام شود، ملک را به مستأجر بفروشد اجاره به هم نمی‌خورد و مستأجر باید مال الاجاره را به فروشنده بدهد و همچنین است اگر آن را به دیگری بفروشد.

#### مسئله ۲۳۲۳

اگر پیش از ابتدای مدت اجاره، ملک به طوری خراب شود که هیچ قابل استفاده نباشد، یا قابل استفاده‌ای که شرط کرده‌اند نباشد، اجاره باطل می‌شود و پولی که مستأجر به صاحب ملک داده به او برمی‌گردد، بلکه اگر طوری باشد که بتواند استفاده مختصری هم از آن ببرد، می‌تواند اجاره را به هم بزند.

#### مسئله ۲۳۲۴

اگر ملکی را اجاره کند و بعد از گذشتن مقداری از مدت اجاره به طوری خراب شود که هیچ قابل استفاده نباشد، یا قابل استفاده‌ای که شرط کرده‌اند نباشد، اجاره مدتی که باقیمانده باطل می‌شود و اگر استفاده مختصری هم بتواند از آن ببرد، می‌تواند اجاره مدت باقیمانده را به هم بزند.

#### مسئله ۲۳۲۵

اگر خانه‌ای را که مثلاً دو اتاق دارد اجاره دهد و یک اتاق آن خراب شود، چنانچه فوراً آن را بسازد و هیچ مقدار از استفاده آن از بین نرود اجاره باطل نمی‌شود و مستأجر هم نمی‌تواند اجاره را به هم بزند، ولی اگر ساختن آن به قدری طول بکشد که مقداری از استفاده مستأجر از بین برود، اجاره به آن مقدار باطل می‌شود و مستأجر می‌تواند اجاره باقیمانده را به هم بزند.

**مسئله ۲۳۲۶**

اگر اجاره دهنده یا مستأجر بمیرد، اجاره باطل نمی‌شود. ولی اگر خانه مال اجاره دهنده نباشد مثلاً دیگری وصیت کرده باشد که تا او زنده است منفعت خانه مال او باشد، چنانچه آن خانه را اجاره دهد و پیش از تمام شدن مدت اجاره بمیرد، از وقتی که مرده اجاره باطل است.

**مسئله ۲۳۲۷**

اگر صاحب کار بنا را وکیل کند که برای او عمله بگیرد چنانچه بنا کمتر از مقداری که از صاحب کار می‌گیرد به عمله بدهد زیادی آن بر او حرام است و باید آن را به صاحب کار بدهد، ولی اگر اجیر شود که ساختمان را تمام کند و برای خود اختیار بگذارد که خودش بسازد، یا به دیگری بدهد در صورتی که کمتر از مقداری که اجیر شده به دیگری بدهد و خود او هم مختصر کاری انجام داده باشد، زیادی آن برای او حلال می‌باشد.

**مسئله ۲۳۲۸**

اگر رنگرز قرار بگذارد که مثلاً پارچه را با نیل رنگ کند، چنانچه با رنگ دیگر رنگ نماید حق ندارد چیزی بگیرد.

**احکام جعاله****مسئله ۲۳۲۹**

جعاله آن است که انسان قرار بگذارد در مقابل کاری که برای او انجام می‌دهند مال معینی بدهد، مثلاً بگوید هر کس گمشده مرا پیدا کند، ده تومان به او می‌دهم و به کسی که این قرار را می‌گذارد جاعل و به کسی که کار را انجام می‌دهد عامل می‌گویند و فرق بین جعاله و این که کسی را برای کاری اجیر کنند، این است که در اجاره بعد از خواندن صیغه، اجیر باید عمل را انجام دهد و کسی هم که او را اجیر کرده اجرت را به او بدهکار می‌شود، ولی در جعاله عامل می‌تواند مشغول عمل نشود و تا عمل را انجام ندهد، جاعل بدهکار نمی‌شود.

**مسئله ۲۳۳۰**

جاعل باید بالغ و عاقل باشد و از روی قصد و اختیار قرارداد کند و شرعاً بتواند در مال خود تصرف نماید، بنا بر این جعاله آدم سفیهی که مال خود را در کارهای بیهوده مصرف می‌کند اگر حاکم شرع او را از عمل منع کرده باشد یا در حال بالغ شدن سفیه باشد، صحیح نیست. ولی لازم نیست که عامل بالغ و عاقل باشد بنا بر این اگر بچه نابالغ و ممیز یا مجنون عمل را انجام دهد مستحق اجرت است.

**مسئله ۲۳۳۱**

کاری را که جاعل می‌گوید برای او انجام دهند، باید حرام نباشد و نیز باید بی‌فایده نباشد که غرض عقلایی به آن تعلق نگرفته باشد، پس اگر بگوید هر کس شراب بخورد، یا در شب به جای تاریکی برود ده تومان به او می‌دهم، جعاله صحیح نیست.

**مسئله ۲۳۳۲**

اگر مالی را که قرار می‌گذارد بدهد معین کند مثلاً بگوید هر کس اسب مرا پیدا کند، این گندم را به او می‌دهم، لازم نیست بگوید آن گندم مال کجاست و قیمت آن چیست ولی اگر مال را معین نکند مثلاً بگوید کسی که اسب مرا پیدا کند ده من گندم به او می‌دهم، باید خصوصیات آن را کاملاً معین نماید.

**مسئله ۲۳۳۳**

اگر جاعل مزد معینی برای کار قرار ندهد، مثلاً بگوید هر کس بچه مرا پیدا کند پولی به او می‌دهم و مقدار آن را معین نکند این جعاله نیست ولی چنانچه کسی آن عمل را انجام دهد، باید مزد او را به مقداری که کار او در نظر مردم ارزش دارد بدهد.

**مسئله ۲۳۳۴**

اگر عامل یا شخص دیگر پیش از قرارداد، کار را انجام داده باشد یا بعد از قرارداد، به قصد این که پول نگیرد انجام دهد، حقی به مزد ندارد.

**مسئله ۲۳۳۵**

پیش از آن که عامل شروع به کار کند، جاعل و عامل می‌توانند جعاله را به هم بزنند.

**مسئله ۲۳۳۶**

بعد از آن که عامل شروع به کار کرد، اگر جاعل بخواهد جعاله را به هم بزند اشکال ندارد. ولی باید مزد مقدار عملی را که انجام داده به او بدهد.

**مسئله ۲۳۳۷**

عامل می‌تواند عمل را ناتمام بگذارد، ولی اگر تمام نکردن عمل اسباب ضرر جاعل شود، باید آن را تمام نماید مثلاً اگر کسی بگوید هر کس چشم مرا عمل کند فلان مقدار به او می‌دهم و دکتر جراحی شروع به عمل کند، چنانچه طوری باشد که اگر عمل را تمام نکند، چشم معیوب می‌شود، باید آن را تمام نماید و در صورتی که ناتمام بگذارد، حقی به جاعل ندارد و ضامن عیبی که حاصل می‌شود نیز می‌باشد.

**مسئله ۲۳۳۸**

اگر عامل کار را ناتمام بگذارد، چنانچه آن کار مثل پیدا کردن اسب است که تا تمام نشود، برای جاعل فائده ندارد عامل نمی‌تواند چیزی مطالبه کند و همچنین است اگر جاعل مزد را برای تمام کردن عمل قرار بگذارد مثلاً بگوید هر کس لباس مرا بدوزد ده تومان به او می‌دهم. ولی اگر مقصودش این باشد که هر مقدار از عمل که انجام گیرد برای آن مقدار مزد بدهد، جاعل باید مزد مقداری را که انجام شده به عامل بدهد، اگر چه احتیاط این است که به طور مصالحه یکدیگر را راضی نمایند.



## احکام مزارعه

## مسئله ۲۳۳۹

مزارعه آن است که مالک زمین یا کسی که زمین در اختیار او است با زارع به این قسم معامله کند که زمین را در اختیار او بگذارد، تا زراعت کند و مقداری از حاصل آن را به مالک بدهد.

## مسئله ۲۳۴۰

مزارعه چند شرط دارد:

اول آن که صاحب زمین به زارع بگوید زمین را به تو واگذار کردم و زارع هم بگوید قبول کردم، یا بدون این که حرفی بزنند مالک، زمین را واگذار کند برای مزارعه و زارع تحویل بگیرد.

دوم صاحب زمین و زارع هر دو مکلف و عاقل باشند و با قصد و اختیار خود مزارعه را انجام دهند و حاکم شرع آنان را از تصرف در اموالشان جلوگیری نکرده باشد بلکه اگر در حال بالغ شدن سفیه باشند اگر چه حاکم شرع جلوگیری نکرده باشد نمی‌توانند مزارعه را انجام دهند و این حکم در همه معاملات جاری است. سوم همه حاصل زمین به یکی اختصاص داده نشود.

چهارم سهم هر کدام به طور مشاع باشد مثل نصف یا ثلث حاصل و مانند اینها و باید تعیین شده باشد، پس اگر قرار دهند حاصل یک قطعه مال یکی و قطعه دیگر مال دیگری صحیح نیست و نیز اگر مالک بگوید در این زمین زراعت کن و هر چه می‌خواهی به من بده صحیح نیست.

پنجم مدتی را که باید زمین در اختیار زارع باشد معین کنند و باید مدت به قدری باشد که در آن مدت به دست آمدن حاصل ممکن باشد.

ششم زمین قابل زراعت باشد و اگر زراعت در آن ممکن نباشد اما بتوانند کاری کنند که زراعت ممکن شود، مزارعه صحیح است. هفتم اگر در محلی هستند که مثلاً یک نوع زراعت می‌کنند چنانچه اسم هم نبرند همان زراعت معین می‌شود و اگر چند نوع زراعت می‌کنند باید زراعتی را که می‌خواهد انجام دهد معین نمایند، مگر آن که معمولی داشته باشد که به همان نحو باید عمل شود.

هشتم مالک، زمین را معین کند، پس کسی که چند قطعه زمین دارد و با هم تفاوت دارند، اگر به زارع بگوید در یکی از این زمین‌ها زراعت کن و آن را معین نکند مزارعه باطل است.

نهم خرجی را که هر کدام آنان باید بکنند معین نمایند، ولی اگر خرجی را که هر کدام باید بکنند معلوم باشد، لازم نیست آن را معین نمایند.

## مسئله ۲۳۴۱

اگر مالک با زارع قرار بگذارد که مقداری از حاصل برای او باشد و بقیه را بین خودشان قسمت کنند، چنانچه بدانند که بعد از برداشتن آن مقدار، چیزی باقی می‌ماند مزارعه صحیح است.

## مسئله ۲۳۴۲

اگر مدت مزارعه تمام شود و حاصل به دست نیاید، چنانچه مالک راضی شود که با اجاره یا بدون اجاره زراعت در زمین او بماند

وزارع هم راضی باشد مانعی ندارد و اگر مالک راضی نشود، می‌تواند زارع را وادار کند که زراعت را بچیند و اگر برای چیدن زراعت ضروری به زارع برسد لازم نیست عوض آن را به او بدهد، ولی زارع اگر چه راضی شود که به مالک چیزی بدهد، نمی‌تواند مالک را مجبور کند که زراعت در زمین بماند.

### مسئله ۲۳۴۳

اگر به واسطه پیش آمدی زراعت در زمین ممکن نباشد مثلاً آب از زمین قطع شود در صورتی که مقداری از زراعت به دست آمده باشد حتی مثل قصیل که می‌توان به حیوانات داد آن مقدار مطابق قرارداد مال هر دوی آنهاست و در بقیه مزارعه باطل است و اگر زارع زراعت نکند، چنانچه زمین در تصرف او بوده و مالک در آن تصرفی نداشته است، باید اجاره آن مدت را به مقدار معمول به مالک بدهد.

### مسئله ۲۳۴۴

اگر مالک وزارع صیغه خوانده باشند، بدون رضایت یکدیگر نمی‌توانند مزارعه را به هم بزنند و همچنین است اگر مالک به قصد مزارعه زمین را به کسی واگذار کند و طرف هم به همین قصد بگیرد، ولی اگر در ضمن خواندن صیغه مزارعه شرط کرده باشند که هر دو یا یکی از آنان حق به هم زدن معامله را داشته باشند می‌توانند مطابق قراری که گذاشته‌اند معامله را به هم بزنند.

### مسئله ۲۳۴۵

اگر بعد از قرار داد مزارعه، مالک یا زارع بمیرد مزارعه به هم نمی‌خورد و ارثشان به جای آنان است، ولی اگر زارع بمیرد و شرط کرده باشند که خود زارع زراعت را انجام دهد، مزارعه به هم می‌خورد و چنانچه زراعت نمایان شده باشد، باید سهم او را به ورثه‌اش بدهند و حقوق دیگری هم که زارع داشته، ورثه او ارث می‌برند، ولی نمی‌توانند مالک را مجبور کنند که زراعت در زمین باقی بماند.

### مسئله ۲۳۴۶

اگر بعد از زراعت بفهمند که مزارعه باطل بوده چنانچه تخم مال مالک بوده حاصلی هم که به دست می‌آید مال او است و باید مزد زارع و مخارجی را که کرده و کرایه گاو یا حیوان دیگری را که مال زارع بوده و در آن زمین کار کرده به او بدهد، مگر در صورتی که باطل شدن مزارعه به جهت آن باشد که قرارداد کرده باشند همه حاصل مال مالک باشد در این فرض لازم نیست مالک چیزی به زارع بدهد و اگر تخم مال زارع بوده زراعت هم مال او است و باید اجاره زمین و خرج‌هایی را که مالک کرده و کرایه گاو یا حیوان دیگری که مال او بوده و در آن زراعت کار کرده به مالک بدهد مگر در صورتی که باطل شدن مزارعه به جهت آن باشد که قرارداد کرده باشند همه حاصل مال زارع باشد در این فرض لازم نیست زارع چیزی به مالک بدهد و در این مسأله تفصیلیست که باید به حاشیه توضیح المسائل رجوع شود.

### مسئله ۲۳۴۷

اگر تخم، مال زارع باشد و بعد از زراعت بفهمند که مزارعه باطل بوده، چنانچه مالک وزارع راضی شوند که با اجرت یا بی‌اجرت زراعت در زمین بماند اشکال ندارد و اگر مالک راضی نشود، پیش از رسیدن زراعت هم می‌تواند زارع را وادار کند که زراعت را

بچیند و زارع اگر چه راضی شود چیزی به مالک بدهد، نمی‌تواند او را مجبور کند که اجاره بدهد و زراعت را در زمین باقی بگذارد.

### مسئله ۲۳۴۸

اگر بعد از جمع کردن حاصل و تمام شدن مدت مزارعه ریشه زراعت در زمین بماند و سال بعد دو مرتبه حاصل دهد، چنانچه مالک و زارع از زراعت صرفنظر کرده باشند، حکم مباحثات را دارد و اگر قرارداد کرده باشند که همه محصول و ریشه مشترک باشد باید قسمت کنند و اگر قراردادشان فقط در مورد محصول سال اول باشد محصول سال دوم مال صاحب تخم می‌باشد.

### احکام مسابقات

### مسئله ۲۳۴۹

اگر انسان با کسی به این قسم معامله کند که درخت‌های میوه‌ای را که میوه آن مال خود او است، یا اختیار میوه‌های آن با او است تا مدت معینی به آن کس واگذار کند که تربیت نماید و آب دهد و به مقداری که قرار می‌گذارند از میوه آن بردارد، این معامله را مسابقات می‌گویند.

### مسئله ۲۳۵۰

معامله مسابقات در درخت‌هایی که مثل بید و چنار میوه نمی‌دهد صحیح نیست، ولی در مثل درخت حنا که از برگ آن استفاده می‌کنند یا درختی که از گل آن استفاده می‌کنند اشکال ندارد.

### مسئله ۲۳۵۱

در معامله مسابقات لازم نیست صیغه بخوانند بلکه اگر صاحب درخت به قصد مسابقات آن را واگذار کند و کسی که کار می‌کند به همین قصد تحویل بگیرد معامله صحیح است.

### مسئله ۲۳۵۲

مالک و کسی که تربیت درختها را به عهده می‌گیرد، باید مکلف و عاقل باشند و کسی آنها را مجبور نکرده باشد و نیز باید حاکم شرع آنان را از تصرف در مال خودشان منع نکرده باشد، بلکه اگر در حال بالغ شدن سفیه باشند اگر چه حاکم شرع منع نکرده باشد معامله ایشان صحیح نیست.

### مسئله ۲۳۵۳

مدت مسابقات باید معلوم باشد و اگر اول آن را معین کنند و آخر آن را موقعی قرار دهند که میوه آن سال به دست می‌آید صحیح است.

### مسئله ۲۳۵۴

باید سهم هر کدام نصف یا ثلث حاصل و مانند اینها باشد و اگر قرار بگذارند که مثلاً صد من از میوه‌ها مال مالک و بقیه مال کسی باشد که کار می‌کند، معامله باطل است.

### مسئله ۲۳۵۵

باید قرار معامله مساقات را پیش از ظاهر شدن میوه بگذارند و اگر بعد از ظاهر شدن میوه و پیش از رسیدن آن قرار بگذارند پس اگر کاری مانند آبیاری که برای تربیت درخت لازم است باقی مانده باشد، معامله صحیح است، و گرنه اشکال دارد، اگر چه احتیاج به کاری مانند چیدن میوه و نگهداری آن داشته باشد.

### مسئله ۲۳۵۶

معامله مساقات در بوته خربزه و خیار و مانند اینها صحیح نیست.

### مسئله ۲۳۵۷

درختی که از آب باران یا رطوبت زمین استفاده می‌کند و به آبیاری احتیاج ندارد، اگر به کارهای دیگر مانند بیل زدن و کود دادن محتاج باشد، معامله مساقات در آن صحیح است، ولی چنانچه آن کارها در زیاد شدن یا خوب شدن میوه اثری نداشته باشد معامله مساقات اشکال دارد.

### مسئله ۲۳۵۸

دو نفری که مساقات کرده‌اند، با رضایت یکدیگر می‌توانند معامله را به هم بزنند و نیز اگر در ضمن خواندن صیغه مساقات شرط کنند که هر دو، یا یکی از آنان حق به هم زدن معامله را داشته باشند، مطابق قراری که گذاشته‌اند، به هم زدن معامله اشکال ندارد بلکه اگر در معامله شرطی کنند و عملی نشود، کسی که برای نفع او شرط کرده‌اند، می‌تواند معامله را به هم بزند.

### مسئله ۲۳۵۹

اگر مالک بمیرد، معامله مساقات به هم نمی‌خورد و ورثه‌اش به جای او هستند.

### مسئله ۲۳۶۰

اگر کسی که تربیت درختها به او واگذار شده بمیرد چنانچه در عقد شرط نکرده باشند که خودش آنها را تربیت کند، ورثه‌اش به جای او هستند و چنانچه خودشان عمل را انجام ندهند و اجیر هم نگیرند، حاکم شرع از مال میت اجیر می‌گیرد و حاصل را بین ورثه میت و مالک قسمت می‌کند و اگر شرط کرده باشند که خود او درختها را تربیت نماید، پس اگر قرار گذاشته‌اند که به دیگری واگذار نکنند، با مردن او معامله به هم می‌خورد و اگر قرار نگذاشته‌اند مالک می‌تواند عقد را به هم بزند، یا راضی شود که ورثه او یا کسی که آنها اجیرش می‌کنند، درختها را تربیت نماید.

### مسئله ۲۳۶۱

اگر شرط کند که تمام حاصل برای مالک باشد، مساقات باطل است و میوه مال مالک می‌باشد و کسی که کار می‌کند نمی‌تواند مطالبه اجرت نماید ولی اگر باطل بودن مساقات به جهت دیگر باشد، مالک باید مزد آبیاری و کارهای دیگر را به مقدار معمول به کسی که درختها را تربیت کرده بدهد.

### مسئله ۲۳۶۲

اگر زمینی را به دیگری واگذار کند که در آن درخت بکارند و آنچه عمل می‌آید مال هر دو باشد، معامله باطل است پس اگر درختها مال صاحب زمین بوده، بعد از تربیت هم مال او است و باید مزد کسی که آنها را تربیت کرده بدهد و اگر مال کسی بوده که آنها را تربیت کرده بعد از تربیت هم مال او است و می‌تواند آنها را بکند، ولی باید گودال‌هایی را که به واسطه کندن درختها پیدا شده پر کند و اجاره زمین را از روزی که درختها را کاشته به صاحب زمین بدهد و مالک هم می‌تواند او را مجبور نماید که درختها را بکند و اگر به واسطه کندن درخت عیبی در آن پیدا شود، باید تفاوت قیمت آن را به صاحب درخت بدهد و نمی‌تواند او را مجبور کند که با اجازه یا بدون اجازه درخت را در زمین باقی بگذارد.

### کسانی که نمی‌توانند در مال خود تصرف کنند

### مسئله ۲۳۶۳

بچه ای که بالغ نشده شرعاً نمی‌تواند در مال خود تصرف کند و نشانه بالغ شدن یکی از سه چیز است:  
اول رویدن موی درشت، زیر شکم بالای عورت.  
دوم بیرون آمدن منی.  
سوم تمام شدن پانزده سال قمری در مرد و تمام شدن نه سال قمری در زن.

### مسئله ۲۳۶۴

رویدن موی درشت در صورت و پشت لب و در سینه و زیر بغل و درشت شدن صدا و مانند اینها نشانه بالغ شدن نیست، مگر انسان به واسطه اینها به بالغ شدن یقین کند.

### مسئله ۲۳۶۵

دیوانه و سفیه یعنی کسی که مال خود را در کارهای بیهوده مصرف می‌کند اگر در حال بالغ شدن سفیه باشد یا حاکم شرع او را از تصرف در اموالش جلوگیری کرده باشد، نمی‌تواند در مال خود تصرف نمایند.

### مسئله ۲۳۶۶

کسی که گاهی عاقل و گاهی دیوانه است، تصرفی که موقع دیوانگی در مال خود می‌کند صحیح نیست.

### مسئله ۲۳۶۷

انسان می‌تواند در مرضی که به آن مرض از دنیا می‌رود هر قدر از مال خود را به مصرف خود و عیال و مهمان و کارهایی که

اسراف شمرده نمی‌شود برساند و نیز اگر مال خود را به کسی ببخشد یا ارزانتر از قیمت بفروشد یا اجاره دهد صحیح است.

## احکام وکالت

### اشاره

وکالت آن است که انسان کاری را که می‌تواند در آن دخالت کند، به دیگری واگذار نماید تا از طرف او انجام دهد، مثلاً کسی را وکیل کند که خانه او را بفروشد یا زنی را برای او عقد نماید پس آدم سفیهی که مال خود را در کارهای بیهوده مصرف می‌کند، اگر حاکم شرع او را از تصرف منع کرده یا در حالی که بالغ شده سفیه بوده، نمی‌تواند برای فروش مال خودش کسی را وکیل نماید.

### مسئله ۲۳۶۸

در وکالت لازم نیست صیغه بخوانند و اگر انسان به دیگری بفهماند که او را وکیل کرده و او هم بفهماند قبول نموده، مثلاً مال خود را به کسی بدهد که برای او بفروشد و او مال را بگیرد وکالت صحیح است.

### مسئله ۲۳۶۹

اگر انسان کسی را که در شهر دیگر است وکیل نماید و برای او وکالت نامه بفرستد و او قبول کند، اگر چه وکالت نامه بعد از مدتی برسد وکالت صحیح است.

### مسئله ۲۳۷۰

موکل یعنی کسی که دیگری را وکیل می‌کند و نیز کسی که وکیل می‌شود، باید بالغ و عاقل باشند و از روی قصد و اختیار اقدام کنند و بچه ممیز هم اگر فقط در خواندن صیغه وکیل شده باشد و صیغه را با شرائطش بخواند صیغه‌ای که خوانده صحیح است.

### مسئله ۲۳۷۱

کاری را که انسان نمی‌تواند انجام دهد، یا شرعاً نباید انجام دهد نمی‌تواند برای انجام آن از طرف دیگری وکیل شود. مثلاً کسی که در احرام حج است چون نباید صیغه عقد زناشویی را بخواند، نمی‌تواند برای خواندن صیغه از طرف دیگری وکیل شود.

### مسئله ۲۳۷۲

اگر انسان کسی را برای انجام تمام کارهای خودش وکیل کند صحیح است، ولی اگر برای یکی از کارهای خود وکیل نماید و آن کار را معین نکند وکالت صحیح نیست.

### مسئله ۲۳۷۳

اگر وکیل را عزل کند یعنی از کار برکنار نماید بعد از آن که خبر به او رسید نمی‌تواند آن کار را انجام دهد، ولی اگر پیش از رسیدن خبر آن کار را انجام داده باشد صحیح است.

**مسئله ۲۳۷۴**

وکیل می‌تواند از وکالت کناره‌گیری کند و اگر موکل غائب هم باشد اشکال ندارد.

**مسئله ۲۳۷۵**

وکیل نمی‌تواند برای انجام کاری که به او واگذار شده دیگری را وکیل نماید، ولی اگر موکل به او اجازه داده باشد که وکیل بگیرد، به هر طوری که به او دستور داده می‌تواند رفتار نماید، پس اگر گفته باشد برای من وکیل بگیر، باید از طرف او وکیل بگیرد و نمی‌تواند کسی را از طرف خودش وکیل کند.

**مسئله ۲۳۷۶**

اگر انسان با اجازه موکل خودش کسی را از طرف او وکیل کند، نمی‌تواند آن وکیل را عزل نماید و اگر وکیل اول بمیرد یا موکل، او را عزل کند وکالت دومی باطل نمی‌شود.

**مسئله ۲۳۷۷**

اگر وکیل با اجازه موکل، کسی را از طرف خودش وکیل کند موکل و وکیل اول می‌توانند آن وکیل را عزل کنند و اگر وکیل اول بمیرد، یا عزل شود، وکالت دومی باطل می‌شود.

**مسئله ۲۳۷۸**

اگر چند نفر را برای انجام کاری وکیل کند و به آنها اجازه دهد که هر کدام به تنهایی در آن کار اقدام کنند، هر یک از آنان می‌تواند آن کار را انجام دهد و چنانچه یکی از آنان بمیرد، وکالت دیگران باطل نمی‌شود. ولی اگر نگفته باشد که با هم یا به تنهایی وکیل است که انجام دهد و از حرفش هم معلوم نباشد که می‌توانند به تنهایی انجام دهند، یا گفته باشد که با هم انجام دهند، نمی‌توانند به تنهایی اقدام نمایند و در صورتی که یکی از آنان بمیرد، وکالت دیگران باطل می‌شود. اگر با هم وکیل شده باشند.

**مسئله ۲۳۷۹**

اگر وکیل یا موکل بمیرد، یا دیوانه همیشگی شود وکالت باطل می‌شود و نیز اگر گاه گاهی دیوانه شود و یا بیهوش شود، بنا بر احتیاط واجب باید به معامله‌ای که انجام می‌دهد ترتیب اثر ندهند و نیز اگر چیزی که برای تصرف در آن وکیل شده است از بین برود مثلاً گوسفندی که برای فروش آن وکیل شده بمیرد، وکالت باطل می‌شود.

**مسئله ۲۳۸۰**

اگر انسان کسی را برای کاری وکیل کند و چیزی برای او قرار بگذارد، بعد از انجام آن کار، چیزی را که قرار گذاشته باید به او بدهد.

**مسئله ۲۳۸۱**

اگر وکیل در نگهداری مالی که در اختیار او است کوتاهی نکند و غیر از تصرفی که به او اجازه داده‌اند، تصرف دیگری در آن ننماید و اتفاقاً آن مال از بین برود، نباید عوض آن را بدهد.

**مسئله ۲۳۸۲**

اگر وکیل در نگهداری مالی که در اختیار او است کوتاهی کند، یا غیر از تصرفی که به او اجازه داده‌اند تصرف دیگری در آن ننماید و آن مال از بین برود، ضامن است. پس اگر لباس را که گفته‌اند بفروش، بپوشد و آن لباس تلف شود، باید عوض آن را بدهد.

**مسئله ۲۳۸۳**

اگر وکیل غیر از تصرفی که به او اجازه داده‌اند، تصرف دیگری در مال بکند، مثلاً لباسی را که گفته‌اند بفروش بپوشد و بعداً تصرفی را که به او اجازه داده بنماید، آن تصرف مجاز صحیح است.

**احکام قرض****اشاره**

قرض دادن از کارهای مستحبیست که در آیات قرآن و اخبار راجع به آن زیاد سفارش شده است، از پیغمبر اکرم صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت شده که هر کس به برادر مسلمان خود قرض بدهد مال او زیاد می‌شود و ملائکه بر او رحمت می‌فرستند و اگر با بدهکار خود مدارا کند، بدون حساب و به سرعت از صراط می‌گذرد و کسی که برادر مسلمانش از او قرض بخواهد و ندهد، بهشت بر او حرام می‌شود.

**مسئله ۲۳۸۴**

در قرض لازم نیست صیغه بخواند بلکه اگر چیزی را به نیت قرض به کسی بدهد و او هم به همین قصد بگیرد، صحیح است ولی مقدار آن باید کاملاً معلوم باشد.

**مسئله ۲۳۸۵**

اگر در قرض شرط کنند که در وقت معین آن را پردازند پیش از رسیدن آن وقت لازم نیست طلبکار قبول کند ولی اگر تعیین وقت فقط برای همراهی با بدهکار باشد چنانچه پیش از آن وقت هم قرض را بدهند باید قبول نماید.

**مسئله ۲۳۸۶**

اگر در صیغه قرض برای پرداخت آن مدتی قرار دهند، طلبکار پیش از تمام شدن آن مدت نمی‌تواند طلب خود را مطالبه نماید ولی اگر مدت نداشته باشد، طلبکار هر وقت بخواهد، می‌تواند طلب خود را مطالبه نماید.



**مسئله ۲۳۸۷**

اگر طلبکار طلب خود را مطالبه کند در صورتی که حق مطالبه داشته باشد، چنانچه بدهکار بتواند بدهی خود را بدهد، باید فوراً آن را بپردازد و اگر تأخیر بیندازد گناهکار است.

**مسئله ۲۳۸۸**

اگر بدهکار غیر از خانه‌ای که در آن نشسته و اثاثیه منزل و چیزهای دیگری که به آنها احتیاج دارد و مطابق شأن او است چیزی نداشته باشد طلبکار نمی‌تواند طلب خود را از او مطالبه نماید، بلکه باید صبر کند تا بتواند بدهی خود را بدهد.

**مسئله ۲۳۸۹**

کسی که بدهکار است و نمی‌تواند بدهی خود را بدهد اگر کاسب است باید برای پرداخت بدهی خودش کسب کند و کسی هم که کاسب نیست چنانچه بتواند کاسبی کند، احتیاط واجب آن است که کسب کند و بدهی خود را بدهد.

**مسئله ۲۳۹۰**

کسی که دسترسی به طلبکار خود یا ولی او یا وکیل او یا وارث او ندارد، چنانچه امید نداشته باشد که او را پیدا کند، باید با اجازه حاکم شرع طلب او را به فقیر بدهد و احتیاط واجب آن است که اگر طلبکار او سید نیست به فقیر سید ندهد.

**مسئله ۲۳۹۱**

اگر مال میت بیشتر از خرج واجب کفن و دفن و بدهی او نباشد، باید مالش را به همین مصرفها برسانند و به وارث او چیزی نمی‌رسد.

**مسئله ۲۳۹۲**

اگر کسی مقداری پول طلا یا نقره قرض کند و قیمت آن کم شود، یا چند برابر گردد، چنانچه همان مقدار را که گرفته پس بدهد کافی است، ولی اگر هر دو به غیر آن راضی شوند اشکال ندارد.

**مسئله ۲۳۹۳**

اگر مالی را که قرض کرده از بین نرفته باشد و صاحب مال، آن را مطالبه کند، احتیاط مستحب آن است که بدهکار همان مال را به او بدهد.

**مسئله ۲۳۹۴**

اگر کسی که قرض می‌دهد شرط کند که زیادتر از مقداری که می‌دهد بگیرد، مثلاً یک من گندم بدهد و شرط کند که یک من و پنج سیر بگیرد، یا ده تخم مرغ بدهد که یازده تا بگیرد، ربا و حرام است بلکه اگر قرار بگذارد که بدهکار کاری برای او انجام دهد، یا چیزی را که قرض کرده با مقداری جنس دیگر پس دهد، مثلاً شرط کند یک تومانی را که قرض کرده با یک کبریت پس

دهد، ربا و حرام است و نیز اگر با او شرط کند که چیزی را که قرض می‌گیرد به طور مخصوص پس دهد، مثلاً- مقداری طلای نساخته به او بدهد و شرط کند که ساخته پس بگیرد، باز هم ربا و حرام می‌باشد. ولی اگر بدون این که شرط کند، خود بدهکار زیادتر از آنچه قرض کرده پس بدهد اشکال ندارد بلکه مستحب است.

### مسئله ۲۳۹۵

قرضی که در آن قرار رباست صحیح است، لکن شرط و قرار باطل می‌باشد و شرط زیاده علاوه بر بطلانش، نیز حرام است.

### مسئله ۲۳۹۶

اگر کسی بخواهد پولی قرض کند و ربا بدهد یا قرض بدهد و ربا بگیرد و به یکی از راه‌هایی که در بعض رساله‌های عملیه ذکر شده بخواهد از ربا فرار کند جائز نیست و زیاده‌ای که می‌گیرد بر او حلال نمی‌شود، پس ربای قرضی به وجهی از وجوه حلال نیست.

### مسئله ۲۳۹۷

اگر لباسی را بخرد و بعداً از پولی که ربا گرفته، یا از پول حلالی که مخلوط با رباست به صاحب لباس بدهد چنانچه موقع خریداری قصدش بوده که از این پول بدهد پوشیدن آن لباس و نماز خواندن با آن اشکال دارد و نیز اگر پول ربایی یا حلال مخلوط به حرام داشته باشد و به فروشنده بگوید که این لباس را با این پول می‌خرم، پوشیدن آن لباس حرام است و اگر بداند پوشیدن آن حرام است نماز هم با آن باطل می‌باشد.

### مسئله ۲۳۹۸

اگر انسان مقداری پول به تاجر بدهد که در شهر دیگر از طرف او کمتر بگیرد، اشکال ندارد و این را صرف برات می‌گویند.

### مسئله ۲۳۹۹

اگر مقداری پول به کسی بدهد که بعد از چند روز در شهر دیگر زیادتر بگیرد، مثلاً نهصد و نود تومان بدهد که بعد از ده روز در شهر دیگر هزار تومان بگیرد ربا و حرام است، ولی اگر کسی که زیادی را می‌گیرد در مقابل زیادی جنس بدهد یا عملی انجام دهد اشکال ندارد.

## احکام حواله دادن

### مسئله ۲۴۰۰

اگر انسان طلبکار خود را حواله بدهد که طلب خود را از دیگری بگیرد و طلبکار قبول نماید، بعد از آن که حواله درست شد، کسی که به او حواله شده بدهکار می‌شود و دیگر طلبکار نمی‌تواند طلبی را که دارد از بدهکار اولی مطالبه نماید.

### مسئله ۲۴۰۱

بدهکار و طلبکار و کسی که سر او حواله شده، باید مکلف و عاقل باشند و کسی آنها را مجبور نکرده باشد و نیز باید سفیه نباشند، یعنی مال خود را در کارهای بیهوده مصرف نکنند ولی اگر بعد از بالغ شدن سفیه شده باشند تا حاکم شرع آنان را از تصرف در اموالشان جلوگیری نکرده معامله ایشان اشکال ندارد و نیز اگر حاکم شرع کسی را به واسطه ورشکستگی از تصرف در اموالش جلوگیری کرده باشد نمی‌شود او را حواله بدهند که طلبش را از دیگری بگیرد، و خودش هم نمی‌تواند به کسی حواله بدهد، ولی اگر سر کسی حواله بدهد که به او بدهکار نیست اشکال ندارد.

### مسئله ۲۴۰۲

اگر سر کسی حواله بدهند که بدهکار است احتیاط واجب آن است که قبول کند ولی حواله دادن سر کسی که بدهکار نیست، در صورتی صحیح است که او قبول کند و نیز اگر انسان بخواهد به کسی که جنسی بدهکار است، جنس دیگر حواله دهد مثلاً به کسی که جو بدهکار است گندم حواله دهد، تا او قبول نکند حواله صحیح نیست.

### مسئله ۲۴۰۳

موقعی که انسان حواله می‌دهد باید بدهکار باشد پس اگر بخواهد از کسی قرض کند، تا وقتی از او قرض نکرده نمی‌تواند او را به کسی حواله دهد که آنچه را بعداً قرض می‌دهد از آن کس بگیرد.

### مسئله ۲۴۰۴

حواله دهنده و طلبکار باید مقدار حواله و جنس آن را بدانند، پس اگر مثلاً ده من گندم و ده تومان پول به یک نفر بدهکار باشد و به او بگوید یکی از دو طلب خود را از فلانی بگیر و آن را معین نکند، حواله درست نیست.

### مسئله ۲۴۰۵

اگر بدهی واقعاً معین باشد ولی بدهکار و طلبکار در موقع حواله دادن، مقدار آن یا جنس آن را ندانند حواله صحیح است مثلاً اگر طلب کسی را در دفتر نوشته باشد و پیش از دیدن دفتر حواله بدهد و بعد دفتر را ببیند و به طلبکار مقدار طلبش را بگوید، حواله صحیح می‌باشد.

### مسئله ۲۴۰۶

طلبه کار می‌تواند حواله را قبول نکند، اگر چه کسی که به او حواله شده فقیر نباشد و در پرداختن حواله هم کوتاهی ننماید.

### مسئله ۲۴۰۷

اگر سر کسی حواله بدهد که بدهکار نیست، چنانچه او حواله را قبول کند، پیش از پرداختن حواله نمی‌تواند مقدار حواله را از حواله دهنده بگیرد و اگر طلبکار طلب خود را به مقدار کمتری صلح کند، کسی که حواله را قبول کرده، همان مقدار را می‌تواند از حواله دهنده مطالبه نماید.

### مسئله ۲۴۰۸

بعد از آن که حواله درست شد، حواله دهنده و کسی که به او حواله شده، نمی‌توانند حواله را به هم بزنند و هر گاه کسی که به او حواله شده در موقع حواله فقیر نباشد یعنی غیر از چیزهایی که در دین مستثنی است مالی داشته باشد که بتواند حواله را پردازد اگر چه بعداً فقیر شود، طلبکار هم نمی‌تواند حواله را به هم بزند و همچنین است اگر موقع حواله فقیر باشد و طلبکار بداند فقیر است، ولی اگر نداند فقیر است و بعد بفهمد، اگر چه در آن وقت مالدار شده باشد، طلبه کار می‌تواند حواله را به هم بزند و طلب خود را از حواله دهنده بگیرد.

### مسئله ۲۴۰۹

اگر بدهکار و طلبکار و کسی که به او حواله شده، یا یکی از آنان برای خود حق بهم زدن حواله را قرار دهند، مطابق قراری که گذاشته‌اند، می‌توانند حواله را به هم بزنند.

### مسئله ۲۴۱۰

اگر حواله دهنده خودش طلب طلبکار را بدهد، چنانچه به خواهش کسی که به او حواله شده داده است، ذمه او بری می‌شود و می‌تواند چیزی را که داده از او بگیرد و اگر بدون خواهش او داده و قصدش این بوده که عوض آن را نگیرد، نمی‌تواند چیزی را که داده از او مطالبه نماید.

### احکام رهن

### مسئله ۲۴۱۱

رهن آن است که بدهکار مقداری از مال خود را نزد طلبکار بگذارد که اگر طلب او را ندهد طلبش را از آن مال به دست آورد.

### مسئله ۲۴۱۲

در رهن لازم نیست صیغه بخوانند و همین قدر که بدهکار مال خود را به قصد گرو، به طلبکار بدهد و طلبکار هم به همین قصد بگیرد رهن صحیح است.

### مسئله ۲۴۱۳

گرو دهنده و کسی که مال را گرو می‌گیرد باید مکلف و عاقل باشند و کسی آنها را مجبور نکرده باشد و نیز گرو دهنده در حال بالغ شدن باید سفیه نباشد یعنی مال خود را در کارهای بیهوده مصرف نکند، بلکه اگر به واسطه ورشکستگی یا برای آن که بعد از بالغ شدن سفیه شده حاکم شرع او را از تصرف در اموالش جلوگیری کرده باشد نمی‌تواند مال خود را گرو بگذارد.

### مسئله ۲۴۱۴

انسان مالی را می‌تواند گرو بگذارد که شرعاً بتواند در آن تصرف کند و اگر مال کس دیگر را گرو بگذارد، در صورتی صحیح است که صاحب مال بگوید به گرو گذاشتن راضی هستم.

**مسئله ۲۴۱۵**

چیزی را که گرو می‌گذارند، باید خرید و فروش آن صحیح باشد، پس اگر شراب و مانند آن را گرو بگذارند درست نیست.

**مسئله ۲۴۱۶**

استفاده چیزی را که گرو می‌گذارند، مال کسیست که آن را گرو گذاشته است.

**مسئله ۲۴۱۷**

طلبکار و بدهکار نمی‌توانند مالی را که گرو گذاشته شده، بدون اجازه یکدیگر ملک کسی کنند، مثلاً ببخشند یا بفروشند. ولی اگر یکی از آنان آن را ببخشد یا بفروشد، بعد دیگری بگوید راضی هستم اشکال ندارد.

**مسئله ۲۴۱۸**

اگر طلبکار چیزی را که گرو برداشته با اجازه بدهکار بفروشد پول آن هم مثل خود مال گرو می‌باشد.

**مسئله ۲۴۱۹**

اگر موقعی که باید بدهی خود را بدهد طلبکار مطالبه کند و او ندهد، طلبه کار می‌تواند مالی را که گرو برداشته بفروشد و طلب خود را بردارد و باید بقیه را به بدهکار بدهد، ولی اگر به حاکم شرع دسترسی دارد، باید برای فروش آن از حاکم شرع اجازه بگیرد.

**مسئله ۲۴۲۰**

اگر بدهکار غیر از خانه‌ای که در آن نشسته و چیزهایی که مانند اثاثیه خانه محل احتیاج او است و مطابق شأن او است چیز دیگری نداشته باشد. طلبکار نمی‌تواند طلب خود را از او مطالبه کند، ولی اگر مالی را که گرو گذاشته خانه و اثاثیه هم باشد، طلبه کار می‌تواند بفروشد و طلب خود را بردارد.

**احکام ضامن شدن****مسئله ۲۴۲۱**

اگر انسان بخواهد ضامن شود که بدهی کسی را بدهد، ضامن شدن او در صورتی صحیح است که به هر لفظی اگر چه عربی نباشد به طلبکار بگوید که من ضامن شده‌ام طلب تو را بدهم و طلبکار هم رضایت خود را بفهماند، ولی راضی بودن بدهکار شرط نیست.

**مسئله ۲۴۲۲**

ضامن و طلبکار باید مکلف و عاقل باشند و کسی هم آنها را مجبور نکرده باشد و نیز باید در حال بالغ شدن سفیه نباشند که مال

خود را در کارهای بیهوده مصرف کنند، ولی اگر بعد از بالغ شدن سفیه شده باشند و حاکم شرع آنان را از تصرف جلوگیری نکرده باشد اشکال ندارد و کسی که به واسطه ورشکستگی حاکم شرع او را از تصرف در اموالش جلوگیری کرده بابت طلبی که دارد دیگری نمی‌تواند ضامن او شود.

#### مسئله ۲۴۲۳

هر گاه برای ضامن شدن خودش شرطی قرار دهد مثلاً بگوید اگر بدهکار قرض تو را نداد من می‌دهم احتیاط واجب آن است که به ضامن شدن او ترتیب اثر ندهند.

#### مسئله ۲۴۲۴

کسی که انسان ضامن بدهی او می‌شود باید بدهکار باشد، پس اگر کسی بخواهد از دیگری قرض کند، تا وقتی قرض نکرده انسان نمی‌تواند ضامن او شود.

#### مسئله ۲۴۲۵

در صورتی انسان می‌تواند ضامن شود که طلبکار و بدهکار و جنس بدهی همه معین باشد، پس اگر دو نفر از کسی طلبکار باشند و انسان بگوید من ضامن هستم که طلب یکی از شماها را بدهم، چون معین نکرده که طلب کدام را بدهد، ضامن شدن او باطل است و نیز اگر کسی از دو نفر طلبکار باشد و انسان بگوید من ضامن هستم که بدهی یکی از آن دو نفر را به تو بدهم، چون معین نکرده که بدهی کدام را می‌دهد، ضامن شدن او باطل می‌باشد و هم چنین اگر کسی از دیگری مثلاً ده من گندم و ده تومان پول طلبکار باشد و انسان بگوید من ضامن یکی از دو طلب تو هستم و معین نکند که ضامن گندم است، یا ضامن پول صحیح نیست.

#### مسئله ۲۴۲۶

اگر طلبکار طلب خود را به ضامن ببخشد، ضامن نمی‌تواند از بدهکار چیزی بگیرد و اگر مقداری از آن را ببخشد، نمی‌تواند آن مقدار را مطالبه نماید.

#### مسئله ۲۴۲۷

اگر انسان ضامن شود که بدهی کسی را بدهد، نمی‌تواند از ضامن شدن خود برگردد.

#### مسئله ۲۴۲۸

ضامن و طلبه کار می‌توانند شرط کنند که هر وقت بخواهند ضامن بودن را به هم بزنند.

#### مسئله ۲۴۲۹

هر گاه انسان در موقع ضامن شدن، بتواند طلب طلبکار را بدهد اگر چه بعد فقیر شود، طلبکار نمی‌تواند ضامن بودن او را به هم زند و طلب خود را از بدهکار اول مطالبه نماید و همچنین است اگر در آن موقع نتواند طلب او را بدهد ولی طلبکار بداند و به ضامن

شدن او راضی شود.

### مسئله ۲۴۳۰

اگر انسان در موقعی که ضامن می‌شود، نتواند طلب طلبکار را بدهد و طلبکار در آن وقت نداند و بعد ملتفت شود، می‌تواند ضامن بودن او را به هم بزند. ولی اگر پیش از آن که طلبکار ملتفت شود، ضامن قدرت پیدا کرده باشد، طلبکار نمی‌تواند ضمانت را به هم بزند.

### مسئله ۲۴۳۱

اگر کسی بدون اجازه بدهکار بدهی او را ضمانت کند بعد از پرداخت بدهی او، نمی‌تواند به بدهکار اولی مراجعه کند و از او بگیرد.

### مسئله ۲۴۳۲

اگر کسی با اجازه بدهکار ضامن شود که بدهی او را بدهد، می‌تواند مقداری را که ضامن شده از او مطالبه نماید، ولی اگر به جای جنسی که بدهکار بوده جنس دیگری به طلبکار او بدهد، نمی‌تواند چیزی را که داده از او مطالبه نماید، مثلاً اگر ده من گندم بدهکار باشد و ضامن ده من برنج بدهد، نمی‌تواند برنج را از او مطالبه نماید، اما اگر خودش راضی شود که برنج بدهد اشکال ندارد.

## احکام کفالت

### مسئله ۲۴۳۳

کفالت آن است که انسان ضامن شود که هر وقت طلبکار بدهکار را خواست، به دست او بدهد و همچنین اگر کسی بر دیگری حقی داشته باشد یا ادعای حقی کند که دعوی او قابل قبول باشد چنانچه انسان ضامن شود که هر وقت صاحب حق یا مدعی طرف را خواست به دست او بدهد عملش را کفالت و به کسی که این طور ضامن می‌شود کفیل می‌گویند.

### مسئله ۲۴۳۴

کفالت در صورتی صحیح است که کفیل به هر لفظی اگر چه عربی نباشد به طلبکار بگوید که من ضامنم هر وقت بدهکار خود را بخواهی به دست تو بدهم و طلبکار هم قبول نماید.

### مسئله ۲۴۳۵

کفیل باید مکلف و عاقل باشد و او را در کفالت مجبور نکرده باشند و بتواند کسی را که کفیل او شده حاضر نماید.

### مسئله ۲۴۳۶

یکی از هفت چیز، کفالت را به هم می‌زند:

اول کفیل بدهکار را به دست طلبکار بدهد، دوم طلب طلبکار داده شود.

سوم طلبکار از طلب خود بگذرد، چهارم بدهکار بمیرد.

پنجم طلبکار کفیل را از کفالت آزاد کند.

ششم کفیل بمیرد.

هفتم کسی که صاحب حق است به وسیله حواله یا طور دیگری حق خود را به دیگری واگذار نماید.

### مسئله ۲۴۳۷

اگر کسی به زور بدهکار را از دست طلبکار رها کند، چنانچه طلبکار دسترسی به او نداشته باشد، کسی که بدهکار را رها کرده، باید او را به دست طلبکار بدهد. یا طلب طلبکار را بپردازد.

### احکام ودیعه (امانت)

### مسئله ۲۴۳۸

اگر انسان مال خود را به کسی بدهد و بگوید نزد تو امانت باشد و او هم قبول کند یا بدون این که حرفی بزنند صاحب مال بفهماند که مال را برای نگهداری به او می‌دهد و او هم به قصد نگهداری کردن بگیرد باید به احکام ودیعه و امانت داری که بعداً گفته می‌شود عمل نماید.

### مسئله ۲۴۳۹

امانت دار و کسی که مال را امانت می‌گذارد، باید هر دو بالغ و عاقل باشند، پس اگر انسان مالی را پیش بچه یا دیوانه امانت بگذارد، یا دیوانه و بچه، مالی را پیش کسی امانت بگذارند صحیح نیست و هم چنین باید کسی که امانت را می‌پذیرد در حفظ امانت کوتاهی نکند و هر وقت صاحب مال، مال خود را طلب کند، امانت‌دار باید آن را به صاحب مال بدهد.

### مسئله ۲۴۴۰

اگر از بچه یا دیوانه چیزی را به طور امانت قبول کند، باید آن را به صاحبش بدهد و اگر آن چیز مال خود بچه یا دیوانه است باید به ولی او برساند و چنانچه مال تلف شود، باید عوض آن را بدهد، ولی اگر برای این که مال از بین نرود آن را از بچه گرفته چنانچه در نگهداری آن کوتاهی نکرده باشد ضامن نیست.

### مسئله ۲۴۴۱

کسی که نمی‌تواند امانت را نگهداری نماید، بنا بر احتیاط واجب باید قبول نکند، ولی اگر صاحب مال در نگهداری آن عاجزتر باشد و کسی هم که بهتر حفظ کند نباشد این احتیاط واجب نیست.

### مسئله ۲۴۴۲

اگر انسان به صاحب مال بفهماند که برای نگهداری مال او حاضر نیست، چنانچه او مال را بگذارد و برود و این شخص مال را بر



ندارد و آن مال تلف شود، کسی که امانت را قبول نکرده ضامن نیست ولی احتیاط مستحب آن است که اگر ممکن باشد آن را نگهداری نماید.

#### مسئله ۲۴۴۳

کسی که چیزی را امانت می‌گذارد، هر وقت بخواهد می‌تواند آن را پس بگیرد و کسی هم که امانت را قبول می‌کند، هر وقت بخواهد می‌تواند آن را به صاحبش برگرداند.

#### مسئله ۲۴۴۴

اگر انسان از نگهداری امانت منصرف شود و ودیعه را به هم بزند باید هر چه زودتر مال را به صاحب آن یا وکیل یا ولی صاحبش برساند، یا به آنان خبر دهد که به نگهداری حاضر نیست و اگر بدون عذر مال را به آنان نرساند و خبر هم ندهد. چنانچه مال تلف شود، باید عوض آن را بدهد.

#### مسئله ۲۴۴۵

کسی که امانت را قبول می‌کند، اگر برای آن، جای مناسبی ندارد، باید جای مناسب تهیه نماید و طوری آن را نگهداری کند که مردم نگویند در امانت خیانت کرده و در نگهداری آن کوتاهی نموده است و اگر در جایی که مناسب نیست بگذارد و تلف شود، باید عوض آن را بدهد.

#### مسئله ۲۴۴۶

کسی که امانت را قبول می‌کند، اگر در نگهداری آن کوتاهی نکند و تعدی یعنی زیاده‌روی هم ننماید و اتفاقاً آن مال تلف شود، ضامن نیست. ولی اگر به اختیار خودش آن را در جایی بگذارد که گمان می‌رود ظالمی بفهمد و آن را ببرد، چنانچه تلف شود باید عوض آن را به صاحبش بدهد مگر آن که جایی محفوظ‌تر از آن نداشته باشد و نتواند مال را به صاحبش یا به کسی که بهتر حفظ کند برساند که در این صورت ضامن نیست.

#### مسئله ۲۴۴۷

اگر صاحب مال برای نگهداری مال خود جایی را معین کند و به کسی که امانت را قبول کرده بگوید که باید مال را در اینجا حفظ کنی و اگر احتمال هم بدهی که از بین برود، نباید آن را به جای دیگری ببری، چنانچه امانت دار احتمال دهد که در آنجا از بین برود و بداند چون آنجا در نظر صاحب مال برای حفظ بهتر بوده گفته است که نباید از آنجا بیرون ببری می‌تواند آن را به جای دیگر ببرد و اگر در آنجا ببرد و تلف شود ضامن نیست. ولی اگر نداند به چه جهت گفته که به جای دیگر نبر، چنانچه به جای دیگر ببرد و تلف شود، احتیاط واجب آن است که عوض آن را بدهد.

#### مسئله ۲۴۴۸

اگر صاحب مال برای نگهداری مال خود جایی را معین کند ولی به کسی که امانت را قبول کرده نگوید که آن را به جای دیگر نبر

چنانچه امانت دار احتمال دهد که در آنجا از بین می‌رود باید آن را به جای دیگری که مال در آنجا محفوظ‌تر است ببرد و چنانچه مال در آنجا تلف شود ضامن نیست و اگر صاحب مال هم احتمال تلف شدن مال را در آنجا بدهد در این صورت لازم نیست از آنجا ببرد.

#### مسئله ۲۴۴۹

اگر صاحب مال دیوانه شود کسی که امانت را قبول کرده باید فوراً امانت را به ولی او برساند و یا به ولی او خبر دهد و اگر بدون عذر شرعی مال را به ولی او ندهد و از خبر دادن هم کوتاهی کند و مال تلف شود، باید عوض آن را بدهد.

#### مسئله ۲۴۵۰

اگر صاحب مال بمیرد، امانت دار باید مال را به وارث او برساند یا به وارث او خبر دهد و چنانچه مال را به وارث او ندهد و از خبر دادن هم کوتاهی کند و مال تلف شود ضامن است، ولی اگر برای آن که می‌خواهد بفهمد کسی که می‌گوید من وارث می‌تم راست می‌گوید یا نه، یا میت وارث دیگری دارد یا نه، مال را ندهد و از خبر دادن هم کوتاهی کند و مال تلف شود ضامن نیست.

#### مسئله ۲۴۵۱

اگر صاحب مال بمیرد و چند وارث داشته باشد کسی که امانت را قبول کرده باید مال را به همه ورثه بدهد و یا به وصی میت بدهد یا به کسی بدهد که همه آنان گرفتن مال را به او واگذار کرده‌اند، پس اگر بدون اجازه دیگران تمام مال را به یکی از ورثه بدهد ضامن سهم دیگران است.

#### مسئله ۲۴۵۲

اگر کسی که امانت را قبول کرده بمیرد یا دیوانه شود، وارث یا ولی او باید هر چه زودتر به صاحب مال اطلاع دهد، یا امانت را به او برساند.

#### مسئله ۲۴۵۳

اگر امانت دار نشانه‌های مرگ را در خود ببیند چنانچه ممکن است باید امانت را به صاحب آن یا وکیل او برساند و اگر ممکن نیست باید آن را به حاکم شرع بدهد و چنانچه به حاکم شرع دسترسی ندارد، در صورتی که وارث او امین است و از امانت اطلاع دارد، لازم نیست وصیت کند و گرنه باید وصیت کند و شاهد بگیرد و به وصی و شاهد اسم صاحب مال و جنس و خصوصیات مال و محل آن را بگوید.

#### مسئله ۲۴۵۴

اگر امانت دار نشانه‌های مرگ را در خود ببیند و به وظیفه‌ای که در مسئله پیش گفته شد عمل نکند، چنانچه آن امانت از بین برود باید عوضش را بدهد، اگر چه در نگهداری آن کوتاهی نکرده باشد و مرض او خوب شود، یا بعد از مدتی پشیمان شود و وصیت کند.

**احکام عاریه****مسئله ۲۴۵۵**

عاریه آن است که انسان مال خود را به دیگری بدهد که از آن استفاده کند و در عوض، چیزی هم از او نگیرد.

**مسئله ۲۴۵۶**

لازم نیست در عاریه صیغه بخوانند و اگر مثلاً لباس را به قصد عاریه به کسی بدهد و او به همین قصد بگیرد عاریه صحیح است.

**مسئله ۲۴۵۷**

عاریه دادن چیز غضبی و چیزی که مال انسان است ولی منفعت آن را به دیگری واگذار کرده مثلاً آن را اجاره داده، در صورتی صحیح است که مالک چیز غضبی یا کسی که آن چیز را اجاره کرده بگوید به عاریه دادن راضی هستم.

**مسئله ۲۴۵۸**

چیزی را که منفعتش مال انسان است مثلاً آن را اجاره کرده می‌تواند عاریه بدهد. ولی اگر در اجاره شرط کرده باشد که خودش از آن استفاده کند و یا آن که انسان بداند که او نمی‌خواهد دیگری از آن استفاده کند نمی‌تواند آن را به دیگری عاریه دهد.

**مسئله ۲۴۵۹**

اگر دیوانه و بچه مال خود را عاریه بدهند صحیح نیست، اما اگر وَلّی بچه بنا بر مصلحت عاریه دهد و نیز بچه با اذن وَلّی عاریه دهد اشکال ندارد.

**مسئله ۲۴۶۰**

اگر در نگهداری چیزی که عاریه کرده کوتاهی نکند و در استفاده از آن هم زیاده‌روی ننماید و اتفاقاً آن چیز تلف شود ضامن نیست، ولی چنانچه شرط کنند که اگر تلف شود عاریه کننده ضامن باشد، یا چیزی را که عاریه کرده طلا و نقره باشد، باید عوض آن را بدهد.

**مسئله ۲۴۶۱**

اگر طلا و نقره را عاریه نماید و شرط کند که اگر تلف شود ضامن نباشد، چنانچه تلف شود ضامن نیست.

**مسئله ۲۴۶۲**

اگر عاریه دهنده بمیرد، عاریه گیرنده باید چیزی را که عاریه کرده به ورثه او بدهد.

**مسئله ۲۴۶۳**

اگر عاریه دهنده طوری شود که شرعاً نتواند در مال خود تصرف کند مثلاً دیوانه شود، عاریه کننده باید مالی را که عاریه کرده به ولی او بدهد.

#### مسئله ۲۴۶۴

کسی که چیزی عاریه داده هر وقت بخواهد می‌تواند آن را پس بگیرد و کسی هم که عاریه کرده هر وقت بخواهد می‌تواند آن را پس دهد.

#### مسئله ۲۴۶۵

اگر ظرف طلا و نقره را برای زینت اتاق عاریه بدهند اشکال ندارد، ولی اگر برای استفاده حرام بدهند باطل است.

#### مسئله ۲۴۶۶

عاریه دادن گوسفند برای استفاده از شیر و پشم آن و عاریه دادن حیوان نر برای کشیدن بر ماده صحیح است.

#### مسئله ۲۴۶۷

اگر چیزی را که عاریه کرده به مالک، یا وکیل یا ولی او بدهد و بعد آن چیز تلف شود، عاریه کننده ضامن نیست و در غیر این صورت ضامن است اگر چه مثلاً آن را به جایی ببرد که صاحبش معمولاً به آنجا می‌برده مثلاً اسب را در اصطبل که صاحبش برای آن درست کرده ببندد.

#### مسئله ۲۴۶۸

اگر چیز نجس را برای استفاده خوردن و آشامیدن عاریه دهد، مثل ظروف باید نجس بودن آن را به کسی که عاریه می‌کند بگوید.

#### مسئله ۲۴۶۹

چیزی را که عاریه کرده بدون اجازه صاحب آن نمی‌تواند به دیگری اجاره، یا عاریه دهد.

#### مسئله ۲۴۷۰

اگر چیزی را که عاریه کرده با اجازه صاحب آن به دیگری عاریه دهد، چنانچه کسی که اول آن چیز را عاریه کرده بمیرد یا دیوانه شود، عاریه دومی باطل نمی‌شود.

#### مسئله ۲۴۷۱

اگر بداند مالی را که عاریه کرده غصبی است، باید آن را به صاحبش برساند و نمی‌تواند به عاریه دهنده بدهد.

#### مسئله ۲۴۷۲

اگر مالی را که می‌داند غصبیست عاریه کند و از آن استفاده‌ای ببرد و در دست او از بین برود، مالک می‌تواند عوض مال را از او یا از کسی که مال را غصب کرده مطالبه کند و نیز عوض استفاده‌هایی را که عاریه گیرنده برده می‌تواند از او مطالبه نماید، ولی اگر بخواهد از غاصب بگیرد اشکال دارد و اگر عوض مال یا استفاده آن را از عاریه کننده بگیرد، او نمی‌تواند چیزی را که به مالک می‌دهد از عاریه دهنده مطالبه نماید.

### مسئله ۲۴۷۳

اگر نداند مالی را که عاریه کرده غصبیست و در دست او از بین برود، چنانچه صاحب مال عوض آن را از او بگیرد، او هم می‌تواند آنچه را به صاحب مال داده از عاریه دهنده مطالبه نماید، ولی اگر چیزی را که عاریه کرده طلا و نقره باشد، یا عاریه دهنده با او شرط کرده باشد که اگر آن چیز از بین برود عوضش را بدهد، نمی‌تواند چیزی را که به صاحب مال می‌دهد، از عاریه دهنده مطالبه نماید.

### [عقد و ازدواج]

#### اشاره

به واسطه عقد ازدواج، زن به مرد حلال می‌شود و آن بر دو قسم است دائم و غیر دائم. عقد دائم آن است که مدت زناشویی در آن معین نشود و زنی را که به این قسم عقد می‌کنند دائمه می‌گویند و عقد غیر دائم آن است که مدت زناشویی در آن معین شود، مثلاً زن را به مدت یک ساعت یا یک روز یا یک ماه یا یک سال یا بیشتر عقد نمایند و زنی را که به این قسم عقد کنند متعه و صیغه می‌نامند.

#### احکام عقد

### مسئله ۲۴۷۴

در زناشویی چه دائم و چه غیر دائم، باید صیغه خوانده شود و تنها راضی بودن زن و مرد کافی نیست و صیغه عقد را یا خود زن و مرد می‌خوانند، یا دیگری را وکیل می‌کنند که از طرف آنان بخواند.

### مسئله ۲۴۷۵

وکیل لازم نیست مرد باشد، زن هم می‌تواند برای خواندن صیغه عقد از طرف دیگری وکیل شود.

### مسئله ۲۴۷۶

زن و مرد تا یقین نکنند که وکیل آنها صیغه را خوانده است، نمی‌توانند به یکدیگر نگاه محرمانه نمایند و گمان به این که وکیل صیغه را خوانده است کفایت نمی‌کند، ولی اگر وکیل بگوید صیغه را خوانده‌ام کافی است.

### مسئله ۲۴۷۷

اگر زنی کسی را وکیل کند که مثلاً ده روزه او را به عقد مردی در آورده و ابتدای ده روز را معین نکند در صورتی که از گفته

زن معلوم شود که به وکیل اختیار کامل داده آن وکیل می‌تواند هر وقت که بخواهد او را ده روز به عقد آن مرد در آورد و اگر معلوم باشد که زن، روز یا ساعت معینی را قصد کرده باید صیغه را مطابق قصد او بخواند.

### مسئله ۲۴۷۸

یک نفر می‌تواند برای خواندن صیغه عقد دائم یا غیر دائم از طرف دو نفر وکیل شود و نیز انسان می‌تواند از طرف زن وکیل شود و او را برای خود به طور دائم یا غیر دائم عقد کند، ولی احتیاط مستحب آن است که عقد را دو نفر بخوانند.

## احکام نکاح یا ازدواج

### احکام عقد

#### دستور خواندن عقد دائم

### مسئله ۲۴۷۹

اگر صیغه دائم را خود زن و مرد بخوانند و اول زن بگوید:

زَوْجَتِكَ نَفْسِي عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ (یعنی خود را زن تو نمودم به مهری که معین شده) پس از آن بدون فاصله مرد بگوید:

قَبِلْتُ التَّرْوِيجَ (یعنی قبول کردم این ازدواج را) عقد صحیح است و اگر دیگری را وکیل کنند که از طرف آنها صیغه عقد را بخواند

چنانچه مثلاً اسم مرد احمد و اسم زن فاطمه باشد و وکیل زن بگوید:

زَوْجَتِ مَوْلَاتِي فَاطِمَةَ مَوْلَاكَ أَحْمَدَ عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ، پس بدون فاصله وکیل مرد بگوید:

قَبِلْتُ لِمَوْلَاكَ أَحْمَدَ عَلَى الصَّدَاقِ صَحِيحٌ مِي بَاشَد.

#### دستور خواندن عقد غیر دائم

### مسئله ۲۴۸۰

اگر خود زن و مرد بخواهند صیغه عقد غیر دائم را بخوانند، بعد از آن که مدت و مهر را معین کردند، چنانچه زن بگوید:

زَوْجَتِكَ نَفْسِي فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ بعد بدون فاصله مرد بگوید:

قَبِلْتُ صَحِيحٌ اسْتِ وَاكْرَ دِيكْرِي رَا وَاكْلِي كَنْدِ وَاوْلِي وَاكْلِي زَنْ بَهْ وَاكْلِي مَرْدٌ بَكْوِيْد:

مَتَّعْتُ مَوْلَاتِي مَوْلَاكَ فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ، پس بدون فاصله وکیل مرد بگوید:

قَبِلْتُ لِمَوْلَاكَ هَكَذَا صَحِيحٌ مِي بَاشَد.

### شرایط عقد

### مسئله ۲۴۸۱

عقد ازدواج چند شرط دارد:

اول آن که به احتیاط واجب به عربی صحیح خوانده شود و اگر خود مرد و زن نتوانند صیغه را به عربی صحیح بخوانند، به هر لفظی که صیغه را بخوانند صحیح است و لازم هم نیست که وکیل بگیرند اما باید لفظی بگویند که معنی «زوجت و قبلت» را بفهماند. دوم مرد و زن یا وکیل آنها که صیغه را می‌خوانند قصد انشاء داشته باشند یعنی اگر خود مرد و زن صیغه را می‌خوانند، زن به گفتن «زوجتک نفسی» قصدش این باشد که خود را زن او قرار دهد و مرد به گفتن «قبلت الترویج» زن بودن او را برای خود قبول نماید و اگر وکیل مرد و زن صیغه را می‌خوانند، به گفتن «زوجت و قبلت» قصدشان این باشد که مرد و زنی که آنان را وکیل کرده‌اند، زن و شوهر شوند.

سوم کسی که صیغه را می‌خواند باید عاقل و بالغ باشد، چه برای خودش بخواند یا از طرف دیگری وکیل شده باشد چهارم اگر وکیل زن و شوهر یا ولی آنها صیغه را می‌خوانند، در عقد، زن و شوهر را معین کنند مثلاً اسم آنها را ببرند یا به آنها اشاره نمایند. پس کسی که چند دختر دارد، اگر به مردی بگوید زوجتک احدی بناتی (یعنی زن تو نمودم یکی از دخترانم را) و او بگوید قبلت یعنی قبول کردم، چون در موقع عقد، دختر را معین نبوده عقد باطل است. پنجم زن و مرد به ازدواج راضی باشند، ولی اگر زن ظاهراً به کراهت اذن دهد و معلوم باشد قلباً راضیست عقد صحیح است.

#### مسئله ۲۴۸۲

اگر در عقد یک حرف غلط خوانده شود که معنی آن را عوض کند عقد باطل است.

#### مسئله ۲۴۸۳

کسی که دستور زبان عربی را نمی‌داند، اگر قرائتش صحیح باشد و معنای هر کلمه از عقد را جداگانه بداند و قصد انشاء را بداند و از هر لفظی معنای آن را قصد نماید می‌تواند عقد را بخواند.

#### مسئله ۲۴۸۴

اگر زنی را برای مردی بدون اجازه آنان عقد کنند و بعداً زن و مرد بگویند به آن عقد راضی هستیم عقد صحیح است.

#### مسئله ۲۴۸۵

اگر زن و مرد یا یکی از آن دو را به ازدواج مجبور نمایند و بعد از خواندن عقد - در صورتی که آنها عقد را رد نکرده باشند - به عقد راضی شوند و بگویند به آن عقد راضی هستیم عقد صحیح است.

#### مسئله ۲۴۸۶

پدر و جد پدری می‌تواند برای فرزند نا بالغ یا دیوانه خود که با حال دیوانگی بالغ شده است و هم چنین اگر دیوانگی بعد از بلوغ بوده ازدواج کنند و بعد از آن که آن طفل بالغ شد، یا دیوانه عاقل گردید، اگر ازدواجی که برای او کرده‌اند مفسده‌ای نداشته نمی‌تواند آن را به هم بزند و اگر مفسده‌ای داشته می‌تواند آن را به هم بزند.

### مسئله ۲۴۸۷

دختری که به حد بلوغ رسیده و رشیده است یعنی مصلحت خود را تشخیص می‌دهد، اگر بخواهد شوهر کند، چنانچه باکره باشد، بنا بر احتیاط واجب باید از پدر یا جد پدری خود اجازه بگیرد و اجازه مادر و برادر لازم نیست.

### مسئله ۲۴۸۸

اگر پدر و جد پدری غائب باشند، به طوری که نشود از آنان اذن گرفت و دختر هم احتیاج به شوهر کردن داشته باشد لازم نیست از پدر و جد پدری اجازه بگیرند و هم چنین اگر از ازدواج با کسی که شرعاً و عرفاً با دختر کفو است و نیز اگر دختر باکره نباشد در صورتی که بکارتش به واسطه شوهر کردن از بین رفته باشد، اجازه پدر و جد پدری لازم نیست، ولی اگر به واسطه ضروت‌های پزشکی و یا حرکت‌های ورزشی و از این قبیل از بین رفته باشد احتیاط واجب آن است که اجازه بگیرد و هم چنین اگر بکارتش به واسطه و طی به شبهه و زنا از بین رفته باشد احتیاط آن است که اجازه بگیرد.

### مسئله ۲۴۸۹

اگر پدر، یا جد پدری برای پسر نا بالغ خود زن بگیرد، پسر باید بعد از بالغ شدن خرج آن زن را بدهد.

### مسئله ۲۴۹۰

اگر پدر یا جد پدری برای پسر نا بالغ خود، زن بگیرد، چنانچه پسر در موقع عقد مالی داشته است مدیون مهر زن است و اگر در موقع عقد مالی نداشته پدر، یا جد او باید مهر زن را بدهند.

**عیب‌هایی که به واسطه آنها می‌شود عقد را به هم زد**

### مسئله ۲۴۹۱

اگر مرد بعد از عقد بفهمد که زن یکی از این هفت عیب را دارد می‌تواند عقد را بهم بزند:  
اول دیوانگی.  
دوم مرض خوره.



سوم مرض برص.

چهارم کوری.

پنجم شل بودن به طوری که معلوم باشد.

ششم آن که افضا شده یعنی راه بول و حیض یا راه حیض و غائط او یکی شده باشد ولی اگر راه حیض و غائط او یکی شده باشد

به هم زدن عقد اشکال دارد و باید احتیاط شود.

هفتم آن که گوشت، یا استخوانی یا غده‌ای در فرج او باشد که مانع نزدیکی شود.

### مسئله ۲۴۹۲

اگر زن بعد از عقد بفهمد که شوهر او قبل از عقد دیوانه بوده یا بعداً دیوانه شده است یا قبل از عقد آلت مردی نداشته یا قبل از

عقد عتین بوده است و نمی‌توانسته وطی و نزدیکی نماید یا بعد از عقد بدون آن که نزدیکی کرده باشد عتین شده یا تخم‌های او را

قبل از عقد کشیده‌اند می‌تواند عقد را به هم بزند.

### مسئله ۲۴۹۳

اگر مرد یا زن، به واسطه یکی از عیب‌هایی که در مسئله پیش گفته شد عقد را به هم بزند، باید بدون طلاق از هم جدا شوند.

### مسئله ۲۴۹۴

اگر به واسطه آن که مرد عتین است و نمی‌تواند وطی و نزدیکی کند، زن عقد را بهم بزند، شوهر باید نصف مهر را بدهد. ولی اگر

به واسطه یکی از عیب‌های دیگری که گفته شد مرد، یا زن عقد را به هم بزند، چنانچه مرد با زن نزدیکی نکرده باشد، چیزی بر او

نیست و اگر نزدیکی کرده، باید تمام مهر را بدهد.

### عده‌ای از زن‌ها که ازدواج با آنان حرام است

### مسئله ۲۴۹۵

ازدواج با زن‌هایی که مثل مادر و خواهر و مادر زن با انسان محرم هستند حرام است.

### مسئله ۲۴۹۶

اگر کسی زنی را برای خود عقد نماید، اگر چه با او نزدیکی نکند، مادر و مادر مادر آن زن و مادر پدر او هر چه بالا روند به آن

مرد محرم می‌شوند.

**مسئله ۲۴۹۷**

اگر زنی را عقد کند و با او نزدیکی نماید، دختر و نوه دختری و پسری آن زن هر چه پایین روند، چه در وقت عقد باشند یا بعداً به دنیا بیایند، به آن مرد محرم می‌شوند.

**مسئله ۲۴۹۸**

اگر با زنی که برای خود عقد کرده نزدیکی هم نکرده باشد، تا وقتی که آن زن در عقد او است نمی‌تواند با دختر او ازدواج کند.

**مسئله ۲۴۹۹**

عمه و خاله پدر و عمه و خاله پدر و عمه و خاله مادر و عمه و خاله مادر هر چه بالا روند به انسان محرمند.

**مسئله ۲۵۰۰**

پدر و جد شوهر، هر چه بالا روند و پسر و نوه پسری و دختری او هر چه پایین آیند چه در موقع عقد باشند، یا بعداً به دنیا بیایند به زن او محرم هستند.

**مسئله ۲۵۰۱**

اگر زنی را برای خود عقد کند، دائمه باشد، یا صیغه تا وقتی که آن در عقد او است نمی‌تواند با خواهر آن زن ازدواج نماید.

**مسئله ۲۵۰۲**

اگر زن خود را به ترتیبی که در کتاب طلاق گفته می‌شود طلاق رجعی دهد، در بین عده نمی‌تواند خواهر او را عقد نماید، بلکه در عده طلاق بائن هم که بعداً بیان می‌شود، احتیاطاً مستحب آن است که از ازدواج با خواهر او خودداری نماید.

**مسئله ۲۵۰۳**

انسان نمی‌تواند بدون اجازه زن خود با خواهر زاده و برادرزاده او ازدواج کند ولی اگر بدون اجازه زنش آنان را عقد نماید و بعداً زن بگوید به آن عقد راضی هستم اشکال ندارد.

**مسئله ۲۵۰۴**

اگر زن بفهمد شوهرش برادر زاده یا خواهر زاده او را عقد کرده و حرفی نزنند، چنانچه بعداً رضایت ندهد عقد آنان باطل است، بلکه اگر از حرف نزدنش معلوم باشد که باطنا راضی بوده احتیاط واجب آن است که شوهرش از برادرزاده او جدا شود مگر آن که اجازه دهد.

#### مسئله ۲۵۰۵

اگر انسان پیش از آن که دختر عمه یا دختر خاله خود را بگیرد با مادر آنان زنا کند، دیگر نمی‌تواند با آنان ازدواج نماید.

#### مسئله ۲۵۰۶

اگر با دختر عمه یا دختر خاله خود ازدواج نماید و پیش از آن که با آنان نزدیکی کند با مادرشان زنا نماید احتیاط آن است که از آنها جدا شود.

#### مسئله ۲۵۰۷

اگر با زنی غیر از عمه و خاله خود زنا کند، احتیاط واجب آن است که با دختر او ازدواج نکند، ولی اگر زنی را عقد نماید و با او نزدیکی کند بعد با مادر او زنا کند، آن زن بر او حرام نمی‌شود و همچنین اگر پیش از آن که با او نزدیکی کند با مادر او زنا نماید، احتیاط آن است که از آن زن جدا شود.

#### مسئله ۲۵۰۸

زن مسلمان نمی‌تواند به عقد کافر در آید، مرد مسلمان هم نمی‌تواند با زن‌های کافره به طور دائم ازدواج کند ولی صیغه کردن زن‌های اهل کتاب مانند یهود و نصاری مانعی ندارد.

#### مسئله ۲۵۰۹

اگر با زنی که در عده طلاق رجعیست زنا کند آن زن بر او حرام می‌شود و اگر با زنی که در عده متعه، یا طلاق بائن، یا عده وفات است زنا کند، بعداً می‌تواند او را عقد نماید، اگر چه احتیاط مستحب آن است که با او ازدواج نکند و معنای طلاق رجعی و طلاق بائن و عده متعه و عده وفات در احکام طلاق گفته خواهد شد.

#### مسئله ۲۵۱۰

اگر با زن بی‌شوهری که در عده نیست زنا کند، بعداً می‌تواند آن زن را برای خود عقد نماید، ولی احتیاط مستحب آن است که صبر کند تا آن زن حیض ببیند بعد او را عقد نماید و همچنین است اگر دیگری بخواهد آن زن را عقد کند.

#### مسئله ۲۵۱۱

اگر زنی را که در عده دیگریست برای خود عقد کند، چنانچه مرد و زن، یا یکی از آنان بدانند که عده زن تمام نشده و بدانند عقد کردن زن در عده حرام است آن زن بر او حرام می‌شود، اگر چه مرد بعد از عقد با آن زن نزدیکی نکرده باشد.

#### مسئله ۲۵۱۲

اگر زنی را برای خود عقد کند و بعد معلوم شود که در عده بوده چنانچه هیچ کدام نمی‌دانسته‌اند زن در عده است و نمی‌دانسته‌اند که عقد کردن زن در عده حرام است، در صورتی که مرد با او نزدیکی کرده باشد، آن زن بر او حرام می‌شود.

#### مسئله ۲۵۱۳

اگر انسان بداند زنی شوهر دارد و با او ازدواج کند باید از او جدا شود و بعداً هم نمی‌تواند او را برای خود عقد کند.

#### مسئله ۲۵۱۴

زن شوهردار اگر زنا بدهد بر شوهر خود حرام نمی‌شود و چنانچه توبه نکند و بر عمل خود باقی باشد، احتیاط آن است که شوهر، او را طلاق دهد ولی باید مهرش را بدهد.

#### مسئله ۲۵۱۵

زنی را که طلاق داده‌اند و زنی که صیغه بوده و شوهرش مدت او را بخشیده یا مدتش تمام شده، چنانچه بعد از مدتی شوهر کند و بعد شک کند که موقع عقد شوهر دوم عده شوهر اول تمام بوده یا نه، باید به شک خود اعتنا نکند.

#### مسئله ۲۵۱۶

مادر و خواهر و دختر پسری که لواط داده بر لواط کننده حرام است اگر چه لواط کننده و لواط دهنده بالغ نباشند. ولی اگر گمان کند که دخول شده، یا شک کند که دخول شده یا نه، بر او حرام نمی‌شوند.

#### مسئله ۲۵۱۷

اگر با مادر یا خواهر یا دختر کسی ازدواج نماید و بعد از ازدواج با آن کس لواط کند آنها بر او حرام نمی‌شوند.

### مسئله ۲۵۱۸

اگر کسی در حال احرام که یکی از کارهای حج است، با زنی ازدواج نماید عقد او باطل است و چنانچه می‌دانسته که زن گرفتن بر او حرام است، دیگر نمی‌تواند آن زن را عقد کند.

### مسئله ۲۵۱۹

اگر زنی که در حال احرام است با مردی که در حال احرام نیست ازدواج کند عقد او باطل است و اگر زن می‌دانسته که ازدواج در حال احرام حرام است واجب است که بعداً با آن مرد ازدواج نکند.

### مسئله ۲۵۲۰

اگر مرد طواف نساء را که یکی از کارهای حج است به جا نیاورد، زنش که به واسطه محرم شدن بر او حرام شده بود حلال نمی‌شود و نیز اگر زن طواف نساء نکند، شوهرش بر او حلال نمی‌شود، ولی اگر بعداً طواف نساء را انجام دهند به یکدیگر حلال می‌شوند.

### مسئله ۲۵۲۱

اگر کسی دختر نابالغی را برای خود عقد کند و پیش از آن که نه سال دختر تمام شود، با او نزدیکی و دخول کند، چنانچه او را افضا نماید هیچ وقت نباید با او نزدیکی کند.

### مسئله ۲۵۲۲

زنی را که سه مرتبه طلاق داده‌اند بر شوهرش حرام می‌شود، ولی اگر با شرایطی که در کتاب طلاق گفته می‌شود با مرد دیگری ازدواج کند، شوهر اول می‌تواند دوباره او را برای خود عقد نماید.

### احکام عقد دائم

### مسئله ۲۵۲۳

زنی که عقد دائمی شده نباید بدون اجازه شوهر از خانه بیرون رود و باید خود را برای هر لذتی که او می‌خواهد، تسلیم نماید و

بدون عذر شرعی از نزدیکی کردن او جلوگیری نکند و اگر در اینها از شوهر اطاعت کند، تهیه غذا و لباس و منزل او و لوازم دیگری که در کتب ذکر شده بر شوهر، واجب است و اگر تهیه نکند چه توانایی داشته باشد، یا نداشته باشد مدیون زن است.

### مسئله ۲۵۲۴

اگر زن در کارهایی که در مسئله پیش گفته شد اطاعت شوهر را نکند گناهکار است و حق غذا و لباس و منزل و هم خوابی ندارد ولی مهر او از بین نمی‌رود.

### مسئله ۲۵۲۵

مرد حق ندارد زن خود را به خدمت خانه مجبور کند.

### مسئله ۲۵۲۶

مخارج سفر زن اگر بیشتر از مخارج وطن باشد با شوهر نیست، ولی اگر شوهر مایل باشد که زن را سفر ببرد باید خرج سفر او را بدهد.

### مسئله ۲۵۲۷

زنی که از شوهر اطاعت می‌کند و شوهر خرج او را نمی‌دهد اگر ممکن است می‌تواند خرج خود را بدون اجازه او بردارد و اگر ممکن نیست چنانچه ناچار باشد که معاش خود را تهیه کند اگر نمی‌تواند با اطاعت شوهر تهیه معاش کند در موقعی که مشغول تهیه معاش است اطاعت شوهر بر او واجب نیست ولی احتیاط آن است که از حاکم شرع هم اجازه بگیرد.

### مسئله ۲۵۲۸

مرد نمی‌تواند زن دائمی خود را به طوری ترک کند که نه مثل زن شوهردار باشد نه مثل زن بی‌شوهر، لکن اولی این است که هر چهار شب یک شب نزد او بماند.

### مسئله ۲۵۲۹

شوهر نمی‌تواند بیش از چهار ماه نزدیکی با عیال دائمی خود را ترک کند.

### مسئله ۲۵۳۰

اگر در عقد دائمی مهر را معین نکنند عقد صحیح است مگر آن که زن راضی باشد و چنانچه مرد با زن نزدیکی کند، باید مهر او را مطابق مهر زن‌هایی که مثل او هستند بدهد.

### مسئله ۲۵۳۱

اگر موقع خواندن عقد دائمی برای دادن مهر مدتی معین نکرده باشند، زن می‌تواند پیش از گرفتن مهر از نزدیکی کردن شوهر جلوگیری کند، چه شوهر توانایی دادن مهر را داشته باشد چه نداشته باشد. ولی اگر پیش از گرفتن مهر به نزدیکی راضی شود و شوهر با او نزدیکی کند دیگر نمی‌تواند بدون عذر شرعی از نزدیکی شوهر جلوگیری نماید.

### متعہ یا صیغہ

### مسئله ۲۵۳۲

صیغه کردن زن اگر چه برای لذت بردن هم نباشد صحیح است.

### مسئله ۲۵۳۳

شوهر بیش از چهار ماه نباید نزدیکی با متعه خود را ترک کند.

### مسئله ۲۵۳۴

زنی که صیغه می‌شود اگر در عقد شرط کند که شوهر با او نزدیکی نکند، عقد و شرط او صحیح است و شوهر فقط می‌تواند لذت‌های دیگر از او ببرد، ولی اگر بعداً به نزدیکی راضی شود، شوهر می‌تواند با او نزدیکی نماید.

### مسئله ۲۵۳۵

زنی که صیغه شده اگر چه آبستن شود حق خرجی ندارد.

### مسئله ۲۵۳۶

زنی که صیغه شده حق هم‌خوابی ندارد و از شوهر ارث نمی‌برد و شوهر هم از او ارث نمی‌برد مگر در صورتی که ارث بردن را شرط کرده باشند که در این صورت هر کسی که شرط کرده ارث می‌برد.

**مسئله ۲۵۳۷**

زنی که صیغه شده اگر نداند که حق خرجی و هم خوابی ندارد عقد او صحیح است و برای آن که نمی دانسته، حقی به شوهر پیدا نمی کند.

**مسئله ۲۵۳۸**

زنی که صیغه شده، می تواند بدون اجازه شوهر از خانه بیرون برود، ولی اگر به واسطه بیرون رفتن، حق شوهر از بین می رود بیرون رفتن او حرام است.

**مسئله ۲۵۳۹**

اگر زنی مردی را وکیل کند که به مدت و مبلغ معین او را برای خود صیغه نماید، چنانچه مرد او را به عقد دائم خود در آورد یا به غیر از مدت یا مبلغی که معین شده او را صیغه کند، وقتی آن زن فهمید اگر بگوید راضی هستم عقد صحیح و گرنه باطل است.

**مسئله ۲۵۴۰**

پدر و جد پدری می توانند برای محرم شدن، یک ساعت یا دو ساعت زنی را به عقد پسر نا بالغ خود در آورند و نیز می توانند دختر نا بالغ خود را برای محرم شدن، به عقد کسی در آورند ولی باید آن عقد برای دختر مفسده نداشته باشد.

**مسئله ۲۵۴۱**

اگر پدر یا جد پدری، طفل خود را که در محل دیگریست و نمی داند زنده است یا مرده، برای محرم شدن به عقد کسی در آورد، بر حسب ظاهر محرم بودن حاصل می شود و چنانچه بعداً معلوم شود که در موقع عقد آن دختر زنده نبوده عقد باطل است و کسانی که به واسطه عقد ظاهراً محرم شده بودند نامحرمند.

**مسئله ۲۵۴۲**

اگر مرد مدت صیغه را ببخشد، چنانچه با او نزدیکی کرده، باید تمام چیزی را که قرار گذاشته به او بدهد و اگر نزدیکی نکرده باید نصف آن را بدهد.

**مسئله ۲۵۴۳**



مرد می‌تواند زنی را که صیغه او بوده و هنوز عده‌اش تمام نشده به عقد دائم خود در آورد و این در صورتیست که مرد قبل از عقد دائم بقیه مدت را به زن ببخشد.

### احکام نگاه کردن

#### مسئله ۲۵۴۴

نگاه کردن مرد به بدن زن نامحرم چه با قصد لذت و چه بدون آن حرام است و نگاه کردن به صورت و دستها اگر به قصد لذت باشد حرام است، ولی اگر بدون قصد لذت باشد مانعی ندارد و نیز نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم حرام می‌باشد و نگاه کردن به صورت و بدن و موی دختر نابالغ اگر به قصد لذت نباشد و به واسطه نگاه کردن هم انسان نترسد که به حرام بیفتد اشکال ندارد، ولی بنا بر احتیاط باید جاهایی را که مثل ران و شکم معمولاً می‌پوشانند نگاه نکند.

#### مسئله ۲۵۴۵

اگر انسان بدون قصد لذت به آن قسمت از بدن زن‌های اهل کتاب که معمولاً نمی‌پوشانند مثل دست و صورت نگاه کند در صورتی که نترسد به حرام بیفتد اشکال ندارد.

#### مسئله ۲۵۴۶

زن باید بدن و موی خود را از مرد نامحرم بپوشاند بلکه احتیاط واجب آن است که بدن و موی خود را از پسری هم که بالغ نشده ولی خوب و بد را می‌فهمد و به حدی رسیده که مورد نظر شهوانی است بپوشاند.

#### مسئله ۲۵۴۷

نگاه کردن به عورت دیگری حرام است، اگر چه از پشت شیشه یا در آینه یا آب صاف و مانند اینها باشد و احتیاط واجب آن است که به عورت بچه ممیز هم نگاه نکنند. ولی زن و شوهر می‌توانند به تمام بدن یکدیگر نگاه کنند.

#### مسئله ۲۵۴۸

مرد و زنی که با یکدیگر محرمند، اگر قصد لذت نداشته باشند می‌توانند غیر از عورت به تمام بدن یکدیگر نگاه کنند.

#### مسئله ۲۵۴۹

مرد نباید با قصد لذت به بدن مرد دیگر نگاه کند و نگاه کردن زن هم به بدن زن دیگر با قصد لذت حرام است.

#### مسئله ۲۵۵۰

عکس برداشتن مرد از زن نامحرم حرام نیست ولی اگر برای عکس برداشتن مجبور شود که حرام دیگری انجام دهد مثلاً دست به بدن او بزند نباید عکس او را بردارد و اگر زن نامحرمی را بشناسد در صورتی که آن زن متهتک نباشد نباید به عکس او نگاه کند.

#### مسئله ۲۵۵۱

اگر در حال ناچاری زن بخواهد زن دیگر، یا مردی غیر از شوهر خود را تنقیه کند، یا عورت او را آب بکشد، باید چیزی در دست کند که دست او به عورت آنها نرسد و همچنین است اگر مرد بخواهد مرد دیگر، یا زنی غیر زن خود را تنقیه کند، یا عورت او را آب بکشد.

#### مسئله ۲۵۵۲

اگر مرد برای معالجه زن نامحرم ناچار باشد که او را نگاه کند و دست به بدن او بزند اشکال ندارد، ولی اگر با نگاه کردن بتواند معالجه کند نباید دست به بدن او بزند و اگر با دست زدن بتواند معالجه کند، نباید او را نگاه کند.

#### مسئله ۲۵۵۳

اگر انسان برای معالجه کسی ناچار شود که به عورت او نگاه کند، بنا بر احتیاط واجب باید آئینه را در مقابل گذاشته و در آن نگاه کند ولی اگر چاره‌ای جز نگاه کردن به عورت نباشد اشکال ندارد.

#### مسائل متفرقه زناشویی

#### مسئله ۲۵۵۴

کسی که به واسطه نداشتن زن به حرام می‌افتد، واجب است زن بگیرد.

#### مسئله ۲۵۵۵

اگر شوهر در عقد شرط کند که زن باکره باشد یا آن که عقد بر محور باکره بودن زن انجام شود و بعد از عقد معلوم شود که باکره نبوده، می‌تواند عقد را به هم بزند.

**مسئله ۲۵۵۶**

اگر مرد و زن نامحرم در محل خلوتی باشند که کسی در آنجا نباشد و دیگری هم نمی‌تواند وارد شود چنانچه بترسند که به حرام بیفتند باید از آنجا بیرون بروند.

**مسئله ۲۵۵۷**

اگر مرد مهر زن را در عقد معین کند و قبول داشته باشد که مهریه را بدهکار است و هنگام عقد با قصد جدی صیغه عقد را بخواند ولی قصدش این باشد که آن را ندهد عقد صحیح است ولی مهر را باید بدهد.

**مسئله ۲۵۵۸**

مسلمانی که منکر خدا یا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یا معاد و یا حکم ضروری دین شود یعنی حکمی را که مسلمانان جزء دین اسلام می‌دانند مثل واجب بودن نماز و روزه انکار کند، در صورتی که منکر شدن آن حکم، به انکار خدا یا پیغمبر برگردد و یا آن که از نواصب و غلاة و خوارج گردد مرتد است.

**مسئله ۲۵۵۹**

اگر زن پیش از آن که شوهرش با او نزدیکی کند به طوری که در مسئله پیش گفته شد مرتد شود، عقد او باطل می‌گردد و هم چنین است اگر بعد از نزدیکی مرتد شود ولی یائسه باشد یعنی اگر سیده است شصت سال قمری و اگر سیده نیست پنجاه سال قمری او تمام شده باشد اما اگر یائسه نباشد، باید به دستوری که در احکام طلاق گفته خواهد شد عده نگه دارد پس اگر در بین عده مسلمان شود عقد باقی و اگر تا آخر عده مرتد بماند عقد باطل است.

**مسئله ۲۵۶۰**

کسی که پدر یا مادرش در موقع بسته شدن نطفه او مسلمان بوده‌اند، چنانچه بعد از بالغ شدن اظهار اسلام کند، اگر مرتد شود زنش بر او حرام می‌شود و باید به مقداری که در احکام طلاق گفته می‌شود عده وفات نگه دارد.

**مسئله ۲۵۶۱**

مردی که از پدر و مادر غیر مسلمان به دنیا آمده و مسلمان شده اگر پیش از نزدیکی با عیالش مرتد شود، عقد او باطل می‌گردد و اگر بعد از نزدیکی مرتد شود، چنانچه زن او در سن زنهایی باشد که حیض می‌بینند باید آن زن به مقداری که در احکام طلاق گفته می‌شود عده نگه دارد، پس اگر پیش از تمام شدن عده، شوهر او مسلمان شود عقد باقی و گرنه باطل است.

**مسئله ۲۵۶۲**

اگر زن در عقد با مرد شرط کند که او را از شهر بیرون نبرد و مرد هم قبول کند، نباید زن را از آن شهر بیرون ببرد.

**مسئله ۲۵۶۳**

اگر زن انسان از شوهر دیگرش دختری داشته باشد، انسان می‌تواند آن دختر را برای پسر خود که از آن زن نیست عقد کند و نیز اگر دختری را برای پسر خود عقد کند می‌تواند با مادر آن دختر ازدواج نماید.

**مسئله ۲۵۶۴**

اگر زنی از زنا آبتن شود، جایز نیست بچه اش را سقط کند.

**مسئله ۲۵۶۵**

اگر کسی با زنی که شوهر ندارد و در عده کسی هم نیست زنا کند، چنانچه بعد او را عقد کند و بچه ای از آنان پیدا شود، در صورتی که ندانند از نطفه حلال است یا حرام، آن بچه حلال زاده است.

**مسئله ۲۵۶۶**

اگر مرد نداند که زن در عده است و با او ازدواج کند، چنانچه زن هم نداند و بچه ای از آنان به دنیا آید، حلال زاده است و شرعاً فرزندان هر دو می‌باشد ولی اگر زن می‌دانسته که در عده است شرعاً بچه، فرزند پدر است و در هر دو صورت عقد آنان باطل است و به یکدیگر حرام می‌باشند.

**مسئله ۲۵۶۷**

اگر زن بگوید یا نسهام نباید حرف او را قبول کرد، ولی اگر بگوید شوهر ندارم حرف او قبول می‌شود.

**مسئله ۲۵۶۸**

اگر بعد از آن که انسان با زنی ازدواج کرد، کسی بگوید آن زن شوهر داشته و زن بگوید نداشتم، چنانچه شرعاً ثابت نشود که زن شوهر داشته، باید حرف زن را قبول کرد.

**مسئله ۲۵۶۹**

اگر زنی که آزاد و مسلمان و عاقل است دختری داشته باشد تا هفت سال دختر تمام نشده پدر نمی‌تواند او را از مادرش جدا کند.

**مسئله ۲۵۷۰**

مستحب است در شوهر دادن دختری که بالغه است یعنی مکلف شده عجله کنند، حضرت صادق علیه السلام فرمودند: یکی از سعادت‌های مرد آن است که دخترش در خانه او حیض نبیند.

**مسئله ۲۵۷۱**

اگر زن مهر خود را به شوهر صلح کند که زن دیگر نگیرد، احتیاط واجب آن است که زن مهر را نگیرد و شوهر هم با زن دیگر ازدواج نکند.

**مسئله ۲۵۷۲**

کسی که از زنا به دنیا آمده، اگر زن بگیرد و بچه‌ای پیدا کند آن بچه حلال زاده است.

**مسئله ۲۵۷۳**

هر گاه مرد در روزه ماه رمضان یا در حال حیض زن با او نزدیکی کند معصیت کرده، ولی اگر بچه‌ای از آنان به دنیا آید حلال زاده است.

**مسئله ۲۵۷۴**

زنی که یقین دارد شوهرش در سفر مرده اگر بعد از عده وفات که مقدار آن در احکام طلاق گفته خواهد شد، شوهر کند و شوهر اول از سفر برگردد باید از شوهر دوم جدا شود و به شوهر اول حلال است ولی اگر شوهر دوم با او نزدیکی کرده باشد، زن باید عده نگه دارد و شوهر دوم باید مهر او را مطابق زن‌هایی که مثل او هستند بدهد ولی خرج عده ندارد.

**احکام شیر دادن****مسئله ۲۵۷۵**

اگر زنی بچه‌ای را با شرايطی که در مسائل آینده گفته خواهد شد، شیر دهد، آن بچه به این عده محرم می‌شود:

اول خود زن در صورتی که آن طفل پسر باشد و آن را مادر رضاعی می‌گویند.  
 دوم شوهر زن که شیر مال او است در صورتی که آن طفل دختر باشد و او را پدر رضاعی می‌گویند.  
 سوم پدر و مادر آن زن هر چه بالا روند، اگر چه پدر و مادر رضاعی او باشند.  
 چهارم بچه‌هایی که از آن زن به دنیا آمده‌اند، یا به دنیا می‌آیند.  
 پنجم بچه‌های اولاد آن زن هر چه پایین روند، چه از اولاد او به دنیا آمده، یا اولاد او آن بچه‌ها را شیر داده باشند.  
 ششم خواهر و برادر آن زن اگر چه رضاعی باشند. یعنی به واسطه شیر خوردن، با آن زن خواهر و برادر شده باشند.  
 هفتم عمو و عمه آن زن اگر چه رضاعی باشند.  
 هشتم دایی و خاله آن زن اگر چه رضاعی باشند.  
 نهم اولاد شوهر آن زن که شیر مال آن شوهر است، هر چه پایین روند، اگر چه اولاد رضاعی او باشند.  
 دهم پدر و مادر شوهر آن زن که شیر مال آن شوهر است، هر چه بالا روند.  
 یازدهم خواهر و برادر شوهری که شیر مال او است اگر چه خواهر و برادر رضاعی او باشند.  
 دوازدهم عمو و عمه و دایی و خاله شوهری که شیر مال او است هر چه بالا روند، اگر چه رضاعی باشند و نیز عده دیگری هم که در مسائل بعد گفته می‌شود، به واسطه شیر دادن محرم می‌شوند.

### مسئله ۲۵۷۶

اگر زنی بچه‌ای را با شرایطی که در مسئله  
 - گفته می‌شود شیر دهد، پدر آن بچه نمی‌تواند با دخترهایی که از آن زن به دنیا آمده‌اند ازدواج کند و نیز نمی‌تواند دخترهای شوهری را که شیر مال او است برای خود عقد نماید، بلکه احتیاط واجب آن است که دخترهای رضاعی او را هم برای خود عقد ننماید ولی جایز است با دخترهای رضاعی آن زن ازدواج کند. اگر چه احتیاط مستحب آن است که با آنان هم ازدواج نکند و نگاه محرمانه یعنی نگاهی که انسان می‌تواند به محرم‌های خود کند به آنان ننماید.

### مسئله ۲۵۷۷

اگر زنی بچه‌ای را با شرایطی که در مسائل آینده گفته می‌شود شیر دهد، پدر آن بچه نمی‌تواند با دخترهایی که از آن زن به دنیا آمده‌اند ازدواج کند و نیز نمی‌تواند دخترهای شوهری را که شیر مال او است برای خود عقد کند، بلکه احتیاط واجب آن است که دخترهای رضاعی او هم برای خود عقد ننماید، ولی جایز است با دخترهای رضاعی آن زن ازدواج کند؛ اگر چه احتیاط مستحب آن است که با آنان هم ازدواج نکند و نگاه محرمانه یعنی نگاهی که انسان می‌تواند به محرم‌های خود کند به آنان ننماید.

### مسئله ۲۵۷۸

اگر زنی بچه‌ای را با شرایطی که در مسائل آینده گفته می‌شود شیر دهد، شوهر آن زن که صاحب شیر است به خواهرهای آن بچه محرم نمی‌شود، ولی احتیاط مستحب آن است که با آنان ازدواج ننمایند و نیز خویشان شوهر به خواهر و برادر آن بچه محرم نمی‌شوند.

### مسئله ۲۵۷۹

اگر زنی بچه ای را شیر دهد، به برادرهای آن بچه محرم نمی‌شود و نیز خویشان آن زن به برادر و خواهر بچه ای که شیر خورده محرم نمی‌شوند.

### مسئله ۲۵۸۰

اگر انسان با زنی که دختری را شیر کامل داده ازدواج کند و با آن زن نزدیکی نماید، دیگر نمی‌تواند آن دختر را برای خود عقد کند.

### مسئله ۲۵۸۱

اگر انسان با دختری ازدواج کند، دیگر نمی‌تواند با زنی که آن دختر را شیر کامل داده ازدواج نماید.

### مسئله ۲۵۸۲

انسان نمی‌تواند با دختری که مادر، یا مادر بزرگ انسان او را شیر کامل داده ازدواج کند و نیز اگر زن پدر انسان از شیر پدر او دختری را شیر داده باشد، انسان نمی‌تواند با آن دختر ازدواج نماید و چنانچه دختر شیرخواری را برای خود عقد کند بعد مادر یا مادر بزرگ یا زن پدر او از شیر همان پدر آن دختر را شیر دهد، عقد باطل می‌شود.

### مسئله ۲۵۸۳

با دختری که خواهر، یا زن برادر انسان از شیر برادرش او را شیر کامل داده نمی‌شود ازدواج کرد و همچنین است اگر خواهر زاده یا برادرزاده، یا نوه خواهر یا نوه برادر انسان آن دختر را شیر داده باشد.

### مسئله ۲۵۸۴

اگر زنی بچه دختر خود را شیر دهد، آن دختر به شوهر خود حرام می‌شود و همچنین است اگر بچه ای را که شوهر دخترش از زن دیگر دارد شیر دهد. ولی اگر بچه پسر خود را شیر دهد، زن پسرش که مادر آن طفل شیرخوار است بر شوهر خود حرام نمی‌شود.

### مسئله ۲۵۸۵

اگر زن پدر دختری، بچه شوهر آن دختر را از شیر آن پدر شیر دهد، آن دختر به شوهر خود حرام می‌شود، چه بچه از همان دختر یا زن دیگر شوهر او باشد.

### شرایط شیر دادنی که علت محرم شدن است

### مسئله ۲۵۸۶

شیر دادنی که علت محرم شدن است هشت شرط دارد:

اول بچه شیر زن زنده را بخورد، پس اگر از پستان زنی که مرده است شیر بخورد فائده ندارد.

دوم شیر آن زن از حرام نباشد، پس اگر شیر بچه ای را که از زنا به دنیا آمده به بچه دیگر بدهند، به واسطه آن شیر، بچه به کسی

محرم نمی‌شود.

سوم بچه شیر را از پستان بمکد، پس اگر شیر را در گلوی او بریزند نتیجه ندارد.

چهارم شیر، خالص و با چیز دیگر مخلوط نباشد.

پنجم شیر از یک شوهر باشد. پس اگر زن شیر دهی را طلاق دهند، بعد شوهر دیگری کند و از او آبستن شود و تا موقع زاییدن، شیری که از شوهر اول داشته باقی باشد و مثلاً هشت دفعه پیش از زاییدن از شیر شوهر اول و هفت دفعه بعد از زاییدن از شیر شوهر دوم به بچه ای بدهد، آن بچه به کسی محرم نمی‌شود.

ششم بچه به واسطه مرض شیر را قی نکند و اگر قی کند، بنا بر احتیاط واجب کسانی که به واسطه شیر خوردن به آن بچه محرم می‌شوند. باید با او ازدواج نکنند نگاه محرمانه هم به او نمایند.

هفتم پانزده مرتبه، یا یک شبانه روز به طوری که در مسأله بعد گفته می‌شود شیر سیر بخورد یا مقداری شیر به او بدهند که بگویند از آن شیر استخوانش محکم شده و گوشت در بدنش روییده است، بلکه اگر ده مرتبه هم به او شیر دهند، احتیاط مستحب آن است کسانی که به واسطه شیر خوردن او به او محرم می‌شوند، با او ازدواج نکنند و نگاه محرمانه هم به او نمایند.

هشتم دو سال بچه تمام نشده باشد و اگر بعد از تمام شدن دو سال، او را شیر دهند به کسی محرم نمی‌شود، بلکه اگر مثلاً پیش از تمام شدن دو سال، چهارده مرتبه و بعد از آن، یک مرتبه شیر بخورد، به کسی محرم نمی‌شود، ولی چنانچه از موقع زاییدن زن شیرده بیشتر از دو سال گذشته باشد و شیر او باقی باشد و بچه ای را شیر دهد آن بچه به کسانی که گفته شد، محرم می‌شود.

#### مسأله ۲۵۸۷

باید بچه در بین یک شبانه روز غذا یا شیر کس دیگر را نخورد ولی اگر کمی غذا بخورد که نگویند در بین، غذا خورده اشکال ندارد و نیز باید پانزده مرتبه را از شیر یک زن بخورد و در بین پانزده مرتبه شیر کس دیگر را نخورد و در هر دفعه بدون فاصله شیر بخورد، ولی اگر در بین شیر خوردن نفس تازه کند، یا کمی صبر کند، که از اولی که پستان در دهان می‌گیرد تا وقتی سیر می‌شود، یک دفعه حساب شود اشکال ندارد.

#### مسأله ۲۵۸۸

اگر زن از شیر شوهر خود بچه ای را شیر دهد، بعد شوهر دیگر کند و از شیر آن شوهر هم بچه دیگر را شیر دهد آن دو بچه به یکدیگر محرم نمی‌شوند، اگر چه بهتر است با هم ازدواج نکنند و نگاه محرمانه به یکدیگر نمایند.

#### مسأله ۲۵۸۹

اگر زن از شیر یک شوهر چندین بچه را شیر دهد، همه آنان به یکدیگر و به شوهر و به زنی که آنان را شیر داده محرم می‌شوند.

#### مسأله ۲۵۹۰

اگر کسی چند زن داشته باشد و هر کدام آنان با شرايطی که گفتیم، بچه ای را شیر دهد، همه آن بچه ها به یکدیگر و به آن مرد و به همه آن زن‌ها محرم می‌شوند.

#### مسأله ۲۵۹۱



اگر کسی دو زن شیرده داشته باشد و یکی از آنان بچه ای را مثلاً هشت مرتبه و دیگری هفت مرتبه شیر بدهد آن بچه به کسی محرم نمی‌شود.

### مسئله ۲۵۹۲

اگر زنی از شیر یک شوهر پسر و دختری را شیر کامل بدهد خواهر و برادر آن دختر به خواهر و برادر آن پسر محرم نمی‌شوند.

### مسئله ۲۵۹۳

انسان نمی‌تواند بدون اذن زن خود، با زنهایی که به واسطه شیر خوردن، خواهر زاده یا برادر زاده زن او شده‌اند ازدواج کند و نیز اگر با پسری لواط کند، نمی‌تواند با دختر و خواهر و مادر و مادر بزرگ آن پسر که رضاعی هستند یعنی به واسطه شیر خوردن، دختر و خواهر و مادر او شده‌اند ازدواج نماید.

### مسئله ۲۵۹۴

زنی که برادر انسان را شیر داده به انسان محرم نمی‌شود، اگر چه احتیاط مستحب آن است که با او ازدواج نکند.

### مسئله ۲۵۹۵

انسان نمی‌تواند با دو خواهر، اگر چه رضاعی باشند یعنی به واسطه شیر خوردن، خواهر یکدیگر شده باشند ازدواج کند و چنانچه دو زن را عقد کند و بعد بفهمد خواهر بوده‌اند، در صورتی که عقد آنان در یک وقت بوده هر دو باطل است و اگر در یک وقت نبوده عقد اولی صحیح و عقد دومی باطل می‌باشد.

### مسئله ۲۵۹۶

اگر زن از شیر شوهر خود کسانی را که بعداً گفته می‌شود شیر دهد، شوهرش بر او حرام نمی‌شود، اگر چه بهتر آن است که احتیاط کنند:

اول برادر و خواهر خود را.

دوم عمو و عمه و دایی و خاله خود را.

سوم اولاد عمو و اولاد دایی خود را.

چهارم برادر زاده خود را.

پنجم برادر شوهر، یا خواهر شوهر خود را.

ششم خواهر زاده خود، یا خواهر زاده شوهرش را.

هفتم عمو و عمه و دایی و خاله شوهرش را.

هشتم نوه زن دیگر شوهر خود را.

### مسئله ۲۵۹۷

اگر کسی دختر عمه یا دختر خاله انسان را شیر دهد به انسان محرم نمی‌شود ولی احتیاط مستحب آن است که از ازدواج با او

خودداری نماید.

### مسئله ۲۵۹۸

مردی که دو زن دارد، اگر یکی از آن دو زن، فرزند عموی زن دیگر را شیر دهد، زنی که فرزند عموی او شیر خورده، به شوهر خود حرام نمی‌شود.

### آداب شیر دادن

### مسئله ۲۵۹۹

برای شیر دادن بچه بهتر از هر کس مادر او است و سزاوار است که مادر برای شیر دادن از شوهر خود مزد نگیرد و خوب است که شوهر مزد بدهد و اگر مادر بخواهد بیشتر از دایه مزد بگیرد، شوهر می‌تواند بچه را از او گرفته و به دایه بدهد.

### مسئله ۲۶۰۰

مستحب است دایه‌ای که برای طفل می‌گیرند، دوازده امامی و دارای عقل و عفت و صورت نیکو باشد و مکروه است کم عقل یا غیر دوازده امامی یا بد صورت، یا بد خلق، یا زنا زاده باشد و نیز مکروه است دایه‌ای بگیرند که بچه‌ای که دارد از زنا به دنیا آمده باشد.

### مسائل متفرقه شیر دادن

### مسئله ۲۶۰۱

مستحب است از زن‌ها جلوگیری کنند که هر بچه‌ای را شیر ندهند، زیرا ممکن است فراموش شود که به چه کسانی شیر داده‌اند و بعداً دو نفر محرم با یکدیگر ازدواج نمایند.

### مسئله ۲۶۰۲

کسانی که به واسطه شیر خوردن، خویشی پیدا می‌کنند مستحب است یکدیگر را احترام نمایند، ولی از یکدیگر ارث نمی‌برند و حق‌های خویشی که انسان با خویشان خود دارد برای آنان نیست.

### مسئله ۲۶۰۳

در صورتی که ممکن باشد، مستحب است بچه را دو سال تمام شیر بدهند.

### مسئله ۲۶۰۴

اگر به واسطه شیر دادن، حق شوهر از بین نرود، زن می‌تواند بدون اجازه شوهر، بچه کس دیگر را شیر دهد، ولی جایز نیست بچه‌ای را شیر دهد که به واسطه شیر دادن به آن بچه به شوهر خود حرام شود. مثلاً اگر شوهر او دختر شیر خواری را برای خود عقد کرده باشد زن نباید آن دختر را شیر دهد، چون اگر آن دختر را شیر دهد خودش مادر زن شوهر می‌شود و بر او حرام می‌گردد.

**مسئله ۲۶۰۵**

اگر کسی بخواهد زن برادرش به او محرم شود، باید دختر شیرخواری را مثلاً دو روزه برای خود صیغه کند و در آن دو روز با شرائطی که در مسائل قبل گفته شد زن برادرش آن دختر را شیر دهد.

**مسئله ۲۶۰۶**

اگر مرد پیش از آن که زنی را برای خود عقد کند بگوید به واسطه شیر خوردن، آن زن بر او حرام شده: مثلاً بگوید شیر مادر او را خورده، چنانچه تصدیق او ممکن باشد، نمی‌تواند با آن زن ازدواج کند و اگر بعد از عقد بگوید و خود زن هم حرف او را قبول نماید عقد باطل است، پس اگر مرد با او نزدیکی نکرده باشد، یا نزدیکی کرده باشد، ولی در وقت نزدیکی کردن، زن بداند بر آن مرد حرام است، مهر ندارد و اگر بعد از نزدیکی بفهمد که بر آن مرد حرام بوده، شوهر باید مهر او را مطابق زن‌هایی که مثل او هستند بدهد.

**مسئله ۲۶۰۷**

اگر زن پیش از عقد بگوید به واسطه شیر خوردن بر مردی حرام شده، چنانچه تصدیق او ممکن باشد نمی‌تواند با آن مرد ازدواج کند و اگر بعد از عقد بگوید، مثل صورتیست که مرد بعد از عقد بگوید که زن بر او حرام است و حکم آن در مسئله پیش گفته شد.

**مسئله ۲۶۰۸**

شیر دادنی که علت محرم شدن است به دو چیز ثابت می‌شود: اول خیر دادن عده‌ای که انسان از گفته آنان یقین پیدا کند یا اطمینان پیدا کند دوم شهادت دو مرد عادل یا چهار زن که عادل باشند، ولی باید شرایط شیر دادن را هم بگویند، مثلاً بگویند ما دیده‌ایم که فلان بچه بیست و چهار ساعت از پستان فلان زن شیر خورده و چیزی هم در بین نخورده و همچنین سایر شرطها را که در مسایل قبل گفته شد شرح دهند، ولی اگر معلوم باشد که شرایط را می‌دانند و در عقیده با هم مخالف نیستند و با مرد و زن هم در عقیده مخالفت ندارند لازم نیست شرایط را شرح دهند.

**مسئله ۲۶۰۹**

اگر شك کنند بچه به مقداری که علت محرم شدن است شیر خورده یا نه، یا گمان داشته باشند که به آن مقدار شیر خورده بچه به کسی محرم نمی‌شود ولی بهتر آن است که احتیاط کنند.

**احکام طلاق****مسئله ۲۶۱۰**

مردی که زن خود را طلاق می‌دهد، باید عاقل و بنا بر احتیاط واجب بالغ باشد، و به اختیار خود طلاق دهد و اگر او را مجبور کنند که زنش را طلاق دهد طلاق باطل است و نیز باید قصد طلاق داشته باشد، پس اگر صیغه طلاق را به شوخی بگوید صحیح نیست.

**مسئله ۲۶۱۱**

زن باید در وقت طلاق از خون حیض و نفاس پاک باشد و شوهرش در آن پاکی با او نزدیکی نکرده باشد و تفصیل این دو شرط در مسائل آینده گفته می‌شود.

**مسئله ۲۶۱۲**

طلاق دادن زن در حال حیض یا نفاس در سه صورت صحیح است:

اول آن که شوهرش بعد از ازدواج با او نزدیکی نکرده باشد.

دوم آبستن باشد و اگر معلوم نباشد که آبستن است و شوهر در حال حیض طلاقش بدهد، بعد بفهمد که آبستن بوده، اشکال ندارد. سوم مرد به واسطه غائب بودن نتواند یا برایش مشکل باشد که پاک بودن زن را بفهمد.

**مسئله ۲۶۱۳**

اگر زن را از خون حیض پاک بداند و طلاقش دهد بعد معلوم شود موقع طلاق در حال حیض بوده، طلاق او باطل است و اگر او را در حیض بداند و طلاقش دهد بعد معلوم شود پاک بوده طلاق او صحیح است.

**مسئله ۲۶۱۴**

کسی که می‌داند زنش در حال حیض یا نفاس است، اگر غائب شود مثلاً مسافرت کند و بخواهد او را طلاق دهد، باید تا مدتی که معمولاً زن‌ها از حیض یا نفاس پاک می‌شوند صبر کند.

**مسئله ۲۶۱۵**

اگر مردی که غائب است بخواهد زن خود را طلاق دهد چنانچه بتواند اطلاع پیدا کند که زن او در حال حیض یا نفاس است یا نه، اگر چه اطلاع او از روی عادت حیض زن، یا نشانه‌های دیگری باشد که در شرع معین شده باید تا مدتی که معمولاً زن‌ها از حیض یا نفاس پاک می‌شوند صبر کند.

**مسئله ۲۶۱۶**

اگر با عیالش که از خون حیض و نفاس پاک است نزدیکی کند و بخواهد طلاقش دهد، باید صبر کند تا دوباره حیض ببیند و پاک شود. ولی زنی را که نه سالش تمام نشده، یا آبستن است و هم چنین اگر یائسه باشد یعنی اگر سیده است بیشتر از شصت سال قمری و اگر سیده نیست بیشتر از پنجاه سال قمری داشته باشد، اگر بعد از نزدیکی طلاق دهند اشکال ندارد.

**مسئله ۲۶۱۷**

هرگاه با زنی که از خون حیض و نفاس پاک است نزدیکی کند و در همان پاکی طلاقش دهد اگر بعد معلوم شود که موقع طلاق آبستن بوده اشکال ندارد.

**مسئله ۲۶۱۸**

اگر با زنی که از خون حیض و نفاس پاک است نزدیکی کند و مسافرت نماید. چنانچه بخواهد در سفر طلاقش دهد، باید به قدری که زن معمولاً بعد از آن پاکی، خون می‌بیند و دوباره پاک می‌شود صبر کند.

**مسئله ۲۶۱۹**

اگر مرد بخواهد زن خود را که به واسطه مرضی یا به واسطه اصل خلقت یا به خاطر استعمال دارو حیض نمی‌بیند طلاق دهد. باید از وقتی که با او نزدیکی کرده تا سه ماه از جماع با او خودداری نماید و بعد او را طلاق دهد.

**مسئله ۲۶۲۰**

طلاق باید به صیغه عربی صحیح خوانده شود و دو مرد عادل آن را بشنوند و اگر خود شوهر بخواهد صیغه طلاق را بخواند و اسم زن او مثلاً فاطمه باشد باید بگوید:  
زوجتی فاطمه طالق یعنی زن من فاطمه رهاست و اگر دیگری را وکیل کند باید بگوید:  
زوجه موکلی فاطمه طالق.

**مسئله ۲۶۲۱**

زنی که صیغه شده، مثلاً یک ماهه یا یک ساله او را عقد کرده‌اند طلاق ندارد و رها شدن او به این است که مدتش تمام شود، یا مرد مدت را به او ببخشد به این ترتیب که بگوید:  
مدت را به تو بخشیدم و شاهد گرفتن و پاک بودن زن از حیض لازم نیست.

**عده طلاق****مسئله ۲۶۲۲**

زنی که نه سالش تمام نشده و زن یا نسه عده ندارد یعنی اگر چه شوهرش با او نزدیکی کرده باشد، بعد از طلاق می‌تواند فوراً شوهر کند.

**مسئله ۲۶۲۳**

زنی که نه سالش تمام شده و یا نسه نیست اگر شوهرش با او نزدیکی کند و طلاقش دهد، بعد از طلاق باید عده نگه دارد یعنی بعد از آن که در پاکی طلاقش داده، به قدری صبر کند که دوبار حیض ببیند و پاک شود و همینکه حیض سوم را دید عده او تمام می‌شود و می‌تواند شوهر کند. ولی اگر پیش از نزدیکی کردن با او طلاقش بدهد عده ندارد، یعنی می‌تواند بعد از طلاق فوراً شوهر کند.

**مسئله ۲۶۲۴**

زنی که حیض نمی‌بیند اگر در سن زن‌هایی باشد که حیض می‌بینند، چنانچه شوهرش بعد از نزدیکی کردن او را طلاق دهد، باید

بعد از طلاق تا سه ماه عده نگه دارد.

### مسئله ۲۶۲۵

زنی که عده او سه ماه است، اگر اول ماه طلاقش بدهند باید سه ماه هلالی یعنی از موقعی که ماه دیده می‌شود تا سه ماه عده نگه دارد و اگر در بین ماه طلاقش بدهند، باید باقی ماه را با دو ماه بعد از آن و نیز کسری ماه اول را از ماه چهارم عده نگه دارد تا سه ماه تمام شود، مثلاً اگر غروب روز بیستم ماه طلاقش بدهند و آن ماه بیست و نه روز باشد باید نه روز باقی ماه را با دو ماه بعد از آن و بیست روز از ماه چهارم عده نگه دارد و احتیاط مستحب آن است که از ماه چهارم بیست و یک روز عده نگه دارد تا با مقداری که از ماه اول عده نگه داشته سی روز شود.

### مسئله ۲۶۲۶

اگر زن آبستن را طلاق دهند، عده‌اش تا دنیا آمدن یا سقط شدن بچه او است، بنا بر این اگر مثلاً یک ساعت بعد از طلاق بچه او به دنیا آید، عده‌اش تمام می‌شود.

### مسئله ۲۶۲۷

زنی که نه سالش تمام شده و یائسه نیست اگر صیغه شود مثلاً یک ماهه، یا یک ساله چنانچه شوهرش با او نزدیکی نماید و مدت آن زن تمام شود یا شوهر مدت را به او ببخشد در صورتی که حیض می‌بیند باید به مقدار دو حیض و اگر حیض نمی‌بیند، چهل و پنج روز باید از شوهر کردن خودداری نماید.

### مسئله ۲۶۲۸

ابتدای عده طلاق از موقعیست که خواندن صیغه طلاق تمام می‌شود، چه زن بداند طلاقش داده‌اند یا نداند، پس اگر بعد از تمام شدن عده بفهمد که او را طلاق داده‌اند، لازم نیست دوباره عده نگه دارد.

## عده زنی که شوهرش مرده

### مسئله ۲۶۲۹

زنی که شوهرش مرده اگر آبستن نباشد، باید تا چهار ماه و ده روز عده نگه دارد یعنی از شوهر کردن خودداری نماید اگر چه یائسه یا صیغه باشد، یا شوهرش با او نزدیکی نکرده باشد و اگر آبستن باشد، باید تا موقع زاییدن عده نگه دارد، ولی اگر پیش از گذشتن چهار ماه و ده روز، بچه‌اش به دنیا آید باید تا چهار ماه و ده روز از مرگ شوهرش صبر کند و این عده را عده وفات می‌گویند.

### مسئله ۲۶۳۰

زنی که در عده وفات می‌باشد، حرام است لباس زینتی بپوشد و سرمه بکشد و همچنین کارهای دیگری که زینت حساب شود بر او حرام می‌باشد.

**مسئله ۲۶۳۱**

اگر زن یقین کند که شوهرش مرده و بعد از تمام شدن عده وفات، شوهر کند، چنانچه معلوم شود شوهر او بعداً مرده است، باید از شوهر دوم جدا شود و در صورتی که آبستن باشد، به مقداری که در عده طلاق گفته شد، برای شوهر دوم عده طلاق و بعد برای شوهر اول عده وفات نگه دارد و اگر آبستن نباشد، برای شوهر اول عده وفات و بعد برای شوهر دوم عده طلاق نگه دارد.

**مسئله ۲۶۳۲**

ابتدای عده وفات از موقعیست که زن از مرگ شوهر مطلع شود.

**مسئله ۲۶۳۳**

اگر زن بگوید عده‌ام تمام شده، با دو شرط از او قبول می‌شود:  
اول آن که مورد تهمت نباشد.  
دوم از طلاق یا مردن شوهرش به قدری گذشته باشد که در آن مدت تمام شدن عده ممکن باشد.

**طلاق بائن و طلاق رجعی****مسئله ۲۶۳۴**

طلاق بائن آن است که بعد از طلاق، مرد حق ندارد به زن خود رجوع کند، یعنی بدون عقد او را به زنی قبول نماید و آن بر پنج قسم است:  
اول طلاق زنی که نه سالش تمام نشده باشد.  
دوم طلاق زنی که یائسه باشد یعنی اگر سیده است بیشتر از شصت سال قمری و اگر سیده نیست بیشتر از پنجاه سال قمری داشته باشد.  
سوم طلاق زنی که شوهرش بعد از عقد با او نزدیکی نکرده باشد.  
چهارم طلاق زنی که او را سه دفعه طلاق داده‌اند.  
پنجم طلاق خلع و مبارات و احکام اینها بعداً گفته خواهد شد و غیر اینها طلاق رجعیست که بعد از طلاق تا وقتی زن در عده است مرد می‌تواند به او رجوع نماید.

**مسئله ۲۶۳۵**

کسی که زنش را طلاق رجعی داده، حرام است، او را از خانه‌ای که موقع طلاق در آن خانه بوده بیرون کند، ولی در بعضی از مواقع که در کتاب‌های مفصل گفته شده، بیرون کردن او اشکال ندارد و نیز حرام است زن برای کارهای غیر لازم از آن خانه بیرون رود.

**احکام رجوع کردن****مسئله ۲۶۳۶**

در طلاق رجعی مرد به دو قسم می‌تواند به زن خود رجوع کند:  
اول حرفی بزند که معنایش این باشد که او را دوباره زن خود قرار داده است.  
دوم کاری کند که از آن بفهمد رجوع کرده است.

#### مسئله ۲۶۳۷

برای رجوع کردن لازم نیست مرد شاهد بگیرد، یا به زن خبر دهد، بلکه اگر بدون این که کسی بفهمد، بگوید به زنی رجوع کردم صحیح است.

#### مسئله ۲۶۳۸

مردی که زن خود را طلاق رجعی داده اگر مالی از او بگیرد و با او صلح کند که دیگر به او رجوع نکند، حق رجوع از بین نمی‌رود و مالی که در مقابل آن گرفته مالک نمی‌شود.

#### مسئله ۲۶۳۹

اگر زنی را دو بار طلاق دهد و به او رجوع کند. یا دو بار او را طلاق دهد و بعد از هر طلاق عقدش کند، بعد از طلاق سوم آن زن بر او حرام است، ولی اگر بعد از طلاق سوم به دیگری شوهر کند، با چهار شرط به شوهر اول حلال می‌شود، یعنی می‌تواند آن زن را دوباره عقد نماید:

اول آن که عقد شوهر دوم همیشگی باشد و اگر مثلاً یک ماهه یا یک ساله او را صیغه کند، بعد از آن که از او جدا شد، شوهر اول نمی‌تواند او را عقد کند.

دوم شوهر دوم بالغ باشد و با او نزدیکی و دخول کند و بنا به احتیاط واجب معتبر است انزال نماید.

سوم شوهر دوم طلاقش دهد یا بمیرد.

چهارم عده طلاق یا عده وفات شوهر دوم تمام شود.

#### طلاق خلع

#### مسئله ۲۶۴۰

طلاق زنی را که به شوهرش مایل نیست و مهر یا مال دیگر خود را به او می‌بخشد که طلاقش دهد طلاق خلع گویند.

#### مسئله ۲۶۴۱

اگر شوهر بخواهد صیغه طلاق خلع را بخواند چنانچه اسم زن مثلاً فاطمه باشد پس از آن که مهر خود را به شوهر بخشید بدون فاصله شوهر می‌گوید:

زوجتی فاطمه خالعتها علی ما بذلت هی طالق (یعنی زنی فاطمه را طلاق خلع دادم او رها است).

#### مسئله ۲۶۴۲



اگر زنی کسی را وکیل کند که مهر او را به شوهرش ببخشد و شوهر، همان کس را وکیل کند که زن را طلاق دهد، چنانچه اسم شوهر محمد و اسم زن فاطمه باشد وکیل صیغه طلاق را این طور می‌خواند:

عن موکتلی فاطمه بذلت مهرها لموکتلی محمد لیخلعها علیه پس از آن بدون فاصله می‌گوید:

زوجه موکتلی خالعتها علی ما بذلت هی طالق و اگر زنی کسی را وکیل کند که غیر از مهر چیز دیگری را به شوهر او ببخشد که او را طلاق دهد وکیل باید به جای کلمه (مهرها) آن چیز را بگوید، مثلاً اگر صد تومان داده باید بگوید:

بذلت مائة تومان.

### طلاق مبارات

#### مسئله ۲۶۴۳

اگر زن و شوهر یکدیگر را نخواهند و زن مهر خود را یا مالی به مرد بدهد که او را طلاق دهد آن طلاق را مبارات گویند.

#### مسئله ۲۶۴۴

اگر شوهر بخواهد صیغه مبارات را بخواند چنانچه مثلاً اسم زن فاطمه باشد، باید بگوید:

بارأت زوجتی فاطمه علی مهرها فهی طالق یعنی مبارات کردم زنی فاطمه را در مقابل مهر او پس او رهاست و اگر دیگری را وکیل کند، وکیل باید بگوید:

بارأت زوجه موکتلی فاطمه علی مهرها فهی طالق و در هر دو صورت اگر به جای کلمه (علی مهرها) (بمهرها) بگوید اشکال ندارد.

#### مسئله ۲۶۴۵

صیغه طلاق خلع و مبارات باید به عربی صحیح خوانده شود، ولی اگر زن برای آن که مال خود را به شوهر ببخشد مثلاً به فارسی بگوید برای طلاق فلان مال را یا مهر خود را به تو بخشیدم اشکال ندارد.

#### مسئله ۲۶۴۶

اگر زن در بین عده طلاق خلع، یا مبارات از بخشش خود برگردد، شوهر می‌تواند رجوع کند و بدون عقد دوباره او را زن خود قرار دهد.

#### مسئله ۲۶۴۷

مالی را که شوهر برای طلاق مبارات می‌گیرد، باید بیشتر از مهر نباشد ولی در طلاق خلع اگر بیشتر باشد اشکال ندارد.

### احکام متفرقه طلاق

#### مسئله ۲۶۴۸

اگر با زن نامحرمی به گمان این که عیال خود او است نزدیکی کند، چه زن بداند که او شوهرش نیست، یا گمان کند شوهرش می‌باشد، باید عده نگه دارد.

**مسئله ۲۶۴۹**

اگر با زنی که می‌داند عیالش نیست زنا کند، چنانچه زن نداند که آن مرد شوهر او نیست، بنا بر احتیاط واجب باید عده نگه دارد.

**مسئله ۲۶۵۰**

اگر مرد، زنی را گول بزند که از شوهر طلاق بگیرد و زن او شود طلاق و عقد آن صحیح است، ولی هر دو معصیت بزرگی کرده‌اند.

**مسئله ۲۶۵۱**

هرگاه زن در ضمن عقد با شوهر شرط کند که اگر شوهر مسافرت نماید، یا مثلاً شش ماه به او خرجی ندهد اختیار طلاق با او باشد. این شرط باطل است، ولی چنانچه شرط کند که اگر مرد مسافرت کند، یا مثلاً تا شش ماه خرجی ندهد، از طرف او برای طلاق خود وکیل باشد، چنانچه پس از مسافرت مرد یا خرجی ندادن شش ماه، خود را طلاق دهد صحیح است.

**مسئله ۲۶۵۲**

زنی که شوهرش گم شده، اگر بخواهد به دیگری شوهر کند، باید نزد مجتهد عادل برود و به دستور او عمل نماید.

**مسئله ۲۶۵۳**

پدر و جد پدری دیوانه اگر مصلحت باشد می‌توانند زن او را طلاق بدهند.

**مسئله ۲۶۵۴**

اگر پدر یا جد پدری برای طفل خود زنی را صیغه کند، اگر چه مقداری از زمان تکلیف بچه جزء مدت صیغه باشد مثلاً برای پسر چهارده ساله خودش زنی را دو ساله صیغه کند، چنانچه صلاح بچه باشد، می‌تواند مدت آن زن را ببخشد ولی زن دائمی او را نمی‌تواند طلاق دهد.

**مسئله ۲۶۵۵**

اگر از روی علاماتی که در شرع معین شده، مرد دو نفر را عادل بداند وزن خود را پیش آنان طلاق دهد، دیگری که آنان را عادل نمی‌داند بنا بر احتیاط واجب نباید آن زن را برای خود یا برای کس دیگر عقد کند.

**مسئله ۲۶۵۶**

اگر کسی زن خود را بدون این که او بفهمد طلاق دهد چنانچه مخارج او را مثل وقتی که زنش بوده بدهد و مثلاً بعد از یک سال بگوید یک سال پیش تو را طلاق دادم و شرعاً هم ثابت کند، می‌تواند چیزهایی را که در آن مدت برای زن تهیه نموده و او مصرف نکرده است از او پس بگیرد، ولی چیزهایی را که مصرف کرده نمی‌تواند از او مطالبه نماید.

**احکام غضب****اشاره**

غضب آن است که انسان از روی ظلم، بر مال یا حق کسی مسلط شود و این یکی از گناهان بزرگ است، که اگر کسی انجام دهد، در قیامت به عذاب سخت گرفتار می‌شود. از حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که هر کس یک وجب زمین از دیگری غضب کند در قیامت آن زمین را از هفت طبقه آن مثل طوق به گردن او می‌اندازند.

**مسئله ۲۶۵۷**

اگر انسان نگذارد مردم از مسجد و مدرسه و پل و جاهای دیگری که برای عموم ساخته شده استفاده کنند، حق آنان را غضب نموده و همچنین است اگر کسی در مسجد جایی برای خود بگیرد و دیگری نگذارد که از آنجا استفاده نماید.

**مسئله ۲۶۵۸**

چیزی را که انسان پیش طلبکار گرو می‌گذارد، باید پیش او بماند که اگر طلب او را ندهد طلب خود را از آن به دست آورد، پس اگر پیش از آن که طلب او را بدهد آن چیز را از او بگیرد، حق او را غضب کرده است.

**مسئله ۲۶۵۹**

مالی را که نزد کسی گرو گذاشته‌اند، اگر دیگری غضب کند صاحب مال و طلبه کار می‌توانند چیزی را که غضب کرده از او مطالبه نمایند و چنانچه آن چیز را از او بگیرند، باز هم در گرو است و اگر آن چیز از بین برود و عوض آن را بگیرند، آن عوض هم مثل خود آن چیز گرو می‌باشد.

**مسئله ۲۶۶۰**

اگر انسان چیزی را غضب کند، باید به صاحبش برگرداند و اگر آن چیز از بین برود باید عوض آن را به او بدهد.

**مسئله ۲۶۶۱**

اگر از چیزی که غضب کرده منفعتی به دست آید مثلاً از گوسفندی که غضب کرده، بره‌ای پیدا شود، متعلق صاحب مال است و نیز کسی که مثلاً خانه‌ای را غضب کرده، اگر چه در آن ننشیند باید اجاره آن را بدهد.

**مسئله ۲۶۶۲**

اگر از بچه یا دیوانه چیزی را غضب کند، باید آن را به ولی او بدهد و اگر از بین رفته، باید عوض آن را بدهد.

**مسئله ۲۶۶۳**

هر گاه دو نفر با هم چیزی را غضب کنند، اگر چه هر یک به تنهایی می‌توانسته‌اند آن را غضب نمایند، هر کدام آنان به همان

اندازه که بر آن مسلط شده است ضامن می‌باشد.

### مسئله ۲۶۶۴

اگر چیزی را که غصب کرده با چیز دیگری مخلوط کند مثلاً گندمی را که غصب کرده با جو مخلوط نماید، چنانچه جدا کردن آنها ممکن است اگر چه زحمت داشته باشد، باید جدا کند و به صاحبش برگرداند.

### مسئله ۲۶۶۵

اگر ظرف طلا و نقره یا چیز دیگری را که نگاه داشتنش جائز است غصب کند و خراب نماید باید آن را با مزد ساختنش به صاحب آن بدهد و در صورتی که مزد ساختن کمتر از تفاوت ساخته و نساخته باشد تفاوت قیمت را هم باید بدهد و چنانچه برای این که مزد ندهد، بگوید آن را مثل اولش می‌سازم مالک مجبور نیست قبول نماید و نیز مالک نمی‌تواند او را مجبور کند که آن را مثل اولش بسازد.

### مسئله ۲۶۶۶

اگر چیزی را که غصب کرده به طوری تغییر دهد که از اولش بهتر شود مثلاً طلا-یی را که غصب کرده گوشواره بسازد، چنانچه صاحب مال بگوید مال را به همین صورت بده، باید به او بدهد و نمی‌تواند برای زحمتی که کشیده مزد بگیرد بلکه بدون اجازه مالک حق ندارد آن را به صورت اولش در آورد و اگر بدون اجازه او آن چیز را مثل اولش کند، باید مزد ساختن آن را هم به صاحبش بدهد و در صورتی که مزد ساختن کمتر از تفاوت ساخته و نساخته باشد تفاوت قیمت را هم باید بدهد.

### مسئله ۲۶۶۷

اگر چیزی را که غصب کرده به طوری تغییر دهد که از اولش بهتر شود و صاحب مال بگوید باید آن را به صورت اول در آوری واجب است آن را بصورت اولش در آورد و چنانچه قیمت آن به واسطه تغییر دادن از اولش کمتر شود، باید تفاوت آن را به صاحبش بدهد، پس طلایی را که غصب کرده اگر گوشواره بسازد و صاحب آن بگوید باید بصورت اولش در آوری، در صورتی که بعد از آب کردن قیمت آن از پیش از گوشواره ساختن کمتر شود، باید تفاوت آن را بدهد.

### مسئله ۲۶۶۸

اگر در زمینی که غصب کرده زراعت کند، یا درخت بنشاند، زراعت و درخت و میوه آن مال خود او است و چنانچه صاحب زمین راضی نباشد که زراعت و درخت در زمین بماند، کسی که غصب کرده باید فوراً زراعت یا درخت خود را اگر چه ضرر نماید از زمین بکند و نیز باید اجاره زمین را در مدتی که زراعت و درخت در آن بوده به صاحب زمین بدهد و خرابی‌هایی را که در زمین پیدا شده، درست کند مثلاً جای درختها را پر نماید و اگر به واسطه اینها قیمت زمین از اولش کمتر شود، باید تفاوت آن را هم بدهد و نمی‌تواند صاحب زمین را مجبور کند که زمین را به او بفروشد، یا اجاره دهد و نیز صاحب زمین نمی‌تواند او را مجبور کند که درخت یا زراعت را به او بفروشد.

### مسئله ۲۶۶۹

اگر صاحب زمین راضی شود که زراعت و درخت در زمین او بماند، کسی که آن را غصب کرده، لازم نیست درخت و زراعت را بکند ولی باید اجاره آن زمین را از وقتی که غصب کرده تا وقتی که صاحب زمین راضی شده بدهد.

### مسئله ۲۶۷۰

اگر چیزی را که غصب کرده از بین برود، در صورتی که مثل گاو و گوسفند باشد که قیمت اجزاء آن با هم فرق دارد مثلاً گوشت آن یک قیمت و پوست آن قیمت دیگر دارد، باید قیمت آن را بدهد و چنانچه قیمت بازار آن فرق کرده باشد، احتیاط واجب آن است که بالاترین قیمت را از روز غصب تا روزی که غرامت را می‌پردازد حساب کنند و رضایت همدیگر را به دست آورند.

### مسئله ۲۶۷۱

اگر چیزی را که غصب کرده و از بین رفته مانند گندم و جو باشد که قیمت اجزایش با هم فرق ندارد، باید مثل همان چیزی را که غصب کرده بدهد، ولی چیزی را که می‌دهد باید خصوصیاتش مثل چیزی باشد که آن را غصب کرده و از بین رفته است.

### مسئله ۲۶۷۲

اگر چیزی را که مثل گوسفند قیمت اجزاء آن با هم فرق دارد غصب نماید و از بین برود، چنانچه قیمت بازار آن فرق نکرده باشد ولی در مدتی که پیش او بوده مثلاً چاق شده باشد، باید قیمت چاقی را که از بین رفته بدهد.

### مسئله ۲۶۷۳

اگر چیزی را که غصب کرده دیگری از او غصب نماید و از بین برود، صاحب مال می‌تواند عوض آن را از هر کدام آنان بگیرد و اگر از اولی بگیرد می‌تواند اولی از دومی مطالبه کند، ولی اگر دومی به اولی برگردانده و پیش او تلف شده نمی‌تواند از او مطالبه کند.

### مسئله ۲۶۷۴

اگر چیزی را که می‌فروشند یکی از شرط‌های معامله در آن نباشد مثلاً چیزی را که باید با وزن خرید و فروش کنند بدون وزن معامله نمایند، معامله باطل است و چنانچه فروشنده و خریدار با قطع نظر از معامله راضی باشند که در مال یکدیگر تصرف کنند اشکال ندارد و گرنه چیزی را که از یکدیگر گرفته‌اند مثل مال غصبیست و باید آن را به هم برگردانند و در صورتی که مال هر یک در دست دیگری تلف شود، چه بدانند معامله باطل است چه ندانند، باید عوض آن را بدهد.

### مسئله ۲۶۷۵

هر گاه مال را از فروشنده بگیرد که آن را ببیند یا مدتی نزد خود نگه دارد تا اگر پسندید بخرد، در صورتی که آن مال تلف شود، باید عوض آن را به صاحبش بدهد.

**احکام مالی که انسان آن را پیدا می‌کند**

**مسئله ۲۶۷۶**

مالی که انسان پیدا می‌کند اگر حیوان نباشد و نشانه‌ای نداشته باشد که به واسطه آن، صاحبش معلوم شود، احتیاط واجب آن است که از طرف صاحبش صدقه بدهد.

**مسئله ۲۶۷۷**

اگر مالی پیدا کند که نشانه دارد و قیمت آن از ۱۲/۶ نخود نقره سکه‌دار کمتر است، چنانچه صاحب آن معلوم باشد و انسان نداند راضیست یا نه، نمی‌تواند بدون اجازه او بردارد و اگر صاحب آن معلوم نباشد، می‌تواند به قصد این که ملک خودش شود بردارد و احتیاط واجب آن است که هر وقت صاحبش پیدا شد اگر عین مال باقیست آن را به صاحبش رد کند و اگر عین مال از بین رفته باشد، دادن عوض لازم نیست، بلکه اگر قصد ملک شدن هم نکرده و بدون تقصیر او تلف شود، دادن عوض بر او واجب نیست.

**مسئله ۲۶۷۸**

هر گاه چیزی که پیدا کرده نشانه‌ای دارد که به واسطه آن می‌تواند صاحبش را پیدا کند، اگر چه بداند صاحب آن کافر است که در امان مسلمانان است، در صورتی که قیمت آن چیز به ۱۲/۶ نخود نقره سکه‌دار برسد باید اعلان کند و چنانچه از روزی که آن را پیدا کرده تا یک هفته هر روزی و بعد تا یک سال هفته‌ای یک مرتبه در محل اجتماع مردم اعلان کند کافی است.

**مسئله ۲۶۷۹**

اگر انسان خودش نخواهد اعلان کند می‌تواند به کسی که اطمینان دارد بگوید از طرف او اعلان نماید.

**مسئله ۲۶۸۰**

اگر تا یک سال اعلان کند و صاحب مال پیدا نشود اگر در محدوده حرم پیدا کرده می‌تواند آن را صدقه بدهد و اگر صاحبش پیدا نشد ضامن او خواهد بود و یا آن را حفظ کند تا صاحبش پیدا شود اما اگر در غیر حرم پیدا کرده می‌تواند آن را برای خود بردارد به قصد این که هر وقت صاحبش پیدا شد عوض آن را به او بدهد، یا برای او نگهداری کند که هر وقت پیدا شد به او بدهد، ولی احتیاط مستحب آن است که از طرف صاحبش صدقه بدهد.

**مسئله ۲۶۸۱**

اگر بعد از آن که یک سال اعلان کرد و صاحب مال پیدا نشد مال را برای صاحبش نگهداری کند و از بین برود، چنانچه در نگهداری آن کوتاهی نکرده و تعدی یعنی زیاده‌روی هم ننموده ضامن نیست ولی اگر از طرف صاحبش صدقه داده باشد، یا برای خود برداشته باشد، در هر صورت ضامن است.

**مسئله ۲۶۸۲**

کسی که مالی را پیدا کرده، اگر عمداً به دستوری که گفته شد اعلان نکند، گذشته از این که معصیت کرده، باز هم واجب است اعلان کند.

**مسئله ۲۶۸۳**

اگر بچه نا بالغ چیزی پیدا کند وَلِی او باید اعلان نماید.

**مسئله ۲۶۸۴**

اگر انسان در بین سالی که اعلان می کند از پیدا شدن صاحب مال نا امید شود احتیاط واجب آن است که آن را صدقه بدهد یا نگهداری کند تا صاحبش پیدا شود.

**مسئله ۲۶۸۵**

اگر در بین سالی که اعلان می کند مال از بین برود، چنانچه در نگهداری آن کوتاهی کرده، یا تعدی یعنی زیاده روی کرده باشد باید عوض آن را به صاحبش بدهد و اگر کوتاهی نکرده و زیاده روی هم ننموده چیزی بر او واجب نیست.

**مسئله ۲۶۸۶**

اگر مالی را که نشانه دارد و قیمت آن به ۶ / ۱۲ نخود نقره سکه دار می رسد در جایی پیدا کند که معلوم است به واسطه اعلان صاحب آن پیدا نمی شود می تواند در روز اول آن را از طرف صاحبش صدقه بدهد و چنانچه صاحبش پیدا شود و به صدقه دادن راضی نشود باید عوض آن را به او بدهد و ثواب صدقه‌ای که داده مال خود او است.

**مسئله ۲۶۸۷**

اگر چیزی را پیدا کند و به خیال این که مال خود او است بردارد بعد بفهمد مال خودش نبوده، باید تا یک سال اعلان نماید.

**مسئله ۲۶۸۸**

لازم نیست موقع اعلان، جنس چیزی را که پیدا کرده بگوید بلکه همین قدر که بگوید چیزی پیدا کرده‌ام کافی است.

**مسئله ۲۶۸۹**

اگر کسی چیزی را پیدا کند و دیگری بگوید مال من است و نشانه‌های آن را بگوید در صورتی باید به او بدهد که اطمینان داشته باشد مال او است و لازم نیست نشانه‌هایی را که بیشتر اوقات صاحب مال هم ملتفت آنها نیست، بگوید.

**مسئله ۲۶۹۰**

اگر قیمت چیزی که پیدا کرده به ۶ / ۱۲ نخود نقره سکه دار برسد چنانچه اعلان نکند و در مسجد، یا جای دیگری که محل اجتماع مردم است بگذارد و آن چیز از بین برود، یا دیگری آن را بردارد کسی که آن را پیدا کرده ضامن است.

**مسئله ۲۶۹۱**

هر گاه چیزی پیدا کند که اگر بماند فاسد می شود باید تا مقداری که ممکن است آن را نگه دارد بعد قیمت کند و خودش بردارد

یا بفروشد و پولش را نگه دارد و اگر صاحب آن پیدا نشد از طرف او صدقه بدهد و احتیاط آن است که برای صدقه دادن از حاکم شرع اجازه بگیرد.

### مسئله ۲۶۹۲

اگر چیزی را که پیدا کرده موقع وضو گرفتن و نماز خواندن همراه او باشد، در صورتی که قصدش این باشد که صاحب آن را پیدا کند اشکال ندارد.

### مسئله ۲۶۹۳

اگر کفش او را ببرند و کفش دیگری به جای آن بگذارند چنانچه بدانند کفشی که مانده مال کسیست که کفش او را برده در صورتی که از پیدا شدن صاحبش مأیوس و یا برایش مشقت داشته باشد می‌تواند به جای کفش خودش بردارد، ولی اگر قیمت آن از کفش خودش بیشتر باشد باید هر وقت صاحب آن پیدا شد زیادی قیمت را به او بدهد و چنانچه از پیدا شدن او نا امید شود، باید با اجازه حاکم شرع زیادی قیمت را از طرف صاحبش صدقه بدهد و اگر احتمال دهد کفشی که مانده مال کسی نیست که کفش او را برده در صورتی که قیمت آن از ۶ / ۱۲ نخود نقره سکه‌دار کمتر باشد، می‌تواند برای خود بردارد و اگر بیشتر باشد، باید تا یک سال اعلان کند و بعد از یک سال احتیاطاً از طرف صاحبش صدقه بدهد.

### مسئله ۲۶۹۴

اگر مالی را که کمتر از ۶ / ۱۲ نخود نقره سکه‌دار ارزش دارد پیدا کند و از آن صرف نظر نماید و در مسجد یا جای دیگر بگذارد چنانچه کسی آن را بردارد، برای او حلال است.

## احکام سر بریدن و شکار کردن حیوانات

### مسئله ۲۶۹۵

اگر حیوان حلال گوشت را به دستوری که بعداً گفته می‌شود سر ببرند:  
چه وحشی باشد و چه اهلی، بعد از جان دادن، گوشت آن حلال و بدن آن پاک است، ولی حیوانی که انسان با آن وطی و نزدیکی کرده و حیوانی که نجاستخوار شده، اگر به دستوری که در شرع معین نموده‌اند آن را استبراء نکرده باشند، بعد از سر بریدن گوشت آن حلال نیست.

### مسئله ۲۶۹۶

حیوان حلال گوشت وحشی مانند آهو و کبک و بزکوهی و حیوان حلال گوشتی که اهلی بوده و بعداً وحشی شده مثل گاو و شتر اهلی که فرار کرده و وحشی شده است، اگر به دستوری که بعداً گفته می‌شود آنها را شکار کنند پاک و حلال است، ولی حیوان حلال گوشت اهلی مانند گوسفند و مرغ خانگی و حیوان حلال گوشت وحشی که به واسطه تربیت کردن اهلی شده است، با شکار کردن پاک و حلال نمی‌شود.



**مسئله ۲۶۹۷**

حیوان حلال گوشت وحشی در صورتی با شکار کردن پاک و حلال می‌شود که بتواند فرار کند یا پرواز نماید بنا بر این بچه آهو که نمی‌تواند فرار کند و بچه کبک که نمی‌تواند پرواز نماید، با شکار کردن پاک و حلال نمی‌شود و اگر آهو و بچه اش را که نمی‌تواند فرار کند، با یک تیر شکار نمایند آهو حلال و بچه اش حرام است.

**مسئله ۲۶۹۸**

حیوان حلال گوشتی که مانند ماهی خون جهنده ندارد، اگر به خودی خود بمیرد پاک است، ولی گوشت آن را نمی‌شود خورد.

**مسئله ۲۶۹۹**

حیوان حرام گوشتی که خون جهنده ندارد، اگر به خودی خود بمیرد پاک است، ولی گوشت آن را نمی‌شود خورد.

**مسئله ۲۷۰۰**

سگ و خوک به واسطه سر بریدن و شکار کردن پاک نمی‌شوند و خوردن گوشت آنها هم حرام است و حیوان حرام گوشتی را که درنده و گوشتخوار است مانند گرگ و پلنگ اگر به دستوری که گفته می‌شود سر ببرند، یا با تیر و مانند آن شکار کنند پاک است، ولی گوشت آن حلال نمی‌شود و اگر با سگ شکاری آن را شکار کنند، پاک شدن بدنش هم اشکال دارد.

**مسئله ۲۷۰۱**

فیل و خرس و بوزینه و موش و حیواناتی که مانند مار و سوسمار در داخل زمین زندگی می‌کنند، اگر خون جهنده داشته باشند و به خودی خود بمیرند نجسند، بلکه اگر سر آنها را هم ببرند، یا آنها را شکار نمایند، پاک شدن بدنشان اشکال دارد و همچنین گوشت جوجه تیغی حرام است.

**مسئله ۲۷۰۲**

اگر از شکم حیوان زنده، بچه مرده‌ای بیرون آید یا آن را بیرون آورند، خوردن گوشت آن حرام است.

**دستور سر بریدن حیوانات****مسئله ۲۷۰۳**

دستور سر بریدن حیوان آن است که چهار رگ بزرگ گردن آن را از پایین برآمدگی زیر گلو به طور کامل ببرند و اگر آنها را بشکافند کافی نیست و باید سر حیوان را از جلو ببرند نه از پشت سر.

**مسئله ۲۷۰۴**

اگر بعضی از چهار رگ را ببرند و صبر کنند تا حیوان بمیرد بعد بقیه را ببرند فائده ندارد، بلکه اگر به این مقدار هم صبر نکنند ولی

به طور معمول چهار رگ را پشت سر هم نبرند، اگر چه پیش از جان دادن حیوان بقیه رگها را ببرند اشکال دارد.

### مسئله ۲۷۰۵

اگر گرگ گلوی گوسفند را به طوری بکند که از چهار رگی که در گردن است و باید بریده شود، چیزی نماند، آن حیوان حرام می‌شود، ولی اگر مقداری از گردن را بکند و چهار رگ باقی باشد، یا جای دیگر بدن را بکند، در صورتی که گوسفند زنده باشد و به دستوری که گفته می‌شود سر آن را ببرند حلال و پاک می‌باشد.

### مسئله ۲۷۰۶

گوسفند یا حیوانات دیگر را اگر با کارخانه‌ها یا وسیله‌هایی که اخیراً در بعضی بلاد متعارف شده است ذبح کنند، حرام و نجس و مردار است و خرید و فروش آنها جایز نیست و فروشنده ضامن پول خریدار است چه کلید برق مسلمان بزند و تسمیه بگوید و رو به قبله باشد و از حلقوم ببرد یا نه، چه برسد به آن که این امور مراعات نشود ولی گوشت‌های که در بازار مسلمانان فروش می‌رود و احتمال داده می‌شود که به طور شرعی ذبح شده باشد، حلال و خرید و فروش آنها جایز است.

### مسئله ۲۷۰۷

گوشتها یا مرغ‌های سر بریده‌ای که از بلاد کفر می‌آورند، محکوم به نجاست و حرمت و مردار بودن است، مگر آن که ذبح شرعی آنها ثابت شود.

## شرایط سر بردن حیوان

### مسئله ۲۷۰۸

سر بردن حیوان پنج شرط دارد:

اول - کسی که سر حیوان را می‌برد چه مرد باشد، چه زن، باید مسلمان باشد و اظهار دشمنی با اهل بیت پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نکند. بنا بر این کسی که از کفار و یا فرقه‌هاییست که در حکم کفارند مانند غلاة و نواصب و خوارج نمی‌تواند سر حیوان را ببرد و بچه مسلمان هم اگر ممیز باشد یعنی خوب و بد را بفهمد می‌تواند سر آن را ببرد.

دوم - سر حیوان را با چیزی ببرند که از آهن باشد ولی چنانچه آهن پیدا نشود و طوری باشد که اگر سر حیوان را نبرند می‌میرد، با چیز تیزی که چهار رگ آن را جدا کند مانند شیشه و سنگ تیز، می‌شود سر آن را برید.

سوم - در موقع سر بردن، جلو بدن حیوان رو به قبله باشد و کسی که می‌داند باید رو به قبله سر ببرد، اگر عمداً حیوان را رو به قبله نکند حیوان حرام می‌شود و هم چنین در صورتی که مسأله را نداند و حیوان را رو به قبله نکند ولی اگر فراموش کند، یا مسأله را نداند، یا قبله را اشتباه کند، یا نداند قبله کدام طرف است و نتواند پرسش کند و ناچار به ذبح باشد یا نتواند حیوان را رو به قبله کند اشکال ندارد.

چهارم - وقتی می‌خواهد سر حیوان را ببرد یا کارد به گلویش بگذارد به نیت سر بردن، نام خدا را ببرد و همین قدر که بگوید بسم الله کافیست و اگر بدون قصد سر بردن نام خدا را ببرد، آن حیوان پاک نمی‌شود و گوشت آن هم حرام است و اگر از روی فراموشی نام خدا را نبرد اشکال ندارد.

پنجم - حیوان بعد از سر بریدن حرکتی نکند. اگر چه مثلاً چشم یا دم خود را حرکت دهد، یا پای خود را به زمین زند یا خون به طوری که در موقع سر بریدن حیوان متعارف است بیرون بیاید که معلوم شود زنده بوده است.

### دستور کشتن شتر

#### مسئله ۲۷۰۹

اگر بخواهند شتر را بکشند که بعد از جان دادن پاک و حلال باشد، باید با پنج شرطی که برای سر بریدن حیوانات گفته شد، کارد یا چیز دیگری را که از آهن و برنده باشد، در گودی بین گردن و سینه‌اش فرو کنند.

#### مسئله ۲۷۱۰

وقتی می‌خواهند کارد را به گردن شتر فرو ببرند، بهتر است که شتر ایستاده باشد ولی اگر در حالی که زانوها را به زمین زده، یا به پهلو خوابیده و جلو بدنش رو به قبله است، کارد را در گودی گردنش فرو کنند اشکال ندارد.

#### مسئله ۲۷۱۱

اگر به جای این که کارد در گودی گردن شتر فرو کنند سر آن را ببرند، یا گوسفند و گاو و مانند اینها را مثل شتر کارد در گودی گردنش فرو کنند، گوشت آنها حرام و بدن آنها نجس است. ولی اگر چهار رگ شتر را ببرند و تا زنده است به دستوری که گفته شد کارد در گودی گردنش فرو کنند گوشت آن حلال و بدن آن پاک است و نیز اگر کارد در گودی گردن گاو یا گوسفند یا مانند اینها فرو کنند و تا زنده است سر آن را ببرند حلال و پاک می‌باشد.

#### مسئله ۲۷۱۲

اگر حیوانی سرکش شود و نتواند آن را به دستوری که در شرع معین شده بکشند، یا مثلاً در چاه بیفتد و احتمال بدهند که در آنجا بمیرد و کشتن آن به دستور شرع ممکن نباشد، چنانچه با چیزی مثل شمشیر که به واسطه تیزی آن بدن زخم می‌شود به بدن حیوان زخم بزنند و در اثر زخم جان بدهد حلال می‌شود و رو به قبله بودن آن لازم نیست، ولی باید شرط‌های دیگری را که برای سر بریدن حیوانات گفته شد دارا باشد.

### چیزهایی که موقع سر بریدن حیوانات مستحب است

#### مسئله ۲۷۱۳

چند چیز در سر بریدن حیوانات مستحب است:

اول موقع سر بریدن گوسفند دو دست و یک پای آن را ببندند و پای دیگرش را باز بگذارند و موقع سر بریدن گاو چهار دست و پایش را ببندند و دم آن را باز بگذارند و موقع کشتن شتر دو دست آن را از پایین تا زانو، یا تا زیر بغل به یکدیگر ببندند و پاهایش را باز بگذارند و مستحب است مرغ را بعد از سر بریدن رها کنند تا پر و بال بزند.

دوم کسی که حیوان را می‌کشد رو به قبله باشد.

سوم پیش از کشتن حیوان آب جلوی آن بگذارند.

چهارم کاری کنند که حیوان کمتر اذیت شود، مثلاً کارد را خوب تیز کنند و با عجله سر حیوان را ببرند.

### چیزهایی که در کشتن حیوانات مکروه است

#### مسئله ۲۷۱۴

چند چیز در کشتن حیوانات مکروه است:

اول آن که کارد را پشت حلقوم فرو کنند و به طرف جلو بیاورند که حلقوم از پشت آن بریده شود.

دوم در جایی حیوان را بکشند که حیوان دیگر آن را ببیند.

سوم در شب یا پیش از ظهر روز جمعه سر حیوان را ببرند، ولی در صورت احتیاج عیبی ندارد.

چهارم خود انسان چهار پای را که پرورش داده است بکشد و احتیاط واجب آن است که پیش از بیرون آمدن روح پوست حیوان را نکنند و مغز حرام را که در تیره پشت است نبرند و حرام است که پیش از بیرون آمدن روح سر حیوان را از بدنش جدا کنند ولی با این عمل حیوان حرام نمی‌شود.

### احکام شکار کردن با اسلحه

#### مسئله ۲۷۱۵

اگر حیوان حلال گوشت وحشی را با اسلحه شکار کنند با پنج شرط حلال و بدنش پاک است:

اول آن که اسلحه شکار مثل کارد و شمشیر برنده باشد، یا مثل نیزه و تیر، تیز باشد که به واسطه تیز بودن، بدن حیوان را پاره کند و اگر به وسیله دام یا چوب و سنگ و مانند اینها حیوانی را شکار کنند پاک نمی‌شود و خوردن آن هم حرام است و اگر حیوانی را با تفنگ شکار کنند چنانچه گلوله آن تیز باشد که در بدن حیوان فرو رود و آن را پاره کند پاک و حلال است و اگر گلوله تیز نباشد بلکه با فشار در بدن حیوان فرو رود و حیوان را بکشد، یا به واسطه حرارتش بدن حیوان را بسوزاند و در اثر سوزاندن، حیوان بمیرد پاک و حلال بودنش اشکال دارد، دوم کسی که شکار می‌کند باید مسلمان باشد یا بچه مسلمان باشد که خوب وبد را بفهمد و اگر کافر یا کسی که اظهار دشمنی با اهل بیت پیغمبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ می‌کند و هم چنین کسی که از فرقه‌هاییست که در حکم کفارند مانند غلاة و خوارج و نواصب. حیوانی را شکار نماید، آن شکار حلال نیست.

سوم اسلحه را برای شکار کردن حیوان به کار برد و اگر مثلاً جایی را نشان کند و اتفاقاً حیوانی را بکشد، آن حیوان پاک نیست و خوردن آن هم حرام است.

چهارم در وقت به کار بردن اسلحه نام خدا را ببرد و چنانچه عمداً نام خدا را نبرد شکار حلال نمی‌شود، ولی اگر فراموش کند اشکال ندارد.

پنجم وقتی به حیوان برسد که مرده باشد، یا اگر زنده است به اندازه سر بریدن آن وقت نباشد و چنانچه به اندازه سر بریدن وقت باشد و سر حیوان را نبرد تا بمیرد حرام است.

#### مسئله ۲۷۱۶

اگر دو نفر حیوانی را شکار کنند و یکی از آنان مسلمان و دیگری کافر باشد یا یکی از آن دو نام خدا را نبرد، آن حیوان حلال نیست.

**مسئله ۲۷۱۷**

اگر بعد از آن که حیوانی را تیر زدند مثلاً در آب بیفتد و انسان بداند که حیوان به واسطه تیر و افتادن در آب جان داده، حلال نیست و هم چنین اگر شک کند که فقط برای تیر بوده یا نه، حلال نمی‌باشد.

**مسئله ۲۷۱۸**

اگر با سنگ غصبی یا اسلحه غصبی حیوانی را شکار کند، شکار حلال است و مال خود او می‌شود ولی گذشته از این که گناه کرده باید اجرت اسلحه یا سنگ را به صاحبش بدهد.

**مسئله ۲۷۱۹**

اگر با شمشیر یا چیز دیگری که شکار کردن با آن صحیح است با شرطهایی که در مسائل گذشته گفته شد، حیوانی را دو قسمت کنند و سر و گردن در یک قسمت بماند و انسان وقتی برسد که حیوان جان داده باشد، هر دو قسمت حلال است اگر به همین قطع کردن جان داده باشد و اگر حیوان زنده باشد و وقت تنگ باشد برای سر بریدن به آداب شرع، قسمتی که سر و گردن ندارد حرام و قسمتی که سر و گردن دارد حلال است و اگر وقت باشد که برای سر بریدن، آن قسمت که در آن سر نیست حرام است و آن قسمت دیگر اگر سر آن را به دستوری که در شرع معین شده ببرند حلال است ولی اگر ممکن نباشد مقداری زنده بماند و در حال نزع باشد چنانچه سرش را هم ببرند بنا بر احتیاط واجب باید از آن اجتناب نماید.

**مسئله ۲۷۲۰**

اگر با چوب یا سنگ یا چیز دیگری که شکار کردن با آن صحیح نیست حیوانی را دو قسمت کنند، قسمتی که سر و گردن ندارد حرام است و قسمتی که سر و گردن دارد، اگر زنده باشد و سر آن را به دستوری که در شرع معین شده ببرند حلال است ولی اگر ممکن نباشد مقداری زنده بماند و در حال جان دادن باشد چنانچه سرش را هم ببرند بنا بر احتیاط واجب باید از آن اجتناب نمایند.

**مسئله ۲۷۲۱**

اگر حیوانی را شکار کنند، یا سر ببرند و بچه زنده‌ای از آن بیرون آید چنانچه آن بچه را به دستوری که در شرع معین شده سر ببرند حلال و گرنه حرام می‌باشد.

**مسئله ۲۷۲۲**

اگر حیوانی را شکار کنند یا سر ببرند و بچه مرده‌ای از شکمش بیرون آورند، چنانچه خلقت آن بچه کامل باشد و مو یا پشم در بدنش روییده باشد پاک و حلال است.

**شکار کردن با سنگ شکاری****مسئله ۲۷۲۳**

اگر سگ شکاری حیوان وحشی حلال گوشتی را شکار کند پاک بودن و حلال بودن آن حیوان شش شرط دارد: اول سگ به طوری تربیت شده باشد که هر وقت آن را برای گرفتن شکار بفرستند برود و هر وقت از رفتن جلوگیری کنند بایستند ولی اگر در وقت نزدیک شدن به شکار با جلوگیری نایستند مانع ندارد و احتیاط واجب آن است که اگر عادت دارد که پیش از رسیدن صاحبش شکار را می‌خورد از شکار او اجتناب کنند، ولی اگر اتفاقاً شکار را بخورد اشکال ندارد.

دوم صاحبش آن را بفرستد و اگر از پیش خود دنبال شکار رود و حیوانی را شکار کند خوردن آن حیوان حرام است. بلکه اگر از پیش خود دنبال شکار رود و بعداً صاحبش بانگ بزند که زودتر آن را به شکار برساند اگر چه به واسطه صدای صاحبش شتاب کند، بنا بر احتیاط واجب باید از خوردن آن شکار خودداری نماید.

سوم کسی که سگ را می‌فرستد باید مسلمان باشد یا بچه مسلمان باشد که خوب و بد را بفهمد و اگر کافر یا کسی که اظهار دشمنی با اهل بیت پیغمبر علیهم‌السلام می‌کند و هم چنین کسی که از فرقه‌هاییست که در حکم کفار مانند غلاة و خوارج و نواصب. سگ را بفرستد، شکار آن سگ حرام است.

چهارم وقت فرستادن سگ نام خدا را ببرد و اگر عمداً نام خدا را نبرد، آن شکار حرام است، ولی اگر از روی فراموشی باشد اشکال ندارد و اگر وقت فرستادن سگ نام خدا را عمداً نبرد و پیش از آن که سگ به شکار برسد نام خدا را ببرد بنا بر احتیاط واجب باید از آن شکار اجتناب نماید.

پنجم شکار به واسطه زخمی که از دندان سگ پیدا کرده بمیرد پس اگر سگ، شکار را خفه کند، یا شکار از دویدن یا ترس بمیرد حلال نیست.

ششم کسی که سگ را فرستاده، وقتی برسد که حیوان مرده باشد، یا اگر زنده است به اندازه سر بریدن آن وقت نباشد و چنانچه وقتی برسد که به اندازه سر بریدن وقت باشد مثلاً حیوان چشم یا دم خود را حرکت دهد، یا پای خود را به زمین بزند، چنانچه سر حیوان را نبرد تا بمیرد حلال نیست.

#### مسئله ۲۷۲۴

کسی که سگ را فرستاده اگر وقتی برسد که بتواند سر حیوان را ببرد، چنانچه به طور معمول و با شتاب مثلاً کارد را بیرون آورد و وقت سر بریدن بگذرد و آن حیوان بمیرد حلال است، ولی اگر مثلاً به واسطه زیاد تنگ بودن غلاف یا چسبندگی آن بیرون آوردن کارد طول بکشد و وقت بگذرد بنا بر احتیاط واجب، حلال نمی‌شود و نیز اگر چیزی همراه او نباشد که با آن سر حیوان را ببرد و حیوان بمیرد، احتیاط واجب آن است که از خوردن آن خودداری کند.

#### مسئله ۲۷۲۵

اگر چند سگ را بفرستد و با هم حیوانی را شکار کنند، چنانچه همه آنها دارای شرط‌هایی که در مسائل گذشته گفته شد بوده‌اند، شکار حلال است و اگر یکی از آنها دارای آن شرطها نبوده، شکار حرام است.

#### مسئله ۲۷۲۶

اگر سگ را برای شکار حیوانی بفرستد و آن سگ حیوان دیگری را شکار کند، آن شکار حلال و پاک است و نیز اگر آن حیوان را با حیوان دیگری شکار کند، هر دوی آنها حلال و پاک می‌باشند.

**مسئله ۲۷۲۷**

اگر چند نفر با هم سگ را بفرستند و یکی از آنها کافر باشد، یا عمدا نام خدا را نبرد، آن شکار حرام است و نیز اگر یکی از سگ‌هایی را که فرستاده‌اند به طوری که در مسائل گذشته گفته شد تربیت شده نباشد، آن شکار حرام می‌باشد.

**مسئله ۲۷۲۸**

اگر باز یا حیوان دیگری غیر سگ شکاری حیوانی را شکار کند، آن شکار حلال نیست ولی اگر وقتی برسند که حیوان زنده باشد و به دستوری که در شرع معین شده سر آن را ببرند حلال است.

**صید ماهی****مسئله ۲۷۲۹**

اگر ماهی فلس دار را زنده از آب بگیرند و بیرون آب جان دهد، پاک و خوردن آن حلال است و چنانچه در آب بمیرد پاک است ولی خوردن آن حرام می‌باشد و ماهی بی فلس را اگر چه زنده از آب بگیرند و بیرون آب جان دهد حرام است و همچنین خوردن خرچنگ حرام است.

**مسئله ۲۷۳۰**

اگر ماهی از آب بیرون بیفتد، یا موج آن را بیرون بیندازد، یا آب فرو رود و ماهی در خشکی بماند، چنانچه پیش از آن که بمیرد، با دست یا به وسیله دیگر کسی آن را بگیرد، بعد از جان دادن حلال است.

**مسئله ۲۷۳۱**

کسی که ماهی را صید می‌کند، لازم نیست مسلمان باشد و در موقع گرفتن، نام خدا را ببرد ولی مسلمان باید بداند که آن را زنده گرفته‌اند و در خارج آب مرده است.

**مسئله ۲۷۳۲**

ماهی مرده‌ای که معلوم نیست آن را زنده از آب گرفته‌اند یا مرده، چنانچه در دست مسلمان باشد، حلال است و اگر در دست کافر باشد، اگر چه بگوید آن را زنده گرفته‌ام حرام می‌باشد. مگر آن که از گفته او اطمینان پیدا کند که ماهی خارج آب مرده است.

**مسئله ۲۷۳۳**

خوردن ماهی زنده اشکال ندارد.

**مسئله ۲۷۳۴**

اگر ماهی زنده را بریان کنند، یا در بیرون آب پیش از جان دادن بکشند، خوردن آن اشکال ندارد.

**مسئله ۲۷۳۵**

اگر ماهی را بیرون آب دو قسمت کنند و یک قسمت آن در حالی که زنده است در آب بیفتد، خوردن قسمتی را که بیرون آب مانده اشکال ندارد.

**صید ملخ****مسئله ۲۷۳۶**

اگر ملخ را با دست یا به وسیله دیگری زنده بگیرند، بعد از جان دادن خوردن آن حلال است و لازم نیست کسی که آن را می‌گیرد مسلمان باشد و در موقع گرفتن، نام خدا را ببرد ولی اگر ملخ مرده‌ای در دست کافر باشد و معلوم نباشد که آن را زنده گرفته یا نه، اگر چه بگوید زنده گرفته‌ام حلال نیست و خوردن میگو اشکال ندارد.

**مسئله ۲۷۳۷**

خوردن ملخی که بال در نیاورده و نمی‌تواند پرواز کند حرام است.

**احکام خوردنیها و آشامیدنیها****مسئله ۲۷۳۸**

خوردن گوشت مرغی که مثل شاهین چنگال دارد حرام است و پرستو حلال می‌باشد و خوردن گوشت هدهد مکروه می‌باشد.

**مسئله ۲۷۳۹**

اگر چیزی را که روح دارد از حیوان زنده جدا نمایند، مثلاً دنبه یا مقداری گوشت از گوسفند زنده ببرند، نجس و حرام می‌باشد.

**مسئله ۲۷۴۰**

پانزده چیز از حیوانات حلال گوشت، حرام است:

- ۱- خون
- ۲- فضله
- ۳- نری
- ۴- فرج
- ۵- بچه دان و بنا بر احتیاط واجب جفت
- ۶- غدد که آن را دشول می‌گویند
- ۷- تخم که آن را دنبلان می‌گویند
- ۸- چیزی که در مغز کله است و به شکل نخود می‌باشد
- ۹- مغز حرام که در میان تیره پشت است



۱۰ - پی‌ای که در دو طرف تیره پشت است

۱۱ - زهره دان

۱۲ - سپرز (طحال)

۱۳ - بول دان (مئانه)

۱۴ - حلقه چشم

۱۵ - چیزی که در میان سم است و به آن ذات الاشاجع می‌گویند.

### مسئله ۲۷۴۱

خوردن سرگین و آب دماغ حرام است و احتیاط واجب آن است که از خوردن چیزهای خبیث دیگر که طبیعت انسان از آن متنفر است اجتناب کنند، ولی اگر پاک باشد و مقداری از آن به طوری با چیز حلال مخلوط شود که در نظر مردم نابود حساب شود، خوردن آن اشکال ندارد.

### مسئله ۲۷۴۲

خوردن کمی از تربت حضرت سید الشهداء علیه السلام برای شفا و خوردن گل داغستان و گل ارمنی برای معالجه اگر علاج منحصر به خوردن اینها باشد اشکال ندارد.

### مسئله ۲۷۴۳

فرو بردن آب بینی و خلط سینه که در دهن آمده، حرام نیست و نیز فرو بردن غذایی که موقع خلل کردن، از لای دندان بیرون می‌آید اگر طبیعت انسان از آن متنفر نباشد اشکال ندارد.

### مسئله ۲۷۴۴

خوردن چیزی که برای انسان ضرر دارد حرام است ولی اگر ضرر کم باشد که عقلاء اعتنا نکنند حرام نیست.

### مسئله ۲۷۴۵

خوردن گوشت اسب و قاطر و الاغ مکروه است و اگر کسی با آنها وطی کند یعنی نزدیکی نماید حرام می‌شوند و باید آنها را از شهر بیرون ببرند و در جای دیگر بفروشند.

### مسئله ۲۷۴۶

اگر با گاو و گوسفند و شتر نزدیکی کنند، بول و سرگین آنها نجس می‌شود و آشامیدن شیر آنها هم حرام است و باید بدون آن که تأخیر بيفتد آن حیوان را بکشند و بسوزانند و کسی که با آنها وطی کرده پول آن را به صاحبش بدهد بلکه اگر با حیوان دیگری هم نزدیکی کند شیر آن حرام می‌شود.

### مسئله ۲۷۴۷

آشامیدن شراب حرام و در بعضی از اخبار بزرگترین گناه شمرده شده است و اگر کسی آن را حلال بداند در صورتی که ملتفت باشد که لازمه حلال دانستن آن تکذیب خدا و پیغمبر می‌باشد کافر است. از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند:

شراب ریشه بدیها و منشأ گناهان است و کسی که شراب می‌خورد، عقل خود را از دست می‌دهد و در آن موقع خدا را نمی‌شناسد و از هیچ گناهی باک ندارد و احترام هیچ کس را نگه نمی‌دارد و حق خویشان نزدیک را رعایت نمی‌کند و از زشتی‌های آشکار رو نمی‌گرداند و روح ایمان و خداشناسی از بدن او بیرون می‌رود و روح ناقص خبیثی که از رحمت خدا دور است در او می‌ماند و خدا و فرشتگان و پیغمبران و مؤمنین او را لعنت می‌کنند و تا چهل روز نماز او قبول نمی‌شود و روز قیامت روی او سیاه است و زبان از دهانش بیرون می‌آید و آب دهان او به سینه‌اش می‌ریزد و فریاد تشنگی او بلند است.

### مسئله ۲۷۴۸

سر سفره‌ای که در آن شراب می‌خورند، اگر انسان یکی از آنان حساب شود نباید نشست و از چیز خوردن از آن سفره هم باید اجتناب کرد.

### مسئله ۲۷۴۹

بر هر مسلمان واجب است مسلمان دیگری را که نزدیک است از گرسنگی یا تشنگی بمیرد، نان و آب داده و او را از مرگ نجات دهد.

### چیزهایی که موقع غذا خوردن مستحب است

### مسئله ۲۷۵۰

چند چیز در غذا خوردن مستحب است:

اول هر دو دست را پیش از غذا بشوید.

دوم بعد از غذا دست خود را بشوید و با دستمال خشک کند.

سوم میزبان پیش از همه شروع به غذا خوردن کند و بعد از همه دست بکشد و پیش از غذا اول میزبان دست خود را بشوید، بعد کسی که طرف راست او نشسته و همینطور تا برسد به کسی که طرف چپ او نشسته و بعد از غذا اول کسی که طرف چپ میزبان نشسته دست خود را بشوید و همینطور تا به طرف راست میزبان برسد.

چهارم در اول غذا بسم الله بگوید ولی اگر سر یک سفره چند جور غذا باشد، در وقت خوردن هر کدام آنها گفتن بسم الله مستحب است.

پنجم با دست راست غذا بخورد.

ششم با سه انگشت یا بیشتر غذا بخورد و با دو انگشت نخورد.

هفتم اگر چند نفر سر یک سفره نشسته‌اند هر کسی از غذای جلوی خودش بخورد.

هشتم لقمه را کوچک بردارد.

نهم سر سفره زیاد بنشیند و غذا خوردن را طول بدهد.

دهم غذا را خوب بجود.

یازدهم بعد از غذا خداوند عالم را حمد کند.

دوازدهم انگشت‌ها را بلیسد.

سیزدهم بعد از غذا خلال نماید ولی با چوب انار و چوب ریحان و نی و برگ درخت خرما خلال نکنند.

چهاردهم آنچه بیرون سفره می‌ریزد جمع کند و بخورد ولی اگر در بیابان غذا بخورد، مستحب است آنچه می‌ریزد، برای پرندگان و حیوانات بگذارد. پانزدهم در اول روز و اول شب غذا بخورد و در بین روز و در بین شب غذا نخورد. شانزدهم بعد از خوردن غذا به پشت بخوابد و پای راست را روی پای چپ بیندازد. هفدهم در اول غذا و آخر آن نمک بخورد. هیجدهم میوه را پیش از خوردن با آب بشوید.

### چیزهایی که در غذا خوردن مکروه است

#### مسئله ۲۷۵۱

چند چیز در غذا خوردن مکروه است:

اول در حال سیری غذا خوردن.

دوم پر خوردن و در خیر است که خداوند عالم بیشتر از هر چیز از شکم پر بدش می‌آید.

سوم نگاه کردن به صورت دیگران در موقع غذا خوردن چهارم خوردن غذای داغ.

پنجم فوت کردن چیزی که می‌خورد یا می‌آشامد.

ششم بعد از گذاشتن نان در سفره، منتظر چیز دیگر شدن.

هفتم پاره کردن نان با کارد.

هشتم گذاشتن نان زیر ظرف غذا.

نهم پاک کردن گوشتی که به استخوان چسبیده به طوری که چیزی در آن نماند.

دهم پوست کردن میوه.

یازدهم دور انداختن میوه پیش از آن که کاملاً آن را بخورد.

### مستحبات آب آشامیدن

#### مسئله ۲۷۵۲

در آشامیدن آب چند چیز مستحب است:

اول آب را به طور مکیدن بیاشامد.

دوم در روز ایستاده آب بخورد.

سوم پیش از آشامیدن آب بسم الله و بعد از آن الْحَمْدُ لِلَّهِ بگوید.

چهارم به سه نفس آب بیاشامد.

پنجم از روی میل آب بیاشامد.

ششم بعد از آشامیدن آب حضرت ابا عبدالله علیه السلام و اهل بیت ایشان را یاد کند و قاتلان آن حضرت را لعنت نماید.

**مکروهات آب آشامیدن****مسئله ۲۷۵۳**

زیاد آشامیدن آب و آشامیدن آن بعد از غذای چرب و در شب به حال ایستاده مکروه است و نیز آشامیدن آب با دست چپ و همچنین از جای شکسته کوزه و جایی که دسته آن است مکروه می‌باشد.

**احکام نذر و عهد****مسئله ۲۷۵۴**

نذر آن است که انسان بر خود واجب کند که کار خیری را برای خدا به جا آورد، یا کاری را که نکردن آن بهتر است برای خدا ترک نماید.

**مسئله ۲۷۵۵**

در نذر باید صیغه خوانده شود و لازم نیست آن را به عربی بخوانند پس اگر بگوید چنانچه مریض من خوب شود، برای خدا بر من است که ده تومان به فقیر بدهم نذر او صحیح است و اگر این معنا را در قلب یا ذهن خود بگذارند کافی نیست.

**مسئله ۲۷۵۶**

نذر کننده باید مکلف و عاقل باشد و به اختیار و قصد خود نذر کند، بنا بر این نذر کردن کسی که او را مجبور کرده‌اند، یا به واسطه عصبانی شدن بی‌اختیار نذر کرده صحیح نیست.

**مسئله ۲۷۵۷**

آدم سفیهی که مال خود را در کارهای بیهوده مصرف می‌کند، چنانچه با حال سفاهت بالغ شده باشد یا حاکم شرع او را از تصرف در اموالش جلوگیری کرده باشد نذرهای مربوط به مالش صحیح نیست.

**مسئله ۲۷۵۸**

نذر زن بی‌اجازه شوهرش باطل است.

**مسئله ۲۷۵۹**

اگر زن با اجازه شوهر نذر کند شوهرش نمی‌تواند نذر او را به هم زند، یا او را از عمل کردن به نذر جلوگیری نماید.

**مسئله ۲۷۶۰**

هر گاه فرزند نذری کند اگر چه بدون اجازه پدر هم باشد باید به آن نذر عمل نماید و اگر بعد از نذر، پدر فرزند را از عمل به نذر منع کند، در اینجا وفای به نذر لازم نیست و نذرش منحل می‌شود.

**مسئله ۲۷۶۱**

انسان کاری را می‌تواند نذر کند که انجام آن برایش ممکن باشد بنا بر این کسی که نمی‌تواند پیاده کربلا برود، اگر نذر کند که پیاده برود، نذر او صحیح نیست.

**مسئله ۲۷۶۲**

اگر نذر کند که کار حرام یا مکروهی را انجام دهد، یا کار واجب یا مستحبی را ترک کند، نذر او صحیح نیست.

**مسئله ۲۷۶۳**

اگر نذر کند که کار مباحی را انجام دهد یا ترک نماید، چنانچه به جا آوردن آن و ترکش از هر جهت مساوی باشد، نذر او صحیح نیست و اگر انجام آن از جهتی بهتر باشد و انسان به قصد همان جهت نذر کند، مثلاً نذر کند غذایی را بخورد که برای عبادت قوت بگیرد نذر او صحیح است و نیز اگر ترک آن از جهتی بهتر باشد و انسان برای همان جهت نذر کند که آن را ترک نماید مثلاً برای این که دود مضر است نذر کند که آن را استعمال نکند نذر او صحیح می‌باشد.

**مسئله ۲۷۶۴**

اگر نذر کند نماز واجب خود را در جایی بخواند که به خودی خود ثواب نماز در آنجا زیاد نیست مثلاً نذر کند نماز را در اتاق بخواند، چنانچه نماز خواندن در آنجا از جهتی بهتر باشد مثلاً به واسطه این که خلوت است انسان حضور قلب پیدا می‌کند، نذر صحیح است.

**مسئله ۲۷۶۵**

اگر نذر کند عملی را انجام دهد، باید همان طور که نذر کرده به جا آورد پس اگر نذر کند که روز اول ماه صدقه بدهد، یا روزه بگیرد، یا نماز اول ماه بخواند چنانچه قبل از آن روز یا بعد از آن به جا آورد کفایت نمی‌کند و نیز اگر نذر کند که وقتی مریض او خوب شد صدقه بدهد، چنانچه پیش از آن که خوب شود صدقه را بدهد کافی نیست.

**مسئله ۲۷۶۶**

اگر نذر کند روزه بگیرد ولی وقت و مقدار آن را معین نکند چنانچه یک روز روزه بگیرد کافیت است و اگر نذر کند نماز بخواند و مقدار و خصوصیات آن را معین نکند، اگر یک نماز دو رکعتی بخواند کفایت می‌کند و اگر نذر کند صدقه بدهد و جنس و مقدار آن را معین نکند اگر چیزی بدهد که بگویند صدقه داده، به نذر عمل کرده است و اگر نذر کند کاری برای خدا به جا آورد، در صورتی که یک نماز بخواند یا یک روز روزه بگیرد، یا چیزی صدقه بدهد، نذر خود را انجام داده است.

**مسئله ۲۷۶۷**

اگر نذر کند روز معینی را روزه بگیرد، باید همان روز را روزه بگیرد و چنانچه در آن روز مسافرت کند قضای آن روز بر او واجب است. ولی چنانچه نذر کند که روز معینی را در سفر روزه بگیرد و باید آن را در سفر به جا آورد.

**مسئله ۲۷۶۸**

اگر انسان از روی اختیار به نذر خود عمل نکند، باید کفاره بدهد یعنی یک بنده آزاد کند یا به شصت فقیر طعام دهد یا دو ماه پی در پی روزه بگیرد.

**مسئله ۲۷۶۹**

اگر نذر کند که تا وقت معینی عملی را ترک کند، بعد از گذشتن آن وقت می‌تواند آن عمل را به جا آورد و اگر پیش از گذشتن وقت از روی فراموشی یا ناچاری انجام دهد، چیزی بر او واجب نیست ولی باز هم لازم است که تا آن وقت آن عمل را به جا نیاورد و چنانچه دوباره پیش از رسیدن آن وقت بدون عذر آن عمل را انجام دهد، باید به مقداری که در مسأله پیش گفته شد کفاره بدهد.

**مسئله ۲۷۷۰**

کسی که نذر کرده عملی را ترک کند و وقتی برای آن معین نکرده است. اگر از روی فراموشی، یا ناچاری، یا ندانستن، آن عمل را انجام دهد کفاره بر او واجب نیست. ولی چنانچه از روی اختیار آن را به جا آورد برای دفعه اول باید کفاره بدهد.

**مسئله ۲۷۷۱**

اگر نذر کند که در هر هفته روز معین مثلاً روز جمعه را روزه بگیرد چنانچه یکی از جمعه‌ها عید فطر یا قربان باشد یا در روز جمعه عذر دیگری مانند حیض برای او پیدا شود، باید آن روز را روزه نگیرد و قضای آن را به جا آورد.

**مسئله ۲۷۷۲**

اگر نذر کند که مقدار معینی صدقه بدهد، چنانچه پیش از دادن صدقه بمیرد، باید آن مقدار را از مال او صدقه بدهند.

**مسئله ۲۷۷۳**

اگر نذر کند که به فقیر معینی صدقه بدهد نمی‌تواند آن را به فقیر دیگر بدهد و اگر آن فقیر بمیرد، بنا بر احتیاط باید به ورثه او بدهد.

**مسئله ۲۷۷۴**

اگر نذر کند که به زیارت یکی از امامان مثلاً به زیارت حضرت ابا عبد الله علیه السلام مشرف شود، چنانچه به زیارت امام دیگر برود کافی نیست و اگر به واسطه عذری نتواند آن امام را زیارت کند چیزی بر او واجب نیست.

**مسئله ۲۷۷۵**

کسی که نذر کرده زیارت برود و غسل زیارت و نماز آن را نذر نکرده، لازم نیست آنها را به جا آورد.

**مسئله ۲۷۷۶**

اگر برای حرم یکی از امامان یا امامزادگان چیزی نذر کند باید آن را به مصارف حرم برساند از قبیل فرش و پرده و روشنایی و اگر برای امام علیه‌السلام یا امام زاده نذر کند می‌تواند به خدایمی که مشغول خدمت هستند بدهد چنانچه می‌تواند به مصارف حرم برساند.

**مسئله ۲۷۷۷**

اگر برای خود امام علیه‌السلام چیزی نذر کند، چنانچه مصرف معینی را قصد کرده باید به همان مصرف برساند و اگر مصرف معینی را قصد نکرده، باید به فقرا و زوار بدهد، یا مسجد و مانند آن بسازد و ثواب آن را هدیه آن امام نماید و همچنین است اگر چیزی را برای امامزاده‌ای نذر کند.

**مسئله ۲۷۷۸**

گوسفندی را که برای صدقه، یا برای یکی از امامان نذر کرده‌اند پشم آن و مقداری که چاق می‌شود جزء نذر است و اگر پیش از آن که به مصرف نذر برسد شیر بدهد، یا بچه بیاورد بنا بر احتیاط واجب باید به مصرف نذر برساند.

**مسئله ۲۷۷۹**

هر گاه نذر کند که اگر مریض او خوب شود، یا مسافر او بیاید عملی را انجام دهد، چنانچه معلوم شود که پیش از نذر کردن مریض خوب شده، یا مسافر آمده است، عمل کردن به نذر لازم نیست.

**مسئله ۲۷۸۰**

اگر پدر یا مادر نذر کند که دختر خود را به سید شوهر دهد بعد از آن که دختر به تکلیف رسید احتیاط آن است که اگر بتواند او را راضی نمایند که به سید شوهر کند و اگر دختر راضی نشد نذر آنها اعتبار ندارد.

**مسئله ۲۷۸۱**

هر گاه با خدا عهد کند که اگر به حاجت شرعی خود برسد کار خیری را انجام دهد، بعد از آن که حاجتش بر آورده شد باید آن کار را انجام دهد و نیز اگر بدون آن که حاجتی داشته باشد، عهد کند که عمل خیری را انجام دهد، آن عمل بر او واجب می‌شود.

**مسئله ۲۷۸۲**

در عهد هم مثل نذر باید صیغه خوانده شود و نیز کاری را که عهد می‌کند انجام دهد باید نکرده‌اش بهتر از انجام آن نباشد و عهد قلبی اعتبار ندارد.

**مسئله ۲۷۸۳**

اگر به عهد خود عمل نکنند، باید کفاره بدهد یعنی شصت فقیر را سیر کند، یا دو ماه روزه بگیرد یا یک بنده آزاد کند.

## احکام قسم خوردن

### مسئله ۲۷۸۴

اگر قسم بخورد که کاری را انجام دهد یا ترک کند مثلاً قسم بخورد که روزه بگیرد، یا دود استعمال نکند، چنانچه عمدا مخالفت کند، باید کفاره بدهد، یعنی یک بنده آزاد کند، یا ده فقیر را سیر کند، یا آنان را بپوشاند و اگر اینها را نتواند باید سه روز پی در پی روزه بگیرد.

### مسئله ۲۷۸۵

قسم چند شرط دارد:

اول کسی که قسم می‌خورد باید بالغ و عاقل باشد و اگر می‌خواهد راجع به مال خودش قسم بخورد باید در حال بالغ شدن سفیه نباشد و حاکم شرع او را از تصرف در اموالش منع نکرده باشد و از روی قصد و اختیار قسم بخورد، پس قسم خوردن بچه و دیوانه و مست و کسی که مجبورش کرده‌اند، درست نیست و همچنین است اگر در حال عصبانی بودن بی‌قصد قسم بخورد.

دوم کاری را که قسم می‌خورد انجام دهد، باید حرام و مکروه نباشد و کاری را که قسم می‌خورد ترک کند، باید واجب و مستحب نباشد و اگر قسم بخورد که کار مباحی را به جا آورد باید ترک آن در نظر مردم بهتر از انجامش نباشد و نیز اگر قسم بخورد کار مباحی را ترک کند باید انجام آن در نظر مردم بهتر از ترکش نباشد.

سوم به یکی از اسم‌های خداوند عالم قسم بخورد که بغیر ذات مقدس او گفته نمی‌شود مانند «خدا» و «الله» و نیز اگر به اسمی قسم بخورد که بغیر خدا هم می‌گویند ولی به قدری به خدا گفته می‌شود که هر وقت کسی آن اسم را بگوید، ذات مقدس حق در نظر می‌آید، مثل آن که به خالق و رازق قسم بخورد صحیح است بلکه اگر به لفظی قسم بخورد که بدون قرینه، خدا به نظر نمی‌آید ولی او قصد خدا را کند بنا بر احتیاط باید به آن قسم عمل نماید.

چهارم قسم را به زبان بیاورد و اگر بنویسد یا در قلبش آن را قصد کند صحیح نیست ولی آدم لال اگر با اشاره قسم بخورد صحیح است.

پنجم عمل کردن به قسم برای او ممکن باشد و اگر موقعی که قسم می‌خورد ممکن باشد و بعد تا آخر وقتی که برای قسم معین کرده عاجز شود یا برایش مشقت داشته باشد قسم او از وقتی که عاجز شده به هم می‌خورد.

### مسئله ۲۷۸۶

اگر پدر از قسم خوردن فرزند جلوگیری کند، یا شوهر از قسم خوردن زن جلوگیری نماید، قسم آنان صحیح نیست.

### مسئله ۲۷۸۷

اگر فرزند بدون اجازه پدر و زن بدون اجازه شوهر قسم بخورد، بعید نیست قسم آنان صحیح نباشد لکن نباید احتیاط را ترک کنند.

### مسئله ۲۷۸۸

اگر انسان از روی فراموشی، یا ناچاری به قسم عمل نکند، کفاره بر او واجب نیست و همچنین است اگر مجبورش کنند که به قسم عمل ننماید و قسمی که آدم و سواسی می‌خورد، مثل این که می‌گوید واللہ الان مشغول نماز می‌شوم و به واسطه سواس مشغول



نمی‌شود، اگر وسواس او طوری باشد که بی‌اختیار به قسم عمل نکند کفاره ندارد.

### مسئله ۲۷۸۹

کسی که قسم می‌خورد، اگر حرف او راست باشد قسم خوردن او مکروه است و اگر دروغ باشد حرام و از گناهان بزرگ می‌باشد، ولی اگر برای این که خودش یا مسلمان دیگری را از شر ظالمی نجات دهد و نتواند توریه کند، قسم دروغ بخورد اشکال ندارد بلکه گاهی واجب می‌شود و این جور قسم خوردن غیر از قسمیست که در مسائل پیش گفته شد.

### احکام وقف

### مسئله ۲۷۹۰

اگر کسی چیزی را وقف کند، از ملک او خارج می‌شود و خود او و دیگران نمی‌توانند آن را ببخشند، یا بفروشند و کسی هم از آن ملک ارث نمی‌برد ولی در بعضی از موارد که در مسئله در صفحه ۴۰۷ و ۴۰۸ گفته شد، فروختن آن اشکال ندارد.

### مسئله ۲۷۹۱

لازم نیست صیغه وقف را به عربی بخوانند، بلکه اگر مثلاً بگوید خانه خود را وقف کردم وقف صحیح است و محتاج به قبول هم نیست حتی در وقف خاص.

### مسئله ۲۷۹۲

اگر ملکی را برای وقف معین کند و پیش از خواندن صیغه وقف پشیمان شود، یا بمیرد، وقف درست نیست.

### مسئله ۲۷۹۳

کسی که مالی را وقف می‌کند، بنا بر احتیاط واجب از موقع خواندن صیغه، مال را برای همیشه وقف کند و اگر مثلاً بگوید این مال بعد از مردن من وقف باشد، چون از موقع خواندن صیغه تا مردنش وقف نبوده اشکال دارد و نیز اگر بگوید تا ده سال وقف باشد و بعد از آن نباشد، یا بگوید تا ده سال وقف باشد، بعد پنج سال وقف نباشد و دوباره وقف باشد، وقف بودنش اشکال دارد.

### مسئله ۲۷۹۴

وقف در صورتی صحیح است که مال وقف را به تصرف کسی که برای او وقف شده یا وکیل، یا ولی او بدهند، ولی اگر چیزی را بر اولاد صغیر خود وقف کند و به قصد این که آن چیز ملک آنان شود، از طرف آنان نگهداری نماید وقف صحیح است.

### مسئله ۲۷۹۵

اگر مسجد را وقف کنند، بعد از آن که واقف به قصد واگذار کردن اجازه دهد که در آن مسجد نماز بخوانند و در معرض نماز خواندن قرار گرفت وقف درست می‌شود و احتیاط آن است که با نماز خواندن یک نفر وقف محقق می‌شود.

### مسئله ۲۷۹۶

وقف کننده باید مکلف و عاقل و با قصد و اختیار باشد و شرعاً بتواند در مال خود تصرف کند بنا بر این سفیهی که در حال بالغ بودن سفیه بوده یا حاکم شرع او را از تصرف در اموالش جلوگیری کرده چون حق ندارد در مال خود تصرف نماید اگر چیزی را وقف کند صحیح نیست.

#### مسئله ۲۷۹۷

اگر مالی را برای کسانی که به دنیا نیامده‌اند وقف کند درست نیست ولی وقف برای اشخاصی که بعضی از آنها به دنیا آمده‌اند صحیح و آنها که به دنیا نیامده‌اند بعد از آمدن به دنیا با دیگران شریک می‌شوند.

#### مسئله ۲۷۹۸

اگر چیزی را بر خودش وقف کند مثل آن که دکانی را وقف کند که عایدی آن را بعد از مرگ او خرج مقبره‌اش نمایند صحیح نیست. ولی اگر مثلاً مالی را بر فقرا وقف کند و خودش فقیر شود، می‌تواند از منافع وقف استفاده نماید.

#### مسئله ۲۷۹۹

اگر برای چیزی که وقف کرده متولی معین کند باید مطابق قرارداد او رفتار نمایند و اگر معین نکند، چنانچه بر افراد مخصوصی مثلاً بر اولاد خود وقف کرده باشد راجع به چیزهایی که مربوط به مصلحت وقف است که در نفع بردن طبقات بعد نیز دخالت دارد اختیار با حاکم شرع است و راجع به چیزهایی که مربوط به نفع بردن طبقه موجود است اگر آنها بالغ باشند، اختیار با خود آنان است و اگر بالغ نباشند، اختیار با ولی ایشان است و برای استفاده از وقف اجازه حاکم شرع لازم نیست.

#### مسئله ۲۸۰۰

اگر ملکی را مثلاً بر فقرا یا سادات وقف کند یا وقف کند که منافع آن به مصرف خیرات برسد، در صورتی که برای آن ملک متولی معین نکرده باشد اختیار آن با حاکم شرع است.

#### مسئله ۲۸۰۱

اگر ملکی را بر افراد مخصوصی مثلاً بر اولاد خود وقف کند که هر طبقه‌ای بعد از طبقه دیگر از آن استفاده کنند، چنانچه متولی ملک آن را اجاره دهد و بمیرد در صورتی که مراعات مصلحت وقف یا مصلحت طبقه بعد را کرده باشد اجاره باطل نمی‌شود. ولی اگر متولی نداشته باشد و یک طبقه از کسانی که ملک بر آنها وقف شده آن را اجاره دهند و در بین مدت اجاره بمیرند در صورتی که طبقه بعد اجازه نکنند، اجاره باطل می‌شود و در صورتی که مستأجر مال الاجاره تمام مدت را داده باشد مال الاجاره از زمان مردنشان تا آخر مدت اجاره را از مال آنان می‌گیرد.

#### مسئله ۲۸۰۲

اگر ملک وقف خراب شود، از وقف بودن بیرون نمی‌رود.

#### مسئله ۲۸۰۳

ملکی که مقداری از آن وقف است و مقداری از آن وقف نیست اگر تقسیم نشده باشد، حاکم شرع یا متولی وقف می‌تواند با نظر خبره سهم وقف را جدا کند.

#### مسئله ۲۸۰۴

اگر متولی وقف خیانت کند و عایدات آن را به مصرفی که معین شده نرساند چنانچه برای عموم وقف شده باشد در صورت امکان حاکم شرع باید به جای او متولی امینی معین نماید.

#### مسئله ۲۸۰۵

فرشی را که برای حسینیه وقف کرده‌اند، نمی‌شود برای نماز به مسجد ببرند، اگر چه آن مسجد نزدیک حسینیه باشد.

#### مسئله ۲۸۰۶

اگر ملکی را برای تعمیر مسجدی وقف نمایند، چنانچه آن مسجد احتیاج به تعمیر ندارد و احتمال هم نمی‌رود که تا مدتی احتیاج به تعمیر پیدا کند، در صورتی که غیر از تعمیر احتیاج دیگری نداشته باشد و عایداتش در معرض تلف و نگهداری آن لغو و بیهوده باشد می‌توانند عایدات آن ملک را به مصرف مسجدی که احتیاج به تعمیر دارد برسانند ولی احتیاط آن است که با اجازه حاکم شرع باشد.

#### مسئله ۲۸۰۷

اگر ملکی را وقف کند که عایدی آن را خرج تعمیر مسجد نمایند و به امام جماعت و به کسی که در آن مسجد اذان می‌گوید بدهند در صورتی که بدانند که برای هر یک چه مقدار معین کرده، باید همان طور مصرف کنند و اگر یقین نداشته باشند، باید اول مسجد را تعمیر کنند و اگر چیزی زیاد آمد بین امام جماعت و کسی که اذان می‌گوید به طور مساوی قسمت نمایند و بهتر آن است که این دو نفر در تقسیم با یکدیگر صلح کنند.

### احکام وصیت

#### مسئله ۲۸۰۸

وصیت آن است که انسان سفارش کند بعد از مرگش برای او کارهایی انجام دهند، یا بگوید بعد از مرگش چیزی از مال او ملک کسی باشد یا اینکه چیزی از مال او را به کسی تملیک یا صرف در خیرات و مبرات کنند یا برای اولاد خود و کسانی که اختیار آنان با او است قیم و سرپرست معین کند و کسی را که به او وصیت می‌کنند وصی می‌گویند.

#### مسئله ۲۸۰۹

کسی که نمی‌تواند حرف بزند اگر با اشاره مقصود خود را بفهماند برای هر کاری می‌تواند وصیت کند ولی کسی که می‌تواند حرف بزند بنا بر احتیاط اکتفا به اشاره یا نوشته نکند.

**مسئله ۲۸۱۰**

اگر نوشته‌ای به امضا یا مهر میت ببینند چنانچه مقصود او را بفهماند و معلوم باشد که برای وصیت کردن نوشته، باید مطابق آن عمل کنند.

**مسئله ۲۸۱۱**

کسی که وصیت می‌کند باید عاقل و بالغ باشد ولی بچه ده ساله‌ای که خوب و بد را تمیز می‌دهد اگر برای کار خوبی مثل ساختن مسجد و آب انبار و پل وصیت کند صحیح می‌باشد و همچنین باید از روی اختیار وصیت کند و نیز وصیت کننده باید در حال بالغ شدن سفیه نباشد و حاکم شرع هم او را از تصرف در اموالش جلوگیری نکرده باشد.

**مسئله ۲۸۱۲**

کسی که از روی عمد مثلاً زخمی به خود زده یا سمی خورده است که به واسطه آن، یقین یا گمان به مردن او پیدا می‌شود، اگر وصیت کند که مقداری از مال او را به مصرفی برسانند صحیح نیست.

**مسئله ۲۸۱۳**

در وصیت تملیکه قبول موصی که معتبر است، پس اگر شخص وصیت کند که چیزی به کسی بدهند، در صورتی آن کس آن چیز را مالک می‌شود که وصیت را قبول کند و لازم نیست قبول بعد از موت وصیت کننده باشد بلکه اگر پیش از موت او هم باشد، کفایت می‌کند بلی اگر قبول پیش از موت وصیت کننده باشد به مجرد قبول آن چیز را مالک نمی‌شود بلکه بعد از موت وصیت کننده بدون حاجت به قبول دیگر، مالک می‌شود و اگر قبول بعد از موت باشد، به مجرد قبول آن چیز را مالک می‌شود.

**مسئله ۲۸۱۴**

وقتی انسان نشانه‌های مرگ را در خود دید، باید فوراً امانت‌های مردم را به صاحبانش برگرداند و اگر به مردم بدهکار است و موقع دادن آن بدهی رسیده باشد باید بدهد و اگر خودش نمی‌تواند بدهد، یا موقع دادن بدهی او نرسیده، باید وصیت کند و برای وصیت خود شاهد بگیرد، ولی اگر بدهی او معلوم باشد و اطمینان دارد که ورثه می‌پردازند وصیت کردن لازم نیست.

**مسئله ۲۸۱۵**

کسی که نشانه‌های مرگ را در خود می‌بیند، اگر خمس و زکات و مظالم بدهکار است باید فوراً بدهد و اگر نمی‌تواند چنانچه از خودش مال دارد، یا احتمال می‌دهد کسی آنها را ادا نماید، باید وصیت کند و همچنین است اگر حج بر او واجب شده باشد.

**مسئله ۲۸۱۶**

کسی که نشانه‌های مرگ را در خود می‌بیند، اگر نماز و روزه قضا دارد، باید وصیت کند که از مال خودش برای آنها اجیر بگیرند، بلکه اگر مال نداشته باشد ولی احتمال بدهد کسی بدون آن که چیزی بگیرد آنها را انجام می‌دهد، باز هم واجب است وصیت نماید و اگر قضای نماز و روزه او به تفصیلی که در مسائل قضای نماز و روزه گفته شد، بر پسر بزرگترش واجب باشد، باید به او

اطلاع دهد یا وصیت کند که برای او به جا آوردند.

### مسئله ۲۸۱۷

کسی که نشانه‌های مرگ را در خود می‌بیند، اگر مالی پیش کسی دارد یا در جایی پنهان کرده است که ورثه نمی‌دانند، چنانچه به واسطه ندانستن، حقیقت از بین برود، باید به آنان اطلاع دهد و لازم نیست برای بچه‌های صغیر خود قیم و سرپرست معین کند، ولی در صورتی که بدون قیم مالشان از بین می‌رود، یا حقوقشان ضایع می‌شود، باید برای آنان قیم امینی معین نماید.

### مسئله ۲۸۱۸

وصی باید مسلمان و بالغ و عاقل و مورد اطمینان باشد.

### مسئله ۲۸۱۹

اگر کسی چند وصی برای خود معین کند، چنانچه اجازه داده باشد که هر کدام به تنهایی به وصیت عمل کنند، لازم نیست در انجام وصیت از یکدیگر اجازه بگیرند و اگر اجازه نداده باشد، چه گفته باشد که همه با هم به وصیت عمل کنند، یا نگفته باشد، باید با نظر یکدیگر به وصیت عمل نمایند و اگر حاضر نشوند که با یکدیگر به وصیت عمل کنند و در تشخیص مصلحت اختلاف داشته باشند در صورتی که تأخیر و مهلت دادن علت شود که عمل به وصیت معطل بماند، حاکم شرع آنها را مجبور می‌کند که تسلیم نظر کسی شوند که صلاح را تشخیص دهد و اگر اطاعت نکنند، به جای آنان دیگران را معین می‌نماید و اگر یکی از آنان قبول نکرد یک نفر دیگر را به جای او تعیین می‌نماید.

### مسئله ۲۸۲۰

اگر انسان از وصیت خود برگردد مثلاً بگوید ثلث مالش را به کسی بدهند، بعد بگوید به او ندهند وصیت باطل می‌شود و اگر وصیت خود را تغییر دهد، مثل آن که قیمی برای بچه‌های خود معین کند بعد دیگری را به جای او قیم نماید، وصیت اولش باطل می‌شود و باید به وصیت دوم او عمل نمایند.

### مسئله ۲۸۲۱

اگر کاری کند که معلوم شود از وصیت خود برگشته مثلاً خانه‌ای را که وصیت کرده به کسی بدهند بفروشد، یا دیگری را برای فروش آن وکیل نماید، وصیت باطل می‌شود.

### مسئله ۲۸۲۲

اگر وصیت کند چیز معینی را به کسی بدهند. بعد وصیت کند که نصف همان را به دیگری بدهند، باید آن چیز را دو قسمت کنند و به هر کدام از آن دو نفر یک قسمت آن را بدهند.

### مسئله ۲۸۲۳

اگر کسی در مرضی که به آن مرض می‌میرد، مقداری از مالش را به کسی ببخشد و وصیت کند که بعد از مردن او هم مقداری به

کس دیگر بدهند آنچه را که در حال زندگی بخشیده از اصل مال است و احتیاج به اذن ورثه ندارد و چیزی را که وصیت کرده اگر زیادت از ثلث باشد زیادی آن محتاج به اذن ورثه است.

#### مسئله ۲۸۲۴

اگر وصیت کند که ثلث مال او را نفروشد و عایدی آن را به مصرفی برساند، باید مطابق گفته او عمل نمایند.

#### مسئله ۲۸۲۵

اگر در مرضی که به آن مرض می‌میرد، بگوید مقداری به کسی بدهکار است، چنانچه متهم باشد که برای ضرر زدن به ورثه گفته است باید مقداری را که معین کرده از ثلث او بدهند و اگر متهم نباشد و کسی هم منکر گفته او نشود، باید از اصل مالش بدهند.

#### مسئله ۲۸۲۶

کسی که انسان وصیت می‌کند که چیزی به او بدهند باید وجود داشته باشد، پس اگر وصیت کند به بچه ای که ممکن است فلان زن حامله شود چیزی بدهند باطل است، ولی اگر وصیت کند به بچه ای که در شکم مادر است چیزی بدهند، اگر چه هنوز روح نداشته باشد، وصیت صحیح است، پس اگر زنده به دنیا آمد، باید آنچه را که وصیت کرده به او بدهند و اگر مرده به دنیا آمد، وصیت باطل می‌شود و آنچه را که برای او وصیت کرده، ورثه میان خودشان قسمت می‌کنند.

#### مسئله ۲۸۲۷

اگر انسان بفهمد کسی او را وصی کرده، چنانچه به اطلاع وصیت کننده برساند که برای انجام وصیت او حاضر نیست، لازم نیست بعد از مردن او به وصیت عمل کند. ولی اگر پیش از مردن او نفهمد که او را وصی کرده، یا بفهمد و به او اطلاع ندهد که برای عمل کردن به وصیت حاضر نیست، در صورتی که مشقت نداشته باشد، باید وصیت او را انجام دهد و نیز اگر وصی پیش از مرگ موصی موقعی ملتفت شود که مریض به واسطه شدت مرض نتواند به دیگری وصیت کند، بنا بر احتیاط واجب وصیت را قبول نماید.

#### مسئله ۲۸۲۸

اگر کسی که وصیت کرده بمیرد، وصی نمی‌تواند دیگری را برای انجام کارهای میت معین کند و خود از کار کناره‌گیری نماید، ولی اگر بداند مقصود میت این نبوده که خود وصی آن کار را انجام دهد، بلکه مقصودش فقط انجام کار بوده، می‌تواند دیگری را از طرف خود وکیل نماید.

#### مسئله ۲۸۲۹

اگر کسی دو نفر را وصی کند، چنانچه یکی از آن دو بمیرد، یا دیوانه، یا کافر شود، حاکم شرع یک نفر دیگر را به جای او معین می‌کند و اگر هر دو بمیرند، یا دیوانه، یا کافر شوند، حاکم شرع دو نفر دیگر را معین می‌کند ولی اگر یک نفر بتواند وصیت را عملی کند، معین کردن دو نفر لازم نیست.

**مسئله ۲۸۳۰**

اگر وصی نتواند به تنهایی کارهای میت را انجام دهد حاکم شرع برای کمک او یک نفر دیگر را معین می‌کند.

**مسئله ۲۸۳۱**

اگر مقداری از مال میت در دست وصی تلف شود، چنانچه در نگهداری آن کوتاهی کرده و یا تعدی نموده، مثلاً میت وصیت کرده است که فلان مقدار به فقراى فلان شهر بدهد و او مال را به شهر دیگر برده و در راه از بین رفته ضامن است بلکه اگر در بین راه تلف نشود و به فقراى شهری دهد که مورد وصیت نبوده نیز ضامن است و اگر کوتاهی نکرده و تعدی هم ننموده ضامن نیست.

**مسئله ۲۸۳۲**

هر گاه انسان کسی را وصی کند و بگوید که اگر آن کس بمیرد فلانی وصی دوم باشد، بعد از آن که وصی او مرد، وصی دوم باید کارهای میت را انجام دهد.

**مسئله ۲۸۳۳**

حجی که بر میت واجب است و بدهکاری و حقوقی را که مثل خمس و زکات و مظالم، ادا کردن آنها واجب می‌باشد، باید از اصل مال میت بدهند، اگر چه میت برای آنها وصیت نکرده باشد.

**مسئله ۲۸۳۴**

اگر مال میت از بدهی و حج واجب و حقوقی که مثل خمس و زکات و مظالم بر او واجب است زیاد بیاید، چنانچه وصیت کرده باشد که ثلث یا مقداری از ثلث را به مصرفی برسانند، باید به وصیت او عمل کنند و اگر وصیت نکرده باشد، آنچه می‌ماند مال ورثه است.

**مسئله ۲۸۳۵**

اگر مصرفی را که میت معین کرده، از ثلث مال او بیشتر باشد، وصیت او در بیشتر از ثلث در صورتی صحیح است که ورثه حرفی بزنند، یا کاری کنند که معلوم شود عملی شدن وصیت را اجازه داده‌اند و تنها راضی بودن آنان کافی نیست و اگر مدتی بعد از مردن او هم اجازه بدهند صحیح است و چنانچه بعضی از ورثه اجازه و بعضی رد نمایند، وصیت فقط در سهم آنهاست که اجازه نموده‌اند صحیح و نافذ است.

**مسئله ۲۸۳۶**

اگر مصرفی را که میت معین کرده، از ثلث مال او بیشتر باشد و پیش از مردن او ورثه اجازه بدهند که وصیت او عملی شود، بعد از مردن او نمی‌توانند از اجازه خود برگردند.

**مسئله ۲۸۳۷**

اگر وصیت کند که از ثلث او خمس و زکات یا بدهی دیگر او را بدهند و برای نماز و روزه او اجیر بگیرند و کار مستحبی هم مثل اطعام به فقرا انجام دهند باید اول به واجبات خواه مالی باشد یا بدنی، عمل نماید و در بین واجبات ترتیب معتبر نیست، بلکه اگر وصیت او به ترتیب بوده باید اول آن واجبی را که مقدم داشته عمل نمایند اگر چه بدنی باشد و هم چنین به ترتیب وصیت تا آخر واجبات، پس اگر ثلث، وافی به تمام آن باشد، باید به تمام آن عمل شود و چنانچه ثلث وافی نباشد، باقیمانده اگر تماماً یا قسمتی واجب مالی باشد، باید از اصل ترکه برای آن بردارند و عمل نمایند و اگر باقیمانده تماماً یا قسمتی واجب بدنی باشد مُلغی می‌گردد و چنانچه وصیت میت به ترتیب نباشد باز واجبات مقدم بر مستحبات است ولی در این صورت بین واجبات هیچ گونه ترتیب نیست بلکه ثلث بر تمام واجبات، اعم از مالی و بدنی، توزیع می‌شود و چنانچه وافی به تمام آن نباشد، در باقیمانده واجب مالی از اصل ترکه برداشته می‌شود و باقیمانده واجب بدنی ملغی می‌گردد و در هر صورت عمل به مستحبات موقعی واجب است که از ثلث علاوه بر واجبات، برای آن هم وافی باشد.

### مسئله ۲۸۳۸

اگر وصیت کند که بدهی او را بدهند و برای نماز و روزه او اجیر بگیرند و کار مستحبی هم انجام دهند چنانچه وصیت نکرده باشد که اینها را از ثلث بدهند، باید بدهی او را از اصل مال بدهند و اگر چیزی زیاد آمد، ثلث آن را به مصرف نماز و روزه و کارهای مستحبی که معین کرده برسانند و در صورتی که ثلث کافی نباشد، پس اگر ورثه اجازه بدهند باید وصیت او عملی شود و اگر اجازه ندهند، باید نماز و روزه را از ثلث بدهند و اگر چیزی زیاد آمد به مصرف کار مستحبی که معین کرده برسانند.

### مسئله ۲۸۳۹

اگر کسی بگوید که میت وصیت کرده فلان مبلغ به من بدهند، چنانچه دو مرد عادل گفته او را تصدیق کنند، یا قسم بخورد و یک مرد عادل هم گفته او را تصدیق نماید، یا یک مرد عادل و دو زن عادل یا چهار زن عادل به گفته او شهادت دهند، باید مقداری را که می‌گوید به او بدهند و اگر یک زن عادل شهادت دهد، باید یک چهارم چیزی را که مطالبه می‌کند به او بدهند و اگر دو زن عادل شهادت دهند، نصف آن را و اگر سه زن عادل شهادت دهند، باید سه چهارم آن را به او بدهند و نیز اگر دو مرد کافر ذمی که در دین خود عادل باشند گفته او را تصدیق کنند، در صورتی که میت ناچار بوده است که وصیت کند و مرد و زن عادل هم در موقع وصیت نبوده، باید چیزی را که مطالبه می‌کند به او بدهند.

### مسئله ۲۸۴۰

اگر کسی بگوید من وصی میتم که مال او را به مصرفی برسانم، یا میت مراقیم بچه‌های خود قرار داده، در صورتی باید حرف او را قبول کرد که از گفته او یقین یا اطمینان حاصل شود یا دو مرد عادل گفته او را تصدیق نمایند.

### مسئله ۲۸۴۱

اگر وصیت کند چیزی به کسی بدهند و آن کس پیش از آن که قبول کند یا رد نماید بمیرد، تا وقتی ورثه او وصیت را رد نکرده‌اند می‌توانند آن چیز را قبول نمایند ولی این در صورتیست که وصیت کننده از وصیت خود برنگردد و گرنه حق به آن چیز ندارند.



## احکام ارث

### مسئله ۲۸۴۲

کسانی که به واسطه خویشی ارث می‌برند سه دسته هستند:

دسته اول پدر و مادر و اولاد میت است و با نبودن اولاد، اولاد هر چه پایین روند هر کدام آنان که به میت نزدیکتر است ارث می‌برد و تا یک نفر از این دسته هست دسته دوم ارث نمی‌برند. دسته دوم جد یعنی پدر بزرگ و پدر او هر چه بالا رود و جد یعنی مادر بزرگ و مادر او هر چه بالا رود پدری باشند یا مادری و خواهر و برادر و با نبودن برادر و خواهر، اولاد ایشان هر کدام آنان که به میت نزدیکتر است ارث می‌برد و تا یک نفر از این دسته هست دسته سوم ارث نمی‌برند. دسته سوم عمو و عمه و دایی و خاله هر چه بالا رود و اولاد آنان هر چه پایین روند و تا یک نفر از عموها و عمه‌ها و دایی‌ها و خاله‌های میت زنده‌اند، اولاد آنان ارث نمی‌برند ولی اگر میت عمومی پدری و پسر عمومی پدر و مادری داشته باشد، و غیر از این‌ها وارثی نداشته باشد، ارث به پسر عمومی پدر و مادری می‌رسد و عمومی پدری ارث نمی‌برد.

### مسئله ۲۸۴۳

اگر عمو و عمه و دایی و خاله خود میت و اولاد آنان و اولاد اولاد آنان نباشند، عمو و عمه و دایی و خاله پدر و مادر میت ارث می‌برند و اگر این‌ها نباشند اولادشان ارث می‌برند و اگر این‌ها هم نباشند عمو و عمه و دایی و خاله جد و جد میت و اگر این‌ها نباشد، اولادشان ارث می‌برند.

### مسئله ۲۸۴۴

زن و شوهر به تفصیلی که بعداً گفته می‌شود از یکدیگر ارث می‌برند.

## ارث دسته اول

### مسئله ۲۸۴۵

اگر وارث میت فقط یک نفر از دسته اول باشد مثلاً پدر یا مادر یا یک پسر یا یک دختر باشد، همه مال میت به او می‌رسد و اگر چند پسر یا چند دختر باشند، همه مال به طور مساوی بین آنان قسمت می‌شود و اگر یک پسر و یک دختر باشد مال را سه قسمت می‌کنند، دو قسمت را پسر و یک قسمت را دختر می‌برد و اگر چند پسر و چند دختر باشند، مال را طوری قسمت می‌کنند که هر پسری دو برابر دختر ببرد.

### مسئله ۲۸۴۶

اگر وارث میت فقط پدر و مادر او باشند، مال سه قسمت می‌شود، دو قسمت آن را پدر و یک قسمت را مادر می‌برد ولی اگر میت دو برادر، یا چهار خواهر، یا یک برادر و دو خواهر داشته باشد که همه آنان پدری باشند یعنی پدر آنان با پدر میت یکی باشد، خواه مادرشان هم با مادر میت یکی باشد یا نه، اگر چه تا میت پدر و مادر دارد اینها ارث نمی‌برند، اما به واسطه بودن اینها مادر شش یک مال را می‌برد و بقیه را به پدر می‌دهند.

**مسأله ۲۸۴۷**

اگر وارث فقط پدر و مادر و یک دختر باشد، چنانچه میت دو برادر یا چهار خواهر یا یک برادر و دو خواهر پدری نداشته باشد، مال را پنج قسمت می‌کنند، پدر و مادر، هر کدام یک قسمت و دختر سه قسمت آن را می‌برد و اگر دو برادر یا چهار خواهر یا یک برادر و دو خواهر پدری داشته باشد، مال را شش قسمت می‌کنند، پدر و مادر، هر کدام یک قسمت و دختر سه قسمت می‌برد و یک قسمت باقیمانده را چهار قسمت می‌کنند یک قسمت را به پدر و سه قسمت را به دختر می‌دهند مثلاً اگر مال میت را ۲۴ قسمت کنند ۱۵ قسمت آن را به دختر و ۵ قسمت آن به پدر و ۴ قسمت آن را به مادر می‌دهند.

**مسأله ۲۸۴۸**

اگر وارث میت فقط پدر و مادر و یک پسر باشند، مال را شش قسمت می‌کنند، پدر و مادر هر کدام یک قسمت و پسر چهار قسمت آن را می‌برد و اگر چند پسر یا چند دختر باشند، آن چهار قسمت را به طور مساوی بین خودشان قسمت می‌کنند و اگر پسر و دختر باشند، آن چهار قسمت را طوری تقسیم می‌کنند که هر پسری دو برابر دختر ببرد.

**مسأله ۲۸۴۹**

اگر وارث میت فقط پدر و یک پسر یا مادر و یک پسر باشد مال را شش قسمت می‌کنند. یک قسمت آن را پدر یا مادر و پنج قسمت را پسر می‌برد.

**مسأله ۲۸۵۰**

اگر وارث میت فقط پدر، یا مادر، یا پسر و دختر باشد، مال را شش قسمت می‌کنند، یک قسمت آن را پدر، یا مادر می‌برد و بقیه را طوری قسمت می‌کنند که هر پسری دو برابر دختر ببرد.

**مسأله ۲۸۵۱**

اگر وارث میت فقط پدر و یک دختر، یا مادر و یک دختر باشد، مال را چهار قسمت می‌کنند، یک قسمت آن را پدر یا مادر و بقیه را دختر می‌برد.

**مسأله ۲۸۵۲**

اگر وارث میت فقط پدر و چند دختر یا مادر و چند دختر باشد، مال را پنج قسمت می‌کنند، یک قسمت را پدر یا مادر می‌برد و چهار قسمت را دخترها به طور مساوی بین خودشان قسمت می‌کنند.

**مسأله ۲۸۵۳**

اگر میت اولاد نداشته باشد، نوه پسری او اگر چه دختر باشد، سهم پسر میت را می‌برد و نوه دختری او اگر چه پسر باشد، سهم دختر میت را می‌برد مثلاً اگر میت یک پسر از دختر خود و یک دختر از پسرش داشته باشد، مال را سه قسمت می‌کنند، یک قسمت را به پسر دختر و دو قسمت را به دختر پسر می‌دهند.

**ارث دسته دوم****مسئله ۲۸۵۴**

دسته دوم از کسانی که به واسطه خویشی ارث می‌برند جد یعنی پدر بزرگ و جده یعنی مادر بزرگ و برادر و خواهر میت است و اگر برادر و خواهر نداشته باشد، اولادشان ارث می‌برند.

**مسئله ۲۸۵۵**

اگر وارث میت فقط یک برادر، یا یک خواهر باشد همه مال به او می‌رسد و اگر چند برادر پدر و مادری، یا چند خواهر پدر و مادری باشد مال به طور مساوی بین آنان قسمت می‌شود و اگر برادر و خواهر پدر و مادری با هم باشند، هر برادری دو برابر خواهر می‌برد، مثلاً اگر دو برادر و یک خواهر پدر و مادری دارد، مال را پنج قسمت می‌کنند، هر یک از برادرها دو قسمت و خواهر یک قسمت آن را می‌برد.

**مسئله ۲۸۵۶**

اگر میت برادر و خواهر پدر و مادری دارد، برادر و خواهر پدری که از مادر با میت جداست ارث نمی‌برد و اگر برادر و خواهر پدر و مادری ندارد چنانچه فقط یک خواهر یا یک برادر پدری داشته باشد همه مال به او می‌رسد و اگر چند برادر یا چند خواهر پدری داشته باشد، مال به طور مساوی بین آنان قسمت می‌شود و اگر هم برادر و هم خواهر پدری داشته باشد، هر برادری دو برابر خواهر می‌برد.

**مسئله ۲۸۵۷**

اگر وارث میت فقط یک خواهر یا یک برادر مادری باشد که از پدر با میت جداست، همه مال به او می‌رسد و اگر چند برادر مادری یا چند خواهر مادری یا چند برادر و خواهر مادری باشند، مال به طور مساوی بین آنان قسمت می‌شود.

**مسئله ۲۸۵۸**

اگر میت برادر و خواهر پدری و مادری و برادر و خواهر پدری و یک برادر یا یک خواهر مادری داشته باشد، برادر و خواهر پدری ارث نمی‌برند و مال را شش قسمت می‌کنند، یک قسمت آن را به برادر یا خواهر مادری و بقیه را به برادر و خواهر پدر و مادری می‌دهند و هر برادری دو برابر خواهر می‌برد.

**مسئله ۲۸۵۹**

اگر میت برادر و خواهر پدر و مادری و برادر و خواهر پدری و برادر و خواهر مادری داشته باشد، برادر و خواهر پدری ارث نمی‌برد و مال را سه قسمت می‌کنند، یک قسمت آن را برادر و خواهر مادری به طور مساوی بین خودشان قسمت می‌کنند و بقیه را به برادر و خواهر پدر و مادری می‌دهند و هر برادری دو برابر خواهر می‌برد.

**مسئله ۲۸۶۰**

اگر وارث میت فقط برادر و خواهر پدری و یک برادر مادری یا یک خواهر مادری باشد، مال را شش قسمت می‌کنند، یک قسمت آن را برادر یا خواهر مادری می‌برد و بقیه را به برادر و خواهر پدری می‌دهند و هر برادری دو برابر خواهر می‌برد.

#### مسئله ۲۸۶۱

اگر وارث میت فقط برادر و خواهر پدری و چند برادر و خواهر مادری باشد، مال را سه قسمت می‌کنند یک قسمت آن را برادر و خواهر مادری به طور مساوی بین خودشان قسمت می‌کنند و بقیه را به برادر و خواهر پدری می‌دهند و هر برادری دو برابر خواهر می‌برد.

#### مسئله ۲۸۶۲

اگر وارث میت فقط برادر و خواهر و زن او باشد، زن ارث خود را به تفصیلی که در مسائل بعد گفته می‌شود می‌برد و خواهر و برادر به طوری که در مسائل گذشته گفته شد ارث خود را می‌برند و نیز اگر زنی بمیرد و وارث او فقط خواهر و برادر و شوهر او باشد، شوهر نصف مال را می‌برد و خواهر و برادر به طوری که در مسائل پیش گفته شد ارث خود را می‌برند. ولی برای آن که زن یا شوهر ارث می‌برند از سهم برادر و خواهر مادری چیزی کم نمی‌شود و از سهم برادر و خواهر پدر و مادری یا پدری کم می‌شود مثلاً. اگر وارث میت شوهر و برادر و خواهر مادری و برادر و خواهر پدر و مادری او باشد، نصف مال به شوهر می‌رسد و یک قسمت از سه قسمت اصل مال را به برادر و خواهر مادری می‌دهند و آنچه می‌ماند مال برادر و خواهر پدر و مادری است، پس اگر همه مال او شش تومان باشد، سه تومان به شوهر و دو تومان به برادر و خواهر مادری و یک تومان به برادر و خواهر پدر و مادری می‌دهند.

#### مسئله ۲۸۶۳

اگر میت خواهر و برادر نداشته باشد، سهم ارث آنان را به اولادشان می‌دهند و سهم برادرزاده و خواهرزاده مادری به طور مساوی بین آنان قسمت می‌شود و از سهمی که به برادرزاده و خواهر زاده پدری یا پدر و مادری می‌رسد هر پسری دو برابر دختر می‌برد.

#### مسئله ۲۸۶۴

اگر وارث میت فقط یک جد یا یک جده است، چه پدری باشد یا مادری همه مال به او می‌رسد و با بودن جد میت پدر جد او ارث نمی‌برد.

#### مسئله ۲۸۶۵

اگر وارث میت فقط جد و جده پدری باشد، مال سه قسمت می‌شود، دو قسمت را جد و یک قسمت را جده می‌برد و اگر جد و جده مادری باشد، مال را به طور مساوی بین خودشان قسمت می‌کنند.

#### مسئله ۲۸۶۶

اگر وارث میت فقط یک جد یا جده پدری و یک جد یا جده مادری باشد مال سه قسمت می‌شود، دو قسمت را جد یا جده پدری و یک قسمت را جد یا جده مادری می‌برد.

**مسئله ۲۸۶۷**

اگر وارث میت جد و جدۀ پدری و جد و جدۀ مادری باشد مال سه قسمت می‌شود. یک قسمت آن را جد و جدۀ مادری به طور مساوی بین خودشان قسمت می‌کنند و دو قسمت آن را به جد و جدۀ پدری می‌دهند و جد دو برابر جدۀ می‌برد.

**مسئله ۲۸۶۸**

اگر وارث میت فقط زن و جد و جدۀ پدری و جد و جدۀ مادری او باشد زن ارث خود را به تفصیلی که در مسایل بعد گفته می‌شود می‌برد و یک قسمت از سه قسمت اصل مال را به جد و جدۀ مادری می‌دهند که به طور مساوی بین خودشان قسمت می‌کنند و بقیه را به جد و جدۀ پدری می‌دهند و جد دو برابر جدۀ می‌برد و اگر وارث میت شوهر و جد و جدۀ باشد، شوهر نصف مال را می‌برد و جد و جدۀ به دستوری که در مسائل گذشته گفته شد ارث خود را می‌برند.

**ارث دسته سوم****مسئله ۲۸۶۹**

دسته سوم عمو و عمه و دایی و خاله و اولاد آنان است به تفصیلی که گفته شد که اگر از طبقه اول و دوم کسی نباشد، اینها ارث می‌برند.

**مسئله ۲۸۷۰**

اگر وارث میت فقط یک عمو یا یک عمه است، چه پدر و مادری باشد یعنی با پدر میت از یک پدر و مادر باشد، یا پدری باشد یا مادری همه مال به او می‌رسد و اگر چند عمو یا چند عمه باشند و همه پدر و مادری، یا همه پدری باشند، مال به طور مساوی بین آنان قسمت می‌شود و اگر عمو و عمه هر دو باشند و همه پدر و مادری یا همه پدری باشند عمو دو برابر عمه می‌برد مثلاً اگر وارث میت دو عمو و یک عمه باشد، مال را پنج قسمت می‌کنند، یک قسمت را به عمه می‌دهند و چهار قسمت را عموها به طور مساوی بین خودشان قسمت می‌کنند.

**مسئله ۲۸۷۱**

اگر وارث میت فقط چند عموی مادری یا چند عمه مادری باشد مال به طور مساوی بین آنان قسمت می‌شود ولی اگر فقط چند عمو و عمه مادری داشته باشد بنا بر احتیاط واجب باید با هم صلح کنند.

**مسئله ۲۸۷۲**

اگر وارث میت عمو و عمه باشد و بعضی پدری و بعضی مادری و بعضی پدر و مادری باشند، عمو و عمه پدری ارث نمی‌برند، پس اگر میت یک عمو یا یک عمه مادری دارد، مال را شش قسمت می‌کنند، یک قسمت را به عمو یا عمه مادری و بقیه را به عمو و عمه پدری و مادری می‌دهند و عموی پدر و مادری دو برابر عمه پدر و مادری می‌برد و اگر هم عمو و هم عمه مادری دارد، مال را سه قسمت می‌کنند دو قسمت را به عمو و عمه پدر و مادری می‌دهند و عمو دو برابر عمه می‌برد و یک قسمت را به عمو و عمه

مادری می‌دهند و احتیاط واجب آن است که در تقسیم با یکدیگر صلح کنند.

### مسئله ۲۸۷۳

اگر وارث میت فقط یک دایی یا یک خاله باشد، همه مال به او می‌رسد و اگر هم دایی و هم خاله باشد و همه پدر و مادری، یا پدری، یا مادری باشند، مال به طور مساوی بین آنان قسمت می‌شود و احتیاط آن است که در تقسیم با یکدیگر صلح کنند.

### مسئله ۲۸۷۴

اگر وارث میت فقط یک دایی، یا یک خاله مادری و دایی و خاله پدر و مادری و دایی و خاله پدری باشد، دایی و خاله پدری ارث نمی‌برد و مال را شش قسمت می‌کنند، یک قسمت را به دایی یا خاله مادری و بقیه را به دایی و خاله پدر و مادری می‌دهند که به طور مساوی بین خودشان قسمت کنند.

### مسئله ۲۸۷۵

اگر وارث میت فقط دایی و خاله پدری و دایی و خاله مادری و دایی و خاله پدر و مادری باشد، دایی و خاله پدری ارث نمی‌برد و باید مال را سه قسمت کنند، یک قسمت آن را دایی و خاله مادری به طور مساوی بین خودشان قسمت نمایند و بقیه را به دایی و خاله پدر و مادری بدهند که به طور مساوی بین خودشان قسمت کنند.

### مسئله ۲۸۷۶

اگر وارث میت یک دایی یا یک خاله و یک عمو یا یک عمه باشد مال را سه قسمت می‌کنند، یک قسمت را دایی یا خاله و بقیه را عمو یا عمه می‌برد.

### مسئله ۲۸۷۷

اگر وارث میت یک دایی یا یک خاله و عمو و عمه باشد چنانچه عمو و عمه پدر و مادری یا پدری باشند، مال را سه قسمت می‌کنند، یک قسمت را دایی یا خاله می‌برد و از بقیه دو قسمت به عمو و یک قسمت به عمه می‌دهند بنا بر این اگر مال را نه قسمت کنند سه قسمت را به دایی یا خاله و چهار قسمت را به عمو و دو قسمت را به عمه می‌دهند.

### مسئله ۲۸۷۸

اگر وارث میت یک دایی یا یک خاله و یک عمو یا یک عمه مادری و عمو و عمه پدر و مادری یا پدری باشد، مال را سه قسمت می‌کنند، یک قسمت آن را به دایی یا خاله می‌دهند و دو قسمت باقیمانده را شش قسمت می‌کنند، یک قسمت را به عمو یا عمه مادری و بقیه را به عمو و عمه پدر و مادری یا پدری می‌دهند و عمو دو برابر عمه می‌برد. بنا بر این اگر مال را نه قسمت کنند، سه قسمت را به دایی یا خاله و یک قسمت را به عمو یا عمه مادری و پنج قسمت دیگر را به عمو و عمه پدر و مادری یا پدری می‌دهند.

### مسئله ۲۸۷۹

اگر وارث میت یک دایی یا یک خاله و عمو و عمه مادری و عمو و عمه پدر و مادری یا پدری باشد، مال را سه قسمت می‌کنند یک قسمت را دایی یا خاله می‌برد و دو قسمت باقیمانده را سه سهم می‌کنند:

یک سهم آن را به عمو و عمه مادری می‌دهند که بنا بر احتیاط واجب با هم مصالحه می‌کنند و دو سهم دیگر را بین عمو و عمه پدر و مادری یا پدری قسمت می‌نمایند و عمو دو برابر عمه می‌برد بنا بر این مال را نه قسمت کنند، سه قسمت آن، سهم خاله یا دایی و دو قسمت سهم عمو و عمه مادری و چهار قسمت سهم عمو و عمه پدر و مادری یا پدری می‌باشد.

#### مسئله ۲۸۸۰

اگر وارث میت چند دایی و چند خاله باشد که همه پدر و مادری یا پدری یا مادری باشند و عمو و عمه هم داشته باشد، مال سه سهم می‌شود، دو سهم آن را به دستوری که در مسئله پیش گفته شد، عمو و عمه بین خودشان قسمت می‌کنند و یک سهم آن را دایی‌ها و خاله‌ها به طور مساوی بین خودشان قسمت می‌نمایند.

#### مسئله ۲۸۸۱

اگر وارث میت دایی یا خاله مادری و چند دایی و خاله پدر و مادری یا پدری و عمو و عمه باشد، مال سه سهم می‌شود و دو سهم آن را به دستوری که سابقاً گفته شد عمو و عمه بین خودشان قسمت می‌کنند، پس اگر میت یک دایی یا یک خاله مادری دارد، یک سهم دیگر را شش قسمت می‌کنند، یک قسمت را به دایی یا خاله مادری می‌دهند و بقیه را به دایی و خاله پدر و مادری یا پدری می‌دهند و به طور تساوی قسمت می‌کنند و اگر چند دایی مادری یا چند خاله مادری یا هم دایی مادری و هم خاله مادری دارد آن یک سهم را سه قسمت می‌کنند، یک قسمت را داییها و خاله‌های مادری به طور مساوی بین خودشان قسمت می‌کنند و بقیه را به دایی و خاله پدر و مادری یا پدری می‌دهند که به طور مساوی قسمت کنند.

#### مسئله ۲۸۸۲

اگر میت عمو و عمه و دایی و خاله نداشته باشد، مقداری که به عمو و عمه می‌رسد، به اولاد آنان و مقداری که به دایی و خاله می‌رسد، به اولاد آنان داده می‌شود.

#### مسئله ۲۸۸۳

اگر وارث میت عمو و عمه و دایی و خاله پدر و عمو و عمه و دایی و خاله مادر او باشند، مال سه سهم می‌شود، یک سهم آن مال عمو و عمه و دایی و خاله مادر میت است به طور مساوی، ولی احتیاط واجب در عمو و عمه مادری مادر میت آن است که با هم صلح کنند و دو سهم دیگر آن را سه قسمت می‌کنند یک قسمت را دایی و خاله پدر میت به طور مساوی بین خودشان قسمت می‌نمایند و دو قسمت دیگر آن را به عمو و عمه پدر میت می‌دهند و عمو دو برابر عمه می‌برد.

#### ارث زن و شوهر

#### مسئله ۲۸۸۴

اگر زنی بمیرد و اولاد نداشته باشد، نصف همه مال را شوهر او و بقیه را ورثه دیگر می‌برند و اگر از آن شوهر یا از شوهر دیگر

اولاد داشته باشد، چهار یک همه مال را شوهر و بقیه را ورثه دیگر می‌برند.

#### مسئله ۲۸۸۵

اگر مردی بمیرد و اولاد نداشته باشد، چهار یک مال او را زن و بقیه را ورثه دیگر می‌برند و اگر از آن زن یا از زن دیگر اولاد داشته باشد، هشت یک مال را زن و بقیه را ورثه دیگر می‌برند و زن از همه اموال منقول ارث می‌برد ولی از زمین و قیمت آن ارث نمی‌برد و نیز از خود هوایی ارث نمی‌برد مثل بنا و درخت و فقط از قیمت هوایی ارث می‌برد.

#### مسئله ۲۸۸۶

اگر زن بخواهد در چیزی که از آن ارث نمی‌برد تصرف کند، باید از ورثه دیگر اجازه بگیرد و نیز ورثه تا سهم زن را نداده‌اند، نباید در بناء و چیزهایی که زن از قیمت آنها ارث می‌برد بدون اجازه او تصرف کنند و چنانچه پیش از دادن سهم زن اینها را بفروشند در صورتی که زن معامله را اجازه دهد، صحیح و گرنه نسبت به سهم او باطل است.

#### مسئله ۲۸۸۷

اگر بخواهند بنا و درخت و مانند آن را قیمت نمایند باید حساب کنند که اگر آنها بدون اجاره در زمین بمانند تا از بین بروند چقدر ارزش دارند و سهم زن را از آن قیمت بدهند.

#### مسئله ۲۸۸۸

مجرای آب قنات و مانند آن حکم زمین را دارد و آجر و چیزهایی که در آن بکار رفته، در حکم ساختمان است.

#### مسئله ۲۸۸۹

اگر میت بیش از یک زن داشته باشد، چنانچه اولاد نداشته باشد، چهار یک مال و اگر اولاد داشته باشد، هشت یک مال به شرحی که گفته شد، به طور مساوی بین زن‌های عقدی او قسمت می‌شود، اگر چه شوهر با هیچ یک از آنان یا بعضی آنان نزدیکی نکرده باشد، ولی اگر در مرضی که به آن مرض از دنیا رفته زنی را عقد کرده و با او نزدیکی نکرده است، آن زن از او ارث نمی‌برد و حق مهر هم ندارد.

#### مسئله ۲۸۹۰

اگر زن در حال مرض شوهر کند و به همان مرض بمیرد شوهرش اگر چه با او نزدیکی نکرده باشد، از او ارث می‌برد.

#### مسئله ۲۸۹۱

اگر زن را به ترتیبی که در احکام طلاق گفته شد طلاق رجعی بدهند و در بین عده بمیرد، شوهر از او ارث می‌برد و نیز اگر شوهر در بین عده زن بمیرد، زن از او ارث می‌برد ولی اگر بعد از گذشتن عده رجعی یا در عده طلاق بائن یکی از آنان بمیرد، دیگری از او ارث نمی‌برد.



**مسئله ۲۸۹۲**

اگر شوهر در حال مرض عیالش را طلاق دهد و پیش از گذشتن دوازده ماه هلالی بمیرد، زن با سه شرط از او ارث می‌برد:  
 اول آن که در این مدت شوهر دیگر نکرده باشد.  
 دوم به واسطه بی میلی به شوهر مالی به او نداده باشد که به طلاق دادن راضی شود. بلکه اگر چیزی هم به شوهر ندهد ولی طلاق به تقاضای زن باشد، باز هم ارث بردنش اشکال دارد.  
 سوم شوهر در مرضی که در آن مرض زن را طلاق داده، به واسطه آن مرض یا به جهت دیگری بمیرد، پس اگر از آن مرض خوب شود و به جهت دیگری از دنیا برود، زن از او ارث نمی‌برد.

**مسئله ۲۸۹۳**

لباسی که مرد برای پوشیدن زن خود گرفته اگر چه زن آن را پوشیده باشد، بعد از مردن شوهر، جزء مال شوهر است.

**مسائل متفرقه ارث****مسئله ۲۸۹۴**

قرآن و انگشتر و شمشیر میت و لباسی را که پوشیده یا برای پوشیدن گرفته و دوخته است اگر چه پوشیده باشد مال پسر بزرگتر است و اگر میت از این چهار چیز بیشتر از یکی دارد، مثلاً دو قرآن یا دو انگشتر دارد چنانچه مورد استعمال است یا برای استعمال مهیا شده مال پسر بزرگتر است.

**مسئله ۲۸۹۵**

اگر پسر بزرگ میت بیش از یکی باشد مثلاً از دو زن او در یک وقت دو پسر به دنیا آمده باشد، باید لباس و قرآن و انگشتر و شمشیر میت را به طوری مساوی بین خودشان قسمت کنند.

**مسئله ۲۸۹۶**

اگر میت قرض داشته باشد، چنانچه قرضش به اندازه مال او یا زیادتر باشد، باید چهار چیزی هم که مال پسر بزرگتر است و در مسأله پیش گفته شد، به قرض او بدهند و اگر قرضش کمتر از مال او باشد بنا بر احتیاط واجب باید از آن چهار چیزی هم که به پسر بزرگتر می‌رسد به نسبت به قرض او بدهند مثلاً اگر همه دارایی او شصت تومان است و به مقدار بیست تومان آن از چیزهاییست که مال پسر بزرگتر است و سی تومان هم قرض دارد بنا بر احتیاط واجب پسر بزرگتر باید به مقدار ده تومان از آن چهار چیز را بابت قرض میت بدهد.

**مسئله ۲۸۹۷**

مسلمان از کافر ارث می‌برد ولی کافر اگر چه پدر یا پسر میت باشد از او ارث نمی‌برد.

**مسئله ۲۸۹۸**

اگر کسی یکی از خویشان خود را عمداً و بناحق بکشد، از او ارث نمی‌برد ولی اگر از روی خطا باشد مثل آن که سنگ به هوا بیندازد و اتفاقاً به یکی از خویشان او بخورد و او را بکشد از او ارث می‌برد ولی از دیه قتل ارث نمی‌برد.

### مسئله ۲۸۹۹

هر گاه بخواهند ارث را تقسیم کنند در صورتی که میت بچه ای داشته باشد که در شکم مادر است و در طبقه او وارث دیگری هم مانند اولاد و پدر و مادر باشد، برای بچه ای که در شکم است که اگر زنده به دنیا بیاید ارث می‌برد، سهم دو پسر را کنار می‌گذارند. ولی اگر احتمال بدهند بیشتر است مثلاً احتمال بدهند که زن سه بچه حامله باشد، سهم سه پسر را کنار می‌گذارند و چنانچه مثلاً یک پسر یا یک دختر به دنیا آمده، زیادی را ورثه بین خودشان تقسیم می‌کنند.

### ملحقات توضیح المسائل

#### کتاب امر به معروف و نهی از منکر

### مسئله ۲۹۰۰

امر به معروف و نهی از منکر با شرائطی که ذکر خواهد شد، واجب است و ترک آن معصیت است و در مستحبات و مکروهات امر و نهی مستحب است.

### مسئله ۲۹۰۱

امر به معروف و نهی از منکر واجب کفایی می‌باشد و در صورتی که بعضی از مکلفین قیام به آن می‌کنند از دیگران ساقط است و اگر اقامه معروف و جلوگیری از منکر موقوف بر اجتماع جمعی از مکلفین باشد واجب است اجتماع کنند.

### مسئله ۲۹۰۲

اگر بعضی امر و نهی کنند و مؤثر نشود و بعض دیگر احتمال بدهند که امر آنها یا نهی آنها مؤثر است واجب است امر و نهی کنند.

### مسئله ۲۹۰۳

بیان مسأله شرعی در امر به معروف و نهی از منکر کفایت نمی‌کند بلکه باید مکلف امر و نهی کند.

### مسئله ۲۹۰۴

در امر به معروف و نهی از منکر قصد قربت معتبر نیست، بلکه مقصود اقامه واجب و جلوگیری از حرام است.

#### شرایط امر به معروف و نهی از منکر

### مسئله ۲۹۰۵

چند چیز در واجب بودن امر به معروف و نهی از منکر شرط است:

اول آن که کسی که می‌خواهد امر و نهی کند، بداند که آنچه شخص مکلف به جا نمی‌آورد واجب است به جا آورد و آنچه به جا می‌آورد باید ترک کند و بر کسی که معروف و منکر را نمی‌داند واجب نیست.

دوم:

آن که احتمال بدهد امر و نهی او تأثیر می‌کند و مراد از اثر، اثر فعلی نیست، پس اگر بداند اثر نمی‌کند واجب نیست.

سوم:

آن که بداند شخص معصیت کار بنا دارد که معصیت خود را تکرار کند، پس اگر بداند یا گمان کند یا احتمال صحیح بدهد که تکرار نمی‌کند واجب نیست.

چهارم:

آن که در امر و نهی مفسده‌ای نباشد، پس اگر بداند یا گمان کند که اگر امر یا نهی کند ضرر جانی یا عرضی و آبرویی یا مالی قابل توجه به او می‌رسد واجب نیست، بلکه اگر احتمال صحیح بدهد که از آن ترس ضررهای مذکور را پیدا کند واجب نیست بلکه اگر برسد که ضرری متوجه متعلقان او می‌شود واجب نیست، بلکه با احتمال وقوع ضرر جانی یا عرضی و آبرویی یا مالی موجب حرج بر بعضی مؤمنین، واجب نمی‌شود بلکه در بسیاری از موارد حرام است.

#### مسئله ۲۹۰۶

اگر معروف یا منکر از اموری باشد که شارع مقدس به آن اهمیت زیاد می‌دهد مثل اصول دین یا مذهب و حفظ قرآن مجید و حفظ عقاید مسلمانان یا احکام ضروریه، باید ملاحظه اهمیت شود و مجرد ضرر، موجب واجب نبودن نمی‌شود، پس اگر توقف داشته باشد حفظ عقائد مسلمانان یا حفظ احکام ضروریه اسلام بر بذل جان و مال، بذل آن واجب است.

#### مسئله ۲۹۰۷

اگر بدعتی در اسلام واقع شود مثل منکراتی که دولت‌های جائر انجام می‌دهند به اسم دین مبین اسلام، واجب است خصوصاً بر علماء اسلام اظهار حق و انکار باطل و اگر سکوت علماء اعلام موجب هتک مقام علم و موجب اسائه ظن به علماء اسلام شود واجب است اظهار حق به هر نحوی که ممکن است اگر چه بداند تأثیر نمی‌کند.

#### مسئله ۲۹۰۸

اگر احتمال صحیح داده شود که سکوت موجب آن می‌شود که منکری معروف شود یا معروفی منکر شود واجب است خصوصاً بر علماء اعلام اظهار حق و اعلام آن و سکوت جایز نیست.

#### مسئله ۲۹۰۹

اگر سکوت علماء اعلام موجب تقویت ظالم شود یا موجب تأیید او گردد یا موجب جرأت او شود بر سایر محرمات، واجب است اظهار حق و انکار باطل اگر چه تأثیر فعلی نداشته باشد.

**مراتب امر به معروف و نهی از منکر****مسئله ۲۹۱۰**

برای امر به معروف و نهی از منکر مراتبست و جائز نیست با احتمال حاصل شدن مقصود از مرتبه پایین، به مراتب دیگر عمل شود.

**مسئله ۲۹۱۱**

مرتبه اول آن که با شخص معصیت کار طوری عمل شود که بفهمد برای ارتکاب او به معصیت، این نحو عمل با او شده است، مثل این که از او رو برگرداند، یا با چهره عبوس با او ملاقات کند، یا ترک مرادده با او کند و از او اعراض کند به نحوی که معلوم شود این امور برای آن است که او معصیت را ترک کند.

**مسئله ۲۹۱۲**

اگر در این مرتبه درجاتی باشد لازم است با احتمال تأثیر درجه خفیف تر، به همان اکتفا کند، مثلاً اگر احتمال می‌دهد که با تکلم با او، مقصود حاصل می‌شود، به همان اکتفا کند و به درجه بالاتر، عمل نکند، خصوصاً اگر طرف شخصیت که این نحو عمل موجب هتک او می‌شود.

**مسئله ۲۹۱۳**

اگر اعراض نمودن و ترک معاشرت با معصیت کار موجب تخفیف معصیت می‌شود یا احتمال بدهد که موجب تخفیف می‌شود، واجب است اگر چه بدانند موجب ترک به کلی نمی‌شود و این امر در صورتیست که با مراتب دیگر، نتواند از معصیت به طور کلی جلوگیری کند.

**مسئله ۲۹۱۴**

مرتبه دوم از امر به معروف و نهی از منکر، امر و نهی به زبان است، پس با احتمال تأثیر و حصول سایر شرایط گذشته، واجب است اهل معصیت را نهی کنند و تارک واجب را به آوردن واجب امر کنند.

**مسئله ۲۹۱۵**

اگر احتمال بدهد که با موعظه و نصیحت، معصیت کار معصیت را، ترک می‌کند لازم است اکتفا به آن و نباید از آن تجاوز کند.

**مسئله ۲۹۱۶**

اگر می‌داند که نصیحت تأثیر ندارد، واجب است با احتمال تأثیر امر و نهی الزامی کند و اگر تأثیر نمی‌کند مگر با تشدید در گفتار و تهدید بر مخالفت، لازم است لکن باید از دروغ و معصیت دیگر احتراز شود.

**مسئله ۲۹۱۷**

جایز نیست برای جلوگیری از معصیت، ارتکاب معصیت مثل فحش و دروغ و اهانت، مگر آن که معصیت، از چیزهایی باشد که مورد اهتمام شارع مقدس باشد و راضی نباشد به آن به هیچ وجه، مثل قتل نفس محترمه، در این صورت باید جلوگیری کند به هر نحو ممکن است.

**مسئله ۲۹۱۸**

اگر عاصی ترک معصیت نمی‌کند مگر به جمع ما بین مرتبه اول و دوم از انکار، واجب است جمع به این که هم از او اعراض کند و ترک معاشرت نماید و با چهره عبوس با او ملاقات کند و هم او را لفظاً امر به معروف کند و نهی از منکر کند.

**مسئله ۲۹۱۹**

مرتبه سوم توسط بزور و جبر است، پس اگر بداند یا اطمینان داشته باشد که ترک منکر نمی‌کند یا واجب را به جا نمی‌آورد مگر با اعمال زور و جبر، واجب است لکن باید تجاوز از قدر لازم نکند.

**مسئله ۲۹۲۰**

اگر ممکن شود جلوگیری از معصیت به این که بین شخص و معصیت حائل شود و با این نحو مانع از معصیت شود، لازم است اقتصار به آن اگر محذور آن کمتر از چیزهای دیگر باشد.

**مسئله ۲۹۲۱**

اگر جلوگیری از معصیت توقف داشته باشد بر این که دست معصیت کار را بگیرد یا او را از محل معصیت بیرون کند یا در آلتی که به آن معصیت می‌کند تصرف کند، جایز است، بلکه واجب است عمل کند.

**مسئله ۲۹۲۲**

جایز نیست اموال محترمه معصیت کار را تلف کند مگر آن که لازمه جلوگیری از معصیت باشد، در این صورت اگر تلف کند ضامن نیست ظاهراً و در غیر این صورت، ضامن و معصیت کار است.

**مسئله ۲۹۲۳**

اگر جلوگیری از معصیت توقف داشته باشد بر حبس نمودن معصیت کار، در محلی یا منع نمودن از آن که به محلی وارد شود، با مراعات مقدار لازم و تجاوز نمودن از آن واجب است.

**مسئله ۲۹۲۴**

اگر توقف داشته باشد جلوگیری از معصیت، بر کتک زدن و سخت گرفتن بر شخص معصیت کار و در مضیقه قرار دادن او جایز است، لکن لازم است مراعات شود که زیاده‌روی نشود و بهتر آن است که در این امر و نظیر آن اجازه از مجتهد جامع الشرایط گرفته شود.

#### مسئله ۲۹۲۵

اگر جلوگیری از منکرات و اقامه واجبات موقوف باشد بر جرح و قتل، جائز نیست مگر به اذن مجتهد جامع الشرایط با حصول شرایط آن.

#### مسئله ۲۹۲۶

اگر منکر از اموریست که شارع اقدس به آن اهتمام می‌دهد و راضی نیست به وقوع آن به هیچ وجه، جایز است دفع آن به هر نحو که ممکن باشد، مثلاً اگر کسی خواست یک شخص را که جایز القتل نیست بکشد باید از او جلوگیری کرد و اگر ممکن نیست دفاع از قتل مظلوم مگر به قتل ظالم، جائز است بلکه واجب است و لازم نیست از مجتهد اذن حاصل نماید. لکن باید مراعات شود که در صورت امکان جلوگیری به نحو دیگری که به قتل منجر نشود به آن نحو عمل کند و اگر از حد لازم تجاوز کند معصیت کار و احکام متعددی بر او جاری خواهد بود.

#### مسئله ۲۹۲۷

اگر انسان بداند که معصیت کار لجاجت باز است و با امر به معصیت او ترک می‌کند واجب است او را امر به معصیت کند تا معصیت را ترک کند.

#### مسائل دفاع

#### مسئله ۲۹۲۸

اگر دشمن بر بلاد مسلمانان و سرحدات آن هجوم نماید، واجب است بر جمیع مسلمانان دفاع از آن به هر وسیله‌ای که امکان داشته باشد:  
از بذل جان و مال و در این امر احتیاج به اذن حاکم شرع نیست.

#### مسئله ۲۹۲۹

اگر مسلمانان بترسند که اجانب نقشه استیلاء بر بلاد مسلمین را کشیده‌اند چه بدون واسطه یا به واسطه عمال خود از خارج یا داخل واجب است دفاع از ممالک اسلامی کنند به هر وسیله‌ای که امکان داشته باشد.

#### مسئله ۲۹۳۰

اگر در داخل ممالک اسلامی نقشه‌هایی از طرف اجانب کشیده شده باشد که خوف آن باشد که تسلط بر ممالک اسلامی پیدا کنند، واجب است بر مسلمانان که با هر وسیله‌ای که ممکن است، نقشه آنها را به هم بزنند و جلوگیری از توسعه نفوذ آنها کنند.

#### مسئله ۲۹۳۱

اگر به واسطه توسعه نفوذ سیاسی یا اقتصادی و تجاری اجانب خوف آن باشد که تسلط بر بلاد مسلمین پیدا کنند، واجب است بر مسلمانان، دفاع به هر نحو که ممکن است و قطع ایادی اجانب. چه عمال داخلی یا خارجی باشند.

#### مسئله ۲۹۳۲

اگر در روابط سیاسی بین دولت‌های اسلامی و دول اجانب، خوف آن باشد که اجانب بر ممالک اسلامی، تسلط پیدا کند اگر چه تسلط سیاسی و اقتصادی باشد، لازم است بر مسلمانان که با این نحو روابط مخالفت کنند و دول اسلامی را به قطع این گونه روابط الزام کنند.

#### مسئله ۲۹۳۳

اگر در روابط تجاری با اجانب خوف آن است که به بازار مسلمین صدمه اقتصادی وارد شود و موجب اسارت تجاری و اقتصادی شود، قطع این گونه روابط واجب است و این نحو تجارت حرام است.

#### مسئله ۲۹۳۴

اگر عقد رابطه چه سیاسی و چه تجاری بین یکی از دول اسلامی و اجانب، مخالف مصلحت اسلام و مسلمانان باشد، این گونه رابطه جایز نیست و اگر دولتی اقدام به آن نمود، بر سایر دول اسلامی واجب است آن را الزام کنند به قطع رابطه به هر نحو که ممکن است.

#### مسئله ۲۹۳۵

اگر بعضی روءسای ممالک اسلامی یا بعضی وکلاء مجلس موجب بسط نفوذ اجانب شود چه نفوذ سیاسی یا اقتصادی یا نظامی که مخالف مصالح اسلام و مسلمانان است، به واسطه این خیانت، از مقامی که دارد - هر مقامی باشد - منعزل است. اگر فرض شود که احراز آن مقام به حق بوده و بر مسلمانان لازم است او را مجازات کنند به هر نحو که ممکن شود.

#### مسئله ۲۹۳۶

روابط تجاری و سیاسی با بعضی دول که آلت دست دول بزرگ جائر هستند از قبیل دولت اسرائیل، جائز نیست و بر مسلمانان لازم است که به هر نحو که ممکن است با این نحو روابط مخالفت کنند و بازرگانانی که با اسرائیل و عمال اسرائیل روابط تجاری دارند، خائن به اسلام و مسلمانان و کمک کار به هدم احکام اسلام هستند و بر مسلمانان لازم است با این خیانت کاران چه دولتها و چه تجار قطع رابطه کنند و آنها را ملزم به توبه و قطع رابطه با این نحو دولتها کنند.

**مسائل متفرقه****سفته****مسئله ۲۹۳۷**

سفته دو قسم است:

اول سفته حقیقی که شخص بدهکار در مقابل بدهی خود، سفته بدهد، دوم سفته دوستانه که شخص به دیگری می‌دهد بدون آن که در مقابلش بدهکاری داشته باشد.

**مسئله ۲۹۳۸**

سفته حقیقی را اگر کسی از بدهکار بگیرد که با دیگری معامله کند به مبلغی کمتر، حرام و باطل است.

**مسئله ۲۹۳۹**

سفته پول نیست و معامله به خود آن واقع نمی‌شود بلکه پول، اسکناس است و معامله به آن واقع می‌شود و سفته، برات و قبض است و چک‌های تضمینی که در ایران متداول است مثل اسکناس پول است و خرید و فروش آن به زیاد و کم مانع ندارد.

**مسئله ۲۹۴۰**

کسی که سفته در دست او است اگر از طرف، پول قرض کند و سفته بدهد که در موعد، بیشتر از آنچه قرض نموده بگیرد، این قرض ربوی و حرام است و گرفتن زیادتی نیز حرام است ولی اصل قرض صحیح است.

**مسئله ۲۹۴۱**

چون متعارف است در معاملات بانکی و تجاری که هر کس امضا او در سفته باشد، حق رجوع به او هست اگر سفته دهنده بدهکاری خود را ندهد، بنا بر این قرارداد ضمنی بر این امر است در ضمن معامله و لازم است مراعات آن، لکن اگر طرف معامله اطلاع بر این معهودیت نداشته باشد نمی‌شود به او رجوع کرد.

**مسئله ۲۹۴۲**

اگر برای تأخیر بدهکاری، طلبکار چه بانکها یا غیر آنها چیزی از بدهکار بگیرد حرام است، اگر چه بدهکار راضی به آن شود، که به آن دیر کرد گویند.

**مسئله ۲۹۴۳**

در مثل اسکناس و دینار کاغذی و سایر پول‌های کاغذی مثل دلار و لیره ترکی رباء غیر فرضی تحقق پیدا نمی‌کند و معاوضه ارزی



به زیاده و کم، طبق مقررات دولت جمهوری اسلامی جایز است و اما ربا قرضی در تمام آنها تحقق پیدا می‌کند و قرض دادن ده دینار به دوازده دینار جایز نیست.

### سرقفلی

#### مسئله ۲۹۴۴

کسانی که خانه یا دکان یا غیر آنها را از صاحبانش اجاره می‌کنند، مدت اجاره که به سر رسید حرام است بدون اذن صاحب محل در آنجا اقامت کنند و باید محل را فوراً با عدم رضایت صاحبش تخلیه کنند و اگر نکنند غاصب و ضامن محل و ضامن مثل مال الاجاره آن هستند و برای آن به هیچ وجه حقی شرعاً نیست، چه مدت اجاره آنها کوتاه باشد یا طولانی و چه بودن آنها در مدت اجاره موجب زیادت ارزش محل شده باشد یا نه و چه بیرون رفتن از محل، موجب نقض در تجارتشان باشد یا نه.

#### مسئله ۲۹۴۵

اگر کسی از مستأجر سابق که مدت اجاره‌اش گذشته است، آن محل را اجاره کند، اجاره‌اش صحیح نیست، مگر به اجازه صاحب محل و توقفش در محل حرام و غصب است و اگر به محل خسارت وارد شود یا تلف شود، موجب ضمان است برای این شخص و مادامی که توقف نموده است، باید مثل مال الاجاره را به صاحب محل بپردازد.

#### مسئله ۲۹۴۶

اگر شخص غاصب که مستأجر سابق است، چیزی به عنوان سرقفلی از شخصی که محل را به او اجاره داده است بگیرد، حرام است و اگر آنچه را که گرفته است تلف کند یا به حادثه‌ای تلف شود ضامن دهنده است.

#### مسئله ۲۹۴۷

اگر محلی را اجاره کند در مدتی و حق داشته باشد که به غیر اجاره دهد در بین مدت و اجاره محل ترقی کند، می‌تواند آن محل را اجاره دهد به همان مقدار که اجاره کرده است و مقداری هم بعنوان سرقفلی از آن شخص بگیرد که به او اجاره دهد، مثلاً اگر دکانی را اجاره نموده ده سال به ماهی ده تومان و پس از مدتی اجاره محل افزایش پیدا کرد به ماهی صد تومان، در صورتی که حق اجاره داشته باشد می‌تواند آنجا را در مابقی مدت اجاره دهد به ماهی ده تومان و یک هزار تومان مثلاً به رضایت طرفین از آن شخص بگیرد که محل را به او اجاره دهد.

#### مسئله ۲۹۴۸

اگر محلی را اجاره کند از صاحبش و شرط کند بر او که مدت بیست سال مثلاً قیمت اجاره را بالا نبرد و شرط کند که اگر محل مذکور را به غیر تحویل داد، صاحب محل با شخص ثالث نیز همین نحو عمل کند و اگر شخص ثالث به دیگری تحویل داد و نیز همین نحو عمل کند و اجاره را بالا نبرد، جایز است از برای مستأجر که محل را به دیگری تحویل دهد و مقداری سرقفلی از او بگیرد که محل را به او تحویل دهد و سرقفلی به این نحو حلال است و دومی به سومی و سومی به چهارمی نیز می‌تواند به حسب

قرار تحویل دهد و از او به این عنوان سرقفلی بگیرد.

### مسئله ۲۹۴۹

اگر مستأجر بر موجر شرط کند در ضمن عقد اجاره که مال الاجاره را تا مدتی، زیاد نکند و حق اخراج او را از محل نداشته باشد و حق داشته باشد به مقداری که اجاره نموده در سال‌های بعد از او اجاره نماید و بر موجر لازم باشد که اجاره به او بدهد، می‌تواند مبلغی از او بگیرد یا از غیر او، برای اسقاط حق خود یا برای تخلیه محل و این گونه سرقفلی حلال است.

### مسئله ۲۹۵۰

مالک می‌تواند هر مقداری بخواهد به عنوان سرقفلی از شخص بگیرد که محل را به او اجاره دهد و اگر مستأجر حق اجاره به غیر داشته باشد می‌تواند از او مقداری بگیرد که اجاره به او بدهد و این نحو سرقفلی مانع ندارد.

### معاملات بانکی

### مسئله ۲۹۵۱

آنچه اشخاص از بانکها می‌گیرند به عنوان معامله قرض یا غیر قرض، در صورتی که معامله به وجه شرعی انجام بگیرد حلال است و مانع ندارد، اگر چه بدانند که در بانکها پول‌های حرامیست و احتمال بدهد پولی را که گرفته است از حرام است، ولی اگر بدانند پولی را که گرفته است حرام است، تصرف در آن جائز نیست و اگر نتواند مالک آن را پیدا کند باید با اذن فقیه معامله مجهول المالك با آن بکند و در این مسئله فرقی میان بانک‌های خارجی و داخلی و دولتی و غیر دولتی نیست.

### مسئله ۲۹۵۲

سپرده‌های در بانک اگر به عنوان قرض باشد و نفعی در آن قرار نشود، اشکال ندارد و جایز است از برای بانکها که در آن تصرف کنند و اگر نفع قرار داده شود، قرارداد نفع حرام و باطل است، ولی اصل قرض صحیح است و بانکها می‌توانند در آنچه می‌گیرند تصرف کنند.

### مسئله ۲۹۵۳

فرقی نیست در قرار نفع که موجب رباست بین آن که صریحاً قرارداد شود یا بنای طرفین در حال قرض به گرفتن نفع باشد پس اگر قانون بانک آن باشد که به قرض‌هایی که می‌گیرد سود بدهد و قرض مبنی بر این قانون باشد حرام است.

### مسئله ۲۹۵۴

اگر در موردی قرض، بدون قرار نفع باشد نه به طور صراحت و نه به غیر آن، قرض صحیح است و اگر چیزی بدون قرار، به قرض دهند بدهند حلال است.

**مسئله ۲۹۵۵**

سپرده‌های در بانک که بعنوان ودیعه و امانت است اگر مالک اذن ندهد که بانک در آنها تصرف کند تصرف جایز نیست و اگر تصرف کند، ضامن است و اگر اذن بدهد یا راضی باشد، جایز است و اگر بانک به رضایت چیزی بدهد یا بگیرد، حلال است، مگر رضای به تصرف برگردد حقیقتاً به قرض، یعنی تملک به ضامن، در این صورت اگر چیزی با قرار بدهد، حرام است و ودیعه بانکی ظاهراً از این قبیل است اگر چه به اسم ودیعه باشد.

**مسئله ۲۹۵۶**

جایزه‌هایی که بانکها یا غیر آنها برای تشویق قرض دهنده می‌دهند، یا مؤسسات دیگر برای تشویق خریدار و مشتری می‌دهند با قرعه کشی، حلال است و چیزهایی که فروشنده‌ها در داخل جنس‌های خود می‌گذارند برای جلب مشتری و زیاد شدن خریدار، مثل سکه طلا در قوطی روغن، حلال است و اشکال ندارد.

**مسئله ۲۹۵۷**

حواله‌های بانکی یا تجاری که به آنها صرف برات گفته می‌شود مانع ندارد، پس اگر بانک یا تاجر پولی از کسی در محلی بگیرد و حواله بدهد که از بانک یا طرفش در محل دیگر این شخص آن پول را بگیرد و در مقابل این حواله از دهنده چیزی بگیرد مانع ندارد و حلال است، مثلاً اگر هزار تومان در تهران به بانک بدهد و بانک حواله بدهد که شعبه اصفهان هزار تومان را به این شخص پردازد و در مقابل این حواله بانک تهران ده تومان بگیرد، اشکال ندارد و اگر هزار تومان بگیرد و حواله بدهد نهصد و پنجاه تومان از محل دیگر بگیرد اشکال ندارد، چه آن پول را که بانک می‌گیرد به عنوان قرض بگیرد یا عنوان دیگر و در فرض مذکور اگر زیادی را به عنوان حق العمل بگیرد اشکال ندارد.

**مسئله ۲۹۵۸**

اگر بانک یا مؤسسه دیگر پولی به شخص بدهد و حواله کند که این شخص پول را در محل دیگر به شعبه بانک یا طرف خود پردازد پس اگر مقداری به عنوان کارمزد بگیرد اشکال ندارد و اگر قرض بدهد و قرار نفع بگذارد، حرام است، اگر چه قرار نفع صریح نباشد و قرض مبنی بر آن باشد.

**مسئله ۲۹۵۹**

بانک‌های رهنی و غیر آنها اگر قرض بدهند با قرار نفع و چیزی را رهن بگیرند که در سر موعد بدهکار بدهی خود را نپرداخت بفروشند و مال خود را بردارند، این قرض با قرار نفع حرام و قرار نفع باطل است ولی اصل قرض و رهن و وکالت در فروش صحیح است و جایز است برای بانک آن را بفروشد و اگر کسی آن را بخرد مالک می‌شود و اگر قرار نفع نباشد و حق الزحمه بگیرد اشکال ندارد و در مقابل قرض، رهن بگیرد اشکال ندارد و با مقررات شرعیه فروش رهن و خرید آن اشکال ندارد.

**مسئله ۲۹۶۰**

کسانی که می‌خواهند از بانکها یا غیر آنها قرض بگیرند و دهنده بدون ربا قرض نمی‌دهد جایز است اصل قرض را قبول کنند و شرط را در واقع به طور جد قبول نکنند و در این صورت اگر اظهار قبول کنند بدون جد و قصد حقیقی، این فرار صوری حرام نیست بنا بر این اصل قرض صحیح است و شرط باطل و مرتکب حرام هم نشده‌اند.

### مسئله ۲۹۶۱

اگر پولی به بانک یا غیر آن بدهند و بانک به آنها ربا بدهد جایز نیست بگیرند اگر چه قرار هم نگذاشته باشند، ولی اگر قرض گیرنده مجاناً چیزی بدهند حرام نیست و گرفتن آن جایز است.

### بیمه

### مسئله ۲۹۶۲

بیمه قرار و عقدیست بین بیمه کننده و مؤسسه و شرکت یا شخص که بیمه را می‌پذیرد و این عقد مثل سایر عقود محتاج به ایجاب و قبول است و شرایطی که در موجب و قابل و عقد در سایر عقود، معتبر است در این عقد نیز معتبر است و می‌توان این عقد را با هر زبانی و نوشته‌ای اجرا کرد.

### مسئله ۲۹۶۳

در بیمه علاوه بر شرائطی که در سایر عقود است از قبیل بلوغ و عقل و اختیار و غیر آنها، چند شرط معتبر است.

- ۱- تعیین مورد بیمه که فلان شخص است یا فلان مغازه است یا فلان کشتی یا اتومبیل یا هواپیما است.
- ۲- تعیین دو طرف عقد که اشخاص هستند، یا مؤسسات، یا شرکتها یا دولت.
- ۳- تعیین مبلغی که باید پردازند.
- ۴- تعیین اقساطی که باید پردازند و تعیین زمان اقساط.
- ۵- تعیین زمان بیمه که از اول فلان ماه یا سال تا چند ماه یا چند سال.
- ۶- تعیین خطرهایی که موجب خسارت می‌شود، مثل حریق یا غرق یا سرقت یا وفات یا مرض و می‌توان کلیه آفات که موجب خسارت می‌شود، قرار دهند.

### مسئله ۲۹۶۴

لازم نیست در قرار بیمه میزان خسارت تعیین شود پس اگر قرار بگذارند که هر مقدار خسارت وارد شد، جبران کنند صحیح است.

### مسئله ۲۹۶۵

صورت عقد بیمه چند نحو است:

یکی آن که بیمه کننده بگوید. به عهده من فلان مقدار که در فلان زمان ماهی فلان مقدار بدهم، در مقابل آن که خسارتی که به مغازه من مثلاً از ناحیه حریق یا دزدی وارد شد، جبران نمایی و طرف قبول کند، یا طرف بگوید بر عهده من خسارتی که به مؤسسه

شما وارد می‌شود از ناحیه حریق یا دزدی مثلاً در مقابل آن که فلان مقدار بدهی و باید تمام قیودی که در مسأله سابق ذکر شد، معلوم شود و قرارداد شود.

### مسأله ۲۹۶۶

ظاهراً تمام اقسام بیمه صحیح باشد، با به کار بردن شرایطی که ذکر شد، چه بیمه عمر باشد، یا بیمه کالاهای تجاری، یا ساختمان‌ها یا کشتیها و هواپیماها و یا بیمه کارمندان دولت یا مؤسسات یا بیمه اهل یک قریه یا شهر و بیمه عقد مستقلیست و می‌توان به عنوان بعض عقود دیگر از قبیل صلح آن را اجرا کرد.

### احکام رادیو و تلویزیون

### مسأله ۲۹۶۷

رادیو و تلویزیون دارای منافع حلال عقلانی و منافع حرام است از نظر اسلام و جایز است انتفاع بردن از آنها به نحو حلال، از قبیل اخبار و مواعظ از رادیو و نشان دادن چیزهای حلال برای تعلیم و تربیت صحیح، یا نشان دادن کالاها و عجایب خلقت از بر و بحر از تلویزیون و اما چیزهای حرام از قبیل پخش غنا، موسیقی مطرب و اشاعه منکرات و ترویج باطل و ارایه چیزهایی که اخلاق جامعه را فاسد و عقاید آنها را متزلزل می‌کند، حرام و معصیت است.

### درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به



هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

